

سخنرانیهای

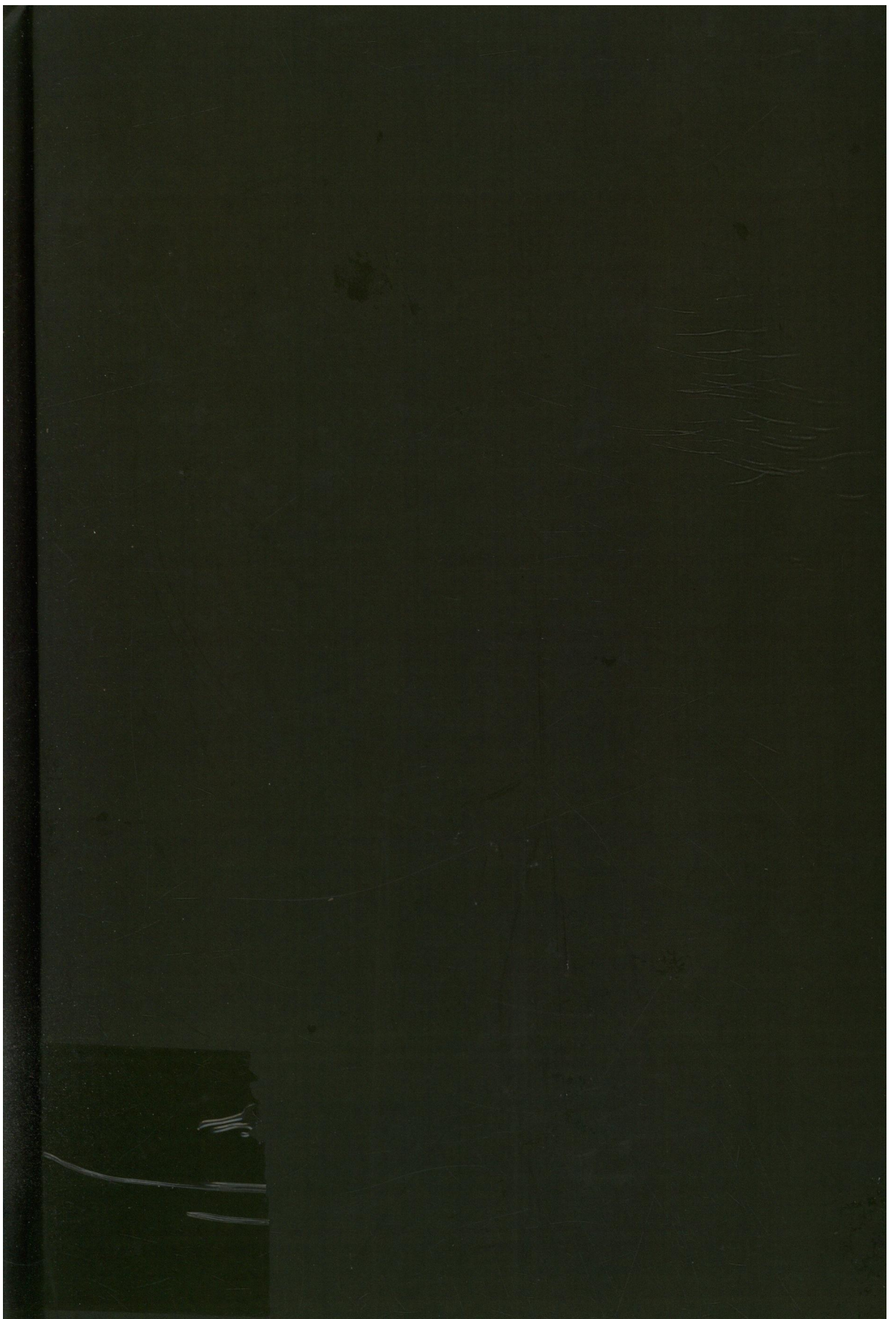
دومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره

خانواده و فرهنگ

با همکاری

امور فرهنگی دانشگاه تهران

ارائشارات اداره کل کارش وزارت فرهنگ و هنر



سخنرانی دومین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره خانواده و فرهنگ

۲	۲۰۰
۳۶	۳۵

221

0993 • 114

[Faint handwritten text, possibly a signature or name]



کتابخانه ملی و اسناد



سخنرانی‌های

دوین دوره جلسات سخنرانی و بحث درباره

خانواده و فرهنگ

با همکاری

امور فرهنگی دانشگاه تهران

از انتشارات اداره کل انتشارات وزارت فرهنگ و هنر

بمناسبت جشن فرهنگ و هنر

آبانماه ۱۳۵۴



تن پیام شاهنشاه آریمهر بنابست تشکیل مجمع بحث درباره خانواده و فرهنگ

برگزاری مجمع بحث درباره خانواده و فرهنگ بهنگام جشنهای فرهنگ و هنر قدم نوثری است در شناخت بخشی از میراث ارزنده ملی یعنی شناسن فرهنگی خانواده در ایران روشن شدن احتیاجات جامعه کنونی ایران بررسی بنیاد آینده بی آن سلسله مجامعی ریزی فرهنگسکی که خانواده ایرانی امروزه بدان نیاز مند است برداشته میشود.

خانواده بنیان استوار جوامع بشری است از کمترین دورانها تا کنون دارای آثار اساسی بقوامی معطل بوده است در طول تاریخ کشور کمسالان نیز همیشه این گانون از مهمترین عوامل پاسداری آیت ایرانی بشمار میرفته و نقشی اساسی در حکم بهستکیهای قومی و آشناسانصن فرزندان این آب و خاک به وظائف و مسئولیتهای ملی و میهنی آنان داشته است. خانواده در ایران همواره همدر پرورش فرزندان بوده است که عشق بوطن نگهبانی مرز و بوم در نهاد آنان باشیر لندزون میشدند و چون خانواده طبعاً نخستین پرچمیه است که در فرهنگ اندوزی و ادب آموزی همگان از آن سیراب میشوند. بدینست که بزرگان ادب ایران در کتب حکمت عملی و بدینفرزل این موضوع توجهی عین بندول داشته اند. نوشته های او استام و دیگر دو دیگر آثار معتمدس باستانی ایران دشخان فردوسی طوسی، کویه رازی، قابوس و شکیر، امام محمد علی خواجهر نصیر طوسی

بسیار اندیشمندان دیگر که در زمینه اخلاق و روابط خانوادگی و اجتماعی بشیوهی عمد خود اثری بجای نهماده
 برهانی روشن بر اهمیت بنیان خانواده و احترام خاصی است که این نهاد اجتماعی در میان ایرانیان داشته است .
 خانواده ها همیشه پاسداران فرهنگ تمدن نیاکان بوده اند آنچه به مرور ایام از خانواده های بر خانواده های سیرت
 میراثی زاد و بومی است که فرزندان خانواده وظیفه نگاهبانی آن را بر عهده داشته اند . امروز چنین وظیفه
 باسئولتیی بیشتر بر عهده ی تمام خانواده های ایرانی است . زیرا در جهان امروز که دامنهی ارتباطات و کثرت
 در کثرتش است امکان برخورد تمدنها بیشتر شده است بهین علت ، زنده نگه داشتن توجیه فرهنگ ملی و چندان
 ضرورت دارد .

فرهنگ بار و پر مایه ی ایرانی همیشه طی تماس و برخورد با دیگر فرهنگها ، بر غنای خود افزوده است برای سبکی
 امروزه چنین ثمرات نیکویی به بار آید باید شناخت و معرفی میراث معنوی ایران از توجه و تاکید خاصی برخوردار باشد .
 از این رو و باید با توجهی عمیق و واقع بینانه بر اهمیت مسؤلیتهای خانوادگی و وظائفی که این قانون راه حفظ نهادها
 ملی و میراثهای فرهنگی و پرورش درست فرزندان دارد دگرگشت و راههای مقرون به صلاح ملی را اختیار کرد .
 خاصه وسایل ارتباط جمعی باید بیش از پیش در انجام وظایف حساس خود از ارزشهای فرهنگی و سنتهای ملی و مبانی
 اخلاقی و معنوی جامعه ی ایرانی الهام گیرند و افزایش ارزش و پیش خانواده استحکام مبانی اخلاقی را از محترم
 و وظائف خود بدانند .

در انقلاب ایران نسبت بحاکمیت خانواده و خاصه حفظ شئون اجتماعی زن که پایه‌ی اصلی استواری خانواده است،
قدمهای مؤثری برداشته شده و چون منظور است حکام هر چه بیشتر کانون خانواده کی بوده، مقررات و اصولی اقتضای
مصلح بطبیعی و تاریخی و منطبق با موازین علمی بوضع عمل درآند است تا زمان ایرانی از مواهب آزادی برابری انسان
برخوردار باشند و خانواده‌ی ایرانی استوارتر و همیشه تر از همیشه در راه انجام وظائف اجتماعی و مسئولیت نگه‌داری و تربیت
دیرینه خود در این روزگار پرکشش که جامع بشری و بالطبع خانواده‌ها در جریان لگرونیهای بسیار قرار گرفته‌اند،
توفیق یابد .

امید داریم کتبی محققان شرکت کنندگان در این مجمع با تبادل افکار و آراء و صائب نظرات علمی که
برای ثبات بیشتر خانواده مؤثر تواند بود، همچنان از دقایق و نکات تازه‌ی علمی برخوردار سازند و مسئولان ادراجه‌ی
سیاستهای فرهنگی و اجتماعی یاری دهند .



فهرست

۴	گزارشی دربارهٔ دومین مجمع بحث در مورد خانواده و فرهنگ
۸	دربارهٔ خانواده و فرهنگ
۱۴	درآمدی بر تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیون
۳۴	بررسی محتوای کتب درسی دورهٔ ابتدائی
۶۵	بررسی محتوای کتابهای غیردرسی کودکان و نوجوانان (۱) ضمیمه‌ی
۹۸	شماره و نام و نشان ۲۰۰ داستان عامیانه مورد بررسی (۲) ضمیمه‌ی
۱۰۱	شماره و نام و نشان ۱۰۹ داستان معاصر مورد بررسی (۳) ضمیمه‌ی
۱۰۳	نام نویسنده‌ها (به ترتیب الفبائی) و شمارهٔ داستان‌ها

	بررسی محتوای مجله‌های پیک برای کودکان و نوجوانان
۱۰۵	گروه سنی ۳ تا ۱۴ سال
۱۲۶	واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران
	پیوست (۱)
۱۳۴	پراکندگی جغرافیائی نمونه‌گیری
	پیوست (۲)
۱۴۰	چند فهرست موضوعی از واژه‌های کودکان
	بررسی محتوای برنامه‌های رادیو ایران - تجزیه و تحلیل
۱۵۹	مضامین گوناگون برنامه‌های رادیو ایران (فرستنده اول)
	فصل اول
۱۶۱	رادیو در جامعه امروز ایران
	فصل دوم
۱۶۹	مشخصات کمی و کیفی برنامه‌های رادیو ایران
	فصل سوم
۲۱۱	زبان رادیو ایران
۲۲۲	تحلیل محتوای آداب و رسوم مربوط به کودک
۳۱۷	کودک در برابر پیامها
	بخش اول
	ویژگیهای جمعیت نمونه و تماس کودکان با وسایل ارتباط جمعی
۳۲۴	فصل اول - مشخصات جمعیت نمونه

فصل دوم - كودك در برابر راديو ، تلويزيون ، سينما و تئاتر ،

۳۳۸

مطبوعات و كتب غير درسى

بخش دوم

۳۶۵

بازتاب خانواده ، مدرسه و تلويزيون در نزد كودكان

۳۶۷

فصل اول - احساس كودكان نسبت به كانون خانواده

۳۸۱

فصل دوم - احساس كودكان نسبت به مدرسه

۳۸۹

فصل سوم - احساس كودكان نسبت به تلويزيون

۳۹۴

فصل چهارم - ادراك كودكان نسبت به روابط بين بزرگترها

گزارشی دربارهٔ دومین مجمع بحث در مورد خانواده و فرهنگ

دومین مجمع بحث درباره خانواده و فرهنگ مانند سال گذشته در مجموعه فعالیتهای جشن فرهنگ و هنر جای یافت و جلسات آن در دانشگاه تهران به مدت سه روز از سیزدهم آبانماه هر روز بعدازظهر تشکیل گردید . مجمع سال قبل صورتی بنیادی و عمومی داشت و بالنتیجه مباحث آن جهاتی بسیار متنوع می پذیرفت . تم آن خانواده و فرهنگ در معنای وسیع این دو مفهوم بود . از این رو ، مباحث به مشخصات خانواده و فرهنگ از ادوار گذشته تا زمان حال مربوط میشد و حتی آینده را نیز در می گرفت . مجموعه ای از سخنرانیهای این مجمع فراهم آمد و توسط وزارت فرهنگ و هنر منتشر گردید . مجمع کنونی بطور بسیار طبیعی ، باموضوعی خاص مرتبط گردید ، و از این رو ، نسبت به سال قبل صورتی تخصصی پذیرفت . بنابراین ، بر تحقیقاتی دقیق و مستند که بهمین منظور از مدتها قبل فراهم آمده است ، متکی گردید و بمنظور تبادل نظر بهتر در باب هر یک از مباحث از گروهی از دانشمندان و متخصصین دعوت بعمل آمد که هر یک از مباحث عنوان شده را بدقت مورد امعان نظر قرار دهند . نتایج هر یک از تحقیقات که موضوع سخنرانیهاست ، در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت و هر یک از محققین دقایقی نیز در اختیار داشت تا رؤس عمده یافته هایش را مطرح نماید .

تم اصلی مجمع سال جاری آموزش فرهنگ در خانواده بود . از این رو ،

بررسی محتوی آموزشی پیامهای فرهنگی که خانواده ، علی‌الخصوص در جامعه شهری ایران متأثر از آنست مورد توجه قرار گرفت .

اگر در خانواده سنتی والدین انتقال میراث فرهنگ را به کودکان برعهده داشتند ، خانواده کنونی از این نظر در برابر رقباتی تازه قرار دارد با پیامهایی بسیار گوناگون و گاه متعارض . پیدایش مدرسه ، گسترش کتب غیردرسی و رسوخ آن به درون خانواده ، ورود تلویزیون ، رادیو ، مطبوعات به حریم خانواده هر لحظه این سازمان را با انبوهی از پیام و خبر مواجه میسازند .

تنوع و گاه تعارض درونی پیامها ، اعضاء خانواده را در تحیر و گاه تردید قرار میدهند . پیدایش شبکه نسبتاً هماهنگ ارزشی را به تأخیر می‌افکند و گاه تردید در برابر هر واقعت به تعدد شخصیت اعضاء آن ، تأخیر و اکش و احتمالاً بروز عکس‌العمل‌هایی بسیار نامتجانس از جانب آنان می‌انجامد . این سرنوشت درجوامعی که متأثر از دیگر فرهنگها هستند و همراه با ورود زیربنای تکنولوژیک ارزشهای جامعه صنعتی نیز بر آنان رخنه نموده است . بیشتر آشکار است . چه ، این ارزشها با مقتضیات جامعه‌ایکه بر آن وارد شده‌اند ، بکلی ناآشناست .

بنابراین ، بررسی ماهیت پیامها ، شناخت تناقض درونی و احتمالی آنان از دیدگاهی وسیعتر (با در نظر گرفتن منبع هر پیام و علل تناقض) میتواند به شناخت ماهیت هر یک از آنان (باتوجه به نوع وسیله انتقال دهنده پیام) و در نهایت به انطباق پیامها با شرایط جدید اجتماعی مدد رساند . درعین حال ، از خنثی شدن اثرات منابع گوناگون فرستنده پیام جلوگیری کند . همچنانکه اعضاء خانواده را مدد رساند تا از ورطه تناقضات ارزشی برهند. با این آگاهیهای علمی هم به حفظ ارزشهای سنتی خانواده ایرانی کمک میشود و هم آنکه دستاوردهای این مجمع بصورت راهنمایی مفیدی در اختیار مجریان قرار میگیرد ، تا تحکیم این واحد اساسی یعنی خانواده در عمل میسر گردد .

نتایج این مجمع ، بطور قطع ، هر سازمان فرستنده پیام را نیز مفید خواهد بود ، زیرا هم شناخت مشتریان پراکنده‌اش را در لابلای طبقات گوناگون اجتماعی و در مناطق مختلف جغرافیائی میسر خواهد ساخت و هم چگونگی ادراکی که آنان از آن دارند ، مشخص میگردد .

باید یادآور شویم مسئولیت برگزاری مجمع بحث درباره فرهنگ و خانواده بطور طبیعی بعهده امور فرهنگی دانشگاه بود زیر نظر معاون دانشجویی دانشگاه که وظیفه شخصی خود میدانم از تمامی کوششهاییکه در جهت پیدایش و اعتلاء این امور مبذول میدارند ، سپاسگزاری نمایم . همکارانم ، در امور فرهنگی

(مخصوصاً گروه هنرها) هریک بنحوی در پیشبرد این هدف صمیمانه کوشیدند که بدینوسیله مراتب امتنان دانشگاه متوجه آنانست .

تشکیل این مجمع مرهون کوششهای مستمر آقای دکتر بهنام معاون برنامه‌ریزی دانشگاه و آقای دکتر ستاری است که بعنوان رابط وزارت فرهنگ و هنر درین زمینه نهایت کوشش را مبذول داشتند .

این مجمع ، جلوه‌ای است دیگر از همکاریهای مستمر دانشگاه تهران با وزارت فرهنگ و هنر ، سهم بسیار برجسته وزارت فرهنگ و هنر در آن هم در تأمین هزینه‌های بسیاری از تحقیقات این مجمع و هم در مدهای فکری است که در تمامی مراحل از آن برخوردار بوده‌ایم .

لازم میدانم از توجهات خاص جناب آقای پهلبد در امر گسترش فرهنگ در دانشگاه تهران نهایت سپاسگزاری نمایم .

مجمع کنونی حاصل تلاشهاییرا عرضه میدارد که علاوه بر دانشگاه تهران ، کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان ، دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی ، مرکز مردم‌شناسی وزارت فرهنگ و هنر ، تلویزیون ملی ایران ، وزارت آموزش و پرورش ، با انجام تحقیقاتی مستند و بهمین منظور خاص ، تهیه دیده‌اند ، جا دارد ، یک‌یک این سازمانها سپاس دانشگاه را ازاینکه به دعوتش پاسخ مثبت داده‌اند ، بپذیرند .

بدین ترتیب ، مجمع کنونی با صورتی وسیعتر ، با برنامه‌ریزی از ماهها قبل و با کوشش تمامی این سازمانها و مسئولان آنان فراهم آمد .

بمحض اتمام جلسات کوشش‌هایی مکمل در دو جهت بمنظور استفاده هرچه بیشتر از نظراتیکه توسط متخصصان امر فرهنگ و خانواده طی تمامی جلسات ارائه گردیده ، صورت گرفت : اول آنکه هریک از محققانیکه در این مجمع تحقیقی ارائه دادند ، نتایج کار خودرا که بدین ترتیب به بحث و امعان نظر در بالاترین درجات آن گذاشته شده بود بمنظور چاپ در دومین مجموعه مورد تجدیدنظر قرار دادند ؛ و نتایج آن که درین مجموعه انتشار می‌یابد شامل دو قسمت خواهد بود : آنچه با تحلیل محتوی وسایل ارتباط جمعی وآداب و رسوم مربوط به کودک مرتبط میشود و آنچه از تحقیقی در خانوارهای تهرانی بمنظور شناخت واکنش کودک در برابر پیامها برمی‌آید .

دوم آنکه ، در بعضی از این تحقیقات منابع وسیع آماری فراهم آمده بود که قسمتهائی از آن به تحلیل نهاده شده و گزارشهایی دیگر نیز بر همین مبنا فراهم آمد .

باشد که تمامی این کوششها در تداوم جلسات این مجمع و با صورتی

هرساله بهتر ، درشناخت بهتر فرهنگ ایران از دیدگاه خانواده موثر افتد ، هم برگزینه ذخایر فرهنگی ایران بیفزاید وهم با شناخت بهتر خانواده و مسائل هرروز دگرگون آن ، همبستگی آنرا تحکیم بخشد وهم آنکه از این طریق آورده‌هائی تازه ارمغان محققان و دانش‌پژوهان جهان گردد .

درباره خانواده و فرهنگ در ایران

درباره خانواده و فرهنگ در ایران*

دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی نیم قرن اخیر بر ساخت، وظایف و فرهنگ خانواده ایرانی تأثیر بسیار گذاشته است و هرچند از جهشی در این زمینه نمی‌توان سخن گفت ولی واقعیت آن است که تحول این نهاد اجتماعی بسیار سریع بوده است.

مراحل مختلف این تحول، از خانواده سنتی به نوعی که برای آسانی بحث نام آنرا خانواده جدید می‌گذاریم، هنوز به درستی شناخته نیست و نمی‌توان به آسانی، آنچنانکه برخی از محققان کرده‌اند، این تحول را با تکرار این مطلب که خانواده از شکل گسترده پدرسری به شکل کوچک زن و شوهری در تغییر است تشریح کرد.

شاید توصیف دقیق خصوصیات ساختی و وظایف خانواده قدیم و مقایسه آن با خصوصیات خانواده های ایران امروز یکی از راههای طرح مسأله باشد و این کاریست که فرصتی دیگر می‌خواهد. در این نوشته تنها به ارزشهای فرهنگی خانواده در گذشته و حال و عوامل مؤثر در دگرگونی آن اشاره خواهد شد.

* این نوشته خلاصه‌ایست از گفته‌های جمشید بهنام در نخستین جلد مجمع بحث و گفتگو درباره خانواده و فرهنگ.

فرهنگ خانواده سنتی براساس اعتقاد به «سلسله مراتب» و وحدت و مرکزیت گروه خانوادگی استوار است. «اعتبار و قدرت» رئیس و «اطاعت» اعضاء که نتیجه آن به قول جامعه‌شناسان «روابط عمودی» درون خانواده است جزئی از یک نظام کلی قدرت‌گرائی است که در جوامع آسیائی و افریقائی دیده می‌شود. مظاهر این نظام در «برتری جنس مذکر» و «حکومت سالمندان» به چشم می‌خورد که سلسله مراتبی از نظر ارشدیت سنی و جنسی به وجود می‌آورد. رئیس خانواده در غالب موارد مسن‌ترین فرد مذکر است. جد، پدر بزرگ، عمو، پدر، برادر ارشد. این سلسله مراتب اتفاقی نیست بلکه نشانه‌ایست از یک احترام مقدس به هرچیزی که قدیم است و نیز مقامی که جنس مذکر در این فرهنگ دارد. در این فرهنگ هرچه که جوان، تازه و در نتیجه بی‌تجربه‌است از ارزش لازم برخوردار نیست.

زن در قیمومت دائمی است. دختر تحت سلطه پدر است و خواهر تحت سلطه برادر و زن تحت فرمان شوهر. هرجنسی از دوران کودکی برای ادای نقش خود آماده می‌شود. پسر برای حمایت کردن و فرمان دادن و دختر برای اطاعت کردن و فرزند آوردن و زیبا و مطلوب بودن.

چون هدف اصلی ازدواج و یا لاقط مهم‌ترین هدف آن تولید نسل است لذا خانواده بی‌فرزندی را محکوم می‌کند و همان اندازه که مادر بودن اهمیت دارد قدرت جنسی و رجولیت مرد نیز مهم است. زن با مادر شدن می‌تواند قدر و ارزش بیابد چون جامعه فقط به مادر احترام می‌کند. مفهوم زن با مفهوم ناموس مرد و خانواده او توأم است. لزوم حمایت از ناموس خانواده (که در حفظ ناموس زنان خانواده تجلی می‌کند) نه تنها وظیفه پدر و برادر و شوهر است بلکه تمام افراد مذکر گروه خویشاوندی چنین تعهدی دارند. زن با خانه چنان عجین شده است که حتی در زبان عامیانه لغت منزل جای لغت زوجه را می‌گیرد.

زندگی در خانه و زندگی در خارج از خانه، زندگی در «اندرونی» و در «بیرونی» نشانه‌هایی است از اعتقاد به «محرم و نامحرم»، به «آشکار و نهان» به «خودی و بیگانه» که در طول قرون جامعه را به دو نیم کرده بود. دنیای مردان و دنیای زنان، «طبقه مردان» و «طبقه نسوان» که این دو کم‌وبیش مکمل یکدیگر هستند. امور مربوط به سیاست و اقتصاد و تقریباً انحصار دانش و معرفت کتبی از آن مردان است، کانون خانواده، تربیت بچه‌ها در نخستین سالهای زندگی و امور عاطفی در قلمرو زنان.

روابط میان زن و شوهر و والدین و فرزندان براساس مجموعه‌ای از اصول اخلاقی و الگوهای رفتاری از پیش معین شده است و کتب اخلاق در دوران

اسلامی تاریخ ایران تحت عنوان «تدبیر و سیاست اهل» به تفصیل از آن بحث کرده‌اند. روشهای مورد قبول این فرهنگ خانوادگی نیز شناخته شده بودند: ادب، احترام به بزرگتر، مهربان بودن با مادر، حفظ ناموس خانوادگی، کمک به خویشاوندان و همسایگان، قناعت و ذم سودجویی، اعتقاد به اجر معنوی و مانند آن.

ازسوی دیگر، فرهنگ عامه نیز به نوبه خود وظایف و رفتارهای فرد را معلوم می‌کرد و بدینسان اصول تربیت، اخلاق، کار، فراغت و آداب زندگی افراد از تولد تا مرگ روشن و تدوین شده بود و میراث اجتماعی و فرهنگی از خانواده به کودک انتقال می‌یافت. خانواده واحد تولید و مصرف است و درآمد خانواده تحت نظر رئیس خرج می‌شد و افراد خانواده درآمدهای مستقل پولی نداشتند. شغل نیز تابع خصوصیات خانوادگی است و گاهی تنها راه به دست آوردن شغل، تعلق به خانواده و به صنف شغلی خاصی است.

خانواده سنتی قسمتی عظیم از دینامیسم اجتماعی را به خود اختصاص می‌دهد. استخوان‌بندی اصلی براساس تبارها است و دولت نیز یکی از این تبارهاست که قدرت بیشتری به دست آورده است. فرد در رابطه با گروه خود است و میان فرد و جامعه رابطه مستقیمی وجود ندارد.

مشروعیت و هویت فرد در میزان تعلق او به گروه و توسط گروه مشخص می‌شود و در داخل گروه خانوادگی سلسله مراتبی دقیق از پایگاهها و نقشها برقرار است و شک و شبهه‌ای در حقانیت این پایگاهها و نقشها متصور نیست. بیگمان آنچه درباره خصوصیات فرهنگ خانواده سنتی گفته شد نظری کلی است و تفاوت‌های قابل توجهی میان فرهنگ خانواده‌های شهری، روستائی و ایلی ویا ثروتمند و مستمند دیده می‌شود.

از چندسال پیش دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی موجب شد که جامعه سادگی قدیم خود را از دست بدهد و گروههای گوناگونی از لحاظ ساخت و وظیفه پدیدار شوند و روابط میان این گروهها پیچیدگی بسیار پیدا کند. گروههای نخستین (مانند خانواده . . .) در کنار گروههای ثانوی (گروههای شغلی، مرامی) قرار گیرند و روابط خانوادگی جزئی از مجموعه روابط اجتماعی گردد. در این دوران افراد به وجود خود به عنوان افراد يك ملت، اعضاء يك جامعه وجدان پیدا کردند، دولت مظهر این جامعه کلی، موجب ایجاد سلسله مراتب جدید و پایگاهها و نقشهای تازه شد و افراد، مستقل از وابستگیهای خانوادگی و بیشتر به خاطر تحصیلات و تخصص خود پایگاه‌هایی در جامعه بدست آوردند. دیگر تعلق به يك تبار، هویتی برای آنها به شمار نرفت بلکه خاندانها

به خاطر داشتن افراد سرشناس و موفق اعتباری یافتند .
کار مستقل در خارج از خانه ، انفرادی شدن درآمدها ، امکانات تحرك
اجتماعی و شغلی از یکسو و پدیدار شدن خانواده‌های کوچک زن و شوهری از
سوی دیگر مبانی اقتصادی و اجتماعی خانواده را دگرگون کرد .

نقش دولت در این میان بسیار مهم بود : قوانین مربوط به آزادی مدنی
و اقتصادی زن و حمایت از کودک موجب شد که زن‌ها از سطح خانگی به سطح
اجتماعی ارتقاء یابند و جوانان به عنوان افراد يك جامعه و نه فقط اعضاء يك گروه
خانوادگی بتوانند خود در سرنوشتشان مؤثر باشند (انتخاب رشته تحصیلی ، شغل ،
همسرگزینی و . . .)

تغییر وضع زنان و جوانان و کودکان و حمایت دولت از این گروه‌ها شکل
جدیدی را در روابط خانوادگی به وجود آورد . مثلث جدید شوهر ، زن ،
کودکان با روابطی خاص جانشین روابط عمودی سابق در درون خانواده شد و
روابط خانوادگی به معنی اخص به رابطه زن و شوهر بایکدیگر و والدین و فرزندان
منحصر گردید .

البته نباید تصور کرد که خانواده سنتی در مملکت ما جای خود را کاملاً
به خانواده نوع جدید داده است بلکه فقط می‌توان گفت که در اثر عواملی که
به مهمترین آنها در این نوشته اشارت رفت خانواده سنتی در تحول خود اینک
اشکال مختلفی یافته است که شاید بتوان آنها را شکلهای برزخی نامید . مانند انواع
خانواده زن و شوهری ، خانواده زن و شوهری با ملحقات ، خانواده پدری توسعه
یافته ، خانواده زن و شوهری مهاجر و . . . که از لحاظ ساخت ، وظیفه و ارزشهای
فرهنگی مورد قبول ، تفاوت‌های بسیار دارند .

این چندگانگی امری طبیعی است زیرا برخلاف مغرب زمین که در آن
ماکروسیستم اجتماعی و میکروسیستم خانواده همزمان و در ارتباط با یکدیگر
دگرگون شدند در ایران نخست تحولات اجتماعی موجب تغییر مبانی قانونی و
فکری خانواده شد و آنگاه نظام خانواده تحول خود را آغاز کرد .

همزمان با این تغییرات ساختی و محدود شدن وظایف ، در محتوی
فرهنگ خانواده نیز دگرگونی‌هایی شروع شده است که نتیجه تحول ارزشهای
فرهنگی در تماس فرهنگ ایرانی با فرهنگ غرب است و خواست نوگرایی (به
معنای قبول ارزش‌ها و رفتارهای مربوط به اقتصاد و تکنولوژی جدید) در غالب
قشرهای اجتماعی .

به طور کلی می‌توان گفت که خانواده‌های شهری ایرانی در برابر چندنوع
الگوی فرهنگی قرار گرفته‌اند :

نخست فرهنگ سنتی با همه ارزشهایش که آداب و رسوم و تاحدی تعلیمات مدرسه پاسدار آنست. دوم فرهنگ غرب که با اتکاء به زمینه‌های کهن (یونان، رم، مسیحیت، رنسانس) با فرهنگ صنعتی تکامل پیدا کرد و در پنجاه سال اخیر کم‌وبیش به کشور ما راه یافت. سوم فرهنگ غرب بصورت کاذب آن که تفسیر و برداشت غلطی است از فرهنگ غرب و از طریق مجله، فیلم و سفرهای کوتاه بعضی از ایرانیان و ارزشیابی شتابزده ایشان از ارزشهای غربی در جامعه ما شایع شده است و بالاخره قبول فرهنگ غرب با توجه وارج نهادن به سنتهای ایرانی که عده‌ای از روشنفکران امروزی ایران در رواج آن می‌کوشند.

پیام‌آور این مدل‌های فرهنگی مدرسه، کتاب و وسایل ارتباط جمعی هستند که خانواده را سخت تحت تأثیر قرار داده‌اند.

۱۱۴۷۷۵ ساعت پخش برنامه رادیویی و بیش از ۷۰۰۰ ساعت برنامه تلویزیونی فقط از برنامه شبکه در سال اهمیت این دو وسیله را نشان می‌دهد.

مطابق آخرین آمارها در حدود ۶ میلیون دستگاه رادیو و بیش از ۶۰۰ هزار دستگاه تلویزیون در ایران وجود دارد. به‌طور متوسط هر خانواده تلویزیون‌دار ایرانی بین ۳ تا ۴ ساعت در شبانه‌روز تلویزیون نگاه می‌کند و این متوسط برای بچه‌ها ۲/۵ ساعت است. از سوی دیگر می‌دانیم که برای هر هزار نفر ۱۰ صندلی سینما وجود دارد و در کنار همه اینها تعداد کودکان و نوجوانان که به مدرسه می‌روند حدود ۵ میلیون نفر است.

نتیجه آنکه فرهنگ جدید با مدل‌های مختلف خود در خانواده راه می‌یابد و موجب پیدا شدن تضادهایی در زمینه ارزشها و رفتار می‌گردد.

از یکسو میان الگویی که مدرسه و کتاب درس می‌دهد و (معمولاً الگویی ایده‌آلی است) با آنچه که تلویزیون و سینما ارائه می‌کنند و واقعیات خوب و بد زندگی در آن منعکس است تضادی وجود دارد و از سوی دیگر میان این پیامها و فرهنگ سنتی خانواده تفاوت زیاد دیده می‌شود.

بیگمان همواره و در همه جوامع میان نسلهای متفاوتی وجود داشته است ولی مسأله تازه آنست که در دوران انتقالی جوامعی مانند جامعه ما دگرگونی چنان سریع است که این اختلاف زمان نسلهای جنبه جاذبه به‌خود می‌گیرد و میان فرزندان و پدر و مادر در درون یک خانواده زن و شوهری و نیز میان خانواده زن و شوهری و شبکه خویشاوندی جدائی می‌افتد. خصوصاً در خانواده‌هایی که پدر و مادر از تحصیلات پیشرفته برخوردار نیستند فرزندان که به مدرسه می‌روند آگاهیهای بیشتری از پدر و مادر دارند و به همین علت است که موضوع

«جامعه پذیری» کودکان صورتی تازه پیدا می‌کند و این کودکان هستند که در غالب زمینه‌ها خصوصاً دانش جدید و اطلاعات عمومی درباره مسائل جهان امروز مطالب بسیار به والدین خود می‌آموزند.

خانواده جدید و لاقول خانواده جدید شهرنشین در برابر مفاهیم تازه‌ای چون: موفقیت در زندگی شغلی، تساوی بین دوجنس، ارزش پول و پس‌انداز، اعتقاد به علم و قاطعیت آن، اعتقاد به امکان دگرگونی قرار گرفته است و خصوصاً جوانان این خانواده‌ها به سوی ارزشهای کاذب مصرفی جلب شده‌اند. بدون شك میزان قبول و یا مقاومت خانواده‌ها در برابر این ارزشهای جدید متفاوتست و عواملی چون میزان تحصیلات، شغل و خصوصاً درآمد در این زمینه بسیار مؤثر هستند. به طور مثال می‌توان گفت پدر و مادر در خانواده‌های کم‌درآمدتر در برابر تحول تأثیرپذیری کمتری دارند و در نتیجه میان والدین و فرزندان آنها (که به مدرسه می‌روند و فیلم تماشا می‌کنند) فاصله بیشتری پدیدار می‌شود، درحالی‌که در خانواده‌های زن و شوهری ثروتمند والدین قبول کرده‌اند که باید فرزانشان با ضوابط دنیای جدید تربیت شوند. در خانواده‌های با درآمد متوسط است که بیشترین تضاد میان والدین و فرزندان دیده می‌شود. چون والدین هم می‌خواهند متجدد باشند و هم در ضمن پای‌بند سنت هستند و در نتیجه نظر و رفتار ایشان متفاوتست.

همچنین تحقیقات در این زمینه نشان داده است که به تریبی که درآمد خانواده بالا می‌رود توقعات دیگری غیر از پول درآوردن از پدر هست و همچنین نقش توأم برای پدر و مادر در نظر کودک وجود دارد درحالی‌که در طبقات کم‌درآمد پدر کسی است که پول می‌آورد و مادر فردی است که خانه را اداره می‌کند. آنچه گفته شد، نشان دهنده این واقعیت است که خانواده‌های ایران در دوران تغییرات ساختی خود مواجه با انواع الگوهای فرهنگی هستند، و این مطلب موجب چندگانگی ارزشهای فرهنگی در درون خانواده شده است. تنها تحقیقات دقیق در زمینه شناخت تضادها و تناقضات در پیامهای فرهنگی است که می‌تواند دستگاههای مسئول را در ایجاد یک سیاست فرهنگی هماهنگ مدد کند. چنین سیاستی شاید بتواند تاحدی تعادل لازم را در فرهنگ خانواده به وجود بیاورد.

علی اسدی - شهیندخت خوارزمی -
محمد عابدینی - عباسعلی محمدزاده -
علی خاکی صدیق

درآمدی بر تحلیل محتوای برنامه‌های تلویزیون

مقدمه

تحلیل محتوای رسانه‌های همگانی (سینما، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و کتاب) حوزه‌ای تازه از پژوهش است که توسط پژوهشگرانی مانند هارولد لائوسول و برلسون از چند دهه پیش در آمریکا باین امید آغاز شد که محتوای این رسانه‌ها بصورتی منظم تحلیل شود. زیرا که با افزایش سیل آسای پیام که از مجاری گوناگون رسانه‌ها به جامعه سرازیر شده بود دیگر روش قدیم تحلیل که بر مبنای ذهن و درون فهمی بنا شده بود کافی بنظر نمی‌رسید. پس لازم بود که ابزارهای تازه‌ای فراهم شود که بتواند این سیل پیامها را بصورتی عینی و دقیق تجزیه و تحلیل کند.

برنارد برلسون که از بنیان‌گزاران روش تحلیل محتوا است، این روش را بدین صورت توصیف می‌کند: «تکنیکی از پژوهش که در آن محتوای آشکار

ارتباطات بمنظور استنتاج بصورت عینی، منظم و کمی توصیف میشود^۱. ولی از آنجا که این شیوه خود بازتابی از شیوه کاملاً ذهنی سنتی تحلیل محتوا بود، به نوعی جادوی ارقام منتهی شد تا به یاری کمیته پردازشی منظم، لباس «علم» به تن کند و در صف سایر علوم مورد پذیرش قرار گیرد و همین کمیته زدگی یا عددزدگی افراطی است که سوروکین از آن بنام «Quantophrenie» یا جنون کمیته در علوم اجتماعی نام میبرد و آنرا خطری برای این علم میداند. کوشش برلسون در جهت کمی ساختن تحلیل محتوا روشی را بوجود آورد که بر مبنای عینیت، نظم و کمیته قرار دارد. از آن زمان شیوه مزبور (تحلیل محتوا) مورد خرده گیری و مخالفت های زیادی قرار گرفته است، تا جائیکه مجدداً روشهای ذهنی اعتبار تازه ای یافته است.

یکی از انتقادات اساسی که به شیوه تحلیل محتوا شده از طرف مک لوهان است. مک لوهان معتقد است که روش تحلیل محتوا مارا هرگز به شناخت طبیعت واقعی رسانه ها نخواهد رساند. زیرا بنظر او محتوا اصولاً طعمه فریبنده ای است برای انحراف توجه در حالیکه در همان زمان «رسانه» آنچنان تأثیرات عمیقی بر افراد میگذارد که ما از آن بکلی غافلیم. مک لوهان میگوید: «محتوای رسانه را میتوان به آن قطعه گوشتی که سارق جلوی سگ نگهبان میاندازد تا سرش را مشغول کند تشبیه کرد»^۲. بدین سان مک لوهان با نجا میرسد که پیام واقعی همان رسانه است و میگوید: تحلیل محتوا برنامه ها نه از قدرت جادویی رسانه ها و نه از قدرت تصعیدکننده آن خبر میدهد^۳ از اینجهت به نظر او قدرت رسانه ها نه در محتواي آن بلکه در خود آنها نهفته است.

رسانه های نوین، به عنوان امتداد حواس انسانی است در حالیکه در زمان واحد تعداد کثیری از افراد را دربرمیگیرد، «حوزه ای همزمان» بوجود میآورد که از فردگرایی ناشی از اختراع گوتنبرگ فراتر رفته و مجدداً شرایط و نیاز را برای مشارکت و گفتگو در افراد بیدار میکند و از جهان پراکنده برای بشریت نوعی «دهکده جهانی» میسازد. نظریات مک لوهان هرچه باشد در آن يك واقعیت انکارناپذیر وجود دارد و آن اینکه رسانه های همگانی دنیای ما را کوچکتر کرده و فضائی را که در آن زیست میکنیم تنگتر ساخته است این

1 - B. Berleson, content analysis in communication research. The Free press, 1952.

2 - McLuhan (Marshall), Understanding Media.

3 - McLuhan (M), Calaxie Gutenberg.

وضعیت تازه که زائیدهٔ تکنولوژی الکترونیک است، بر ساختمان روانی و اجتماعی تأثیری آرام ولی عمیق باقی میگذارد. بعلاوه با توجهی که امروزه به محتوای رسانه‌های همگانی میشود تکیه مک لوهان بر اهمیت خود رسانه مستقل از درونه‌اش بسیار جالب است.

بنظر او درونه (محتوا) انعکاسی مستقیم دارد و بازتاب روانی فوری در فرد ایجاد میکند که توجه را بخود معطوف میدارد، معهدا پیامها همدیگر را خنثی میکنند و تعادل میبخشند. تأثیر این پیامها بمثابة جرقه‌ای است که هر چند درخشان ولی ناپایدار بوده و بعد از مدت کوتاهی آثارش از ذهن زدوده میشود. حتی طبیعت خود درونه‌ایکه بوسیله رسانه‌ها پخش میشود، این فراموشی سریع را تسهیل میکند. عبارت دیگر مک لوهان معتقد است مسئله‌ایکه رسانه‌های همگانی در برابر انسان امروز قرار میدهد دانستن این نیست که چطور انسان این رسانه‌ها را بکار میگیرد و یا باید بکارگیرد، بلکه بیشتر دانستن آنست که این تکنولوژی نوین چه با او میکند و از او چه میسازد.

با توجه به آنچه مک لوهان میگوید، باید بپذیریم که در تحلیل محتوا باید بیش از پیش به طبیعت رسانه توجه نمود. معهدا چنین بنظر میرسد که نظریه مک لوهان در باره اینکه «پیام رسانه است» نوعی افراط در اهمیت رسانه و کم اهمیت دانستن محتوای آنست. اگر بپذیریم که پیام و یا محتوا توجه را راحت‌تر بخود جلب میکند باید قبول کنیم که آن تکه گوشتی نیست که به سگ نگهبان میدهند تا توجهش را منحرف سازند.

تحلیل محتوا برخلاف آنچه مک لوهان معتقد است که راه بن‌بستی بیش نیست، راهی است که در آن بهتر از راه دیگر به شناخت و تحلیل رسانه میانجامد. تحلیل محتوای غالب مطبوعات صرفنظر از تمایلات ایده‌ئولوژیکی آنها نشان میدهد که همه آنها حاوی مطالب واحدی میباشند و یا همینطور در محتوای رادیو و تلویزیون کشورهای مختلف با وجود فرهنگهای متفاوت و ساختهای سیاسی و اقتصادی گوناگون تشابهات زیادی دیده میشود و آیا این امر نشان نمیدهد که تحلیل محتوا نه تنها ما را از طبیعت رسانه‌ها غافل نکرده بلکه بیشتر در این جهت ما را یاری میدهد؟ در تحلیل محتوایی که ما در صفحات بعد درباره برنامه‌های تلویزیونی انجام داده‌ایم، نه تنها تصویری از گرایشهای کلی فرهنگی ایران متحول را بروشنی میبینیم، بلکه از ورای آن برخی مشخصات انسان جامعه امروز ایران را دریافته و حتی به شناخت طبیعت خود تلویزیون و کارکردهای آن نائل میشویم.

تمام اینها بما نشان میدهد که رسانه‌های همگانی برخلاف آنچه تصور

میشود و مسائل فعل‌پذیری در دست انسان نیستند که هر چه بخواهد با آن انجام دهد و هر نوع محتوایی خواست در آن جای دهد. رسانه‌هایی که در جامعه کنونی هر یک بنوبه خود کارکردهای مشخصی را بعهدہ گرفته‌اند محتوای خاص خود را هم طلب میکنند. معینا نباید از تحلیل محتوا انتظار معجزه داشت. باید دانست که حتی مطالبی که میتواند مورد تحلیل قرار گیرد امکانات و حوزه عمل آنرا محدود میسازد.

روش تحقیق

روش این بررسی بطور کلی آن بوده است که برنامه‌های تلویزیونی بویژه برنامه‌هاییکه بنحوی با کودکان در ارتباط بوده است مانند برنامه کودکان و سریالها توسط عده‌ای از محققین بازبینی شد و بعد از میان آنها تعدادی بر حسب تصادف و یا اهمیت انتخاب و با متن نوشته آنها مقابله گردیده است. متن هر سریال یا برنامه کودکان به واحدهای تحلیل تجزیه شده و بعد کدبندی شده است. واحد تحلیل را نه جمله، نه کلمه، نه دقیقه‌ای از فیلم، نه سکانس و نه گفته‌های هر پرسوناژ، بلکه طبق پیشنهاد ویولت مورن «واحد خبری» انتخاب کرده‌ایم. این همان چیزی است که در پاسخ باین پرسش «از چه صحبت میشود» بدست می‌آید، این واحد برخلاف واحدهای «دربرگیرنده» مانند جمله، پاراگراف، سکانس و... یک واحد «درونی» خالص است. بعبارت دیگر بقول ویولت مورن «تقسیم‌بندی آن نه در بیرون بلکه در فکر انجام میگیرد».

در روش تحلیل محتوا سعی کرده‌ایم که چهار شرطی را که برنارد برلسون مطرح کرده‌است رعایت نمائیم.

۱ - عینیت: این بدان معنی است که واحد تحلیل محتوا و طبقه‌بندی آن نه بصورت ذهنی بلکه عینی انجام گیرد بدین منظور برای رعایت عینیت انتخاب واحد تحلیل و کدبندی‌ها به چند نفر محقق واگذار گردید و بعد نتایج کار آنها با یکدیگر مقایسه و بعد از تلفیق، واحدهای تازه‌ای بدست آمد و این امر که هر محقق کاربرد دیگری را بازرسی کرده است باعث شده که ذهنیت کار آنها تقلیل یافته و بر عینیت آن افزوده گردد.

۲ - منظم بودن: این بدان معنی است که سعی شده است تحلیل، تمام مسائل را که در محتواست دربرگیرد. این الزام ما را از آن باز میدارد که فقط مسائلی انتخاب شود که با میل پژوهشگران منطبق است.

۳ - توجه به محتوای آشکار: این الزام از این جهت است که پیش‌داوری پژوهشگر در امر استنتاج آواز پیام مؤثر نباشد. از این جهت ما کمتر به محتوای نهائی پیام توجه کرده‌ایم.

۴ - تحویل به کمیت : این بمعنی محاسبه دسته‌بندیهای حاصله و انجام محاسبات بر روی آنها و تحلیل فراوانی آنها بوده است .

محتوای پیامهای تلویزیونی از چند جهت مورد بررسی قرار میگیرد :

۱ - یکبار بر مبنای محتوای بیرونی یا ظاهری (Manifeste) پیامها ، که در این صورت میتوان برنامه‌ها را به دسته‌های زیر تقسیم کرد :

سرگرمی ، خبری ، آموزشی ، آگهی و غیره . این گروه‌بندی گرچه برخی از گرایشهای اساسی را در محتوای برنامه‌ها نشان میدهد ولی محدودیتهای خاص خود را دارد . این نوع گروه‌بندی بیشتر از نظر مقایسه برنامه‌های تلویزیونهای کشورهای مختلف بکار می‌رود و نتایج جالبی بدست داده است . فی‌المثل در تلویزیونهای تجارتي سهم سرگرمی بیشتر از تلویزیونهای غیر تجارتي است و همینطور گروه‌بندی مزبور برای بررسی تغییرات ترکیب برنامه‌ها در طول زمان نافع است . معذرا همانطور که گفتیم این دسته‌بندی دارای محدودیتهائی هم هست ، زیرا محققین کشورهای مختلف در دسته‌بندی برنامه‌ها با هم اشتراك نظر ندارند ، فی‌المثل در فرانسه ورزش جزء اخبار و در امریکا جزء برنامه‌های سرگرم کننده می‌آید . و یا موسیقی کلاسیک را بعضی‌ها جزء برنامه‌های سرگرم کننده و برخی دیگر جزء برنامه‌های فرهنگی می‌گذارند . بهر حال ما در تقسیم‌بندی خود از برنامه‌های تلویزیون ملی ایران موسیقی کلاسیک را جزء سرگرمی و ورزش را جزء برنامه‌های خبری آورده‌ایم .

نتیجه‌ای که از این دسته‌بندی بدست آمده است چنین است :

محتوای برنامه‌های «برنامه اول» در یک هفته اردیبهشت‌ماه چهار سال اخیر

جمع	خبری	فرهنگی و آموزشی	سرگرمی
دقیقه %	دقیقه %	دقیقه %	دقیقه %
۱۳۵۰	۱۷۴۴	۶۷۳	۲۳/۶
۱۳۵۱	۱۴۴۰	۸۲۵	۳۰/۲
۱۳۵۲	۱۶۵۴	۴۹۵	۱۸/۵
۱۳۵۳	۱۴۹۵	۸۱۵	۲۷/۷
میانگین	۱۵۸۳	۷۰۲	۲۵/۱

محتوای برنامه‌های «برنامه دوم» در یک هفته اردیبهشت‌ماه چهارسال اخیر

سرگرمی		فرهنگی و آموزشی		خبری		جمع	
دقیقه	%	دقیقه	%	دقیقه	%	دقیقه	%
۱۳۵۰	۵۲/۴	۴۰۰	۲۰/۹	۵۱۰	۲۶/۷	۱۹۱۱	۱۰۰
۱۳۵۱	۶۰/۹	۳۲۲	۲۰/۴	۲۹۶	۱۸/۷	۱۵۸۱	۱۰۰
۱۳۵۲	۶۳/۷	۴۳۷	۲۲/۴	۲۷۰	۱۳/۹	۱۹۵۰	۱۰۰
۱۳۵۳	۶۷/۸	۳۰۲	۱۷/-	۲۷۰	۱۵/۲	۱۷۷۵	۱۰۰
میانگین	۶۱/۱	۳۶۵	۲۰/۲	۳۳۷	۱۸/۷	۱۸۰۵	۱۰۰

نتایج بالا نشان می‌دهد که در هر دو برنامه سهم برنامه‌های سرگرم‌کننده و تفریحی بیشتر از برنامه‌های آموزشی و خبری است. این امر در عین حال نشان می‌دهد که سهم خیال و رؤیا در برنامه‌های تلویزیونی بیشتر از واقعیت است. عبارت دیگر بقول ادگار مورن تلویزیون و سایر رسانه‌های همگانی در کار ساختن نوع تازه‌ای از انسان، یعنی انسان خیالپرداز است و واقع‌گرایی برنامه‌های تلویزیون در حقیقت نوعی ایجاد تنوع، بخاطر آزرین بردن کسالت و یکنواختی زندگی روزمره است. مقایسه تحول سهم برنامه‌های سرگرم‌کننده، آموزشی و خبری در سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ نشان می‌دهد که اولاً سهم سرگرمی در برنامه اول (که یک برنامه برای عامه است) با نوسانی در سال ۱۳۵۳ کاستی گرفته و در عوض سهم آموزشی و خبری بیشتر شده است.

در برنامه دوم (که یک برنامه «سطح بالا» و مخصوص افراد تحصیلکرده است) برعکس سهم سرگرمی بتدریج افزوده شده و سهم آموزشی و خبری کاهش یافته است.

۲ - برای مطالعه عمیق‌تر برنامه‌ها همانطور که ب. ب. بن پیشنهاد می‌کند میتوان برنامه‌هایی را که دارای تماشاگر زیادی هستند از میان سایر برنامه‌ها انتخاب کرد و تجزیه و تحلیل را روی آنها متمرکز ساخت.

مطابق بررسی‌هایی که توسط کمیته سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در سال ۱۳۵۰ انجام شد معلوم شد که سریال‌های تلویزیونی بویژه سریال‌های ایرانی بیش از سایر برنامه‌ها تماشاگر دارد.

تجزیه و تحلیل ما از سریالهای تلویزیونی در ایران در نیمه اول سال ۱۳۵۳ نشان میدهد که بیشتر سریالها دارای تمهای اجتماعی، خانوادگی و پالیسی جنائی است. نوع اول ۳۴٪ و نوع دوم ۳۰٪ از کل سریالها را تشکیل میدهد.

جدول انواع سریالهای تلویزیونی

نوع سریال	تعداد	درصد
اجتماعی	۱۹	۳۳/۹
پلیسی جنائی	۱۷	۳۰/۴
جنگی - تاریخی	۴	۷/۱
اعجاب انگیز و ترس آور	۴	۷/۱
کابوئی	۴	۷/۱
کمدی	۳	۵/۴
پهلوانی	۱	۱/۸
قهرمانی	۱	۱/۸
عشقی و سکسی	۲	۳/۶
علمی و تخیلی	۱	۱/۸
جمع	۵۶	۱۰۰

در تحلیل سریالهای تلویزیونی به چند نکته اساسی برخورد میکنیم که عبارتست از: گریز از واقعیت، هنرپیشه پرستی، نیک بختی و پر خاشگری. اینک سعی میکنیم که هر یک از موضوعات بالا را بیشتر بشکافیم.

گریز از واقعیت: سریالهای تلویزیونی با نمایش داستانهای دل انگیز و ماجراهای اعجاب آور، تماشاگر را با خود بدنای خیال پرواز میدهد و او را از ملال زندگی روزمره میرهاند.

پرستش هنرپیشه ها: هنرپیشه در حقیقت نمایشگر نوعی زندگی سرشار از موفقیت و سعادت، زندگی متنوع و بدور از کسالت و بالاخره زندگی آرمانی است. پرستش هنرپیشه بویژه در میان کودکان و نوجوانان رواج دارد و هنرپیشه ها در رؤیای آنها مقام رفیعی دارند و در نتیجه الگوهای بسیار جاذبی برای آنها هستند.

نیک بختی : بقول ادگار مورن^۴ اندیشه نیک بختی در تمدن فردگرائی امروز به اوج رسیده است و در این راه ارزشهای متعالی و بزرگ قربانی چنین تمدنی شده است . قبل از هر چیز هنرپیشه تجسمی است از این نیک بختی ، در این صورت الگوئی است فرهنگی که آدمی به تقلید از آن برمیخیزد . از این که بگذریم برآستی عوامل متشکله این نیک بختی از نوع غربی که در سریالهای تلویزیونی بوضوح شکل میگیرد چیست ؟

در سریالهای تلویزیونی آنچه بیشتر بچشم میخورد عبارتست از : جوانی، تحرك ، موفقیت هرچه بیشتر (پول درآوردن) ، رفاه ، عشق ورزی و کامجویی (هرچند سطحی و غیر معمول) .

پرخاشگری و خشونت : پرخاشگری و خشونت بیش از هر رفتار دیگری روی پرده تلویزیون به نمایش گذاشته میشود . کمتر سریال تلویزیونی پیدا میشود که بکلی از صحنه های خشونت بار بی بهره باشد . از پرخاشگری به عنوان وسیله برای حل مشکلات روزانه در دنیائی که رقابت بی امان بالا میگیرد استفاده میشود .

آیا سریالهای ایرانی هم حاوی همین مطالبند ؟ اگر نه چه تفاوتی با سریالهای غربی دارند ؟

سریالهای ایرانی

همانطور که گفتیم سریالهای ایرانی غالباً بیش از سریالهای خارجی مورد توجه بوده اند از این رو لازمست مهمترین آنها را بطور جداگانه و کاملتر مورد مطالعه قرار داده و به بررسی پرسوناژهای برخی از آنها بپردازیم .

سرکار استوار

این سریال به مدت پنج سال پخش شد و موفقیت زیادی بدست آورد بطوریکه از نظر تماشاگر غالباً در صدر برنامه ها قرار میگرفت و بازگوکننده حوادثی بود که برای یک پاسگاه ژاندارمری در یک ده اتفاق می افتاد . از این جهت میتوان آنرا نوعی سریال کمدی پلیسی نامید . بازیگران اصلی این سریال عبارتند از :

استوار : که ژاندارمی است درستکار، ساده دل ، صمیمی که تصویری کند بسیار زیرک است .

گروه بان : که ژاندارمی است بی دست و پا ولی صدیق و وفادار .
کدخدا : مانند بیشتر روستائیان ساده دل که خود را عاقل و با تجربه

4 - Edgar Morin, L'espiret du temps, Grasset, Paris 1962.

میدانند ولی غافل از حقایق زندگی امروز .
دکتر : جوانی تحصیل کرده که در ده مطب دارد و نقش شخصی متفکر
را بازی می کند .
صمد : جوان روستائی پاکدل ولی بازیگوش و عاشق پیشه است که دختر
کدخدا را که از طبقه اعیان ده است دوست دارد .
لیلا : دختر کدخدا و معشوقه صمد که بخاطر او با پدر دائماً دعوا دارد .
ننه آقا : مادر صمد که زنی است روستائی ، ساده دل و بیسواد .
در این سریال زندگی ساده روستائی در برابر زندگی پراز مکر و حيله
شهری قرار میگیرد .

اختاپوس

برنامه ای است انتقادی اجتماعی ، که بصورت طنز آلودی ارائه میشود .
هر هفته اعضای انجمن اختاپوس درباره یکی از مسائل روز به بحث و مجادله
میپردازند . اعضای انجمن اختاپوس در عین حال ظاهراً هریک نماینده یکی از
گروه ها و قشر های جامعه اند .
استاد که رئیس جلسات هم هست ، مرد متینی است که در برابر اندیشه های
نو مقاومت می کند و خود را در همه چیز محق میدانند و در عین حال در برابر تملق
وزن تاب مقاومت ندارد .
مهندس بلژیکی : جوانی است پشت هم انداز ، زبان باز ، که در فرنگستان
هم بوده . او همه کاره و هیچ کاره است .
مستر کاف : از آن آدم های مرموز و جاه طلب و حقه باز است که میخواهد
با وانمود کردن اینکه خارجیان از او پشتیبانی می کنند ، مقام و موقعیتی بدست
آورد ، در حالیکه همه کارهایش دوز و کلک است .
قابطه : مظهر قشر های متوسط و عامی جامعه است که به علت متزلزل
بودن موقعیت و احساس نا ایمی هر لحظه به یکی رو می آورد و هر زمان به ریسمانی
چنگ میزند . از این جهت خصلتی کاملاً سازشکارانه و دمدمی داشته و هر روز
رنگ عوض می کند . گاهی با بلژیکی گرم میگیرد و زمانی با مستر کاف و
دکتر مایکل صاد : تیپ بظاهر روشنفکر و تحصیل کرده ای است که
دچار غریزدگی شده و دائماً کلمات فرنگی میبیراند . آدمی است که فقط شعار
میدهد ولی مرد عمل نیست . آدم متظاهری است که فاقد اصالت است .
سامانتا : در آغاز منشی جلسه و مظهر دختران سنتی متجدد امروزی
است که از یک طرف چادر بسر می کند و از جانب دیگر با مردان نشست و
برخواست دارد .

منیژه : منشی دائمی جلسه است و تا حدی مظهر دختران کاملاً متجدد امروز ایران است .

بطور کلی روابط این پرسوناژها با یکدیگر مبتنی بر زدوبند ، دسیسه ، دروغ ، ناروزدن ، بی‌اعتمادی و نادرستی و جاه‌طلبی است .

آدم و حوا

زندگی زن و شوهر جوانی است که با مادرشوهر زندگی میکنند و ماجرا روی اختلافات خانوادگی میان زن و شوهر از یک طرف و عروس و مادرشوهر از طرف دیگر جریان دارد . بطور کلی این سریال مشکلات خانوادگی را در ایران خاصه عدم تفاهم میان دو نسل بازگو میکند .

قمرخانم

این سریال ماجراهائی را که در خانه‌ای در جنوب شهر ، بین صاحب خانه (قمرخانم) و مستأجرین و یا میان خود مستأجرین جریان دارد بیان می‌کند. این خانه را اگر جامعه کوچکی از شهر بزرگی بگیریم می‌بینیم که چطور تجمع افراد و گروه‌های ناهمگن بدورهم مسائل گوناگونی را بوجود می‌آورد و همچنین این سریال نشان دهنده روابط ناسالم قشر وسیعی از مستأجرین و صاحبخانه‌ها است.

داش پالکی

داستان داش پالکی نمایشگر زندگی گوشه‌ای از شهر تهران سابق است . ماجرا مربوط است به دوران قبل از مشروطه ، زمانی که لوطی‌گری و قداره‌بندی در محلات شهر رونق داشت . البته در آترمان داروغه و فراشباشی‌هایش هم بودند که به نظم عمومی رسیدگی میکردند ولی خودشان غالباً به مردم ظلم میکردند و با ستم و بیداد از آنها حق و حساب میگرفتند . و بعبارت دیگر آنها در پی منافع شخصی بودند تا منافع عمومی و اگر داروغه‌ای هم صالح بود سعی میکردند علیه او دسیسه کنند . داش پالکی در واقع مدافع حقوق ستمدیدگان بود .

خانواده حاج لطف‌الله

حاجی لطف‌الله نمایشگر خانواده‌ایست سنتی گسترده و پلی‌گامی (چندزنی) حاجی لطف‌الله تاجر ثروتمندی است که باتفاق دو همسر و سه فرزند از همسر اول و یک عروس امریکائی و خواهرزاده خود در اصفهان زندگی می‌کند . حاجی مردیست سنتی ، متحجر ، متظاهر بمذهب و خسیس وزن‌باز و بعبارت دیگر مظهر مرد سنتی ایرانی .

این سریال بروشنی نابسامانی خانواده سنتی پلی‌گامی را نشان داده و برخورد میان دو نسل را بازگو می‌سازد .

قصه عشق

ماجرای عشق يك دختر و پسر جوان است که اولی از يك قشر متوسط مرفه شهرستانی و دومی متعلق به يك قشر پائین اجتماع (کارگر سلمانی) میباشد. آنها با هم قرار ازدواج میگذارند ولی ازدواج آنها با مخالفت روبرو میشود. خانواده دختر میخواهند او را به مرد دیگری بدهند. دختر برای رهایی از این ازدواج اجباری بهنگام عقد ادعا می کند که باکره نیست و همین امر باعث بدنامی و رسوائی خانواده دختر میشود. دختر و پسر که بهیچوجه نمیتوانند بزرگترها را به ازدواج خود راضی کنند تصمیم میگیرند فرار کنند ولی چون موفق نمیشوند دختر خود را میکشد.

این سریال بروشنی درگیریهای دونسل قدیم و جدید را نشان میدهد و عدم تطابق شیوههای همسرگزینی سنتی را با زمان ما برملا میسازد.

گذر عمر

داستانی است که دریکی از محلات تهران امروز میگذرد که در آن همه نوع مردمی زندگی میکنند. ماجرا از آنجا آغاز میشود که معمارچی مردی ثروتمند با همسر راننده (آقامهدی) روابط نامشروعی بدون اطلاع همسر خود برقرار میکند. یکبار که او را با خود به سفر شمال برده بود اهالی محل متوجه غیبت زن میشوند و درصدد جستجو برمیآیند. در جریان آن سفر زنی دیگر در تصادف کشته میشود که اهالی محل با دیدن عکس جسد تصور میکنند که همسر آقا مهدی است که کشته شده در نتیجه به جستجوی قاتل میپردازند. غافل از اینکه این زن که با جوان دیگری هم روابط داشته خود را بکمک معمارچی مخفی ساخته است. در جریان این جستجو به معمارچی سوء ظن می برند و ماجرا هم در این محور جریان می یابد. در کنار این ماجرا حوادث دیگری هم برای سایر ساکنین این محل رخ میدهد که همگی نمایشگر دروغ، فساد، تباهی و دورویی است که در روابط انسانها در جامعه امروز دیده میشود.

گذر خلیل ده مرده

خلیل ده مرده لوطی است که دریکی از محلات تهران جدید زندگی میکند. او بدنبال سوگندی که خورده است دیگر چاقو بدست نمیگیرد. او باش محله که حامی مردم را بی سلاح می بینند شروع به آزار و اذیت مردم محل میکنند. ماجرای داستان بر محور نبرد میان خلیل ده مرده و دستاش و جعفر و دارودسته اش بصورت کشاکش میان خوب و بد میگردد که در آن خوبی همیشه پیروز میشود.

سالهای بی‌ناهی

کارخانه‌دار ثروتمندی میمیرد و ثروت خود را برای همسرش و پسر و دختر جوانی میگذارد. شریک مرد (همایون) که آدم متقلب و کلاهبرداری است و مقداری از ثروت مرد را هم از راه تقلب تصاحب کرده بود مورد توجه بیوه متوفی قرار میگیرد ولی همایون به دختر جوان تمایل دارد دختر جوان هم از این شخص متنفر است بیوه زن قمارباز و مشروب‌خوار است و میهمانیهای مجلل براه میاندازد. دختر جوان از این وضع ناراحت است در شرکتی کار میگیرد و به مهندس صاحب آن شرکت دل میبازد. (این سریال نیمه‌تمام قطع میشود).

این سریال نشان دهنده فساد و تباهی قشرهای بالای جامعه است و از این نظر که تنها سریالی است که ما را با زندگی قشرهای بالای جامعه آشنا میکند جالب است.

زیر بازارچه

سریالی که در آن یکی از محلات قدیمی شهر تهران را در حالیکه تمدن جدید بدان راه یافته و ارزشهای گذشته را مورد تهدید قرار داده است می‌بینیم. این سریال بعلت عدم موفقیت پس از چندی قطع شد.

پژواک

سریالی است که در آن زندگی جوانان امروزی ایران بازگو میشود از این جهت یک تم اجتماعی دارد که در آن مسائل جوانان بویژه دانشجویان بررسی میشود.

آدمها

یک سریال جنائی است که در آن مکانیکی متهم به قتل میشود و ماجرا بر محور اثبات بی‌گناهی این متهم و پیدا شدن قاتل اصلی دور میزند.

پهلوانان

این سریال هم مانند داش‌پالکی زندگی یک لوطی و پهلوان را در گذشته نشان میدهد که چطور از ضعفاً در برابر اقویا و از مظلومین در برابر ظالمین حمایت میکند و درگیریهائی که با ستمکاران پیدا میکند.

تحلیل محتوای سریالهای ایرانی

با توجه به موضوعاتی که در سریالهای ایرانی مطرح است میتوان به‌چند گرایش اصلی اشاره کرد:

۱ - از ۱۶ سریالی که برشمردیم ۷ سریال دارای تمهای اجتماعی - خانوادگی ، ۵ سریال پهلوانی و لوطی‌گری ، ۲ سریال اجتماعی - انتقادی و ۲ سریال پلیسی و جنائی است . این امر از یک طرف حاد بودن مسائل اجتماعی بویژه خانوادگی را در ایران نشان میدهد و از طرف دیگر اهمیتی که هنوز جامعه ایران به ارزشهای سنتی و اخلاقی مانند جوانمردی میدهد . لوطی یا جوانمرد نه تنها کسی است که از نظر جسمی قدرت و توانائی دارد و نه تنها میتواند پشت حریف را (که غالباً بد و شریر است) به زمین بیاورد و همه اشرار محله از او میهراسند ، بلکه در عین حال انسانی است دارای صفات پسندیده مانند : گذشت ، رحم ، مروت و از این جهت یک رهبر اخلاقی هم هست . پیامهای اساسی که در این نوع سریالها مطرح است عبارتست از: پیروزی خوبی بر بدی ، سرزنش ظلم و ستم ، نکوهش دروغگو و دغل و ستایش راستگو و درستکار .

۲ - اکثریت موضوعات سریالها به جامعه فعلی میپردازند و فقط سه برنامه است که مسائل گذشته را مطرح میکند . این نشان دهنده گسترده‌گی و اهمیت مسائلی است که جامعه در حال تحول ایران با آن روبروست .

۳ - موضوعهائی که در سریالها مطرح شده است غالباً بازگوکننده زندگی قشرهای پائین و متوسط جامعه معاصر است . به استثناء سالهای بی‌پناهی که برعکس نمایشگر زندگی قشرهای بالا و مرفه جامعه ایران است .

۴ - تیپولوژی قهرمانان سریالهای ایرانی : قهرمانان سریالهای ایرانی غالباً از میان مردان انتخاب میشوند و از این جهت زنهای کمتر نقشهای اول سریالها را به عهده دارند (بجز خانه قمرخانم) . خاستگاه طبقاتی قهرمانان بیشتر از قشرهای پائین و یا متوسط جامعه است . قهرمانان سریالها بر خلاف قهرمانان سینما که بیشتر سوپرمن هستند آدمهائی عادی و معمولی هستند (مراد برقی ، قمرخانم و . . .) از این جهت بزودی در دل خانواده‌ها راه باز میکنند و خانواده‌ها آنها را مانند اعضای خود تلقی می‌کنند. معهذاً در غالب سریالها همین قهرمانان بالاخره موفق میشوند و به آرزوی خود میرسند (مراد برقی ، سرکار استوار در دستگیر کردن سارق یا قاتل و . . .) تیپ قهرمانان سریالهای تلویزیون غالباً از نوع مثبت است . اکثراً قهرمان این سریالها نمایشگر خوبی است در برابر بدی ، او انسانی است حاوی بسیاری از صفات پسندیده که در نبرد با بدی حق با او است (مانند پهلوانان ، داش‌پالکی و . . .) . با استثناء خانه قمرخانم حتی می‌بینیم که مراد برقی که در قسمت اول سریال یک کاسب دروغگو بود در قسمتهای بعدی چهره آدم صادق و درستی را گرفت .

تحلیل يك سریال ایرانی

از میان سریالهای ایرانی مراد برقی را بخاطر محبوبیت زیاد آن برای تحلیل محتوا انتخاب کرده‌ایم. از این جهت در صفحات بعد درابتداء با خلاصه‌ای از داستان آن و بعد پرسوناژها و هم‌چنین با روابط خانوادگی که در این سریال مطرح شده آشنا می‌شویم.

خلاصه داستان مراد برقی

قسمت اول: قهرمان اصلی مراد برقی است که فروشنده دوره گردی است که با ماشین خود که علاقه عجیبی به آن دارد و با حروف درشت در اطراف آن «مراد برقی» را نقش کرده از شهری به شهر دیگر و از محله‌ای به محله دیگر می‌رود و سعی می‌کند وسائل الکتریکی خود را بهر قیمت که شده بفروش برساند و در قالب يك مکانیسم درجه يك، عقاید و نظرات خود را راجع به وسائل الکتریکی به مردم کوچه و بازار بقبولاند. مراد برقی از جمله آدمهائی است که به انتظار معجزه یا يك شانس، مرتب در حال گردش و سیروسیاحت است. ظاهراً فروشنده اجناس است و متخصص، ولی در واقع زیاد به کار وارد نیست، يك سفر به آلمان و سفری نیز به کویت کرده و این را جزء افتخارات خود به‌رِخ این و آن می‌کشد که بله ما هم فرنگ رفته‌ایم و چنین و چنان کرده‌ایم، البته گه‌گاه چند کلمه فرنگی نیز بزبان می‌آورد که خود را از قافله زبان دانان عقب نداند ولی با همه پز دادن و من و من کردن به جایی نمی‌رسد.

قسمت دوم: در واقع موفقیت داستان خانه بدوش از این قسمت که ۷ دختران نام گرفته است آغاز می‌شود در این قسمت مراد برقی بعنوان يك سیم‌کش وارد خانه جعفر آقا شده و عاشق دختر كوچك او می‌شود. جعفر آقا چون ۶ دختر بزرگتر داشته است و در عین حال به این سنت هم اعتقاد راسخ داشته است که باید دخترها را به نوبت سن شوهر داد، ازدواج مراد و محبوبه منوط به شوهر کردن تمام دخترهای بزرگتر از او می‌شود، از این جهت مراد می‌بایستی صبر کند تا خواهرهای بزرگتر همه شوهر کنند تا او بکام دل برسد. دخترها یکی بعد از دیگری شوهر می‌کنند و چنین تصور می‌شود که راه برای ازدواج مراد با محبوبه باز می‌شود ولی موانعی بر سر راه این دو ایجاد می‌شود. دائی (برادر منور همسر جعفر آقا) است که می‌خواهد به طمع جهیزیه زیاد دختر جعفر آقا را برای پسر خود بگیرد و مراد را از سر راه خود که تصور می‌کرد مزاحم نقشه‌هایش است بردارد. مراد بالاخره بعد از مشورت با شیرافکن یکی از دوستان خود تصمیم می‌گیرد جعفر آقا را از نیت اصلی دائی مطلع کند و بدین ترتیب مچ او را باز کرده و این مانع را از جلوی پای خود برمی‌دارد. و بالاخره به خواستگاری

محبوبه میرود. منتهی برخلاف انتظارش این بار خود جعفر آقا است که با این ازدواج مخالفت می‌کند و دلیلش هم بی‌پول بودن مراد است. مراد که می‌بیند تنها راه ازدواج با محبوبه پولدار شدن است به تلاش برای پولدار شدن می‌افتد.

قسمت سوم: در قسمت سوم داستان، مراد که تصمیم دارد بهر ترتیبی شده پولدار شود تصادفی با خانواده آقابزرگ آشنا میشود، آقابزرگ مردی است ثروتمند که صاحب زمین‌های زیادی است. آقابزرگ به مراد بخاطر صداقتی که در او می‌یابد و نیز بی‌اعتمادی بدیگران قول میدهد که اگر مراد مشتری خوبی برای زمین‌ها پیدا کند دلالی خوبی باو بدهد. مراد بعد از جستجوی زیاد زمین‌ها را می‌فروشد و آقابزرگ هم حق‌الحسابی برابر ۴۰۰ هزار تومان بصورت چک برایش می‌نویسد ولی قبل از آنکه چک را باو بدهد سکنه میکند و میمیرد. در نتیجه چک تصادفاً بدست اصغر آقا داماد آقابزرگ می‌افتد.

قسمت چهارم: اصغر آقا چک را به جوانی که شباهت کاملی به مراد داشته است (منوچهر) میدهد. منوچهر که آدم دغل و فرصت‌طلبی است خواستار محبوبه میشود و از طرف دیگر برای دریافت پول از بانک احتیاج به شناسنامه مراد دارد که به بهانه ارجاع کار خوبی به مراد در شرکتش موفق می‌شود شناسنامه مراد را از او بگیرد. مراد هم از طرف دیگر اجباراً خود را در خانواده جعفر آقا بجای منوچهر خان که بظاهر مرد پولداری بوده جا میزند و به اتکای قول منوچهر خان در مورد شغل خوب از محبوبه معشوقه خود خواستگاری میکند. جعفر آقا هم که تصور میکند منوچهر خان همان مراد است که بعد از رسیدن به ثروت و مقام اسم خود را عوض کرده است چون می‌بیند دامادش پولدار است با ازدواج آنها موافقت میکند. ولی بعد از خواستگاری، مراد متوجه میشود که چک او در دست منوچهر خان است و مسئله استخدام او در شرکت نیز فاروئی بیش نبوده، بدین علت درصدد برمی‌آید که چک خود را بدست آورد.

بالاخره منوچهر خان نمیتواند چک را نقد کند و مراد به چک خود میرسد و با محبوبه ازدواج میکند و منوچهر خان هم به جرم کلاشی بزندان می‌افتد. آنچه در این داستان قبل از هر چیز به چشم می‌خورد تلاشی است که همه برای رسیدن به ثروت بعنوان کیمیای سعادت میکنند و چه دروغها، دسیسه‌ها، کلک‌ها و ناروهائی که همه بیکدیگر نمی‌زنند. داستان مراد برقی نشان میدهد که دیگر صداقت و خوش‌قلبی برای زندگی امروز کافی نیست بلکه باید پول داشت. پول حلال مشکلات و وسیله وصول به سعادت و نیک‌بختی است و هر که پول نداشته باشد از نیک‌بختی بی‌بهره میماند. از این جهت باید قبل از هر چیز برای بدست آوردن این کیمیای سعادت تلاش کرد ولی البته پولی بهتر است که

زیاد باشد و يك مرتبه به دست آید . مثل معامله زمین که يك مرتبه زندگی را زیورومیکند و آدم را به عرش اعلی میبرد و همه مشکلاتش را حل میکند . يك نوع ثروت یابی سریع و بی دردسر ، ولی مؤثر و شفافبخش . این فقط مراد نیست که میخواهد با يك معامله زمین ثروتمند شود و هم به نان و نوائی برسد و هم به معشوقه بلکه همه قهرمانان طالب چنین ثروت بادآورده ورنج نبردهای هستند ، دائی میخواهد با ازدواج پسرش با یکی از دخترهای جعفرآقا به ثروت کلان جعفرآقا دست یابد. ولی خان و اصغر دامادهای آقا بزرگ منتظرند که آقا بزرگ بمیرد و آنها يك مرتبه پولدار شوند حتی خود جعفرآقا هم احتمالاً با ترقی زمین باین ثروت رسیده است . برای آنکه به تحلیل عمقی محتوای این داستان پی درپی بپردازیم لازمست که با کاراکترها و روابط خانوادگی که در این داستان طرح شده است بیشتر آشنا شویم .

برخی از کاراکترهای سریال خانه بدوش

مراد برقی : فروشنده لوازم برقی ، ساده لوحی که برای پیشبرد کارش گاهی دروغ میگفت (روحیه خاص کسب در ایران). دارای پشتکار بود و این خصوصیت افرادی است که از صفر شروع کرده اند. دوست داشت در زندگی سایرین مداخله کند (خصلت کدخداهمنشی که در ایران معمول است) و آدم ساده لوحی که غالباً کلاه سرش می رود .

جعفرآقا : يك مرد سنتی ایرانی از طبقه پائین (معمار) که ناگهان با ترقی زمین به ثروت رسیده است در نتیجه فرهنگش بموازات ثروتش بالا نرفته است مردی است پابند سنت. نسبت به دخترانش سختگیر و نسبت به تنها پسرش سخت مهربان بطوریکه اوزا لوس و نر بار آورده است . با همسرش دائماً سرخسج خانه دعوا دارد .

منور : زن قدیمی علاقمند به بچه هایش بطوریکه معتقد است زندگی را روی بچه هایش گذاشته ، نسبت به فامیل خود (دائی) تعصب دارد و با شوهرش دائماً سر این موضوع دعوا میکند . زنی زحمت کش ، شوهرش گرچه او را دوست دارد ولی از بیان آن خودداری میکند .

کاظم : پسر لوس و نر خانواده جعفرآقا که درس نمیخواند و فدای تربیت غلط شده است .

آقا بزرگ : ثروتمند ولی از اسراف متنفر است تا جائیکه کارش گاهی به خست میکشد مظهر پدرسالاری و حاکمیت پدر در خانواده است . با خانواده اش که انتظار مرگ او را میکشند تا ثروتش را تصاحب کنند درگیری دارد .
اصغر : داماد آقا بزرگ مظهر آدم عصبی که دائماً حرکات عصبی میکند

شخصاً فکر میکند که خیلی باهوش است (یعنی تصویری که اغلب مردم درباره خود دارند) بلندپرواز است و بیش از ظرفیت و توانائی خود طلب میکند و چون بدست نمیآورد احساس میکند به او ظلم شده است از این جهت همیشه ناراضی است. از خانه اش فراری است چون زیاده طلبی های زنش او را عذاب میدهد .
منوچهر : کلاه بردار ، حقه باز و بی پول که در ظاهر همه فکر میکردند پولدار است .

حوری : خواهر منوچهر دختری امروزی ، مدرن که شوهرش را خودش پیدا میکند .

دائی : آدم مفتخور و بدجنس ، نفع پرست که میخواست دختر جعفر آقا را برخلاف خواست پسرش (ایرج) برای او بگیرد . فقط بخاطر آنکه جعفر آقا پول داشت . به پسر خود که مدتی در فرنگ کارش درس نخواندن بوده است افتخار میکند .

ایرج : پسر دائی جوانی است بی ادعا ، که بالاخره علیه پدرش شورش میکند و از گارسونی شروع میکند .

محبوبه : معشوقه مراد ، دختری نه کاملاً سنتی و نه متجدد . کدبانو با تحصیلات ابتدائی ، محجوب ، فداکار و نجیب که بالاخره بخاطر مراد بر علیه خانواده خود شورید و مهریه نخواست (احتمالاً تیپ زن آینده آل بسیاری از مردان ایرانی) .

بررسی روابط خانوادگی

بیشتر داستان مراد برقی در چهارچوب دو خانواده میگردد . این دو خانواده عبارتست از : خانواده آقا بزرگ و جعفر آقا که میتواند نمونه ای از یک خانواده معمولی پراولاد ایرانی باشد . اینک به روابط اعضای این دو خانواده با یکدیگر میپردازیم .

خانواده جعفر آقا : ۱۱ نفر ؛ ۷ دختر ، ۱ پسر ، دائی ، جعفر آقا ، منور . رابطه جعفر آقا با منور ، نمونه یک مرد سنتی بعنوان شوهر است . تمام وقتش در خارج از خانه میگذرد وقتی به خانه میآید پول میدهد و میرود . با زنش مصاحبتی ندارد همیشه در مورد خرج با زنش دعوا دارد نسبت به دخترهایش سخت گیر است ولی در عین حال از زندگی واقعی دخترهایش خبر ندارد . خیلی هم خوشبین است . دوست دارد که دخترهایش شوهرهای خوب کنند که خوب همان ثروتمند بودن است . تنها پسرش را خیلی لوس و نر بار آورده . مرد زحمت کشی است . نسبت به دائی نظر خوبی ندارد در اغلب موارد بخاطر اوست که با زنش دعوا می کند .

منور در رابطه با جعفر آقا : همیشه سعی میکند که مانند همه زنهای سنتی بچه‌هایش را بر شوهرش ترجیح بدهد و بخاطر آنها با شوهرش دعوا کند . غالباً منور و شوهرش با هم دعوا دارند از نظر خانه‌داری خیلی خوبست و تا وقتی نرفته بود جعفر آقا قدرش را نمیدانست . يك بار قهر کرد و بچه‌ها آنها را باهم آشتی دادند . خودشان راساً برای آشتی اقدام نکردند . منور و شوهرش فکر میکردند که دخترانشان نجیب‌ترین دخترها هستند درحالیکه آنها هر کدام دوست پسر داشتند . دخترها مادر را گول میزدند . منور مادری است دلسوز بحال دخترهایش که درعین حال مانند همه مادران دلسوز سعی میکند بچه‌هایش را خوشحال کند ولی بعزت تفاوت فکری که با دخترهایش دارد از درك موقعیت آنها عاجز است و در نتیجه دخترانش هم زندگی خصوصی خود را باو نمیگویند . مانند شوهرش پسرش را بر دختران ترجیح میدهند .

دخترها : آنها از نوع دختران سنتی - متجدد امروز ایران هستند که از نظر ظاهر تغییر کرده ولی درعین حال تا حدی ارزشهای سنتی را هم حفظ کرده‌اند از يك طرف مینی‌ژوپ پوشیده ولی از طرف دیگر سعی میکردند رضایت پدر و مادر را جلب کنند .

خانواده آقابزرگ : خانواده‌ایست گسترده پدرسالاری ، آقابزرگ مردی است ثروتمند که دو دامادش دائماً منتظر مرگ او هستند تا ثروتش را به دست آورند . این مسئله نه تنها باعث رقابت بین دو داماد شده بلکه تمام زندگی خانوادگی و مسائل آنها را تحت الشعاع قرار داده است بطوریکه هر يك از زنهای آنها سعی میکنند زودتر پسر بدنیا بیاورند چون آقابزرگ گفته بود به اولین نوه پسر خود پول زیادی خواهد داد .

آنچه در فضای خانوادگی آقابزرگ موج میزند قبل از همه چیز پول‌پرستی ، دورویی ، بی‌اعتمادی ، سوء ظن ، خبرچینی و عدم تفاهم است .

رابطه با کودکان : در تصویری که این سریال از دو خانواده ایرانی داده‌است ، کودکان با وجود تعداد زیاد نقش خاصی ندارند . آنها اصلاً خارج از چهار چوب روابط «بزرگترها» قرار دارند . شخصیت آنها و خواست آنها مطرح نیست و بحساب نمی‌آید فقط موجودات معصومی هستند که بزرگترها بخاطر معصومیشان دوستشان دارند . گاهی هم دستی بسرو روی آنها میکشند . کودک به جامعه بزرگتر راه ندارد و بزرگترها هم کوششی در فهم مسائل او نمی‌کنند . درحالیکه کودک سخت کنجکاو و شناخت مسائل بزرگترهاست کسی او را در این راه راهنمایی نمی‌کند . بزرگترها در رابطه با کودک فقط سعی می‌کنند مسائل خود را پنهان دارند و یا آنها را فریب دهند از اینجاست که کودک هرگز

با واقعیات زندگی بزرگترها آشنا نمیشود و تا مدتها حتی زمانیکه بزرگ هم میشود در تخیلات کودکانه باقی میماند .

بطور کلی در دو خانواده بالا میتوانیم مسائل بسیاری از خانواده‌های ایرانی را بیابیم؛ گستردگی، قدرت کاهش یابنده پدر، خانواده‌هاییکه در آن الگوهای سنتی عمل و رفتار با الگوهای نوین و امروزی برخورد نموده و بتدریج رنگ میبازد. نسل والدین بعنوان حامی ارزشهای سنتی و نسل جدید حامل ارزشهای تازه قبل از همه در چهارچوب خانواده است که با یکدیگر درگیر میشوند و حاصل این درگیری نوعی عدم تفاهم، نارضایتی و ناخشنودی است. نسل جدید که راه والدین خود را نمی‌پسندد، در جستجوی راههای تازه است و لسی این جستجو با اضطراب همراه است نتیجه اینکه نسل جدید دارای دوشخصیت سنتی و متجدد است که بگونه‌ای خاص در کنار هم در وجود او زیست می‌کنند .

تحلیل کمی محتوای خانه بدوش

از آنجا که تحلیل کیفی برای این سریال کافی نبود تحلیل کمی را هم لازم دانستیم. بدین منظور از میان ۸۰ برنامه تلویزیونی ۲۰ برنامه آن از قسمتهای مختلف داستان انتخاب و بوسیله چند نفر محقق بازمینی شد و متن‌های آن خوانده شد. در هر برنامه رفتارهای تشویق شده و تنبیه شده استخراج و پس از کدگذاری در دسته‌های بزرگتر ادغام گردید. نتیجه‌ای که از این تحلیل بدست آمد چنین است:

انواع رفتار	تنبیه	تشویق	نه تنبیه	جمع
خدعه و نیرنگ	۱۰۰	-	-	۱۰۰
دروغ	۸۰	۲۰	-	۱۰۰
سنت‌گرایی (درامر ازدواج)	۷۵	۱۸/۷	۶/۳	۱۰۰
پول پرستی	۵۳/۳	۴۰	۶/۷	۱۰۰
بی‌اعتمادی و سوء ظن	۵۰	۲۰	۳۰	۱۰۰
احساساتی بودن	۴۳	۵۷	-	۱۰۰
صداقت	۱۶/۷	۸۳/۳	-	۱۰۰
نوع دوستی	۱۶	۸۴	-	۱۰۰

همانطور که در جدول بالا بروشنی دیده میشود قبل از هر چیز خدعه و نیرنگ و دروغ در این داستان تلویزیونی مورد سرزنش قرار گرفته است. این

بدان معنی است که آنچه بیش از همه روابط اجتماعی را مورد تهدید قرار میدهد خدعه و نیرنگ و دروغ است .

مشکل دیگری که در روابط خانوادگی مطرح است مسئله تعارض سنت و تجدد بویژه در امر همسرگزینی و روابط زن و مرد است . این داستان بطور کلی جانب تجدد را گرفته و در مواردی که سنت دست و پاگیر میشود بدان میتازد . در مورد پول بر خورد این داستان تاحدی دوگانه است . از یک طرف ثروت و پول پرستی را نفی میکند و از جانب دیگر افراد را برای رسیدن به پول تشویق میکند . پیامش این است که اگر چه پول چیز خوبی نیست ولی برای آنکه در زندگی موفق و کامیاب شویم پول لازمست ، باید دنبالش دوید . منتهی باید سعی کرد که این پول زیاد باشد و سریع بدست آید . از این جهت نوعی آسان خواهی را در تماشاگر تقویت میکند .

مسئله دیگر بی اعتمادی و سوء ظن است که یکی از عوارض طبیعی دروغ و خدعه است . پیام داستان این است که بی اعتمادی و سوء ظن چیز نادرستی است ولی در محیطی که دروغ هست باید حواست هم جمع باشد و به کسی اعتماد نکنی . موضوع دیگر مسئله احساسات پاك و بی آلايش است . بطور کلی داشتن احساسات پاك امر نیکوئی است ولی بشرط آنکه با پول همراه باشد . احساسات بدون پول و ثروت بدرد نمیخورد .

بطور کلی پیام داستان خانه بدوش بیان عقیده رایجی است که دیگر ارزشهای والای انسانی خریداری ندارد ، پاکي و صداقت ، احساسات و عشق دیگر بکار نمی آید و برای کامیاب شدن باید پولدار شد . آیا این در فرهنگ ما که با ارزش قناعت و بی نیازی آشنا بوده ارزش تازه ای نیست ؟

آیا آنچه در این داستان بتصویر کشیده شده آینه کاملی است از زندگی جامعه ایران ؟ و یا تنها بازگوکننده ایدئولوژی حاکم بر قشر متوسط و پائین شهری است که در آن تلاش است تا غبار نداری و فقر را از زندگی خود بزدايد ؟ و آیا خود مراد برقی مظهر چنین قشری نیست ؟

بررسی محتوای کتاب درسی دوره ابتدائی

تأثیر محیط فیزیکی و اجتماعی بر رشد کودک به حدیست که می‌توان شکل‌گیری تدریجی شخصیت را يك نوع اجتماعی شدن فزاینده دانست . مکانیسم این اجتماعی شدن چگونه است ؟

مردم‌شناسان ، معمولاً ، پذیرش فرهنگ از طرف فرد یا یادگیریهای اجتماعی را يك امر خود بخودی و ضمنی تلقی می‌کنند . معتقدان به اصول روانکاوی ، برعکس ، به فرد و به مراحل مختلف زندگی او توجه خاص مبذول میدارند و فکر می‌کنند که يك تجربه معنی‌دار واحد ، به حسب اینکه در کدام يك از مراحل رشد فرد وقوع یافته باشد ، تأثیرهای متفاوتی براومیکگذارد . مارگارت مید^۱ فرهنگ‌پذیری را براساس تلفیق دو نظریه مذکور فوق و بر مبنای تداخل امور و عوامل در ابعاد تداوم و تقارن زمان توجیه می‌کند . بدون شك ، هر دوره از زندگی ، به علت مختصات رشد کودک ، مفهوم خاصی دارد . ولی ، از سوی دیگر ، اهمیت تجربیات هر مرحله بستگی به این نیز دارد که تا چه اندازه از طرف دیگر تظاهرات فرهنگی محیط تقویت میشود . یادگیریهای اجتماعی کودک نه فقط در

1 - Stoetzel, J. La psychologie Sociale, pp. 80. Ed. Flammarion, 1966.

مداومت زمان ، بلکه دردیائی وقوع می‌یابند که در آن مسائل و محرکات مقارن نیز می‌باشند . به عنوان مثال کودک فقط در خانه یا در مدرسه نمی‌آموزد ، او دائماً ، در ابعاد تداوم و تقارن زمان ، با محرکات مختلفی مواجه است ، مشاهده می‌کند ، برخورد دارد . پیامهای متعدد و گاه متضادی را دریافت و آنها را تعبیر و تفسیر می‌کند و از خلال کلیه برخوردها - برخورد ذهن با واقعیت چند چهره‌ای خارج - ، اغلب بی‌آنکه خود بداند می‌آموزد و خود را میسازد .

در میان عوامل مختلف اجتماعی که زمینه فرهنگی محیط فرد را تشکیل میدهند ، آموزش و پرورش مقام خاصی دارد . یعنی اگر نظام آموزش رسمی را ، بطور مجرد ، در نظر بگیریم ، مسائل متعددی به عنوان نقش اجتماعی آن عنوان می‌شود :

نخست آنکه آموزش و پرورش عامل رسمی انتقال دانش و فرهنگ به نسل جوان و تضمین‌کننده بقاء و ثبات يك جامعه است . همانگونه که ژوسلین^۲ بیان میکند ، جامعه مجموعه یا کل مسائلی است چون نهادها ، اخلاق و ارزش‌ها ، قوانین و ضوابطی که مقام افراد و مسئولیتها را در گروه تعیین و وحدت ایجاد می‌کند . به عبارت کلی‌تر ، جامعه در معنای ارضیه ملی ، آداب و سنن ، مداومت و ثبات توصیف میشود و تعلیم و تربیت به مفهوم انتقال دانش و ارزش‌های فرهنگی یکی از مهم‌ترین وسایل تضمین این ثبات و بقاء است . آموزش و پرورش وظیفه دارد ارزش‌هایی را مستقیماً و آگاهانه به کودک یا یادگیرنده منتقل نماید - هر چند گاه از خلال این انتقال مستقیم ارزش‌ها و مسائلی نیز میتوانند بطور غیر مستقیم منتقل شوند و یادگیرنده ظاهراً برخلاف نیات مسئولان ارزش‌های دیگری را دریافت دارد ، که این خود موضوعی است بسیار جالب و مربوط به میزان‌هشیاری و باریک‌بینی طراحان و مجریان برنامه‌های آموزشی رسمی .

ثانیاً از آنجا که نظام آموزش رسمی يك جامعه ثبات و بقای میراث و حفظ چهارچوبهای آنرا بعهدده دارد ، میشود فرض کرد که این نظام از سوئی منعکس‌کننده مختصات و وضع فرهنگی آن‌جامعه و از سوی دیگر دارای خصوصياتی است که نقش اجتماعی افراد آن فرهنگ را توصیف می‌کند . به عبارت دیگر ، میتوان چنین فرض کرد که نظام آموزش رسمی میتواند ، بطور مجرد ، هم جلوه‌گر وضع خاص يك جامعه و هم خصوصیات منش فرد متوسطی باشد که با آن خو گرفته و در آن فرهنگ احساس رضایت و آرامش دارد^۳ . يك روانشناس

2 - Jousellin, J. Les révoltes des jeunes, pp. 207-208, 1968.

3 - Fromm, E. Le caractère Social, in textes fondamentaux. anglais et américains, 2ème Ed. 1927. Tome 2 PP. 36 Ed. Dunod.

رشد، چون پیازه، که عوامل اجتماعی موثر بر رشد را دوگانه میداند (عمومی و اختصاصی) معتقد است که آموزش و پرورش از عوامل مبین همین وضع فرهنگی اختصاصی هر جامعه است، که از محیطی به محیط دیگر تغییر می‌پذیرد و حتی در داخل یک فرهنگ، به نسبت طبقات مختلف اجتماعی، چهره‌های دگرگون می‌یابد، حال آنکه عامل اجتماعی عمومی وجود خود روابط (صرف نظر از ساخت داخلی آنها) میان کودکان با یکدیگر و کودکان بازرگسالان است که از خلال آنها ذهن و منطق تقویت میشوند^۴.

درثالث، نظر به اینکه آموزش عامل رسمی انتقال دانش و ارزش‌ها به سسل در حال رشد و مسئول پرورش او است، به ویژه از بعد تداوم زمان استفاده می‌کند و با یک برنامه‌ریزی طویل‌المدت - که باید از سوئی بر مبنای منطق روابط و پیچیدگی مطالب و از سوی دیگر منطبق با خصوصیات خصوصیات عقلانی و ذهنی گیرنده در حال تحول باشد - دانش و ارزش‌های مورد نظر را به او منتقل می‌نماید و مخصوصاً می‌خواهد از خلال این پیام‌ها ذهن او را پرورش دهد و به شکفته شدن امکانات وجودش کمک نماید.

با توجه به آنچه ذکرش آمد، نظام آموزشی، یعنی یکی از ابعاد مهم فرهنگ یک جامعه را میتوان از نقطه نظر ساخت، برنامه‌ریزی، روش و وسایل و ابزار مورد استفاده و یا جنبه‌های دیگر، مطالعه کرد. از جمله متون کتب درسی را! میشود از زوایا و به حسب هدف‌های مختلفی که چند نمونه از آن در زیر داده میشود، مورد بررسی قرار داد:

۱ - مضامین و محتوی - مطالعه عینی و اصولی متون کتب درسی معلوم می‌سازد که در درون صفحات چه ارزش‌ها، چه نوع اطلاعاتی بیان شده‌اند، مختصات آنها چیست، و بطور کلی سمبول‌های کتبی چه نوع دنیائی را برای کودک ترسیم می‌نمایند، چه نوع افق‌هایی را براو می‌گشایند، و یا اینکه تا چه حد این افق‌ها با تجربیات عمومی و زندگی هم‌روزه او تجانس دارند. بهره‌برداری از چنین مطالعه‌ای یک قیاس - البته بطور مجرد و با آگاهی به محدودیت آن - خواهد بود از نتایج به خصوصیات نظام آموزشی از سوئی و - در درجه‌ای ضعیف‌تر و با قید احتیاط بیشتر^۵ به خصوصیات گیرنده فرضی، یعنی کودک، از

4 - Piaget, J. journal international de psychologie Ed dunod, 1966. Vol 1, No 1, PP 3-13.

۵ - چون قیاس از مختصات یک پیام به مختصات گیرنده آن خطر اشتباه زیاد دارد و مستلزم رعایت احتیاط بسیار است، مخصوصاً با توجه به اینکه پیام ورزشی در زمینه‌ای مرکب از تعامل و تداخل امور و مسائل مختلف، با ذهن کودک درگیری حاصل می‌نماید.

سوی دیگر .

۲ - شکل و طرز بیان و نوع سمبولهای مورد استفاده - مطالعه از این زاویه معلوم میدارد که پیام‌های پرورشی چگونه بیان میشوند ، مثلاً نسبت سمبولهای کتبی و تصویری کدامست ، تا چه میزان از بیان نظم و نثر استفاده میشود ، تأکید روی بیان تفسیری و تحلیلی یا بیان توصیفی است - که مخصوصاً این مسئله خود میتواند جلوه گر برخی از خصوصیات فرهنگی باشد - از چه نوع صفات ، استعارات ، واژه‌ها استفاده بیشتر میشود و غیره یکی از نتایج این نوع بررسی دریافت این موضوع است که کتابهای درسی دانش‌آموز را به چه نوع طرز بیان ، تحلیلی یا توصیفی ، منطقی یا استعاری و غیره عادت میدهند .

۳ - ساخت پیام و نحوه ارائه آن از نقطه نظر توانائی و خصوصیات عقلانی دانش‌آموز - با مطالعه علمی نحوه بیان و ساخت مطالب به حسب سال‌های مختلف مدرسه و با توجه به سن و رشد عقلی کودک ، میتوان دریافت برنامه‌ریزی در بعد زمان و بر مبنای ارتباط مطالب تا چه حد به خصوصیات ذهنی گیرنده در حال تحول توجه داشته و نگران دریافت صحیح پیام از طرف او بوده است .
تحقیق حاضر فقط به هدف يك از سه هدف مذکور فوق ، یعنی به تحلیل محتوای پیام‌هاییکه دستگاه آموزش رسمی کشور ، طبق برنامه قبلی ، برای کودکان شش تا ده یازده سال ارسال میدارد ، توجه داشته است^۱ بنابراین مضامین ، بطور مجرد ، فقط از نقطه نظر مختصات ، صرف نظر از دیگر مسائلی چون دریافت پیام از طرف کودک یا نقش^۲ معلم در دریافت آن ، مطالعه شده‌اند .

روش تحقیق

۱ - کتب مورد مطالعه

کلیه کتب دوره ابتدائی ، جمعاً ۲۴ جلد (تابلوی شماره ۱) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند ، ولی در کتب ریاضی فقط صورت مسائل مورد نظر بوده و به متن درسهای مربوطه توجه نشده است .

۶ - لازم است در آغاز گفته شود که بررسی ما اولیه و مقدماتی است و نتایج آن (مخصوصاً نتایج کمی) فقط در حد فرضیه برای تحقیقات بعدی قابل قبول می‌باشند .

۷ - باید اذعان داشت که معلم در انتقال يك پیام پرورشی نقش فوق‌العاده مهم دارد . او میتواند ذهن کودک را به مسائلی از متن متوجه سازد که در محتوای آشکار آن دیده نمیشود و یا برعکس ، يك مطلب اظهار شده را با تأکیدی بیشتر از آنچه در متن آمده به او ارائه دهد .

تابلوی شماره ۱

سال تحصیلی	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
عنوان کتابها					
فارسی	۱	۱	۱	۱	۱
ریاضیات	۱	۱	۱	۱	۱
علوم	۱	۱	۱	۱	۱
تعلیمات دینی	-	۱	۱	۱	۱
تعلیمات اجتماعی	-	-	۱	۱	۱
هنر	-	-	-	۱	۱

جمع ۲۴

برای تقسیم کل محتوای مورد مطالعه به اجزاء کوچکتر از ساخت آن پیروی شده، یعنی بیست و چهار کتاب مورد بررسی به حسب موضوع به شش واحد عنوان (فارسی، علوم و غیره ..) تقسیم و هر عنوان به حسب سال تحصیلی (مانند فارسی اول، فارسی دوم و غیره . . .) به منزله یک واحد بررسی انتخاب شده است. در هر واحد بررسی نیز، بر مبنای تقسیم بندی داخلی مطالب آن، کل یک درس (مانند عبدالله بّری و بحری^۱) کوچکترین جزء یا واحد متن را تشکیل میداده است. جداول مربوط به هر واحد عنوان، بر اساس کل فراوانی مقوله های مربوط در کلیه واحدهای همان عنوان (مثلاً پنج جلد فارسی و غیره ...) محاسبه شده اند.

۲ - انتخاب چهارچوب مرجع و تعیین نظام مضامین یا مقوله ها :

الف - تعیین چهارچوب مرجع و نحوه اجرا : با توجه به هدف مورد نظر، یعنی پژوهش در مضامین و مفاهیمی که محتوای کتب درسی ابتدائی را تشکیل میدهند، تکنیک توصیفی تحلیل محتوا به عنوان چهارچوب مرجع بکار برده شده است. ابتدا نمونه هایی از متون از نقطه نظر، به ویژه، محتوای آشکار بررسی و بر اساس آن نظام مقوله ها و مضامین بصورت یک پرسش نامه یا چهارچوب کلی تعیین و سپس کلیه کتابها به حسب آن مطالعه و فراوانی مقوله ها و مضامین محاسبه شده است.

ب - تعیین نظام مقوله ها و شواهد تعیین کننده آنها : در بررسی اولیه،

اینطور استنباط شد که محتوای کتب مورد بررسی بطور کلی یا اطلاعاتی را می‌رساند یا اینکه يك مفهوم ارزشی را دربردارد. به همین جهت در آغاز دو گروه بزرگ مقوله انتخاب شد: مقولات ارزشی و مقولات اطلاعی. به عنوان مثال جمله‌ای چون «لازم نیست کسی قاعده‌های زبانی را یاد بگیرد تا به آن زبان سخن گوید، زیرا همه مردمان به زبان مادری خود سخن می‌گویند بی آنکه از قاعده‌های آن آگاه باشند» يك مقوله اطلاعی و جمله دیگری چون «توانا بود هر که دانا بود» يك مقوله ارزشی به حساب آمده است. گاهی برخی از مقوله‌ها هر دو جنبه را داشته‌اند مانند «فلک آلتی چوبین بود که پای کودکان را بدان می‌بستند و برپایشان چوب میزدند» که در اینصورت هم به عنوان مقوله ارزشی و هم به عنوان مقوله اطلاعی در ستونهای مربوط محسوب شده‌اند. هر يك از دو گروه مقوله با توجه به نوع اطلاع یا نوع مفهوم ارزشی به ستونهای متعدد داخلی دیگر تقسیم شده‌اند (جدول شماره ۲ تقسیم‌بندی داخلی مقولات اطلاعی در کتب فارسی^۸ و جدول شماره ۵ تا ۸ و همچنین نمودار شماره ۱ لیست مقوله‌ها و تقسیم‌بندی داخلی ابعاد آنها را نشان می‌دهند).

هر يك از مقوله‌ها از طریق وجود شواهد معنادار متجانس و مربوط به آن مقوله تعریف و تعیین شده‌اند. (شواهد تعریف‌کننده مقوله خانواده و مقوله تعلقات مذهبی در زیر، به عنوان مثال داده شده‌اند)

مقوله

خانواده

خانه - لانه - کاشانه - مامن

محل تعلق و امنیت

نقش پدر - پدر

نقش مادر - مادر

برادر - خواهر

نسبت‌های تباری

نسبت‌های خویشاوندی

ساخت روابط

حجم خانواده

۸ - فقط کتب فارسی از نقطه نظر هم مقوله‌های اطلاعی و هم مقوله‌های ارزشی مطالعه شده‌اند، برای سایر کتب یا واحدهای عنوان، فقط به بررسی مقوله‌های ارزشی قناعت شده است.

مقوله تعلیقات مذهبی

یاد خدا - نام خدا
صفات خدا
اصول دین - نقش دین
پیامبران - شخصیت‌های دینی
دستورالعمل دین
اهمیت دین
وظیفه دینی

هر بار که یکی از شواهد معنی‌دار مربوط به يك مقوله مشاهده شده ، مقوله مربوط يك بار کد خورده است . بنابراین وجود يك معنا یا جزء معنی‌دار يك مقوله به عنوان واحد ثبت⁹ بکار رفته است . از سوی دیگر ، برای دریافت یا تعیین شواهد معنی‌دار به حجم متن ، یعنی آن مقدار از متن که شاهد در آن مشاهده شده¹⁰ نیز توجه شده است . حجم مزبور به حسب کفایت معنای شاهد بین جمله ، پاراگراف . یا حتی گاهی کل يك واحد متن (یعنی يك درس) متغیر ولی اکثر اوقات يك جمله (کوتاه یا طویل) بوده است .

به منظور دریافت جهت‌گیری یا گرایش نسبت به يك موضوع خاص ، گاهی در داخل يك مقوله ، مقوله‌های دیگری نیز ، به صورت مثبت یا منفی ، در نظر گرفته شده اند . مثلاً تصویر پدر در داستان رستم و سهراب یا پدریکه در برخی از صورت مسائل حساب ، يك مقدار پول را بطور نامساوی میان فرزندان خود تقسیم می‌کند ، يك تصویر منفی به حساب آمده است .

ج - شمارش فراوانی ها : برای سنجش فراوانی‌ها از واحد ثبت استفاده شده ، یعنی واحد ثبت و واحد شمارش یکسان بوده و هر بار یکی از شواهد مربوط به يك مقوله مشاهده شده ، برای مقوله مربوط يك بار ظهور (فراوانی) حساب شده است . هر گاه معنا یا شاهد مربوط به يك مقوله در جمله‌ای دوبار تکرار شده است ، فقط يك بار فراوانی ، برای آن ، حساب شده ولی هر گاه در يك جمله دو معنا وجود داشته است ، هر يك در مقوله مربوط محسوب گشته است . وقتی يك شاهد در دو جمله پی‌درپی تکرار میشده ، دوبار فراوانی برای مقوله مربوط محسوب و تأکید روی يك مضمون بدان ترتیب حساب شده است .

9 - Unité d'enregistrement.

10 - Unité de contexte.

نتایج

الف - نتایج کمی

۱ - نتایج مربوط به مقوله‌های اطلاعی : در کلیه کتب فارسی سال اول تا پنجم ، رویهمرفته ۱۸۸۸ بار اطلاع مختلف ثبت شده است . جدول شماره ۲ ابعاد و تقسیم‌بندیهای داخلی اطلاعات و درصدهای هر یک را نشان میدهد .

جدول ۲

اطلاعات ثبت شده در کتابهای فارسی سال اول تا پنجم

درصد به نسبت کل اطلاعات محاسبه شده	درصد به نسبت کل اطلاعات هر گروه	
۱/۸	۶۷/۷ ۲۶/۵ ۵/۸	قبل از اسلام بعد از اسلام معاصر
۲۲/۸٪		دستور زبان واژه‌های فارسی ادبیات و نویسندگان ایرانی ادبیات و نویسندگان خارجی
۲۸/۳٪		سیاسی علمی جغرافیا طبیعی اقتصادی
۴/۱٪		موسیقی نقاشی تئاتر آثار هنری

۳۴/۹	معلومات عمومی
۱/۴	معلومات مذهبی
۵/۵	آداب زندگی
۲/۲	اطلاعات سنتی

۱۸۸۸
 آنطور که از جدول ۲ استنباط میشود اطلاعات عمومی، علمی و ادبی بزرگترین درصدها را به نسبت فراوانی اطلاعات ثبت شده دارند، هم‌چنین، در اطلاعات تاریخی که بطور کلی درصد کوچکی را نشان میدهد، مخصوصاً اطلاعات تاریخی گذشته‌اند که نسبتاً فراوان‌ترند.

دروس و متون مختلف کتابهای فارسی دوم تا پنجم از نقطه نظر مرجع نیز بررسی شده‌اند. رویهمرفته ۱۲/۹ درصد متون از یک مرجع ادبی گرفته شده‌اند، رجوع به مراجع گذشته فراوان‌تر از مراجع مربوط به عصر حاضر است. در میان شعرا و نویسندگان گذشته فردوسی و سعدی بیشترین فراوانی‌ها را دارند و از معاصران نیز ملک‌الشعراى بهار نسبتاً بیشتر ذکر شده است.

۲ - مقوله‌های مربوط به مفاهیم ارزشی در کلیه کتابهایی مورد مطالعه، رویهمرفته ۲۱۰ مقوله ثبت شده که جمع فراوانی‌های آنها بالغ بر ۱۴۷۰۵ می‌باشد. جدول ۳ مجموع فراوانی‌ها را به حسب عنوان کتابها نشان میدهد.

جدول ۳

فراوانی مفاهیم به حسب واحدهای عنوان

عنوان	تعداد جلد	فراوانی
علوم	۵	۴۸۲۳
فارسی	۵	۲۵۴۵
علوم اجتماعی	۳	۳۴۴۴
تعلیمات دینی	۴	۲۱۶۲
ریاضیات	۵	۸۵۲
هنر	۲	۸۷۹

جمع فراوانی‌ها
 ۱۴۷۰۵

فراوانی مقوله‌ها ، بطور کلی کم است . جدول شماره ۴ مقولاتی که بیشترین فراوانی‌ها را دارند ، به ترتیب ، نشان میدهد .

جدول ۴

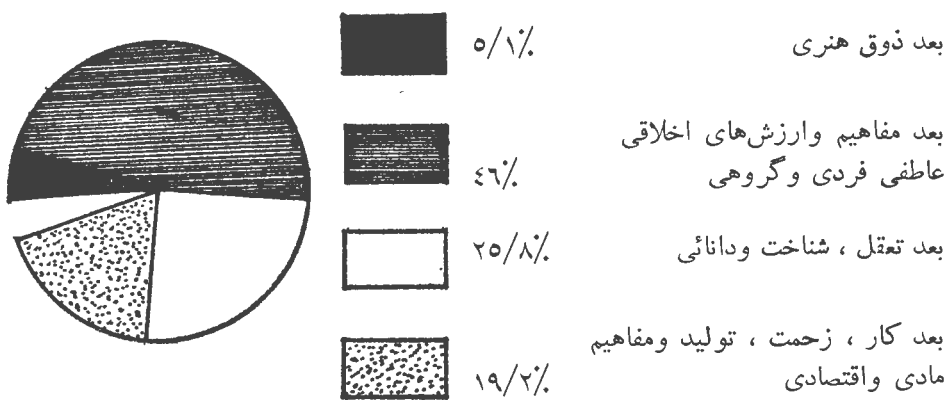
لیست مقولاتی که به ترتیب فراوانی نسبی بیشتر دارند

فراوانی	مفهوم
۴۸۴	خانواده
۴۸۴	دانش‌اندوزی ، کسب‌کمال و آموختن
۳۸۶	استفاده بردن - سود و سود کردن
۳۴۹	علت‌جوئی و روابط علت و معلولی
۳۲۳	خداپرستی و تعلقات مذهبی
۳۱۳	کار ، فعالیت
۳۳۱	قدرت
۳۲۱	بایستن
۳۱۴	کمک کردن
۳۰۰	تفاوت داشتن
۲۹۸	مهربانی
۲۵۰	گروه - جامعه - ملت یا بطور کلی مفاهیم گروهی
۲۰۷	دوستی - رفاقت
۲۰۶	اجر پاداش در برابر کار انجام شده
۲۰۲	زمان
۱۶۸	دادوستد
۱۶۰	محصول - نتیجه
۱۲۶	احساسات ملی و میهنی

به علت ناچیز بودن فراوانی مقوله‌ها و همچنین به دلیل تجانس‌هایی که میان برخی از مقولات مشاهده می‌شود ، آنهایی که از جهتی با یکدیگر هماهنگی دارند در یک گروه یا بعد قرار داده شده‌اند . مثلاً با مطالعه در جدول شماره ۴ میتوان دریافت که هر گروه از فراوان‌ترین مقولات از لحاظی با یکدیگر تجانس دارند و می‌شود آنها را در ابعادی قرار داد : یکی بعد عاطفی و ارزش‌های اخلاقی که شامل روابط و بستگی‌های خانوادگی ، تعلقات مذهبی ، کمک کردن به دیگران ،

مهربانی و دوستی و همچنین مفاهیم مربوط به گروه و مفاهیم دیگری چون قدرت است که نوعی ساخت ارتباط میان افراد می‌باشد. دیگری بعد شناخت است که شامل کسب کمال و یادگیری، روابط علت و معلولی، زمان و تفاوتها است. مقولات مربوط به مادیات و اقتصاد یعنی مفاهیم سود و زیان، استفاده، کار و فعالیت، دادوستد، محصول، پاداش در برابر کار انجام شده، نیز میتوانند در یک بعد قرار گیرند.

قراردادن گروهی از مقولات در یک بعد شاید تا اندازه‌ای قراردادی باشد و در هر حال بسیار مجرد است ولی فایده آن اینست که محدوده موضوع را مشخص میسازد و به همان نسبت نظری به کل مضامین ثبت شده را ممکن میگرداند. بعلاوه شاید این نوع نتیجه‌گیری بتواند جهت تحقیقات بعدی را نشان دهد، در این معنا که تلاش تا معلوم شود خصوصیات سیمائی که از خلال پیام‌های درسی ترسیم میشود کدامند، آیا کل پیام‌های درسی میتوانند در جهت ترسیم ابعاد مختلف یک هدف خاص هماهنگی داشته باشند و آیا اصولاً فرستنده پیام در ترسیم هماهنگی ابعاد هدف تلاش کرده و نسبت به آن آگاهی داشته است؟ بنابراین، با توجه به هماهنگی و تجانس مضامین مختلف، چهار بعد یا گروه مشخصی شده‌اند. نمودار زیر درصد این ابعاد را به نسبت فراوانی کلیه مضامین ثبت شده در کلیه واحدهای عنوان نشان میدهد.



جلد اول ۵ و ۶ و ۷ و ۸ هر يك تركيب داخلى يعنى نسبت مقوله‌هائى را كه در يك بعد قرار داده شده‌اند ، نشان مي‌دهند .

جدول ۵ - بعد مضامين و ارزش‌هاى اخلاقى و عاطفى فردى و گروهى

مضمون	فراوانى
خانه - خانواده	۴۸۴
قدرت - فرمانروائى	۳۳۱
خداپرستى و تعلقات مذهبى	۳۲۳
بايستن - اجبار داشتن	۳۲۱
كمك كردن - رحم كردن	۳۱۴
مهربانى - محبت	۲۹۸
جامعه - گروه	۲۵۰
دوستى - رفاقت	۲۰۷
تظاهرات مختلف - پرخاشگرى	۱۸۳
احساسات	۱۴۹
احساسات ملي و ميهنى	۱۳۹
مالكيت	۱۲۹
مقاومت - پايدارى	۱۱۶
نا توانى - بيچارگى	۱۱۶
همكارى	۱۱۱
توانائى - نيرومندى	۱۰۷
ارتباط	۱۰۷
احساس مسئوليت - وظيفه	۱۰۳
سعى و كوشش	۱۰۳
فعاليتهاى گروهى	۱۰۳
اطاعت كردن	۹۸
نيكوكارى	۸۸
راهنمائى - راهنما	۸۷
عظمت نياكان - تجليل گذشتگان	۸۶
آزادى بيان - مبارزه با زور	۸۵
روابط دوستانه دختر و پسر	۸۴

۸۱	حمله کردن - تصرف کردن
۸۰	توجه به خود
۷۹	مشارکت
۷۸	سپاسگزاری - حق شناسی
۷۷	اتحاد - پیمان بستن
۷۵	فروتنی - احترام قائل شدن
۷۳	موفقیت - پیروزی
۶۸	میخالفت کردن
۶۷	جنگ - جنگیدن
۶۷	پاکیزگی
۶۶	جانبازی - فداکاری
۶۵	درستکاری - راستگوئی
۶۰	استقلال - آزادی
۵۸	برادری - مساوات
۵۵	قانون
۵۵	دشمنی - کینه
۵۰	احساس اندوه
۵۰	حیله گری - فریب
۵۰	رای دادن - انتخاب کردن
۴۹	شکست
۴۷	عدالت - انصاف
۴۵	سازگاری با محیط
۴۳	اراده
۴۲	پول و بخشش
۴۰	انگیزه پیشرفت
۳۹	ترس
۳۹	شهرت
۳۸	توجه به دیگران
۳۶	تسلط بوجود و پرهیزکاری
۳۵	مشقات زندگی
۳۲	اتکاء به خود
۳۱	تشویق کردن

۳۱	احساس پشیمانی
۳۰	امنیت
۳۰	آرزومندی
۳۰	دلاوری - شجاعت
۲۴	نیرومندی
۲۳	سادگی
۲۳	اتفاق - بازی سرنوشت
۱۵	

درصد به نسبت فراوانی کل مضامین ثبت شده ۴۶٪

جدول ۶ - بعد هنر - ذوق - ادب

فراوانی

مضمون

۱۴۵	خلاقیت و بیان هنری
۱۲۳	شکل
۹۹	هنردوستی
۹۵	زیبائی - تزئین
۷۳	رنگ
۶۵	احساس کردن
۲۷	تناسب و توازن
۲۷	ذوق - سلیقه
۲۹	طبیعت
۲۵	شعر - سخن و هنریان
۱۹	تخیل و تجسم
۱۸	ادب

درصد به نسبت فراوانی کل مفاهیم ثبت شده ۵/۱٪

جدول ۷ - بعد کار ، فعالیت ، تولید و مفاهیم مادی و اقتصادی

مضمون	فراوانی
استفاده - سود	۳۸۶
کار - فعالیت	۳۱۳
اجر در برابر عمل	۲۰۶
ماشین - صنعت	۱۸۰
تأسیس کردن	۴۹
انسان فعال	۴۵
فراهم کردن	۳۷
ضرر و آسیب	۷۴
ارزش - بهاء	۱۲۱
تولید کردن	۱۱۳
تحرك - حرکت	۹۹
دادوستد	۱۶۸
محصول - نتیجه	۱۶۰
پول - درآمد	۱۵۱
ساختن - درست کردن	۱۴۹
انجام دادن	۷۳
رشد - توسعه	۷۰
آباد کردن	۵۵
پیشرفت و ترقی	۹۷
بدست آوردن	۹۸
نیازمندی	۸۶
حفظ کردن	۱۲۶

درصد به نسبت فراوانی کل مفاهیم ثبت شده ۱۹/۴٪

جدول ۸ - بعد شناخت - فعالیت‌های عقلانی

مضمون	فراوانی
دانائی - کسب دانش	۴۸۴
جزء و کل و مفاهیم کمی	۳۶۷
علت‌جوئی و روابط علت و معلولی	۳۴
تفاوت - تنوع	۳۰۰
تغییر و تبدیل حالات	۱۹۰
فضا	۱۹۲
زمان	۱۰۲
چگونگی امور و مسائل	۱۷۹
چاره‌جوئی و فعالیت ذهنی	۱۸۳
آزمایش کردن	۱۷۱
بکار بردن ابزار - وسیله	۱۷۶
پی بردن - تشخیص دادن	۹۰
اندیشیدن	۱۱۴
مقایسه - اندازه گیری	۱۱۹
تشکیل - ترکیب	۱۰۴
خلاقیت - اختراع	۱۲۰
نظم و ترتیب	۶۲
شبهات	۶۶
هدف - منظور	۵۶
پیش‌بینی	۶۶
روش - طریق	۴۷
دقت - کنجکاوی	۴۰
سرعت	۴۸

درصد به نسبت فراوانی کل مفاهیم ثبت شده ۲۵/۸٪

همانطور که در جدول ۵ دیده میشود، تعداد و تنوع مضامینی که در بعد ارزش‌های اخلاقی و عاطفی فردی و گروهی قرار گرفته‌اند، نسبت به دیگر ابعاد بیشتر است و درصد بیشتری را نشان میدهد. از دقت در ترکیب

فراوانی این مفاهیم چنین برمی آید که برخی از آنها جنبه خاصی را نشان می‌دهند مثلاً مفاهیم مربوط به ساخت روابط میان افراد سه‌گونه‌اند: محبت و مهربانی و نیکوکاری - قدرت و بایستن - همکاری و دوستی که آخری نسبت به دیگران کمترین فراوانی را دارد، به نحویکه شاید بتوان چنین فرض کرد که فراوان‌ترین مضامین مربوط به ارتباط میان افراد آنهایی‌اند که روابط يك‌جانبی یعنی بایستن و قدرت و با ترحم و مهربانی‌را نشان می‌دهند و همکاری که براساس روابط متقابل و هم سطح است، نسبتاً کمتر دیده میشود، امر دیگری که از دقت در مضامین این بعد استنباط میشود کم بودن نسبی فراوانی مضامینی است که ظاهراً توصیف‌کننده رشد فرد می‌باشند، مانند اثبات وجود، اتکاء به خود و آزادی بیان.

در مورد بعد تعقل و شناخت نیز باید متذکر شد که کلیه مضامینی که در این بعد قرار گرفته‌اند از جهت ارتباط داشتن با تفکر تحلیلی یا قدرت شناختی متفاوتند. به‌عنوان مثال یکی از مضامین این بعد دانائی، و کسب دانش و یادگیری است. اجزاء و شواهد تعیین‌کننده این مضمون عبارت بوده‌اند از مدرسه، دبستان، معلم، دانائی، اهمیت دانش، هراسم مربوط به یادگیری، کلاس درس، دانش‌آموز، اهمیت یادگیری و کسب کمال و دانائی. یعنی هر بار که در متن اشاره‌ای به یکی از این معانی شده، مضمون مربوط کد خورده و يك بار فراوانی برای آن حساب شده است درحالیکه این مضمون با مضمون دیگری چون رابطه علت و معلولی که شواهد مربوط به آن جستجوی علت، تجزیه و تحلیل، رابطه میان علت و معلول بوده است تفاوت زیاد دارد. مضمون اولی توصیف‌کننده است، درحالیکه مضمون دومی فکر را رهبری می‌کند. با این ترتیب میتوان تصور نمود که بعد شناخت و تعقل، اگر در معنای پرورش تفکر تحلیلی در نظر گرفته شود، فراوانی بسیار کمتر از آنچه در این تحقیق بدست آمده، خواهد داشت.

چهار بعد مذکور، رویهم‌رفته ۹۶٪ کل مضامین ثبت شده را اشغال می‌کنند فراوانی مفاهیم در کلیه کتابهای مورد بررسی را نشان می‌دهند. ولی همین ترکیب و نسبت‌ها در واحدهای عنوان دیده نمیشود. به عبارت دیگر، تصویری که با توجه به فراوانی مختلف در کتابهای مربوط به يك موضوع یا عنوان استخراج میشود، همیشه با دیگر کتابها، هم‌خوانی ندارد. جداول ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ فراوان‌ترین مضامین هر واحد عنوان و نمودارهای ۲ و ۳ و ۴ و ۵ نسبت‌های داخلی هر يك از ابعاد چهارگانه را در واحدهای عنوان نشان می‌دهند.

جدول ۹

مفاهیمی که در کتب فارسی فراوانی نسبی بیشتر داشته‌اند .

مفهوم	فراوانی
خانواده	۲۵۹
دوستی	۱۹۰
کسب دانش - دانش‌اندوزی	۱۴۸
کمک کردن	۹۳
کوشش و پایداری	۹۶
احساسات ملی و میهنی	۸۸
اجر و پاداش	۸۱
ایمان به خدا	۷۳
کار - فعالیت	۷۲
امید	۷۰
پر خاشگیری	۷۰
چاره‌اندیشی	۶۹
مهربانی	۵۵
همکاری	۵۰

فراوانی کلیه مفاهیم کتب فارسی ۲۵۴۵

با توجه به فراوانی و هم‌خوانی مضامین جدول ۹ اینطور بنظر میرسد که در کتابهای فارسی به بستگی‌های خانوادگی احساسات ملی و میهنی ، اعتقادات مذهبی ، دوستی ، کمک کردن ، مهربانی و همکاری و امید اشاره فراوان و پیش از هر چیز تصویر یک موجود عاطفی ترسیم شده است .

تصویری که از کتب علوم استخراج میشود ، برعکس ، بیشتر روی جنبه شناخت تکیه دارد و نسبت به سایر کتب از این جهت قوی‌تر است . جدول شماره ۱۰ فراوانی نسبی مضامین را در این کتابها نشان میدهد .

جدول ۱۰

مفاهیمی که در کتب علوم بیشترین فراوانی‌ها را دارند

مضمون	فراوانی
علت‌جوئی و روابط علت و معلولی	۲۶۵
جزء و کل - مفاهیم کمی	۱۸۲
آزمایش کردن	۱۶۵
چگونگی	۱۴۵
تفاوت داشتن	۱۳۰
زمان	۱۲۸
تغییر و تبدیل	۱۲۴
نتیجه - حاصل	۱۰۲
تولید کردن	۹۶
تحرك - حرکت	۹۵
ساختن	۹۴
مکان	۸۱
فعالیت	۷۸
تشکیل دادن	۶۷
پی بردن	۶۰
احتیاج	۶۱
مقایسه کردن	۵۹
دانش‌اندوزی	۵۰

فراوانی کلیه مفاهیم کتب علوم ۴۸۳۳

مفاهیمی که از کتابهای علوم اجتماعی (جدول ۱۱) - مخصوصاً قسمت تاریخ - استخراج شده‌اند ظاهراً^{۱۱} تصویر دیگری را نشان می‌دهند. مضامینی

۱۱ - همانطور که قبلاً نیز گفته شد، نتایج کمی تحقیق و ابعاد و تصاویری که داده شده‌اند فقط در حد فرضیه برای تحقیقات بعدی قابل قبول می‌باشند و به هیچوجه قاطعیت ندارند.

چون قدرت و تظاهرات مختلف پرخاشگری مانند جنگیدن حمله کردن و تصرف کردن، فراوانی زیاد و برعکس دوستی، مهربانی، کمک کردن فراوانی کم‌تر دارند. نسبت مضامین قدرت، حمله و تصرف کردن به مضامین گروهی چون جامعه، ملت و گروه به ویژه، درخور تعمق است.

جدول ۱۱

مضامینی که در کتب علوم اجتماعی فراوانی بیشتر داشته‌اند

فراوانی	مفهوم
۲۲۹	قدرت
۷۹	حمله و تصرف کردن
۶۷	جنگ کردن
۸۸	خانواده
۸۳	پرخاشگری
۷۳	ارتباط
۶۶	پیشرفت
۶۰	صنعت - ماشین
۷۰	قضاوت
۷۳	جامعه - ملت و گروه
۸۹	دادوستد
۵۶	نگاهداری و حفظ کردن
۵۳	قانون
۴۴	کار و فعالیت

فراوانی کلیه مفاهیم علوم اجتماعی ۳۴۴۴

در کتابهای تعلیمات دینی نیز فراوانی مضامین تصویر خاصی دارد که در جدول شماره ۱۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱۲

مضامینی که در کتب تعلیمات دینی فراوانی نسبی بیشتر داشته‌اند

فراوانی	مفهوم
۲۰۰	خداپرستی و اعتقادات مذهبی
۱۱۴	بایستن - اجبار داشتن
۱۱۵	دوست داشتن
۱۲۸	کمک کردن
۱۰۰	کسب دانش
۷۷	مهربانی
۵۱	وظیفه و احساس مسئولیت
۴۸	کوشش
۴۳	اجر و پاداش
۴۰	سودجویی
۴۴	راهنمایی کردن
۳۸	کار
۳۷	تساوی انسانها
۳۷	روابط علت و معلولی
۴۲	انسان - مردم
۳۷	حقوق‌شناسی

فراوانی کلیه مفاهیم کتب تعلیمات دینی ۲۱۶۲

مضامینی که از متون مسائل کتب ریاضی استخراج شده‌اند، مخصوصاً فراوانی مفاهیم بازرگانی و مادی را می‌رسانند، در این کتب نیز نسبت سود به ضرر جالب به نظر می‌رسد.

جدول ۱۳

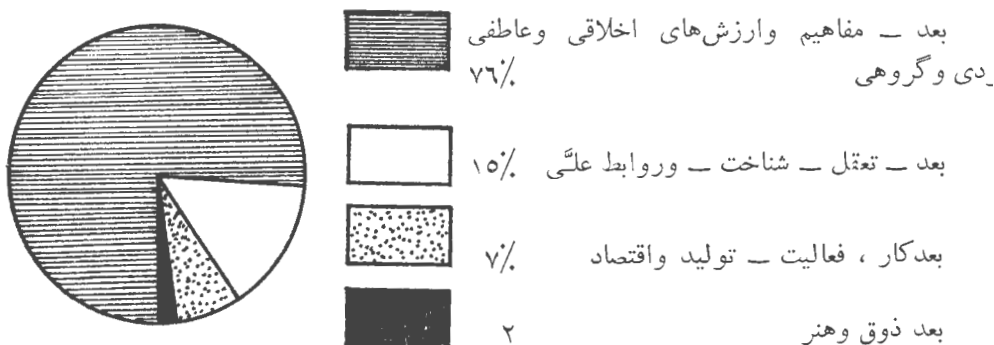
مفاهیمی که در صورت مسائل کتب ریاضی فراوانی نسبی بیشتر داشته‌اند

مفهوم	فراوانی
پول	۱۳۱
سودجوئی - سود	۳۵
ضرر	۴
خرید و فروش	۷۹
پس‌انداز کردن	۱۳
ارزش - بها	۲۰
مفاهیم کمی و نسبی	۶۱
مزد - پاداش	۲۴
زمان	۶۰
فضا	۶۶
سرعت	۲۶
کارکردن - فعالیت	۴۸
خانواده	۴۰
مالکیت	۲۰

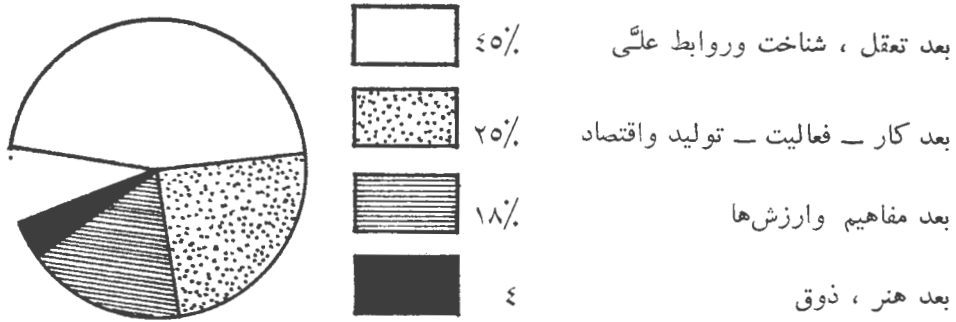
فراوانی کلیه مفاهیم مسائل ریاضی ۸۵۲

نمودارهای ۲ تا ۷ به ترتیب نسبت داخلی چهار بعد مذکور قبلی را در واحدهای عنوان نشان می‌دهند.

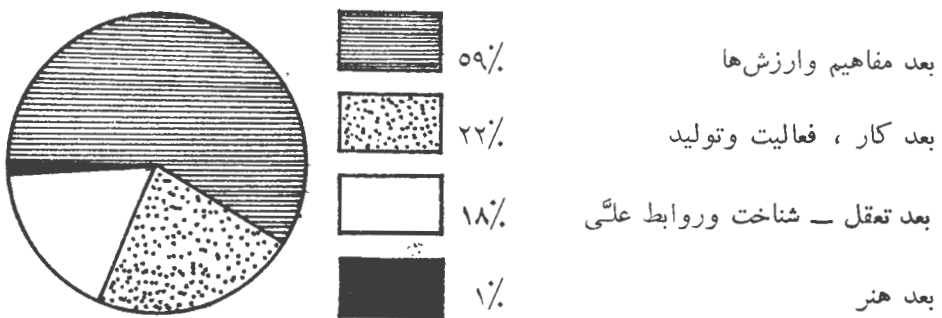
نمودار ۲ - کتب فارسی



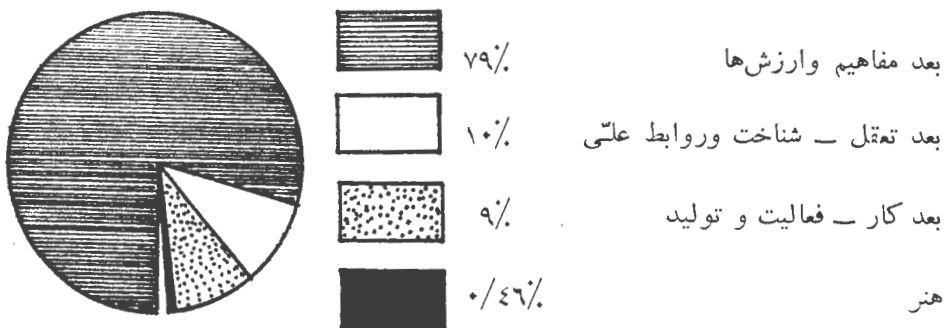
نمودار ۳ - کتب علوم



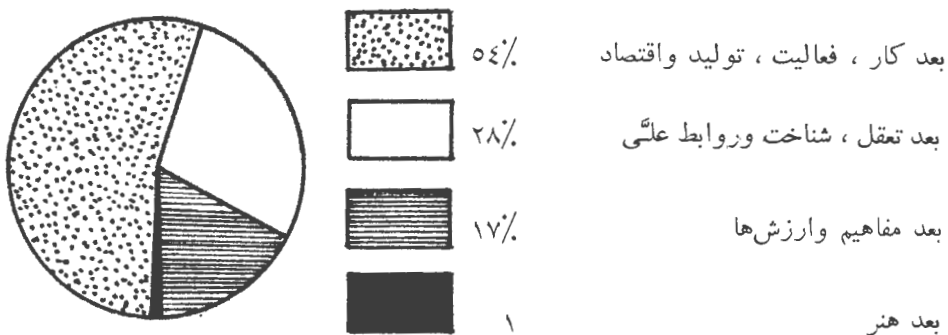
نمودار ۴ - کتب تعلیمات اجتماعی



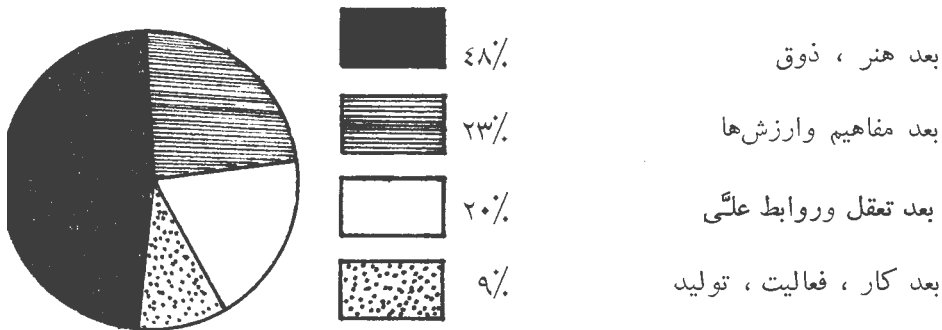
نمودار ۵ - کتب تعلیمات دینی



نمودار ۶ - کتب فارسی



نمودار ۷ - کتب هنر



با توجه به نمودارهای ۲ تا ۷ چنین بنظر میرسد که تأکید روی ابعاد چهارگانه ، همانطور که فراوانی نسبی مضامین در جداول ۳ تا ۹ نیز نشان میداد به حسب واحدهای عنوان تغییر می‌کند . در کتب فارسی و تعلیمات دینی ، بعد مفاهیم و ارزش‌ها به وجه محسوس از سایر ابعاد قویتر است ، به نحویکه میتوان آنها را يك بعدی تصور نمود با تأکید روی تصویر يك انسان پر عاطفه یا يك انسان وظیفه شناس و از خود گذشته .

در کتب تعلیمات اجتماعی نیز ابعاد قویتر به ترتیب مفاهیم و ارزش‌ها و کار و تولید می باشد . ابعاد قویتر متون مسائل ریاضی را نیز کار و فعالیت و شناخت و تعقل تشکیل میدهند ، ولی با این حال مفاهیم و ارزش‌ها نیز درصد نسبتاً قابل توجهی دارند . در کتب علوم ، بعد تعقل و شناخت بزرگترین درصد را دارد و با توجه به درصد سایر ابعاد میتوان تصور کرد که این گروه از کتب ، نسبت به سایر عنوانها ، از جهت ترکیب درصد ابعاد متنوع تر و متعادل تر است . ولی بطور کلی ، با توجه به کلیه کتب ، میتوان فرض کرد که بعد شناخت و تعقل ، مخصوصاً با توجه به ساخت مضامینی که در آن قرار داده شده‌اند ، زیاد در کتب درسی دوره ابتدائی مورد توجه نبوده است .

ب - نتایج کیفی

توزیع فراوانی يك مضمون هم به حسب واحدهای عنوان - طبق جداول ۹ تا ۱۳ و هم به حسب دروس مختلف يك واحد عنوان متفاوت است .

مثلاً، اغلب مفهومی در یک درس چندین بار تکرار میشود و سپس در درس دیگر مداومتی در تکرار آن دیده نمیشود. البته این موضوع ناشی از عنوان یا مفهوم کلی یک درس است و شیوه خاص برنامه‌ها و روش‌های آموزشی را می‌رساند که به نظر ما خود این شیوه از جهت میزان تأثیرگذاری روی کودک قابل بحث می‌باشد. صرف‌نظر از امر مذکور، مفاهیم کلی دروسی که به دنبال یکدیگر می‌آیند همیشه خالی از تضاد نیست. به عنوان مثال در کتاب فارسی پنجم، در افسانه عبدالله بگری و بحری بطور نهفته اهمیت حادثه و حسن آن عنوان شده است. قهرمان داستان که مردیست فقیر و دارای فرزندان بسیار بر اثر حسن حادثه‌ایکه صید کردن یک پری دریائی و سپس آزاد کردن اوست، به ثروت و خوشبختی میرسد و تا پایان عمر بدون انجام فعالیت و کوشش خاصی، فقط به علت بذل و بخشش پری دریائی و سبب جواهراتی که همه روزه از او دریافت میدارد با خوشبختی زندگانی می‌کند. سپس در درس بعدی با نظمی از بوستان سعدی «بخور تا توانی به بازوی خویش» مسئله اتکاء بنفس و اهمیت کوشش شخصی عنوان میشود.

علاوه بر تفاوت در توزیع فراوانی مضامین بر حسب واحدهای عنوان، هم نسبت مضامین مختلف تشکیل دهنده یک بعد و هم فراوانی و نسبت شواهد تعیین کننده یک مقوله یا مضمون، به حسب کتابهای مختلف تغییر نشان میدهند. در مورد اولی یعنی تفاوت در نسبت مضامین تشکیل دهنده یک بعد، مثلاً مقوله‌های تشکیل دهنده بعد شناخت و تعقل در کتب هنر که درصدی معادل ۲۰ را نشان میدهند، بیشتر مربوط به مفاهیم کمی و نسبی، زمان، اندازه و یادگیری است و نه تحلیل روابط یا جستجوی علل امور، در کتب علوم روابط علی امور نسبتاً بیشتر و فراوان‌تر ذکر شده است. ولی بطور کلی باید دوباره متذکر شد که در سطح کلیه کتب مورد مطالعه، مضامین مربوط به بعد شناخت و تعقل واقعاً بر مبنای توجه به تفکر علی نیست و وجود مضامینی مختلفی که در این بعد قرار داده شده‌اند و اکثراً بیش از آنچه جنبه تحلیلی داشته باشند، جنبه توصیفی دارند، میزان درصد بدست آمده را نسبتاً بالا برده‌اند. استنباط کلی از کتب این است - البته اگر فقط در سطح مجرد مضامین و مفاهیم بدست آمده قضاوت شود - که توجه بیشتر معطوف به یک ذهن توصیف کننده است و نه تحلیل کننده. در مورد شواهد تعیین کننده یک مقوله نیز، همانطور که در فوق ذکر شد، تفاوت‌هایی به نسبت کتب دیده میشود، مثلاً فراوانی شواهد مربوط به مفهوم خانواده - مفهومی که در کلیه کتابهای درسی با درصد نسبتاً قابل توجهی مشاهده شده است - به نسبت کتب مختلف، متفاوتند و هر یک تصویری بیش و کم متفاوت از خانواده ترسیم

می‌کنند^{۱۲}. همانطور که در شرح روش ذکر شد، شواهد مربوط به مضمون خانواده متعدد بوده‌اند مثل تعداد افراد یعنی حجم خانواده، پدر، نقش پدر، مادر، نقش مادر، روابط مادر با کودکان و بالعکس، روابط پدر با کودکان و بالعکس روابط خویشاوندی، خانه، کاشانه و غیره... . حال تصویری که این شواهد از خانواده ترسیم می‌نمایند، به حسب کتب متفاوت است. مثلاً در کتب تعلیمات دینی خانواده بیشتر از طریق روابط توصیف شده است. روابط کودکان با اولیاء در قالب بایستن، اطاعت کردن، احترام قائل شدن و سپاسگزار بودن بیان شده است. وظیفه يك جانبی است، یعنی بیشتر از طرف کودکان نسبت به پدر و مادر است تا متقابلاً پدر و مادر کودکان را دوست دارند و برای آنها وظیفه تعیین می‌نمایند و کودکان نیز باید مطیع و سپاسگزار باشند. نظم و ترتیب و تقسیم وظایف، به ویژه از خصوصیات خانواده ایست که در کتب تعلیمات دینی وصف شده است. خانواده‌ایکه متون مسائل در کتب ریاضی رسم می‌نمایند، صورت دیگری دارد. در این مسائل اکثراً از پدری یاد میشود که یا پول خود را بطور نامساوی میان فرزندان تقسیم می‌کند یا برای آنها لباس، ولی باقیمت متفاوت، میخرد و اغلب دختران سهمی کمتر از پسران دارند. در خانواده‌ایکه کتابهای فارسی وصف می‌کنند، اغلب تفاهم، مهربانی، دوستی و هم چنین تقسیم وظایف حکمفرما است به نحویکه خانواده صورتی ایدآل پیدا کرده است. حجم افراد خانواده به نسبت زمان و سطح اقتصادی تا اندازه‌ای متفاوت می‌نماید. تعداد کودکان خانواده‌های فقیر اکثراً زیاد و خانواده‌های نسبتاً غنی دونه نفر (يك دختر و يك پسر) ذکر شده است. در کتب تعلیمات اجتماعی ذکر خانواده یا بصورت تفاوت در نحوه‌های زندگی است و یا بصورت (مخصوصاً در قسمت‌های مربوط به تاریخ) نسبت‌های تباری. صرفنظر از تفاوت‌های مذکور، آنچه که ظاهراً در کلیه کتابها، در مورد همین مفهوم خانواده، دیده میشود یکی سنتی بودن نقش‌ها است و دیگری تا اندازه‌ای متفاوت بودن ساخت خانواده از آنچه که در اجتماع امروز میگذرد. در تقریباً کلیه کتابها، پدر همیشه مسئولیت مادی و نقش فراهم آوردن وسایل رفاه و زندگی خانواده را برعهده دارد، پدر خانواده‌های فقیر در کنار فرزند پسرش در خارج از خانه زحمت میکشد و پدر خانواده ظاهراً شهری برای کودک لباس میخرد، به او پول میدهد و رهبری خانواده را بر عهده دارد، گویانکه گاهی از اوقات در مضامین نهفته متون ضدیت‌هائی در رفتار

۱۲ - بنظر میرسد که تحقیق مقایسه‌ای و دقیق هر مقوله یا مضمون به حسب کتب مختلف بتواند به نتایج جالبی منجر گردد.

پسر و پدر دیده میشود. مادر شخصی است که کودک را دوست دارد از او مواظبت میکند، غذا و شیرینی می‌پزد، به امور خانه می‌پردازد و بطور کلی حوزه فعالیت و اظهار وجود او در داخل چهارچوب خانواده است.

همسایه نیز از دیگر مضامینی است که تصویر آن به نسبت کتب فرق می‌کند. مثلاً در کتب تعلیمات دینی از همسایه تصویر مثبتی رسم و رعایت حال او فرض شده است، حال آنکه در کتب فارسی، مخصوصاً تعلیمات اجتماعی، این تصویر همیشه مثبت نیست و همسایه گاهی به عنوان بیگانه، دشمن، و شخص غیر قابل اعتماد نیز بیان شده است. از «زمان» نیز در کتب مختلف به صور بیش و کم متفاوتی یاد شده است، زمان تعلیمات اجتماعی، که مخصوصاً فراوانی زیادتر دارد، بیشتر مربوط به گذشته و تقسیم‌بندی دوره‌های آن است (که در این مورد میتوان پرسید کودکی که هنوز در سنین هفت - هشت سالگی دارد تدربجاً مفهوم عینی زمان را میسازد و تا قبل از این مفهوم برایش فقط زمینه انجام فعالیتها، حرکات و تجربیات بوده است، چگونه میتواند این تقدم و تأخرها را درست دریابد). به عبارت دیگر، زمان تعلیمات اجتماعی بعدی است که گذشته و پایان یافته است، درحالیکه مثلاً در متون مسائل ریاضی، زمان زمینه یا واحد سنجش انجام کار یا فعالیتی است، یعنی آنچه که هم با زندگی کودک ارتباط نزدیک‌تر میتواند داشته باشد و هم بعدیست که در دنیای کار و فعالیت امروز اهمیت زیاد دارد. ولی بطور کلی در کلیه کتب مورد مطالعه اشاره به بعد آینده ناچیز می‌نماید^{۱۳}.

امر دیگری که در بررسی نتایج به چشم می‌خورد کم بودن نسبی فراوانی برخی از مضامین است. مثلاً مضامینی که به نحوی با رشد فرد ارتباط می‌یابند مانند آزادی بیان، اثبات وجود، خودیاری، استقلال و غیره. نسبتاً فراوانی کمتر دارند. مضامین دیگری چون رقابت، حسادت (که هر وقت هم ذکر شده اکثر پاداش منفی گرفته است) انگیزه پیشرفت نیز فراوانی کم دارند، حال آنکه مفاهیم مربوط به آن ظاهراً در دنیای امروز بر رفتار انسانها حکومت می‌کنند. از دیگر مضامینی که فراوانی کم دارد و کم بود آن جالب می‌نماید، اعتماد و اعتماد کردن به دیگران است که میتوان آنرا به برخی ملاحظات زندگی همه روزه و یا حتی برخی از قراردادهای حاکم بر اجتماع خودمان نزدیک کرد. با اینکه ظاهراً دو کتاب در مورد هنر هست، ولی مضامین مربوط به بعد

۱۳ - متأسفانه بررسی حاضر چون مقدماتی است نمی‌تواند کلیه تفاوتها را دقیقاً روشن سازد. شاید اگر تحقیقی دقیق بر مبنای این مقایسه‌ها انجام شود، نتایج جالبی بدست آید.

هنر جای بسیار کوچکی را نسبت به سایر ابعاد اشغال می‌کنند و فقر زیاد کتابهای درسی را از این بابت نشان میدهند. دو کتاب مزبور محتوای هنری بسیار رقیق دارند و اصولاً معلوم نیست، چرا، با وجود این چنین رقیق بودن، فقط از کلاس چهارم و پنجم آغاز میشوند، حال آنکه کودک به اقتضای رشد، خیلی آسان‌تر از بیان به وسیله سمبولهای کلامی کتبی، خود را از طریق رنگ‌ها، اصوات موزون، و تصاویر و تجسم‌های ذهنی بیان می‌کند و اینگونه بیان برای او جالب‌تر و جاندارتر از مضامینی است که به وسیله سمبولهای کلامی کتبی بیان میشوند.

کتاب علوم اجتماعی، مخصوصاً قسمت‌های مربوط به تاریخ و انواع حکومت‌ها، مسئله‌ای معکوس با مسئله کتاب هنر را مطرح می‌سازند، یعنی بنظر می‌رسد که مطالب آن در کلیه سنین، برای کودک بسیار ثقیل و غیر قابل فهم باشد. از آن گذشته محتوای آنها نیز، مخصوصاً در قسمت تاریخ، تصاویری جز جنگ و کشتن را در ذهن کودک ایجاد نمی‌کند.

بحث

دو دلیل بحث در باره نتایج را محدود می‌سازند، یکی مقدماتی بودن بررسی و دیگری محدود بودن آن به کتب قسمتی از نظام آموزشی است. به همین جهت نتایج قابلیت تعمیم ندارند و فقط به عنوان فرضیه‌هایی برای تحقیقات بعدی استنباط میشوند.

بطور کلی - و با تأکید مجدد روی این نکته که در مجرد قضاوت میشود - بنظر نمیرسد که کتابهای درسی دوره ابتدائی، در مجموع از یک سیاست واحد پرورشی، جز سیاسی که بر اساس انتقال مقدراری معلومات و ارزش‌ها است، پیروی داشته باشند. به عبارت دیگر، با توجه به مضامین بدست آمده و ترکیب و فراوانی آنها، بنظر نمیرسد که به منظور پرورش یک فرد متفکر و یک قدرت ذهنی تحلیل‌کننده - درست برخلاف آنچه که ظاهراً جزء هدفهای آموزش و پرورش در همین کتب ذکر شده است - از خلال به وسیله یک برنامه‌ریزی صحیح و مخصوصاً از طریق همکاری آگانه و هماهنگی ارکان مختلف برنامه تلاش قابل ملاحظه‌ای انجام یافته باشد. کمبود مفاهیمی که با پرورش فرد ارتباط دارند، چون اثبات وجود، خودیاری، آزادی بیان، تحلیل روابط امور، در یک نظام آموزشی که مخصوصاً بر جنبه توصیفی مسائل تکیه می‌کند، به هیچوجه از جهت پرورش انسانهای آزاد و متفکر نویدبخش نیست، مخصوصاً اینکه

همراه با این کم‌بودها، روی اجر و پاداش، کیفر و عقوبت تکیه می‌شود و مضامینی چون قدرت، اطاعت، فرمانبری یا فرمانروائی و غیره نیز فراوانی نسبتاً زیاد دارند. به عبارت ساده‌تر، میتوان گفت فردیکه، بطور مجرد، از خلال کتب درسی دوره ابتدائی ترسیم می‌شود، فردیست بیشتر آشنا با عواطف مختلف و آشنا با زبان توصیف، نسبتاً بیگانه با تفکر تحلیلی و بی‌توجه به ارزش مساوی انسانها، بیگانه با بیان و زبان هنر. همچنین با توجه به فراوانی ضعیف مفاهیمی چون انگیزه پیشرفت، رقابت‌های صحیح و سازنده و بسته بودن نسبی افق‌های آینده و گرایش به گذشته، چنین استنباط می‌شود که کل مسائل با دنیای امروز، که سیر تغییرات و تحولاتش هر لحظه افزونی می‌یابد، تجانس زیاد نداشته باشد. به عنوان مثال تأکید روی تعلقات و نسبت‌های خانوادگی - با فرض اینکه این امر در سالهای بعد تحصیلی نیز ادامه داشته باشد^{۱۴} همراه با فراوانی کم مفاهیمی که با رشد شخصی و استقلال فردی ارتباط نزدیک دارند، در دنیائی که فرد به وسیله نقش اجتماعی‌اش تعریف می‌شود و برای زنده بودن باید مبارزه و تلاش کند چه تأثیری میتواند داشته باشد. از آن گذشته، کودک از خلال اکثر کتابها يك خانواده مهربان و فداکار را می‌بیند، خانواده‌ایکه در آن هر کس وظیفه‌ای دارد و همانرا انجام میدهد. حال این کودک در برابر مشاهدات شخصی خود که کار کردن مادر به موازات کار کردن پدر در خارج از خانه است، یا در برابر پیام‌های دیگری که از خلال آنها دیده میشود چطور افراد خانواده هر يك به نحوی به دیگری دروغ می‌گویند، چگونه می‌اندیشد؟ او در برابر تضادها چه عکس‌العملی خواهد داشت؟ البته در اینجا منظور تضاد است و نه تنوع. تنوع سازنده است، حال آنکه تضاد، مخصوصاً در سنینی که هنوز تشکّل شخصیت ثبات نسبی نیافته است، میتواند کودک را دچار دگرگونی و تعارض سازد. از سوی دیگر منظور ما از ذکر این تضادها این نیز نیست که باید دنیای تربیت و پرورش کودک دنیائی باشد که در آن همه مسائل يك رنگ و بویژه جهت یافته می‌باشند، زیرا این نیز با تنوع و تغییر واقعیت خارج ناهماهنگی شدید دارد و مغایر با اصل پرورش و شکفتگی فرد و اهمیت دادن به ارزش‌های وجودی اوست. مراد این است که افق ترسیم‌شده در کتب درسی باید به دنیای متحول خارج، به زمان و مخصوصاً به دنیای واقعیت و تجربیات معمولی باز باشد، به نحویکه کودک با انتقال از یکی به دیگری احساس بیگانگی و غربت نداشته باشد.

۱۴ - باید این موضوع را متذکر شد که در دوره ابتدائی، مخصوصاً در سالهای اول - کودک هنوز به احساس امنیتی که در خانواده می‌یابد، احتیاج دارد.

خلاصه آنکه میتوان فرض کرد مسائل ارزش‌هایی که از خلال کتب درسی ابتدائی ترسیم میشوند با مسائل ارزش‌هایی که کودک به وسیله تجربیات شخصی در ابعاد تداوم و تقارن زمان با آنها برخورد می‌کند، همیشه هماهنگی ندارند. دنیای کتب درسی مزبور بیشتر دنیای گذشته، دنیای توصیف و دنیای ایدآلها است. آیا این ناهماهنگی به فرض اینکه در کلیه سطوح آموزش وضع چنین باشد - نمی‌تواند از جمله اموری باشد که ظاهراً در جهان متحرک معاصر، در دنیائی که افق‌ها بیش‌ازپیش گسترش و ارتباطها افزونی می‌یابند و سیر و تحول سریع و سریع‌تر میشود، تعلیم و تربیت رسمی و ضامن ثبات و بقای گذشته را از تمدن متحول و متغیر دور می‌سازد؟^{۱۵} در این صورت چه باید کرد؟ آیا آموزش و پرورش برای حفظ ثبات و بقای جامعه باید هم‌چنان به گذشته توجه داشته باشد، آیا میتواند سیر تحولات و تغییرات را نادیده بگیرد و سعی نداشته باشد یکی از ارکان خود را در ابعاد فعلی و آینده زمان قرار دهد؟

15 - Jousselein, J, Les révoltes des jeunes, 1968.

قدمعلی سرامی - بهروز دولت‌آبادی
اسماعیلی عباسی - سیروس طاهباز

بررسی محتوای کتابهای غیردرسی کودکان و نوجوانان

موضوع

بررسی ۲۰۰ داستان عامیانه ایرانی و ۱۰۹ قصه ویژه‌ی کودکان و نوجوانان از نویسندگان معاصر ایران .

هدف

ارزیابی اندیشه‌های گذشتگان و امروزیان و سنجش این اندیشه‌ها با هم با توجه به این نکته که قصه‌های عامیانه در گذشته و حال مورد استفاده‌ی کودکان و نوجوانان نیز بوده و هست .

روش

الف - انتخاب - داستانهای عامیانه را از این منابع برگزیدیم :

- ۱ - افسانه‌های کهن ، به اهتمام صبحی ، جلد اول ، چاپ دهم ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۴۹ (۱۹ داستان) .
- ۲ - افسانه‌های کهن ، به اهتمام صبحی ، جلد دوم ، چاپ هشتم ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۴۹ (۱۱ داستان) .
- ۳ - افسانه‌ها ، به اهتمام صبحی ، جلد اول ، چاپ ششم ، انتشارات

- امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۴۹ (۱۲ داستان) .
- ۴ - افسانه‌ها ، به اهتمام صبحی ، جلد دوم ، چاپ ششم ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۴۹ (۹ داستان) .
- (مجموعاً ۵۱ قصه از مجموعه‌هایی که توسط صبحی فراهم آمده است) .
- ۵ - قصه‌های ایرانی ، گردآوری و تألیف سیدابوالقاسم انجوی شیرازی ، جلد اول ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۵۲ (۳۱ داستان) .
- ۶ - افسانه‌های آذربایجان ، روایت صمد بهرنگی ، بهروز دهقانی ، جلد اول ، انتشارات نیل ، تهران ، ۱۳۴۸ (۲۱ داستان) .
- ۷ - افسانه‌های آذربایجان ، روایت صمد بهرنگی - بهروز دهقانی ، جلد دوم ، انتشارات نیل ، تهران ، ۱۳۴۸ (۱۷ داستان) .
- (مجموعاً ۳۸ داستان از آذربایجان)
- ۸ - افسانه‌های کردی ، گردآورنده : م . ب . رودنکو ، ترجمه‌ی کریم کشاورز ، انتشارات آگاه ، تهران ، ۱۳۵۲ (۴۷ داستان) .
- ۹ - افسانه‌های جنوب ، گردآورنده : فرج‌الله خداپرستی ، انتشارات پدیده ، تهران ، ۱۳۴۹ (۳ داستان) .
- ۱۰ - متل‌های بروجردی ، گردآوری و تنظیم : شیدرخ - ابوالفضل ارزانی ، انتشارات پدیده ، تهران ، ۱۳۵۰ (۹ داستان) .
- ۱۱ - افسانه‌های از زبان مادر بزرگ‌ها ، انتشارات پدیده ، تهران ، ۱۳۵۰ (۱۳ داستان) .
- ۱۲ - پاترده افسانه از افسانه‌های روستائی ایران ، گردآوری حسین کوهی کرمانی ، انتشارات پدیده ، تهران ، ۱۳۴۸ (۸ داستان) .
- چنانکه ملاحظه میشود کوشش ما براین بوده است که این داستان‌ها را از میان داستانهای مناطق گوناگون ایران برگزینیم تا بررسی مامحدود به داستان‌های عامیانه‌ی یک منطقه خاص نباشد .
- درانتخاب داستان‌های معاصران ، علاوه بر شرط تألیفی بودن قصه ، شرط ایرانی بودن محتوی آنرا نیز در نظر گرفتیم بهمین دلیل از بررسی محتوی داستان‌هایی مانند گیلگمش و هفایستوس که ارزش تألیفی دارند بدلیل محتوی غیرایرانی‌شان چشم پوشیدیم .
- این داستانها بر رویهم ، از میان آثار ۵۵ نویسنده‌ی معاصر گزین شد که همه در فاصله‌ی سالهای ۳۹-۱۳۵۳ انتشار یافته است .
- ب - بررسی مقدماتی - برای آنکه کار تحقیق را بسی مقدمه شروع

نکرده باشیم نخست به بررسی پانزده داستان عامیانه و ده داستان از معاصران پرداختیم و نتایج حاصل را بعنوان طرحی برای کل تحقیق اختیار کردیم . این بررسی مقدماتی حکایت از کثرت پیام‌ها و تنوع و رنگارنگی آنها در داستانها داشت . این بررسی بما نشان داد که باید درونمایه‌های قصه‌ها و پیامهای بکار رفته در آنها را جداگانه مورد بررسی قرار دهیم چون تأثیری که درونمایه داستان در خواننده یا شنونده میگذارد ، با تأثیری که پیامهای بکار رفته در آن در ذهن و جان او برجای خواهد نهاد بکلی متفاوت است .

ج - بررسی اصلی - نخست برای هر قصه شماره‌ای در نظر گرفتیم و آن شماره را در همه‌ی موارد تحقیق نماینده‌ی آن قصه قرار دادیم و سپس درونمایه‌ها و پیامهای داستان‌ها را استخراج کردیم آنگاه پیام‌ها و درونمایه‌ها را بحسب محتوی‌شان طبقه‌بندی نمودیم و از هر گونه اظهار نظر درخوب و بد یا مثبت و منفی بودن آنها خودداری ورزیدیم .

سرانجام برای آنکه نتیجه‌گیری از این تحقیق ساده‌تر باشد ، پرکاربردترین درونمایه‌ها و پیام‌ها را نیز جداگانه بدست دادیم .

د - پس از انجام بررسی اصلی بر آن شدیم تا درباره‌ی این مسئله که آیا کودکان و نوجوانان هم آنچه را که ما از قصه‌ها فهمیده‌ایم خواهند فهمید یا نه تحقیق کنیم . برای این کار يك داستان عامیانه (روبا و گرگ) و يك داستان معاصر (بستور) از داستانهای بررسی شده را در اختیار صدتن از کودکان و نوجوانان عضو کتابخانه‌های پایتخت قرار دادیم و از آنان خواستیم تا آنچه‌را که از هر يك از این دو داستان درمی‌یابند پس از مطالعه‌ی دقیق آن بنویسند .

۵۵٪ آنان تمام پیامهایی را که ما از این قصه‌ها دریافته بودیم ، دریافتند و ۲۴٪ بعضی از پیامها را پیدا کردند و بعضی را نتوانستند یافت ، ۲۱٪ بقیه از قصه‌ها بسیار کم چیز فهمیده بودند آزمون بما نشان داد که در استخراج پیامها راه خطا نپیموده‌ایم .

ج - تأملی در بررسی آماری ۴۰۰ داستان عامیانه و ۱۰۹ داستان معاصر برای کودکان و نوجوانان

با این فرض که نمونه‌های مورد بررسی کافی برای نتیجه‌گیری باشد ، از بررسی ۲۰۰ داستان عامیانه این نتیجه حاصل است که انسان‌های روزگاران گذشته بیش از هر چیز از خیانت و فریبکاری رنج می‌برده‌اند و برای مقابله با آن بچاره‌اندیشی می‌پرداخته‌اند .

در ۲۶/۵٪ داستان‌های عامیانه مورد بررسی از فریب و خیانت سخن رفته و در همه‌ی این داستان‌ها ، انسان گذشته را در اندیشه‌ی چاره‌گری می‌بینیم . و با

توجه به پیام‌هایی نظیر فریب چرب‌زبانی‌های دشمن را نباید خورد (۵٪) و ساده لوح و زودباور مباش (۴/۵٪) میزان داستان‌هایی که در آن فریبکاری و توطئه مطرح است به ۳۶٪ کل داستان‌ها می‌رسد. شیوع فریبکاری در گذشته مسلماً بی‌اعتمادی افراد را بیکدیگر سبب شده و در داستانهای عامیانه پیام‌هایی حاکی از لزوم این بی‌اعتمادی نیز بچشم می‌خورد (۷/۵٪ کل داستانها).

در داستانهای عامیانه، علاوه بر پندارهای خرافی، آرمان‌های مابعدالطبیعی گاهگاه مطرح میشود، در این قصه‌ها پاداش نیکی تقریباً همواره نیکی و پاداش بدی در بیشتر موارد بدی است. این تقابل بیش از هر چیز نمودار آرزوی انسان‌هایی است که میخواسته‌اند پاداش نیکی نیکی و سزای بدی بدی باشد اگرچه واقعیت تاریخی در بسیاری از موارد نقیض این اندیشه بوده است.

این پیام در ۹/۵٪ کل داستانهای عامیانه بکار رفته بهمین ملاحظه است که در این داستانها مسئله مکافات پیش کشیده شده و در ۱/۵٪ کل داستانها جاری بودن قانون مکافات در جهان تصریح شده است.

مسئله مهم دیگری که در داستانهای عامیانه مطرح شده مسئله جبر و اختیار است. این داستانها انسانهای گذشته را در بیم و امید نشان می‌دهند گاه مؤید جبرند و گاه مؤید اختیار، ۲٪ کل داستانها حکایت از جاری بودن حکم تقدیر دارند گذشته از این گاه از وجود چیزی شبیه تقدیر خبر می‌دهند که زمانی بداد فریبکاران می‌رسد و زمانی رشته‌های آدمی را از هم می‌گسلد.

اما در مقابل این تقدیرگرایی‌ها، در یکی از این داستانها به صراحت انسان خالق سرنوشت خویش معرفی شده است و در داستانی دیگر از سرنوشت به‌عنوان مجموعه‌ی علل و عواملی که تحقق امور را باعث می‌شوند یاد گردیده و داستانی هم بما می‌گوید: بدبختی نه از بخت و اقبال، که از نادانی مایه می‌گیرد. در دو داستان دیگر نیز لزوم تن در ندادن بقضا و قدر مورد تأکید قرار گرفته است. اعتقاد دیگری که جنبه‌ی آرمانی نیرومندی دارد و واقعیت‌های تاریخی کمتر مؤید آن است، اعتقاد به بدفرجامی ستم‌پیشگان است که از پذیرش اصل کلی مکافات به حاصل می‌آید. این مسئله در ۲٪ کل داستانها بصراحت بیان شده است. همانند آن است باوری که بر نافرجامی کار فریبکاران و خائنان تکیه دارد و چنانکه دیدیم بیش از ۱/۴ کل داستانها بر آن تأکید دارند.

همین امید مابعدالطبیعی در ۲/۵٪ کل داستانهای عامیانه بصورت اعتقاد به وجود نوعی سلسله مراتب قدرت باز نموده شده و ما آنرا بصورت ضرب‌المثل عامیانه‌ی دست بالای دست بسیار است در فهرست پیامها منعکس کرده‌ایم.

و باز همین امید آرمانی است که در ۳/۵٪ کل داستانها بصورت ایمان

به پیروزی فرجامین حق بر باطل از آن سخن رفته است .
در این داستانها به اندیشه‌هایی میرسیم که در فرهنگ رسمی گذشته با آن به ندرت برخورد میکنیم ، از این قبیل است لزوم ایستادگی در برابر بیداد و انتقام گرفتن از بیدادگر که ۳٪ کل داستانها مؤکد آن است ، نکوهیده شمردن قناعت که در ۱٪ کل داستانها مطرح شده و رجحان دختران در صورت نشان دادن لیاقت و شایستگی ، بر پسران . در ۱/۵٪ داستانهای عامیانه ، از آسودگی خاطر بعنوان برترین ثروت آدمی یاد شده و در یکی از این داستانها برای نکتته که راه حل قطعی اختلاف نزاع و جنگ نیست تأکید رفته است .

درونمایه ۳۹٪ داستانها مربوط به واقعیت‌ها و نحوه‌ی زندگی است و درونمایه ۳۶٪ دیگر اجتماعی و هشداردهنده است و ۱/۴ بقیه درونمایه‌های اخلاقی و عاطفی و فلسفی دارند .

بر رویهم میتوان گفت : مخاطب بیشتر پیامهای مندرج در داستانهای عامیانه فرد است و هدف آفرینندگان این داستانها بیشتر تأمین سعادت فرد بوده است . این بدان معنا نیست که پیامهای اجتماعی در این داستانها نیامده بلکه مقصود این است که اینگونه پیامها بیشتر از پیامهای اجتماعی در درون‌های این قصه‌ها گنجانده شده است .

در داستانهای معاصر بر ثمربخشی تعاون و همبستگی تأکید فراوان شده است ۲۳/۸٪ داستانها چنین اندیشه‌ای را القاء می‌کنند و درونمایه ۱۹/۲۶ داستانها تعاون و همبستگی است .

لزوم چاره‌اندیشی در ۱۶/۵٪ داستانها یادآوری شده منتهی چاره‌اندیشی در بیشتر موارد برای رهایی جمعی صورت میگیرد درحالیکه در داستانهای عامیانه چاره‌اندیشی‌ها بیشتر برای رهایی فرد است .

لزوم پایداری در برابر سختی‌ها در ۱۲/۷۵٪ داستانهای معاصران خاطر نشان شده حال آنکه تنها ۴/۵٪ داستانهای عامیانه دارای چنین مزیتی هستند .

۱۱/۹٪ داستانهای معاصران خواننده را به ایستادگی در مقابل زور دعوت میکنند .

درونمایه ۴۸/۶٪ از داستانهای معاصران اجتماعی و هشدار دهنده است و حتی بسیاری از پیامهای اخلاقی و عاطفی و فلسفی و بیان واقعیت و نحوه‌ی زندگی نیز در این داستانها جنبه اجتماعی بارزی دارند .

ساختن انسانهای نوحه‌خواه یکی از هدفهای اساسی قصه‌های معاصران است . این قصه‌ها خواننده را به پرواز در فضاهای تازه دعوت می‌کند : به او می‌گوید که سن و سال ملاک دانائی و پختگی نیست . به او می‌فهماند که باید با سرعت

هرچه بیشتر بسوی آینده گام بردارد ، او را به کشف استعدادهایش سفارش می‌کند. به او تلقین می‌کند که آزادی برای زیستن از خور و خواب واجب‌تر است ، با او از قدرت نامتناهی آدمی سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که چگونه از هیچ میتوان همه‌چیز ساخت ، او را از قهرمان‌پرستی بر حذر می‌دارد و از او می‌خواهد تا هرچه بیشتر در کسب دانش و تجربه کوشا باشد . از او می‌خواهد تا واقعاً خود را از آن اجتماع بداند ، در اندیشه‌ی سعادت همگان باشد و منافع مردم را بر منافع خویش مقدم بدارد ، از او می‌خواهد که هدفهای خود را در زندگی مشخص کند و برای تحقق هدفهایش از هیچ کوششی باز نایستد .

تقریباً قصه‌های معاصران (آن تعداد که مورد بررسی ما قرار گرفته) از پندارهای خرافی تهی است . اما آرمانهای ما بعدالطبیعی در خور زمانه با قدرت در خلال آنها تکرار شده است . در اینجا نیز پاداش نیکی ، نیکی و پاداش بدی ، بدی است ؛ منتهی این تقابل در جریانی از واقعیت‌ها یا واقع‌نماها رخ می‌نماید . در این قصه‌ها نیز مکافات نقش دارد ، اما این مکافات زاده‌ی علل و اسباب است فی‌المثل پاک‌باخته‌ای بوسینه‌ی دشمن از پای درمی‌آید و فدای هدف مقدس خویش میشود . دیگران دنبال کار او را می‌گیرند و سرانجام انتقام رخ می‌نماید و دشمن به کیفر می‌رسد .

برای نتیجه‌گیری دقیق در این زمینه راهی جز دنبال کردن کار تحقیق و بررسی دیگر مواد خواندنی کودکان و نوجوانان نیست و امیدواریم که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در آینده بتواند این مهم را کفایت کند .

الف . بررسی آماری محتوای ۲۰۰ داستان عامیانه

پیام‌های ۲۰۰ داستان عامیانه و طبقه‌بندی آنها

میزان کاربرد	نوع پیام
۲۵۷	در بیان واقعیت‌ها و نحوه‌ی زندگی
۱۷۰	اجتماعی و هشداردهنده
۹۹	اخلاقی
۲۲	فلسفی
۸	عاطفی

دربیان واقعیت‌ها و نحوه‌ی زندگی

- ۱- تدبیر ، حلال بسیاری از مشکلات است .
 ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۷ ،
 ، ۲۰ ، ۳۲ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ،
 ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۵۱ ، ۵۲ ،
 ، ۶۰ ، ۶۳ ، ۷۹ ، ۸۴ ، ۸۶ ،
 ، ۸۲ ، ۸۹ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۷ ،
 ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ،
 ، ۱۰۷ ، ۱۰۹ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ،
 ، ۱۱۴ ، ۱۲۴ ، ۱۳۳ ، ۱۳۶ ،
 ، ۱۴۲ ، ۱۴۸ ، ۱۴۹ ، ۱۵۳ ،
 ، ۱۵۴ ، ۱۵۸ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ،
 ، ۱۶۵ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۴ ،
 ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۱۹۶ .
- ۲- پاداش نیکی ، نیکی و پاداش بدی ، بدی
 است .
 ، ۸ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۲۶ ، ۳۴ ،
 ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۶۶ ، ۷۹ ،
 ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۱۱۸ ، ۱۲۷ ،
 ، ۱۳۲ ، ۱۳۹ ، ۱۴۵ ، ۱۶۸ .
- ۳- کار سرمایه سعادت است .
 ۴- شرور ، روزگار دیگران را تیره می‌کند .
 ۵- زشت در دیده‌ی عاشق زیباست .
 ۶- محبت دریادها میماند .
 ۷- با محبت بسا مشکل‌ها حل خواهد شد .
 ۸- ثروت دردست جاهل دیر نمی‌پاید .
 ۹- آنچه با رنج به‌دست آید ارزنده‌تر است .
 ۱۰- عشق شیرین است و محرکی نیرومند .
 ۱۱- علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد .
 ۱۲- قصاص قبل از جنایت خطاست .
 ۱۳- خیانت درپرده نمی‌ماند .
 ۱۴- زخم زبان از زخم تبرهم کاری‌تراست .
 ۱۵- خواستن توانستن است .
 ۱۶- کار نیکو کردن از پر کردن است .
- ، ۱ ، ۶۰ ، ۱۴۵ .
 ۶ ، ۱۹۰ ،
 ۶ - ۱۲ ،
 ۱۶۸ ،
 ۸ ، ۱۹۸ ،
 ، ۸ ، ۹ ، ۱۲۶ ، ۱۹۵ .
 ، ۶ ، ۱۸۹ ، ۱۹۰ ، ۱۹۵ .
 ، ۱۲۲ .
 ۱۷۵ ،
 ۹۹ - ۱۱۴ ،
 ۱۶۸ ،
 ۵۸ ،
 ، ۱۲۴ ، ۱۴۶

- ۱۷ - درغفو لذتی است که درانتقام نیست . ۶۲
- ۱۸ - از خیال‌بافی بیهوده‌کاری ساخته نیست . ۱۳۶ ، ۹
- ۱۹ - قدرتمندان نیز ضعف‌هایی دارند . ۹۵
- ۲۰ - دست بالای دست بسیار است . ۱۶ ، ۵۴ ، ۶۸ ، ۹۶ ، ۱۷۴
- ۲۱ - در طبیعت تضاد حکمفرماست . ۱۸
- ۲۲ - عصیان از رنجش و آزرده‌گی می‌زاید . ۱۲۰
- ۲۳ - گذشتگان ساده‌تر و بی‌پیرایه‌تر بودند . ۱۱۹
- ۲۴ - دوستی ، شیرین و ثمربخش است . ۱۱۹
- ۲۵ - حسود ، هرگز نیاسود . ۵ ، ۱۱۰ ، ۱۴۶ ، ۱۷۱ ، ۱۹۳
- ۲۶ - در هر شایعه‌ی اندکی از حقیقت پنهان است . ۱۴۷
- ۲۷ - با حدس و گمان به حقیقت امور نمی‌توان پی برد . ۱۴۷
- ۲۸ - راه حل قطعی اختلافات ، نزاع و جنگ نیست . ۱۴۸
- ۲۹ - سرنوشت چیزی نیست جز فراهم آمدن شرایط و مقتضیات تحقق امور . ۱۵۱
- ۳۰ - معمولاً دانایان جور نادانان را می‌کشند . ۱۹۹ ، ۵۵
- ۳۱ - آدمیت به عقل و دانایی است . ۱۹۸
- ۳۲ - احق ، خود را از همه عاقلتر می‌داند . ۱۹۹
- ۳۳ - فریبکار ترسوست . ۱۲۱ ، ۱۵۴ ، ۱۹۴
- ۳۴ - عجز برادر مرگ است . ۱۵۹
- ۳۵ - تصادف در سرنوشت آدمی بی‌تأثیر نیست . ۱۰۴
- ۳۶ - حقیقت در پرده نمی‌ماند . ۱۱۵
- ۳۷ - از تجارب بزرگترها بهره باید گرفت . ۱۱۹
- ۳۸ - در تحصیل دانش تا آنجا که میسر است باید کوشید . ۷۹ ، ۱۴۶ ، ۱۴۹
- ۳۹ - امید به آدم نیرو می‌بخشد . ۱۹۴
- ۴۰ - آسان به دست آمده ، آسان از دست خواهد رفت . ۱۹۵
- ۴۱ - برای رسیدن به خواست‌ها ، عشق و ایمان لازم است . ۳۶ ، ۵۲ ، ۶۹ ، ۱۱۷ ، ۱۲۹ ، ۱۷۲

- ۴۲- دانا مورد احترام دیگران است . ۵۰
- ۴۳- از آدم بد اخلاق همه پرهیز می کنند . ۵۳
- ۴۴- انجام هر کاری امکانات ویژه‌ی می طلبد . ۱۹۲ ، ۵۷
- ۴۵- قدر آسایش را سختی کشیده میدانند . ۱۹۸ ، ۱۹۳ ، ۶۱
- ۴۶- ترك عادت موجب مرض است . ۱۳۲
- ۴۷- از آدم‌های به ظاهر بی اهمیت نیز گهگاه کارهای مهم برمی آید . ۹۳
- ۴۸- قوی و ضعیف همه از مرگ می ترسند . ۹۵ ، ۷۷
- ۴۹- عقل ، سرمایه‌ی جاودانی است . ۱۰۷ ، ۱۰۱
- ۵۰- ثروت ، پایان پذیر است . ۱۰۷ ، ۱۰۱
- ۵۱- تنفر بی دلیل از دیگران نارواست . ۱۰۳
- ۵۲- زیرك در نمی ماند . ۱۷۰
- ۵۳- عزت نفسی به مال و جاه و جلال نیست . ۱۴۳
- ۵۴- از حرف تا عمل فاصله‌ی درازی است . ۱۵۷
- ۵۵- غرور موجب شکست است . ۱۵۸
- ۵۶- سرانجام لافزنی ، رسوایی است . ۸۸
- ۵۷- ستم پیشگی ، ارثی نیست . ۸۹
- ۵۸- خائن منفور دیگران است . ۹۰
- ۵۹- برای زیستن در میان خوبان ، خوب باید بود . ۹۰
- ۶۰- روابط انسانها نوعی بده وستان است . ۹۰
- ۶۱- انسان همواره در پی کشف مجهولات است . ۱۱۹ ، ۱۱۷ ، ۹۰
- ۶۲- به مدد دیگران زودتر به مقصود میتوان رسید . ۹۲
- ۶۳- نگهداری ثروت از بدست آوردن آن دشوارتر است . ۱۱۳ ، ۶۱
- ۶۴- آدم قانع ، بی تحرك است . ۱۰۵
- ۶۵- دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است . ۱۰۶
- ۶۶- بیکار ، گرسنه میماند . ۱۰۸
- ۶۷- لافزدن گهگاه موجب رهایی است . ۱۰۹
- ۶۸- مرغ همسایه ، غاز است . ۱۱۱

- ۶۹- تکرار از خلاقیت میکاهد . ۱۳۴
- ۷۰- گاهی تصادف و اتفاق به داد فریبکاران میرسد . ۱۳۵ - ۱۱۴
- ۷۱- کار را که کرد آنکه تمام کرد . ۱۳۶
- ۷۲- نادان همرا چون خود نادان می‌پندارد . ۱۴۰
- ۷۳- بدسگالی ، موجب رسوایی است . ۱۶۳ ، ۱۴۰
- ۷۴- آسودگی خاطر ، پرتترین ثروت‌هاست . ۱۴۳ ، ۱۲۹ ، ۷۹
- ۷۵- طمعکاری نتیجه‌ی ابله‌ی است . ۱۵۶
- ۷۶- بدطینت و سیاهدل به‌مراد نمی‌رسد . ۱۶۴
- ۷۷- شرایط مساعد در ایجاد موفقیت مؤثر است . ۱۴۵ ، ۱۳۰
- ۷۸- آدمیت به مال و ثروت نیست . ۱۲۶
- ۷۹- سود و زیان امور ، نسبی است . ۱۳۱
- ۸۰- نیکوکار ، محبوب همگان است . ۱۰۶ ، ۹۴ ، ۸۱ ، ۱۱
- ۸۱- ظاهر هرکس نمایش باطن او نیست . ۹۳ ، ۸۳
- ۸۲- ارزش هر آدمی ، به کار اوست . ۱۴۵ ، ۸۴
- ۸۳- يك دختر با لیاقت به چند پسر بی‌لیاقت می‌آرزد . ۸۴
- ۸۴- ساده لوح هرچه را که دیگران رشته‌اند ، پنبه می‌کند . ۸۵
- ۸۵- جهل و نادانی از عوامل عقب‌افتادگی است . ۱۶۱ ، ۸۵
- ۸۶- غرور ، تعقل را ناممکن می‌سازد . ۱۳۴ ، ۱۰۱ ، ۹۷ ، ۸۶
- ۸۷- آزمند ، به سادگی فریب می‌خورد . ۷۴
- ۸۸- نادان از دانا بی‌باک‌تر است . ۷۵
- ۸۹- حسود دوست و دشمن نمی‌شناسد . ۷۰
- ۹۰- دشمن ضعیف به حيله متوسل می‌شود . ۷۶
- ۹۱- قمارباز همیشه به فکر برد است نه باخت . ۷۹
- ۹۲- آدم نادان اگر به حل مشکل برخیزد آنرا پیچیده‌تر خواهد کرد . ۱۵۵
- ۹۳- ثروت هنگفت تنها از راه‌های غیر انسانی و نامشروع بدست می‌آید . ۸۰
- ۹۴- خردمندی سرمایه سعادت است . ۱۶۱ ، ۱۷۱
- ۹۵- ابله ، اعمال بد خویش را نیک می‌پندارد . ۱۴۰

- ۹۶- خلوص نیت در پیچه‌یی به سوی خوشبختی
است . ۱۶۷
- ۹۷- از اندرز بیمورد کاری ساخته نیست . ۱۳۹
- ۹۸- زیبایی ظاهر و باطن توأمان خوش است . ۱۴۱
- ۹۹- هیچ رازی ، پنهان نمی‌ماند . ۱۶۲ ، ۵۶
- ۱۰۰- کار خلاف يك تن به زیان دیگران
می‌انجامد ۱۷۳
- ۱۰۱- معلوم نیست که دیگران از ما داناتر باشند . ۱۸۱
- ۱۰۲- دوستی از مهربانی و دشمنی از نامهربانی
می‌زاید . ۱۸۶
- ۱۰۳- کمک به هم‌نوعان ، نخست خود کمک‌کننده
را راضی می‌کند . ۷۱
- ۱۰۴- هیچکس مشتاق دوستی با فقیران نیست . ۷۲
- ۱۰۵- رستگاری در درستکاری و نیکوکاری
است . ۱۷۴ ، ۱۶۲ ، ۱۴۷ ، ۸۴ ، ۷۲
- ۱۰۶- نادان ، در هر کاری رسوایی به بار
می‌آورد . ۶۴
- ۱۰۷- احتیاج ، دام پای محتاج است . ۶۴
- ۱۰۸- فقیر مورد تمسخر قرار می‌گیرد . ۶۴
- ۱۰۹- ترس ، موجب عجز است . ۶۹
- ۱۱۰- اشتباهی کوچک ، خطایی بزرگ را
موجب می‌شود . ۶۷
- ۱۱۱- ناپرده رنج ، گنج میسر نمی‌شود . ۱۴۵ ، ۶۷
- ۱۱۲- نیروی تن ، به تنهایی کافی نیست ، از
نیروی اندیشه نیز مدد باید گرفت . ۹۳ ، ۱۰۰ ، ۱۰۲ ، ۱۰۷ ، ۱۳۳ ، ۱۰۹
- ۱۱۳- از حوادث زندگی ، تجربه باید اندوخت . ۱۹۸ ، ۱۱۲
- ۱۱۴- آنکه در صدد کشف اشتباهات خویش
بر نیاید هرگز اصلاح نخواهد شد . ۱۴۰
- ۱۱۵- داوری هر کس معرف شخصیت خود
اوست . ۱۴۸
- ۱۱۶- آنچه به تجربه آموخته می‌شود همواره
در خاطر می‌ماند . ۱۴۹

۱۱۷- از خود را با سعادتی فاصله بسیار ۱۴۹
است .

۱۱۸- همه به هم نیاز دارند . ۱۱

۱۱۹- خردمند زمام زندگی را به دست حادثه ۱۳۶
و اتفاق نمی‌سپارد .

اجتماعی و هشدار دهنده

۱۲۰- فریبکاری را فرجام خوش نیست . ۴ ، ۵ ، ۸ ، ۱۴ ، ۲۱ ، ۲۲ ،

۲۳ ، ۲۴ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۳۰ ،

۳۱ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۴۵ ، ۵۴ ،

۵۶ ، ۵۹ ، ۶۳ ، ۶۹ ، ۷۰ ،

۷۱ ، ۷۲ ، ۷۸ ، ۸۲ ، ۸۳ ،

۸۹ ، ۹۰ ، ۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۶ ،

۱۱۰ ، ۱۱۴ ، ۱۱۵ ، ۱۲۰ ،

۱۲۹ ، ۱۴۲ ، ۱۴۴ ، ۱۴۷ ،

۱۵۰ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴ ،

۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱ ،

۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۸۳ ، ۱۸۴ ،

۱۸۸ ، ۱۹۳ ، ۲۰۰ .

۱۲۱- فریب چرب زبانی‌های دشمن را نباید
خورد . ۳ ، ۱۷ ، ۵۸ ، ۱۰۱ ، ۱۱۲ ،

۱۲۲ ، ۱۲۸ ، ۱۶۳ ، ۱۶۵ ،

۱۷۷

۱۲۲- تعاون و همبستگی موجب پیشرفت و
موفقیت است . ۲ ، ۷ ، ۹ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۷ ،

۳۷ ، ۳۸ ، ۵۷ ، ۷۹ ، ۹۳ ،

۱۰۹ ، ۱۱۸ ، ۱۶۰ ، ۱۸۲ ،

۱۹۱

۱۲۳- کاری را انجام بده که از دستت برمی‌آید . ۹ ، ۱۹ ، ۸۸ ، ۱۵۵ ،

۱۵۷ ، ۱۷۱ ،

۱۲۴- در جستجوی فضاهایی تازه باش . ۱۰۰ ، ۱۲۱ ، ۱۹۳ ،

۱۲۵- سرانجام پیشگی ، دردناک است .

۱۲۶- به دشمن یا کسی که او را نمی‌شناسی

اعتماد مکن .

۱۳ ، ۹۸ ،

۱۲۷- از سختی‌ها مهربان .

- ۱۲۸- ظالم ، همیشه چشمش به دنیا مال
ضعیفان است . ۱۳ ، ۱۲۰
- ۱۲۹- دشمن در هر حال دشمن است . ۱۵ ، ۱۷ ، ۵۷ ، ۱۰۱ ، ۱۱۲ ،
۱۶۵ ، ۱۷۷
- ۱۳۰- اظهار عجز ، پیش ستمپیشه نارواست . ۷۵ ، ۱۵۲ ، ۱۵۷ ، ۱۵۹ ،
۱۸۵
- ۱۳۱- درانتخاب دوست ، دقیق باش . ۱۹۸
- ۱۳۲- چرا عاقل کندکاری که باز آردشیمانی . ۱۵۷
- ۱۳۳- بیکار به امید خدا نشستن و توقع
روزی داشتن بیهوده است . ۱۰۸
- ۱۳۴- دوستان دغل از دوستی نفع خویش
می خواهند . ۱۹۸
- ۱۳۵- پشتکار داشته باش . ۴۹ ، ۹۲ ، ۹۵ ، ۱۰۳ ، ۱۱۱
- ۱۳۶- درکارها هشیار باش . ۸۵ ، ۱۱۳ ، ۱۲۵
- ۱۳۷- احتیاط ، شرط عقل است . ۴۳ ، ۱۱۵ ، ۱۶۹
- ۱۳۸- به هر بادی نباید لرزید و به هر پیش آمدی
نباید دست از مبارزه کشید . ۹۸
- ۱۳۹- به راهنمایی دیگران بی توجه مباش . ۹۹ ، ۱۱۳
- ۱۴۰- از خطر کردن و آزمودن گریزی نیست . ۹۰ ، ۱۰۲
- ۱۴۱- خود کرده را تدبیر نیست . ۱۰۳ ، ۱۹۸
- ۱۴۲- دل دیگران را بدست آور که روزی
به کار می آیند . ۶۹ ، ۱۰۳ ، ۱۰۵
- ۱۴۳- هر کس ، شایسته دوستی نیست . ۱۶۹
- ۱۴۴- برای کشف علل امور ، از سختی ها
مهراس . ۹۰
- ۱۴۵- قدرتمندان برای رسیدن به خواست های
خود از انجام هیچ ناروایی آسایی ندارند . ۹۱ ، ۱۶۳
- ۱۴۶- از ظالم و بدکار ، انتقام باید گرفت . ۹۱
- ۱۴۷- به اندک ، قانع مباش . ۱۰۵
- ۱۴۸- نقد را برگزین و نسیه را فروگذار . ۱۰۸ ، ۱۰۹
- ۱۴۹- برخی کسان قنبرخون را نمی شناسند . ۱۴۰
- ۱۵۰- نومید مباش . ۸۰ ، ۹۲ ، ۹۷ ، ۱۵۰ ، ۱۹۷

- ۱۵۱ - بآینده خویش باید اندیشید .
 ۱۵۲ - ساده لوح وزودباور مباش .
- ۱۲ ، ۸۵ ، ۱۰۵ ، ۱۲۲ ، ۱۲۳ ،
 ۱۲۸ ، ۱۵۶ ، ۱۷۰ ، ۱۷۵ ،
 ۱۷۶
- ۱۵۳ - درانجام کارها دقت عمل لازم است .
 ۱۵۴ - انسان‌ها درعمل شناخته می‌شوند .
 ۱۵۵ - خیانت را باید برملا کرد .
 ۱۵۶ - به اعتقادات خود وفادار باش .
 ۱۵۷ - حيله‌گر درکار خود مهارت دارد .
 ۱۵۸ - سرانجام ستم‌پيشگی دردناك است .
 ۱۵۹ - خودرا با شرایط تطبیق بده .
 ۱۶۰ - دشمن برای غلبه ازهیچ خدعه ونیرنگی دریغ نمی‌کند .
 ۱۶۱ - کسی که به بدی شهره شد کارش به ناکامی می‌انجامد .
- ۸۴ ، ۸۷ ، ۹۵ ،
 ۸۷ ، ۱۰۴ ،
 ۷۴ ،
 ۷۶ ، ۱۹۳ ،
 ۷۷ ،
 ۶۴ ،
 ۱۱

پیام‌های اخلاقی

- ۱۶۲ - خدمتگزار دیگران باش .
 ۱۶۳ - دهن‌بین مباش .
 ۱۶۴ - خوشرو باش .
 ۱۶۵ - تعجیل درکارها به خرج مده .
 ۱۶۶ - فرصت را از دست مده .
 ۱۶۷ - نیکی کن .
- ۱۸۲ ، ۴ ،
 ۱۲۷ ، ۶ ،
 ۱۲۵ ، ۶ ،
 ۱۷۲ ،
 ۱۰۶ ، ۹۴ ، ۸۱ ، ۷۰ ، ۱۱ ،
 ۱۸۰
- ۱۶۸ - تنبل مباش .
 ۱۶۹ - امانت‌دار باش .
 ۱۷۰ - آرز ، موز .
- ۱۰۲ ، ۱۳۵ ، ۱۸۷ ،
 ۹ ، ۵۵ ، ۸۳ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴ ،
 ۹ ، ۱۷ ، ۷۴ ، ۸۸ ، ۹۱ ،
 ۹۴ ، ۱۰۴ ، ۱۴۳ ، ۱۵۶ ،
 ۱۶۹ ، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ،
 ۱۰ ، ۵۸ ، ۱۰۳ ، ۱۳۵ ،
 ۱۴۳
- ۱۷۱ - اراده‌ی قوی داشته باش .

- ۱۲ - سخاوتمند باش .
- ۱۲ ، ۷۸ ، ۱۳۰ - هوسباز مباش .
- ۱۵ ، ۱۵۴ - آنچه به خود نمی‌پسندی به دیگران روا مدار .
- ۲۵ - لجباز مباش .
- ۲۹ ، ۷۱ ، ۱۱۰ ، ۱۱۶ ، ۱۳۰ - از پیشداوری پرهیز کن .
- ۶۹ ، ۱۱۵ ، ۱۶۰ - پیمان‌شکن مباش .
- ۹۰ ، ۹۵ ، ۱۰۲ ، ۱۲۰ - شجاع باش .
- ۱۵۷ - به آنچه نیستی تظاهر مکن .
- ۱۹۳ - بهانه مگیر .
- ۱۳ ، ۱۲۱ ، ۱۳۷ ، ۱۵۲ - به حقوق دیگران تجاوز مکن .
- ۵۶ ، ۷۱ ، ۸۲ - راز خود را از دیگران پنهان نگهدار .
- ۱۴ ، ۵۸ ، ۸۳ ، ۹۱ ، ۹۳ - ظاهر بین مباش .
- ۱۱۰ ، ۱۳۳ ، ۱۵۳ ، ۱۶۷ ، ۱۷۹ -
- ۵۵ ، ۱۶۸ - دیگران را تمسخر مکن .
- ۱۷۵ - از نامده دلتنگ مباش .
- ۸۷ ، ۹۸ - بردبار باش .
- ۱۴۷ - با شك و تردید مبارزه کن .
- ۸۹ ، ۱۵۲ ، ۱۷۴ ، ۱۹۴ - با دیگران مشورت کن .
- ۱۰۹ - کار امروز را به فردا می‌فکن .
- ۸۵ ، ۱۳۷ - دیگران را میازار .
- ۸۰ - اول اندیشه ، وانگهی گفتار .
- ۷۲ - از افترا ، پرهیز .
- ۷۲ ، ۱۰۲ - اتکاء به نفس داشته باش .
- ۶۹ - سهل‌انگار مباش .
- ۱۳۸ - نیکی را به خاطر نفس نیکی انجام بده .
- ۵۴ - احترام عزیزانت را داشته باش .

پیام‌های فلسفی

- ۱۵۰ - انسان ، خالق سرنوشت خویش است .

- ۱۹۸ - نقش تقدیر قابل انکار نیست . ۴۰ ، ۴۱ ، ۵۸ ، ۱۱۷
- ۱۹۹ - به قضا و قدر تن در مده ۸۷ ، ۱۲۴
- ۲۰۰ - هرعلتی را معلولی است . ۹۰
- ۲۰۱ - عدو شود سبب خیر ، اگر خدا خواهد . ۷۷ ، ۱۴۴
- ۲۰۲ - از توحركت از خدا برکت . ۱۰۸
- ۲۰۳ - از مكافات عمل غافل میشود . ۶۹ ، ۷۲ ، ۱۰۴
- ۲۰۴ - پیروزی حق ، بر باطل قطعی است . ۵۶ ، ۶۳ ، ۹۱ ، ۹۸ ، ۱۰۴
- ۲۰۵ - بدبختی نه از بخت و اقبال ، بلکه از نادانی است . ۱۱۵ ، ۱۰۶
- ۱۶۱

پیامهای عاطفی

- ۲۰۶ - وفادار باش ۸۷ ، ۱۱۵ ، ۱۲۱
- ۲۰۷ - مهر مادر ، والاترین محبت هاست . ۴
- ۲۰۸ - زیبایی ، دوست داشتنی است . ۵
- ۲۰۹ - از غم مردم بگناه و به شادی آنان بیفزای . ۷ ، ۱۹۷
- ۲۱۰ - خوش قلب باش . ۱۴۶

پرکاربردترین پیامها

پیام	دفعات کاربرد
تدبیر حلال بسیاری از مشکلات است و ندیشیدن برای حل هر مسأله‌ی ضروری است .	۵۴ بار
فریبکاری را فرجام خوش نیست .	» ۵۳
پاداش نیکی ، نیکی و سزای بدی ، بدی است .	» ۱۹
همبستگی و تعاون موجب پیشرفت و موفقیت است .	» ۱۶
آز ، مورز .	» ۱۲
ظاهربین مباش .	» ۱۲
فریب چربزبانی‌های دشمن را نباید خورد .	» ۱۰
ساده لوح و زودباور مباش .	» ۹
پیروزی حق بر باطل قطعی است .	» ۷
دشمن در هر حال دشمن است .	» ۷

- » ۶ برای رسیدن به خواست‌ها عشق و ایمان لازم است .
- » ۶ نیروی تن به تنهایی کافی نیست ، از نیروی اندیشه نیز مدد باید گرفت .
- » ۶ از پیشداوری پرهیز باید کرد .
- » ۶ نیکی کن .
- » ۵ دست بالای دست ، بسیار است .
- » ۵ اظهار عجز پیش ستم‌پیشه نارواست .
- » ۵ رستگاری در درستکاری است .
- » ۵ امانت‌دار باش .
- » ۵ پشتکار داشته باش .
- » ۵ نومید مباش .
- » ۵ حسود هرگز نیاسود .
- » ۵ اراده قوی داشته باش .
- » ۴ نقش تقدیر قابل انکار نیست .
- » ۴ با دیگران مشورت کن .
- » ۴ کاری را انجام بده که از دستت برمی‌آید .
- » ۴ آنچه با رنج بدست آید ارزنده‌تر است .
- » ۴ عشق شیرین است و محرکی نیرومند .
- » ۴ نیکوکار محبوب همگان است .
- » ۴ غرور تعقل را ناممکن می‌سازد .
- » ۴ بحتوق دیگران تجاوز مکن .
- » ۴ شجاع باش .

تم (درونمایه) های دویست داستان عامیانه و طَبَقه‌بندی آنها

میزان کاربرد	تم‌ها
بار ۷۸	دربیان واقعیت‌ها و نحوه زندگی .
بار ۷۲	اجتماعی و هشداردهنده .
بار ۱۵	عاطفی .
بار ۲۰	اخلاقی
بار ۱۵	فلسفی

دربیان واقعیت‌ها و نحوه‌ی زندگی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
، ۲۲ ، ۲۰ ، ۱۶ ، ۵ ، ۳	خیانت و فریبکاری
، ۳۳ ، ۳۰ ، ۲۸ ، ۲۷ ، ۲۴ ، ۲۳	
، ۴۷ ، ۴۶ ، ۴۵ ، ۴۴ ، ۳۵	
، ۵۹ ، ۵۵ ، ۵۴ ، ۵۱ ، ۴۸	
، ۷۱ ، ۷۰ ، ۶۹ ، ۶۵ ، ۶۳	
، ۸۲ ، ۷۸ ، ۷۷ ، ۷۶ ، ۷۴	
، ۱۱۰ ، ۱۰۱ ، ۹۹ ، ۸۳	
، ۱۲۳ ، ۱۲۲ ، ۱۲۱ ، ۱۱۲	
، ۱۴۴ ، ۱۴۲ ، ۱۲۹ ، ۱۲۸	
، ۱۵۴ ، ۱۵۳ ، ۱۵۰ ، ۱۴۷	
، ۱۶۶ ، ۱۶۵ ، ۱۶۴ ، ۱۶۳	
، ۱۷۷ ، ۱۷۳ ، ۱۷۲ ، ۱۷۱	
، ۲۰۰ ، ۱۹۸ ، ۱۸۸ ، ۱۸۴	
، ۱۵۷ ، ۱۵۶ ، ۱۴۰ ، ۸۶	نادانی
۱۹۹	
۱۰۰ ، ۹۶ ، ۶۸ ، ۱۸	نسبی بودن قدرت‌ها
۱۰۸ ، ۶۰ ، ۱	کار
۱۳۲	عادت
۱۶۲	شناخت ارزش‌ها
۱۴۹	دانائی
۸۴	کارآئی و شایستگی
۱۳۱	نسبیت
۱۲۰	خودخواهی زورمندان
۴۱	تصادف و اتفاق

اجتماعی و هشدار دهنده

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
، ۳۹ ، ۳۲ ، ۱۴ ، ۱۳ ، ۸	چاره‌اندیشی
، ۵۷ ، ۵۲ ، ۵۰ ، ۴۳ ، ۴۲	
، ۱۰۷ ، ۱۰۲ ، ۹۷ ، ۸۹	

۱۰۹ ، ۱۱۴ ، ۱۲۴ ، ۱۳۳ ،
۱۴۱ ، ۱۴۸ ، ۱۵۲ ، ۱۶۱ ،
۱۶۲ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۸ ،
۱۹۳ ، ۱۹۶

۲ ، ۷ ، ۹ ، ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۷ ،
۳۷ ، ۳۸ ، ۵۷ ، ۹۳ ، ۱۸۲ ،
۱۹۱

۴۹ ، ۶۷ ، ۹۲ ، ۱۰۳ ، ۱۱۱ ،
۱۲۶ ، ۱۸۵ ، ۱۹۵

۶۴ ، ۸۵ ، ۱۲۵ ، ۱۷۵ ،
۱۷۶ ، ۱۸۱

۱۰ ، ۴۰ ، ۱۳۵ ، ۱۴۳ ،
۱۹۴

۱۳۶ ، ۱۶۷ ، ۱۷۹

۲۹ ، ۱۱۴

۱۳۹

۹۰

۱۵ ، ۱۸۳

۱۵۵

۱۵۹

۱۹۲

۱۱۳

همبستگی و تعاون

پایداری و پشتکار

ساده‌لوحی

نیروی اراده

ظاهرینی

پیشداوری و داوری نسجیده

اندرز بیمورد

کنجکاوی

مقابله به مثل

لزوم مهارت در کارها

رد عجز

اغتنام فرصت

بی‌توجهی

عاطفی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم

۲۶ ، ۶۶ ، ۸۱ ، ۱۰۶ ، ۱۱۸ ،

۱۴۵ ، ۱۸۰

۶ ، ۳۶ ، ۱۸۶ ، ۱۸۹ ، ۱۹۰ ،

۶۲

۱۳۷

۱۶۸

تم

نیکوکاری

عشق و مهربانی

عفو

دیگرآزاری

زخم زبان

اخلاقی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
۹۴ ، ۲۱	آزمندی
۱۵۸ ، ۹۵	دلیری
۱۸۷ ، ۲۵	لجبازی
۱۳۰ ، ۷۹	هوسبازی
۱۶۰ ، ۸۷	وفای به عهد
۵۶	رازداری
۵۳	بدخوئی
۷۲	درستکاری
۱۳۸	خودنمایی
۱۳۴	غرور
۸۸	لافزنی
۱۰۵	فزونی طلبی
۱۹	ناسپاسی
۱۱۹	اهمیت تجربه بزرگتران
۱۷۴	بهانه گیری

فلسفی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
۱۹۷ ، ۱۵۱ ، ۱۱۷ ، ۵۸	تقدیر
۹۸ ، ۹۱ ، ۳۱	حقیقت طلبی
۱۴۶ ، ۱۲۷ ، ۱۰۴ ، ۳۴ ، ۴	تضاد خوبی و بدی
۷۳	مکافات
۱۱۵ ، ۸۰	پیروزی حق بر باطل

تم (درونمایه)ها بر حسب میزان کاربرد

تعداد قصه‌های حاوی تم	تم
۵۹	خیانت و فریبکاری
۲۸	چاره اندیشی
۱۲	همبستگی و تعاون
۸	پایداری و پشتکار

۷	نیکوکاری
۶	ساده لوحی
۵	نادانی
۵	نیروی اراده
۵	عشق و مهربانی
۵	تضاد خوبی و بدی
۴	نسبی بودن قدرت
۴	تقدیر

ب. بررسی آماری محتوی ۱۰۹ داستان معاصر

پیام‌های ۱۰۹ قصه معاصر

برای کودکان و نوجوانان و طبقه‌بندی آنها

دفعات کاربرد	نوع پیام
۱۴۹	اجتماعی و هشدار دهنده
۱۳۲	در بیان واقعیت‌ها و نحوه‌ی زندگی
۶۲	اخلاقی
۱۶	عاطفی
۱۳	فلسفی
۴	خطاب به بزرگ‌ترها

در بیان واقعیت‌ها و نحوه‌ی زندگی

شماره قصه	پیام
۹۵ ، ۳ ، ۱	- با محبت بسا مشکل‌ها حل می‌شود .
۴	- هر کس هم سنخ خود را بر دیگران ترجیح می‌دهد .
، ۲۸ ، ۲۵ ، ۲۲ ، ۱۹ ، ۵	- تدبیر حلال بسیاری مشکلات است و اندیشه
، ۶۱ ، ۵۴ ، ۴۴ ، ۳۶ ، ۳۵	کردن برای حل هر مسأله‌ای ضروری است .
، ۱۰۳ ، ۹۶ ، ۹۵ ، ۸۴ ، ۶۲	
، ۱۰۶ ، ۱۰۵ ، ۱۰۴	
۹۸ ، ۶۲ ، ۳۷ ، ۱۲ ، ۹	- فراست و هوشمندی به سن و سال نیست .

- پیدا کردن مورد استعمال چیزها ضروری است. ۹
- هر چیزی بجای خویش نیکوست. ۱۲
- سختی نکشیده قدر آسایش را نمی داند. ۱۰۲
- دست بالای دست بسیار است. ۱۰۲
- بدیها از میان نمی رود ، جای عوض می کنند. ۱۰۳
- کمک دیگران به تنهایی بسنده نیست هر کسی باید خود برای پیش برد مقصودش بکوشد. ۱۰۷
- از هیچ ، همه چیز می توان ساخت. ۱۰۹
- با حدس و گمان به حقیقت امور پی نمی توان برد. ۴۵
- هر شایعه ای درست نیست. ۴۵
- شجاعت يك تن چه بسا كه سرمشق دیگران قرار میگیرد. ۵۱
- خوشبختی و بدبختی هر دو در زندگی اجتماعی هست. ۴۰ ، ۱۰۹
- از تجارب پیشینیان استفاده باید کرد. ۵۸
- پیدایش زبان نتیجه کار دسته جمعی و تلاش آدمی برای نامیدن اشیاء است. ۵۹
- رفاه مادی پاره ای از خوشبختی ، و فقر مادی پاره ای از بدبختی است. ۶۰
- خوبی دریادها می ماند. ۶۰ ، ۹۹
- جان يك انسان از هر ثروتی با ارزش تر است. ۶۱
- انسان خوب را همه دوست دارند. ۶۱
- درنگ کردن در يك نقطه خطاست. در اندیشه ای فضاهاى تازه باید بود. ۶۲
- زندگی جنبش و حرکت است. ۶۲ ، ۱۰۶
- نسل امروز بانسل گذشته فرقهای بسیار دارد. ۶۲
- دنیا بسی بزرگتر از قلمرو زندگی ماست. ۶۲ ، ۱۰۸
- باید به علت پیدائی پدیده ها اندیشید. ۶۲
- باید از تجارب خویش بهره گرفت. ۶۲
- هیچ يك از موانع کار را از نظر دور نباید داشت. ۶۲

- همه چیز را نمیتوان دانست ، اما در تحصیل
دانش تا آنجا که میسر است باید کوشید . ۶۲
- قدرت انسان نامتناهیست . ۶۰
- مردن آسان است . اما در حفظ زندگی
خویش تا سرحد امکان باید کوشید . ۶۲
- زندگی در خواب و خیال بی ثمر است . ۶۳ ، ۱۰۰
- در کار خویشتن اندیشه باید کرد . ۶۳
- مردم وقتی پاسخ درست مسئله‌ای را نمی‌دانند
به پندارهای نادرست متوسل می‌شوند . ۵۲
- علم ناقص قابل اعتماد نیست . ۱۷
- حقیقت در پرده نمی‌ماند . ۱۹
- عشق شیرین است و محرکی نیرومند . ۱۹ ، ۴۴
- پاداش نیکی ، نیکیست . ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۶ ، ۳۵ ، ۳۷ ،
۵۲ ، ۷۲
- همدلی ، ازهمنوعی وهم‌ترادی خوشتر است . ۲۲
- کسان دیگر نیز در اندیشه‌های ما هستند . ۲۳
- ترس ، از احساس تنهایی می‌زاید . ۲۳
- دوستی شیرین و ثمربخش است . ۲۴ ، ۳۶ ، ۴۳ ، ۵۳ ، ۵۴ ،
۹۵ ، ۱۰۳ ، ۱۰۹
- باید به شناسائی خود و محیط اطراف خود
پرداخت . ۲۷ ، ۴۰
- باید دوست و دشمن خود را شناخت و میان
آنها فرق گذاشت . ۲۷
- به عمل کار برآید به سخندانی نیست . ۶۴
- هر بزرگی روزی کوچک بوده است . ۶۴
- همه چیز جهان بهم پیوسته است . ۶۵
- زور بازو به تنهایی کافی نیست از نیروی
اندیشه هم مدد باید گرفت . ۶۴ ، ۷۸
- با مشکلی که از میان بردنش محال است ستیزه
نباید کرد . ۸۴
- هر کودکی روزی بزرگ می‌شود . ۸۵

- توأمان بودن زیبایی ظاهر و باطن مطبوع
۸۷ و مطلوب است .
- کار ، مایه‌ی سعادت است .
۸۹
- بیکار حقی به گردن کسی ندارد .
۸۹
- حرمت آدمی به کار است .
۸۹
- وقتی همه چیز از دست رفت دوباره باید کوشش
۹۰ را آغاز کرد .
- باید عادت‌ی را که زیان می‌رساند ترك کرد .
۹۲
- ترسو ، خیانتکار است .
۹۳
- پشیمانی ، سودی ندارد .
۹۴
- آدمهای خوب و بد در اجتماع فراوانند .
۹۵
- آنچه را که روزی بکار خواهد آمد ، نگاه
۹۵ باید داشت .
- وقتی می‌توان بسرعت پیشرفت ، نباید ایستاد
۹۶ یا از سرعت خود کاست .
- فرمان اضطرار ، از فرمان اخلاق قوی‌تر
۹۷ است .
- برای ساختن دنیای بهتر کوشش همگانی
۹۷ ضروری است .
- هوشیار باش ، ببین حقیقت را از زبان چه کسی
۹۷ می‌شنوی .
- بنیاد دانائی تجربه است .
۹۷
- ایمان به پیروزی ، مقدمه‌ی پیروزی است .
۹۸
- از شکست باید تجربه اندوخت .
۹۹
- ثروت بادآورده دیر نمی‌پاید .
۱۰۰
- نیای کودکان دنیای رؤیاهاست .
۶۶
- طبیعت ، دوست‌داشتنی است .
۷۵ ، ۶۸
- شعر ، زبان پرنده و گل و گیاه و حیوان
۶۸ و طبیعت است .
- آفتاب حقیقی معنویتی است که در درون
۶۸ انسانها تابان است .
- عشق و ایمان مایه‌ی پیشرفت است .
۶۹

هدیه
خانواده زین العابدین رهنا
۱۳۸۹

- بینش افراد را به سادگی نمی‌توان دگرگون ساخت . ۷۰
- با جادو کاری از پیش نمی‌توان برد . ۷۴
- شکست خوردن ، ننگ نیست . ۷۸
- سود بردن با سود رساندن میسر است . ۸۱
- زمین‌های بایر را آباد باید کرد . ۲۸
- از ماست که بر ماست . ۳۲ ، ۶۴
- هر کسی باید به کشف استعداد های خود پردازد . ۳۴
- دوبار از یک کسی در یک مورد فریب خوردن حماقت است . ۳۶
- هیچ قدرتی جاودانه نیست . ۳۹ ، ۹۹
- بادیدن نمونه‌هایی از واقعیت به تمام واقعیت نزدیک می‌توان شد . ۴۰
- زندگی همین خوشگذرانی نیست ، ارزش‌های دیگری هم در کار است . ۴۰
- یاهرده باش یا در خدمت مرد باش . ۹۵

پیام‌های اجتماعی و هشدار دهنده

- جامعه را از رهبر گریزی نیست . ۲
- کسی را رهبری سزا است که از همه‌ی تنگناها و مضایق تواند گذشت . ۲
- تسلیم زور مشو . ۵ ، ۱۳ ، ۱۸ ، ۲۲ ، ۲۸
- ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۸ ، ۴۲ ، ۶۱
- ۷۴ ، ۹۵ ، ۱۰۵
- به دشمن یا کسی که او را درست نمی‌شناسی اعتماد مکن . ۸ ، ۱۱ ، ۲۸ ، ۳۶ ، ۳۸
- ۸۳ ، ۹۰ ، ۹۶ ، ۱۰۵
- ۱۰۵
- سرانجام ستم‌پیشگی دردناک است . ۵۱ ، ۶۴ ، ۱۰۸
- آزادی از خور و خواب برای زیستن واجب‌تر است . ۵۱
- از فقر و تبعیض و اختلاف طبقاتی کینه می‌زاید . ۴۱

- راه ازمیان بردن تبعیض‌های اساسی اجتماع، بدست آوردن قدرت است .
۹۲ ، ۴۱
- از ظالم و بدکار انتقام باید گرفت .
۱۰۱ ، ۴۳
- همبستگی و تعاون موجب پیشرفت و موفقیت است .
۱۳ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۲۱ ، ۲۲ ،
۲۷ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۳۳ ،
۳۴ ، ۳۶ ، ۵۷ ، ۶۱ ، ۶۲ ،
۷۷ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۹۵ ، ۹۷ ،
۱۰۳ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ،
۱۰۸ ، ۱۰۹
- راحت شدن از شر دشمن بزرگ تنها با نابود کردن او میسر است .
۲۲ ، ۶۲ ، ۱۰۴
- کسی که فدای هدف مقدسی می‌شود ، دنباله‌ی کارش را دیگران خواهند گرفت .
۲۵ ، ۴۴ ، ۶۰ ، ۶۲ ، ۶۹
- بدبختی‌های اجتماع ناشی از تسلط زورگویان است .
۶۵
- چشم به راه قهرمان منشین .
۸۰
- اجتماع قهرمان است ، نه فرد .
۸۰
- برای پیروزی بر دشمن باید قوی بود .
۲۸
- منطق صاحبان قدرت ، زور است .
۳۱
- آرایش ظاهری و خلق زیبایی وقتی فقر و گرسنگی بیداد می‌کند ، بیهوده است .
۳۳
- زورگویی زورمندان ، از پراکندگی و تسلیم ضعیفان ناشی می‌شود .
۳۴ ، ۳۵
- جنگ عمل پسندیده‌ای نیست ، اما به موقع باید جنگید .
۳۴
- گول چرب‌زبانی‌های دشمن را نباید خورد .
۳۶ ، ۴۳ ، ۶۲ ، ۸۳
- دشمن در هر حال دشمن است .
۳۶
- تفرقه ویرانگر اجتماع است .
۵۸
- اعتراض به اسارت مقدمه‌ی رهایی‌ست .
۵۸
- با دشمن ، دشمنانه رفتار کن .
۵۸
- از دشمن ، چشم بهی‌توان داشت .
۶۲

- هر جامعه‌ای سرانجام باید خود به حل مشکل خود برخیزد . ۹۰
- هیچکس در خور تعظیم جز ایزد نیست . ۹۵
- باج به بیگانه نباید داد . ۹۵
- بادشمن مغلوب به مهربانی رفتار باید کرد . ۹۵
- بهوای سرزمین بهتر میهن خود را رها مکن . ۹۶
- برترین نیرو ، نیروی جماعت است . ۹۷
- آن به یکدیگر است . ۹۷
- بزرگترین دشمن اجتماع بی‌اعتمادی افراد ۵۸
- حفظ شعائر ملی وظیفه افراد ملت است . ۱۰
- حفظ منافع مردم بر اجرای فرمانهای اخلاقی مقدم است . ۱۰۱
- در مقابل حوادث و رویدادهای اجتماع بیطرف نمی‌توان ماند . ۹۷
- برای حل مشکلات بنیادی زندگی راه حل اساسی باید پیدا کرد ، مسکن و راه حل موقتی سودی ندارد . ۳۱
- برای رسیدن به مقصود از سختی‌ها مهرباس . ۲ ، ۲۵ ، ۳۷ ، ۴ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۹ ، ۶۵ ، ۷۶ ، ۹۵ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۷
- درانجام کارها دلیرباش و با ترس مبارزه کن . ۱۶ ، ۲۵ ، ۵۱ ، ۶۲ ، ۹۸ ، ۱۰۴
- در اندیشه‌ی سعادت همگان باش . ۱۶ ، ۲۵ ، ۳۰ ، ۵۱ ، ۶۷ ، ۷۶ ، ۱۰۰
- پایداری ، پیروزی‌ست . ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۵ ، ۳۷ ، ۴۲ ، ۴۴ ، ۷۴ ، ۸۱ ، ۹۹ ، ۱۰۴ ، ۱۰۷
- منافع مردم را بر مصالح خود مقدم باید داشت . ۲۵ ، ۶۷ ، ۸۶
- تسلیم شکست مشو ۷۸

پیام‌های اخلاقی

- تنبل مباش . ۸۴ ، ۴۶
- آز مورز ۱۰۰ ، ۷۳ ، ۶۴
- با حاصل دسترنج خویش زندگی کن . ۴۷
- مال دیگران را بآنان واگذار ۴۷
- پیمان‌شکن مباش . ۵۵ ، ۵۴
- فرصت را دریاب . ۵۶
- بد مکن تا بد نیینی . ۱۰۲
- غم گذشته را مخور . ۱۰۹ ، ۷۱
- از قدرت خود استفاده بیجا مکن . ۶
- جانب احتیاط را فرو مگذار . ۶ ، ۱۱ ، ۳۶ ، ۸۶ ، ۹۸ ، ۱۰۴
- بخاطر نفس نیکی ، نیکی کن . ۶
- حرف خیرخواهت را گوش کن . ۲۴ ، ۸ ، ۷
- تعجیل در کارها بخرج مده . ۵۵ ، ۷
- خود را از دیگران برتر مشمار . ۱۲
- ظاهر بین مباش ۸۲ ، ۵۸
- خدمتگزار دیگران باش . ۱۵ ، ۵۸ ، ۶۱ ، ۶۲ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۸۲ ، ۸۸
- غرور بیجا نداشته باش . ۱۵ ، ۴۴ ، ۹۵
- حيله گر مباش . ۱۹ ، ۷۳ ، ۸۳ ، ۹۳ ، ۹۸
- خیانت و تقلب نارواست . ۲۰
- اتکاء به نفس داشته باش . ۳۲ ، ۶۴ ، ۷۱
- تسلیم سختی‌ها مشو . ۳۳ ، ۷۹ ، ۱۰۷
- بادیگران مشورت کن . ۳۵
- ساده‌لوح وزود باور مباش . ۳۸
- اراده قوی داشته باش . ۳۰
- از دغلبازان پرهیز . ۸۶ ، ۹۵
- آنچه بخود نمی‌پسندی بادیگران روا مدار . ۹۴
- بحقوق دیگران تجاوز مکن . ۹۷
- پاك و تمیز باش . ۴۹

- بمیوقع سخن مگوی . ۱۵
- بی‌اجازه بزرگترها کار مکن . ۲۱

پیام‌های عاطفی

- گذشت داشته باش . ۴۶
- خوبان را دوست داشته باش تا آنان دوستت بدارند . ۵۰
- ازغم مردم بکاه و بر شادی آنان بیفزا . ۱۰۶
- دیگران را میازار . ۱۰۲ ، ۷۹
- بیجا و بیمورد خشمگین مشو . ۳۷
- حسادت موزز . ۸۷
- پرنده‌ها را میازار . ۲۶ ، ۵۲ ، ۷۹
- گل‌ها و درختان دوست‌داشتنی‌اند . ۹۱ ، ۸
- خوشقلب باش . ۸۷ ، ۷۲ ، ۴۶ ، ۸

پیام‌های فلسفی

- هرکسی دنیارا به گونه‌ای می‌بیند . ۷۰
- معلوم نیست ، آنچه ما میدانیم درست باشد . ۷۰
- با عوض شدن ما همه چیز عوض می‌شود . ۶۴
- قضا و قدری در کار نیست . ۳۷ ، ۲۹
- زبان یکی سود آن دیگری است . ۹۲
- هرکسی در جستجوی خویش است . ۹۷
- دانش آدمی ارزش نسبی دارد . ۹۷
- حقیقت ، شناخت پاره‌ای از جهان است . ۹۷
- حقیقت همه‌جا هست . ۹۷
- همه‌چیز دستخوش تغییر و دگرگونی است . ۹۷
- نسبت همه‌ی حقایق مسلم است . ۹۷
- نیکی م عاقبت بربدی چیره می‌شود . ۹۵

پیام به بزرگتر

- کودکان را میازارید . ۱

- اندرز به تنهایی کافی نیست باید کودک را
در جریان بد و خوب زندگی گذاشت . ۱۰۲
- فکر نسل نورا جدی باید گرفت . ۲۸
- مسائل زندگی را بطور تجربی باید به کودک
آموخت . ۸۵

پرکاربردترین پیامها

دفعات کاربرد	پیام
۲۶ بار	- همبستگی و تعاون مایه پیشرفت و موفقیت است .
۱۸ بار	- تدبیر حلال مشکلات است و تأمل و اندیشه کردن برای حل هر مسأله‌ای ضروریست .
۱۴ بار	- پایداری پیروزی است .
۱۳ بار	- تسلیم زور مشو .
۱۰ بار	- نومید مشو .
۹ بار	- به دشمن و هرکس که او را درست نمی‌شناسی اعتماد مکن .
۸ بار	- دوستی شیرین و ثمربخش است .
۸ بار	- خدمتگزار دیگران باش .
۷ بار	- در اندیشه سعادت همگان باش .
۷ بار	- در انجام کارها دلیر باش و باترس مبارزه کن .
۶ بار	- جانب احتیاط را فرو مگذار .
۶ بار	- کسی که فدای هدف مقدسی می‌شود دنباله‌ی
۵ بار	کارش را دیگران خواهند گرفت .
۵ بار	- فراست و هوشمندی به سن و سال نیست .
۵ بار	- حيله گر مباش .
۴ بار	- خوش‌قلب باش .
۴ بار	- گول چرب‌زبانی‌های دشمن را نباید خورد .

تم (درون مایه) های ۱۰۹ قصه از نویسندگان معاصر و طبعه بندی آنها

میزان کاربرد	تمها
۵۳	اجتماعی و هشدار دهنده
۲۵	عاطفی
۱۸	در بیان واقعیتها و نحوه زندگی
۱۰	اخلاقی
۳	فلسفی

اجتماعی و هشدار دهنده

شماره ی قصه های حاوی تم	تم
۱۳ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۲۲ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵	تعاون و همبستگی .
۵۷ ، ۶۱ ، ۷۷ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۹۵ ، ۱۰۳ ، ۱۰۵ ، ۱۰۷	
۱۰۸ ، ۱۰۹	
۱۹ ، ۳۷ ، ۴۰ ، ۶۲ ، ۹۷	جستجو
۲۸ ، ۳۰ ، ۷۴ ، ۱۰۴	پشتکار
۶۴ ، ۷۱ ، ۹۰	اتکاء به نفس
۵ ، ۷۸	چاره اندیشی
۵۶ ، ۸۴	اعتنام فرصت
۶۵ ، ۱۰۱	مبارزه با ستمگری
۶۳ ، ۹۶	اندیشیدن در کارها
۴۵ ، ۸۶	نفی خیالبافی
۲	خود رهبری
۱۰	حفظ شعائر ملی
۱۱	بی احتیاطی
۵۱	شوق آزادی
۵۸	زیان تفرقه
۸۰	گریز از قهرمان پرستی
۹۲	لزوم کسب قدرت
۹۳	زیان ترس

۹۸

انتقام

۹۹

ناپایداری قدرت

عاطفی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
۵۲ ، ۵۰ ، ۴۴ ، ۲۶ ، ۳ ، ۱	محبت
۱۰۰ ، ۸۸ ، ۶۷ ، ۲۵ ، ۱۶	سعادت برای همه
۵۴ ، ۵۳ ، ۲۴	دوستی
۷۶ ، ۶۶ ، ۴۸	دنیای رویایی کودک
۸۷ ، ۷۲	پاکدلی
۶۹ ، ۳۱	فداکاری
۱۰۲ ، ۷۹	زیان دیگرآزاری
۹۴	وفا به عهد
۲۳	دراندیشه دیگران بودن

در بیان واقعیت‌ها و نحوه‌ی زندگی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
۸۳ ، ۷۳ ، ۴۳ ، ۳۸ ، ۳۶	فریبکاری
۸۹ ، ۴۲	کار
۴	هم‌سنخی
۹	فکر کردن
۱۷	علم ناقص
۲۰	سختی‌های زندگی
۴۱	نمایش فقر
۵۹	پیدایش زبان
۶۸	چیستی شعر
۷۰	تفاوت بینش‌ها
۷۵	زیبائی‌های طبیعت
۸۵	بزرگ شدن
۱۰۶	حرکت و جنبش

اخلاقی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
۸، ۷	حرف نشنیدن
۶	استفاده بیجا از قدرت
۱۲	برتری جوئی
۱۴	شجاعت
۲۱	بی‌اجازه بزرگترها کار کردن
۴۷	تجاوز به مال دیگران
۴۹	نظافت
۵۵	پیمان شکنی
۹۱	زیان آسیب رساندن به طبیعت

فلسفی

شماره‌ی قصه‌های حاوی تم	تم
۳۹	تضاد
۴۶	خوبی و بدی
۶۰	وسعت جهان

پرکاربردترین تم‌ها

تعداد کاربرد	تم
۲۱ بار	تعاون و همبستگی
۶ بار	محبت
۵ بار	سعادت برای همه
۵ بار	جستجو
۵ بار	فریبکاری
۴ بار	پشتکار

ضمیمه‌ی ۱

شماره و نام و نشان ۲۰۰ داستان عامیانه مورد بررسی

افسانه‌های کهن ، به اهتمام صبحی ، جلد اول ، چاپ دهم ، انتشارات امیرکبیر ،
تهران ، ۱۳۴۹

۱ - یکی بود یکی نبود ، ۲ - دویدم و دویدم ، ۳ - بز زنگوله
به پا ، ۴ - بلبل سرگشته ، ۵ - درخت بادام ، ۶ - خاله سوسکه ،
۷ - كك به تنور ، ۸ - کلاغ لجاج ، ۹ - غوزه ، ۱۰ - گنجشك ،
۱۱ - دم دوز ، ۱۲ - پیره‌زن ، ۱۳ - کدو قلقله زن ، ۱۴ -
شیرشکر ، ۱۵ - روباه ولك لك ، ۱۶ - روباه و کلنگ ، ۱۷ - شیخ
روباه ، ۱۸ - زور ، ۱۹ - گنجشك دنبك‌زن .

افسانه‌های کهن ، به اهتمام صبحی ، جلد دوم ، چاپ هشتم ، انتشارات امیرکبیر ،
تهران ، ۱۳۴۹ .

۲۰ - روباه پیر ، ۲۱ - پوپك ، ۲۲ - روباه و خرس ، ۲۳ - سگ
پیش‌نماز ، ۲۴ - کلاغ و روباه ، ۲۵ - لجاج ، ۲۶ - پیله‌ور ،
۲۷ - شغال بی‌دم ، ۲۸ - پیرزن و شغال ، ۲۹ - دیوانگان ،
۳۰ - گرگ خونخوار و روباه افسونکار .

افسانه‌ها ، به اهتمام صبحی ، جلد اول ، چاپ ششم ، انتشارات امیرکبیر ،
تهران ، ۱۳۴۹ .

۳۱ - گل خندان ، ۳۲ ، نمدی ، ۳۳ - بزى ، ۳۴ - راه و بیراه ،
۳۵ - سعد و سعید ، ۳۶ - گل زرد ، ۳۷ - نخدو ، ۳۸ - جستیک

نخودی ، ۳۹ - نخودی و دیو ، ۴۰ - رمالباشی ، ۴۱ - خاله قورباغه ، ۴۲ - خاله گردن دراز .
افسانه‌ها ، به اهتمام صبحی ، جلد دوم ، چاپ ششم ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۴۹ .

۴۳ - نمکی ، ۴۴ - ماه پیشانی ، ۴۵ - کره‌ی دریایی ، ۴۶ - نارنج و ترنج ۴۷ - شاه و وزیر ، ۴۸ - چل گیس ، ۴۹ - کچلک ، ۵۰ - بوعلی ، ۵۱ - سنگ صبور .
قصه‌های ایرانی : گردآوری و تألیف سیدابوالقاسم انجوی شیرازی ، جلد اول ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ، ۱۳۵۲ .

۵۲ - شاهزاده ابراهیم و فتنه‌ی خونریز ، ۵۳ - فاطمه قرقرو ، ۵ - علی پیسو و چارخ ، ۵۵ - دختر تاجر و پسر پادشاه ، ۵۶ - بمونی واسکندر ، ۵۷ - خروس گردو دزد ، ۵۸ - سلطان مار ، ۵۹ - حيله‌ی درویش ، ۶۰ - پسر خارکن با ملا بازرگان ، ۶۱ - گرگ و سفره ، ۶۲ - قلاغه و مرد باقالی فروش ، ۶۳ - باغ گل زرد ، ۶۴ - آدم بدبخت ، ۶۵ - مکر و حيله‌ی زن ، ۶۶ - دختر شهرچین ، ۶۷ - باغ سیب ، ۶۸ - ملای مکتب ، ۶۹ - ملک محمد و دیو یک لنگو ، ۷۰ - مرغ سخنگو ، ۷۱ - کچل و قاضی ، ۷۲ - گل خندان ، ۷۳ - پسران پادشاه یا سه برادر ۷۴ - مکر و حيله‌ی زن ، ۷۵ - تمریچی ، ۷۶ - سه برادر ، ۷۷ - کچل و شیطان ، ۷۸ - آگبوری ، ۷۹ - یک گردو بینداز ، ۸۰ - کچلک ، ۸۱ - کچل و سفره و ترکه وانگشتر حضرت سلیمان ، ۸۲ - گل به صنوبر چه کرد .

افسانه‌های آذربایجان . روایت صمد بهرنگی - بهروز دهتانی ، جلد اول ، انتشارات نیل ، تهران ، ۱۳۴۸ .

۸۳ - دختر حاجی صیاد ، ۸۴ - پدر هفت دختر و پدر هفت پسر ، ۸۵ - آدی و بودی ، ۸۶ - دختر درزی و شاهزاده ، ۸۷ - قصه‌ی آه ، ۸۸ - شتر و روباه ، ۸۹ - آلتین توپ ، ۹۰ - اذان گو ، ۹۱ - گل خندان ، ۹۲ - ای وای های ، ۹۳ - نخودی ، ۹۴ - پیرزن و سه دختر ، ۹۵ - ملک محمد ، ۹۶ - بیزووم ، ۹۷ - گرگ و گوسفند ، ۹۸ - عروسک سنگ صبور ، ۹۹ - بی بی لی جان ، ۱۰۰ - موش گرسنه ، ۱۰۱ - شیر و روباه ، ۱۰۲ - دیوپخمه ، ۱۰۳ - هفت جفت کفش آهنی و هفت تا عصای آهنی .

افسانه‌های آذربایجان . روایت صمد بهرنگی - بهروز دهقانی ، جلد دوم ،
انتشارات نیل ، تهران ، ۱۳۴۸ .

۱۰۴ - رفیق خوب و رفیق بد ، ۱۰۵ - به دنبال فلک ، ۱۰۶ -
فاطمه خانم ۱۰۷ - پیراهن عروسی از سنگ آسیا ، ۱۰۸ - پسر
زرنک ، ۱۰۹ - بزربش سفید ، ۱۱۰ - انارخاتون ، ۱۱۱ - محمد
گل‌بادام ، ۱۱۲ - گرگ و روباه ، ۱۱۳ - پرندۀ آبی ، ۱۱۴ -
درویش و میومیو خانم ، ۱۱۵ - دختر انار ، ۱۱۶ - شاهزاده‌ی
حلوا فروش ، ۱۱۷ - تیزتن ، ۱۱۸ - روباه و پیرزن خمره‌سوار ،
۱۱۹ - گنج ، ۱۲۰ - کچل مہ سیاه .

افسانه‌های کردی . گردآورنده : م . ب . رودنکو ، ترجمه‌ی کریم کشاورز ،
انتشارات آگاہ ، تهران ، ۱۳۵۲ .

۱۲۱ - گرگ و میش ، ۱۲۲ - روباه و خروس و کبوتر ،
۱۲۳ - مکرزنان ، ۱۲۴ - دخترک خردمند ، ۱۲۵ - شوهر و
زن ، ۱۲۶ - زن عاقل ، ۱۲۷ - زن بد ، ۱۲۸ - زن مکار ،
۱۲۹ - زن و شوهر ، ۱۳۰ ، دوملا ، ۱۳۱ - دوخواهر ،
۱۳۲ - عادت ، ۱۳۳ - اسماعیل چاوش ، ۱۳۴ - دختر عاقل
پادشاه ، ۱۳۵ قچاق قلابی ، ۱۳۶ - سه دوست ، ۱۳۷ - دوهمسایه ،
۱۳۸ - دو دوست ، ۱۳۹ - سه اندرز ، ۱۴۰ - مگر نگفتمت ! ،
۱۴۱ - سه دوست ، ۱۴۲ - داندوی حیلہ گر ، ۱۴۳ - هرچور
اراده کنی آنچور زندگی می‌کنی ، ۱۴۴ - بازرگان ، ۱۴۵ -
احمد و گل‌نزار ، ۱۴۶ - خوبی و بدی ، ۱۴۷ - دونابینا ، ۱۴۸ -
سه احمد ، ۱۴۹ - نوکر عاقل ، ۱۵۰ - احمد پادشاه ، ۱۵۱ -
محمد پادشاه و وزیر او ، ۱۵۲ - پهلوان دانا و خلیفه ، ۱۵۵ - ستام
و لگام بد ، ۱۵۶ - داروی معجزه گر ، ۱۵۷ - عزرائیل را چگونه
می‌توان یافت ، ۱۵۸ - اصیب ، ۱۵۹ - کربلائی فراش و دزدان ،
۱۶۰ - احمدخان و علی ولی ، ۱۶۱ - عقل و اقبال ، ۱۶۲ - چرا
ماهی خندید ؟ ، ۱۶۳ - دوبرادر خوانده ، ۱۶۴ - میرزا محمود
و هزاران بلبل ، ۱۶۵ - گلبرین ، ۱۶۶ - هفت برادران ، ۱۶۷ -
آدمی گرگ صورت .

افسانه‌های جنوب ، گردآورنده فرج‌الله خداپرستی ، انتشارات پدیده ، ۱۳۴۹ .
۱۶۸ - زخم‌زبون ، ۱۶۹ - روباه و گرگ ، ۱۷۰ - روباه و خیاط .

مثل‌های بروجردی، گردآوری و تنظیم: شیدرخ - ابوالفضل ارزانی، انتشارات
پدیده، تهران، ۱۳۵۰.

۱۷۱ - کگره عربی، ۱۷۲ - دختر پادشاه و پسر لر، ۱۷۳ -
مشتی رحیم و نان جو، ۱۷۴ - علی بهانه‌گیر، ۱۷۵ - روزبوینا
(روزیین‌ها)، ۱۷۶ - [بدون عنوان]، ۱۷۷ - گرگ و روباه،
۱۷۸ - قصه سیب حضرت سلیمان، ۱۷۹ - قصه ماه پری.
افسانه‌هایی از زبان مادر بزرگ‌ها، انتشارات پدیده، تهران، ۱۳۵۰.
۱۸۰ - بهرام و شاهزاده مارها، ۱۸۱ - ساده لوح، ۱۸۲ - شغال
بی دم، ۱۸۳ - روباه و لك لك، ۱۸۴ - سهراب، ۱۸۵ - عقاب
غول پیکر، ۱۸۶ - شمعدان طلایی، ۱۸۷ - زن و شوهر لجباز،
۱۸۸ - چه کنم - چه نکنم، ۱۸۹ - بچه کدو، ۱۹۰ - خاله
سوسکه، ۱۹۱ - نخودو، ۱۹۲ - مردی که بخشش خفته بود.
پاترده افسانه از افسانه‌های روستایی ایران، گردآوری حسین کرمانی، انتشارات
پدیده، ۱۳۴۸.

۱۹۳ - پسر صیاد، ۱۹۴ - قصه‌های رمال‌باشی دروغی، ۱۹۵ -
نجما و دختر پادشاه، ۱۹۶ - قلعه و شنا (وشاق)، ۱۹۷ - قصه
حضرت موسی و مرد آبکش، ۱۹۸ - قصه پسر تاجر، ۱۹۹ -
سه نفر آخوند مکتب دار، ۲۰۰ - قصه دختر تاجر و ملا،

ضمیمه‌ی ۲

شماره و نام ناشر ۱۰۹ داستان معاصر مورد بررسی

۱ - مثل (ناشر: نویسنده)، ۲ - افسانه‌ی سیم‌رخ (جیبی)، ۳ - قصه‌های
پیک (اشک نازنین . ابن سینا)، ۴ - پروانه‌ها و باران (سخن)، ۵ - خرگوش
باهوش (اقبال)، ۶ - گنجشک و مردم (فرانکلین)، ۷ - گنجشک سحرخیز
(شرکت انتشار)، ۸ - گلی (معرفت)، ۹ - زنجیر عموزنجیرباف (ابن سینا -
تبریز)، ۱۰ - هفت‌سین (سنائی - مشهد)، ۱۱ - لچک قرمزی (امیر کبیر)،
۱۲ - گفتگوی درختها (مروارید)، ۱۳ - ازدهای سیاه (فرزین)، ۱۴ -
پهلوان‌پر زور (معراجی)، ۱۵ - تخته‌قبا (اقبال)، ۱۶ - نوروز آقا و منیژه خانم

(نیل) ، ۱۷ - فیل و کوران (پدیده) ، ۱۸ - پادشاهان کوچک (زیب و زیبا)
 (دارالتبلیغ اسلامی) ، ۱۹ - خواب خورشید (بامداد) ، ۲۰ - بابادری
 (راهنمای کتاب) ، ۲۱ - میترا توبولو (اقبال) ، ۲۲ - جنگل بزرگ (نیما -
 اصفهان) ، ۲۳ - قصه‌های پیک (پری آتش . ابن سینا) ، ۲۴ - بزک زنگوله‌دار
 (گنجینه) ، ۲۵ - خروس خوش صدا (گنجینه) ، ۲۶ - یک روز خوش
 (امیرکبیر) ، ۲۷ - گیلهمرد (نوبل - تبریز) ، ۲۸ - بچه‌کویر (نوبل -
 تبریز) ، ۲۹ - خاطرات فرج (نوبل تبریز) ، ۳۰ - نخودی و حاکم (نوبل -
 تبریز) ، ۳۱ - حاجی فیروز (نوبل - تبریز) ، ۳۲ - میهمانی مهتاب
 (صدای معاصر) ، ۳۳ - آب و گندم (صفی‌علیشاه) ، ۳۴ - یا هم
 (صدای معاصر) ، ۳۵ - ملکه سایه‌ها (امیرکبیر) ، ۳۶ - خروس
 زری پیرهن پری (نیل) ، ۳۷ - قصه هفت کلاغون (کتاب زمان) ، ۳۸ - غول
 (گوتنبرگ) ، ۳۹ - عمو گرما و بابا سرما (گوتنبرگ) ، ۴۰ - عمو گرما و
 بابا سرما (مسافرت به دور دنیا . گوتنبرگ) ، ۴۱ - بیست و چهار ساعت در میان
 خواب و بیداری (شمس - تبریز) ، ۴۲ - پسرک لب‌فروش (شمس تبریز) ،
 ۴۳ - پیرزن و جوجه طلایی‌اش (شمس - تبریز) ، ۴۴ - قوچ‌علی و دختر
 پادشاه (شمس - تبریز) ، ۴۵ - هدیه شاه پریان (انجمن کتاب و کانون) ،
 ۴۶ - هدیه شاه پریان (گل پری و نازپری) . انجمن کتاب و کانون ، ۴۷ -
 هدیه شاه پریان (مال تو نیست مال حسن گازراست . انجمن کتاب و کانون) ،
 ۴۸ - فری به آسمان می‌رود (امیرکبیر) ، ۴۹ - پوری و لباس‌هایش (امیرکبیر) ،
 ۵۰ - پرویز و آینه (امیرکبیر) ، ۵۱ - داستان یک شیر واقعی (بامداد) ،
 ۵۲ - پیرزن و طوطی (بامداد) ، ۵۳ - کاکاسیاه و سزقبا (هدایت) ،
 ۵۴ - کاکاسیاه و سزقبا (پشمالود حقه‌باز . هدایت) ، ۵۵ - زال و
 سیمرغ (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) ، ۵۶ - عمونوروز
 (کانون) ، ۵۷ - مهمانهای ناخوانده (کانون) ، ۸۵ - شهر ماران (کانون) ،
 ۵۹ - راز کلمه‌ها (کانون) ، ۶۰ - جمشید شاه (کانون) ، ۶۱ - سرگذشت
 کشور کوچک (کانون) ، ۶۲ - ماهی سیاه کوچولو (کانون) ، ۶۳ - قصه
 کرم ابریشم (کانون) ، ۶۴ - توکایی در قفس (کانون) ، ۶۵ - سنجاب‌ها
 (کانون) ، ۶۶ - من حرفی دارم که فقط بچه‌ها باور می‌کنند (کانون) ،
 ۶۷ - خورشید خانوم (کانون) ، ۶۸ - شاعر و آفتاب (کانون) ،
 ۶۹ - گل بلور و خورشید (کانون) ، ۷۰ - پسرک چشم‌آبی (کانون) ، ۷۱ -
 ماهیگیر و دریا (کانون) ، ۷۲ - روباه زرنگ (پیرمرد ماهیگیر . بامداد) ،
 ۷۳ - روباه زرنگ (بامداد) ، ۷۴ - گل اومد بهار اومد (کانون) ، ۷۵ -

گیلان (کانون) ، ۷۶ - قصه توپک قرمز (کانون) ، ۷۷ - بابا برقی (کانون) ،
 ۷۸ - گرافرید (کانون) ، ۷۹ - بعداز زمستان در آبادی ما (کانون) ، ۸۰ -
 قهرمان (کانون) ، ۸۱ - قصه طوطی (کانون) ، ۸۲ - گمشده لب دریا
 (کانون) ، ۸۳ - داستان شیروشر (فرزین) ، ۸۴ - قصه غازها (گنجینه) ،
 ۸۵ - پالتو قرمز (ترجمه و نشر کتاب) ، ۸۶ - آرزو (گلشائی) ، ۸۷ -
 دهکده‌ی گل سرخ (اقبال) ، ۸۸ - آب که از چشمه جدا شد چه کرد؟ (امیر کبیر) ،
 ۸۹ - کلاته‌نان (امیر کبیر) ، ۹۰ - دهکده‌ی نو (کوچ مورچگان . اشرفی) ،
 ۹۱ - دهکده‌ی نو (ناله‌بی در جنگل . اشرفی) ، ۹۲ - دهکده‌ی نو (بره و
 گرگ . اشرفی) ، ۹۳ - دهکده‌ی نو (شیر و انسان . اشرفی) ، ۹۴ - دهکده‌ی
 نو (وفای به عهد . اشرفی) ، ۹۵ - امیر حمزه‌ی صاحبقران (کانون) ، ۹۶ -
 آهو و پرنده‌ها (کانون) ، ۹۷ - حقیقت و مرد دانا (کانون) ، ۹۸ - بستور
 (کانون) ، ۹۹ - پهلوان پهلوان (کانون) ، ۱۰۰ - بزی که گم شد (کانون) ،
 ۱۰۱ - عبدالرزاق پهلوان (کانون) ، ۱۰۲ - دور از خانه (کانون) ، ۱۰۳ -
 کلاغها (کانون) ، ۱۰۴ - باقلا قاطوق (نوبل - تبریز) ، ۱۰۵ - طوطی ،
 کلاغ و میمون (گنجینه) ، ۱۰۶ - دو پرنده (همگام) ، ۱۰۷ - موش دم‌بریده
 (نیل) ، ۱۰۸ - باغ وحش طلائی (گنجینه) ، ۱۰۹ - دهکده‌ی نو (اشرفی) .

ضمیمه‌ی ۳

نام نویسنده‌ها (به ترتیب الفبائی) و شماره‌ی داستان‌ها

شهر آشوب ، محمود - ۵	آ . ش - ۱۶
صادقی ، فرخ - ۵۳ - ۵۴	آتشی ، منوچهر - ۶۱
طاهباز ، سیروس - ۶۸ - ۷۸	آزاد ، م . م - ۱۷ - ۵۵ - ۸۱
عباداللهی ، داریوش - ۲۷ - ۲۸	ابراهیمی ، نادر - ۶۵ - ۱۰۰ - ۱۰۲ - ۱۰۳
۲۹ - ۳۰ - ۳۱ - ۱۰۴	
فرجام ، فریده - ۹ - ۶۵ - ۵۷ - ۶۹	احمدی ، احمدرضا - ۶۶
قاضی نور ، قدسی - ۳۲ - ۳۳	ایمن ، لیلی - ۴۵ - ۴۶ - ۴۷ - ۸۵
۳۴ - ۸۶ - ۸۸ - ۱۰۶	باغچه‌بان ، جبار - ۷۷
کریم‌زاده ، منوچهر - ۱۹	به‌آذین ، م . ا . م - ۶۷

- بهار ، مهرداد - ۶۰ - ۹۸
 بهرنگی ، صمد - ۶۲ - ۴۴ - ۴۳ - ۴۲ - ۴۱
 بیضایی ، بهرام - ۹۷
 پارسپور ، شهرنوش - ۷۶
 پیمان - ۱۴
 تجارتچی ، جعفر - ۱۰۷ - ۱۵
 حسینی ، سیدعلی اکبر - ۷
 خانلری ، زهرا - ۲
 خاور ، ن . - ۱۰۵ - ۸۴ - ۲۵ - ۲۴ - ۱۰۸
 خلیلی ، عظیم - ۷۱
 دادخواه ، بهمن - ۷۵
 دعوتی ، میرابوالفتح - ۱۸
 دولت آبادی ، مهدخت - ۶
 زادپور ، مهین - ۸۷ - ۲۱
 زرین کلاک ، نورالدین - ۶۳
 ساعدی ، غلامحسین - ۸۹ - ۸۲
 سپانلو ، محمدعلی - ۹۵
 سلیمی ، منوچهر - ۴۰ - ۳۹ - ۳۸
 شاملو ، احمد - ۳۷ - ۳۶ - ۳۵
 کسرائی ، سیاوش - ۷۹
 کوش آبادی ، جعفر - ۱۳
 کیارستمی ، تقی - ۸۰
 کیانوش ، محمود - ۹۱ - ۹۰ - ۹۲
 ۹۳ - ۹۴ - ۱۰۹
 مجابی ، جواد - ۷۰
 معرفت ، شیرین - ۸
 مقدم ، آزاده - ۲۶ - ۱۰
 ملوندی ، رضا - ۲۰
 م . م . س . - ۸۳
 موسوی فریدنی ، م . ع . - ۲۲
 میرهادی ، فهیمه - ۱۲
 نعمتی ، اکبر - ۷۳ - ۷۲ - ۵۲ - ۵۱
 نفیسی ، مجید - ۵۹
 نوایی ، مرتضی - ۱
 نیستانی ، منوچهر - ۷۴
 وزیری ، فردوس - ۲۳ - ۳
 هدایت ، صادق - ۱۱
 هدایت پور ، فریدون - ۵۸
 یمینی شریف ، عباس - ۵۰ - ۴۹ - ۴۸
 یوشیج ، نیما - ۹۶ - ۶۴
 بدون نام نویسنده - ۱۰۱ - ۹۹

ایرج جهانشاهی - محمود کیانوش -
اسماعیل سعادت - فردوس وزیری

بررسی محتوای مجله‌های پیک

برای

کودکان و نوجوانان گروه سنی ۳ تا ۱۴ سال

مقدمه

هدف

اکنون عصر تحولات عمیق و دامنه‌دار اجتماعی و اقتصادی است و مجموعه این تحولات با تحول فکر امکان‌پذیر است. به همین سبب آموزش، دست‌کم در حد خواندن و نوشتن، با برنامه‌های وسیع، در سراسر کشور دنبال می‌شود و ما بیشتر از همیشه به مواد خواندنی برای یک یک کودکان و نوجوانان این سرزمین پهناور احساس نیاز می‌کنیم. گسترش سواد یک برنامه ملی است و تأمین وسایل و فراهم کردن تسهیلات این امر خطیر نیز یک برنامه ملی به شمار می‌آید. با ایجاد سپاه دانش برای با سواد کردن کودکان دورافتاده‌ترین روستاها، و با فعالیت پیکار با بیسوادی برای بخشیدن بینایی تازه به نسل سالمند کشور، تهیه مواد خواندنی برای این برنامه‌های وسیع ملی ضرورتی بنیادی داشت. مرکز

انتشارات آموزشی وزارت آموزش و پرورش ، ده سال پیش ، با توجه به این برنامه‌های ملی به وجود آمد و هماهنگ با دامنه یافتن کوششها گسترش یافت . انتشار مجله‌ها و کتابهای پیک حاصل این برنامه‌ها و تلاشهاست .

زبان آیینیه فکر است و همبستگی فکری يك ملت را زبان استوار می‌دارد . همفکریهایی ملت به همکاریهای سازنده می‌انجامد و وحدت ملی را تضمین می‌کند . همان‌طور که فکر می‌تواند آیینهدار زبان باشد ، زبان نیز می‌تواند چهره‌ساز فکر واقع شود . به عبارت دیگر ، زبان فکر را آشکار می‌سازد و فکر با زبان برمی‌آید و شکل می‌گیرد . کودکان يك ملت ، اگر از همان آغاز تکوین شخصیت بر مبنای اصولی دقیق و استوار پرورش یابند ، به آینده آن ملت می‌توان با اطمینان امید بست ، و عنصری که کاربرد این اصول دقیق و استوار را ممکن می‌سازد فکر است و وسیله‌ای که فکر را می‌زایاند و می‌پروراند زبان است .

مرکزانتشارات آموزشی ، با عطف توجه به این واقعیت ، یاری به آموزش زبان رسمی فارسی را در مراتب هدفهای خود در بالاترین مرتبه قرار داده است تا از این راه امکان هرگونه تحول فکری را وسعت بخشد و درخت وحدت ملی را از طریق وحدت زبان بارورتر سازد . اما بدیهی است که زبان بدون فکر درحد يك وسیله باقی می‌ماند ، و تنها هنگامی به واقعیت خود می‌رسد که وسیله فکری یا افکاری سودمند واقع شود . بنابراین ، نمی‌توان در اشاره به آموزش زبان از آموزش فکر یاد نکرد . به دیگر سخن ، آموزش فکر و زبان توأماً يك عنصر مرکب انگاشته می‌شود و مرکزانتشارات آموزشی دربرشمردن هدفهای خود به این عنصر مرکب توجه دارد و اهم آنها را به این ترتیب خلاصه می‌کند :

الف - تکمیل خواندنیها

برنامه‌های درسی به کودکان دانشهای پایه را می‌دهد و در حد امکان آنها را با امور و اشیای محیط و مفاهیم و واقعیات آشنا می‌سازد ، اما دایره این امکان تنگ است و کودکان مرحله‌ای سریع و شگفت از یادگیری را می‌گذرانند . در این دوره چونی و چرایی به اندازه‌ای برای شناختن دنیای درون و برون عطف دارند که نمی‌توانند به مطالب برنامه‌های درس بسنده کنند . می‌بینند و می‌شنوند و می‌خوانند ، اما هرگز خواننده‌های آنها در کمیت و کیفیت با دیده‌ها و شنیده‌های آنان برابر نیست ، حال آنکه تنها خواننده‌هاست که می‌تواند دیده‌ها و شنیده‌ها را نظم و صحت ببخشد و مستدل و منطقی کند .

کودک در کودکستان و دوره ابتدایی بیشترین نیاز را به اندوختن آگاهیهای درست و علمی از زندگی و جهان دارد . در این دوره هر چیز که بشنود

برای او حکم واقعیت پیدا می‌کند، زیرا که او هنوز نمی‌تواند از واقعیات پی به مفاهیم انتزاعی ببرد. بنابراین، باید دانسته‌های او در این سن به نحوی مستمر هم اصلاح شود و هم گسترش یابد. او همینکه خواندن آموخت، با شور فراوان می‌خواهد چیزهای خواندنی بیابد و در این هنگام است که باید از روی برنامه‌ای درست و حساب شده سهلترین و بیشترین آگاهیهای لازم را به صورت نوشته در دسترس او قرار داد.

در مجله‌ها و کتابهای پیک کوشش می‌شود که آنچه کودک در برنامه درسی دارد تکمیل گردد، به این معنی که حوزه مطالب خواندنی او از حیث موضوعات وسعت پیدا کند و در عین حال، با توجه به دگرگونیهای مدام در محیط، تازگی داشته باشد و کودک را با جریانهای همزمان رشد فکر و شخصیت او همراه کند.

ب - آسانسازی

در برنامه رسمی ضرورت اختصار و گزینش ایجاب می‌کند که یک موضوع از بسیار موضوعهای همسان انتخاب شود و پایه بخشی از یک دانش اساسی قرار گیرد. بنابراین، مجال آن نیست که به موضوعات همسان پرداخته شود تا ذهن کودک به قیاس و تصمیم عادت کند. مجله‌ها و کتابهای پیک این امکان را فراهم می‌دارد که حیطه موضوعات همسان گسترش یابد و دریافت موضوعات درسی در حوزه دانشهای پایه برای او آسانتر گردد.

از طرف دیگر، هر موضوع درسی، بیرون از کلاس، موضوعی است از زندگی، و پهنه آن تا بینهایت وسعت دارد. این پهنه با فرا رفتن مراتب تحصیلی کودک تا دانشگاه گسترده‌تر می‌شود، اما زندگی در جامعه و نگرش به محیط کودک کنجکاو را به تفکر وادار می‌دارد و کودک مشتاق است که هر موضوعی را بیش از حدی که در کلاس مطرح می‌شود دنبال کند. بدیهی است که معلم علاقه‌مند به این نیاز گسترش موضوعات توجه دارد، اما بیش از مجال برنامه نمی‌تواند به این امر بپردازد. مجله‌ها و کتابهای پیک در این زمینه به گسترش موضوعات کمک می‌کند تا از فرصتی که کودک در مطالعه مطالب غیردرسی صرف می‌دارد به نیکوترین وجه استفاده شود و موضوعات درسی را با وسعتی درخور حس کنجکاو خود دنبال کند.

پ - خودخوانی و خودآموزی

کودکان نوآموز در آغاز عادت می‌کنند که یادگیری را با راهنمایی معلم انجام دهند و در آنها این تصور راه می‌یابد که عمل یادگیری همواره نیاز به راهنما دارد. گاه دیده می‌شود که کودکی از خواندن نوشته‌ای سواي کتاب

درسی پروا می‌کند و حتی از آزمایش توانایی خود در خواندن آن نوشته سر باز می‌زند .

وقتی که کودک ، در محدوده تجربه خود و در حوزه کلمات و ترکیباتی که در کلاس آموخته است ، مطالبی ساده و جالب توجه در اختیار داشته باشد و آن را به نام و صورت و سیرت متعلق به خود بداند ، به خودخوانی تشویق می‌شود و از این راه ، در حد توانایی ، به خودآموزی می‌پردازد . این خودآموزی به او احساس شخصیت مستقل می‌بخشد و سپهر فکری او را گسترده می‌کند و بر حدت ذهن او برای درک موضوعات تازه می‌افزاید .

ت - نگرش و بینش جامع

کودک در زندگی اجتماعی با مسائل و امور متعدد و متنوعی وابسته است و آگاه و ناآگاه این وابستگیها او را به کنش و واکنش او می‌دارد و این کنشها و واکنشها شخصیت او را شکل می‌دهد و دیدگاههای او را در نگرش و بینش در برابر زندگی و جهان تعیین می‌کند . او در خانواده ، مدرسه ، معاشرت‌ها و روابط اجتماعی بزرگتران و تا اندازه‌ای در محیط وسیعتر زندگی کم‌وبیش با امور و مسائل اجتماعی برخورد دارد و از آنها متأثر می‌شود .

حوزه دانشهای پایه در مدرسه اساساً نمی‌تواند آن گستردگی و تنوعی را که لازمه وسعت بخشیدن به دیدگاه کودک است ، داشته باشد . طرح مسائل مربوط به همبستگیهای خانوادگی ، آگاهیهای ملی و میهنی ، سنت و آداب و رسوم ، خصوصیات اقلیمی و تاریخی ملت و میهن ، موقعیت سرزمین او در شبکه روابط جهانی ، شناخت طبیعت و جهان و ملتها و ملیتها ، وقوف به ارزشهای تاریخی و بسیاری چیزهای دیگر در مجله‌ها و کتابهای پیک امکان بیشتری دارد .

ث - برنامه‌ریزی

در مجله‌های پیک مطالب متنوع ، با قالبها و شیوه‌های گوناگون عرضه می‌شود . علوم اجتماعی ، رفتارهای اجتماعی ، داستان ، افسانه ، شعر ، علوم انسانی و طبیعی ، تاریخ و جغرافیا ، سرگرمی ، کار دستی ، نقاشی و مطالبی از این قبیل مجموعه نوشته‌های هر مجله را تشکیل می‌دهد . این مطالب متفاوت است و به ظاهر در آنها ارتباطی مشاهده نمی‌شود . اما مرکز انتشارات آموزشی در همه آنها ، با برنامه‌ریزی دقیق ، خطوط مشخصی را دنبال می‌کند ، به نحوی که کودک ، با وجود تنوع و تفاوتی که در مطالب می‌بیند ، در همه آنها به تفکر ، جستجو ، کنجکاوی ، استدلال ، قیاس ، استنتاج ، تجزیه و تحلیل واداشته

می‌شود. تخیل او، با اتکاء به عینیات و واقعیات پرورش می‌یابد. نسبت به مسائل و امور زندگی دید علمی و منطقی پیدا می‌کند. نویسندگان و تنظیم‌کنندگان مطالب مجله‌های پیک همواره در مورد هر مطلبی که فراهم می‌آورند، خطوط اصلی برنامه کار مرکز را در نظر دارند و هرگز مطلبی را به صرف جالب توجه بودن ارائه نمی‌دهند. گذشته از توجهی که به جنبه‌های متعدد فوق‌درهر مطلب دارند، از اصول روانشناسی پرورشی کودک غافل نمی‌مانند. این خصوصیت برنامه‌ریزی مطالب از حیث کیفیات مختلف، با همفکری و کارگروهی، در مرکز انتشارات آموزشی تأمین می‌شود.

ج - ارتباط کودک و مدرسه و خانواده

مرکز انتشارات آموزشی لازم می‌بیند که در حوزه مطالعات آزاد یا غیردرسی کودکان ارتباطی مستمر میان کودک و مدرسه و خانواده برقرار کند. هر مطالعه‌ای برای کودک پرورش‌انگیز است. در هنگام نیاز برای پرسش معلمان، پدرومادر، مربیان یا به طور کلی بزرگتران خود را دارد. آنها، گذشته از اینکه بر ماهیت و کیفیت مواد مطالعه او نظارت می‌کنند، ناگزیرند که در پرسشها و پژوهشهای کودک به او یاری کنند.

از این گذشته، مادران و پدران، معلمان و مربیان نیز در حوزه وظایف خود نیاز به آگاهیهای خاص دارند. مرکز انتشارات آموزشی برای مجله‌های پیک نوآموز و پیک دانش‌آموز و پیک نوجوانان مجله‌ای به نام پیک معلم و خانواده منتشر می‌کند. در این مجله یک قسمت را به مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی در مدرسه و در خانه اختصاص می‌دهد و در قسمت دیگر مطالبی در راهنمایی چند مطلب از مجله‌های پیک نوآموز، پیک دانش‌آموز و پیک نوجوانان، که همزمان با پیک معلم و خانواده منتشر می‌شود، ارائه می‌دهد. به این ترتیب، دسترسی معلم یا مربی و پدر و مادر به آگاهیهای لازم در راهنمایی کودکان گسترده می‌شود و آنها در پاسخگویی و راهنمایی کودکان امکانات بیشتری پیدا می‌کنند.

ج - در دسترس بودن

یکی دیگر از هدفهای مرکز انتشارات آموزشی، با توجه به غیرانتفاعی و غیر تجاری بودن فعلیتی که دارد، تهیه نشریات با تیراژ وسیع، ارزانی بها، توزیع آسان و نظارت‌شده در سراسر کشور است. در بسیاری از نقاط کشور مجله‌های پیک تنها مواد خواندنی است برای کودکان و نوجوانان که در طی هر سال

تحصیلی ، هر پانزده روز يك بار ، در دسترس همه دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. با وجود گرایشی که نویسندگان ، مترجمان و ناشران به تهیه و نشر کتاب برای کودکان و نوجوانان پیدا کرده‌اند ، اولاً هنوز حاصل کار آنها به اندازه‌ای نیست که نیاز جنبش و جهش آموزشی کشور را تأمین کند ، وثانیاً کتابهایی که تهیه می‌شود ، از حیث موضوعات ، آن تنوع لازم را در همه زمینه‌های مورد نیاز ندارد . در مجله‌ها و کتابهای پیک به جبران این کمبود نیز توجه کافی می‌شود.

ح - استقلال و شخصیت

مرکز انتشارات آموزشی ، از راه مجله‌های پیک ، میان کودکان و جامعه ارتباطی برقرار می‌کند که حاصل آن ایجاد حس استقلال و شخصیت در کودک است . کودک با داشتن مجله‌ای ویژه خود درمی‌یابد که دنیای بیرون یا جامعه و محیط متوجه وجود شخصیت او هست .

مرکز انتشارات آموزشی ، در هر مجله صفحاتی را به چاپ نقاشیها و آثار کودکان اختصاص داده است و همواره از آنها می‌خواهد که در فرستادن این آثار تنها به تجربه و فکر و مهارت‌ها و دانسته‌های خود تکیه کنند و از دیگران فقط در پرسش و دریافت مسائل و امور کمک بخواهند . به این ترتیب ، آنها به امانتداری و اتکای به نفس عادت می‌کنند و به عرضه تواناییها و آگاهیهای خود تشویق می‌شوند .

در حال حاضر مرکز انتشارات آموزشی هفت مجله ، شامل پیک کودک (برای کودکان و دانش‌آموزان کلاس اول دبستان) ، پیک نوآموز (برای دانش‌آموزان کلاسهای دوم و سوم دبستان) ، پیک دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان کلاسهای چهارم و پنجم دبستان) ، پیک نوجوانان (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ، پیک جوانان (برای دانش‌آموزان دبیرستان) ، پیک معلم و خانواده (برای معلمان و پدران و مادران) و ماهنامه آموزش و پرورش (برای آموزگاران ، دبیران ، مربیان ، پدران و مادران و دیگر کسانی که در حوزه آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند) ، منتشر می‌کند . از این گذشته ، انتشار دفترهای تمرین درسهای فارسی و ریاضیات و علوم ، برای کلاسهای اول تا پنجم دبستان ، و کتابهای پیک نیز در شمار کارافزارهای دیگر آموزشی است که به وسیله مرکز انتشارات آموزشی منتشر می‌شود . در این گزارش تنها مجله‌های پیک کودک ، پیک نوآموز و پیک دانش‌آموز ، که برای کودکان ۳ تا ۱۲ سال انتشار می‌یابد ، مورد نظر است . با توجه به هدفهای کلی مرکز انتشارات آموزشی ، در اینجا مطالب سه مجله مذکور به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد .

مجله پيك كودك

مجله پيك كودك، ۱۲ شماره درسال، هر شماره در ۱۶ صفحه، به بهای ۲ ريال، در ۳۲۵,۰۰۰ نسخه برای كودكان كودكستانها و نوآموزان كلاس اول دبستانهای سراسر کشور منتشر می شود. مطالب این مجله شامل دو بخش است: دريك بخش نوشته ها به زبان ساده و درحد تجربه كودك اززندگی و محیط است، اما كودك هنوز به تنهایی توانایی خواندن آنها را ندارد. دراین بخش پدر، مادر، معلم یا مربی درخواندن او را یاری می کند و كودك شنونده است. دربخش دوم، شماره به شماره، نوشته ها در محدوده حروف، كلمه ها و ترکیبهایی كه كودك به مرور در كلاس می آموزد، تهیه می شود. به طور کلی درتهیه و تنظیم مطالب این مجله هدفهای زیر درمدنظر قرار دارد:

۱ - زبان آموزی

شنیدن و گفتن برای كودك پایه خواندن و نوشتن است. كودك كودكستانی ودانش آموز كلاس اول دبستان، با اینکه درحد نیاز خود می تواند از زبان گفتاری برای بیان اندیشه ها واحساسهای خود استفاده کند، شكل نوشتاری كلمه ها ومفاهیم برای او كلاً يك تجربه تازه است. او را نمی توان از جهان عینیات ناگهانی وارد جهان ذهنیات كرد. نوشته نوعی زبان رمزی یا نشانه ای است و كودك دراین سن بیشتر با خود اشیا یا تصویر آنها آشناست. درنخستین مرحله زبان آموزی ما می خواهیم علامتها، یعنی حروف و كلمات، را جانشین صورتها و شكلها كنیم. به همین سبب باید راه میانه ای برگزینیم و آن ادامه راه طبیعی و درکنار آن، گشودن يك راه نو است. به عبارت دیگر باید دیدن برای كودك از طریق ارائه تصاویر، و شنیدن، از طریق خواندن مطالب به وسیله مربی، ادامه پیدا کند، وهماهنگ با آن، سعی شود كه كودك رفته رفته نشانه های نوشتاری اشیا و مفاهیم را بیاموزد. به همین سبب است كه درمجله پيك كودك مطالبی ساده و جالب توجه ارائه می شود تا معلم یا مربی آنها را با صدای بلند برای كودك بخواند.

از سوی دیگر كودك درمجله خود دريك زمان با شكل اشیا و صورت مكتوب آنها رو به رو می شود و به این ترتیب، مجاورت نشانه و صورت، كودك را یاری می کند تا مفهوم را هم از راه شكل طبیعی و هم از راه نشانه ها یا علامتهای نوشتاری در ذهن خود جایگزین کند. این امر، گذشته از زبان آموزی، مقدمه ای است برای پرورش كودك در راه تندخوانی، زیرا كه رفته رفته كودك شكل کلی يك كلمه را از راه چشم در ذهن خود می نشاند و درخواندن آن كلمه یا علامتهای مركب از حروف را به اجزای آن تجزیه نمی کند.

در بخشی که کودک با کلمه‌ها و ترکیبهای آموخته خود مطالبی را در مجله می‌خواند، با واژه‌های تازه‌ای برخورد می‌کند که با صورت و مفهوم آنها در تجربه خود آشناست، اما شکل مکتوب آنها را به یاری تصاویر به خاطر می‌سپارد و از این راه حیطه واژه‌های نوشتاری او وسعت می‌گیرد.

۲ - گسترش دانش پایه

کودک با اشیا و امور برخورد مستقیم یا بلاواسطه دارد و هنوز درحوزه انتزاع مفاهیم و تعقل چندان پیش نرفته است که بتوان برای مجموعه دیده‌ها و دانسته‌های او به ارائه تعریفها و تفصیلهای پرداخت. ما در نوشته‌های ساده می‌کوشیم که دانش پایه، یعنی آغاز شناسایی، را با بیان نخستین نموده‌های تعریف در کمیت و کیفیت اشیا، در ذهن آنها وسعت بدهیم. در این نوشته‌های مصور کودک با بعضی از کیفیات اشیا، شمارش آنها، مفهوم عدد و معدود، ارتباط اشیا با مفاهیم آنها، جای مناسب اشیا در زندگی انسان، و چیزهایی از این دست آشنا می‌شود.

۳ - کاربرد ابزار

کارهای دستی ساده در بیک کودک به منظور ایجاد و پرورش مهارت‌های دستی او آشنایی با کاربرد ابزارهای ساده دنبال می‌شود. در دوختن، نقاشی کردن، بریدن تصاویر، رنگ کردن تصویرهای بیرنگ و مانند اینها کودک هم ابزارهای ساده و اساسی را به کار می‌گیرد و در استفاده از آنها مهارت پیدا می‌کند، هم این کار به صورت نوعی بازی و سرگرمی شوق او را برمی‌انگیزد. ضمناً دقت در تقلید صورت اشیا در نقاشی ساده، بر مهارت او در تقلید شکل مکتوب آنها، یعنی نوشتن، می‌افزاید.

۴ - آشنایی با شعر

در بیک کودک شعر به منزله یک نوع از انواع ادبی ارائه نمی‌شود. شعر برای کودک رقص و آواز و موسیقی و رنگ در جهان تخیل است. در شعرهای این مجله وزن و موسیقی اهمیت فراوان دارد. کودک در این سن قوه تخیل خود را اسیر روابط تعقلی و منطقی اشیا و مفاهیم نمی‌کند، بلکه با استفاده از آنها به تخیل خود نیرو می‌بخشد. شعرهایی که در اختیار او قرار می‌گیرد برگرفته از دنیای ساده و در عین حال شگفت‌اوست. وزن تند و رقصان دارد. قافیه‌ها به موسیقی آن می‌افزاید.

كودك در آنها از رهگذر تخیل با چهره طبیعی و آزاد اشیا برخورد می‌کند . عواطفش تلطیف می‌شود . مربی آنها را برای كودك می‌خواند و كودك با علاقه و قدرت حافظه‌ای که دارد شعرها را به خاطر می‌سپارد و از دنیای شعر لایایی به شعر محض روی می‌آورد .

۵ - داستان برای آشنایی با زندگی

در این سن تعریف هر ماجرای برای كودك داستان است . گفتگو از خصوصیات و کیفیات هر چیز داستان است . در واقع هر پاره از زندگی انسان نیز داستان است . كودك هر چیز را می‌خواهد در يك داستان بشناسد . داستان حرکت و گفتگو دارد . اگر می‌خواهیم صفت يك شیء را هم به كودك بگوییم ، از ما انتظار دارد که آن شیء را حرکت و گفتگو ببخشیم .

با توجه به این خصوصیت كودك است که در مجله او دو نوع داستان ، با اختصاصات قصه‌پردازی آورده می‌شود : يك نوع داستانهای واقعی و نوع دیگر داستانهای تمثیلی ، که افسانه‌ها را نیز در شمار آنها می‌آوریم . در داستانهای واقعی كودك در این سن ، نیازی نیست که ماجرای فوق‌العاده پیش بیاید و بزنگاهی بسیار توجه‌انگیز داشته باشد . سعی بر این است که در داستانهای واقعی با اتفاقات تقریباً ساده كودك با محیط واقعی زندگی آشنا شود ، نقش شخصیت‌ها را در شبکه روابط اجتماعی ببیند ، و در خود به پرسش درباره آدمها و کنشها و واکنشهای آنها بپردازد . به عبارت دیگر ، در داستان فرصت بیشتری پیدا کند که با پاره‌هایی از زندگی واقعی مواجه شود و صفات و رفتارها ، انگیزه‌ها و عملها را با یکدیگر مقایسه کند و در این قیاس پسندها و ناپسندهای خود را تشخیص دهد و گرایشهای او شکل و بنیاد بگیرد .

در داستانهای تمثیلی بیشتر جانوران نقش آدمها را ایفا می‌کنند ، اما کنشها و واکنشهای آنها تصویری است از زندگی آدمیان . كودك در تمثیلهای از يك سو با جهان تخیلی سروکار دارد و از سوی دیگر در جهان واقعی می‌گردد . در هر دو جهان با اشیا و جانوران نزدیک می‌شود و این نزدیکی شناختی کلی از محیط طبیعی در او پدید می‌آورد .

با داستانهایی که مربی با صدای بلند برای كودك بازگو می‌کند ، كودك در گوش کردن ، به حافظه سپردن ، کنجکاو شدن ، پرسیدن ، شناختن ، مقایسه کردن ، استدلال کردن و حتی سخن گفتن تمرین می‌کند . ضمناً به خودخوانی تشویق می‌شود و می‌کوشد که خود جای مربی را بگیرد .

در همه داستانها ، تمثیلهای و افسانه‌ها ، هر چند که اشخاص و وقایع ممکن

است تخیلی و غیر واقعی باشند ، سعی بر این است که جنبه‌هایی از زندگی واقعی آشکار گردد و تنها زیباییها و خوبیها مطرح نباشد ، زیرا اگر چنین باشد ، کودک از قبول واقعتهای زندگی دور می‌شود .

۶ - شوق‌انگیزی

در بخشی از مجلهٔ پیک کودک نمونه‌هایی از نقاشی آزاد کودکان کودکانگستانها و دانش‌آموزان کلاس اول دبستانها چاپ می‌شود . غرض از چاپ این نمونه‌ها اولاً برانگیختن شوق کودکان است به بیان احساسات و اندیشه‌های خود در قالب خط و رنگ ، ثانیاً آنها با دیدن اثر و نام خود احساس شخصیت و استقلال می‌کنند و برای استفاده از استعدادها و تواناییهای مختلف خود جرئت می‌یابند ، ثالثاً به پرورش دقت و مهارتهای دستی و بصری آنها کمک می‌شود و رابعاً در جستجو برای یافتن موضوع نقاشی ناگیرند که به دنیای برون و درون بنگرند و از دقت خود در عینیات کمک بگیرند و قوهٔ تخیل خود را نیز به کار اندازند .

۷ - راهنمایی مربی

برای مطالبی که در مجله‌های پیک نوآموز و پیک دانش‌آموز می‌آید ، بخشی از مجلهٔ پیک معلم و خانواده به راهنمایی پدر و مادر و معلم اختصاص یافته است . اما راهنمای پیک کودک در یک صفحه با مجله همراه است ، زیرا که در استفاده از این مجله کودک و مربی در بسیاری موارد با هم هستند . در مورد مطالعه یا بازخوانی هر مطلب از مجله در صفحهٔ راهنما به اختصار نکاتی یادآور می‌شود تا مربی ، گذشته از آگاهیها و ابتکارهایی که خود در همراهی با کودک به کار می‌برد ، به آن نکات نیز توجه داشته باشد .
(به جدول نموداری مطالب پیک کودک در پایان گزارش مراجعه شود) .

پیک نوآموز

مجلهٔ پیک نوآموز ، ۱۲ شماره در سال در ۳۲ صفحه ، به بهای ۴ ریال ، در ۶۳,۰۰۰ نسخه برای دانش‌آموزان کلاسهای دوم و سوم دبستانها سراسر کشور منتشر می‌شود . خوانندهٔ این مجله حوزهٔ واژه‌ها و ترکیبهای نوشتاری وسیعتری دارد . با مدرسه و آموزش خو گرفته است ، دنیای مدرسه را ، که بعد از خانه برای او دنیایی نو بوده است ، پذیرفته است . اگر در کلاس اول دیگران از او

انتظار داشته‌اند که بخواند و بداند ، اکنون خود نیز این انتظار را با شوق بیشتر از خود دارد . به همین سبب ، با اینکه بسیاری از موضوعات مجلهٔ پیک کودک در مجلهٔ او نیز می‌آید ، کمیت و کیفیت این موضوعات حیطة وسیعتری پیدا می‌کند. ضمناً پاره‌ای مسائل را می‌توان برای نوآموز مطرح کرد که کودک برای طرح آنها زمینهٔ ذهنی و تجربی کافی ندارد . هدفهای مرکز انتشارات آموزشی در مطالب مجلهٔ پیک نوآموز ، با حذف جنبه‌های مشترک میان پیک کودک و پیک نوآموز ، از این قرار است :

۱ - زبان آموزی

در همهٔ مطالب پیک نوآموز ، گذشته از آنچه در پیک کودک مطرح شد ، ساده‌نویسی ، کاربرد مجدد و مکرر کلمه‌ها و ترکیبهای آموخته ، آشنایی با شکل مکتوب کلمه‌ها و ترکیبهای آشنا در زندگی روزمره و گسترش حوزهٔ واژه‌های نوشتاری نوآموز در نظر قرار دارد .

۲ - آموزش رفتار

در مجلهٔ پیک کودک توجه به رفتارهای اجتماعی غیرمستقیم است ، اما در پیک نوآموز می‌توانیم تا اندازه‌ای مستقیم‌تر کودک را در جریان زندگی اجتماعی قرار بدهیم ، رفتارهای مناسب و مطلوب کودک در خانواده ، مدرسه و به‌طور کلی جامعه را مطرح کنیم ، و به آشنایی او با آداب و رسوم ملی ، اخلاق فردی و اجتماعی بپردازیم . در همین بخش رفتارهای اجتماعی است که نوآموز هر بار خود را در یک واقعه می‌بیند و در این واقعه به مقایسهٔ رفتارها می‌پردازد و نتیجه‌هایی می‌گیرد که حاصل آنها قوهٔ تمیز و تشخیص او را حساستر و نیرومندتر می‌کند .

۳ - آشنایی با شعر

در اینجا کودک خود به‌تنهایی خوانندهٔ شعر است و به‌همین سبب کلمه‌ها و ترکیبهایی در شعرها به‌کار برده می‌شود که کودک در کتابهای درسی کلاس اول یا تا هنگام انتشار هر شماره از مجله در کتابهای درسی کلاس دوم مجلهٔ پیک نوآموز همان سال خوانده است . ضمناً در شعرها با صورت مکتوب بعضی از کلمه‌ها و ترکیبهای تازه ، که با مفاهیم آنها بیگانه نیست ، آشنا می‌شود . تنوع وزن و موضوع در شعرهای مجلهٔ پیک نوآموز بیشتر می‌شود ، ولی

از دیگر جنبه‌ها شعر نوآموز همان خصوصیات شعر کودک را دارد .

۴ - داستان برای آشنایی با زندگی

درمجلهٔ پیک نوآموز از جنبهٔ تمثیلی داستانها کاسته می‌شود و جنبهٔ تخیلی آنها گسترش می‌یابد ، زیرا کودک در این سن میان دنیای واقعیت و خیال تفاوت را آشکارتر احساس می‌کند . در داستانهای واقعی پیک نوآموز نسبت به پیک کودک مسائل و مفاهیم بیشتری مطرح می‌شود .

۵ - پرورش جسم

در این سن کودک آن آمادگی جسمی را دارد که بتواند به بعضی از بازیهای ورزشی بپردازد . هدف از بازیهای ورزشی رشد به هنگام اندامهای کودکان است و در آنها تنها از وسایل ساده‌ای استفاده می‌شود که همهٔ کودکان ، چه در جوامع شهری و چه در جوامع روستایی ، به آنها دسترسی دارند . در این بازیها کودکان می‌توانند بدون دخالت و نظارت مربی سرگرم شوند و ورزش کنند . محیطهای بازی نیز محیطهای سالم و مأنوس است . ضمناً کودک برای یادگیری بازی مطلب را با دقت می‌خواند و از این راه به زبان آموزی و دقت او در دریافت مفاهیم کمک می‌شود .

۶ - ایرانشناسی

درمجلهٔ پیک نوآموز بیشتر از مجلهٔ پیک کودک می‌توان به مسائل مربوط به ایرانشناسی پرداخت . در اینجا شناخت کودک از ملت و میهن پایه‌گذاری می‌شود . این شناخت بیشتر جنبهٔ عینی دارد ، یعنی سعی بر این است که کودک به محیط خانوادگی ، به روستا ، شهرک یا شهر خود ، به پدیده‌ها و شاخصهای اقلیمی و طبیعی سرزمین خود بنگرد .

در زمینهٔ ایرانشناسی از یک طرف نویسندگان مرکز انتشارات آموزشی از روی برنامه‌های اصولی مقالاتی تهیه می‌کنند و از طرف دیگر از کودکان خواسته می‌شود که خود با دیدن محیط زندگی ، مردم ، آداب و رسوم آنها و نیز با پرسشهایی از بزرگترها ، روستا ، شهر یا شهرک خود را معرفی کنند و از گذشته و حال آن هرچه آگاهی یافته‌اند بنویسند : این نوشته‌ها ، پس از اطمینان به صحت آنها ، به نام فرستندگان چاپ می‌شود .

۷ - آشنایی با رویدادهای ملی و میهنی و مذهبی

يك بخش مهم از مجله پيك نوآموز به رویدادهای ملی و مذهبی و میهنی ، اعم از جشنها و سوگواریها و سالروزها ، اختصاص دارد و این مطالب با توسعه بیشتر در همه مجله‌های پيك می‌آید . هدف از این بخش آشنایی کودکان با سنتها و ارزشهای ملی و مذهبی است . ذکر و تکرار این مطالب ، همچنانکه کودک از يك دوره تحصیلی به دوره دیگر می‌رود ، شعائر و مفاخر ملی و میهنی را در ذهن و روح او جایگزین می‌کند و به نحوی غیر مستقیم و ریشه‌دار احساسات میهنپرستانه را در او نیرومند می‌سازد .

۸ - سرگرمی آموزنده و سالم

يك بخش از مجله پيك نوآموز به سرگرمیهای آموزنده و متنوع ، از قبیل جدول کلمات متقاطع ، معما ، چیستان ، شوخی و یادگیری نقاشی و مانند اینها اختصاص دارد . در تمام این سرگرمیها به جنبه‌های زبان‌آموزی ، گسترش حوزه‌ها و تریکها ، آشنایی با مسائل و مفاهیم تازه ، وسعت اطلاعات عمومی مورد نیاز کودک هم توجه می‌شود .

از پشت جلد مجله پيك نوآموز در دوره‌های گذشته استفاده‌های متفاوت شده است . در این دوره پشت جلد به چاپ مناظر و تصاویری اختصاص دارد که کودک در آنها به جستجوی شکلهایی از اشیا و جانوران می‌پردازد . در صورت کلی هرمنظره یا تصویر این شکلهای که او باید جستجو کند و بیابد و بشناسد ، جزئی از ساختمان منظره یا تصویر است ، ولی هنگامی که کودک آن را یافت ، مستقلاً هم تصویری برای يك شیء یا يك جانور است . (به جدول نموداری مطالب پيك نوآموز در پایان گزارش مراجعه شود .)

۹ - گسترش دانش پایه

در نوشته‌های مربوط به علوم مختلف ، در حد تجربه و آمادگی دریافت کودک ، گذشته از بیان واقعیت‌های علمی درخور فهم و درک کودک ، از آزمایشهای علمی ساده با وسایل موجود استفاده می‌شود . در این آزمایشها کودک با حقیقت عینی پدیده‌های طبیعی آشنایی می‌یابد و بسیاری از واقعیات علمی را که خواننده یا شنیده است ، خود به تجربه می‌فهمد .

۱۰ - کاربرد ابزارها و پرورش مهارتها

در پيك کودک موضوع کار دستی بیشتر در محدوده نقاشی کردن و

رنگ کردن و بریدن تصاویر می‌ماند ، اما در پیک نوآموز ، از آنجا که کودک برای کاربرد ابزارها و وسایل بیشتری آمادگی پیدا کرده است ، کار دستی بخش مستقلمی دارد . در کارهای دستی هدف پرورش مهارتها و به کار بردن دستها با دقت بیشتر است . وسایلی که کودک در این بخش برای ساختن آنها راهنمایی می‌شود ، گذشته از سرگرمی و بازی او ، معمولاً چیزهایی است که کودک می‌تواند از آنها در زندگی خود استفاده نیز بکند .

ساختن و به وجود آوردن صفتی است طبیعی که استعداد آن باید از کودکی در انسان پرورده شود و کارهای دستی کوششی است در راه پرورش استعداد خلاقیت کودکان .

۱۱ - بیان اندیشه از راه نقاشی

نوآموز برای نقاشی آزاد مهارت بیشتری پیدا کرده است ، و می‌کوشد که بهتر و نزدیکتر به صورت واقعی موضوعها نقاشی کند . به همین سبب از او خواسته می‌شود که از کپی‌کردن پرهیزد . چاپ نمونه‌های خوب از نقاشیهای نوآموزان آنها را در بیان اندیشه‌ها و احساسها به یاری رنگ و خط تشویق می‌کند و نتیجه‌های دیگری که در بررسی مجلهٔ پیک کودک ذکر شد حاصل می‌آید .

۱۲ - بیان اندیشه از راه نوشتن

در پیک کودک فقط نمونه‌هایی از نقاشیهای کودکان چاپ می‌شود ، اما در پیک نوآموز ، گذشته از نقاشی ، از کودکان می‌خواهیم که نوشته‌های خود را ، اعم از نظم و نثر ، برای چاپ بفرستند . نوشتن برای کودک وسیله‌ای است که بهتر از رنگ و خط می‌تواند با آن اندیشه‌ها و احساسات خود را بیان کند . برای نوشتن بسیاری از موضوعات به فکر کردن ، دیدن و پرسیدن تشویق می‌شود . ضمناً از این طریق نامه‌نویسی و برقراری ارتباط اجتماعی را تمرین می‌کند .

۱۳ - گسترش واژگان کودک

در مجلهٔ پیک نوآموز و همچنین مجلهٔ پیک دانش‌آموز ، صفحهٔ ماقبل آخر به درج کلمه‌ها و ترکیبهای تازه اختصاص دارد . در هر شماره از مجله ، برای نوشتن همهٔ مطالب تنها کلمه‌ها و ترکیبهایی به کار می‌رود که کودکان تا زمان انتشار مجله در کتابهای درسی خود و مجلهٔ پیک نوآموز آن دوره خوانده‌اند . اما اکتفای به همین کلمه‌ها و ترکیبها مانع از وسعت گرفتن حوزهٔ

واژگان کودک می‌شود و از طرف دیگر محدود نگاه نداشتن کلمه‌ها و ترکیبهای تازه مسلماً خواندن و فهمیدن مطالب را برای کودکان دشوار می‌کند. به همین سبب کوشش می‌شود که شماره‌ و واژه‌ها و ترکیبهای تازه در هر شماره از شصت تا تجاوز نکند. این کلمه‌ها و ترکیبها در يك صفحه، با عنوان مستقل و چگونگی تلفظ آنها، مشخص می‌شود تا کودک بداند که یادگرفته‌های تازه او کدامند و اگر مفاهیم و معانی آنها را نمی‌داند، از معلم، پدر، مادر یا بزرگترهای خود بپرسد. این صفحه به معلم و مربی نیز کمک می‌کند تا کاربردهای گوناگون کلمه‌ها و ترکیبهای تازه را در کلاس یا در خانه به نوآموزان بیاموزند.

مجله پیک دانش آموز

مجله پیک دانش آموز، ۱۲ شماره در سال، هر شماره در ۳۲ صفحه، به بهای ۴ ریال، در ۳۹۱,۰۰۰ نسخه برای کودکان کلاس چهارم و پنجم دبستانها منتشر می‌شود. کودک در این دوره سالهای آخر تحصیلات ابتدایی را طی می‌کند. واژگان نوشتاری او گسترش یافته است و برای درک مفاهیم انتزاعی آمادگی بیشتری دارد. بسیاری از موضوعات علمی را که در پیک کودک و نوآموز نمی‌توان طرح کرد، برای خوانندگان این مجله قابل طرح است. به واسطه وسعت نسبی کلمه‌ها و ترکیبهای آموخته دانش آموز کلاس سوم و چهارم، نویسندگان مجله حیطه وسیعتری برای تنوع و توضیح مطالب دارند. در ارائه مطالب این مجله همان هدفهای مذکور در بررسی پیک نوآموز، با عمق و وسعت بیشتر و درخور نیازهای سنی کودکان دنبال می‌شود.

۱ - آموزش رفتار

درونشته‌های مبتنی بر رفتارهای اجتماعی، نویسنده در مقام يك دوست بیطرف و بیغرض با چهره دوگانه جامعه و مجله پیک خود را همشین و همسخن دانش آموز قرار می‌دهد. به این ترتیب، کودک خود را با مجله، که شخصیت انسانی پیدا می‌کند در رابطه‌ای نزدیکتر و تقریباً رودررو می‌بیند. در بیشتر این نوشته‌ها نویسنده متکلم است و خواننده مخاطب، و مطلب چنان تنظیم می‌شود که در آن افرادی به کنش و واکنش می‌پردازند. این افراد هر چند که برای کودک ناشناس هستند، خصوصیات رفتار و کردار و گفتارشان را کودک در محیط خانوادگی و اجتماعی خود مشاهده کرده است و از واقعیت آنها تجربه‌های حسی دارد.

۲ - داستان، برای آشنایی با زندگی

برای پیک دانش آموز نسبت داستانهای تخیلی و تمثیلی کاسته می‌شود و

جنبه واقعی آنها وسعت می‌گیرد. افسانه‌ها با اجزایی ظریفتر ترکیب می‌شود و در آنها پرورش شخصیت‌های داستانی درمقام نشانه یا مظهر صفات و خصوصیات اهمیت پیدا می‌کند. مفاهیم اخلاقی و اجتماعی درکنشها و واکنشهای شخصیتها به نحوی کنایی می‌آید تا خواننده خردسال خودرا در برابر القای مستقیم صفات نیک و امر صریح به معروف قرار نگیرد.

کودک در داستانهای واقعی و افسانه‌ها، به واسطه همان جنبه کنایی و مظهرسازی، به کشف می‌پردازد و به بسیاری از واقعیات حیات پی می‌برد. داستانها میدان وسیعتری است برای کودک تا در آنها زندگی کند و به نحوی ذهنی تجربه‌های دیگران را تجربه کند و از گذرگاه کنشهای دیگران به کنشهای خود بنگرد.

۳ - کاربرد ابزارها و پرورش مهارتها

درپیک دانش‌آموز وسایل بازی و کاردستی تنوع بیشتری پیدا می‌کند. به یادگیریهای ریاضی و هندسی او کمک می‌شود. مهارتهای دستی او افزایش می‌یابد. چیزهایی که می‌سازد به نسبتی متعادل هم از وسایل تفریح و سرگرمی است و هم از آنها می‌تواند در زندگی روزمره استفاده کند.

۴ - ایرانشناسی

طرح مسائل و موضوعات ملی و میهنی در مجله پیک دانش‌آموز میدان وسیعتری دارد. در اینجا می‌توان، گذشته از طبیعت و محیط، بیشتر به پدیده‌های تاریخی و فرهنگی پرداخت و ازدگرگونیهای اجتماعی و پیشرفتهای مملکتی سخن گفت. بناهای تاریخی، فعالیتهای اقتصادی و صنعتی، مقایسه گذشته و حال، مفاخر هنری و علمی و ادبی قدیم و جدید، مفاهیم مربوط به ملیت، وقایع مهم در حیات اجتماعی مردم، و بسیاری موضوعات مشابه از چیزهایی است که با شیوای شوق‌انگیز در قالبی مطلوب طبع کودکان، در حوزه ایرانشناسی، برای کودکان تهیه و تنظیم می‌شود.

به‌طور کلی در تهیه نوشته‌هایی که در محدوده ایرانشناسی فراهم می‌آید، هدف اصلی ایجاد وریشه‌دار کردن علاقه‌های ملی و میهنی و آشنایی اصولی کودکان با فرهنگ ملی است.

۵ - سرگرمی آموزنده و سالم

سعی در ایجاد وسایلی برای انبساط و تفریح سالم کودکان از طریقتهای

مختلف انجام می‌گیرد و یکی از این طریقه‌ها طرح جدولهایی است که در آنها، ضمن سرگرم داشتن کودک، مفاهیم مناسب و کلمه‌های تازه به کودک آموخته می‌شود و این آموزش از راه تفکر کودک و به‌خاطر آوردن آموخته‌ها و تجربه‌ها صورت می‌گیرد. این بخش را حکایت‌های شیرین و شوخی‌آمیز، که در آنها نکته‌های اخلاقی و اجتماعی نیز وجود دارد، تکمیل می‌کند. (به جدول نموداری مطالب پیک دانش‌آموز در پایان گزارش مراجعه شود.)

۶ - گسترش دانش پایه

در بخش علوم، گذشته از مطالبی که در پیک نوآموز هم مطرح می‌شود، کودک با تازه‌های جهان علم، صناعات و اختراعات و اکتشافات قدیم و جدید، شگفتی‌های زندگی جانوران و گیاهان و دیگر پدیده‌های طبیعی آشنا می‌شود. تاریخ و جغرافیای جهان، معرفی بزرگان علم و ادب و هنر همه کشورهای و سایر مباحث اجتماعی در بخش علوم قرار می‌گیرد.

۷ - آشنایی با شعر ایران و جهان

شعرهایی که برای کودکان این سن ارائه می‌شود از حیث موضوع تنوع بیشتری پیدا می‌کند. سعی بر این است که کودک با شعر محض آشنا شود. به همین سبب معمولاً سه نوع شعر در هر شماره می‌آید:

الف - دست‌کم دو شعر از شاعران معاصر که در ساختن شعر ویژه کودکان مهارت و تجربه کافی دارند.

ب - یک شعر از شاعران متقدم یا معاصر که برای کودک سروده نشده است، ولی به تجربه و دریافت کودک نزدیک است و کودک را برای مطالعه شعر شاعران کلاسیک و معاصر آماده می‌کند.

پ - یک شعر از شاعران خارجی که به شعر فارسی ترجمه می‌شود تا کودک با مضامین جهانی شعر آشنا شود و ضمناً آنها را در قالب شعر بخواند.

۸ - بیان اندیشه از راه نقاشی و نوشتن

در پیک دانش‌آموز نوشته‌های متنوعتری از کودکان چاپ می‌شود. نمونه‌هایی که ارائه می‌گردد آنها را به‌جمع‌آوری و روایت قصه‌ها و مثلها و شعرهای فولکلوریک، نوشتن مقاله‌ها و داستانهای کوتاه، طرح جدولهای کلمات متقاطع، و گفتگو از آداب و رسوم محلی و ملی برمی‌انگیزد و حیطة تفکر و تأمل آنها را

در نوشتن وسعت می‌بخشد. کودکان معرفیهای کوتاه، ولی نسبتاً جامعی، از روستا یا شهرک یا شهر خود تهیه می‌کنند و مطالعه آنها به وسیله کودکان دیگر برآشنایی دانش‌آموزان از ایران و ایرانی می‌افزاید.

۹ - گسترش واژگان کودک

کلمه‌ها و ترکیبهای تازه پیک دانش‌آموز در هر شماره از صدتا تجاوز نمی‌کند. در هر شماره از مجله برای نوشتن همه مطالب تنها کلمه‌ها و ترکیبهایی به کار می‌رود که کودکان تا زمان انتشار مجله در کتابهای درسی کلاسهای اول و دوم و سوم مجله‌های پیک دانش‌آموز همان سال خوانده‌اند.

نتایج جنبی فعالیت مرکز

انتشار مرتب مجله‌های پیک در ده سال گذشته، مستقیم و غیرمستقیم، در فعالیتهای آموزشی و انتشاراتی کشور برای کودکان و نوجوانان، تأثیر فراوان داشته است. گردانندگان نشریات مشابه به قالبها و اسلوبهای مورد عمل مرکز انتشارات آموزشی توجه کرده‌اند. وسایل ارتباط جمعی، به ویژه رادیو و تلویزیون، در بخشهای مربوط به کودکان و نوجوانان گاه از فراورده‌های مرکز در مجله‌های پیک استفاده کرده‌اند و گاه ابتکارات مرکز را در طرح و تنظیم مطالب سرمشق قرار داده‌اند.

مجله‌های پیک، که با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین تهیه می‌شود، به واسطه اصولی که در ترکیب آنها به کار برده شده است، در کشورهای افغانستان و بنگلادش به عنوان نمونه‌های قابل تقلید مورد قبول قرار گرفته است.

سادگی بیان، کاربرد جمله‌های کوتاه، نزدیکی زبان نوشتاری به زبان گفتاری، محدود نگاه داشتن کلمه‌ها و ترکیبهای نوشته‌ها به واژگان کودک، ایجاز و اختصار به مفهوم خودداری از کاربرد کلمات مترادف و غیرلازم و خصوصیات از این قبیل، که مجموعاً با عنوان «ساده نویسی» معرفی می‌شود، مرکز انتشارات آموزشی را برای آموزش روشهای ساده نویسی به یک مرجع مهم و قابل اعتماد تبدیل کرده است.

نمودار زیر تنوع مطالب و موضوعهای دوره پنجم مجله پیک کودک را ،
 با توجه به هدفهای آموزشی هر یک از آنها و درصد صفحه‌های اختصاص داده شده
 به هر موضوع در ۲۴۰ صفحه این دوره ، نشان می‌دهد :

هدفها :

موضوعها :	گفتن و شنیدن	زبان آموزی	تصویر خوانی	آهنگ برای خواندن	خود خوانی و مهارت برخطا	گسترش دانش پایه	تمرین تفکر و استدلال	پرورش تمییز	آشنایی با شعر	کاربرد ابزارها و پرورش مهارت‌ها	بیان اندیشه از راه نقاشی	آموزش نقاشی و رنگ آمیزی	آموزش رفتار	آموزش ریاضی	آشنایی با زندگی و محیط	راهبانی سبب درسی	درصد صفحه ها :
۱ شعر	✓	✓	✓					✓	✓							✓	۶،۲۵
۲ قصه و داستان	✓	✓	✓					✓					✓		✓	✓	۲۸،۳۳
۳ علوم	✓	✓	✓			✓	✓								✓	✓	۷،۹۱
۴ سرگرمیهای علمی	✓	✓	✓			✓	✓								✓	✓	۲،۹۱
۵ رفتارهای اجتماعی	✓	✓	✓				✓						✓		✓	✓	۲،۵۰
۶ علوم اجتماعی	✓	✓	✓			✓	✓								✓	✓	۲،۹۱
۷ خوب نگاه کنید ! بد جواب بدهید !	✓	✓	✓				✓								✓		۵،۸۳
۸ مهارت‌دستی	✓	✓	✓							✓						✓	۲،۵۰
۹ نقاشی کنید										✓	✓					✓	۴،۵۸
۱۰ نقاشیهای شما								✓		✓	✓					✓	۶،۲۵
۱۱ جدول و سرگرمیهای دیگر	✓	✓	✓				✓	✓							✓	✓	۲،۰۸
۱۲ سرگرمیهای ریاضی	✓	✓	✓				✓	✓						✓		✓	۴،۵۸
۱۳ شکلها و اسباب	✓	✓	✓							✓	✓				✓	✓	۵،۲۱
۱۴ خودتان بخوانید	✓	✓				✓	✓	✓	✓				✓		✓	✓	۱۱،۶۶
۱۵ راهبانی مجله پیک کودک															✓		۶،۲۵

واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران

کودکی که قدم به دبستان می‌گذارد بیشتر قواعد دستوری زبان مادری را می‌داند، یعنی عملاً آن قواعد را در ساختمان جمله‌هایی که بر زبان می‌آورد به کار می‌بندد بی‌آنکه خود را از جزئیات کار شگرفی که می‌کند آگاه باشد. به عقیده بسیاری از زبانشناسان این توانائی بر کاربرد قواعد دستوری زبان درازمدتی پیش از آنکه کودک به دبستان آید برای او حاصل شده است، یعنی در حدود سه سالگی. آنچه کودک از این زمان به بعد در جهت گسترش زبان فرا می‌گیرد قواعد دستوری تازه نیست بلکه اقلام واژگانی تازه است. درحقیقت آنچه ما در دبستان به کودک، در دبیرستان به نوجوان، و در دانشگاه به جوان می‌آموزیم در جهت گسترش واژگان او است، زیرا تنها از این راه است که می‌توانیم به وی آن توانائی را ببخشیم که اندیشه خود را بر زبان آورد، و از تجربیات شخصی خود سخن بگوید. زیرا واژگان هر فرد، یعنی مقدار واژه‌هایی که می‌داند و می‌فهمد و می‌تواند به کاربرد، فهرست وسیاه‌ای است از تجربه‌ها و مفاهیمی که دارد و چیزهایی که می‌شناسد. همچنانکه واژگان یک زبان نیز فهرستی از تجارب و مفاهیم و چیزهایی است که افراد سخنگو بدان زبان می‌شناسند.

هر فرد یا هر گروه دارای دو نوع واژگان است: واژگان «درکار» و واژگان «بیکار». منظور از واژگان «درکار» واژه‌هایی است که انسان همیشه

درگفتن و نوشتن به کار می‌برد، و مراد از واژگان «بیکار» آن واژه‌هایی است که آدمی خود درگفتن و نوشتن به کار نمی‌برد، اما اگر در هنگام خواندن یا شنیدن به آنها برخورد کند آنها را می‌فهمد. مثلاً نویسنده این گفتار به هنگام خواندن متنهای کهن فارسی به بسیاری از واژه‌ها برمی‌خورد که معنی آنها را می‌فهمد ولی در گفتار و نوشتار عادی خویش هرگز آنها را به کار نمی‌برد. مجموع این گونه واژه‌ها واژگان «بیکار» نگارنده را تشکیل می‌دهد، ولی واژه‌هایی که در این گفتار به کار برده است جزء واژگان «درکار» او شمرده می‌شود.

بخش کردن واژگان به واژگان «درکار» و «بیکار» با آنکه کاملاً منطقی و بر بنیاد علمی استوار است ولی تفاوت‌های واژگانی را به خوبی روشن نمی‌سازد. حقیقت آن است که واژگان کلی يك فرد را می‌توان مجموعه‌ای از چهار واژگان دانست:

۱ - واژگان گفتاری: یعنی مجموعه‌ی واژه‌هایی که شخص در هنگام سخن گفتن به کار می‌برد.

۲ - واژگان شنیداری: یعنی آن دسته از واژه‌ها و صورتهای زبانی که آدمی در هنگام گوش دادن به سخن دیگران درمی‌یابد، اما ممکن است بسیاری از آنها را خود درگفتن و نوشتن به کار نبرد.

۳ - واژگان خوانداری: یعنی مجموعه‌ای از واژه‌ها و صورتهای زبانی که آدمی در هنگام خواندن با آنها روبه‌رو می‌شود و درمی‌یابد، و مانند واژگان شنیداری ممکن است بسیاری از آنها را هرگز خود به کار نبرد.

۴ - واژگان نوشتاری: یعنی مجموعه‌ای از واژه‌ها که انسان در نوشته‌های خود به کار می‌برد. اقلام این واژگان از ویژگی‌هایی برخوردار است که آن را از واژگانهای دیگر متمایز می‌سازد. یکی از این ویژگیها جا افتادگی آنهاست به این معنی که اقلام آن را انسان هم می‌تواند درگفتن به کار برد، هم اگر بشنود درمی‌یابد، هم اگر بخواند می‌فهمد، و هم بر کاربرد آنها تواناست، و حال آنکه اقلام واژگانهای دیگر همه چنین نیستند. در واقع، واژگان نوشتاری نزدیک به هسته‌ی مشترك واژگانهای دیگر است، و به همین علت زبانشناسان آن را به واژگان پایه‌ی زبان بسیار نزدیک یافته‌اند، و اغلب واژگان پایه‌ی يك زبان یا يك گروه زبانی را بر پایه‌ی آن به دست داده‌اند.

باری، پژوهش حاضر بررسی کوچکی است درباره‌ی واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران از دانشپایه‌ی دوم تا ششم.

در زمینه بررسی واژگان کودکان ایران تاکنون بررسی و پژوهشی که بنیاد علمی داشته باشد به عمل نیامده است، کتابها و نشریه‌هایی که برای

کودکان منتشر شده است و می‌شود بنیاد واژگانی درستی که متناسب با سن و مایه زبانی کودکان باشد ندارند، و این عیب حتی در کتابهای درسی نیز به چشم می‌خورد. زیرا واژه‌هایی که در این کتابها به کار رفته است براندازه درست واژگان کودکان نهاده نشده است بلکه نویسنده‌ای چندنشسته‌اند و بر پایه تجربه‌های شخصی و بیشتر بر پایه میل و سلیقه فردی چیزهایی برای کودکان قلم زده‌اند. افزایش و کاهش واژه‌ها در کتابهای درسی بر هیچ بنیان منطقی و علمی استوار نیست. در دانشپایه اول کودک خواندن را با ۴۵۰ واژه آغاز می‌کند، و در دانشپایه دوم ناگهان این ۴۵۰ واژه به ۲۲۰۰ واژه می‌رسد که حدود ۱۰۰۰ واژه آن واژه‌های علمی و فنی، و در نتیجه ناقل مفاهیم و انگاشتهای تازه دانشی است، و معلوم نیست چگونه می‌توان این همه مفاهیم علمی تازه را در چند ماه به کودک یاد داد. در کلاس پنجم نیز از ۲۸۲۷ واژه‌ای که بر واژگان کودکان سال پیش افزوده شده تنها ۱۰۳۰ واژه عادی و ادبی و بقیه واژه‌های علمی و فنی است. با توجه باین نکات، ضرورت بررسی واژگان پایه کودکان دبستانی، و اهمیت این پژوهش به عنوان مقدمه و پایه‌ای برای آن بررسی دانسته می‌شود. این پژوهش که از سال ۱۳۴۶ آغاز شد و صورت نهائی آن در سال ۱۳۵۲ به صورت کتاب **واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران** از طرف فرهنگستان زبان ایران انتشار یافت، بر بنیاد ۱۰۸۵ نوشته از کودکان دبستانی ایران از دانشپایه دوم تا ششم نهاده شده است. این ۱۰۸۵ نوشته از میان در حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار نوشته که کودکان از چهار گوشه ایران برای مرکز تهیه مواد خواندنی برای نوسوادان (اکنون مرکز انتشارات آموزشی) فرستاده بودند، گزیده شده است، کارخواندن و بررسی نوشته‌ها و گزینش از میان آنها را نخست خود این پژوهنده انجام داد. این کار حدود یک سال به طول کشید، و پژوهنده موفق شد از میان آن همه نوشته بر پایه تجربه دوازده ساله خویش در کار با کودکان دانشپایه‌های مختلف، و با توجه به پراکندگی موضوعی و جغرافیائی ورده‌ای نوشته‌ها ده هزار نوشته را برگزیند، اما از آنجا که نمی‌توانست صرفاً بر ششم زبانی و تجربه خود در کار با کودکان اعتماد کند، از معیار دیگری مدد گرفت که دانشمندان و پژوهندگان دیگر در بررسیهای همانند از آن سود جسته بودند. یعنی، هر نوشته از هر دانشپایه را به سه آموزگار کارآموده از همان دانشپایه سپرد تا بررسی کنند، و بگویند که آیا آن را نوشته دانش آموز آن دانشپایه می‌شمارند یا نه. هرگاه از این سه تن دوتن پاسخ مثبت می‌دادند پژوهنده آن نوشته را در خور می‌شمرد و گرنه به کنار می‌گذاشت.

به این ترتیب، از غربال دوم بالایش و گزینش چهار هزار نوشته بیرون

آمد که بی‌غل‌وغش می‌نمود، و پژوهنده می‌بایست کار خود را بر پایه آنها شروع کند اما ناگهان به نکته‌ای توجه یافت که تاکنون بدان نیندیشیده بود. این نکته شماره نوشته‌هایی بود که میبایست مورد بررسی قرار گیرد.

چند نوشته میبایست مورد پژوهش قرار گیرد تا برآیند آن بتوانند نمونه راستین واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ایران باشد؟ شاید نیاز به یادآوری نباشد که در پژوهشهایی از این قبیل چون پژوهنده نمیتواند تمام مصداقهای موضوع مورد بررسی خود را مورد پژوهش قرار دهد، تنها برخی از مصداقها را به عنوان نمونه برمی‌گزیند و به بررسی آنها می‌پردازد. اما این نمونه باید معرّف تام و تمام همه مصداقهای مورد بررسی باشد تا نتیجه‌ای که از بررسی آنها عاید می‌شود، با توجه به درصد اشتباهات ناشی از مقدار نمونه قابل تعمیم در مورد همه مصداقها باشد. مثلاً در آمریکا برای پژوهشی در همین زمینه، یعنی تعیین واژگان نوشتاری کودکان دبستانی ۱۰۰۰۰۰ نوشته مورد بررسی قرار گرفته است و این $\frac{1}{400}$ تعداد دانش آموزان دبستانی آن کشور در زمان پژوهش بوده است.

ممکن است درصد نمونه‌گیری از این کمتر و یا بیشتر باشد. هرچه تعداد نمونه‌های مورد بررسی بیشتر باشد برآیند پژوهش به واقعیت نزدیکتر است. اما درستی یا نادرستی پژوهش همیشه بستگی به زیادی نمونه‌ها ندارد، بلکه به نوع و توزیع نمونه‌ها نیز وابسته است. هانری مندراس، جامعه‌شناس فرانسوی، نوشته است که با بررسی ۵۰۰۰ نفر می‌توان تصویری از یک جمعیت ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ نفری به دست داد به شرط آنکه نمونه‌ها معرّف تام و تمام جمعیت مورد مطالعه باشند. یعنی حتی نسبت $\frac{1}{1000}$ نیز می‌تواند، با در نظر گرفتن عوامل دیگر، نمونه‌گیری ارزشمندی باشد.

تعداد دانش آموزان دبستانی ایران، بنا بر گزارش رسمی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۷، یعنی همان سالی که مواد این پژوهش گردآوری می‌شد ۲,۵۷۵,۶۶۷ تن بود. از این تعداد ۵۸۸,۸۲۷ تن در دانشپایه اول درس می‌خواندند که به علت نداشتن مهارت کافی در نوشتن از شمول این بررسی بیرون گذاشته شدند، و ۱,۹۷۶,۸۴۰ تن دیگر در دانشپایه دوم تا ششم درس می‌خواندند. بنابراین، اگر پژوهنده می‌خواست همان معیاری را که در آمریکا به کار برده شده بود به کار بندد میبایست نزدیک به ۹۸۰۰ نوشته را مورد پژوهش قرار دهد. متأسفانه نمونه‌گیری با این وسعت از توانایی پژوهنده که یک‌تنه بدین کار همت بسته بود بیرون بود. در آمریکا و کشورهای دیگر نمونه‌گیری در این تراز را

گروه کتیری پژوهشگر زیر نظر يك کارشناس و با تامین کافی مادی انجام داده بودند. مثلاً طرح پژوهشی همانند را در امریکا دانشگاه اوکلاهما و اداره پروژه‌های کار از نظر مالی پشتیبانی کرده و صدها تن را برای انجام آن استخدام کرده بودند. با همه اینها طرح درنیمه کار به علت تمام شدن بودجه متوقف مانده بود. مدت زمانی که صرف اجرای نیمه تمام این طرح شده بود هفت سال بود. باری چون وضع چنین بود پژوهنده به دنبال معیاری دیگر گشت، و خوشبختانه دریافت که در بسیاری از پژوهشهای همانند پژوهش او پژوهندگان مبنای کار خود را به جای تعداد نوشته‌ها تعداد واژه‌ها گرفته‌اند. از این رو، وی نیز همین راه را برگزید و بنیاد کار را بر بررسی ۱۰۰,۰۰۰ واژه گذاشت. اما چنانکه در پیش گفتیم برای اینکه نمونه‌گیری کامل باشد تنها زیاد بودن نمونه‌ها کافی نیست و باید عواملی دیگر، از جمله در چنین پژوهشی پراکندگی جغرافیائی نمونه‌ها، جنس نمونه‌ها و طبقات نمونه‌ها را در نظر گرفت. مراد از پراکندگی جغرافیائی و طبقاتی این است که کودکانی که نوشته آنان به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته از تمام پهنه ایران زمین، و از همه‌گونه دبستانی چون ملی، دولتی، سپاه‌دانشی و روستائی و شهری بوده باشند. خوشبختانه از این نظر پژوهش حاضر کاملاً رضایت‌بخش است زیرا واژه‌های مورد بررسی از ۱۰۸۵ نوشته استخراج شده است، و این ۱۸۰۵ نوشته از ۹۰۸ دبستان و ۱۶۰ نقطه جغرافیائی از شهر و روستا می‌باشد (پراکندگی جغرافیائی نوشته‌ها در جدول پیوست این مقاله آمده است) و با توجه به مقدار نمونه‌گیری شمول و گسترشی بیشتر از بسیاری پژوهشهای مشابه دارد.

پراکندگی نمونه‌ها از نظر جنس دانش‌آموز نیز رضایت‌بخش است. زیرا در حدود سی درصد از نوشته‌ها متعلق به دختران و هفتاد درصد متعلق به پسران میباشد، و این با نسبت دانش‌آموزان پسر و دختر که در سال تحصیلی ۱۳۴۶ - ۱۳۴۷ در دبستانها درس می‌خوانده‌اند سازگار است. بنابراین آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش نسبت دختران دانش‌آموز به پسران در شهرها ۴۴/۳ و در روستاها ۲۱/۵ بوده است که میانگین آن ۳۲/۹ می‌شود و این تقریباً با نسبت سی درصد پژوهش حاضر سازگار است.

باری، در ۱۰۸۵ نوشته‌ای که یاد شد مجموعاً ۸۷۱۲ صورت زبانی (Linguistic form) با بسامدی در حدود ۹۸,۷۶۹ بار به کار رفته است. پراکندگی این صورتها در دانشپایه‌های مختلف چنین است:

دانشپایه دوم	۳۳۹۴	صورت زبانی با بسامد	۲۲,۵۶۵	بار
دانشپایه سوم	۲۸۵۸	صورت زبانی با بسامد	۱۴,۶۸۴	بار

دانشپایه چهارم	۳۴۵۷	صورت زبانی با بسامد	۱۹,۷۶۶ بار
دانشپایه پنجم	۳۴۵۸	صورت زبانی با مسامد	۱۷,۰۸۴ بار
دانشپایه ششم	۳۸۰۱	صورت زبانی با بسامد	۲۴,۶۷۰ بار

مراد از «صورت‌های زبانی» صورت‌های تصریفی و اشتقاقی و مجرد واژه است. در این پژوهش صورت‌های تصریفی واژه‌ها به علت فوایدی که بر یادکردن آنها مترتب بوده، همه یاد شده است. مع‌هذا، مجموع واژه‌هایی هم که به معنای متعارف کلمه «واژه» از این بررسی به دست آمده است جداگانه محاسبه شده است. مجموع واژه‌های به کار رفته در نوشته‌های مورد بررسی ۴۵۸۹ واژه بوده که با بسامد ۹۸,۷۶۹ بار به کار رفته و پراکندگی آن در دانشپایه‌های مختلف بشرح زیر بوده است.

دانشپایه دوم	۲۰۷۵ واژه
دانشپایه سوم	۱۷۵۸ واژه
دانشپایه چهارم	۲۰۱۳ واژه
دانشپایه پنجم	۲۱۱۴ واژه
دانشپایه ششم	۲۲۹۹ واژه

البته گمان نباید برد که حجم واژگان نوشتاری کودکان همین است که از این پژوهش نتیجه شده است. از کم‌بختی در پژوهش‌های مربوطه به اندازه‌گیری واژگان یک فرد یا یک طبقه هرگز رسیدن به کمال و یقین ممکن نیست و این به دو علت است: علت نخست این است که نمونه‌گیری از همه کسانی که واژگان آنها مورد نظر است یا همه متن‌های یک زبان ممکن نیست، و یا دست‌کم از نظر هزینه و زمان و نیروی انسانی امکان آن بسیار کم است. علت دوم این است که ثبت و ضبط همه واژه‌هایی که یک فرد می‌داند هرگز میسر نیست زیرا اگر شما تمام نوشته‌ها و یا گفته‌های یک نفر را بررسی کنید و واژه‌هایی را که به کار برده است بیرون آورید باز نمی‌توانید ادعا کنید که آن شخص همین اندازه واژه می‌دانسته است زیرا هیچ معلوم نیست که اگر وی در زمینه دیگری می‌نوشت یا سخن می‌گفت واژه‌های دیگری به کار نمی‌برد. بنابراین، با توجه به این دو نکته، هیچ پژوهشی در این زمینه نمی‌تواند ادعای کمال و تمامیت کند، و این سخن درباره پژوهش حاضر نیز راست می‌آید، بویژه که این پژوهش بر بنیاد نامه‌های کودکان است، و این نامه‌ها با آنکه بسیار متنوع بوده و موضوعاتی چون داستان، زندگینامه، توصیف زادگاه، جدول واژه‌های متقاطع، نامه‌های دوستانه و اداری، طرح پرسش، پاسخ به پرسش، و شعرهای کودکان را دربر می‌گرفته‌اند، ولی چون بیشتر آغازی نامه‌وار داشته‌اند بسامد برخی از واژه‌ها را که ویژه این

«فرم» نوشته هستند بالا برده‌اند ، و حال آنکه اگر «فرم» بیشتر نوشته‌ها «نامه» نمی‌بود شاید این واژه‌ها با بسامد کمتری در پژوهش ظاهر می‌شدند و یا اصلاً ظاهر نمی‌شدند .

باوجود این ، چون از میان ۴۵۸۹ واژه‌ای که کودکان موضوع این پژوهش به کار برده‌اند تنها در حدود ۱۰۰ واژه علمی به کار رفته است می‌توان برآیند این پژوهش را بنیادی برای بررسی واژگان پایه نوشتاری کودکان دبستانی ایران دانست . برای اینکه معلوم گردد مقدار واژه‌های علمی درجین پژوهش‌هایی چه اندازه است اجازه بدهید از کتابهای درسی دبستانی ایران مثالی بیاوریم . مجموع واژه‌هایی که در کتابهای درسی ایران از دانشپایه اول تا پنجم (کلاس ششم دیگر نیست ، ولی هنگام این پژوهش وجود داشت) به کار رفته است ۸۱۳۱ واژه است که پراکندگی آن برحسب دانشپایه‌ها چنین است :

دانشپایه اول	۴۵۰ واژه
دانشپایه دوم	۲۲۰۰ واژه
دانشپایه سوم	۳۴۶۵ واژه
دانشپایه چهارم	۵۳۰۴ واژه
دانشپایه پنجم	۸۱۳۱ واژه

در دانشپایه پنجم از ۲۸۲۷ واژه‌ای که بر واژگان درسی کودکان ، نسبت به کودکان دانشپایه چهارم افزوده شده است ۱۰۱۲ واژه مربوط به علوم اجتماعی ، علوم ، هنر و ۷۸۵ واژه نیز اسم خاص است . یعنی مجموعاً ۱۰۳۰ واژه که جنبه عادی و یا ادبی داشته بر واژگان کودکان دانشپایه پنجم افزوده شده است . همین امر در مورد ۱۸۳۹ واژه‌ای که در دانشپایه چهارم و ۲۲۶۵ واژه‌ای که در دانشپایه سوم و ۱۷۵۰ واژه‌ای که در دانشپایه دوم بر واژگان کودکان افزوده شده صادق است ، و گمان می‌کنم اگر همه واژه‌های علمی و فنی را از واژگان درسی کودکان بکاهیم آنچه می‌ماند بسیار اندک خواهد بود .

واقعیت این است که واژگان پایه یک زبان یا یک گروه زبانی معین همیشه بسیار محدود است ، مثلاً واژگان پایه زبان انگلیسی پیرامون ۸۵۰ واژه و واژگان پایه زبان اسپانیایی پیرامون ۱۹۷۱ واژه است . و اگر بر بنیاد واژه‌های به دست آمده از این پژوهش بخواهیم واژه‌های پایه نوشتاری کودکان دبستانی را با توجه به دو عامل بسامد (یعنی تعداد دفعاتی که یک واژه به کار رفته است) و پراکندگی (یعنی آمدن واژه در نوشته‌های دانشپایه‌های مختلف) ، و در نظر گرفتن درجه شایستگی کاربرد آنها استخراج کنیم مجموعاً ۷۵۰ واژه به دست خواهد آمد که بسامد کاربرد آنها پیرامون ۸۴۳۱۰ بار است ، یعنی تقریباً ۸۵

درصد کل بسامد واژه‌ها . به عبارت دیگر این ۷۵۰ واژه ۸۴,۳۱۰ مرتبه در نوشته‌های کودکان به کار رفته‌است ، و حال آنکه ۳۵۲۳ واژه بقیه فقط ۱۴,۴۵۹ بار به کار رفته‌اند . جالب‌تر از این مقدار فعل‌های ساده و پیشونددار و گروه‌های فعلی است که کودکان به کار برده‌اند . کودکان دبستانی ایران ۱۶۹ فعل ساده (یعنی ۶۱ درصد از تمام فعل‌های ساده متداول در زبان فارسی) و پیرامون ۸۰۴ فعل پیشوندی و گروه فعلی به کار برده‌اند .

باری ، ناگفته پیداست که از این پژوهش چه سودهایی می‌توان برد . آنچه آشکار است و همه می‌دانند این است که از آن می‌توان در آموزش زبان ، در آموزش خواندن ، در آموزش دستور ، در نوشتن کتابهای ساده کمک درسی و خواندنیهای دیگر برای کودکان ، و در هر بررسی و تجزیه و تحلیل دیگری که برای شناخت زبان کودکان لازم باشد سود برد . اما به نظر پژوهنده اهمیت واقعی این پژوهش سودی است که از آن برای شناسائی کودک و مفاهیم ذهنی کودک، و جهان پیرامون او می‌توان برد . اگر گفته ادوارد سپیر E. Sapir را بپذیریم که «زبان راهنمای نمادین فرهنگ است» و فرهنگ را همچون تایلر آن «کل پیچیده‌ای» بدانیم که «شامل دانش ، اعتقادات ، هنر ، اخلاق ، قانون ، آداب و رسوم ، و هر عادت و توانائی دیگری که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند» می‌باشد ، واژگان نوشتاری کودکان همچون سیاه‌های است از تمام تجربه‌ها و مفاهیمی که آنان در برخورد با فرهنگ پیرامون خود اندوخته و دریافته‌اند ، و باید هرگونه آموزشی بر بنیاد آن صورت گیرد . یک نگاه سطحی به فهرست موضوعی واژه‌هایی که در پایان این گفتار آمده است نشان می‌دهد که این تجربه‌ها و مفاهیم تا چه حد وسیع و پیوند کودکان با فرهنگی که در آن پرورش یافته‌اند تا چه حد عمیق است ، و چه آسان می‌توان برپایه آنها در زمینه‌های آشنا هر آموزشی را آغاز کرد .

سرانجام به عنوان واپسین سخن باید بگویم که نامه‌هایی که پژوهش حاضر بر بنیاد آنها انجام گرفته است نمودار کوچکی از بازتاب کودکان ایرانی در برابر یک پیام کتبی است ، پیامی که به وسیله مجله ویژه آنان برایشان فرستاده شد ، و در آن پیام از آنها خواسته شد که با مجله خودشان مکاتبه کنند و برای آن شعر و داستان و نقاشی و شرح احوال و توصیف زادگاه خود و غیره و غیره را بفرستند . پیرامون ۸۰ هزار نوشته‌ای که در سال ۱۳۴۶ مبنای اصلی این پژوهش قرار گرفت ، و چندصد هزار نوشته‌ای که از آن زمان به بعد به دفتر مجله رسیده است ، نشانه گویاتری از این پیام کتبی و تأثیر آن است .

پیوست ۱

براکندگی جغرافیائی نمونه‌گیری^۱

ردیف	نام شهر یا شهرک یا روستا	تعداد دبستانها	تعداد نامهها	دانشپایه‌ها		
				۲	۳	۴
۱	آبادان	۱	۱	×	-	-
۲	آباده	۳	۳	×	-	×
۳	ابرقو	۱	۱	-	-	×
۴	ابهر	۱	۱	×	-	-
۵	آذرشهر	۲	۲	-	×	×
۶	اراک	۱۱	۱۱	×	×	-
۷	آران	۱	۱	×	-	-
۸	اردبیل	۲۹	۳۸	×	×	×
۹	اردکان	۲	۲	×	-	-
۱۰	ارسیاران	۱	۱	×	-	-
۱۱	ازگل	۱	۱	-	-	-
۱۲	آستارا	۴	۴	×	×	-
۱۳	اسفراین	۱	۱	-	-	-
۱۴	اسکو	۲	۲	-	×	×
۱۵	آشتیان	۲	۲	×	-	-
۱۶	اصفهان	۱۷	۱۷	×	×	×
۱۷	اقلید	۱۰	۱	×	-	-
۱۸	الیگودرز	۱	۱	-	-	-
۱۹	آمل	۱۵	۱۹	×	×	×
۲۰	اوز	۱	۱	-	-	×
۲۱	اهر	۴	۵	×	×	×
۲۲	اهواز	۲۳	۳۴	×	×	×
۲۳	ایلام	۱	۱	-	-	-

۱) در الفبائی کردن نام جایها «ا» و «آ» یکسان گرفته شده است.

ردیف	نام شهر یا شهرک یا روستا	تعداد دبستانها	تعداد نامها	دانشپایه‌ها			
				۲	۳	۴	۵
۲۴	بابل	۵	۵	-	-	X	-
۲۵	بافت	۲	۲	X	-	X	-
۲۶	بافق	۱	۲	-	-	-	X
۲۷	بانہ	۲	۲	X	X	-	-
۲۸	بجنورد	۱۰	۱۳	X	-	X	X
۲۹	برازجان	۱	۱	-	-	-	X
۳۰	بروجرد	۱۲	۱۴	X	X	X	X
۳۱	بروجن	۳	۳	X	X	-	-
۳۲	بم	۱	۱	-	-	-	X
۳۳	بندر بوشهر	۱	۱	-	-	-	X
۳۴	بندر پهلوی	۱۱	۱۱	X	X	X	X
۳۵	بندر شاهپور	۱	۱	-	-	X	-
۳۶	بندر عباس	۲	۲	X	-	-	X
۳۷	بندر گر	۱	۱	X	-	-	-
۳۸	بندر لنگه	۱	۱	X	-	-	-
۳۹	بهبهان	۴	۵	-	-	X	X
۴۰	بهشهر	۲	۲	-	-	X	X
۴۱	بیدگل	۲	۲	X	-	X	-
۴۲	بیرجند	۱	۲	-	X	-	X
۴۳	پل دختر	۱	۱	X	-	-	-
۴۴	پهلوی دژ	۱	۱	-	-	-	X
۴۵	تبریز	۴۷	۵۵	X	X	X	X
۴۶	تجریش	۱	۱	X	-	-	-
۴۷	تربت حیدریه	۷	۷	X	X	-	X
۴۸	تفرش	۳	۳	X	X	-	-
۴۹	تویسرکان	۷	۱۱	X	X	-	X
۵۰	تهران	۱۰۹	۱۲۱	X	X	X	X
۵۱	جوشقان	۱	۱	X	-	-	-
۵۲	جهرم	۵	۵	X	X	-	-

ردیف	نام شهر یا شهرک یا روستا	تعداد دبستانها	تعداد نامه‌ها	دانشپایه‌ها			
				۲	۳	۴	۵
۵۳	جیرفت	۱	۲	-	-	-	-
۵۴	چالوس	۱	۱	×	-	-	-
۵۵	خان‌بین	۱	۱	×	-	-	-
۵۶	خرم‌آباد	۱۰	۱۰	-	×	×	-
۵۷	خرم‌شهر	۳	۳	×	-	-	×
۵۸	خلخال	۲	۲	-	×	×	-
۵۹	خمین	۶	۶	×	×	-	-
۶۰	خوانسار	۸	۹	×	×	×	×
۶۱	خوی	۱۰	۱۴	×	×	×	×
۶۲	داراب	۶	۱۰	×	-	×	-
۶۳	داران	۱	۲	×	-	-	-
۶۴	دامغان	۱	۱	-	-	-	×
۶۵	درگر	۲	۲	×	-	-	-
۶۶	درود	۱	۱	-	-	-	×
۶۷	دشته	۱	۱	×	-	-	-
۶۸	دزفول	۱۱	۱۱	×	×	×	×
۶۹	رامسر	۱	۲	-	×	-	-
۷۰	راونج (قم)	۱	۱	-	-	×	-
۷۱	راوند	۱	۱	×	-	-	-
۷۲	رشت	۱۷	۲۰	×	×	×	×
۷۳	رضایه	۶	۷	×	×	-	×
۷۴	رفسنجان	۱	۱	-	-	-	×
۷۵	رودبار	۱	۱	×	-	-	-
۷۶	رودسر	۲	۲	×	×	-	-
۷۷	ری	۱۵	۱۶	×	×	×	×
۷۸	زابل	۱	۱	×	-	-	-
۷۹	زاهدان	۳	۴	-	-	×	×
۸۰	زراآیین	۱	۱	-	×	-	-
۸۱	زرگنده	۱	۱	-	-	-	×

ردیف	نام شهر یا شهرک یا روستا	تعداد دبستانها	تعداد نامها	دانشپایه‌ها			
				۲	۳	۴	۵
۸۲	زرنند	۱	۱	-	X	-	-
۸۳	زرنجان	۱۷	۲۲	X	X	X	X
۸۴	ساری	۲۲	۳۳	X	X	X	X
۸۵	ساوه	۲	۲	X	-	-	-
۸۶	سبزوار	۳	۴	X	X	-	-
۸۷	سراب	۳	۵	X	X	-	X
۸۸	سرپل زهاب	۱	۱	-	-	-	X
۸۹	سقز	۳	۳	-	-	X	X
۹۰	سمنان	۷	۷	X	X	X	-
۹۱	سنقر	۵	۶	X	X	-	-
۹۲	سندج	۳	۴	X	-	X	-
۹۳	سیرجان	۴	۵	X	-	-	X
۹۴	شاه‌آباد غرب	۲	۲	X	-	-	-
۹۵	شاهپور	۱	۱	-	-	-	X
۹۶	شاهرود	۱۴	۱۸	X	X	X	X
۹۷	شاهیدر	۱	۱	-	X	-	-
۹۸	شاهی	۵	۶	-	-	X	X
۹۹	شلمان	۱	۲	X	-	-	-
۱۰۰	شمیران	۳	۳	X	-	-	-
۱۰۱	شوستر	۲	۲	-	-	-	X
۱۰۲	شهرضا	۳	۳	-	X	-	-
۱۰۳	شهرکرد	۱	۲	X	-	-	-
۱۰۴	شهباز	۲	۲	X	-	-	X
۱۰۵	شیراز	۷	۹	X	-	X	X
۱۰۶	شیروان	۱	۱	-	-	-	X
۱۰۷	صومعه‌سرا	۱	۱	X	-	-	-
۱۰۸	طالش	۱	۱	-	-	-	X
۱۰۹	طوالش	۳	۳	X	-	-	X
۱۱۰	غازیان	۱	۱	X	-	-	-

ردیف	نام شهر یا شهرک یا روستا	تعداد دبستانها	تعداد نامه‌ها	دانشپایه‌ها		
				۲	۳	۴
۱۱۱	فسا	۷	۹	×	×	×
۱۱۲	فیروزآباد	۳	۳	-	-	×
۱۱۳	فیروزکوه	۲	۳	-	-	×
۱۱۴	قزوین	۱۸	۱۹	×	×	×
۱۱۵	قصر شیرین	۵	۵	×	-	×
۱۱۶	قم	۳	۳	-	-	×
۱۱۷	قوچان	۹	۱۲	×	×	×
۱۱۸	کازرون	۱۱	۱۱	×	×	×
۱۱۹	کاشان	۱۴	۱۶	×	×	×
۱۲۰	کاشمر	۱	۱	×	-	-
۱۲۱	کرچ	۳	۳	×	-	×
۱۲۲	کرمان	۱۳	۱۶	×	×	×
۱۲۳	کرمانشاه	۴۷	۷۱	×	×	×
۱۲۴	گاوکان	۱	۱	-	-	×
۱۲۵	گراش (فارس)	۱	۱	-	×	-
۱۲۶	گرگان	۱۱	۱۲	×	×	×
۱۲۷	گرمسار	۲	۲	-	×	-
۱۲۸	گرمی	۱	۱	-	×	-
۱۲۹	گمیشان	۱	۱	-	×	-
۱۳۰	گنبد قابوس	۱	۱	-	×	-
۱۳۱	لار	۵	۵	×	×	-
۱۳۲	لنگرود	۲	۲	×	-	-
۱۳۳	ماکو	۱	۱	-	×	-
۱۳۴	ماه شهر	۱	۱	-	×	-
۱۳۵	محلات	۵	۶	×	×	-
۱۳۶	محمودآباد	۱	۱	-	-	×
۱۳۷	مراغه	۶	۷	-	×	×
۱۳۸	مرند	۳	۳	-	×	×
۱۳۹	مسجد سلیمان	۵	۷	×	-	×

ردیف	نام شهر یا شهرک یا روستا	تعداد دبستانها	تعداد نامها	دانشپایهها				
				۲	۳	۴	۵	۶
۱۴۰	مشکین شهر	۱	۱	×	-	-	-	-
۱۴۱	مشهد	۱۴	۱۵	×	×	×	×	×
۱۴۲	ملایر	۱۶	۲۴	×	×	-	×	×
۱۴۳	مهاباد	۳	۳	-	-	-	×	×
۱۴۴	مهران غرب	۱	۱	×	-	-	-	-
۱۴۵	میاندوآب	۳	۳	-	×	-	×	×
۱۴۶	میانه	۱۰	۱۳	×	×	×	×	×
۱۴۷	میناب	۱	۱	×	-	-	-	-
۱۴۸	مینودشت	۲	۲	×	×	-	-	-
۱۴۹	نائین	۱	۱	-	×	-	-	-
۱۵۰	نجف آباد	۱	۱	-	-	×	-	-
۱۵۱	نکاه	۱	۱	×	-	-	-	-
۱۵۲	نوشهر	۱	۱	×	-	-	-	-
۱۵۳	نهاوند	۳	۳	×	×	-	-	-
۱۵۴	نیاسر	۱	۱	×	-	-	-	-
۱۵۵	نیشابور	۳	۳	×	-	×	-	×
۱۵۶	هریس خانم رود	۲	۲	-	×	-	-	-
۱۵۷	هشتپر	۲	۴	-	-	-	×	×
۱۵۸	همدان	۱۴	۱۷	×	×	×	×	-
۱۵۹	یزد	۹	۹	×	-	×	×	×
۱۶۰	بی نام	۳۲	۳۳	×	×	×	×	×

پیوست ۲

چند فهرست موضوعی از واژه‌های کودکان

دسته‌بندی موضوعی واژه‌ها بسیار کلی است ، فقط بران نشان‌دادن دامنه‌ موضوعاتی است که کودکان می‌دانند .

گیاهان

چغندر	به (میوه)	آلاله
چمن	بیخ	آلبالو
چنار	بید	آلو
حبوبات	پرتقال	آلوچه
خار	پسته	ارزن
خریزه	پنبه	انار
خرما	پونه (پودنه)	انجیر
خرمالو	پیچک	انگور
خزه	پیوند	بادام
خیار	تره	بادنجان
دارچین	تنباکو	باقلا
درخت	توت	برگ
ذرت	جعفری	برنج
زردآلو	جو	بلال
زردچوبه	چای	بنفشه
زردك	چسب (گیاه)	بوته
موز	گل	زنبق
میمون (گل)	گل‌ابی	زیتون
مینا (گل)	گل سرخ	زیره
میوه	گنم	سبزه
ناز	گوجه	سبزی
نخل	گون	سنبل
نخود	گیاه	سنجد
نرگس	گیلاس	سوسن

نی	لادن	سیب
نیشکر	لاله	شلغم
هلو	لوییا	کاهو
هندوانه	ماش	گردو
هویج		

جانوران و آنچه مربوط به آنها است

بلبل	انسان	آدم
بلدرچین	باز	آهو
بوقلمون	بال	اردک
بی‌پا	بچه	اژدر
بیجان	بره	اژدها
بیدم	بز	اسب
بی‌زبان	بزغاله	اسب آبی
پر	بزکوهی	اشتر
پرستو	بع‌بع	الاغ
سنجاب	چرانیدن	پرندگان
سوسک	چهچه	پرنده
سوسمار	حیوان	پرواز
سیمرغ	حیوانات	پروانه
شانه‌بسر	خر	پشم
شپش	خرس	پشه
شتر	خرگوش	پلنگ
شغال	خروس	پنجه
شیر	خزنده	پیشی (گره)
صید	خوک	تخم
طعمه	دال	تخم مرغ
طفل	درندگان	تمساح
طوطی	درنده	توتو (مرغ)
عرعر	دوقلو	توله

جان	ديو	عرعر کردن
جاندار	روباه	عقاب
جانوران	زاغ	عقرب
جغد	زاغی	عوعو
جن	زالو	غاز
جنازه	زرافه	غرش
جوجه	زغن	غرش کردن
جیرجیرك	زنبور	غول
جيك جيك کردن	زنده	فیل
چرا کردن	سگ	قارقار
قاطر	گره	مگس
قدقد	گرگ	موجودات
قو	گله	مورچگان - مورچه
قورباغه	گنجشك	موش
قورقور (صدای قورباغه)	گور	میش
قوقولی قوقو	گوساله	میکروب
كيك	گوسفند	میمون
كبوتر	لاك پشت	نر
كر كس	لك لك	نعره
كرم	ماده	نغمه
كرمك	ماهی	نهنگ
كك	مرد	واق واق کردن
كلاغ	مرغ	وزوز کردن
كوسه	مرغابی	هدهد
گاو	مع مع	

اندامها ، حسها ، اجزاء و کارهای مربوط به آنها

پاچه	بال	ابرو
پادار	بدن	احساس
پاشنه	بناگوش	استخوان

پایه	بینی	اشک
پر	پا	اندام
		انگشت
غنچه	دندان	پستان
قلب	دنده	پشت
کله	دوش (پشت)	پشم
کله پاچه	دهان	پنجه
کور	ران	پوست
کوهان	رخسار	پهلوی
گزنده	رگ	پی
گلبرگ	ریش	تنفس
گلداز	ریشه	تنه
گلو	زبان	جبین
گوش	زلف	جگر
گونه	ساقه	جوانه
گیسو	سر	چانه
لاشه	سینه	چشم
لب	شاخ	چنگال
لکنت	شاخسار	چوب
لگد	شاخه	چهره
لنگ	شاش	خون
معدده	شست (انگشت)	دانه
مغز	شکم	دست
مو	شکمیه	دل
ناخن	شکوفان - شکوفه	دم
ناف	شنیدن	دماغ
نوک	شیردان	دنبه (دمبه)
نیش	عین (چشم)	

پیشهوران : پیشه‌ها و کارها و هر آنچه مربوط بدان است

جواهر فروشی

بقالی

آتش نشانی

چارو اदार	بلور فروش	آرتیست
چادر نشینی	بلیط فروش	آسیابان
چوپان	بنا	آشپز
چوپانی	بیکار	آشپز باشی
حاجی فیروز	پارچه فروش	آشپزی
حاکم	پاسبان	آموزگار
حصیر باف	پرستاری	آوازخوان
حمام	پزشک	آهنگر
خانم معلم	پلیس	اذان گو
خبرنگار	پیشه	اسب سوار
خرازی	پیک	اسب سواری
خراطی	تاجدار	استاد
خر فروش	تاجر	بادبادک فروش
خرماچینی	جادوگر	باربری
خرما فروش	جادوگری	بازاری
خطاط	جارچی	بازرگان
خلبان	جامه دار	بازنشسته
خلیفه	جراح	باغبان
خیاط	جلاد	باغبانی
	جوهر فروش	بقال
شکارچی	سربازی	خیاطی
شوفر	سردار	داروغه
شهبانو	سردبیر	دبیر
شهربانی	سرلشکر	درویش
شهر دار	سروان	دکاندار
شهرداری	سرهنگ	دکتر
صیاد	سقط فروش	دکتری
طیب	سلطان	دلاک
طراری	سلمانی	دلالت
عمله	سنگتراش	دلالتی
غلام	سنگتراشی	دهقان
فرشان	سوها نکاری	راننده

فروشنده	شاعر	رختشوئی
فقرا	شاگرد	رفتگر
فقیر	شاه	رقاصی
فوتبالیست	شاهزاده	رقص
قاتل	شاهنشاه	رئیس جمهور
قاضی	شاهنشاهی	زارع
قالی فروش	شاهی	زر فروش
قایقران	شبان	زرگر
قصاب	شبنانی	ساربان
قصاب باشی	شترچرانی	سبزی فروش
قصابی	شغل	سپاه
قمار باز	شکار	سپاهیان
قناد		سرباز
مهمانخانهچی	گناهکار	قنادی
میوهچینی	گوهرگر	قهومچی
میوه فروش	لباس دوخته فروش	کارمند
ناخدا	لشکر	کارمندی
ناشر	لوله کشی	کاسب
ناظم	مأمور	کاسبی
نامه بر	ماهی فروش	کاشف
نانوا	ماهی گیر	کافهچی
فانوائی	متصدی	کافهدار
نجار	مخترع	کدخدا
نجاری	مدل	کشاورزی
نفت فروش	مدیر	کشتیرانی
نقاش	مدیر مسئول	کفاش کفاشی
نقاشی	مرض	کلفت
نمدمالی	مریض	کنترل
نوآموز	مسافر	کنترلچی
نوجوان	مسافربری	کنیز
نوزاد	مست	کیسه کش
نوسواد	مشتری	گارسن

نوکر	معلم	گاریچی
نوکری	ملا	گدا
ورزشکار	ملکہ	گدائی
وزراء	موبدان	گروہان
وزیر	مہمان	
ہنرمند	ہمسر	ولیعہد
ہنرور	ہمسفر	ہمبازی
ہنگ	ہمشاگرد	ہمدم
ہیئت تحریریہ	ہمکلاس	ہمدیف
یاور	ہمنشین	ہمسال
	ہنر	ہمسایہ

گوہرہا و عناصر طبیعی و دیدہہای جغرافیائی ، خواہ سیاسی ،
خواہ طبیعی

بلوار	اختر	آب
بلور	استخر	آبادی
بند	اکیانوس	آبخور
بندر	اہالی	آبیاری
بینابان	باد	آتش
پارک	بادیہ	آسفالت
پارک شہر	باران	آسمان
پایگاہ	باغ	آسیاب
پل	باغچہ	آفت
پلاژ	باغ وحش	آفتاب
پناہگاہ	بخار	آفتابگیر
تیہ	بخش	آہک
تگرک	برف	آہن
تلفن	برق	آہنرنا
تلگراف	بلندی	ابر

سرخیوست	خلیج	تلمبه
سرد	خورشید	تلویزیون
سرما	دامنه	جاده
سنگ	در	جزیره
سوی	دره	جلگه
شبنم	دریا	جنگل
شرقی	دریاچه	جنوب
شمال	دشت	جوی
شمالی	دنیا	جهان
شن	ده (دهات)	جهت
شهر	دیم	چادر نشینی
شهرستان	راست	چاله
صحرا	راه	چاهک
طلا	راه آهن	چپ
طلوع	رعد	چراگاه
طلوع کردن	رود	چشمه
عربستان	رودخانه	چمنزار
عشایر	روستا	حدود
علف	ریگ	حوض
علفزار	زلزله	خاک
غار	زمین	خاکستر
غرب	ساحل	خاور
فضا	ستارگان	خراب
فلك	ستاره	خرابه
		خشکی
میهن	گودال	فیروزه
نسیم	گیتی	قاره
نفت	ماسه	قریه
نقره	ماه (قمر)	قشلاق
نم	محل	قله
نمک	مرز	قمر (ماه)
نور	مسی	قنات

نهر	مشرق	قير
وطن	مغرب	كشترار
ولايت	مملكت	كشور
ويران	موج	كوه
هامون	مه	كوهستان
هوا	مهتاب	گردنه

جايبها ، سازمانها ، ادارمها وهر آنچه مربوط به ساختمان و آنها است

بستان	اندرزكه	آزمایشگاه
بن بست	ایستگاه	آشپزخانه
بند	ایوان	آشیانه
بندر	بارگاه	آموزشگاه
بوستان	بازار	اتاق
بیمارستان	باشگاه	اداره
پست	بام	استراحتگاه
پله	بانك	انبار
قصر	دیوار	پناهگاه
قلعه	راهرو	پنجره
قهوه خانه	راهگذر	تأثر
کاروانسرا	رستوران	تیمارستان
کافه	زادگاه	چایخوری
کتابخانه	زندان	چراگاه
کلید	زیارتگاه	حجله
کنج	زیرزمین	حمام
کوچه	ژاندارمری	حیاط
کوی	ساختمان	خانه
گذر	سبززار	خزانه
گرما به	ستون	خیابان
گلزار	سربازخانه	دادگستری
گلستان	سقف	داروخانه

گور	سکو	دبستان
گورستان	سراه	دبیرستان
گوشه	سینما	در
لانه	صحن	دربار
لوژ	طاقچه	درگاه
لین	طویلہ	دروازه
ماشین خانه	فروشگاه	دریچه
ماشین رو	فلکه	دکان
مجلس	فواره	دودکش
مخزن	قبر	دولابچه
مؤسسه	مطب	مدارس
مهمانخانه	مقبره	مدرسه
میخانه	معرکه	مرغدان
میدان	مغازه	مزرعه
نخلستان	منازل	مسافر خانه
نمایشگاه	منار	مسجد
هتل	منزل	مسکن

افزارها و هر آنچه مربوط به آنها است

تاب	اھرم	آبپاش
تابلو	بادبانك	آجر
تابوت	بارکش	ابزار
تاج	باطری	اتوبوس
تار	بانکه	اتومبیل
تازیانه	بستر	اثاث
تاكسی	بشقاب	اره
تبر	بلیط	اسباب
تبرزین	بیل	اسباب بازی
تخت	پارو	استکان

تختخواب	پالان	اسلحه
تخته	پلاك	انگشتر
ترازو	پونز	اوراق
ترمز	پیت	
دفترچه	چسب	تفننگ
دلو	چکش	تله
دوچرخه	چمدان	تمبر
دیگ	چنگال	تنور
رادیو	چوب کبریت	توبره
رختخواب	چهارپایه	توپ
رختکوب	چیلیک	تیر
روزنامه	حصیر	تیره
ریسمان	حوض	تیغ
زغال	حوله	جارو
زنبیل	خامه (قلم)	جاروب
زنجیر	خشت	جام
زنگ	خم	جعبه
زنگوله	خمیره	جلد
زیر قلیان	خنجر	چاپ
ساز	خورجین	چادر
ساطور	خیک	چاقو
ساعت	دارو	چایخوری
سید	داس	چپق
سر قلیان	دام	چراغ
سطل	دستبند	چراغ قوه
سفره	دستکش	چرخ
سکان	دسته	چرخ دستی
سماور	دفتر	چرخ گوشت
قلم	عصا	سوت
قلیان	عقر به	سوزن
قوری	عکس	سوهان
قوطی	علم	سیخ

قوه (باطری)	عمامه	سیگار
قیچی	عود (ساز)	سیم
کارنامه	عینک	سینی
کاسه	غلاف	شال
کاشی	فتیله	شانه
کاغذ	فرش	شرابخوری
کالسکه	فرفره	شمشیر
کاه	فتاری (آجر)	شمع
کبریت	فلوت	شیپور
کتاب	فیلم	شیشه
کرسی	قابلمه	صابون
کشتی	قاشق	صافی
کشکول	قالی	صندلی
کلنگ	قایق	صندوق
کلید	قداره	طبق
کمان	قطار	طبقه
کمر بند	قفس	طبل
کوزه	قفل	طناب
کیسه	قلاب	طوق
کیف	قلک	ظرف
نخ	مچله	کاری
نخاله	مداد	گلدان
نردبان	مدال	گلوبند
نسخه	مدل	گلوله
نعل	مَرکب	کلیم
نقاشی	مَرکب	کنجه
نقشه	مسلسل (اسلحه)	گوشواره
نمد	مسواک	گونی
نوار	ملافه	گوهر
وانت	ملاقه	کیوه
ورق	منبر	لامپ
هفت تیر	میخ	لحاف

هفت‌سین	میخ طویله	لوله
هوایما	میز	لیوان
هیزم	میله	ماشین
یقه	ناقوس	ماشین سواری
	تامه	مجسمه

بافتنی‌ها و پوشیدنیها

جبه	پره	ابریشم
جلیقه	پشم	بولیز
جواهرات	پنبه	پارچه
جوراب	پوشیدنیها	پالتو
جیب	جامه	پتو
کفن	شانه	چادر
کلاه	شلوار	دامن
لباده	عبا	دوخته
لباس	قبا	زره
مخمل	کت	زری
مینی‌ژوپ	کفش	ژاکت
		شال

خوراکیها و مزه‌ها و آنچه مربوط بدانها است

زهر	ترش‌مزه	آب‌گوشت
سم	تلخ	آدامس
سنگک (نان)	چاشنی	آرد
شام	چربی	آش
شراب	چلو	باهزه

شربت	حلوا	بستنی
شکر	حلیم	بی‌اشتها
شکلات	خور	بیسکویت
شور	خوراك	پختن
شوربا	خورش	پخته
شیر	خورشت	پر خور
شیره	رشته (خوراك)	پنیر
شیرین	رطب	تخمه
شیرینی	روغن	ترش
طعم		
مربا	کباب	عسل
مزه	کره	عصرانه
مزه‌دار	کلوچه	غذا
مشروبات - مشروب	کله پاچه	فلفل
نان	کیک (شیرینی)	قرص (حب)
نان قندی	گوشت	قند
ناهار	لبنیات	قندی
نخودچی	لبو	قهوه
نمک	ماست	قیسی

خویشاوندی و خانواده

عمو	خاندان	بابا
عمه	خانوادگی	باجی
فامیل	خانواده	برادر
مادر	خواهر	پدر
مادر بزرگ	خویشان	پدر بزرگ
ماما	خویشاوندان	پسر
مامان	داماد	پسر دایی
نامادری	دائی	پسر عمه
نام خانوادگی	دختر	پور

ننه	زن	جد
نوه	زن بابا	خالو
نیا	شوهر	خاله
نیاکان	عروس	

گاه‌شماری و واژه‌های مربوط به زمان

شب	جمعه	آبان
شبانه	چله	آذر
شنبه	چهارشنبه	اثناء
شهریور	خزان	اردیبهشت
صبح	دوشنبه	اسفند
صبحدم	دی (ماه)	اکتون
ظهر	دیروز	امروز
عصر	رمضان	امسال
غروب	روز	اواخر
فصل	روزشماری	ایام
قرن	روزگار	بامدادان
قمری	روزگاران	بامدادی
ماه	زمان	برج
نوروز	زمستان	بهار
نهار	سال	بهاران
وقت	سالیان	بهمن
وقت‌شناسی	سحر	پارسال
هفته	سحرگاهان	پائیز
هم‌اکنون	سن	پائیزه
همیشگی	سه‌شنبه	پائیزی
همیشه	شام	پنج‌شنبه
هنوز	شامگاه	تابستان
یکشنبه		تاسوعا

دین

صدقه	جهنم	اذان
صواب	حضرت	اذان گو
عاشورا	حق	اسلام
عذاب	خدا	الله اکبر
عزرائیل	خداشناسی	امام
علیه السلام	خدائی	امامی (نسبت)
قرآن	دعا	بت
قسم	دوازده امامی	بسم الله
قیامت	دهر	بسم الله الرحمن الرحيم
کلیمی	رمضان	بهشت
مسجد - مسجد جامع	روح	بهشتی
مسلمان	روزه	پروردگار
مسلمانی	زیارت	پیامبر
مسیحی	زیارتگاه	پیغمبر
منبر	سوگند	توحید گوئی
موعظه - موعظه کردن	سیدالشهدا	جاودان
نماز	شهید	جاودانی
وضو - وضو گرفتن	شیخ	جاوید
یزدان	شیطان	جاویدانی
	شیعیان	جایز

اعداد

کسر	دومی	اول
نصف	دومین	اولی
نود	دویست	اولین
نود و نه	ده	بیست
نوزده	ربع	بیست و پنج

نه	سوم	بیست و نه
نهمصد	سومی	پانزده
نهم	سه	پنج
نیم	سه هزار	پنجاه
واحد	سی	پنجم
هزار	سیزده	ثلث
هشت	سیزدهم	چهار
هشتاد	سیصد	چهارده
هفت	شانزده	چهارمی
هفتاد	شش	چهل
هفتصد	ششصد	چهلمی
هفتم	ششم	دو
هفده	شصت	دوازده
	صد	دوازدهم
	صفر	دوم

واژه‌های علمی

طول	حرارت	اشعه
عدد	حساب	الکل
علمی	حل	امواج
قطر	حل کردن	انوار
کلبه‌گها	دایره	بنزین
کلدار	ریاضی	بَر
کوشه	زاویه	تابش
مساحت	سرعت	تاریخ
معلوم	سطح	ته نشین
مفروق	سه پهلو	جامد
منفرجه	شمردن	جسم
منها	شناور	جغرافی

موشك
موسیقی
نیم

شینی
صدا
ضرب

جغرافیا
جمع - جمع کردن
حاصل جمع

رنگها و بویها

سفید
سیاه
عنبر
عطر
قرمز
مشکی
نارنجی

خرمائی
زرد
زعفرانی
سبز
سرخ
کمرنگ
کند

آبی
ارغوانی
بنفش
بور
حنائی
قهوه‌ای
کبود

ورزشها و بازیها

طناب‌بازی
فیلسواری
قایقرانی
کاری‌سواری
والیبال
ورزش

ترکه‌بازی
توپ
توپ‌بازی
تویست (رقص)
دوچرخه‌سواری
شنا
شیرجه

اسکی
بازی
بوکس
پیاده‌روی
پینگ‌پونگ
تاب
تاب‌بازی

اندازه‌ها و وزنها

وجب
وزن
وزنه

کیلومتر
لیتر
متر

فرسخ
فرسنگ
کیلو

شکله

مربع
مورب

گردی
مثالث

استوانه
گرد

پول

ریال
سکه
صنار

درهم
دهشاهی
دینار

اسکناس
اشرفی
پول
تومان

صدرالدین الهی - کاظم معتمدنژاد -
مهدی محسنیان راد

بررسی محتوای برنامه‌های رادیو ایران

تجزیه و تحلیل مضامین گوناگون برنامه‌های رادیو ایران (فرستنده اول)

مقدمه

سست شدن سنت‌ها ، معتقدات دیرین و معیارها و مبانی کهن در جامعه‌ای چون ایران که از چند دهه پیش به مرحله توسعه گام نهاده ، مجاللی گسترده برای تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر روی گروه‌های مختلف جامعه بوجود آورده است. امروزه دیگر نمیتوان بدون اینکه ابتدا سهم عظیم رادیو ، تلویزیون و حتی فیلمهای کارتون را در نظر گرفت به سنجش تأثیرات محیط و خانواده بر کودک پرداخت . زیرا پس از زبان هر ملت ، گیرندگی پیام‌های مشترک رادیویی و تلویزیونی مهمترین وجه اشتراک ظاهری ملت‌هاست .

برای شناخت واقعی تأثیر پیام‌های رادیویی بر روی گروه‌های مختلف جامعه تاکنون بررسیهای پراکنده‌ای در ایران انجام شده است که کلیه آنها بر مبنای نظرسنجی از گیرندگان پیام و جمع‌آوری پرسشنامه‌های کتبی ، مصاحبه‌ها و یا گفتگوهای تلفنی بوده است .

مهمترین اشکال چنین بررسیهایی تأثیرات شدید عوامل خارجی بر روی

نتایج تحقیق است ، بعنوان مثال پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه‌ها برای نشان دادن تشخیص بیشتر ، آنچه را که حقیقتاً باید بگویند بیان نمی‌کنند بلکه آنچه را که بهتر است بگویند در پاسخ‌های خود می‌گنجانند و یا در پاسخ‌گوئی ، بطور ناخودآگاه برنامه‌هایی را که به زمان مصاحبه نزدیکتر است مورد نظر قرار داده و نظر کلی خود را بر مبنای برنامه نزدیک به خاطره‌شان بیان می‌کنند .

بررسی حاضر که برای نخستین بار در ایران در مورد محتوی برنامه‌های رادیوئی انجام شده است ، بجای جمع‌آوری نظرات گیرندگان پیام‌ها ، پاسخ سؤال جدیدی را یافته است :

رادیو واقعاً چه میگوید ؟

برنامه‌های رادیوئی مورد بررسی ، نمونه‌ای از برنامه‌های فرستنده اول رادیو ایران از ساعت ۶ بامداد تا ۲۴ مییابد ، این نمونه‌گیری از اول تیرماه ۱۳۵۳ تا ۱۵ شهریور همان سال انجام گردیده است و کلیه گفتارهای رادیوئی (حتی اشعار ترانه‌ها) از نوار ضبط صوت به جداول خاصی منتقل شده و از نظر مضامین گوناگون و زبان رادیو مورد بررسی قرار گرفته است .

این تحقیق به خواست وزارت فرهنگ و هنر بوسیله مرکز تحقیقات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی برای طرح در «دومین مجمع بحث درباره خانواده و فرهنگ» انجام یافته است .

فصل اول

(رادیو در جامعه امروز ایران)

۱ - مقام رادیو در میان وسایل ارتباط جمعی

رادیو در ایران با توجه به شرائط جغرافیائی و اجتماعی کشور در میان وسایل مختلف ارتباط جمعی مقام خاصی دارد. ایران با وسعت فراوان خاک و با داشتن کوهستان‌های بیشمار و مرتفع جای مناسبی است برای قدرت‌نمایی امواج رادیو در مقابل امواج تلویزیون و یا راه‌پیمائی‌های مطبوعات. با توجه به نسبت بیسوادان در ایران و قدرت خرید مردم مخصوصاً در روستاهای کشور و وجود رادیوهای ارزان ترازیستوری که در همه احوال قابل استفاده می‌باشد پیام‌های رادیوئی یکی از پرگیرنده‌ترین پیام‌های وسایل ارتباط جمعی در ایران محسوب می‌شود.

علاوه بر آن رادیو بخودی خود نیز دارای ویژگی‌های خاصی است. آنچنانکه مارشال مک لوهان متفکر کانادائی می‌گوید: «وسیله ارتباطی بخودی خود و جدا از محتوی پیام در روابط بین افراد تأثیر گذاشته و به آن شکل می‌دهد». مک لوهان در عقاید خود تا آنجا پیش می‌رود که نظریه معروف «وسیله ارتباطی پیام است»^۱ را عنوان می‌کند.

باید توجه داشت که رادیو و تلویزیون هر دو دارای خصوصیات میباشند

1 - Medicin is the Message.

که آنها را به صورت کاملترین وسایل ارتباطی درآورده اند . به همین مناسبت «اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور^۲» برای آنها تعریف مشترکی ارائه داده است. طبق این تعریف «رادیو تلویزیون یک سرویس ارتباط رادیویی است که برنامه‌هایی به منظور دریافت مستقیم استفاده‌کنندگان پخش می‌کند .»

به طور کلی برنامه‌های رادیویی از ترکیب سه عنصر کلام ، موسیقی و صدا پدید می‌آیند و نیروی بیانی و ارتباطی خاصی تشکیل می‌دهند که از بیان مکتوب مطبوعاتی و بیان سینمایی یا تلویزیونی متمایز است .

رادیو از لحاظ سرعت و مداومت انتشار و همچنین وسعت حوزه انتشار ، برترین وسیله ارتباط جمعی است . درعین حال باید در نظر داشت که ویژگی و اصالت کار رادیو پیش از آنکه از طرز انتشار پیامهای آن سرچشمه بگیرد ، از طرز دریافت آنها ناشی میشود :

۱ - پیام‌های رادیویی بسرعت به همه جا منتقل میشود . فاصله زمانی بین اندیشه فرستنده پیام با ذهن گیرنده بسرعت طی شده و تقریباً همزمان می‌باشد درحالیکه در مورد مطبوعات چنین نیست .

۲ - همزمان باشیدن رادیو میتوان به کارهای دیگر نیز پرداخت . برای شنیدن رادیو نیازی به «قصد خاص» نیست . گیرنده پیام برای شنیدن رادیو لازم نیست که مثل خواندن روزنامه یا دیدن تلویزیون ، خود را از سایر کارها جدا کرده و صرفاً به پیام بسپارد .

۳ - دامنه انتشار رادیو وسیع است . وسعت انتشار پیامهای رادیویی قابل مقایسه با دامنه انتشار سایر وسایل ارتباط جمعی نیست . گیرندگان پیامهای رادیویی در نقاط دور و نزدیک و با هزاران کیلومتر فاصله ، همزمان پیامهای رادیویی را دریافت می‌کنند درحالیکه تلویزیون و مطبوعات دارای قدرتی به این گستردگی نیستند .

۴ - گیرنده‌های رادیو ارزان است :- با آمدن رادیو ترانزیستوری ، رادیو از مطبوعات و تلویزیون به نسبت حجم و مدت زمانی که وسیله ارتباطی با ما ارتباط برقرار می‌کند ارزان تر است .

۵ - استفاده از پیامهای رادیویی بسادگی ممکن است زیرا انتشار و دریافت پیامهای رادیویی به علت استفاده رادیو از کلام بسیار ساده است . این پیامها سهولت پخش میشود و میتواند با کودکان ، بزرگسالان ، با سوادان و بیسوادان و تمام افرادی که بیان مشترک دارند به آسانی رابطه برقرار کند .

۶ - رادیو در همه جا قابل استفاده است . قابل حمل بودن رادیوهای ترازیستوری و وجود رادیوهای اتومبیل سبب شده که در همه جا بتوان از رادیو استفاده کرد . در صورتی که استفاده از مطبوعات همیشه و تلویزیون لاقبل در زمان حاضر در همه جا و همه حالات ممکن نیست .

۷ - گیرندگان پیامهای رادیویی امکان استفاده از فرستندههای متعدد را دارند :

گیرندههای رادیو میتوانند برنامههای فرستندههای متعدد داخلی و خارجی را دریافت دارند ، درحالی که تلویزیون فعلاً از چنین امکان گسترده‌ای برخوردار نیست .

۸ - برنامه‌های رادیویی را سهولت میتوان ضبط کرد : همه گیر شدن استفاده از نوارهای کاست مخصوصاً در شهرهای بزرگ ، دوباره شنیدن برنامه‌های رادیویی را ممکن ساخته است .

۹ - رادیو بعنوان يك وسیله ارتباطی سمعی و از نظر قدرت تأثیر ، بسیار ضعیف‌تر از تلویزیون بعنوان يك وسیله ارتباطی سمعی و بصری است .

و اگر یکبار دیگر بخواهیم به این سؤال که واقعاً رادیو چیست پاسخ بگوئیم اظهار نظر « آرتور کنت » مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره اسبق سازمان رادیو تلویزیون فرانسه را که در يك مصاحبه مطبوعاتی در تهران انجام شده بود نقل میکنیم :

« به نظر گروهی از مردم ، رادیو و تلویزیون عبارت است از تکرار روزانه برنامه‌های مطبوعات ولی گسترده‌تر و آسانتر ، گروهی دیگر ، رادیو و تلویزیون را وسیله‌ای میدانند تا در سایه آنها به یکباره گرفتگی و اندوهزدگی را از میان ببرند و خویشتن را از چنگ دلتنگی و ملال اجباری گریز دهند . و در این ضمن ، حتی میتوان از خود گریخت و اینجاست که رادیو نیز در جادوگری خاص وسائل ارتباط جمعی سمعی و بصری نقش دارد .

این از خود گریختگی سبب میشود که زندگی عوض شود ، اردوگاه آدم تغییر یابد و انسان خود را به آغوش دنیای افسونگرانه و اعجاز آمیز توهم بیاندازد . عاجزترین شاهد های برنامه‌های رادیو و تلویزیون حریص‌ترین آدم‌ها هستند و آنها کسانی هستند که در جریان روز سخت‌ترین کارها را صورت داده و در چنین شرایطی رادیو تلویزیون مایه نجات آنهاست .

به نظر عده‌ای دیگر ، رادیو و تلویزیون يك وسیله بسیار نیرومند فرهنگی است . »

۲ - شنوندگان رادیو در ایران

اولین فرستنده رادیویی در ایران در سال ۱۳۱۹ شروع به کار کرد . به این ترتیب قبل از اینکه مردم به درستی با روزنامه به مفهوم واقعی و خبری آن آشنا شوند ، استفاده کننده رادیو شدند . مک‌لوهان میگوید : «ما از جهان مطالب چاپ شده ، از کهکشان گوتنبرگ خارج شده‌ایم و بصورت یکی از اقمار کهکشان مارکنی ، یعنی کهکشان سمعی و بصری درآمده‌ایم و این تغییر شکل و پیشرفت سبب خواهد شد که ما به صورت عمیقی تغییر کنیم .»

در شرایطی که هنوز در جامعه ایران ، مطبوعات گسترش کمی و کیفی کافی نیافته بود و در کهکشان گوتنبرگ جایی نداشت ، سهولت استفاده از رادیو سبب شد که فرد ایرانی ناگهان به کهکشان مارکنی راه یابد و آموزش سمعی (بمعنای کلی) در شرایطی آغاز به کار کرد که پایه‌های فرهنگ چاپی هنوز در ایران استحکام نیافته بود .

در آن سالها ، درصد باسواد در ایران در کمترین حد بود . در سال ۱۳۱۴ تعداد فارغ‌التحصیلان دوره شش‌ساله ابتدائی در سراسر ایران در حدود ۹ هزار نفر (۸۸۸۴ نفر) بوده و کل محصلین کشور ۲۵۵۰۶۷۳ نفر بوده است و گرایش با سوادان به روزنامه نیز در پایین‌ترین حد . به این دلیل در همان اوایل کار رادیو ، تعداد شنوندگان رادیو بر خوانندگان روزنامه ، برتری یافت و این برتری هنوز هم ادامه داشته و بعد از ۳۴ سال رادیو در ایران مهمترین جای را دارد .

در سالنامه آماری یونسکو منتشر شده در سال ۱۹۷۱ ، آمارهایی در زمینه وسائل ارتباط جمعی مختلف^۱ منتشر شده است که فاقد آمارهای مربوط به ایران میباشد. در سالنامه آماری ۱۹۶۲ و همچنین سالنامه ۱۹۶۸ یونسکو تعداد گیرنده‌های رادیو در ایران ۲/۵ میلیون ذکر شده است . بموجب آمارهای سالنامه آماری یونسکو ، در سال ۱۹۶۲ در ایران برای هر ۱۰۰۰ نفر ۷۰ دستگاه گیرنده رادیو

۱ - سالنامه آماری یونسکو مربوط به ۱۹۷۰ چاپ شده در ۱۹۷۱ آمار و وسائل ارتباط جمعی را برای هر ۱۰۰۰ نفر در مناطق مختلف جهان بشرح زیر اعلام کرده است :

تعداد گیرنده رادیو	تعداد گیرنده تلویزیون	نسخه‌های روزنامه برای هر ۱۰۰۰ نفر	
۹۰۳	۳۹۷	۳۲۱	۱ - آمریکای شمالی
۲۱۶	۱۸۸	۲۵۲	۲ - اروپا
۱۸	۱۲	۳/۲	۳ - آفریقا
۹	۱۰	۲/۳	۴ - آسیای جنوبی

وجود داشته درحالی‌که برای هر ۱۰۰۰ نفر ۱۵ روزنامه و ۵ تلویزیون اختصاص داشته است. این نسبت در ژاپن که با سوادان آن ۹۸ درصد را تشکیل می‌دهند برای هر ۱۰۰۰ نفر ۴۱۰ روزنامه ۲۰۰ رادیو و ۱۴۰ تلویزیون بوده است.

باید یادآوری کرد که تعداد دقیق گیرنده‌های رادیو در ایران هنوز مشخص نشده است مقاله‌های غیر تحقیقی مجله‌های ایران این تعداد را تا ۸ میلیون دستگاه نیز ذکر کرده‌اند. همانطور که گفته شد سالنامه آماری یونسکو در سال ۱۹۶۸ تعداد گیرنده‌های رادیو را در ایران ۲/۵ میلیون اعلام کرده (این نسبت از اکثر کشورهای در حال توسعه بیشتر است) ولی بموجب برخی برآوردهای پراکنده رقم تعداد گیرنده‌های رادیو در ایران بیش از پنج میلیون تخمین زده می‌شود. در بررسی دقیقی که واحد سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در سال ۱۳۴۹ انجام داد تعداد گیرنده‌های رادیو در تهران بیش از نیم میلیون (۵۱۸۹۹۳ دستگاه) اعلام شد که بر مبنای آن میتوان به رقمی بین ۵ تا ۸ میلیون در سراسر کشور تا حدودی اعتماد نمود.

۹۳/۴ درصد خانواده‌های تهران حداقل یک دستگاه گیرنده رادیو دارند (۶۱ درصد خانواده‌های تهران یک رادیو - ۲۴/۵ درصد دو رادیو و ۹/۴ درصد سه رادیو ۳/۱ درصد چهار رادیو و ۱/۱۹ درصد ۵ رادیو دارند این نسبت در شهری مثل مهاباد ۶۶/۷ درصد یک رادیو ۲۷/۴ درصد دو رادیو - ۲/۶ درصد ۳ رادیو و ۳/۳ درصد بیش از سه رادیو است).

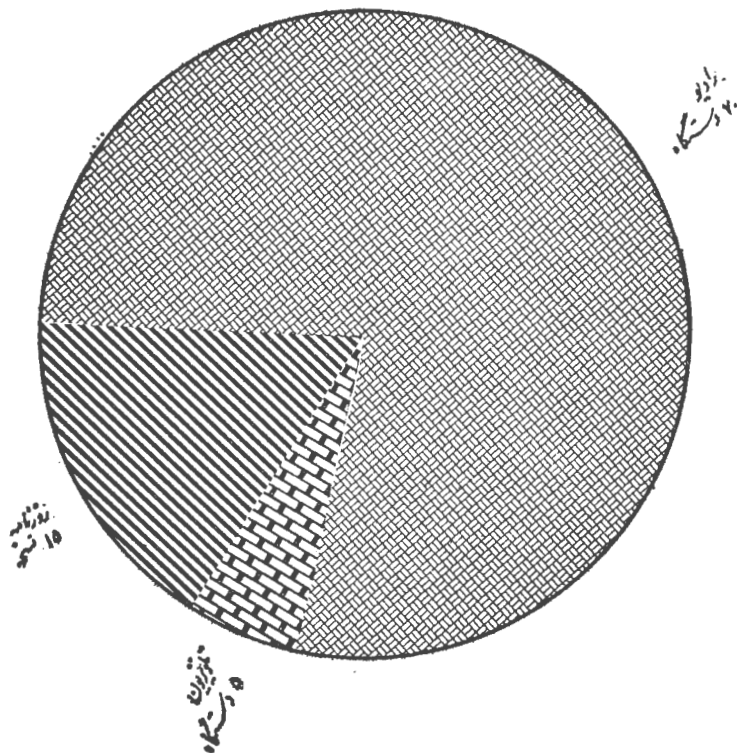
جدول زیر درصد خانواده‌های صاحب رادیو را در ۹ شهر مختلف ایران نشان می‌دهد^۱.

تهران	۹۳/۴ درصد	اصفهان - ۹۰/	تبریز - ۸۵/
زاهدان	۹۳/۳ درصد	کرمانشاه - ۹۰/	گرگان - ۸۰/
آبادان	۹۰/ - درصد	رضائیه - ۸۷/	ساری - ۸۰/
اهواز	۹۰/ - درصد		

به این ترتیب مشاهده می‌شود بیشتر خانواده‌های شهرنشین ایران از رادیو بعنوان یک وسیله سرگرم‌کننده و خبردهنده استفاده میکنند. میزان گرایش مردم به رادیو ارتباط مستقیم به میزان سواد آنان دارد. در بررسی که بسال ۱۳۴۷ بوسیله سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران انجام یافت از گروه‌های مختلف باسواد سؤال شد که بهترین منبع کسب خبر آیا رادیو، تلویزیون، روزنامه و یا

۱ - بررسی واحد سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران در سال ۱۳۵۱.

نمودار مقایسه تعداد گیرنده های رادیو، تلویزیون و نسخه های روزنامه
(برای هر هزار نفر در ایران)



سایر وسایل ارتباط جمعی است ؟

۹۲ درصد بیسوادان ، ۷۹ درصد کسانی که تحصیلات ابتدائی داشته‌اند ، ۶۶ درصد افرادی که تحصیلات متوسطه داشته‌اند و ۴۹ درصد کسانی که تحصیلات عالی داشته‌اند رادیو را مفیدترین وسیله دانسته‌اند . یعنی هرچه میزان سواد کمتر بوده ، گرایش افراد به رادیو بیشتر شده است .

با توجه به اینکه بیش از ۶۳ درصد از جمعیت ۶ سال به بالای ایران بی‌سواد هستند و بیش از ۵۶ درصد از جمعیت کشور را کودکان و نوجوانان کمتر از ۲۰ سال تشکیل می‌دهند میتوان حدود کمی جائی را که رادیو در جامعه ایران و در بین نوجوانان دارد شناخت .

از نظر کیفی ، ۷ سالگی سنی است که گوش کردن به برنامه‌های رادیو برای طفل جالب میشود ، در دوران جوانی جزء طرفداران پروپاقرص برنامه‌های موسیقی و واریته‌های رادیویی درمی‌آید و بیشتر از هر دوران دیگری از عمر خویش را در کنار رادیو میگذراند .

رادیو در مورد جلب نظر کودکان ، قدرت رقابت با تلویزیون را ندارد . بچه‌ها از ۴ یا ۵ سالگی اولین گرایش را به وسائل ارتباط جمعی در خود حس میکنند و علاقمند به تماشای برنامه‌های تلویزیون میشوند . در سنین ۸ تا ۹ سالگی به برخی از برنامه‌های رادیو مخصوصاً موسیقی علاقمند میشوند ولی مسلماً در محیطی که رادیو و تلویزیون هر دو در اختیار طفل باشد میزان توجه کودک به تلویزیون خیلی بیشتر از رادیوست زیرا رادیو از لحاظ جلب توجه انسان ، قدرت رقابت با تلویزیون را ندارد .

۱ - مخاطبین حامل‌های ارتباطی - دکتر ابراهیم رشیدپور - مجله تحقیقات روزنامه‌نگاری - مهر ۱۳۴۶ .

خلاصه فصل اول

۱ - وسعت خاک و کوهستانی بودن ایران ، بالا بودن نسبت بیسوادان و کمی قدرت خرید روستائینان ، سبب شده است که رادیو بیش از سایر وسایل ارتباط جمعی توسعه و قدرت نفوذ داشته باشد .

۲ - رادیو خود نیز دارای ویژگیهای خاصی است . پیامهای رادیویی به همهجا منتقل میشود ، همزمان با شنیدن رادیو میتوان به کارهای دیگر نیز پرداخت ، گیرندههای رادیو ارزان است ، استفاده از پیامهای رادیویی بسادگی ممکن میباشد . رادیو در همهجا قابل استفاده است ، گیرندگان پیامهای رادیویی امکان استفاده از فرستندههای متعدد را دارند ، برنامههای رادیویی را میتوان ضبط کرد و درعین حال رادیو از نظر قدرت تأثیر بسیار ضعیفتر از تلویزیون است .

۳ - در ایران برای هر ۱۰۰۰ نفر ۷۰ دستگاه گیرنده رادیو ، ۱۵ روزنامه و ۵ تلویزیون اختصاص دارد علاوه بر آن وجود نزدیک به ۸ میلیون دستگاه گیرنده رادیو در ایران نشان میدهد که پرگیرندهترین وسیله ارتباط جمعی کشور رادیوست .

۴ - میزان گرایش مردم به رادیو با میزان سواد آنان نسبت معکوس دارد . یعنی هرچه سطح سواد بالاتر باشد میزان گرایش نیز کمتر میشود .

۵ - کودکان از ۷ سالگی به برنامههای رادیو گرایش پیدا میکنند و در جوانی از طرفداران اصلی برنامههای رادیو میشوند .

نتیجه

رادیو در مقایسه کمی با سایر وسایل ارتباط جمعی ، بالاترین مقام را در ایران دارد و با توجه به اینکه ۵۶ درصد جمعیت ایران را نوجوانان تشکیل میدهند و آنها در دوران نوجوانی بیش از سایر سالهای عمر به رادیو گوش میدهند ، قدرت تأثیرگذاری رادیو بر نوجوانان ایران مشخص میشود .

فصل دوم

مشخصات کمی و کیفی برنامه‌های رادیو ایران

۱ - بررسی کمی برنامه‌های رادیو ایران

هرسال ۶۳۲۹ ساعت برنامه رادیویی بین ساعتهای ۶ بامداد^۱ تا ۲۴ از فرستنده اول رادیو ایران پخش میشود. ۱۳۶۲ ساعت از این برنامه‌ها را برنامه‌های موسیقی تشکیل میدهد. علاوه بر آن ۱۲۹۰ ساعت موسیقی در خلال برنامه‌های مختلف پخش میشود. به این ترتیب ۹/۴۱ درصد برنامه‌های رادیو ایران به پخش موسیقی (۴/۳۶ درصد موسیقی ایرانی و ۵/۵ درصد موسیقی خارجی)، ۲/۲۲ درصد به پخش اخبار و ۹/۳۵ درصد به پخش گفتار و برنامه‌های مختلف دیگر اختصاص دارد (جدول شماره ۱).

اصولاً برنامه‌های رادیو در تمام کشورها به سه دسته تقسیم میشوند: برنامه‌های آگاه‌کننده، برنامه‌های سرگرم‌کننده و برنامه‌های آموزنده. دسته‌بندی بیش از یکصد برنامه مختلف رادیو ایران در سه گروه مذکور دارای اشکالات خاصی است. محققان ارتباط جمعی در کشورهای مختلف جهان تاکنون طبقه‌بندیهای

۱ - با توجه به اینکه جامعه آماری ما، نوجوانان هستند و طبق بررسیهای انجام‌شده واحد سنجش افکار سازمان رادیوتلوویزیون ملی ایران فقط یک درصد نوجوانان احتمالاً پس از ساعت ۲۴ به برنامه‌های رادیو گوش میدهند، برنامه‌های ۶ بامداد تا ۲۴ از نظر کمی و کیفی مورد مطالعه قرار گرفت.

متعددی برای موضوع‌های منتشر شده از طرف وسایل ارتباط جمعی ارائه داده‌اند. ولی هیچکدام از آنها تاکنون به عنوان يك نمونه واحد - که در تمام اوضاع واحوال قابل اجرا باشد و بر انواع تحقیقات منطبق گردد پذیرفته نشده است. بطور مثال در طبقه‌بندی موضوع‌های مندرج در روزنامه‌های ایالات متحده آمریکا و ممالک آمریکای لاتین برخی از محققان آمریکائی خیرهای فرهنگی و مذهبی را به‌عنوان يك موضوع واحد معرفی میکنند در صورتیکه در روزنامه‌های اکثر ممالک «خبرهای فرهنگی» خود طبقه مستقلى را تشکیل میدهند. علاوه بر آن هر کدام از محققان مطبوعاتی مطالب روزنامه‌ها را از جنبه‌های مختلف مورد نظر قرار میدهند و با توجه به هدف معینی که در مطالعات خویش دنبال میکنند و طرز تحقیق و نیازها و مزایای عملی آن طبقه‌بندی خاصی برای موضوعهای وسایل ارتباط جمعی در نظر میگیرند.

در این مورد طبقه‌بندی‌های مختلفی از طرف فدراسیون بین‌المللی ناشران روزنامه‌ها، انستیتوی افکار عمومی فرانسه، کمیسیون سلطنتی مطبوعات انگلستان صورت گرفته است اما هیچکدام نمی‌تواند بصورت يك روش قاطع برای طبقه‌بندی مورد نظر ما قابل استفاده باشد.

با مطالعه دقیق روشهای طبقه‌بندی سازمانهای تحقیقاتی بزرگ جهان و تطبیق آنها با مشخصات اجتماعی ایران، برنامه‌های رادیو ایران بشرح زیر طبقه‌بندی گردید:

۱ - برنامه‌های آگاه‌کننده (۲۴/۰۱ درصد)

الف - ۲۲٫۲۳ درصد اخبار:

اخبار سیاسی، ورزشی، مذهبی، اقتصادی و فرهنگی

ب - ۱٫۷۸ درصد سایر برنامه‌های آگاه‌کننده:

جلوه‌های انقلاب، برنامه‌های ویژه سالروزها و آگهیها و..

۲ - برنامه‌های سرگرم‌کننده (۶۴٫۸۲ درصد)

الف - ۱۰٫۳۲ درصد موسیقی ایرانی:

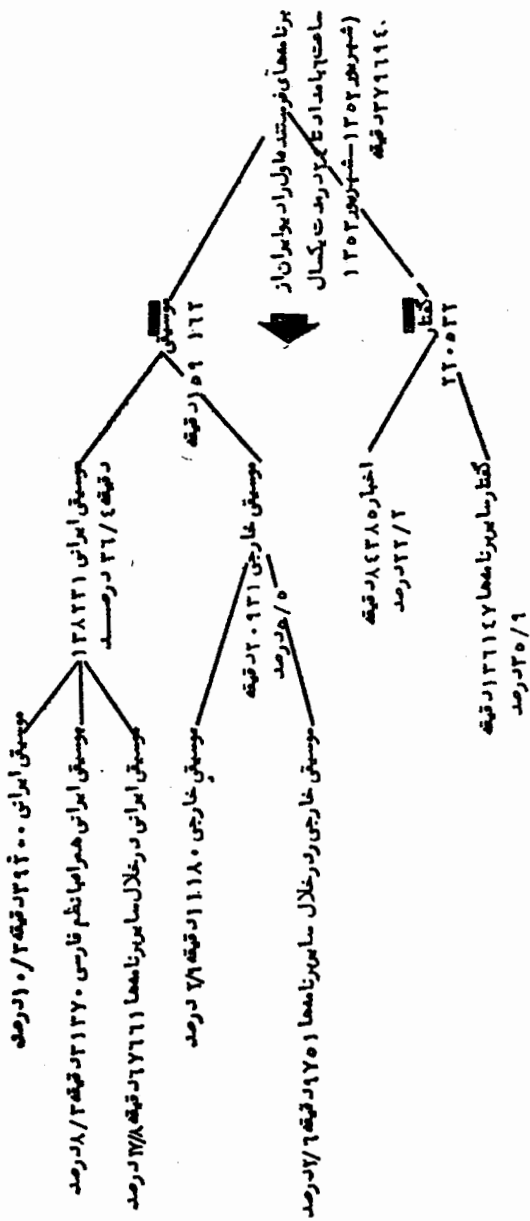
موسیقی ایرانی، موسیقی محلی، تکنوازی، نغمه‌ها و

ترانه‌های ایرانی و.....

ب - ۸٫۲۶ درصد موسیقی ایرانی همراه با نظم فارسی:

گل‌های رنگارنگ، يك شاخه گل، گل‌های صحرائی

جدول شماره (۱) مقایسه هزینه‌های موسیقی و گیتار برای تهران



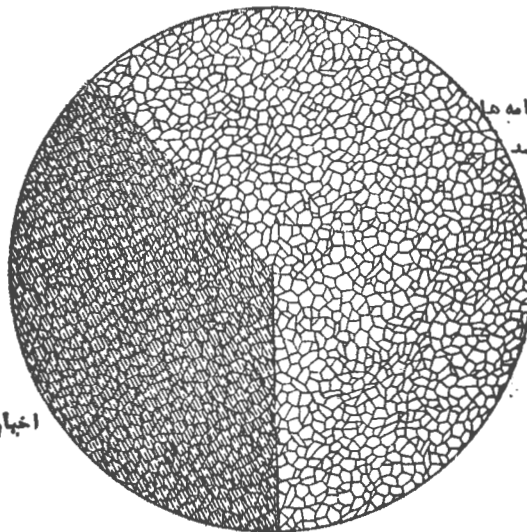
نمودار مقایسه نسبت موسیقی و گفتار در برنامه های رادیو ایران (برنامه اول)



موسیقی ایرانی
۳۶/۴ درصد

موسیقی خارجی (۵/۵ درصد)

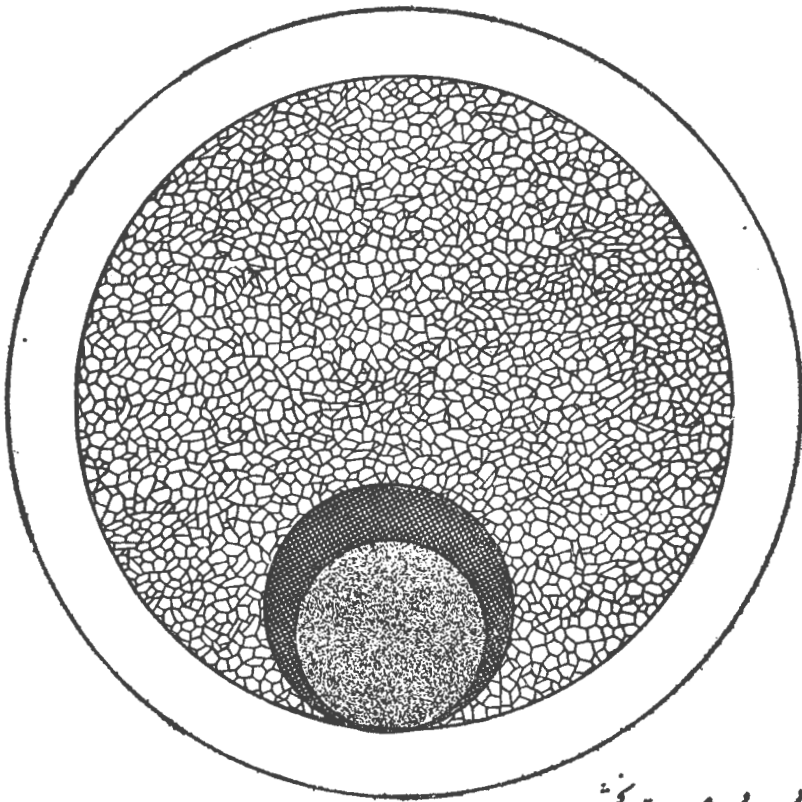
((موسیقی ۴۱/۹ درصد))



گفتار
۳۵/۹ درصد

اخبار (۲۲/۲ درصد)


((گفتار ۵۸/۱ درصد))



نمودار تقاضای مجموع دست نخورده
 برنامه های سرگرم کننده، آگاه کننده
 و آموزنده وادیو ایران در مدت یکسال

برنامه های سرگرم کننده 

برنامه های آگاه کننده 

برنامه های آموزنده 

گل‌های جاویدان ، برگ سبز و

پ - ۲۹۴ درصد موسیقی خارجی :
موسیقی ملل ، موسیقی غربی ، موسیقی کلاسیک و

ت - ۶/۱۴ درصد برنامه‌های صرفاً سرگرم کننده :
داستان شب ، نمایشنامه‌ها ، جمعه بازار ، شما و رادیو ،
قصه‌های ما ، برنامه سیزده پدر ، شاهکارهای ادبیات
و برنامه‌های ورزشی و

ث - ۳۷٫۴۴ درصد برنامه‌های سرگرم کننده همراه با جنبه‌های آموزشی:
برنامه گروه خبر بامداد (غیر از اخبار) ، جنگ شب ،
سیروسفر ، برنامه‌های کارگران ، دهقان ، سپاهیان ،
برنامه‌های کودک ، خانه و خانواده و چشم‌انداز

۳ - برنامه‌های آموزنده : (۱۰٫۸۸ درصد)

الف - ۱/۲۵ درصد برنامه‌های علمی :
مرزهای دانش ، میزگرد پزشکی ، سخنرانی آقای محیط
طباطبائی ، گفتار علمی و بهداشتی ، گفتار تعاون و

ب - ۱/۶۰ درصد برنامه‌های ادبی :
درباره زبان فارسی ، مشاعره ، برنامه ادبی و

پ - ۸/۰۳ درصد برنامه‌های مذهبی :
گفتارهای مذهبی ، سخنرانی آقای راشد ، راه پاکان ،
اذان ، اشعار مذهبی ، برنامه مخصوص افطار ، پخش
مستقیم مراسم سوگواری و

بررسی ما نشان میدهد که ۶۵/۱۲ درصد برنامه‌های رادیو ایران را
برنامه‌های صرفاً سرگرم کننده و همچنین برنامه‌های سرگرم کننده همراه با جنبه‌های
آموزشی (صرفاً سرگرم کننده ۲۷/۶۸ درصد و سرگرم کننده همراه با جنبه‌های
آموزشی ۳۷/۴۴ درصد) ، ۲۴/۰۱ درصد را برنامه‌های آگاه کننده و ۱۰/۸۷ درصد
را برنامه‌های آموزنده تشکیل میدهد (جدول شماره ۲) .

جدول شماره ۲- مقایسه برنامه‌های آگاه کننده سرگرمی و آموزش برای جوانان



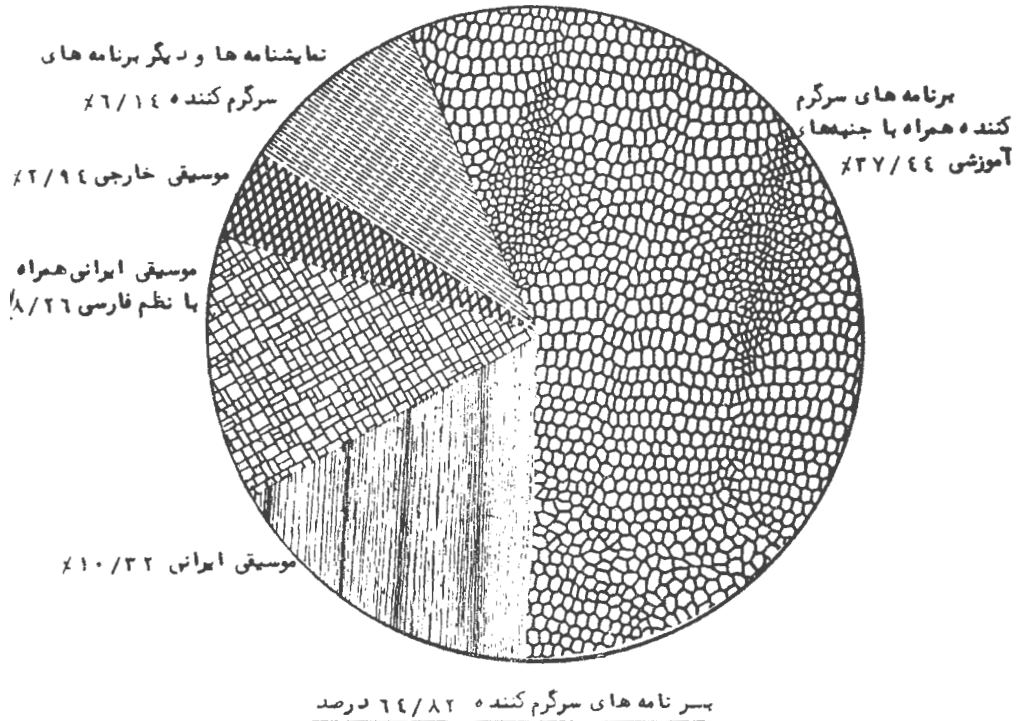
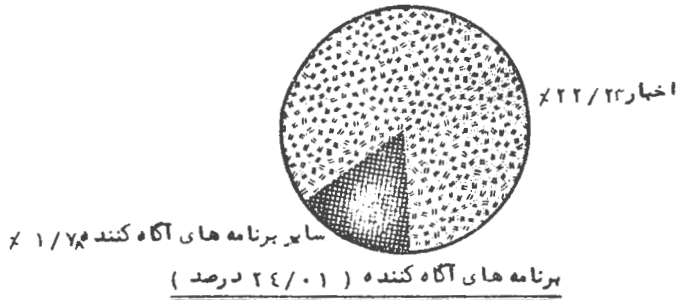
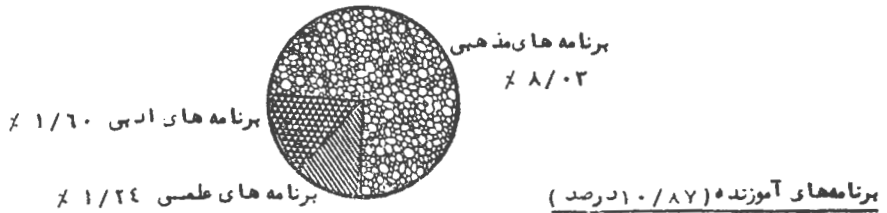
برنامه‌های غیربسته اول را در جوانان

از ساعت ۱۶:۰۰ تا ۲۰:۰۰ درصدها

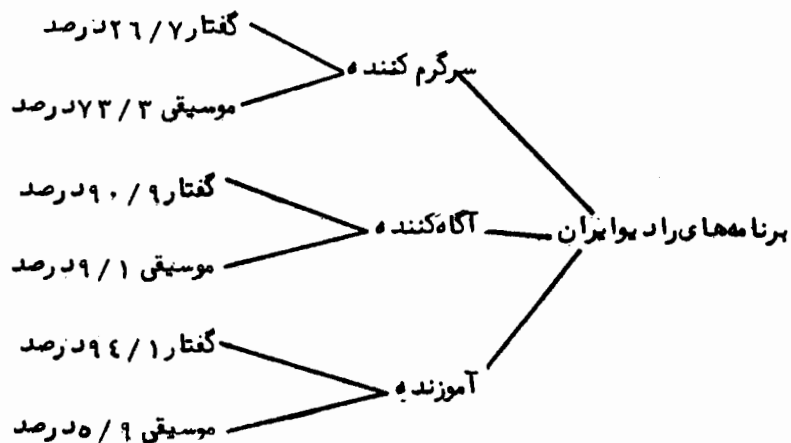
یکسال = ۳۷۹۱۹۴ دقیقه

(شهری ۱۳۵۲ تا شهری ۱۳۵۳)

مقایسه برنامه های مختلف رادیو ایران (نمرسده اول) در مدت یکسال



نگاهی به سهم موسیقی در سه گروه مذکور نشان میدهد که $9/1$ درصد از وقت برنامه‌های آگاه‌کننده، $73/3$ درصد از برنامه‌های سرگرم‌کننده (بطور کلی) و $5/9$ درصد از وقت برنامه‌های آموزنده به پخش موسیقی می‌گذرد.



بی توجه به سهم موسیقی در برنامه‌های مختلف، بیشترین وقت رادیو برای پخش برنامه‌های سرگرم‌کننده همراه با جنبه‌های آموزشی صرف می‌گردد و کمترین زمان برای برنامه‌های علمی در نظر گرفته می‌شود:

- | | |
|---|-------------|
| ۱ - برنامه‌های سرگرم‌کننده همراه با جنبه‌های آموزشی | درصد $37/4$ |
| ۲ - برنامه‌های صرفاً سرگرم‌کننده | درصد $27/7$ |
| ۳ - اخبار | درصد $22/2$ |
| ۴ - برنامه‌های مذهبی | درصد $8/-$ |
| ۵ - برنامه‌های آگاه‌کننده (غیر از اخبار) | درصد $1/7$ |
| ۶ - برنامه‌های ادبی | درصد $1/6$ |
| ۷ - برنامه‌های علمی | درصد $1/2$ |

نتیجه

اگر برای رادیو سه هدف (آگاه کردن، آموزش دادن و سرگرم کردن) را با نسبت‌های مساوی در نظر بگیریم، رادیو ایران وظیفه سرگرم‌کنندگی خود را ۳ برابر آگاه کردن و ۶ برابر آموزش دادن انجام میدهد.

خلاصه فصل دوم - قسمت اول

۱ - نگاهی به ۶۳۲۹ ساعت برنامه‌های ساعت ۶ بامداد تا ۲۴ رادیو ایران در طی یکسال نشان میدهد که نزدیک به نیمی از برنامه‌های رادیو ایران (۴۱/۹ درصد) به پخش موسیقی اختصاص دارد. ۳۵/۹ درصد از برنامه‌های رادیو را گفتار برنامه‌های مختلف ۲۲/۲ درصد اخبار تشکیل میدهد.

۲ - مدت پخش موسیقی ایرانی ۷ برابر مدت پخش موسیقی خارجی است (موسیقی ایرانی ۳۶/۴ درصد و موسیقی خارجی ۵/۵ درصد کل برنامه‌های رادیوست).

۳ - مدت پخش برنامه‌های سرگرم‌کننده رادیو ایران ۳ برابر برنامه‌های آگاه‌کننده و ۶ برابر برنامه‌های آموزنده میباشد. ۶۵/۱۲ درصد برنامه‌های رادیو ایران را برنامه‌های صرفاً سرگرم‌کننده و همچنین سرگرم‌کننده همراه با جنبه‌های آموزشی تشکیل میدهد. پس از آن برنامه‌های آگاه‌کننده با ۲۴/۰۱ درصد قرار دارد. برنامه‌های آموزنده ۱۰/۸۷ درصد برنامه‌های رادیو را تشکیل میدهد).

۴ - بررسی کیفی برنامه‌های رادیو ایران

پژوهشی که در سال ۱۹۳۲ همزمان با گسترش رادیو در آمریکا انجام گرفت نشان داد که اختراع رادیو بیش از یکصد و پنجاه تأثیر گوناگون در ساخت جامعه، مذهب، حکومت، سیاست و دیگر نهادهای اجتماعی آمریکا داشته است.^۱ بررسی نقش فرهنگی و آموزشی رادیو ایران با اندازه‌گیری‌های کمی برنامه‌های مختلف که در فصل گذشته انجام شده عملی نیست. رادیو در ۲۴ ساعت برنامه‌های مختلف را تحت عناوین سرگرم‌کننده، آگاه‌کننده و آموزنده پخش میکند ولی در این مورد که واقعاً تا چه حد هر یک از برنامه‌ها هدفهای خود را دنبال میکنند و از همه مهمتر برای اینکه بدانیم رادیو واقعاً چه میگوید، باید به بررسیهای دقیق پرداخت.

برای یافتن پاسخ این دوبرسش در تحقیق حاضر، نمونه‌هایی از برنامه‌های رادیو ایران در طی سه ماه از طریق نمونه‌گیری دوبرحله‌ای در مرحله اول بطریقه

1 - A. Cuvillier-manuel de sociologie.

سیستماتیک و در مرحله دوم بطور^۱ اتفاقی انتخاب گردید و گفتارهای این برنامه‌ها (حتی اشعار ترانه‌ها) درجداول خاصی نوشته شد. این جداول به نحوی تنظیم شده بود که تقریباً هر پنج کلمه در داخل یک مستطیل ۴۹×۱۴ میلیمتری قرار میگرفت و نوشته‌های داخل هر مستطیل (دریک سطر) بعنوان یک واحد محسوب میشد. به این ترتیب بر مبنای نمونه، یکسال برنامه‌های رادیو ایران و فرستنده اول (از ساعت ۶ بامداد تا ساعت ۲۴) از ۸۵۰۲۶۹۶ واحد تشکیل شد.

واحدهای نمونه از نظر مضامین مختلف جستجو و بررسی گردید و در میان آنها ۱۲۸۲۰۶۶ واحد گفتار که دارای مفاهیم خاصی بودند یافته شد. بعنوان مثال جمله زیر که در یکی از برنامه‌های شما و رادیو گفته شده بود بعنوان ۳ واحد انتقام‌جویی محاسبه گردید:

«خیلی طبیعی است، آدم از کسی که اذیتش کرده انتقام میگیرد، می‌فهمید؟» بقیه گفتارها که ۸۴/۹۲ درصد را تشکیل میداد در واقع صحبت‌های معمولی بودند با ترکیبی از آگاه کردن و سرگرم نمودن. به این ترتیب مشخص شد که در لابلای برنامه‌های مختلف رادیو در طی یکسال چه مقدار مضامین و

۱- با توجه به دقایق کل جامعه آماری که شامل ۳۷۹۶۹۴ دقیقه میباشد یک نمونه ۲۵۳۱ دقیقه‌ای از کل جامعه انتخاب شد روی این تعداد نمونه سه پارامتر (برنامه‌های سرگرم‌کننده، برنامه‌های آگاه‌کننده و برنامه‌های آموزنده) مورد بررسی قرار گرفت و پس از محاسبه واریانس نسبت‌ها و با استفاده از جدول t استودنت در سطح ۹۵٪ چنین نتیجه گرفته شد که تعداد نمونه فوق درحالات کلی کاملاً کافی است و به همین جهت برآوردهای مربوط به مضامین برنامه‌های آگاه‌کننده و برنامه‌های سرگرم‌کننده با ۹۵ درصد اطمینان محاسبه و نتیجه‌گیری شد ولی بعلت کافی نبودن نمونه برنامه‌های آموزنده، برآوردهای مضامین این برنامه‌ها عملاً نمی‌تواند از صحت مورد لزوم برخوردار باشد. علت نداشتن نمونه کافی از برنامه‌های آموزنده عدم دسترسی به این برنامه‌ها بود زیرا گروه برنامه‌های آموزنده رادیو بیشتر در ماه‌های رمضان، محرم و دیگر روزهای مذهبی متمرکز است و این تمرکز در سه ماه مورد بررسی وجود نداشت و به همین دلیل نمونه برنامه‌های آموزنده کافی نیست و مضامینی که در مورد این برنامه‌ها ذکر شده در صورتیکه نمونه کافی بود احتمال جابجا شدن ردیفها و نسبتها وجود داشت. فرمولهای بکار گرفته شده برای نتیجه‌گیریهای فوق عبارت است از:

$$\begin{aligned}
 P &= \frac{X}{N} & SP &= \sqrt{S^2 P} \\
 S^2 P &= \frac{P(1-P)}{N} & T &= \frac{Z}{P \pm TS P}
 \end{aligned}$$

مفاهیم مختلف جای دارد .

مضامین مورد بررسی بصورت پیشداوری واز قبل تعیین نشد بلکه ضمن مطالعه دقیق برنامه‌ها بتدریج فراوانی ۸۶مضمون دربرنامه‌های رادیوایران (برنامه اول از ساعت ۶ بامداد تا ساعت ۲) محاسبه گردید. ولی باید توجه داشت که تبدیل مسایل کیفی و عاطفی به ارقام ریاضی چندان کار ساده و درعین حال دقیقی نیست. یکی از مهمترین اشکالات دراین مورد عدم توافق کامل بین افراد از نظر تعیین واحد سنجش یکسان است. بعنوان مثال معلوم نیست واقعاً مرز دقیق بین ادب و چاپلوسی که دو مضمون مورد بررسی ماست و اولی درگروه مثبت و دیگری درگروه منفی قرار دارد چیست.

قدر مسلم آنکه تعداد این گونه مضامین نزدیک بهم و هم‌مرز درکل ۸۶ مضمون سهم ناچیزی دارد. علاوه برآن موضوعاتی که زیر پوشش مضامین مثبت یا منفی قرار گرفته است بر مبنای قضاوت‌های عرف، سنت، تشخیص متداول و درعین حال نیازهای روحی و اخلاقی یک جامعه سالم تعیین شده است. باید توجه داشت که اندازه‌گیری‌های این بررسی که کوشش شده است تا حد امکان از جهت گیری‌های ناخودآگاه محقق بدور باشد، فقط میتواند نمائی از آنچه که رادیو واقعاً میگوید نشان دهد و قطر کانال‌های تأثیر را مشخص کند نه طول این کانال‌ها را .

هریک از ۸۶ مضمون مورد بررسی به تفکیک گروه برنامه‌های آگاه‌کننده، سرگرم‌کننده و آموزنده رادیو ایران محاسبه گردید و آنگاه این مضامین به سه دسته تقسیم شد :

- ۱ - مضامین منفی شامل : مضامین بد و سایر مضامین منفی.
- ۲ - مضامین مثبت شامل : مضامین خوب و سایر مضامین مثبت
- ۳ - مضامین دیگر .

۱ - مضامین منفی :

الف - مضامین بد شامل :

جنایت ، خشونت مطلق ، نیل به مقصود از طریق خشونت ، شرارت و خرابکاری ، انتقام‌جوئی ، بدزبانی و ناسزاگوئی ، ماجراجوئی ، میخوارگی ، فریب و ریا ، وقاحت ، تزویر ، دسیسه ، حيله‌گری ، بوالهوسی ، بیکاری و

خمودگی، ناتوانی و عجز، چالپوسی، قهر، فاسازگاری با محیط و خانواده، خرافه‌پرستی و طالع‌جوئی.

ب - سایر مضامین منفی شامل:

غم، نومیدی، درویشی و اعتزال، ولخرجی، تجمل‌گرایی و مدبرستی، ازهم‌گسستگی خانواده، نقض آزادیهای فردی، بخت‌آزمایی برای مرفه شدن، تشویق مردم به مصرف، افزایش قیمت و گرانی و ایجاد وحشت اقتصادی، بی‌وفایی و فراق معشوق، گلایه و بدگوئی از معشوق، ازدواج به چشم‌داشت ثروت، تکیه بر منازعات بین‌المللی.

۳ - مضامین مثبت:

الف - مضامین خوب شامل:

شاه‌پرستی، میهن‌پرستی، مهربانی و نیکی، ادب، انصاف، راستی، صداقت و اخلاص، فروتنی، کمک به دیگران، حق‌شناسی، اتکاء به نفس، دوری جستن از اتلاف وقت، جدیت و پشتکار، انضباط و وظیفه‌شناسی، کسب درآمد از طریق کار و کوشش، ترغیب به حفظ اصول اخلاقی و قانونی، تعالیم اخلاقی اسلام، مذمت اعتیاد، اجتناب از خیانت.

ب - سایر مضامین مثبت:

تشریح صفات الهی، ارزش اسلام، تعالیم مذهبی، انقلاب سفید، نیرومندی و قدرت سیاسی ایران، افتخارات ملی و تاریخی، اهمیت دادن به زبان و ادبیات فارسی، ایجاد رفاه بیشتر برای مردم، شادی، امید، قناعت، تشویق و آموزش مردم به رعایت اصول اقتصادی، پشتیبانی از آزادی‌های فردی، تشویق به استفاده از سرگرمیهای مفید، تحکیم روابط خانوادگی، رازونیزم با خداوند و حل مشکل از او خواستن، تأکید بر درست سخن گفتن، ارائه خط مشی‌های مسالمت‌آمیز.

۳ - سایر مضامین:

اطلاعات علمی، نارسائیهای خدمات عمومی، معرفی قدرت ملل دیگر، قصص و روایات مذهبی، پیشگیری، بهداشت و درمان، آموزش مسائل سیاسی، تعاریف و تجزیه و تحلیل مسایل هنری، بررسی زندگی هنرمندان، تعاریف و تجزیه و تحلیل مسایل ورزشی، آموزش فنون، حفظ سنت‌ها، سنت‌شکنی،

شوخی و لطیفه بطور کلی ، شوخی و لطیفه‌های مربوط به شهرستانها ، تشویق به ازدواج ، کامجویی ، عشق رمانتیک ، وصف معشوق و اظهار عشق .

برای آگاهی بیشتر بامضامین فوق نمونه‌هایی از گفتارهای رادیویی که حاوی چنین مضامینی بوده‌اند نقل میشود :

۱ - نقض آزادیهای فردی :

«لودریکن لارا رئیس جمهوری اکوادور شب گذشته بدنبال ملاقات دوساعته‌اش با رئیس جمهوری مکزیک اعلام کرد که از امروز فعالیت سیاسی دراکوادور بمدت ۵ سال تعطیل خواهد بود و هیچگونه انتخاباتی دراین مدت صورت نخواهد گرفت» .

(برنامه اخبار سیاسی و مذهبی روز ۵۳/۴/۲۱)

۲ - گلایه و بدگویی از معشوق :

«از تو ای بلای جون گذشتم ، از تو ای نامهربون گذشتم ، قصه شیرین دل تموم شد ، عمر من به پای تو حروم شد این دل هرزه گرد تو ، قلب سیاه و سرد تو ، این دل هرزه گرد تو ، قلب سیاه و سرد تو ، بردارو از این خونه برو.»

(برنامه بامدادی - ۵۳/۴/۱۱)

۳ - ازهم گسیختگی خانواده :

« و باز میبینم دوست داشتن يك موجود یعنی پذیرفتن و پیرشدن با او . من به چنین عشقی مایل نیستم» .

(مجله خبری رادیو - ۵۳/۵/۲۷)

۴ - پیشگیری ، بهداشت و درمان .

« . . . در رنگ حلال‌هایی وجود دارم مثل بنزین یا حلالهای مشابه اون ، این حلال‌ها روی سلامتی کارگر موثره اگر استنشاق چنین ذراتی مدت زیادی ادامه پیدا کند تبدیل میشه به عوارض مزمن و خطراتش در بدن کارگر میمونه و عواقب خوبی نداره ، عوارض مزمنی که در این مورد بوجود میاد یکی سرگیجه هست ، سردرد ، تحریک عصبی هست ، مسمومیت‌های شبیه مسمومیت الکل

(برنامه کارگران - روز ۵۳/۴/۱۶)

۵ - پشتیبانی از آزادیهای فردی :

« . . . هیأت نمایندگی شیلی بعنوان اعتراض سالن کنفرانس را ترك گفت

علت این اقدام نمایندگی شیلی در این کنفرانس این بود که ۱۲۵ کشور عضو سازمان جهانی کار با تصویب قطعنامه‌ای رژیم جدید شیلی را بخاطر تعطیل کردن اتحادیه‌های کارگری وعدم رعایت حقوق بشر محکوم کردند .
(اخبار ۵۳/۴/۴)

۶ - سنت‌شکنی :

« . . . آنقدر از این پسر بهروز بدم می‌آد که نگو ، پسره احمق با اون مثنوی خوندهش . مثنوی چه دنیائی ، مولوی يك آدم گنده غول ، خوب به ما چه . . . »

(قصه‌های ما - ۵۳/۶/۱)

۷ - افزایش قیمت‌ها و ایجاد وحشت اقتصادی :

در شرایط و احوالی که دنیا در تاروپود مشکلات مالی و اقتصادی دست‌وپا می‌زند کمبود انرژی قابل جبران است و سبب توقف زندگی نخواهد شد ، در صورتیکه کمبود مواد غذایی و رشد جمعیت در جهان امروز موجب نابسامانی خواهد شد

(اخبار ۵۳/۴/۲۱)

۸ - میخوارگی :

« ای ساقی ، امشب من ، مست مستم ، آه اگر توبه کردم ، ساغر شکستم ، ساغر می‌پیایی بده ساقی تا نمانده از آن می‌دگر ساقی . »
(موسیقی ایرانی ۵۳/۶/۱)

۹ - کامجوئی :

« کاش يك شب می‌شنیدم بوی آغوش ترا در خیال من نمی‌کنجد وصال چون تویی حیرتی دارم چو می‌بینم هم‌آغوش ترا » .
(برنامه گلها ۳۵/۵/۲۲)

۱۰ - کسب درآمد از طریق کار و کوشش

« اینطور که من الان خبر دارم اکثر این خشکشوئی‌های بزرگ ، قبلاً کارگر بودند که در اثر سعی و کوشش خودشون صاحب مغازه شدند » .
(برنامه کارگران ۵۳/۴/۱۶)

۱۱ - فریب وریا :

« يك عده از شنوندگان کم‌لطف ما این مسابقه را وسیله تفریح و آزار دیگران قرار دادند به این معنی که بنام برنامه خانه و خانواده به خانه‌ها تلفن میکنند و بعد از اینکه از اسم و رسم مردم باخبر شدند از آنها شماره نوار را می‌پرسند » .

(برنامه خانه و خانواده ۵۳/۴/۴)

۱۲ - نیرومندی و قدرت سیاسی ایران :
«نخست‌وزیر سنگال ترقیات عظیم اقتصادی واجتماعی را که به رهبری خردمندانہ اعلیحضرت ہمایون شاہشاہ آریامہر نصیب ملت ایران شدہ است مورد تقدیر و تحسین قرار داد» .

(اخبار ۵۳/۴/۲۱)

۱۳ - رازونیا با خداوند وحل مشکل از او خواستن :
«خداوندا ، خداواندا ، خدایا ، چه حکمت دارہ سرگردانی ، چه حکمت ہست دراین بی‌سامانی ازاین کوچیدن ، ازاینجا بہ آنجا»

(ترانہ‌های‌های ایرانی ۵۳/۴/۱۶)

۱۴ - ترغیب بہ حفظ اصول اخلاقی و قانونی :
«... بہ امید برگزار کردن این بازی‌ها و ہمینطور همکاری شما عزیزان درہر مورد چہ ورزش ، چہ ترافیک چہ رعایت نظم و اخلاق»
(برنامہ بہ پیشواز بازیهای آسیائی ۵۳/۶/۹)

۱۵ - خرافہ پرستی و طالع‌جوئی :

«آمار نشان میدہد کہ در حال حاضر ۷ میلیون نفر انگلیسی درزندگی خودشون تمام نصایح و راهنماییهای طالع‌بین‌ہارو تحت عنوان فال امروز شما وغیرہ با دقت فوق‌العادہ عمل میکنند ؛ . تعداد این افراد در آمریکا ۱۱ میلیون نفر ہم بیشترہ و روز بہ روز بر تعداد این افراد افزودہ میشہ»
(برنامہ بامدادی ۵۳/۴/۱۱)

۱۶ - خشونت :

«... آخ کہ چقدر دلم میخواد سماور را روی سرشان خرد کنم»
(قصہ‌های ما ۳۵/۶/۱)

۱۷ - ایجاد رفاه بیشتر برای مردم :

«... آخرین ناطق امروز مجلس مژدہ شروع عملیات ساختمانی راہ دماوند و فیروزکوه را بنمایندگان داد و گفت با ساختن این راہ آرزوی مردم دماوند و فیروزکوه برآورده میشود .»

(اخبار ۵۳/۴/۹)

۱۸ - شرارت و خرابکاری :

«درجریان تیراندازی‌های پراکنده دیشب در بلفاست یک سرباز انگلیسی و یک دربان مہمانخانہ شدت زخمی شدند ، مقامات انتظامی اظهار داشتند عدہ‌ای ناشناس یک انبار بزرگ چوب را بہ آتش کشانده‌اند و خسارات سنگینی وارد

کرده‌اند . مقامات پلیس اضافه کردند دوجوان مسلح به مسلسل به سوی يك رستوران آتش گشودند و با اتومبیلی که درانتظار آنها بود فرار کردند»
(اخبار ۵۳/۴/۷)

۱۹ - دسیسه :

«من نمی‌خواهم اظهار عقیده بکنم چون بی‌طرف هستم ولی يك جمله معروفی هست که میگوید تفرقه بیانداز و حکومت کن . خیلی خوشم آمد کاملاً درست است .»

(قصه‌های ما ۵۳/۶/۱)

۲۰ - تشویق به استفاده از سرگرمیهای مفید .

«این حسن تصادف بود که این نواری را که شما انتخاب کردید مطلبی درباره کتاب باشد . خانم بجای اینکه موتورسیکلت برای برادرشان بخرد اقلاً کتاب بخرد که بخوانند و سطح آگاهیشان بالا برود .»
(برنامه خانه و خانواده ۵۳/۴/۴)

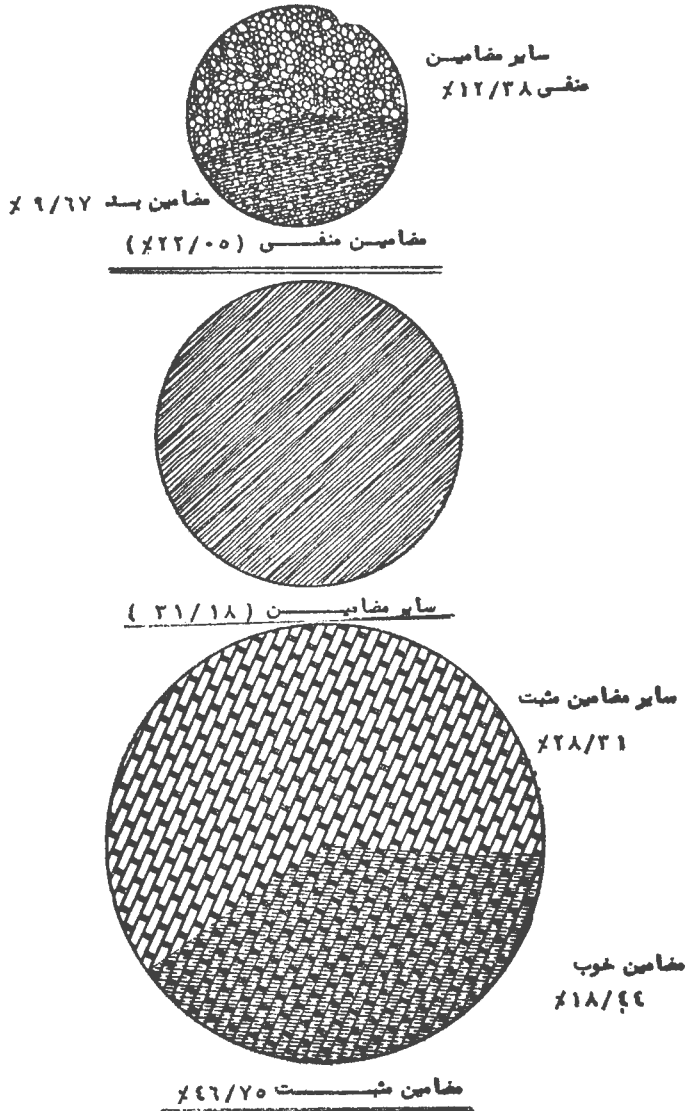
درمیان ۱۲۸۲۰۶۶ واحد گفتار رادیوئی ۵۷۱۳۲۸ (۴۴/۵۶ درصد) مضمون مثبت . ۲۸۲۷۹۸ واحد (۲۲/۰۵ درصد) مضمون منفی و ۴۲۷۹۴۰ واحد (۳۳/۳۷ درصد) سایر مضامین بشرح زیر دیده شد :

نسبت مضامین مثبت ، منفی و سایر مضامین دربرنامه‌های رادیو ایران

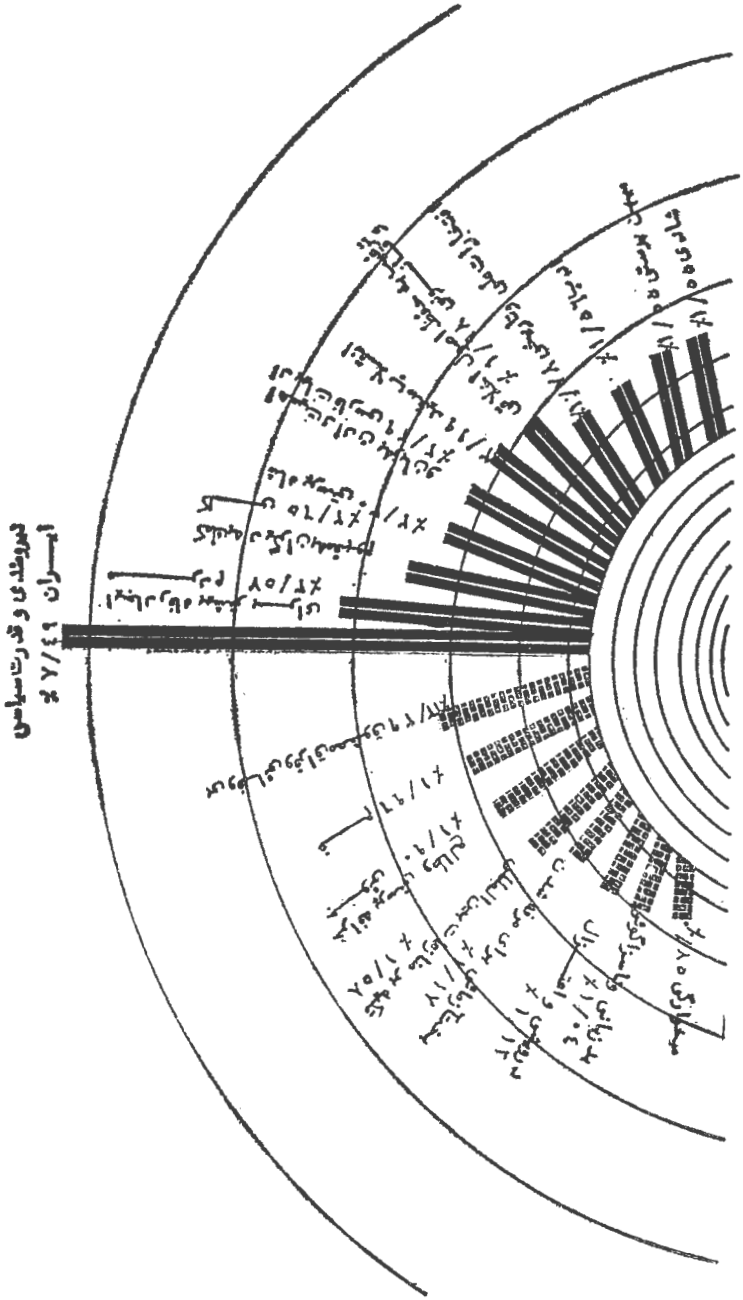
برنامه اول

۱۸/۴۴	۲۳۶۴۹۸	مضامین خوب	مضامین مثبت
۲۸/۳۱	۳۶۳۰۱۰	سایر مضامین مثبت	
۴۶/۷۵	۵۹۹۵۰۹	جمع مضامین مثبت	مثبت
۹/۶۷	۱۲۳۹۷۸	مضامین بد	مضامین منفی
۱۲/۳۸	۱۵۸۸۲۰	سایر مضامین منفی	
۲۲/۰۵	۲۸۲۷۹۸	جمع مضامین منفی	منفی
۳۱/۱۸	۴۹۹۷۶۰	جمع سایر مضامین	سایر مضامین

نسبت مضامین مختلف در برنامه های رادیو ایران



نمودار مضامین مثبت و منفی دربرنامه‌های رادیو ایران (برنامه اول)

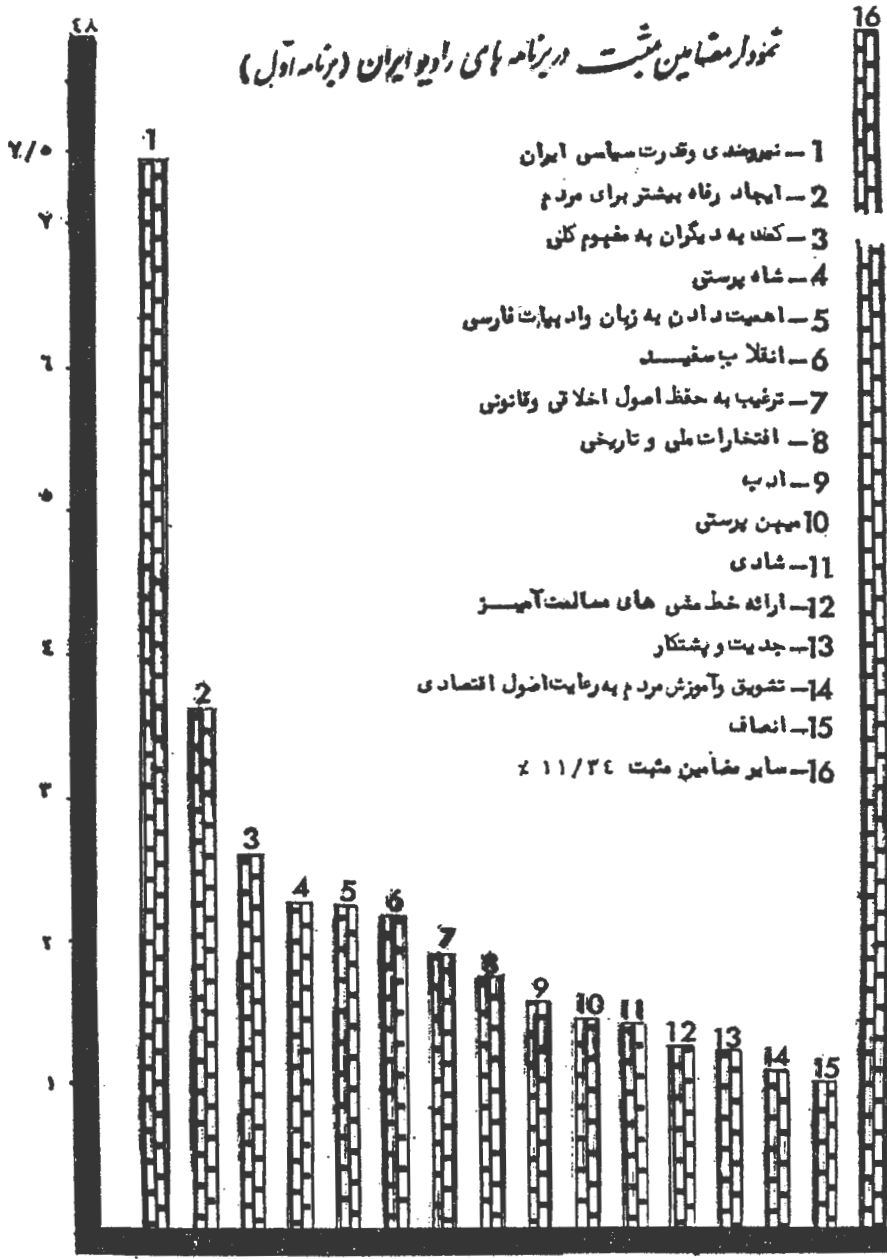


بطور کلی بزرگترین مضمون یافت شده در کل برنامه‌های رادیو مضمون اطلاعات علمی (از گروه سایر مضامین) است که ۷/۵۳ درصد مضمون‌ها را تشکیل میدهد و پس از آن (مضمون نیرومندی و قدرت سیاسی ایران) از گروه سایر مضامین مثبت با ۷/۴۹ درصد قرار دارد.

الف - مضامین مثبت

۷/۴۹ درصد	۱ - نیرومندی و قدرت سیاسی ایران
« ۳/۵۷	۲ - ایجاد رفاه بیشتر برای مردم
« ۲/۶۵	۳ - کمک به دیگران به مفهوم کلی
« ۲/۳۰	۴ - شاه‌پرستی
« ۲/۲۹	۵ - اهمیت دادن به زبان و ادبیات فارسی
« ۲/۱۹	۶ - انقلاب سفید
« ۱/۹۸	۷ - ترغیب به حفظ اصول اخلاقی و قانونی
« ۱/۷۸	۸ - افتخارات ملی و تاریخی
« ۱/۵۶	۹ - ادب
« ۱/۵۵	۱۰ - میهن‌پرستی
« ۱/۵۵	۱۱ - شادی
« ۱/۲۸	۱۲ - ارائه خط‌مشی‌های سلامت‌آمیز
« ۱/۲۷	۱۳ - جدیت و پشتکار
« ۱/۱۲	۱۴ - تشویق و آموزش مردم به رعایت اصول اقتصادی
« ۱/۰۹	۱۵ - انصاف
« ۰/۹۶	۱۶ - راستی، صداقت و اخلاص
« ۰/۹۵	۱۷ - تشریح صفات الهی
« ۰/۹۵	۱۸ - تعالیم مذهبی
« ۰/۹۲	۱۹ - پشتیبانی از آزادیهای فردی
« ۰/۹۱	۲۰ - دوری جستن از اتلاف وقت
« ۰/۸۰	۲۱ - تعالیم اخلاقی اسلام
« ۰/۷۶	۲۲ - تشویق به استفاده از سرگرمیهای معین
« ۰/۶۸	۲۳ - فروتنی
« ۰/۶۳	۲۴ - امید
« ۰/۶۱	۲۵ - مهربانی و نیکی
« ۰/۵۴	۲۶ - انضباط و وظیفه‌شناسی
« ۰/۵۳	۲۷ - اتکاء به نفس

شماره مضامین مثبت در برنامه های رادیو ایران (برنامه اول)

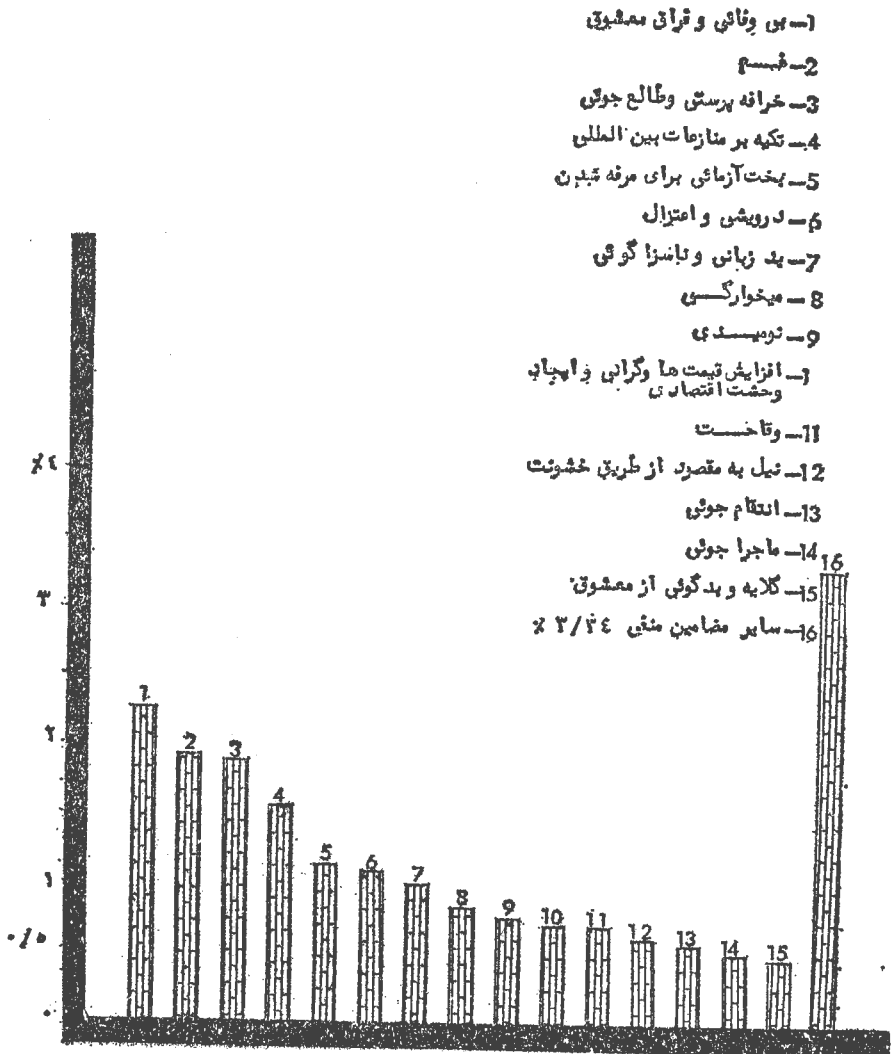


۲۸- سایر مضامین مثبت (لطفاً جداول شماره ۳ و ۴ را ملاحظه فرمائید)

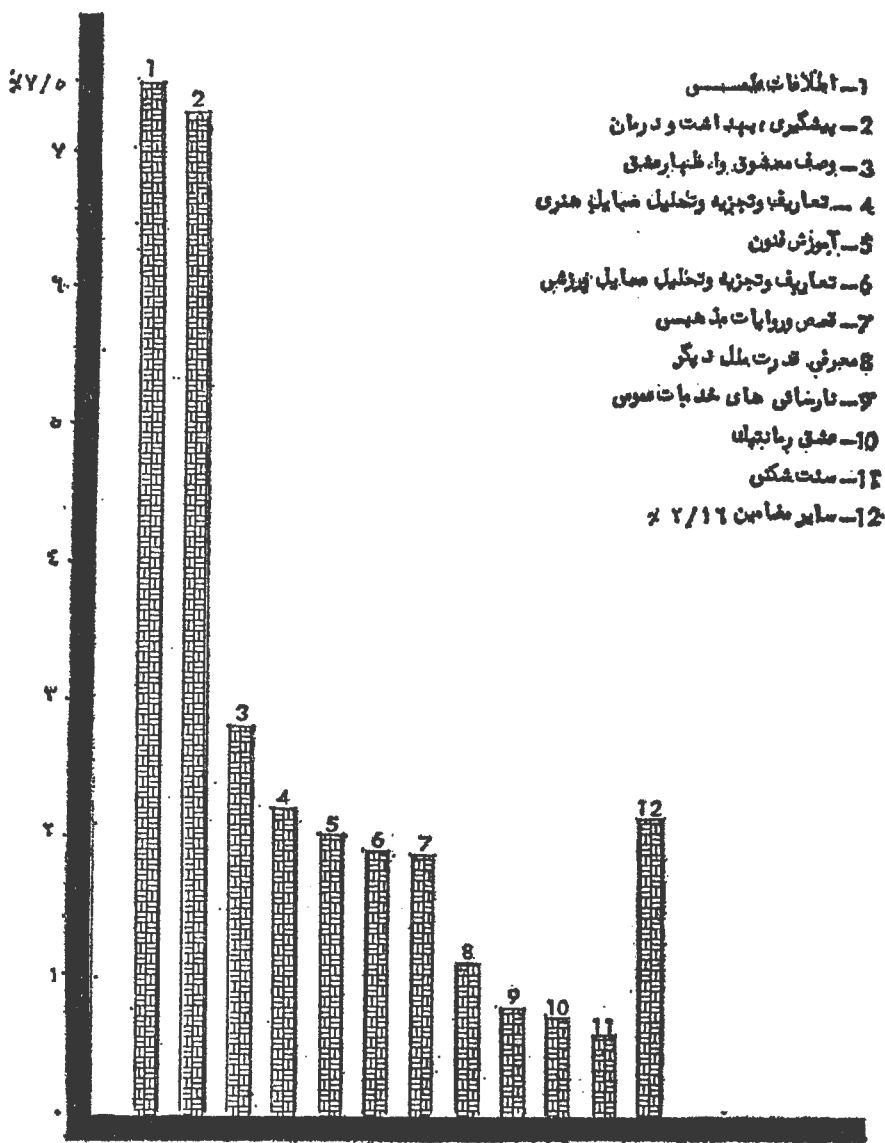
- ب - مضامین منفی
- ۱ - بی‌وفائی و فراق معشوق ۲/۲۹ درصد
- ۲ - غم ۱/۹۶ «
- ۳ - خرافه‌پرستی و طالع‌جوئی ۱/۹۰ «
- ۴ - تکیه بر منازعات بین‌المللی ۱/۵۸ «
- ۵ - بخت‌آزمائی برای مرفه شدن ۱/۱۷ «
- ۶ - درویشی و اعتراض ۱/۱۲ «
- ۷ - بدزبانی و ناسزاگوئی ۱/۰۴ «
- ۸ - میخوارگی ۰/۸۵ «
- ۹ - نومیدی ۰/۸۱ «
- ۱۰ - افزایش قیمت‌ها و گرانی و ایجاد وحشت اقتصادی ۰/۷۳ «
- ۱۱ - وقاحت ۰/۷۲ «
- ۱۲ - نیل به مقصود از طریق خشونت ۰/۶۱ «
- ۱۳ - انتقام‌جوئی ۰/۵۹ «
- ۱۴ - ماجراجوئی ۰/۵۳ «
- ۱۵ - گلایه و بدگوئی از معشوق ۰/۵۱ «
- ۱۶ - سایر مضامین منفی (لطفاً جداول ۶ و ۵ را ملاحظه فرمائید) ۳/۳۴ «

- پ - سایر مضامین
- ۱ - اطلاعات علمی ۷/۵۳ درصد
- ۲ - پیشگیری، بهداشت و درمان ۷/۳۰ «
- ۳ - وصف معشوق و اظهار عشق ۲/۸۰ «
- ۴ - تعاریف و تجزیه و تحلیل مسائل هنری (بجز رویدادها) ۲/۱۹ «
- ۵ - آموزش فنون ۲/۰۵ «
- ۶ - تعاریف و تجزیه و تحلیل مسائل ورزشی (بجز رویدادها) ۱/۹۰ «
- ۷ - قصص و روایات مذهبی ۱/۸۹ «
- ۸ - معرفی قدرت ملل دیگر ۱/۲۷ «
- ۹ - نارسائی‌های خدمات عمومی ۰/۷۷ «
- ۱۰ - عشق رمانتیک ۰/۶۷ «
- ۱۱ - سنت‌شکنی ۰/۵۹ «
- ۱۲ - سایر مضامین (لطفاً جدول شماره ۷ را ملاحظه فرمائید) ۲/۱۶ «

مردم مضامین منتهی در برنامه های رادیو ایران (برنامه اول)



نمودار سایر مضامین در برنامه های رادیو ایران (برنامه اول)



نسبت مضامین مختلف در برنامه های رادیو ایران

جدول ۳ مضامین مثبت (مضامین خوب) در برنامه‌های مختلف رادیو ایران (فرستنده‌ها اول)

مضامین خوب		برنامه‌های آگاه کننده		برنامه‌های سرگرم کننده		برنامه‌های آموزنده		جمع	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۲۳۳۱۴	۴/۸۴	۸۳۵۴	۱/۵۷	۲۴۰۴	۰/۹۰	۳۴۰۷۱	۲/۶۵		
۲۹۰۴۷	۶/۰۳	۵۳۰	۰/۰۹	-	-	۲۹۵۷۷	۲/۲۰		
۶۶۸۸	۱/۳۸	۱۸۶۹۶	۳/۵۱	-	-	۲۵۳۸۴	۱/۹۸		
۶۱۱۵	۱/۲۶	۶۷۶۲	۱/۲۷	۷۲۱۰	۲/۷۰	۲۰۰۸۷	۱/۵۶		
۱۷۰۰۸	۳/۵۴	۳۰۴۹	۰/۵۷	-	-	۲۰۰۵۷	۱/۵۵		
۵۷۱	۰/۱۲	۱۴۱۸۸	۲/۶۷	۱۵۲۹	۰/۵۷	۱۶۲۸۸	۱/۲۷		
۲۴۸۳	۰/۵۱	۸۴۶۶	۱/۵۹	۳۰۵۹	۱/۱۴	۱۴۰۲۸	۱/۰۹		
۵۶۸	۰/۱۲	۸۴۸۵	۱/۵۹	۳۲۷۷	۱/۲۲	۱۲۳۳۱	۰/۹۶		
۴۵۸۶	۰/۹۴	۷۶۱۰	۱/۳۴	-	-	۱۱۷۴۶	۰/۹۱		
-	-	۱۱۹۴	۰/۲۲	۹۱۷۷	۲/۴۳	۱۰۳۷۰	۰/۸۰		
-	-	۶۷۶۲	۱/۲۷	۱۹۶۵	۰/۷۳	۸۷۲۷	۰/۶۸		
۱۳۴۰	۰/۲۷	۲۶۵۲	۰/۴۹	۳۹۳۳	۱/۴۷	۷۹۲۵	۰/۶۱		
۳۸۲	۰/۰۷	۶۶۳۰	۱/۲۴	-	-	۷۰۱۲	۰/۵۴		
-	-	۲۲۵۴	۰/۴۲	۴۵۸۸	۱/۷۱	۶۸۴۲	۰/۵۲		
۱۱۴۶	۰/۲۳	۳۸۴۵	۰/۷۲	-	-	۴۹۹۱	۰/۳۸		
-	-	۴۲۴۳	۰/۷۹	-	-	۴۲۴۳	۰/۳۳		
۱۷۱۹	۰/۳۵	۵۳۰	۰/۰۹	-	-	۲۲۴۹	۰/۱۷		
۵۷۰	۰/۱۲	-	-	-	-	۵۷۰	۰/۰۴		
۹۵۵۳۷	۱۹/۸۴	۱۰۳۸۱۹	۱۹/۴۴	۳۷۱۴۲	۱۳/۹۱	۲۳۶۴۹۸	۱۸/۴۴		

جدول شماره پنجم ثبت در برنامه‌های مختلف رادیو ایران (فرستاده اول)

جمع	برنامه‌های آموزشی		برنامه‌های سرگرم کننده		برنامه‌های آگاه کننده		سایر برنامه‌های ثبت	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۲/۴۹	۹۶۱۲۲	-	-	۱/۲۰	۶۴۹۸	۱۸/۶۱	۸۹۶۲۵	۱- نیرومندی و قدرت سیاسی ایران
۲/۵۷	۴۵۷۱۷	-	-	۰/۵۹	۲۱۸۲	۸/۸۶	۴۲۶۱۵	۲- ایجاد رفاه بیشتر برای مردم
۲/۲۹	۲۹۴۹۶	۱۱/۰۵	۲۹۴۹۶	-	-	-	-	۳- اهمیت دادن به زبان و ادبیات فارسی
۲/۱۹	۲۸۱۸۰	-	-	۲/۵۵	۱۳۶۵۷	۳/۰۲	۱۴۵۲۳	۴- انقلاب سفید
۱/۷۸	۲۲۸۰۹	۵/۴۰	۱۴۴۲۱	۰/۸۲	۴۳۷۵	۰/۸۳	۴۰۱۲	۵- افتخارات ملی و تاریخی
۱/۵۸	۲۰۴۹۱	۶/۹۵	۱۸۵۷۲	-	-	۰/۳۵	۱۷۱۹	۶- ارزش اسلام
۱/۵۵	۱۹۸۹۰	-	-	۳/۲۴	۱۹۸۹۰	-	-	۷- شادی
۱/۲۸	۱۶۴۳۴	-	-	-	-	۳/۴۲	۱۶۴۳۴	۸- ارائه خط مشی‌های مسالمت آمیز
۱/۱۲	۱۴۴۴۳	۴/۶۶	۱۲۴۵۴	۰/۲۷	۱۹۸۹	-	-	۹- تشویق و آموزش مردم به رعایت اصول اقتصادی
۰/۸۵	۱۲۲۱۸	۳/۶۸	۹۸۲۲	۰/۴۵	۲۳۸۶	-	-	۱۰- تشریح صفات الهی
۰/۹۵	۱۲۱۸۶	۳/۶۷	۹۸۰۰	۰/۴۵	۲۳۸۵	-	-	۱۱- تعالیم مذهبی
۰/۹۲	۱۱۸۰۴	-	-	۰/۱۰	۵۳۰	۲/۳۵	۱۱۲۲۴	۱۲- پشتیبانی از آزادبچای فردی
۰/۷۶	۹۸۴۳	-	-	۰/۷۷	۴۱۱۰	۱/۱۸	۵۷۳۳	۱۳- تشویق به استفاده از سرگرمیهای سفید
۰/۶۳	۸۱۳۸	۱/۳۱	۳۴۹۷	۰/۸۷	۴۶۴۱	-	-	۱۴- امید
۰/۴۹	۶۳۶۰	-	-	۰/۸۷	۴۶۴۱	۰/۳۶	۱۷۱۹	۱۵- تحکیم روابط خانوادگی
۰/۳۴	۴۳۷۵	-	-	۰/۸۲	۴۳۷۵	-	-	۱۶- قناعت
۰/۳۲	۲۹۱۷	-	-	۰/۵۵	۲۹۱۷	-	-	۱۷- راز و نیازها خداوند و حل مشکل از او خواستن
۰/۱۳	۱۷۰۷	۰/۴۹	۱۳۱۰	۰/۰۷	۳۹۷	-	-	۱۸- تأکید بر درست سخن گفتن
۲۸/۳۱	۳۶۲۰۱۰	۲۷/۲۳	۹۹۳۸۲	۱۴/۲۳	۷۵۹۷۳	۳۸/۹۸	۸۷۶۰۵۰	جمع سایر برنامه‌های ثبت
۴۶/۷۵	۵۹۹۵۰۹	۵۱/۱۴	۱۳۶۵۲۴	۳۳/۶۷	۱۷۱۹۹۲	۵۸/۸۲	۲۸۳۱۹۲	جمع ضمیمه ثبت

جدول ۶. مضامین منفی (مضامین بد) در برنامه‌های مختلف رادیو ایران (فرستنده اول)

مضامین بد		برنامه‌های آگاه کننده		برنامه‌های سرگرم کننده		برنامه‌های آموزشی		جمع
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۲۲۹۰	۰/۴۷	۲۲۱۴۴	۴/۱۶	-	-	۲۴۴۳۴	۱/۹۰	- خرافه پرستی و طالع جوش
۳۷۸	۰/۰۸	۱۲۹۹۴	۲/۴۴	-	-	۱۳۳۷۲	۱/۰۴	- بد زبانی و ناسزا گوئی
۱۱۴۷	۰/۲۴	۷۱۶۰	۱/۳۴	۲۱۲۲	۰/۹۸	۱۰۹۲۹	۰/۸۵	- میخوارگی
-	-	۹۲۸۲	۱/۷۴	-	-	۹۲۸۲	۰/۷۲	- وقاحت
۷۸۳۵	۱/۱۳	-	-	-	-	۷۸۳۵	۰/۶۱	- نهد به مقصود از طریق خشونت
۲۲۹۲	۰/۴۷	۳۳۱۵	۰/۶۲	۱۹۶۶	۰/۷۳	۷۵۷۴	۰/۵۹	- انتقام جوش
۶۸۷۹	۱/۴۳	-	-	-	-	۶۸۷۹	۰/۵۳	- ماجراجوشی
-	-	۱۵۹۱	۰/۲۹	۴۵۸۸	۱/۷۱	۶۱۷۹	۰/۴۸	- فریب زوربا
۱۱۴۵	۰/۲۳	۴۲۴۰	۰/۷۹	-	-	۵۳۸۵	۰/۴۲	- تزویر
۴۰۱۳	۰/۸۳	۲۶۰	۰/۰۴	-	-	۴۲۷۳	۰/۳۳	- ۱- قهر
۳۸۲۲	۰/۷۹	۲۶۵	۰/۰۵	-	-	۴۰۸۷	۰/۳۱	- ۱- دسیسه
۲۱۰۲	۰/۴۳	۱۹۸۹	۰/۳۷	-	-	۴۰۹۱	۰/۳۱	- ۱- حيله گری
۳۶۳۰	۰/۷۵	-	-	-	-	۳۶۳۰	۰/۲۸	- ۱- شرارت و خرابکاری
-	-	۳۱۵۲	۰/۶۰	-	-	۳۱۵۲	۰/۲۴	- ۱- چاپلوسی
۱۷۱۹	۰/۳۵	۱۳۲۱	۰/۲۵	-	-	۳۰۴۰	۰/۲۳	- ۱- خشونت مطلق
-	-	۲۶۵۲	۰/۴۹	-	-	۲۶۵۲	۰/۲۰	- ۱- همکاری و خمودگی
۱۷۱۹	۰/۳۵	۹۲۸	۰/۱۷	-	-	۲۶۴۷	۰/۲۰	- ۱- ناسازگاری با محیط و خانواده
-	-	۲۱۲۱	۰/۴۰	-	-	۲۱۲۱	۰/۱۶	- ۱- بوالهوس
-	-	۱۴۵۸	۰/۲۷	-	-	۱۴۵۸	۰/۱۱	- ۱- ناتوانی و هجر
-	-	۹۲۸	۰/۱۷	-	-	۹۲۸	۰/۰۷	- ۲- جنایت
۳۸۹۷۲	۸/۰۹	۷۵۸۳۰	۱۴/۲۰	۹۱۷۶	۳/۴۳	۱۴۳۹۷۸	۹/۱۲	جمع مضامین بد

جدول ۶ - سازمان سنجش در برنامه‌های مختلف رادبوهران (مرتب شده اول)

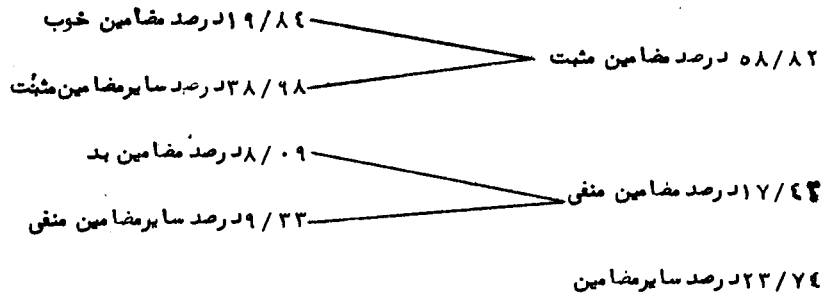
جمع		برنامه‌های آموزشی		برنامه‌های سرگرم کننده		برنامه‌های آگاه کننده		سایر برنامه‌های سنجش
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲/۲۹	۲۹۲۴۷	-	-	۵/۴۱	۲۸۷۷۴	۰/۱۱	۵۷۳	۲۱- بی وفایی و فراق معشوق
۱/۱۶	۲۵۱۸۶	۰/۱۵	۱۷۴۸	۴/۲۶	۲۲۶۷۴	۰/۱۵	۷۶۴	۲۲- م
۱/۵۸	۲۰۲۵۶	-	-	-	-	۴/۲۰	۲۰۲۵۶	۲۳- تکیه بر منازعات بین الطلی
۱/۱۷	۱۵۰۶۵	-	-	۲/۲۹	۱۲۱۱۹	۰/۵۹	۲۸۱۶	۲۴- بخت آزمایی برای مرده شدن
۱/۱۲	۱۴۴۵۱	۴/۴۲	۱۱۷۹۱	۰/۴۹	۲۶۵۲	-	-	۲۵- درویشی و اعتزال
۰/۸۱	۱۰۳۳۹	۰/۲۴	۶۵۸	۱/۱۹	۹۰۱۷	۰/۱۵	۷۶۴	۲۶- نوبدی
۰/۷۳	۹۳۶۳	-	-	-	-	۱/۱۴	۹۳۶۳	۲۷- افزایش قیمت ها و گرانی و ایجاد
۰/۵۱	۶۶۳۰	-	-	۱/۲۴	۶۶۳۰	-	-	و حشت اقتصادی ۲۸- گلابه و بدگوشی از معشوق
۰/۴۹	۶۳۶۴	-	-	۱/۱۹	۶۳۶۴	-	-	۲۹- ازدواج به چشم داشت ثروت
۰/۴۴	۵۶۶۳	-	-	۰/۱۲	۲۲۵۴	۰/۱۱	۳۴۳۹	۳۰- تشویق مردم به مصرف
۰/۴۲	۵۴۳۶	-	-	۱/۰۲	۵۴۳۶	-	-	۳۱- ولخرجی
۰/۲۹	۳۷۲۳	-	-	۰/۴۴	۲۳۸۱	۰/۲۷	۱۳۲۷	۳۲- از هم گسستگی خانواده
۰/۲۸	۳۶۱۹	-	-	۰/۲۴	۱۳۲۶	۰/۴۷	۲۲۹۳	۳۳- تجمل گرایی و مد پرستی
۰/۲۵	۳۲۴۸	-	-	-	-	۰/۱۷	۳۲۴۸	۳۴- نقض آزادیهای فردی
۱۲/۳۸	۱۵۸۸۲۰	۵/۳۲	۱۴۲۰۵	۱۸/۶۸	۹۹۷۱۲	۹/۳۳	۴۴۹۰۳	جمع سایر برنامه‌های سنجش
۲۲/۰۵	۲۸۲۷۹۸	۸/۷۵	۲۳۳۸۱	۳۲/۸۸	۱۷۵۵۴۲	۱۲/۴۲	۸۳۸۷۵	جمع برنامه‌های سنجش

جدول ۷ سایر مضامین در برنامه‌های مختلف رادیو ایران (فرستاده اول)

سایر مضامین		برنامه‌های آگاه کننده		برنامه‌های سرگرم کننده		برنامه‌های آموزنده		جمع	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۳۴۰۱۵	۷/۰۶	۱۲۰۶۶	۲/۲۶	۵۰۴۷۳	۱۸/۹۱	۹۶۵۵۴	۷/۵۳		
۵۷۴	۰/۱۲	۴۰۳۱۰	۷/۵۵	۵۲۶۵۸	۱۹/۷۲	۹۳۵۴۲	۷/۳۰		
۵۷۳	۰/۱۲	۳۴۸۷۳	۶/۵۳	۴۳۷	۰/۱۶	۳۵۸۸۳	۲/۸۰		
۲۷۵۱۸	۵/۷۲	۶۶۳	۰/۱۲	-	-	۲۸۱۸۱	۲/۱۹		
۵۷۳	۰/۱۲	۲۵۷۲۴	۴/۸۱	-	-	۲۶۲۹۷	۲/۰۵		
۱۷۱۹۹	۳/۵۸	۷۱۶۰	۱/۳۴	-	-	۲۴۳۵۹	۱/۹۰		
-	-	۲۴۲۶۵	۴/۵۶	-	-	۲۴۲۶۵	۱/۸۹		
۱۶۰۵۲	۳/۳۲	۲۶۶	۰/۰۵	-	-	۱۶۳۱۸	۱/۲۷		
۱۱۸۸	۱/۳۹	۳۱۸۲	۰/۵۱	-	-	۹۸۷۰	۰/۷۷		
۳۸۰	۰/۰۷	۷۸۲۳	۱/۴۷	۴۱۵	۰/۱۵	۸۶۱۸	۰/۶۷		
۱۵۲۸	۰/۳۱	۵۷۰۱	۱/۰۷	۴۳۷	۰/۱۶	۷۶۶۶	۰/۵۹		
۵۷۳	۰/۱۲	۳۳۱۵	۰/۶۲	۱۱۴۸	۰/۷۲	۵۸۳۶	۰/۴۵		
۱۱۴۶	۰/۲۳	۳۸۵۵	۰/۷۲	۶۴۵	۰/۲۴	۵۶۳۶	۰/۴۳		
-	-	۴۳۷۶	۰/۸۲	-	-	۴۳۷۶	۰/۳۴		
۴۰۱۳	۰/۸۵	-	-	-	-	۴۰۱۳	۰/۳۱		
۳۴۳۹	۰/۷۱	-	-	-	-	۳۴۳۹	۰/۲۶		
-	-	۳۱۸۲	۰/۵۹	-	-	۳۱۸۲	۰/۲۴		
-	-	۱۷۲۵	۰/۲۳	-	-	۱۷۲۵	۰/۱۳		
۱۱۴۲۷۱	۲۳/۷۴	۱۷۸۴۷۶	۳۳/۴۴	۱۰۷۰۱۳	۴۰/۰۹	۳۹۹۷۶۰	۲۱/۱۸		

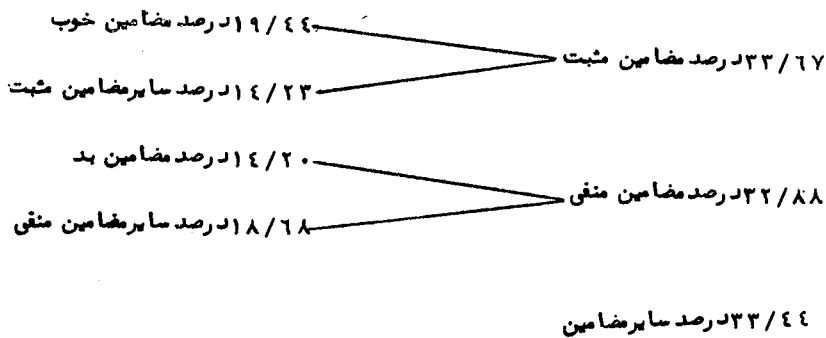
بیشتر مضامین برنامه‌های آگاه‌کننده را مضامین مثبت تشکیل میدهد :

برنامه‌های آگاه‌کننده شامل :

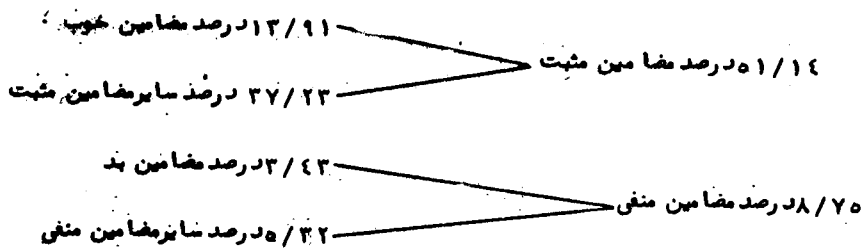


مضامین مثبت ، منفی و سایر مضامین تقریباً به نسبت مساوی در برنامه‌های سرگرم‌کننده وجود دارند :

برنامه‌های سرگرم‌کننده شامل :



۳۳/۴۴ درصد سایر مضامین
 بیش از نیمی از مضامین برنامه‌های آموزنده را مضامین مثبت تشکیل
 میدهد :
 برنامه‌های آموزنده شامل :



۴۰/۰۹ درصد سایر مضامین

بیشتر مضامین مثبت در برنامه‌های آگاه‌کننده یافت شد زیرا ۴۷/۰۲ درصد
 از کل مضامین مثبت برنامه‌های رادیو در برنامه‌های آگاه‌کننده بود .
 بیشتر مضامین منفی در برنامه‌های سرگرم‌کننده یافت شد زیرا ۶۲/۰۷
 درصد از کل مضامین منفی برنامه‌های رادیو در برنامه‌های سرگرم‌کننده بود .
 سایر مضامین در هر سه گروه برنامه ، بترتیب بیشتر در برنامه‌های
 سرگرم‌کننده سپس آگاه‌کننده و آموزنده قرار دارد :

۱ - مضامین مثبت :

الف - مضامین خوب = ۱۰۰ درصد

- | | |
|------------|----------------------------|
| ۴۳/۸۹ درصد | ۱ - برنامه‌های سرگرم‌کننده |
| « ۴۰/۳۹ | ۲ - برنامه‌های آگاه‌کننده |
| « ۱۵/۷۲ | ۳ - برنامه‌های آموزنده |

ب - سایر مضامین مثبت = ۱۰۰ درصد

- | | |
|------------|----------------------------|
| ۵۱/۶۹ درصد | ۱ - برنامه‌های آگاه‌کننده |
| « ۲۷/۳۷ | ۲ - برنامه‌های آموزنده |
| « ۲۰/۹۲ | ۳ - برنامه‌های سرگرم‌کننده |

جمع مضامین خوب و سایر مضامین مثبت = ۱۰۰ درصد

- ۱ - برنامه‌های آگاه‌کننده « ۴۷/۲۳
 ۲ - برنامه‌های سرگرم‌کننده « ۲۹/۹۸
 ۳ - برنامه‌های آموزنده « ۲۲/۷۷

۲ - مضامین منفی :

الف - مضامین بد = ۱۰۰ درصد

- ۱ - برنامه‌های سرگرم‌کننده ۶۱/۱۶ درصد
 ۲ - برنامه‌های آگاه‌کننده « ۳۱/۴۳
 ۳ - برنامه‌های آموزنده « ۷/۴۰

ب - سایر مضامین منفی = ۱۰۰ درصد

- ۱ - برنامه‌های سرگرم‌کننده ۶۲/۷۸ درصد
 ۲ - برنامه‌های آگاه‌کننده « ۲۸/۲۷
 ۳ - برنامه‌های آموزنده « ۸/۹۴

جمع مضامین بد و سایر مضامین منفی = ۱۰۰ درصد

- ۱ - برنامه‌های سرگرم‌کننده ۶۲/۰۷ درصد
 ۲ - برنامه‌های آگاه‌کننده « ۲۹/۶۵
 ۳ - برنامه‌های آموزنده « ۸/۲۷

۳ - سایر مضامین = ۱۰۰ درصد

- ۱ - برنامه‌های سرگرم‌کننده ۴۴/۶۴ درصد
 ۲ - برنامه‌های آگاه‌کننده « ۲۸/۵۸
 ۳ - برنامه‌های آموزنده « ۲۶/۷۷

بررسی مضامین مختلف در برنامه‌های گوناگون رادیو نشان میدهد که بیشتر مضامین برنامه‌های آگاه‌کننده مثل اخبار، آگهیها و . . . را نیرومندی و قدرت سیاسی ایران (۱۸/۵۸ درصد مضامین موجود در برنامه‌های آگاه‌کننده) و ایجاد رفاه بیشتر برای مردم (۸/۸۶ درصد) و اطلاعات علمی (۷/۰۶ درصد) تشکیل میدهد. در جدول زیر مضامین مثبت، منفی و سایر مضامین موجود در برنامه‌های آگاه‌کننده نشان داده شده است :

الف - مضامین مثبت در برنامه‌های آگاه‌کننده :

- ۱ - نیرومندی و قدرت سیاسی ایران ۱۸/۵۸ درصد مضامین موجود در برنامه‌های آگاه‌کننده

- « ۱/۲۶ ۲ - ایجاد رفاه بیشتر برای مردم
- « ۶/۰۳ ۳ - شاه پرستی
- « ۳/۵۴ ۴ - میهن پرستی
- « ۳/۴۲ ۵ - ارائه خط مشی های مسالمت آمیز
- « ۳/۰۲ ۶ - انقلاب سفید
- « ۲/۳۵ ۷ - پشتیبانی از آزادیهای فردی
- « ۱/۳۸ ۸ - ترغیب به حفظ اصول اخلاقی و قانونی
- « ۱/۲۶ ۹ - ادب

ب - مضامین منفی در برنامه های آگاه کننده :

- « ۴/۲۰ ۱ - تکیه بر منازعات بین المللی
- « ۱/۹۴ ۲ - افزایش قیمت ها و گرانی و ایجاد وحشت اقتصادی
- « ۱/۶۳ ۳ - نیل به مقصود از طریق خشونت
- « ۱/۴۳ ۴ - ماجراجوئی

پ - سایر مضامین در برنامه های آگاه کننده :

- ۱ - اطلاعات علمی ۷/۰۶ درصد مضامین موجود در برنامه های آگاه کننده
- « ۵/۷۲ ۲ - تعاریف و تجزیه و تحلیل مسائل هنری (بجز رویدادها)
- « ۳/۵۸ ۳ - تعاریف و تجزیه و تحلیل مسائل ورزشی (بجز رویدادها)
- « ۳/۳۲ ۴ - معرفی قدرت ملل دیگر
- « ۱/۳۹ ۵ - نارسائی های خدمات عمومی

بیشتر مضامین موجود در برنامه های سرگرم کننده را پیشگیری ، درمان و بهداشت (۷/۵۵ درصد مضامین موجود در برنامه های سرگرم کننده) - وصف معشوق و اظهار عشق (۶/۹۳ درصد) بی وفائی و فراق معشوق (۵/۴۱ درصد) تشکیل میدهد. در جدول زیر مضامین مثبت ، منفی و سایر مضامین موجود در

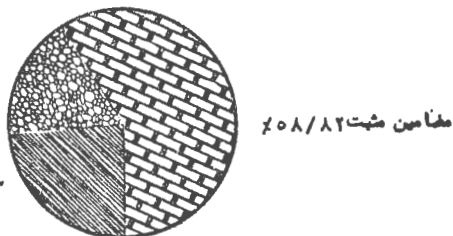
نمودار مقایسه نسبت مضامین مثبت، منفی و سایر مضامین در برنامه های سرگرم کننده ،
آگاه کننده و آموزنده رادیو ایران (برنامه اول)

مضامین منفی (۸ / ۷۵ درصد)



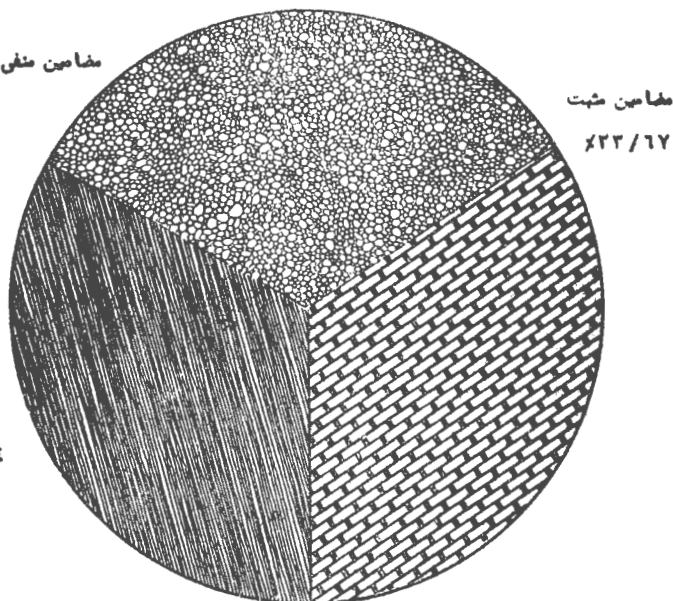
مضامین منفی ۱۷ / ۴۲

سایر مضامین ۲۳ / ۷۴



مضامین منفی ۳۲ / ۸۸

سایر مضامین
۳۳ / ۴۴



برنامه‌های سرگرم‌کننده رادیو نشان داده شده است :

الف - مضامین مثبت دربرنامه‌های سرگرم‌کننده :

۱ - شادی ۳/۷۴ درصد مضامین موجود در

برنامه‌های سرگرم‌کننده

- | | | |
|---|------|---------------------------------------|
| « | ۳/۵۱ | ۲ - ترغیب به حفظ اصول اخلاقی و قانونی |
| « | ۲/۶۷ | ۳ - جدیت و پشتکار |
| « | ۲/۵۵ | ۴ - انقلاب سفید |
| « | ۱/۵۹ | ۵ - انصاف |
| « | ۱/۵۹ | ۶ - راستی ، صداقت و اخلاص |
| « | ۱/۵۷ | ۷ - کمک به دیگران به مفهوم کلی |
| « | ۱/۳۴ | ۸ - دوری جستن از ائتلاف وقت |
| « | ۱/۲۷ | ۹ - ادب |
| « | ۱/۲۷ | ۱۰ - فروتنی |
| « | ۱/۲۴ | ۱۱ - انضباط و وظیفه‌شناسی |
| « | ۱/۲۰ | ۱۲ - نیرومندی و قدرت سیاسی ایران |

ب - مضامین منفی دربرنامه‌های سرگرم‌کننده:

- | | | |
|---|------|------------------------------|
| « | ۵/۴۱ | ۱ - بی‌وفائی و فراق معشوق |
| « | ۴/۲۶ | ۲ - غم |
| « | ۴/۱۶ | ۳ - خرافه‌پرستی و طالع‌جوئی |
| « | ۲/۴۴ | ۴ - بدزبانی و ناسزاگوئی |
| « | ۱/۷۴ | ۶ - وقاحت |
| « | ۱/۶۹ | ۷ - نومیدی |
| « | ۱/۳۴ | ۸ - میخوارگی |
| « | ۱/۲۴ | ۹ - گلایه و بدگوئی از معشوق |
| « | ۱/۱۹ | ۱۰ - ازدواج به چشم‌داشت ثروت |

پ - سایر مضامین دربرنامه‌های سرگرم‌کننده :

- | | | |
|---|------|------------------------------|
| « | ۷/۵۵ | ۱ - پیشگیری ، بهداشت و درمان |
| « | ۶/۵۳ | ۲ - وصف معشوق و اظهار عشق |
| « | ۴/۸۱ | ۳ - آموزش فنون |
| « | ۴/۵۶ | ۴ - قصص و روایات مذهبی |
| « | ۲/۲۶ | ۵ - اطلاعات علمی |
| « | ۱/۴۷ | ۶ - عشق رمانتیک |

۷- تعاریف و تجزیه و تحلیل مسائل ورزشی ۱/۳۴ «

۱۹/۷۲ درصد از مضامین برنامه‌های آموزنده را پیشگیری، بهداشت و درمان تشکیل می‌دهد و پس از آن اطلاعات علمی با ۱۸/۹۰ درصد قرارداد. درج‌داول زیر مضامین مثبت منفی و سایر مضامین برنامه‌های آموزنده نشان داده شده است.

الف - مضامین مثبت

۱ - اهمیت دادن به زبان و ادبیات فارسی	۱۱/۰۵	درصد مضامین موجود در برنامه‌های سرگرم کننده
۲ - ارزش اسلام	۶/۹۵	«
۳ - افتخارات ملی و تاریخی	۵/۴۰	«
۴ - تشویق و آموزش مردم به رعایت اصول اقتصادی	۴/۶۶	«
۵ - تشویق صفات الهی	۳/۶۸	«
۶ - تعالیم مذهبی	۳/۶۷	«
۷ - تعالیم اخلاقی اسلام	۳/۴۳	«
۸ - ادب	۲/۷۰	«

ب - مضامین منفی در برنامه‌های آموزنده :

۱ - درویشی و اعتزال	۴/۴۲	درصد مضامین موجود در برنامه‌های آموزنده
۲ - فریب وریا	۱/۷۱	«
پ - سایر مضامین در برنامه‌های آموزنده :		
۱ - پیشگیری، بهداشت و درمان	۱۹/۷۲	درصد برنامه‌های آموزنده
۲ - اطلاعات علمی	۱۸/۹۰	«

بررسی کلی نشان می‌دهد که سهم مضامین مثبت در برنامه‌های رادیو ایران ۴۶/۷۵ درصد یا بیش از دو برابر مضامین منفی رادیو است. مضامین منفی بیشتر در برنامه‌های سرگرم کننده دیده شده است بطوریکه ۶۲/۰۷ درصد کل مضامین

منفی رادیو در برنامه‌های سرگرم‌کننده ، $\frac{29}{65}$ درصد در برنامه‌های آگاه‌کننده و $\frac{8}{27}$ درصد در برنامه‌های آموزنده است .

متأسفانه نقطه توجه نوجوانان نیز بیشتر برنامه‌های سرگرم‌کننده رادیوست. با محاسبه مجدد و تلفیق جداول بررسی ویژه‌ای که اداره کل بررسی و سنجش وزارت اطلاعات و جهانگردی در سال ۱۳۵۰ تحت عنوان (سنجش درباره کمیت و کیفیت استفاده از وسایل ارتباط عمومی) انجام داد مشخص شد که میزان گرایش نوجوانان به برنامه‌های سرگرم‌کننده رادیو $\frac{83}{100}$ ($\frac{58}{100}$ برنامه‌های سرگرم‌کننده و $\frac{25}{100}$ برنامه‌های سرگرم‌کننده همراه با جنبه‌های آموزشی) $\frac{11}{100}$ به برنامه‌های آگاه‌کننده و $\frac{6}{100}$ به برنامه‌های آموزنده است .

نقش وسائل ارتباط جمعی و مخصوصاً تلویزیون و رادیو در سرگرمی و تفریح برای گذراندن اوقات فراغت بسیار زیاد است و این یکی از نتایج صنعتی شدن و پیشرفت اقتصادی و سیاسی و کاهش ساعات کار میباشد آنچنانکه برخی از جامعه‌شناسان غربی قرن بیستم را قرن تمدن فراغت گفته‌اند .

برنامه‌های سرگرم‌کننده رادیو که ۵۸ درصد از توجه جوانان را به خود معطوف داشته از موسیقی و ترانه‌های ایرانی ، موسیقی ایرانی همراه با نظم فارسی ، موسیقی خارجی ، نمایشنامه‌ها تشکیل شده است .

ترانه‌ها توجه را بخود جلب میکنند . آنها در حالیکه باعث تفریح و نشاط خاطر میشوند آگاهی هم میدهند ، ترانه‌ها اخلاق متداول و عمومی را منعکس میکنند و گاه خود جزء خفایات و حتی سنن جامعه میشوند آنچنان که ترانه (مبارک باد) جزئی از سنت‌های جامعه ما شده است .

با توجه به اینکه در لابلای ترانه‌های فارسی ، شادی ، وصف معشوق ، گلایه از معشوق ، دوری و فراغ و غم موج میزند باید به تأثیر نهائی این ترانه‌ها توجه کرد .

بیشتر اشعار موسیقی ایرانی نیز شاهکارهای فرهنگ و ادب قدیم ایران است ولی باید توجه داشت که بسیاری از مفاهیم و ارزشهای کلاسیک در این اشعار با مقتضیات زندگی کنونی هم‌آهنگی ندارند و بیش‌ازپیش از واقعیت‌های جهان نوجوانان فاصله گرفته‌اند .

نمایشنامه‌های رادیوئی شدیداً مورد استقبال مردم است بنابراین مضامینی که در این گونه برنامه‌های پر استقبال وجود دارد دارای وسعت و قدرت تأثیر بیشتری است .

باید توجه داشت که استقبال مردم از برنامه‌ها نشانه خوب بودن آنها نیست.

«نظریه تهیه برنامه‌ها بر مبنای نظر اکثریت» در مورد وسائل ارتباط جمعی میگوید: باید حداکثر شنونده‌ی ضریب ساعت را بدست آورد. عبارت دیگر یک حوزه وسیع انتشاراتی و تبلیغاتی ایجاد کرد. بر اساس این نظریه تعداد شنوندگان هر برنامه نمایانگر میزان الحراره‌ای است که میتوان بر مبنای آن موفقیت برنامه‌ها را سنجید. به این ترتیب هدف، افزایش کمی است و محتوی برنامه اهمیتی ندارد نظریه «تهیه برنامه‌ها بر مبنای اعمال ارزشهای مورد نظر» در مورد وسائل ارتباط جمعی معتقد به اعمال هر چه بیشتر ارزشهای سیاسی، مذهبی، ملی و غیره است. هدف اساسی تعیین معیارهای کیفی و اعمال آنها در افکار عمومی است.

قبل از اینکه دوتنوع نظریه بالا را که در زمینه خط مشی وسائل ارتباط جمعی مطرح شده مورد بررسی دقیق قرار دهیم باید به این سؤال پاسخ گوئیم که واقعاً رادیو تا چه اندازه باید برنامه‌های خود را در جهت اعتلاء فرهنگ تنظیم کند. در پاسخ این سؤال عقاید متفاوتی از طرف صاحب نظران عنوان میشود. گروهی معتقد هستند که سطح فرهنگ مردم را باید از طریق این وسائل ارتباطی بالا برد و گروهی دیگر عقیده دارند رادیو و تلویزیون ناگزیر فرهنگ مردم را آنطور که هست منعکس میسازند.

مسلم شده است که رادیو در ارزشهای اخلاقی جامعه تأثیر میگذارد و قبل از اینکه شکل و ماهیت ارزشهای اخلاقی را تغییر دهد در تسریع تحولات آن مؤثر می‌افتد. ولی هنوز دقیقاً مشخص نشده است که نقش رادیو در سازندگی شکل و ماهیت ارزشهای اخلاقی تا چه حد است؟

بعنوان مثال در مورد انتشار وقایع و رفتارهای خشونت‌آمیز و جنایتکارانه اعم از واقعی (جنگها و خرابکاریها) یا ساختگی (نمایشنامه‌ها و قصه‌های خشونت‌آمیز) تأثیر چنین برنامه‌هایی در میزان بزهکاریها و خشونت‌های جامعه و در نتیجه زیان بار بودن آن برای اجتماع دقیقاً مشخص نشده است.

گروهی از کارشناسان که در اقلیت هستند معتقد میباشند که پخش چنین مطالبی معلول مقتضیات اجتماعی و نیازهای روانی، عاطفی مردم است و در واقع این برنامه‌ها بعنوان یک درجه اطمینان، وسیله‌ای برای عقد گشائی و ارضاء حس تهاجم طلبی و میل به تجاوزکاری انسانهاست.

گروهی دیگر میگویند چنین برنامه‌هایی حس تهاجم طلبی را در کودکان و نوجوانان تقویت میکنند و حتی دیده شده است جنایاتی کاملاً مانند سناریوی فیلمها بصورت حقیقی وقوع یافته است.

در این مورد حتی نقش خبرها نیز در گسترش چنین اعمالی مؤثر بوده است. توسعه هواپیمادوزدی، به عنوان یک پدیده جدید از نمونه‌های تأثیر چنین

خبرهائی است. در سال ۱۹۷۲ هنگامی که جوانی تکنیک تازه‌ای را در هواپیمادزدی بکار برد و از چتر نجات استفاده کرد همانطور که کارشناسان پیش‌بینی میکردند طی چند هفته بعد از وقوع این حادثه، نظائر آن چندین بار در نقاط مختلف دنیا تکرار شد.

بهر حال با اطمینان میتوان گفت که رادیو در تنظیم سرعت تحولات اخلاقی جامعه تأثیر دارد. اما در مورد چگونگی تأثیر آن باید بین جوامع پیشرفته و جوامع در حال توسعه تفاوت قائل شد.

در مورد آموزش از طریق رادیو نیز نباید انتظار بیش از حد داشت. تأمین آموزش در درجه اول بوسیله مدرسه ممکن است. نه رادیو و تلویزیون. وسائل ارتباطی الکترونیک در بهترین شکل‌های خود فقط مکمل نظام آموزشی معمولی هستند یعنی میتوانند اطلاعاتی را که افراد در مدرسه، خانواده و محیط و اجتماع کسب میکنند تکمیل کرده و افق‌های وسیع‌تری را در برابر مردم بگشایند و نمونه‌هایی از فرهنگ دیگران را به شنوندگان و تماشاگران خود بشناسانند.

در هر کشور باید بین نظام ارزشها و پیامهای رادیویی و تلویزیونی هم‌آهنگی باشد تا تضاد بر خورد ارزشها که یکی از پیچیده‌ترین مسایل در انطباق برنامه‌های رادیو تلویزیونی با امکانات و نیازهای جامعه است پیش نیاید. در این مورد مثالی میتوان زد:

وسایل ارتباط جمعی بخصوص تلویزیون در کشورهای در حال توسعه، مرتباً از خلال برنامه‌ها و فیلمهای خارجی بالاترین سطح زندگی و سطح تکنولوژی در کشورهای پیشرفته را در معرض دید تماشاگران جهان سوم میگذارند و آنها را به بالاترین امکانات مادی جهان مرفه که احتمالاً تا حدی اغراق‌آمیز تهیه شده است، آگاه میسازند.

مشاهده این برنامه‌ها بتدریج سطح توقع مردم کشورهای در حال توسعه را بالا می‌برد و چون ارضاء این توقعات ممکن نیست، توازن سنتی موجود بین توقعات و امکانات متزلزل میگردد و سرانجام این عدم توازن میتواند بصورت سرخوردگی، عدم رضایت، عصیان و بخصوص احساس حقارت بروز کند.

در عین حال باید توجه داشت که فرهنگ جامعه را نمیتوان صد درصد با اعتلاء سطح برنامه‌های رادیو تلویزیون بالا برد. زیرا عملاً رادیو نمیتواند در مسیری کاملاً جدا از فرهنگ جامعه حرکت کند و اگر دست به چنین حرکتی بزند از جامعه دور خواهد شد. چنانکه در حال حاضر رادیو ایران برنامه‌های خود را در تهران از دو فرستنده پخش میکند و در حالیکه فرستنده دوم در سطحی بالاتر از فرستنده اول قرار دارد، ۸۴/۷ درصد از مردم تهران هیچگاه از فرستنده

دوم رادیو استفاده نمیکنند^۱.

علاوه بر آن در پیام‌گیری افراد عواملی چون پیشداوری درباره پیام، توجه به پیام، استنباط مفاهیم پیام و انطباق پیام با تمایلات گیرنده نیز مؤثر است. شنونده یا تماشاگر به علت داوری قبلی نسبت به یک پیام ممکن است اصولاً خود را در معرض آن قرار ندهد (پیشداوری درباره پیام) مثلاً این تصور که برنامه‌ای چون سنگین است و درک آن مستلزم دانش و فرهنگ بیشتری است سبب خواهد شد که گروه زیادی از مردم قبل از هرگونه تحقیق نسبت به برنامه مذکور به آن برنامه بی‌توجه شوند.

علاوه بر آن حدود توجه و دقت گیرندگان یک پیام بر پایه مکانیسم روانی آنان متفاوتست (توجه به پیام) بسیار دیده میشود دستگاه گیرنده رادیو و یا تلویزیون روشن است اما تمام یا برخی از افراد خانواده به صحبت با هم یا کار دیگری سرگرم هستند و بعکس در موردی دیگر تمام توجه و دقت افراد معطوف به برخورداری از جزئی‌ترین نکات یک برنامه است.

عامل دیگر طرز استنباط مفاهیم پیام است به این معنی که هر کس مضمون و محتوی برنامه را بر حسب گرایشها، تمایلات و عقاید خود درک میکند. همانطور که از یک پیام گاهی اوقات بر حسب اشخاص تعابیر مختلفی بدست می‌آید. آخرین عامل (انطباق پیام با تمایلات گیرنده) است. آنچه شنونده یا تماشاگر از یک برنامه بخاطر می‌آورد قسمتهائی است که با پیشداوری‌ها و تمایلات او سازگار بوده است. مثلاً از یک خبر یا سخنرانی سیاسی، آنچه که با عقیده فرد تجانس نداشته باشد زودتر فراموش میشود.

به این ترتیب می‌بینیم که نظریه (تهیه برنامه‌ها بر مبنای اعمال ارزشهای مورد نظر) که تحمیل ارزشهای مثبت را به گیرنده پیام توجیه میکند بطور کامل قابل اجرا نیست و در عین حال نظریه تهیه برنامه‌ها بر مبنای نظر اکثریت نیز که عبارت از دنبال‌روی خواست مردم است نیز نتایج منفی فراوانی خواهد داشت. برنامه‌ریزان رادیو باید ترکیب این دو نظریه را انتخاب کنند و بر مبنای یک سیاست صحیح فرهنگی که رشد واقعی اجتماعی و فرهنگی را تأمین کند از این دوسیاست افراطی بگذرند.

بعنوان مثال باید از طریق نمایشنامه‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده دیگر که مورد استقبال عامه است پیامهای آموزنده و ارزشهای مساعد با پیشرفت را

۱ - کتاب سنجش درباره کمیت و کیفیت استفاده از وسایل ارتباط جمعی - انتشارات اداره آمار وزارت اطلاعات و جهانگردی.

بصورتی طبیعی و منطبق با ساخت اصلی پیام به مردم منتقل کنند. پیامهای بهسازی ترافیک، تنظیم خانواده، صرفه جویی در مصرف آب و امثال آن که همراه با عوامل سرگرم کننده از رادیو پخش میشود کارمفیدی است که رادیو ایران در جهت تلفیق این دو نظریه آغاز کرده است.

خلاصه فصل دوم - قسمت دوم

۱ - رادیو همچون دیگر وسائل ارتباط جمعی از فرهنگ جامعه مایه میگیرد و در عین حال خود نیز سبب دگرگونی و تحولاتی در فرهنگ گروهها میشود.
۲ - بررسی نقش فرهنگی و آموزشی رادیو ایران با اندازه گیریهای کمی برنامههای مختلف عملی نیست بلکه باید محتوی برنامهها و مضامین موجود در گفتارها تجزیه و تحلیل شود.

۳ - نتایج تجزیه و تحلیل و بررسی ۸۶ مضمون در برنامههای رادیو نشان داد که میزان مضامین مثبت در رادیو ۲ برابر مضامین منفی (۴۶/۷۵٪ مضامین مثبت و ۲۲/۰۵٪ مضامین منفی) است ۳۱/۱۸ درصد کل مضامین برنامههای رادیو را سایر مضامین (غیر از مضامین مثبت و منفی) تشکیل می دهد.
۴ - نیرومندی و قدرت سیاسی ایران، ایجاد رفاه بیشتر برای مردم، کمک به دیگران به مفهوم کلی، شاهپرستی، انقلاب سفید، اهمیت به زبان و ادبیات فارسی، ترغیب به حفظ اصول اخلاقی و قانونی و افتخارات ملی و تاریخی - فراوانترین مضامین مثبت برنامههای رادیوست.

۵ - بی وفائی و فراق معشوق، غم، خرافه پرستی و طالع جوئی، تکیه بر منازعات بین المللی، بخت آزمائی برای مرفه شدن، درویشی و اعتراض، بدزبانی و ناسزا گوئی از مضامین منفی فراوان تر رادیوست.

۶ - اطلاعات علمی، پیشگیری و بهداشت و درمان، وصف معشوق و اظهار عشق، تعاریف و تجزیه و تحلیل مسائل هنری از سایر مضامین رادیوست.

۷ - بیشتر مضامین برنامههای آگاه کننده و برنامههای آموزنده را مضامین مثبت تشکیل میدهد - نسبت مضامین مثبت و منفی در برنامههای سرگرم کننده تقریباً مشابه است.

۹ - با توجه به اینکه ۶۲/۰۷ درصد مضامین منفی رادیو در برنامههای سرگرم کننده است تأثیر این مضامین بر روی نوجوانان از سایر مضامین نیز بیشتر

میباشد زیرا نقطه توجه نوجوانان به برنامه‌های سرگرم‌کننده رادیو خیلی بیشتر از سایر برنامه‌هاست .

۱۰ - خوب بودن برنامه‌های رادیو از طریق سنجش استقبال مردم صحیح نیست بلکه مثبت بودن برنامه‌ها نشانه خوب بودن آنهاست .

۱۱ - رادیو در ارزشهای اخلاقی جامعه تأثیر میگذارد و قبل از اینکه شکل و ماهیت ارزشهای اخلاقی را تغییر دهد در سرعت تحولات آن کاملاً مؤثر است .

۱۲ - در مورد آموزش از طریق رادیو نباید انتظار بیش از حد داشت . تأمین آموزش در درجه اول بوسیله مدرسه ممکن است . رادیو در بهترین شکل خود فقط مکمل نظام آموزشی است .

۱۳ - باید بین نظام ارزشهای جامعه و پیامهای رادیویی هم‌آهنگی باشد تا تضاد برخورد ارزشها که یکی از پیچیده‌ترین مسایل در انطباق برنامه‌های رادیو و تلویزیونی با امکانات و نیازهای جامعه است پیش نیاید .

۱۴ - فرهنگ جامعه را نمیتوان صددرصد با اعتلاء سطح برنامه‌های رادیو تلویزیونی بالا برد زیرا عملاً رادیو نمیتواند در مسیری کاملاً جدا از فرهنگ جامعه حرکت کند . علاوه بر آن گیرندگان پیام بطور دست بسته در مقابل رادیو قرار ندارند بلکه عواملی چون پیشداوری درباره پیام ، استنباط مفاهیم پیام ، انطباق پیام با تمایلات گیرنده در توجه آنها به برنامه‌های رادیو مؤثر است .

۱۵ - برنامه‌ریزان رادیو باید ترکیبی از نظریه (تهیه برنامه‌ها بر مبنای نظر اکثریت) که عبارت از دنبال‌روی از خواست مردم است و نظریه (تهیه برنامه‌ها بر مبنای اعمال ارزشهای مورد نظر بر افکار عمومی) که تحمیل ارزشهای مثبت به گیرنده پیام میباشد برگزینند .

نتیجه

با توجه به اینکه بیشتر توجه نوجوانان به برنامه‌های سرگرم‌کننده رادیوست و مضامین منفی نیز اکثراً در چنین برنامه‌هایی متراکم است ، پیشنهاد میشود که برنامه‌ریزان رادیو به حذف و یا کاهش چنین مضامینی توجه کنند و علاوه بر آن پیامهای آموزنده و ارزشهای مساعد با پیشرفت جامعه را در متن برنامه‌های سرگرم‌کننده و با استفاده از عوامل سرگرم‌کننده به مردم منتقل نمایند .

همچنین درست‌تر اینست که رادیو در تعیین خط مشی خود ترکیبی از نظریه تهیه برنامه‌ها بر مبنای نظر اکثریت که عبارت از دنبال‌روی خواست مردم است و نظریه تهیه برنامه‌ها بر مبنای اعمال ارزشهای مورد نظر بر افکار عمومی که ارائه ارزشهای مثبت به گیرندگان پیام میباشد ، برگزیند .

فصل سوم

زبان رادیو ایران

تا چه حد رادیو در شکل‌گیری زبان جوامع مؤثر است؟ ژان لویی سروان شرایبر (که یکی از کارشناسان فرانسوی وسایل ارتباط جمعی است)، نتایج انفجار پیام را در زمینه زبان بررسی کرده و میگوید: «عناوین مقاله‌های مطبوعات و نیز خبرها و گفتارهای رادیو و تلویزیون در تورم پیوسته کلمه‌ها سهم بزرگی دارند.»^۱

سهم وسایل ارتباط جمعی در تورم کلمه‌ها بهنگامی که سریال (خانه بدوش) از تلویزیون ملی ایران پخش میشد کاملاً قابل مشاهده بود که چگونه سرعت کلمه‌ها و جمله‌های تازه از طریق امواج تلویزیونی در مغزها جای میگیرد و چطور اصطلاحات قهرمانان داستان آنچنان همه‌گیر میشود که بصورت برجسب‌های پلاستیکی، روی اتومبیل‌ها نقش می‌بندد و یا الهام‌بخش کاریکاتوریست‌ها میشود. رادیو در اشاعه کلمات نقش بزرگ و تردیدناپذیر دارد. این کلمه‌ها می‌توانند ناگهان خلق شوند مثلاً گوینده‌ای در پخش مستقیم یک برنامه رادیویی ناگهان کلمه‌ای بذهنش میرسد و آنرا بگوش میلیونها نفر شنونده میرساند. بسیاری از کلمات داستودیوها یا از زیر قلم نویسندگان برنامه‌ها بیرون

۱ - نیروی پیام - ژان لویی - سروان شرایبر - ترجمه سروش جیبی - مجله تماشا

می‌آیند که صرف نظر از بحث دراصلت آنها میتوانند بلافاصله همه گیر شوند .
رادیو یا تلویزیون گاه کلماتی را که دیربست از زبان متداول بیرون رفته
و یا فراموش شده‌اند دوباره جان میدهد و زنده میسازد و درحقیقت باین کلمات
مرده زندگی دوباره میبخشد .

رادیو در بسیاری از موارد سازنده و پردازنده کلماتی است که
فرهنگستان یا تداول عامه آنها را بوجود نیاورده است و حتی میتوان گفت که این
کلمات مدتها رادیوئی باقی می‌مانند تا بتوان درباره حیات یا مرگشان قضاوت کرد.
(پیف پاف کردن) از فرزندان رادیوست و تولد دوباره (امرداد) بجای مرداد از
اقدامات رادیوست .

بنظر ما ، نحوه همه گیر شدن کلمه تازه‌ای که از وسایل ارتباط جمعی
پخش میشود ، بستگی به نوع ارائه کلمه دارد . مثلاً با شروع سریال (خانه بدوش)
کلمه‌های معمولی و کهنه به دلیل نوع ارائه تازه آن بصورت شوخی و لطیفه
درآمدند و همه گیر شدند و آنگاه پس از مدتی این کلمات جزء لطیفه‌های کهنه و
قدیمی شدند که دیگر کسی را نمی‌خندانند - بنابراین جامعه آنها را دفن کرد .
درحالی‌که کلمه‌های تازه‌ای مثل براوو - جک - انکتود - وارپته و شو که
بیان آنها بوسیله مردم عادی ایجاد نوعی فضل‌فروشی میکرد بجا ماند و در گفتگوهای
عادی جامعه ریشه دواند .

تعقیب کلمه‌هایی که دراستودیوهای رادیو متولد میشود نشانگر تأثیر
این وسیله از نظر زبان‌آموزی است . کلمه‌هایی مثل رهنمود ، رهنمون ، ره‌آورد ،
دست‌آورد ، آبرمرد ، رویداد ، رخ داد و غیره ابتدا از رادیو سرچشمه گرفت و بعد
به صفحه‌های مجله‌ها ، روزنامه‌ها و گفتگوهای ادیبانه آدم‌ها رخنه کرد .

بررسی ما نشان میدهد که نمیتوان فقط برنامه‌های خاصی را که برای
نوجوانان تهیه میشود عامل تأثیرپذیری زبان رادیو بر روی آنان دانست . تمام
برنامه‌های رادیو دارای قدرت و تأثیر زبان‌آموزی هستند و نوجوانان به همه
برنامه‌های رادیو گوش میدهند .

انتخاب ساعت شنیدن برنامه‌های رادیو از سوی نوجوانان بستگی به
وقت‌های آزاد آنان ، عادت‌های خانوادگی آنها برای ساعت صرف غذا ، ساعت
خواب و غیره و همچنین تابع عادت‌های رئیس خانواده و سایر افراد خانواده
برای شنیدن برنامه‌های رادیوست .

بررسی واحد سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان رادیو و تلویزیون

ملی ایران که در ۹ شهر^۱ و روستاهای يك استان انجام شده نشان میدهد که برنامه‌های ساعات ۲۰ تا ۲۱ (برنامه اخبار، گلها و یا موسیقی) پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیو ازسوی محصلین و نوجوانان شهری و روستائی است زیرا ۱۳/۷ درصد نوجوانان شهری و ۱۱/۵ درصد نوجوانان روستائی در این ساعت به رادیو گوش میدهند. پس از این زمان، ساعات بین ۱۲ تا ۱۴ (برنامه‌های مذهبی، کارگران، موسیقی، اخبار) با ۱۱/۳ درصد نوجوانان شهری و ۱۱/۲ درصد روستائی و سپس ساعاتی بین ۶ تا ۷ و ۷ تا ۸ با ۱۰/۴ و ۱۰/۷ درصد شهری و ۱۱/۴ و ۹/۶ درصد روستائی پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیوست. نسبت توزیع نوجوانان در سایر ساعات پخش برنامه‌های رادیو تقریباً مشابه و بین ۷ تا ۵ درصد است.

درصد شنندگان نوجوان روستائی	درصد شنندگان نوجوان شهری	ساعات پخش برنامه‌های رادیو بترتیب میزان گرایش نوجوانان
-----------------------------	--------------------------	--

درصد ۱۱/۵	درصد ۱۳/۷	۱ - ساعت ۲۰ تا ۲۱
» ۱۱/۲	» ۱۱/۳	۲ - ساعت ۱۲ تا ۱۴
» ۹/۶	» ۱۰/۷	۳ - ساعت ۷ تا ۸
» ۱۱/۴	» ۱۰/۴	۴ - ساعت ۶ تا ۷
» ۸/۷	» ۷/۴	۵ - ساعت ۱۹ تا ۲۰
» ۴/۱	» ۶/۲	۶ - ساعت ۲۲ تا ۲۳
» ۶/۳	» ۶/-	۷ - ساعت ۱۵ تا ۱۸
» ۷/۳	» ۶/-	۸ - ساعت ۱۸ تا ۱۹
» ۶/۷	» ۵/۶	۹ - ساعت ۸ تا ۹
» ۵/۶	» ۵/۴	۱۰ - ساعت ۱۴ تا ۱۵
» ۵/۵	» ۵/۳	۱۱ - ساعت ۲۱ تا ۲۲
» ۶/-	» ۵/-	۱۲ - ساعت ۹ تا ۱۲
» ۴/۴	» ۳/۵	۱۳ - ساعت ۵ تا ۶
» ۱/-	» ۲/۵	۱۴ - ساعت ۲۳ تا ۲۴
» ۰/۳	» ۰/۳	۱۵ - ساعت ۲۴ به بعد

۱ - این بررسی در سال ۱۳۵۱ از طریق جمع‌آوری ۱۷۵۵ پرسشنامه در شهرهای تهران، تبریز، ساری، گرگان، سنندج، کرمان، قزوین، کرمانشاه و مهاباد و همچنین توزیع ۵۶۳ پرسشنامه در روستاهای استان مرکزی بعمل آمده است.

همانطور که در جدول بالا مشاهده میشود؛ از ساعت ۶ صبح تا ۲۴ ، گروه زیادی از شنوندگان رادیو را نوجوانان (محصّلین) تشکیل میدهند . آنچه که از رادیو بصورت برنامه‌های آگاه‌کننده ، سرگرم‌کننده و یا برنامه‌های علمی پخش میشود با نسبت‌های مختلف ولی درعین حال نزدیک به هم گروهی شنونده ، نوجوان دارد .

امروزه ، درحالی‌که درآپارتمان‌ها جای کتابخانه به رادیو و تلویزیون داده شده است و در شرایطی که رادیو ترانزیستوری گفتارها یا درسهای دائمی زبان را به روستاهای کشور گشانده و درحدود ۸ میلیون دستگاه گیرنده رادیو ، روی طاقچه منازل ، داخل اتومبیل‌ها ، کنار مزارع و یا روی دسته دوچرخه‌ها درحال سخن‌پراکنی هستند ، رادیو نقش اساسی درزبان‌آموزی دارد .

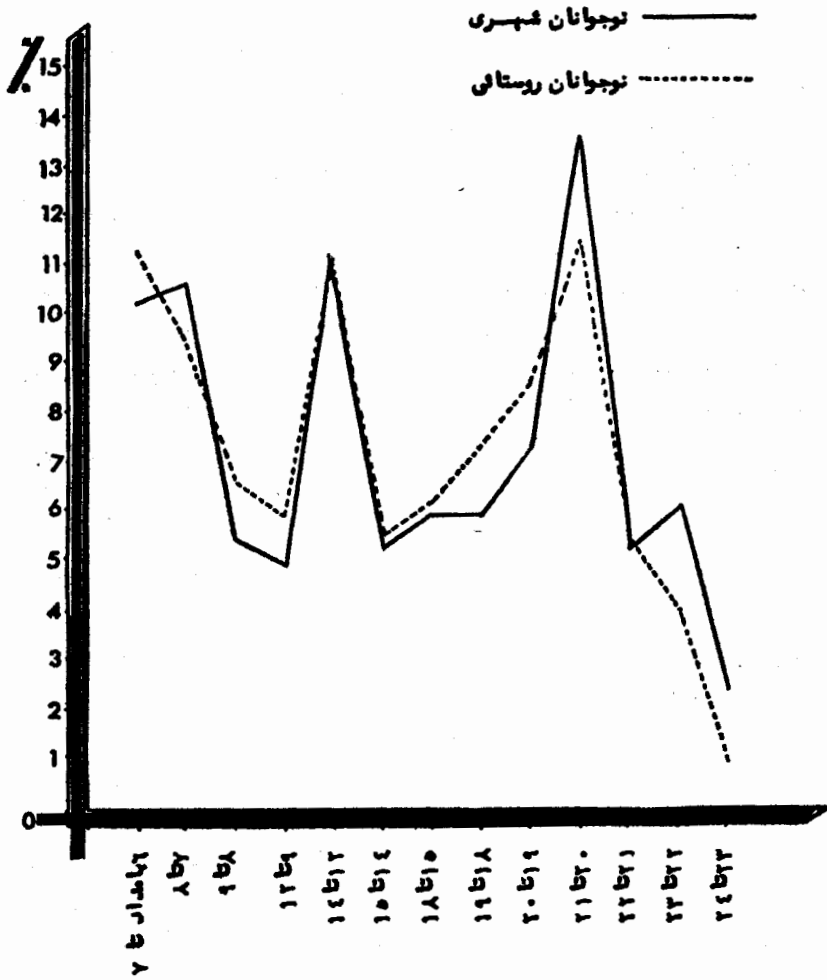
رادیو ایران در سال ۱۳۵۱ ، برنامه‌های ویژه‌ای را تحت عنوان «در جستجوی زبان معیار» آغاز کرد و ازطریق گفتگو با صاحب‌نظران ، برای یافتن زبانی یک شکل و صحیح برای رادیو کوشش نمود .

دریکی ازاین گفتگوها ، خانم دکتر شمس‌الملوک مصاحب اظهار کرد : «زبانی که در رادیو و تلویزیون به آن تکلم میشود باید زبان رسمی مملکت باشد و هیچ تردیدی نیست که این زبان باید کاملاً صحیح ، درست ، سالم و ازسوی دیگر در خور فهم عموم مردم باشد زیرا زبان رادیو تأثیری خاص درنوجوانان دارد و درواقع سرمشق و نمونه‌ای است برای آنها علاوه برآن زبان یکی از ارکان مهم ملیت است و باید درحفظ و حراست آن کمال کوشش و دقت بکار رود و این ، وظیفه رادیوست .»

آقای دکتر حسین بحرالعلومی دراین باره معتقد بود : «درمورد گفتگوهائی که از رادیو پخش میشود اصولاً اشکال نیست زیرا همانطور که ما الان داریم صحبت میکنیم گوینده رادیو هم صحبت میکند و مردم هم میفهمند ، باید جستجو کرده و ببینیم هنگامی که گوینده نوشته‌ای را میخواند باید چگونه بخواند ، درضمن باید توجه داشت کاری را که رادیو درمورد یافتن زبان معیار آغاز کرده خیلی اساسی و مهم است ، زیرا زبان رادیو معیاری است برای مردم ، برای بچه‌های دبستانی و دبیرستانی ،»

آقای دکتر خسرو فرشیدور میگفت باید زبان طبقه تحصیل‌کرده پایتخت را بعنوان زبان معیار انتخاب کرد و آمار گرفت که مثلاً اکثریت طبقه تحصیل‌کرده (کمیته) میگویند یا (کمیته) آقای دکتر سیدجعفر سجادی معتقد بود که نباید صرفاً زبان تحصیل‌کرده‌های تهران ملاک قرار گیرد بلکه بطور کلی باید زبان طبقه تحصیل‌کرده کشور مورد بررسی واقع شود ، آقای دکتر ایراهیم

نمودار نسبت گرایش نوجوانان به شنیدن رادیو در ساعاتی مختلف



باستانی پاریزی میگفت: «اگر آدمی هنگام صحبت کردن مقید باشد که يك کلمه را برخلاف عادت چندساله خودش تلفظ کند شاید قادر نباشد مفهومی را که میخواهد به طرف بقبولاند و بفهماند همانطور که در نوشتن هم هرچه آدم ساده‌تر و روان‌تر و به لحن مردم بنویسد آنها بهتر میفهمند و بهتر توجه میکنند. خانم دکتر ژاله آموزگار مسأله کلمه‌های خارجی را مطرح کرد و گفت: «در مورد کلمات عربی، مشکلی نیست و اصولاً مشکل خودبخود حل شده است، زیرا لاقلاً چهارده قرن از ورود آنها میگذرد و دیگر کلمات بیگانه نیستند. اما در مورد کلماتی که از زبان فرانسه و انگلیسی وارد می‌شوند، تعدادی از این کلمات قبلاً وارد زبان ما شده و مطابق موازین فونتیکی پذیرفته شده‌اند مشکل در مورد کلمه‌های تازه‌ای است که وارد زبان فارسی میشوند. زیرا گویندگان ما اغلب انگلیسی میدانند و این باعث میشود که وقتی این کلمات را ادا میکنند قبل از اینکه آنها را به فارسی ادا کنند به انگلیسی تلفظ میکنند.» آقای دکتر جواد مشکور در زمینه کلمه‌های عربی گفت ما میتوانیم قواعد دستوری زبان فارسی را بر این کلمه‌ها جاری سازیم مثلاً بجای اینکه بگوئیم علما، بگوئیم عالمان بهر حال مهم اینست کلماتی که در رادیو و تلویزیون ما به‌الابتلا ماست کلماتی محدود است و از سیصد یا چهارصد کلمه تجاوز نمیکند. «خانم دکتر ژاله آموزگار به زبان برنامه‌های مختلف رادیو اشاره کرد و گفت: نوع برنامه‌ها فرق میکند. یعنی گوینده‌ای که اخبار را بیان میکند یا گوینده‌ای که مثلاً برنامه‌ای مثل هفت شهر عشق اجرا میکند یا قصه‌گویی که برای بچه‌ها داستان میگوید یا خانمی که درس آشپزی میدهد بالطبع اینها طرز تلفظشان فرق میکند بهر حال باید توجه داشت که زبان را بحال خود گذاشت، زبان باید تحول پیدا کند و ما حق نداریم جلوی تحول زبان را بگیریم.»

آقای دکتر ضیاء‌الدین سجادی به مسأله مهمی اشاره کرد و گفت: «از وقتی رادیو شروع به کار کرده، نه برای نوشته‌اش و نه برای گفته‌اش هیچ نوع زبانی به آن عرضه نشده‌است. یعنی از هیچ دستگاہی به رادیو نگفته‌اند که زبان معیار تو این باید باشد. ما عده‌ای گوینده از اینجا و آنجا جمع کرده‌ایم و يك عده هم نویسنده رادیوئی و اینها همینطور از روی تجربه، کم کم، درست شده‌اند و پیش آمده‌اند.»

اصولاً در تمام جهان برای زبان رادیو مشخصات خاصی را تعیین کرده‌اند، چون گفتارهای رادیو را میلیونها بیسواد، باسواد با لهجه‌های محلی گوناگون، سلیقه‌ها، معلومات و درجه‌های تحصیلی مختلف میشوند قاعداً باید به زبانی باشد که همه بتوانند آنها را بفهمند.

بررسی اخیر ما در مورد زبان رادیو نشان میدهد که در حال حاضر

رادیو ایران برنامه‌های خود را به پنج زبان پخش میکند که هر یک از این زبانها گروه خاصی از لغات را بکار میبرند ، اسامی قراردادی که برای هر یک از زبانهای پنج‌گانه در نظر گرفته شده‌اند ، بدینترارند :

۱ - زبان ادیبانه با الهام از فارسی قدیم .

۲ - زبان روزنامه‌ای .

۳ - زبان مردم

۴ - زبان بدآموز

الف - بدآموز از نظر آموزش زبان

ب - بدآموز از نظر مضامین

۵ - زبان غیر قابل فهم

۱ - زبان ادیبانه

« ... تا چند سال بعد از آن که مغضوب و معزول و منکوب و مطرود شد گروفتری داشت ... » « ... هر چه را بدو میگفتند و یا از او میخواستند ناگزیر میشد بر زبان همه تحریر نهد و بصورت مکتوب فرمان و رقم و دستور دیوانی درآورد و دیگر برای او مجالی باقی نمیگذاشت که از زبان دل و اندیشه خود چنانکه میخواست و میتوانست آزادانه سخن بگوید ... » « ... وقتی حمله روس‌ها برای اشغال ولایات ماوراء رود ارس آغاز شد و کوششهای نخستین مدافعان به نتیجه منظوری که دفع شر مهاجمین باشد^۱ نرسید ... »

« ... یتیمی ، چوپانی انقلابی - مبعوث - مسلح به کتاب ، شمشیر ، از عمق توده - امیدی از قلب ، سیمای خشم ورنج و گرسنگی و تجلی‌گاه همه آرزوهای محرومان ، وارث همه پیامبران ، شهیدان ، راهبران و پیشوایان نجات و عدالت تاریخ - دردستش پرچم آدم دست به دست آمده - نسل به نسل^۲ رسیده .. »

۲ - زبان روزنامه‌ای

شرکت کنندگان در این اردوها ، در مدت اردو و براساس نیازهای منطقه

۱ - ساعت ۱۳ - روز ۳/۵/۵۳ .

۲ - ساعت ۲۲/۳۰ همان روز .

یا راهنمایی کارشناسان فنی به فعالیت‌های نوسازی، درمانی، اجتماعی، آموزشی و خدمات اداری خواهند پرداخت.

۳ - زبان مردم

«اما قاطی خواننده‌هایی که آواز میخونن و ما امروز برای اولین بار به رادیو دعوتشون کردیم و تک‌توکی از بچه‌های خودمون هستن که شما می‌شناسینشون.» «وا خواهر چرا پآت مٹ جوجه‌تیغی شده - آخه چی کار کنم»

الف - زبان بدآموز از نظر آموزش زبان (حدود ۳/۰ درصد برنامه‌های رادیو با این زبان پخش میشود) «... آرزو میکنم که شما با زحمت و فعالیت می‌کشید و این امکانی رو که الان رادیو بشما به همتون داده واقعاً بتونید از من بهره‌برداری صحیح بکنید!»

ب - بدآموز از نظر مضامین (در حدود ۱/۰ درصد برنامه‌های رادیو با این زبان پخش میشود) «... آخر من با اون پدر سوخته‌ها چطور میتونم اختراع کنم، چطور» «بین این زن عفریته من این آواز خون‌پتیاره - «بدبخت از ریختن عقم میگیره،» - ... آخه خفه خون بگیر، احمق کره خر - یک بند حرف میزند؟» - ... این نامردا - «... اون غلط کرده» «مرتیکه لعنتی؟ دلیل مرده؟ دیگه از بسکه برای شکم گنده‌ها، روشن فکرها، جیب‌برها، زناکاران و متصرفین با وجدان کار جهنم را راست‌ورس کردم جانم به لبم رسید.»

۵ - زبان غیر قابل فهم (حدود ۸/۰ درصد برنامه‌های رادیو با این زبان پخش میشود) ویژگی اساسی این روند عبارت از تحکیم پایه‌های رشد آزاد و مستقل اقتصادی از طریق همکاری مشترک و خواستاری مناسبات عادلانه

-
- ۱ - ساعت ۱۰:۳۰ روز ۵۳/۴/۷ ساعت ۷/۳۰ همان روز .
 - ۲ - رادیو ایران برنامه اول ساعت ۱۰/۳۰ روز ۵۳/۴/۷ .
 - ۳ - رادیو ایران برنامه اول ساعت ۲۲/۳۰ روز ۵۳/۶/۱ .
 - ۴ - رادیو ایران برنامه اول ساعت ۱۰/۲۰ روز ۵۳/۴/۱ .
 - ۵ - رادیو ایران برنامه اول ساعت ۱۹/۵ روز ۵۳/۴/۲۱ .

بین‌المللی صرف‌نظر از مواضع سیاسی قدرتهای بزرگ - این روند صلح‌آمیز و شجاعانه مورد تأیید همه ملل ترقی‌خواه و کشورهای رو به توسعه است؟ ...»
 «... من به اون آدم‌های گمنامی اعتقاد دارم که عائله دارند و باید شب زن و بچه‌شون رو نون بدن. آه اینکه من مثلاً به موش اعتقاد دارم. میگم این موشم موجود جانداریه. لاغر و زردمبو هم که هست. خوب مثل خودم ولی خوب میخوامم پیرسم چرا منو اذیت کرد. خوب مسأله زندگی همینه. اما اونو دیشب گرفتم. چرا. برای اینکه درعرض یک هفته یا یک سال بفهمم زندگی چیه؟ ها؟ ولی مگه چقدر موش توی دنیا هست، از شما می‌پرسم؟ چقدر؟ هر کس جای من بود اونو میکشت یا به گربه میداد که قورتش بده اما من گفتم باید اونو زجر داد، آخر شب بلند شدم و سیبلش را سوزوندم. بیچاره توی این گیرودار یک کمی از لبش سوخت و از بین رفت. صبح که بلند شدم دلم به حالش سوخت اونو با مرکور کروم معالجه کردم. آره معالجهش کردم. اینکه من میگم باید به خیلی چیزها اعتقاد داشت. آخر میفهمی باید اعتقاد داشت؟»

۳ - در حدود ۹۹/۵ درصد از برنامه‌های رادیو ایران بزبان‌های ادیبانه، روزنامه‌ای و مردم پخش میشود ولی بهرحال درلحظاتی که زبانهای بدآموز و غیرقابل فهم مورد استفاده قرارمیگیرد حداکثر ۸ میلیون دستگاه گیرنده رادیو این زبان را بگوش میرساند.

درزبانهای ادیبانه، روزنامه‌ای و مردم نیز گاه بگاه لغت‌هایی که صحیح تلفظ نمیشود و ترکیب‌ها و جمع‌های غلط و لغت‌های خارجی که مشابه آن در زبان فارسی وجود دارد بکار میرود که بعنوان مثال به کلمه‌های زیر اشاره میشود:

الف - جمع‌های ترکیبات نادرست:

پیشنهادات (۱/۶/۵۳ ساعت ۱۴) سبزیجات (۸/۴/۵۳ ساعت ۱۸)
 عملجات (۱/۶/۵۳ ساعت ۲۰) فیما بین دوطرف (۱/۴/۵۳ ساعت ۲۲).
 ب - کلمه‌هایی که مشابه فارسی دارند.

لاعلاج (۱/۶/۵۳ - ساعت ۲۲) اراضی (۱/۶/۵۳ ساعت ۲۰) مسافت‌های
 بعید (۲/۴/۵۳ ساعت ۱۶/۳۰) مناقشه (۷/۴/۵۳ ساعت ۹) همکاری فیما بین
 (۷/۴/۵۳ ساعت ۹) تقدم و تأخر (۱۵/۴/۵۳ ساعت ۲۱) تخاصم (۳۱/۵/۵۳
 ساعت ۲۲/۳۰) بلافصلش (۲۱/۴/۵۳ ساعت ۱۴) در رأس هیئتی (۱/۶/۵۳)

-
- ۱ - رادیو ایران و برنامه اول ساعت ۱۷/۳۰ روز ۲/۴/۵۳.
 - ۲ - رادیو ایران برنامه اول ساعت ۱۴/۴۰ روز ۲۱/۴/۵۳.
 - ۳ - رادیو ایران برنامه اول ساعت ۲۲/۲۵ روز ۱/۶/۵۳.

ساعت ۲۰) بالأخص (۵۳/۴/۷ ساعت ۷) .

ج - کلمه‌های خارجی

پروتوکل (۵۳/۴/۲۱ ساعت ۱۴) ضد بالستیکی (۵۳/۴/۸ ساعت ۱۳)
ساترزمین (۵۳/۴/۲۱ ساعت ۱۷) استراتژیک (۵۳/۴/۹ ساعت ۱۴) اتوسرویس
(۵۳/۴/۷ ساعت ۷) جُك (۵۳/۴/۱۱ ساعت ۷/۳۰) آرشیفتکت (۵۳/۴/۴
ساعت ۹) گراجوئیت (۵۳/۴/۲ ساعت ۱۷) - براوو (۵۳/۴/۷ ساعت ۱۱)
واريته (۵۳/۴/۷ ساعت ۱۰/۳۰) شو (۵۳/۴/۷ ساعت ۱۰/۳۰) .

تحقیقات مختلف ثابت کرده است که شنونده رادیو یا اصولاً هرشنونده‌ای، هنگامی که به صحبت گوینده گوش می‌دهد نه تنها پاره‌های زبان را که لغت‌ها باشند می‌شنود بلکه به مسائل دیگری نیز که در لابلای گفتار پنهان شده است توجه میکند . مثلاً طرز تلفظ یا قالبی را که گوینده به جمله‌های خود بخشیده است بگوش می‌گیرد و در ضمن متوجه می‌شود که کدام يك از لغت‌ها برای تأکید بلندتر گفته شده و گوینده در کدام يك از قسمتهای گفتار خود مکث کرده است و به این ترتیب کیفیت کلی صدای گوینده در میزان تأثیر و تفهیم مطلب به شنونده مؤثر است .

نحوه حرکت کلمه‌هایی که در رادیو متولد و یا نوسازی می‌شود و رابطه شنونده با رادیو ، سبب شده که نوعی یادگیری سمعی ایجاد شود زیرا چون در کنار این نوع آموزش ، یادگیری بصری بعمل نیامده شنونده ، کلمه‌های جدید را با دیکته غلط و معانی که بستگی به برداشت او داشته بیاد می‌سپرد . آثار این نوع یادگیری در انشای نوجوانان دبیرستانی و یا اوراق کنکور دانشگاهی دیده می‌شود که بعنوان مثال نوجوانی ، کلمه ابرمرد را عبرمرد مینویسد و برای آن معنی دیگری فکر میکند .

خلاصه فصل سوم

- ۱ - رادیو تأثیرات گسترده‌ای از نظر زبان‌آموزی، خلق کلمه‌های تازه و نوسازی کلمات کهنه دارد .
- ۲ - قدرت نفوذ و دوام این کلمه‌ها بستگی به نحوه ارائه کلمه دارد .

۳ - نوجوانان با نسبت‌های تقریباً مشابه ، اغلب برنامه‌های رادیو را از ساعت ۶ صبح تا ۲۴ گوش میدهند و به این ترتیب تمام برنامه‌های رادیو دارای قدرت زبان‌آموزی برای نوجوانان است .

۴ - زبان رادیو ایران را میتوان به پنج نوع دسته‌بندی کرد : زبان ادبیانه ، زبان روزنامه‌ای ، زبان مردم ، زبان بدآموز و زبان غیرقابل فهم .
زبان بدآموز و زبان غیرقابل فهم ، کمتر از نیم‌درصد گفتارهای رادیو را تشکیل میدهد ولی به‌رحال دارای قدرت تأثیرگذاری است .

۵ - در زبان‌های ادبیانه ، روزنامه‌ای و مردم - گاه بگاه ، لغتهائی که صحیح تلفظ نمیشود و ترکیبها و جمع‌های غلط و لغت‌های خارجی که مشابه آن در زبان فارسی وجود دارد بکار میرود .

۶ - استفاده از کلمه‌های تازه یا نوسازی شده در رادیو سبب شده است که نوعی یادگیری سمعی ایجاد شود که در نتیجه نوجوانان کلمه‌های تازه را با دیکته و معنی نادرست خواهند آموخت .

بررسیهای فوق نشان‌گر این نتیجه است که برنامه‌های رادیو ایران از نظر آموزش زبان دارای نقاط ضعف خاصی است که برای رفع آنها باید برنامه‌ریزی شود . تردید نیست که برنامه‌های رادیو باید به زبان درست ، سالم و قابل فهم برای همه تهیه شود و قبل از پخش ، عبور این برنامه‌ها از یک صافی زبان‌سنج ضروری است .

پایان

تحلیل محتوای آداب و رسوم مربوط به کودک

مقدمه

یکی از منابع مهم فرهنگ - که از پیش از تولد تا پس از مرگ بنحوی از انحاء درزندگی فرد و در نتیجه دروضع وارتباط خانوادگی اثرمیگذارد - رسوم و عقاید سنتی است. این سنتها که در گذشته‌های کم‌وبیش دور پدید آمده‌اند و طی قرون و اعصار شکل گرفته‌اند و به نسل امروز رسیده‌اند متنوع، پیچیده، رمزآسا (سمبلیک) و دارای کاربرد معین و مشخصی هستند. تحلیل این مجموعه گرانبار سنتی دربرخورد با خانواده که خود نیز ازیک نظر پدیده‌ای سنتی است کاری است بسیار وسیع که از حوصله سمینار حاضر بیرون است. بنابراین بناچار - برای محدود کردن زمینه تحقیق - دراین بررسی، رسوم و عقایدی که منحصرأ و مستقیماً بکودک مربوط میشوند مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرند.

عقاید سنتی و رسومی که دراین مجموعه گردآوری و تجزیه و تحلیل شده‌اند در محدوده شهری تهران و از زبان افرادی که زاده و بزرگ شده در تهران هستند فراهم گردیده‌اند، بنابراین موضوع از نظر مکان نیز محدود به شهر تهران میباشد.

در اینجا ذکر دونکته ضروری بنظر میرسد: نخست آنکه این مجموعه

فراهم شده ، همانطور که اشاره شد شامل آداب و رسوم است که مستقیماً بکودک مربوط میشوند و بدیهی است که شامل تمام تأثیرات زندگی سنتی در شخصیت کودک نمیتواند باشد زیرا همانطور که معلوم است کلیه آداب و عقاید سنتی موجود در یک جامعه از آنجا که در پدید آوردن محیط مساعد یا نامساعد تربیتی و طرز تلقی‌های بزرگسالان دخالت دارند ، بطور غیر مستقیم و کم‌وبیش در ساخت شخصیت کودکان مؤثرند . منتهی بررسی تمام سنتهای جامعه از این نظر کاری است وسیع که امید است در آینده تحقق پذیرد .

نکته دوم اینکه مجموعه سنتها و عقاید سنتی که موضوع این تحقیق قرار گرفته است منتخب از مطالب و موادی است که توسط محققان مرکز مردم‌شناسی ایران فراهم آمده است . بدیهی است که همیشه میتوان انتظار داشت رسوم و عقایدی وجود داشته باشد که به ضبط محققان مرکز درنیامده باشند . با این حال با توجه به میزان کوششی که در فراهم آوردن این سنتها و عقاید سنتی بکار رفته میتوان ادعا کرد که مجموعه حاضر از اعتبار کافی برخوردار است .

این بررسی شامل دو بخش است . در بخش نخست سنتها و عقاید سنتی از نظر موضوع رده‌بندی شده‌اند و فراوانی هر موضوع نشان داده شده است . در بخش دوم مفاهیم موجود در این موضوعات و مخصوصاً ارزشهای ادراکی ، عاطفی ، اجتماعی آنها بررسی گردیده است .

در پایان نیز مجموعه سنتها و عقاید گردآوری شده که موضوع این بررسی قرار گرفته‌اند ، بعنوان ضمیمه اضافه گردیده است .

مرکز مردم‌شناسی ایران

شماره‌هایی که در متن درون پرانتزها و یا در حاشیه ارجاع داده شده‌اند کلاً شماره سنتهایی هستند که در فهرست ذکر شده‌اند .

رده‌بندی موضوعی

۱ - شکل‌گیری بچه در رحم :

تولد وزایمان اولین مسایلی بوده ، که فکرا انسان را بخود مشغول داشته است وضع بچه در رحم مادر از مسائلی است ، که همیشه مورد توجه زنان باردار

واطرافیان او بوده و هست . و در مورد شکل گیری بچه در رحم ، وضع او اعتقادات و آداب بخصوصی وجود دارد :

۱/۱ - بر اثر تجربه و شناخت زنان باردار از خود ، میدانند که بچه بعد از چهارماه و ده روز در رحم حرکت میکند ، که از نظر تکامل جنین آن را به سه دوران چهل روزه ، یک دوران ده روزه تقسیم میکنند ، که مراحل نطفه ، خون ، گوشت و تشخیص اندام را طی میکند ، تا بچه در رحم حرکت کند ، و ساختن همه اندام بچه را به ملائکه منسوب میدانند ، بجز بینی و آلات تناسلی بچه که خداوند خود آن را میسازد ، و این به علت حرمتی است که برای این دو اندام انسانی قائلند (۱) . و قرارگیری بچه را در رحم با شکل اندام مادر مربوط میدانند (۲) .

۱/۲ - خوراک را در وضع بچه مؤثر میدانند ، مثلاً اعتقاد بر این که عدم دستیابی به غذای مورد علاقه زن ، چشم بچه را زاغ میکند (۲۹ ، ۳۰) و این اعتقاد تا آنجا مورد تأکید قرار میگیرد ، که اگر کسی چیزی به زن باردار بدهد ، بچه به شکل او درمیآید ، و به همین جهت زن باردار باید از گرفتن خوراکی از اشخاص ناشناس پرهیز کند ، و به بیگانگان نباید نگاه کند (۳۳ و ۳۴) . نقیض بالفعل این حکم چنین است که شوهر بایستی برای حفظ نسب ، آن غذا را بز ن دهد و در نتیجه علاقه مندی فیما بین زن و شوهر افزون تر میشود بطور کلی سنتها تأکید دارد بر فراهم آوردن کلیه خوراکیها و غذاهائی که زن حامله به آنها میل میکند (۲۸ و ۲۹) . زن حامله بیمار نباید نگاه کند (۶) و نگرستن به مرده نیز از زن باردار منع شده است (۳۱ و ۳۲) . پرواضح است ، که اینگونه تحریمها بیشتر زنان حامله را از تکانهای ترسناک و روانی دور نگه میدارد (۲۴) ، همانند دمر خوابیدن و بد خوابیدن ، اولاً که موجب خفگی یا ناتوان شدن بچه میشود (۳۶ ، ۳۷) .

۱/۳ - خوردن سیب و گلابی و مروارید را موجب زیبا شدن بچه و سرخ و سفید شدن او میدانند (۲۱ و ۱۰) و خوردن انار را موجب سبزه شدن (۱۱) و برنج خام را موجب پیه آوردن تن بچه (۱۲) میدانند و همینطور خوردن سرکه ، کندر ، به و ماهی را در وضع بچه مؤثر می شمارند (۱۳/۱۷/۱۹) ، و این امر ناظر بر خوردن سیب و مروارید و اعتقاد بخواص طبی میوهها و گوهرهاست .

۱/۴ - نشانه زیبا و زشت بودن بچه را بر یک نشانه‌ی سنتی استوار میدانند ، که چاق و پر بودن پای زن حامله را دال بر زیبایی بچه اش ، و لاغر بودن پای زن را دلیل زشت بودن بچه میدانند (۲۰) .

۱/۵ - دوران حاملگی انسان را با حاملگی دیگر جانداران در رابطه

میدانند و اعتقاد بر این که زن اگر گوشت شتر بخورد، دوران حاملگی یکسال طول میکشد، ناشی از همین اعتقاد است (۱۸) و خوردن گوشت ماهی را باعث «خوش گوشتی» بچه تصور میکنند (۱۹).

۱/۶ - دوقلو بودن بچه‌ها، وسخت‌زایی را از شکل اندام زن آبتن معین میکنند (۳ و ۷ و ۸).

۴ - تشخیص پسر و دختر بودن بچه در رحم:

همیشه و در تمام زن‌ها این کنجکاوای وجود داشته‌اند که بداند، فرزندی را که در رحم دارند پسر است یا دختر، و برای تشخیص این ضوابطی را بکار می‌گیرند:

۲/۱ - دسته‌ای از این ضوابط بر نمادها یا وسائل و ابزاری تکیه دارند، که در آینده به کار پسر و دختر می‌آیند. مثلاً یافتن یا بخواب دیدن چاقو (۴۲) کارد (۴۳ و ۴۵)، کبوتر (۶۲)، شمشیر (۴۶)، آهن (۴۵) و اسب (۴۴) و موی صورت (۶۵ و ۶۴) نشانه پسرزایی است، و گل و انار (۶۲) سوزن و نخ (۴۴ و ۴۵)، مهره (۴۶ و ۴۷) و دستمال (۴۴ و ۴۶) و قیچی (۴۲) و موی سر (۶۵ و ۶۴) علامت دخترزایی.

۲/۲ - گروه دیگری از ضوابط تشخیص جنسیت بر خوی و ظواهر متکی است، که زیبایی (۴۸)، و رعنائی و خوش اخلاقی (۶۰) و منانت (۳۹)، زن آبتن را نشانه‌ی زاییدن پسر، و رنجوری و سیاهی (۴۸) و لك و سپس چهره (۶۳) و بدخلقی (۶۰) و جلفی (۳۹) و سستی موی صورت (۴۹) او را بهنگام آبتنی علامت بدنیا آوردن دختر میدانند.

۲/۳ - برخی از ضوابط تشخیص، منشاء تجربی دارند، چون جلو آمدن شکم زن حامله از طرف راست (۵۴)، سنگین‌تر بودن شیر زن حامله (که بهنگام دوشیدن بر آب ته‌نشین میشود) (۵۵) سرخی سر پستان و بزرگ شدن پستان راست (۵۹)، تکیه بر سمت راست در راه رفتن و پیش نهادن پای راست در راه افتادن (۵۸)، و خوردن سیب و شیرینی که همه نشانه‌ی به دنیا آوردن پسر است، و در مقابل پیش آمدن شکم در سمت چپ (۵۴)، سبک بودن شیر (۵۵)، سیاهی سر پستان و بزرگ شدن پستان چپ (۵۹)، تکیه بر سمت چپ بگام راه رفتن و پیش نهادن پای چپ (۵۸) و خوردن ترشی و میل کردن بآن (۵۶)، بماند می‌فهماند که دختر خواهد آورد.

۲/۴ - اگر بچه‌ای به هنگام راه رفتن بردست‌وپا بدود (۵۰)، بچه‌ی پس از او پسر است و اگر نشسته بخزد، دختر (۵۲).

۲/۵ - می‌گویند آخر و ته سفره و ظرف غذا اگر به زنی برسد پسر

میزاید (۵۲) آخر هر غذا را بخش لذیذ و نیکوی آن میدانند چندانکه این مثل رایج است «ته کاسه شفاست» .

۲/۶ - در گذشته چون مردان بیشتر بکار سوادآموزی بودند ، حالا هم نزد زن حامله سوره «یس» میخوانند ، اگر بچه تکان بخورد پسر است و اگر آرام بماند دختر (۵۳) که قرائت قرآن و خواندن دعا جنبه‌ی تلقینی و نیز آرامش‌بخشی داشته و دارد .

۳ - تأثیر ماه و خورشید در وضع بچه :

اعتقاد مردم بر این است ، که وضع ماه و خورشید در اندام بچه تأثیر میگذارد ، چنان که موقع خسوف و کسوف و به اعتقادی بهنگام نوشدن ماه (۵) زن حامله نباید هیچیک از اعضای بدنش را لمس کند ، چه پوست بچه‌ی او در همان نقطه لکه‌ی سیاه یا سرخ بوجود می‌آید و بر آن موهای بلند می‌روید (۵ و ۶) و بطوریکه اعتقاد بر این است که زن حامله بهنگام گرفتن ماه یا خورشید نباید از خانه خارج شود (۶) و باید که مرتباً بسم‌الله بگوید و دستش را بر سر نهاد .

۴ - نوزاد پسر و دختر در خانواده :

از آن‌جا که پایه‌ی زندگی سنگی بر کشاورزی و دامداری قرار دارد ، و در این رهگذر کارائی پسران بیشتر مینماید ، در آداب و رسوم تولد نوزاد مواردی می‌بینیم که حاکی از تمایل بیشتر خانواده‌ها در داشتن فرزند پسر است (۴۷ و ۵۷ و ۶۱) .

۴/۱ - خانواده‌ها برای تولد فرزندشان مخصوصاً اگر پسر باشد ، جشن مفصلی میگیرند و مهمانی میدهند (۹۸ ، ۹۹ ، ۱۰۱) و دعوت‌شدگان نیز آنها را ارمغان می‌آورند (۹۸) ، ورقص و پایکوبی میکنند (۱۰۸) .

۴/۲ - پس از تولد نوزاد یک نفر میرود به پدر خانواده خبر خوش میبرد و مژدگانی میگیرد ، که مژدگانی پسر بیشتر است (۱۰۵ ، ۱۰۶) و همچنین تفاوت است بین ولیمه‌ی پسر و دختر (۱۱۰) .

۴/۳ - زنانی که میخواهند پسر بزنند کارهایی انجام میدهند مثل : گردو نهادن در سفره‌ی عقد (۴۷) ، خوردن خرما (۱۴) و سیب (۷۵) و نشانندن پسر بچه‌ای بر ترک عروس (۶۱) و خوردن خرما (۱۴) . بعضی نذر میکنند اگر بچه‌شان پسر باشد تا هفت سال مویش را تراشند و بعد از هفت سال هموزن موی او طلا یا نقره نذر امام‌زاده کنند یا بین فقرا تقسیم نمایند (۱۰۳ ، ۱۰۴) ، و هفت‌دانه خرما با خاکشیر بخورد زنی که پسر زائیده میدهند ، تا هفت پشتش پسر بزاید (۱۰۲) .

۴/۴ - پسر پشت هفت دختر را بدشگون میدانند (۱۰۹) .

۴/۵ - در مراسم ناف بری ناف پسر را با نخ سیاه ، و ناف دختر را با نخ رنگی یا سفید میندند ، و بعد ناف را میبرند (۸۷) .

۴/۶ - گاهی نیز ناف پسر و دختر را در فامیل بنام هم میبرند (۸۹) و از آن زمان آنها را با هم نامزد میکنند ، دوام و بقای رشته‌ی آشنائی و خویشاوندی را و مجاز بودن هم‌آمیزی دوران بلوغ آندو .

۴/۷ - تولد فرزندی را با فرزندان دیگر مربوط میدانند ، چه اگر يك بچه‌ی خانواده‌ی بماند و بچه‌های پس از او زنده نمانند ، میگویند ، بچه پشت قبول نمیکند ، وحسود است (۲۴۷) ، برای رفع این مشکل بچه را لای درحمام میگذارند و بآرامی فشار میدهند (۲۴۳) ، و قاشق چوبی داغ را پشت دست و قوزک پایش میزنند (۲۴۴) و یا موهایش را داغ میگذارند (۲۴۶) و یا گردن او را سه بار پشت‌بام مسجد فشار میدهند (۲۴۲ - ۲۴۵) و اگر بچه‌ای شست پایش را بخورد میگویند جفت میخواهد (۲۴۸) ، و چون بچه بعدی بدنی آید او را به عقد زن (اگر پسر باشد) یا مرد (اگر دختر باشد) پیری درمی‌آورند (۲۴۵) .

۵ - زایمان :

۵/۱ - هنگام حاملگی را ۹ ماه و ۹ روز و ۹ ساعت میدانند (۶۸) ، و با توجه به تقدس عدد هفت ، زایمان را در هفت‌ماهگی نیز با اشکال میبینند (۶۶) ، و میگویند بچه‌ای که هشت‌ماهگی بدنی بیاید زنده نمی‌ماند (۶۷) ، و البته که تأیید تجربه بر این اعتقادات موجب قوت گرفتن آنها شده است .

۵/۲ - برای آسان‌زایی ، زنان سخت‌زا ، آب روی چوب خشک شده «پنجه مریم» : (۷۰) یا زعفران (۷۴) میخورد ، یا در شیشه فوت میکند (۷۱) ، که باین وسیله فشار بر رحم وارد آید (و این راه برای آمدن جفت نیز بکار می‌نندند ، (۷۲) ، و اذان هم میگویند (۷۳) تا مردم به شنیدن صدای اذان بیگانه برای زائو دعاکنند و او آسان بزاید ، و اگر در حال زایمان خونریزی زیاد داشته باشد آب جام چهل کلید بر سرش میریزند .

۵/۳ - جفت زائو را چال میکنند (۷۶) و بخاک میسپارند ، و این تأییدی است بر حرمت اندام انسانی بویژه اندامی که با تولید نسل انسان رابطه دارد ، چه اعتقاد بر این که بچه‌ای که جفتش را جانوران گوشت‌خوار بخورند ، بدبخت میشود .

۵/۴ - به زائو غذاهای متوی مثل کاجی (۷۹) و روغن نبات میخورانند و غذاهای پر حجم و سنگین نمیدهند (۸۱ ، ۸۲) ، که اینها همه بر تجربه استوار است .

۵/۵ - بچه را پس از زایمان «غسل مولود» میدهند (۷۷) ، سرمه برچشمش میکشند . (۸۰) روغن زیتون و نمک به بدنش میمالند (۸۵) و کامش را میمالند (۷۸) .

۵/۶ - برای محل زایمان هم حرمت قائلند ، چنانکه حلوی زندگانی را برای زنده ماندن بچه‌ها در محل زایمان میپزند (۹۷) .

۵/۷ - به بدن بچه آب نمک میزنند (۹۶) ، و اگر دختر باشد هل و نبات بین پاهایش میریزند تا شیرین و خوشبو شود (۹۶) ، و برای نرمی پوست بدن بچه مورد (برگ گیاهی است) به تن بچه میمالند (۱۱۵) .

۵/۸ - از ورود ، تازه عروسان و دختران (۱۱۲) زنان ناپاك (۱۱۴) و بچه مرده (۱۱۳) و همچنین کسانی که دعا به همراه دارند (۱۱۱) به اتاق زائو و نوزاد جلوگیری میکنند .

۶ - نافبری :

۶/۱ - با بریدن ناف ، بچه زندگی مستقلمی مییابد و از مادر جدا میشود ، هنگامی که میخواهند ، ناف را ببرند ، با نخ‌های سفید و رنگی آنرا میبندند ، که رنگها هر يك نشانه آرزویی و دعایی برای او هستند ، مثل رنگ سفید که نشانه سفیدبختی است (۸۶) ، یا نخ گلی رنگ که مخصوص دختران است (۸۷) ، و وسیله نافبری (قیچی) را هم دورکننده رنجهای ناشناخته از زائو و بچه میدانند (۸۸) ، و پس از نافبری بچه را با آب و نمک میشویند تا از عفونت زخم جلوگیری کرده باشند (۹۶) .

۶/۲ - برای بهبود زخم و افتادن ناف بچه خمیر خاکستر و روغن کرچك (۹۰) ، خمیر خاك نرم و تمیز زیر ناودان با روغن چراغ (۹۱) را روی ناف میگذارند ، و برای تورفتن ناف بیرون آمده آنرا با سکه میبندند (۹۵) ۶/۳ - ناف خشك شده بچه را نگهدارند ، تا برای درمان درد چشم (۹۳) و باد و رطوبت را درمان کنند ، و همچنین ناف پسر را به زن نازا میخورانند تا بزاید یا به زن دخترزا میدهند تا پسر بیاورد (۹۳) .

۷ - نام گذاری :

«بر خداوندان و پدران بیش از آن نباشد که فرزندان خویش را نامهای نیکو و بسزا ارزانی دارند بدان وقت که ایشان در جهان آیند» ، (تاریخ بیهقی - فیاض - ص ۱۳۲) .

«ای پسر ، اگر فرزندات آید ، اول باید که نام نیکو نهی ، که از جمله

حق فرزندان بر پدران آن است ، که نام خوب نهند» (قابوس‌نامه - ص ۱۰۱) .
نام‌گذاری از آداب مهمی است ، که در زندگی نوزاد برگذار میشود ،
که طبعاً مفصل یا ساده بر گزار شدن آن بستگی به وضع مادی خانواده دارد .

۷/۱ - نام‌گذاری بیشتر در شب یا روز ششم انجام میگردد ، بدان‌جهت
که بچه از روز هفتم صاحب نام باشد و بعضی نیز روز سوم نام کودک را معین
می‌کنند (۱۱۷ - ۱۱۹) در بعضی مناطق نیز نام‌گذاری در روز هفتم یا چهلم
تولد کودک انجام میشود (۱۳۰) در مورد تعیین نام ، نام پدر بزرگ و پدر قاطع
است . در شب یا روز نام‌گذاری افراد فامیل واقوام در منزل زائو جمع میشوند
(۱۱۶) و نامهای مورد نظر را که پدر و مادر یا بزرگان فامیل یا پدر بزرگ معین
کرده‌اند روی تکه کاغذهایی مینویسند ولای قرآن میگذارند و بعد قرآن را
باز میکنند ، هر نامی که آمد بر کودک مینهند (۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲) .

۷/۲ - در گذشته آخوند نام بچه را با ساعت و روز تولد بر جلد قرآن
مینوشت تا سن و سالش معلوم باشد که این مربوط بزمانی است که شناسنامه
در بین نبود (۱۱۸) .

۷/۳ - بعضی مواقع زمان تولد بچه در تعیین نام او مؤثر است مثلاً
اگر بچه در عید قربان بدنیا بیاید به او لقب حاجی میدهند (۱۱۷) و اگر تولد
طفل در روز ولادت یکی از امامان مصادف باشد ، نام همان امام را بر طفل
مینهند ، تا قیامت از او شفاعت کند (۱۱۸ ، ۱۲۹) .

۷/۴ - بعضی نیز اعتقاد دارند ، که نام حتی در زنده ماندن بچه مؤثر
است (وقتی بچه نماند «بمان علی» «آقاماندی» و یا «بمانی خانم» میگذارند ،
یا نام‌هایی مانند «قیزبس» (یعنی دختر بس) ، چه دیگر نمیخواهند دختر داشته
باشند (۱۲۶) و بعضی نیز برای این که بچه‌شان زنده بماند نامش را عوض میکنند
(۱۲۷ ، ۱۲۸) گویا بخاطر گول زدن عزرائیل .

۷/۵ - گروهی نیز معتقدند که اگر پدر طفل توانائی داشته باشد باید
در روز نام‌گذاری گوسفندی قربان کند و گوشتش را بین نیازمندان تقسیم نماید
(۱۲۰ ، ۱۳۰) .

۸ - اذان گفتن بگوش بچه :

ایرانی مسلمان و معتقد می‌خواهد که بچه‌اش از اولین روزهای زندگی
با پایه‌ها و ریشه‌های استوار مذهبی آشنا گردد . بدین جهت اعتقاد بر این است که
باید از روز اول تا دهم بچه را مسلمان کرد و نام خدا و محمد (ص) و علی (ع)
را ملکه‌ی ذهنش کرد ورا دینداری و نماز خواندن و رستگاری و نیکوکاری را

بدو آموزاند . به این جهت بگوش بچه اذان میگویند .

۸/۱ - درمورد هنگام اذان گفتن بگوش بچه اعتقادات مختلفی هست :
بعضی پس از تولد بگوش او اذان میگویند (۱۳۱ ، ۱۱۹) بعضی در شب ششم (۱۳۲) گروهی از روز اول تا دهم (۱۳۵) و برخی از هفتم تا چهارم (۱۳۰) و (۱۳۳) بدین کار مبادرت میورزند . و این انتظار چند روزه ، بیشتر از بی‌اعتمادی به زنده ماندن نوزاد در روزهای اول مایه میگیرد . چنانکه گروهی جشن تولد نوزاد را در روز دهم ولادت او میگیرند (۱۳۴) .

۸/۲ - غالباً اذان گفتن بگوش بچه هنگامی انجام میشود ، که نام بچه مشخص شده باشد و گرنه نام یکی از امامان یا بزرگان دین را بگوش او میخوانند و اینکار را در مورد کسانی که نام غیر مذهبی نیز بر خود نهاده‌اند انجام میدهند (۱۳۶) . در هنگام اذان گفتن همه دخترانی را که نام غیر مذهبی دارند «فاطمه» و پسران را «علی» میخوانند (۱۲۴) .

۸/۳ - کسی که اذان میگوید و نام بچه را بگوشش میخواند ، یکی از بزرگان فامیل و ریش‌سفیدان یا از روحانیان یا پدر و پدربزرگ نوزاد است . (۱۳۶) .

۸/۴ - به گوش راست بچه اذان ، و بگوش چپ او اقامه میگویند و سپس نامش را به گوشش میخوانند (۱۳۶ و ۱۱۹) .

۹ - حمام زایمان :

چند روز پس از زایمان ، زائو و نوزاد را بحمام میبرند ، و چون این اولین تطهیر نوزاد در زندگی است معمولاً با آداب خاصی همراه است .

۹/۱ - نوزاد را اگر پسر باشد روز دهم ، و اگر دختر باشد روز هفتم بحمام میبرند (۱۴۲ ، ۱۴۵) و زائو را نیز (۱۴۵) ، و بعضی چه پسر و چه دختر را روز دهم بحمام میبرند (۱۵۱) و گروهی روز چهارم زایمان را هنگام به حمام بردن زائو و نوزاد میدانند (۱۴۷) و اعتقادی نیز وجود دارد که نوزاد پسر را باید دیرتر به حمام ببرند تا پرجرات شود (۱۴۷) .

۹/۲ - اگر نوزاد ضعیف بود یا هوا سرد ، درخانه بچه را میشویند و بهر صورت آب ده به سر نوزاد میریزند (۱۴۰ و ۱۴۶) .

۹/۳ - بعضی نوزاد را با سدر نرم والک کرده میشویند (۱۴۲) و بعضی با آب نمک (۹۶) این دو تقدیس شده و از گندزداها بشمار آمده است .

۹/۴ - تشریفات بحمام بردن نوزاد پسر بیش از دختر است (۱۴۸) .

۹/۵ - پس از حمام ، ماما (قابله) قدری سرنج زیر بغل نوزاد (۱۴۹)

و اگر دختر باشد قدری هل و نبات کوبیده بین پاهایش میریزد (۶۹) و بچشم زائو و نوزاد سر مه میکشد (۱۵۰) و بعد در خانه عده‌ای را به ناهار یا شام دعوت میکنند و میهمانی میدهند (۱۵۱) ، بطور کلی درباره‌ی حمام بردن زائو در روزهای معین ، رعایت مدت و قاعده‌ی «طهر» ملحوظ نظر است .

۱۰ - شیر دادن به بچه :

زنهار که از برای فرزند
خوبی که بشیر در بدن رفت
معلول و لئیم دایه میسند
آنگه برود که جان زتن رفت

۱۰/۱ - شیر مادر بعنوان اولین خوراک نوزاد از اهمیت خاصی برخوردار است و صرف نظر از تأثیراتی که در اندام بچه دارد در همه روحیات و اخلاق و صفات و عادات انسان مؤثر است ، چه بسیاری نفرین‌ها را به شیر میگویند و بسیاری آفرین‌ها را نیز (۱۶۸) ، و به همین علت بهترین شیر را شیر مادر میدانند ، و اگر مادر شیر نداشته باشد دایه‌ای جوان و شیرده (۱۶۹) میگیرند. و اولین شیر را نیز مادر وقتی به بچه میدهد که سیر باشد (۱۵۹) به وقت نیمه شب یا ظهر تا طفل صبور شود ، و همچنین شیر بسیار نمیدهند و از پیر کردن معده‌ی کودک احتراز میکنند (۱۶۱) .

۱۰/۲ - تأثیر شیر را تا آن حد میدانند ، که اگر مادر در هنگام شیر دادن عصبانی شود یا جوش کند بچه مبتلا به اگرما میشود (۱۷۶) یا شیرش خشک میشود (۱۶۷) .

۱۰/۳ - بعضی معتقدند که اگر شیر پستان بچه را بخودش بدهند ، خوش آواز میشود (۱۶۶) .

۱۰/۴ - از هنگامی که بچه سه روزه است ، شیرش میدهند (۱۵۸) و در سه روز اول قنداب همراه با خاکستر و بارهنگ به نوزاد میدهند (۱۵۸) ، روز سوم مادر پستانش را با آب گرم و نعنا میشوید (۱۶۰) ، و بچه را روی دامان میخواباند و دستش را زیر سرش مینهد و شیرش میدهند (۱۶۱ ، ۱۶۲) ، مدت شیر خوردن شانزده ماه تا دو سال (۱۶۴) است و از چهار ماهگی به مزه غذاها عادتش میدهند (۱۶۳) ، و بهنگام از شیر گرفتن ، انار شیرین که سوره هفت مبین بر آن خوانده‌اند (۱۷۱) ، یا شیربرنج به بچه میخورانند ، و با ترساندن بچه بوسیله پشم گوسفند که روی پستان میگذارند (۱۷۲) ، و دور کردن یکبار از مادر (۱۷۵) ، و یا با مالیدن «صبر زرد» روی سینه و بواسطه تلخی آن (۱۷۴) بچه را از شیر خوردن باز میدارند .

۱۱ - گوش سوراخ کردن :

از آنجا که گوشواره از زینت آلات ارزنده‌ی زنان است، گوش دختر بچه‌ها را در کودکی سوراخ میکنند، تا بعداً به آن گوشواره بیاویزند.

۱۱/۱ - در روز اول تولد نوزاد دختر، در شب ششم قابله، یا یکی از گیس سفیدان با سوزن لاله‌های گوش را سوراخ میکند، و نخ‌ی از آن عبور میدهد، تا سوراخ بسته نشود، زخم که بهبود یافت میتوان از آن سوراخ گوشواره آویخت (۱۷۷ - ۱۷۸ و ۱۷۹) بعضی نیز گوش را بعد از دوسالگی سوراخ میکنند (۱۸۱).

۱۱/۲ - در مناطق جنوبی ایران نیز يك طرف بینی را هم سوراخ میکنند، تا گل طلائی یا نقره‌ای کوچکی روی سوراخ بچسبانند (۱۷۹).

۱۱/۳ - اگر بچه‌ها زنده نمانند، اولین بچه‌ای که دنیا بیاید، حتی اگر پسر باشد گوشش را سوراخ میکنند (۱۸۰)، یعنی او را غلام حلقه‌بگوش کسی میکنند که بچه یا زنده ماندنش را از او خواسته‌اند :

۱۲ - دندان درآوردن :

بچه از ماه هفتم بعد از تولد، دندان‌هایش کم‌کم نیش میزند و برمی‌آید و بهنگام دندان درآوردن مریض میشود. که هرچه مدت دندان درآوردنش بیشتر باشد، بیماریش نیز طولانی‌تر خواهد بود.

۱۲/۱ - هنگام دندان بیرون آوردن بچه‌ها در پنج‌ماهگی، شش‌ماهگی، و یکسالگی (۱۸۲).

۱۲/۲ - برای زود دندان بیرون آوردن طفل آشی بنام «دندونی» می‌بزنند (۱۸۴) و بین مردم تقسیم میکنند و گاهی کله گوسفند هم در آتش میاندازند (۱۸۹) و یا گندم خالی می‌بزنند و یا گندم و لوییا، عدس، ماش و باقلا مقداری گندم هم به نخ میکشند و به کلاه بچه می‌آویزند (۱۸۷) زیرا ظاهراً (رشته) را نماد طولانی بودن عمر و دیرسالی آدمی میدانند، و مقداری آتش هم برای پرنده‌ها پشت بام میریزند (۱۸۴).

۱۲/۳ - برای اینکه تاو‌لهای لثه زود پاره شود، و دندان سر بکشد و درد بچه تمام شود، پیاز خالی بکودک میدهند تا گازبزند (۱۸۴) وجود مادی گندزدایی در سیر و پیاز از لحاظ طب تجربی آزمایشگاهی کاملاً مسلم گردیده است، و همه این که آب پیاز تاو‌لهای لثه را میسوزاند و پاره میکند و دندان زودتر نیش میزند. و یا تکه‌گوشتی را کباب میکنند و وقتی کاملاً پخته نشده به بچه میدهند تا روی لثه بکشد (۱۸۶) یا خرما خرك (خارك) میدهند (۱۹۳)

و بعضی گندم و باقلای کوبیده به بیچه میخورانند تا دندانش زودتر درآید (۱۹۸) ،
 وعده‌ای پنبه آغشته به عسل را روی لثه‌های بیچه میمالند (۱۸۵) .

۱۲/۴ - بعضی اعتقاد دارند که اگر نیش خرس را روی لثه‌ی طفل
 بگذرانند ، دندانش بی‌درد بیرون می‌آید (۱۹۴) و گروهی دندان اسب (۱۹۷)
 یا روباه (۱۹۵) را بگردن بیچه می‌آویزند ، و برخی اعتقاد دارند که باید شش ،
 آهورا با روغن زیتون مخلوط کنند و روی دندان بیچه میگذرانند تا دندان بیرون
 آورد نباید سوار خر کنند ، زیرا دندانش مثل دندان خر میشود (۱۸۳) .

۱۲/۵ - برحسب معمول و باتکای تجربه اولین دندان‌های بیچه باید از
 فك پائین بیرون بیاید ، و اگر برخلاف معمول ابتدا دندانهای فك بالا سر بزند ،
 زن زائو را به بدی یاد میکنند (۱۹۲) و میگویند که بیچه نحس است و برای
 این که نحسی او دامن پدر و مادر را نگیرد او را از بام کوتاهی در چادر میاندازند
 (۱۹۱) ، یا او را سرازیر نگه میدارند (۱۸۸) یا بیچه را از بلندی در پتو میاندازند ،
 بعد يك کله قند میاندازند و آن را به فقرا میدهند (۱۸۹) ظاهراً اینگونه اعمال
 یا دردی مداوم را با دردآورتری یکباره برطرف ساختن و باصطلاح تکان دادن است
 بعضی مردم نیز دست راست بیچه را روی خودش میگذارند و میگویند
 «سر خودت را بخورد» (۱۹۰) .

۱۳ - شگون تولد نوزاد :

نوزاد خوش قدم :

۱۳/۱ - هنگام بدنی آمدن نوزاد را در خوش قدم یا بدقدم بودن او
 مؤثر میدانند چنانکه اگر بیچه‌ای روز پنجشنبه یا جمعه بدنی بیاید خوش قدم است
 (۱۹۹) چه احترام خاص شب جمعه و روز جمعه در میان مسلمانان معلوم همگان
 است . و اگر صبح زود و بعد از غروب بدنی بیاید (۲۰۰) خوش قدم است ، و
 بخصوص روز جمعه ، که برای بیچه‌های متولد در این روز هموزن او خرما و
 شیرینی خیرات میکنند (۲۰۱) .

۱۳/۲ - اگر همزمان با بدنی آمدن بیچه خوشی و ثروت به پدر و مادر
 رو کند ، نوزاد را خوش قدم میدانند (۲۰۲) .

۱۳/۳ - بیچه‌های خوش قدم را پیش از تحویل سال بیرون میفرستند ،
 تا پس از تحویل سال بخانه بیاید ، و از آن هنگام در آغاز سال با خود برکت و
 شادی بیاورد (۲۰۳) و اگر بخوانند کاری مهم را آغاز نمایند ، این چنین
 میکنند (۲۰۵) . همچنین پسر بیچه‌های خوش قدم را با نان و پنیر بخانه عروس
 میفرستند ، تا با خود سعادت و خوشختی ببرد . (۲۰۴) .

- ۱۳/۴ - کودکی را که در روز عید قربان دنیا بیاید حاجی مینامند (۱۱۷) چه او در رحم ثواب حج را داشته است .
- ۱۳/۵ - بچه‌ای که در هفت‌ماهگی دنیا بیاید عجول است (۶۶) .
- ۱۳/۶ - هنگامیکه بچه از مادر جدا شود «تحویل کبری» اولین تحویل سال را «تحویل وسطی» و اولین شروع ماه را : «تحویل صغرا» میگویند (۲۰۶) کتابهای زایچه و موالید به تفصیل از این تحاویل سخن گفته‌اند که مبتنی بر همان اعتقاد ولادات موالید با اوضاع کواکب و اقترانات نجومی آنهاست . نوزاد بدقدم :
- ۱۳/۷ - بچه‌ای که روز دوشنبه (۱۹۹) و یا نزدیک ظهر (۲۰۰) دنیا بیاید بدقدم است . این امر مبتنی بر اعتقاد به سعد و نحس .
- ۱۳/۸ - بچه‌ای که اولین دندانهای فك بالایش بیرون بیاید بدقدم است و او را از بلندی درون چادر یا پتوئی میاندازند (۱۸۹ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۸۸) .
- ۱۳/۹ - بچه‌ای که همزمان با دنیا آمدن او یکی از فامیلهای یا نزدیکانش میمیرد شوم و بدقدم است .

۱۴ - زبان باز کردن کودک :

- شاید مهمترین مرحله‌ی تکامل و پرورش کودک هنگام زبان باز کردن اوست ، که خانواده‌ها ابتدا کلماتی مثل «بسم‌الله» ، «محمد» «علی» «بابا» «ماما» و نامها را باو میآموزند ، و بعضی کلمات که کودک خود به نیاز میآموزد مانند «مه‌مه» (پستان) و «شیر» و «آب» و میگویند تا موقعی که بچه نتواند بگوید «سنگ» «ملاجش» سفت نمیشود (۲۱۰) .
- ۱۴/۱ - بچه‌ای را که حرف نزند ، به امام‌زاده میبرند و قفل ضریح را در دهانش میگذارند (۲۰۷) یا تخم کبوتری روی زبانش میشکنند (۲۰۸) .
- ۱۴/۲ - کودکانی را نیز که دچار لکنت و کندی زبان هستند ، تخم کبوتر میخورانند (۲۰۹) .
- ۱۴/۳ - اعتقاد بر این است که اگر از روی بچه شیرخوار بگذرند ، دیر زبان باز میکند (۲۱۱) .

۱۵ - راه افتادن بچه :

- بچه‌ای را که دیر راه بیفتد ، بکارهائی و امیدارند که پایش باز میشود .
- ۱۵/۱ - دونفر روبروی هم میایستند و دروازه درست میکنند و بچه‌را

هفت بار از بین پاهای خود میگذرانند که دروازه را مظهر حرکت و تردد میداند و یا اینکه بچه را بر سر چهارراه مینهند (۲۱۷) ، همچنانکه در رسمی کمان رد میکنند (۲۱۴) .

۱۵/۲ - بچه را سوار سگ میکنند و دور حیاط میگردانند (۲۱۲) چه اینکه سگ حکم روروك را دارد ، که امروزه بوسیله اسبابهای چرخداری این خدمت را از آنها میگیرند .

۱۵/۳ - در حمام با جارو به پشت پای بچه میزنند (۲۱۵) و اینکار بیشتر برای وارد کردن شوک است .

۱۵/۴ - اعتقاد کلی براین است که رد شدن از روی بچه (۲۱۱) ، و بردن گوشت بالای سر او موجب دیر راه افتادن بچه میشود (۲۱۶) .

۱۶ - بوسیدن بچه :

از آنجا که بوسیدن بچه از نظر بهداشتی صحیح نیست اعتقادات در این زمینه در نهی و تحریم بچه است ، به بهانه‌ای این که میگویند بچه مثل گل است و زیاد بوسیدن او را میبژمرد (۲۱۸) ، و بهانه‌های دیگر :

۱۶/۱ - بوسیدن کف پا ، موجب کوتاهی عمر است (۲۱۸) .

۱۶/۲ - بوسیدن پشت گردن بچه ، او را قهروك (۲۲۱) و بداخلاق و لجباز (۲۲۲) و کم عقل (۲۲۳) میکند ، و میگویند بچه‌ای را که پشت گردنش را ببوسند دزد میشود (۲۲۴) .

۱۶/۳ - بوسیدن دست بچه ، موجب رنگ زردی اوست (۲۲۵) ، و دست دیگرش را هم باید بوسید (۲۱۶) .

۱۶/۴ - بوسیدن پیشانی ، بچه را قهروك میکند (۲۲۰) و بوسیدن صورتش موجب رنگ زردی و رنجوری اوست (۲۱۹) .

۱۷ - محرمات :

بسیاری از کارها و رفتارهای زیان‌بخش برای نوزاد و زانو را از روشهای سنتی مورد تحریم قرار میدهند و عیوبی هم بر آن می‌تراشند تا باین وسیله آنها را از کار باز دارند :

۱۷/۱ - زنان آستن را از غلت زدن (۹ ، ۳۶) ، دمر خوابیدن (۳۷) خوردن برنج خام (۱۲) و سرکه (۱۳) ، شاه‌توت (۱۶) ، به (۱۷) نگریستن بمرده (۳۱ ، ۳۲) و گرفتن چیز (۳۳) و نگاه کردن بمرده بیگانه (۳۴) و با چاقو آتش برداشتن (۲۴۰) منع میکنند ، که هر يك زیانی جسمی یا اخلاقی

دارد . و حاملگی بیوه‌زنان را موجب شیوع بیماریهای همه‌گیر میدانند (۲۲۸) .

۱۷/۲ - آب (۸۲) وسیب (۸۰) به زائو نمیدهند و از ورود زنان ناپاک (۱۱۴) زنان بچه مرده (۱۱۳) ، تازم‌عروسان و دختران (۱۱۲) و آنها که دعا بهمراه دارند (۱۱۱) به اتاق زائو و زایمان جلوگیری میکنند .

۱۷/۳ - بوسیدن بچه را بد میدانند که در ۱۶ آمد .

۱۷/۴ - از خاراندن کف پای بچه (۲۲۷) ، داد زدن بالای سر بچه (۲۳۱) ، بالا انداختن بچه (۲۳۲) جلوگیری میکنند .

۱۷/۵ - بچه‌ها را از نزدیک شدن به دخانیات (۲۳۰) و مواد مخدر (۲۲۹) ، انگشت در بینی کردن (۲۳۳) ، دست چرب بسر مالیدن (۲۳۴) ، ناخن بهم زدن (۲۳۵) نزدیک شدن به آتش (۳۳۶) جویدن سقر و برنج خام (۲۳۷) و شب نگرستن در آینه (۲۴۱) منع میکنند .

۱۷/۶ - از طرفی نیز بچه‌ها را به بسیاری کارها تشویق میکنند ، که مهمترینشان حرمت مواد غذایی (۲۳۸) و دورنریختن روزی وقوت غالب (۲۳۹) .

۱۸ - دوا و درمان بچه‌ها :

پزشکی عامیانه همیشه جایی ارزنده در آداب و رسوم داشته و دارد ، مخصوصاً اگر این دوا و درمان‌ها برای بچه‌ها باشد، به نمونه‌هایی چند نظر می‌افکنیم:

۱۸/۱ - تب : برای تب‌بری بچه جوشانده گیاه خارمش (۲۸۴) ، و گیاه موش کورک (۲۸۵) و گیاه دوشک (۲۸۶) را به بچه میخورانند و مادری که دست تب‌آلود بچه را گرفته ، دستش را بزمین میزند تا درد و بلایش بزمین برود (۲۸۷) و اینها بالجمله مبتنی بر طب تجربی و داروشناسی قدیم است .

۱۸/۲ - سیاه‌سرفه و سینه درد : شیر دوشیده روی چینی داغ (۲۸۸) و جوشانده گل بنفشه و گل‌گاوزبان و چهارتخمه (۲۸۹ و ۲۹۰) سیاه‌سرفه و سینه‌درد بچه‌ها را درمان میکند و بچه‌های مبتلا به سیاه‌سرفه را از یک طرف درخت بطرف دیگر آن میبرند و معتقدند که بچه درمان میشود (۲۹۱) و اعتقاد بر این است که اگر بچه شیر مادبان بدهند ، هیچوقت سیاه‌سرفه نمیگیرد .

۱۸/۳ - اسهال و یبوست : ریجان و کشک ساییده یا کشک برشته (۲۹۲) ، و شیرهی هسته‌ی انار و مغز بادام کوبیده (۲۹۳) تخم گیاه «کنوچه» (۲۹۴) و شراب (۲۹۵) و جای بو داده دم کرده (۲۹۷) داروی اسهال کودکان است، و آش انار از اسهال بچه جلوگیری میکند (۲۹۸) ، و برای رفع رودل روغن بادام به بچه میخورانند (۲۹۹) و یبوست بچه را با شیاف صابون درمان مینمایند . (۳۰۰) .

۱۸/۴ - جوشانده بارهنگ را برای مداوا به بچه مبتلا به استفراغ میخورانند (۲۹۶) .

۱۸/۵ - خروسك : مهره خر ، شیر الاغ یا شیر دختر (۲۷۴) و خون خروس (۲۷۳) را معالج خروسك میدانند ، و دست کسی را که موش صحرائی خفه کرده باشد شفا دهندهی گلودرد (۲۷۵) میخوانند .

۱۸/۶ - درگوش : بچه‌ای که زیاد گریه کند میگویند که درد گوش است ، و علت درد گوش را تکان دادن گهواره‌ی خالی كودك میدانند (۳۰۱) و برای مداوا ، شیر دختر درگوش میریزند (۳۰۲) یا پشت گوش را تیغ میزنند (۳۰۳) که آن راه درمان رشکا نیز هست (۳۲۹) و یا انگشت به خاك مالیده در گوش بچه میکنند (۳۰۴) ، مالیدن (صبزرد) (۳۰۵) و تریاك و زهرگاہ (۳۰۸) و چکاندن روغن بادام درگوش (۳۰۶) و دود سیگار و چبق (۳۰۷) را باعث درمان گوش بچه میدانند .

۱۸/۷ - چشم درد : اگر پلك چشم بچه جوش بزند آنرا با مالیدن قند بجوشها درمان میکنند (۳۰۹) و بول بچه را معالج آب چشم میدانند (۳۱۰) شاید براساس این اعتقاد که ادرار بچه‌ی ببلوغ نشسته پاك است ، و همچنین محلول «مامران» را در چشم دردناك میچکانند (۳۱۱) و پوست ناف خشك را هم در آب حل میکنند و در چشم بچه میریزند (۹۳) .

۱۸/۸ - سرخك : اعتقاد براین است که مایه‌ی سرخك مایع منی است که پیش از تولد در چشم بچه رفته است و بهمین علت تمام بچه‌ها باید سرخك بیرون بیاورند ، و باین دلیل نگرستن آدم جنب را بكودك مبتلا به سرخك موجب هلاك او میدانند و بچه‌ی مبتلا را لباس قرمز میپوشانند (۳۱۲) و دود خاکشیر (۳۱۵) و شاخه گز میدهند که درختی است اسطوره‌ای و مقدس در شرق . دافع دردهاست و رافع جراحات ، چنانکه در اساطیر چنین دیده میشود . (۳۱۳) ، و تن بچه را با آب جوشانده گل ماش میشویند (۳۱۴) و به او جوشانده چهارگل و ترنجبین میخورانند (۳۱۶) .

۱۸/۹ - زخم : برای درمان زخم روی آن ادرار میکنند ، یا تار عنكبوت ، گل حنا و سفیداب روی زخم میگذارند (۳۱۷ ، ۳۱۸ ، ۳۲۰) و شیر دوشیده شده روی فلز کهنه را روی جای سوخته بچه میریزند (۳۱۹) .

۱۸/۱۰ - شاشیدن : برای معالجه بچه‌هائی که در جامه و بستر میشاشند ، كباب اسپرز گوسفند (۲۷۶) یا خون خشك شده فاخته (۲۷۷) یا گوشت خاریشت (۲۵۴) یا مغز خرگوش میخورانند (۲۵۲) و خاك نرم (۳۲۱) ، روغن چراغ و كف گوشت (۳۲۲) به پا ، و ماست به آلت تناسلی او میمالند (۳۲۳) . اگر

بچه شاش‌بند شود باو کاکل ذرت میدهند (۳۲۴) طب تجربی و داروشناسی نوین این گیاه را از مهمترین داروهای بازکننده و التیام‌بخش جراحات مجاری ادرار شناخته است .

۱۸/۱۱ - سفلیس : برای جلوگیری از ابتلای بچه‌ای که پدرش سفلیس داشته ، به این بیماری بچه را در برنج نیم‌پخته و پوست گوسفند تازه کشته قرار میدهند (۳۲۵) .

۱۸/۱۲ - جابجا شدن مهره‌های کمر : وقتی بچه‌ای در اثر گرداندن روی دست کمرش عیب کند ، برای مداوای او پشت و شکمش را با چوب داخل تنه‌ی درخت داغ میکنند (۳۲۶) .

۱۸/۱۳ - گریه کردن بچه : اصولاً اعتقاد بر این است که بچه اگر گریه کند خوش‌آواز میشود ، ولی اگر گریه از حد بگذرد آن‌را معلول درد و ناراحتی میداند برای مداوای او تدابیری بکار می‌بندند ، مثل : خوراندن مخلوط شیر مادر و گیاه برنجاس (۳۲۷) ، خوراندن آب و شیر و چای داغ (۳۲۹) ، خوراندن کمی تریاک یا سوخته آن (۳۳۰) یا دانه‌های کوبیده خشخاش (۳۳۱) که واضح است ایندو مواد مسکن‌اند - شیرخ (۲۷۸ - ۲۵۷) و گوشت مرغ (۲۸۰) هم درمان کننده گریه بسیار بچه است .

بعضی مردم هم برای معالجه‌ی گریه بچه چهار گوشه سرش را کمی داغ میکنند (۳۳۴) یا از یکی از رگهای دستش کمی خون میگیرند (۳۳۲) که فصد و حجامت (رگ زنی) خود از شیوه‌های درمانی طب کهن است .

آویختن چشم خرچنگ بلباس بچه هم او را از گریستن بسیار آرام میکند (۲۷۹ - ۲۵۳) و یا گرفتن دعا نیز گریه بچه را معالجه میکنند (۳۲۸) . بچه‌هایی را که زیاد گریه میکنند از زیر نقاره میگذرانند (۳۳۳) .

۱۸/۱۴ - دیگر مداوها : زن حامله که برف بخورد ، بچه‌اش غشی میشود (۳۴۲) و برای درمان ، مهره فهمه همراه بچه میکنند یا ساییده‌اش را باو میخوراند (۳۴۳) زن مومنی دست به تربت یا انگشتر پنج تن میزنند و سق بچه‌را بر میدارد تا بچه بتواند پستان بمکد (۳۴۴) .

برای درمان هولزدگی ، دل گرم گوسفند را در دست میگیرند و بعد کباب میکنند و میخورند (۲۸۱) منظور از هولزدگی ، دل دار نبودن در مقابل حوادث است دل و جگر حیوانات را برای دل‌دار شدن میخورند ، و همچنین خوردن نمک را هم موجب ترس شدن بچه میداند (۳۴۰) .

یرقان را با آب هندوانه و ماهی ریز (۳۳۶) و آویختن کهر با از گردن درمان میکنند (۳۳۶) .

راه درمان اوریون را گرم نگهداشتن گوش و گلوئی بچه و مالیدن روغن چراغ میدانند (۳۳۷) .

حجامت را روی کودکان در ۵ سالگی انجام میدهند تا خون بچه صاف و پاک شود (۳۳۸) .

سوزاندن جفت نوزاد بدحال را معالجه میکند (۲۸۲) ، و پوست ناف برطرف کننده باد و رطوبت است (۹۴) .

روغن زیتون و نمک پوست بچه را با طراوت میکند که مبتنی است بر معرفت عمقی و تجربه (۸۵) و پیراهن نوزادی را که در بهار دنیا میآید در گل محمدی میگذارند (۲۸۳) و سائیده‌ی گیاه مورت را به بدن بچه میمالند (۱۱۵) مرگ اطفال کمتر از یکسال اهمیت چندانی ندارد (۴۲۹) .

۱۹ - چشم زخم : اعتقاداتی بسیار عمیق وجود دارد که بچه‌ها و جوانان مورد حسادت حسودان واقع میشوند و حسودانی که بآن‌ها چشم‌زخم میزنند ممکن است وحتى ممکن است زیبایی و سلامت خود را از دست بدهد :

۱۹/۱ - برای دفع چشم و نظر چیزهای کم ارزش و بی اهمیت به لباس بچه آویزان میکنند مهره کهریا (۳۵۱) زاج ، اسپند ، کاسنی (۳۵۲) ، مهره باباغوری ، نمک ، کس گربه ، چشم نظر قربانی ، دندان فیل ، استخوان پلنگ ، شاخ گربه (۳۵۳ ، ۲۶۷) ، آهن ربا (۳۵۴) خر مهره و مهره ابلق (۳۵۵) ، صدف دریائی (۳۵۶) ، مرجان (۳۵۷) سنگ آشیانه‌ی پرستو (۳۵۸) ، به لباس یا به کلاه (۳۴۷) بچه می‌آویزند . که اینها از اشیاء بی اهمیت است که انجام و اعمال هر کدام خود مراحل دارد و ترتیباتی (۳۴۵ ، ۳۶۰ ، ۳۶۱) و علت رنگارنگی مهره را بی تأثیر کردن افراد رنگارنگ و جور واجور میدانند (۳۶۳) ، که از روز به دنیا آمدن طفل به بچه می‌آویزند (۳۴۶) .

۱۹/۲ - بچه را از چشم زخم ، چشم شوران و چشم شومان دور میدارند (۳۶۴) .

۱۹/۳ - نعل (۳۶۵) و لنگه کفش و نمک (۳۶۶) به دیوار اطاق یا درگاه اطاق می‌آویزند .

۱۹/۴ - مقداری گلپر اسفند (۳۴۶) یا زاج و گه مرغ و زاج (۳۶۷) و (۳۶۸) درخانه و یا سر چهارراه روی آتش میریزند و افرادی را که ممکن است به بچه نظر زده باشند اسم میبرند و سوخته آنها را کمی روی پیشانی و بینی کودک میمالند ، تا آنچه را که در نظر حاسدان و چشم شومان زیباست ، زشت جلوه بدهند ، بعضی نیز تکه‌ای از لباس نظرزننده را هم روی آتش میاندازند (۳۶۹) .

۱۹/۵ - برای این که ببینند به بچه چشم‌زخم زده ، «تخم مرغ» میشکنند

(۳۴۹، ۳۵۰) .

۱۹/۶ کجی آبی به پشت لباس کودک می‌آورند ، و بمحض این که کسی او را نظر بزند کجی می‌ترکد و بچه را درامان میدارد (۳۴۸) ، و یا خون قربانی به بچه نظر خورده میخورانند (۳۷۰) .

۴۰ - ختنه :

۲۰/۱ - از رسوم دیرین اقوام سامی تژاد که در دین حنیف اسلام ، سنت گردیده است . و واجب و تأکید بسیار بر آن شده ، ختنه است چنانکه میگویند تا پسر بچه را ختنه نکنند مسلمان نمیشود (۴۰۸) و باید در ظرف جداگانه غذا بخورد (۴۰۹) و چنانکه بمیرد باید جای ختنه او را با نخ ببندند (۳۹۰) .

۲۰/۲ - جشن ختنه سوران را برای سپاس از شادمانی و تندرستی بچه برپا میکنند (۳۷۲) و پدر و مادرها جشن ختنه سوران را مفصل میگیرند ، که اگر در عروسی پسرشان نبودند آرزو به دلشان نماند (۳۷۳) و بخصوص اگر بچه‌ی اولی باشد این جشن مفصلتر است .

۲۰/۳ - برای ختنه سوران به بچه لباسهای زیبا میپوشانند (۳۸۵) و ابتداء او را به حمام میبرند (۳۸۶) و با ساز و آواز به خانه می‌آورند (۲۸۸) .
۲۰/۴ - گاهی چند بچه را که با هم خویشاوندند با هم ختنه میکنند ، که باید تعدادشان فرد باشد . مثلاً ۳ یا ۵ یا ۷ بچه ، و اگر تعداد زوج باشد با بریدن تاج خروس این تعداد را در ۷۱ میکنند (۳۸۷) و گرنه یکی از بچه‌ها میمیرد (۳۸۷ ، ۳۸۹) .

۲۰/۵ - هنگام ختنه سوری بدینگونه است :

روز سوم (۳۷۵ - ۳۷۷)

روز پنجم (۳۷۵)

روز هفتم (۳۷۵ - ۳۷۷)

روز نهم (۳۷۵)

روز دهم (۳۷۶)

روز بیستم (۳۸۴۳)

شش ماهگی (۳۸۴)

یکسالگی (۳۸۴)

پنج سالگی (۳۷۵ ، ۳۷۷ ، ۳۷۹)

هفت سالگی (۳۷۵ ، ۳۷۷ ، ۳۷۹ ، ۳۸۰ ، ۳۸۳)

ایام عید (۳۱۸)

چهارسالگی تا ده سالگی (۳۸۱)
شش سالگی تا ده سالگی (۳۸۲)
اگر هنگام ختنه زمستان باشد بچه را در ماسه‌ی جوشانده (۳۹۱) و اگر تابستان باشد در شنهای سرد (۳۹۲) می‌شاند .

جگونگی ختنه :

۲۰/۶ - برای بچه رختخواب سرخ‌رنگ می‌گسترند و لباس قرمز رنگ می‌پوشانند و درحالی که گروهی می‌زنند و می‌خوانند و دلاک خود هم میرقصند و می‌خوانند برای رفع ترس و نگرانی بچه ، عمل ختنه را انجام می‌دهند (۳۹۳ ، ۳۹۴ ، ۳۹۵ ، ۳۹۶ ، ۳۳۸ و سپس به بچه شیرینی می‌خورانند (۳۹۷) و کبوتر در هوا رها می‌کنند که بچه حواسش بآن برود (۳۹۹) مادر بچه پایش را در آب سرد می‌گذارد (۴۰۰) و پدر و مادر و نزدیکان به بچه هدیه می‌دهند (۴۰۱) .
۲۰/۷ - بعد از ختنه به بچه آب نمیدهند تا سه روز (۴۰۲) و فقط برنج می‌خورانند (۳۷۹) .

۲۰/۸ - بچه را تا سه یا هفت و حتی چهل روز تنها نمی‌گذارند (۴۰۳ ، ۴۰۴ ، ۴۰۵ ، ۴۰۶) .

۲۰/۹ - بعد از ختنه وقتی بچه می‌خواهد راه برود ، لنگ یا پیراهن بلند و گشاد می‌پوشانند (۴۰۷) .

۲۰/۱۰ - پوست ختنه را بعضی بچوب می‌زنند و به دیوار اتاق می‌آویزند (۴۲۷ ، ۴۱۰) یا به چوب انار می‌زنند و در بالای سر بچه‌ای که ختنه شده (۴۱۱) . یا به نخ می‌کشند و به میج یا (۴۱۲) یا بگردن طفل می‌بندند (۴۲۴) و یا با پیاز و سیر از روزه‌ی آشپزخانه بدون می‌آویزند (۴۱۴) بعضی‌ها پوست ختنه را کباب می‌کنند (۴۱۵) یا خشک می‌نمایند و با نبات کوبیده (۴۱۶) یا همراه غذا به بچه می‌خورانند (۴۱۶) . گاهی هم پوست ختنه را به زن نازا می‌خورانند تا باردار شود (۴۱۷ ، ۴۱۸) آن را در دکان یهودی می‌اندازند که بچه ساکت شود (۴۲۱) یا پس از آن که از گردن کودک باز کردند جلوی خروس می‌اندازند تا بچه جنگی شود (۴۲۳) یا چال می‌کنند که عاقل شود (۴۲۲) یا در سوراخ موش می‌گذارند که زخم زود خوب شود (۴۱۹) یا در کاروانسرا می‌اندازند که بچه تاجر شود (۴۲۱) .

۴۱ - دفع جن ، آل از بچه :

اعتقاد بسیاری از مردم بر این است ، که زائو و بچه تا مدتی در معرض

آسیب جن و آل وام‌الصبيان هستند .

۲۱/۱ - جن و آل میتوانند بهر شکلی که بخواهند به زائو یا نوزاد صدمه برسانند در لحظه‌ی زایمان کسی که دعا به‌مراه دارد (۱۱۱) ، دختران و تازه‌عروسان (۱۱۲) و زنی که تازه وضع حمل کرده ، یا زنی که تازه بچه‌اش مرده (۱۱۳) نباید وارد اتاق زائو شوند چه سایه جن و آل خود را بشکل او درآورند و به بچه و زائو صدمه برسانند (۴۴۳) .

۲۱/۲ - برای جلوگیری از ورود جن و آل به اتاق ، قرآن در اتاق می‌گذارند و یا به همراه بچه می‌کنند (۴۴۴ و ۴۴۵) ، و بدیوار اتاق و اطراف بستر زائو و بچه خط می‌کشند (۴۴۶ ، ۴۴۷ ، ۴۴۸ ، ۴۴۹) و پیاز و سیخ آهنی و شمشیر یا قداره ، یا خنجر کنار بستر زائو می‌گذارند (۴۵۰) ، و نمی‌گذارند زائو و بچه تنها باشند و دعا و قاب‌گرگ به لباس و گردن بچه و زائو می‌آویزند (۴۵۱ ، ۴۵۲) و مهره آل‌همراه بچه می‌کنند (۴۶۱) و عود دود می‌کنند (۴۶۲) .

۲۱/۳ - اعتقاد بر این است که با بدنیا آمدن هر بچه ، يك بچه‌ی جنی هم متولد میشود که با بچه‌ی آدم هم‌زاد میباشد (۴۵۲ ، ۴۵۳) جنیان میکوشند نوزاد خودشان را با بچه‌ی آدمی‌زاد عوض کنند ، و این خطر تا شب ششم هست و اگر بچه ضعیف و لاغر شود میگویند جنیان او را با هم‌زاد عوض کرده‌اند (۴۵۴ ، ۴۵۵) ، بهمین جهت بچه بیمار را بزک می‌کنند و در مستراح می‌گذارند که جنیان از او خوششان بیاید و بچه‌ی عوضی را ببرند و بچه اصلی را بیاورند (۴۵۶ ، ۴۵۷ ، ۴۵۸) .

۲۱/۴ - اگر کسی گریه‌ی سیاه را اذیت کند (۴۵۹) یا بچه جنیان را آزار برساند جن نیز بچه او را بیمار میکند (۴۶۰) .

۲۱/۵ - تا شب ششم بچه را خطر معاوضه با هم‌زادش تهدید میکند و بهمین علت بچه را تا شب ششم تنها نمی‌گذارند (۴۶۶) و روی زمین نمی‌خوابانند (۴۶۳) بلکه روی غربال و مرمر می‌گذارند (۴۶۴) یا در بغل می‌گیرند . در شب ششم بچه را سیاه می‌کنند ، و در اتاق دود و سروصدا راه می‌اندازند (۴۶۸) و صبح بچه را از روی غربال برمیدارند ، چه دیگر جنیان قادر به صدمه زدن بآنها نخواهند بود (۳۶۵) ، و روز سوم هم بر سر زائو و نوزاد با جام دعا آب میریزند (۴۶۷) .

۲۱/۶ - برای رفع ام‌الصبيان بچه را در پالان الاغ می‌گذارند (۲۵۵) .

۴۴ - عقیده

۲۲/۱ - برای سلامت ماندن و زنده‌ماندن کودکان ، پدر و مادرها نذر

نیازهای بسیار میکنند و مرادها میخواهند ، مانند دوختن پیراهن مراد (۴۳۳) ، (۴۷۳) یا پختن حلوائی زندگانی (۴۶۹) و قربانی کردن گوسفند (۴۳۵) ، و پختن سمنو در ایام عید (۴۷۰) و پختن شله زرد (۴۷۱) و آش (۴۷۲) و دادن ولیمه (۱۱۰) .

۲۲/۲ - از میان نذرها ، عقیقه از همه مهمتر است . چه از نظر مذهبی نیز هر پدر و مادر دارا واجب است که برای فرزندشان عقیقه کنند چه در غیر اینصورت طفلشان در معرض بلاهای ناگهانی خواهد بود (۴۷۴) .

۲۲/۳ - هفت یا چهل روز پس از تولد نوزاد (۴۷۵) گوسفندی را که یکسال کمتر نداشته باشد قربانی میکنند ، برای نوزاد پسر گوسفند نر و برای نوزاد دختر گوسفند ماده قربانی میکنند (۴۷۶) که بیشتر عقیقه برای پسران است (۴۷۵) گوشت گوسفند عقیقه شده را چنان باید قسمت کنند ، که کارد و ساطور به استخوان نخورد (۴۷۵) و اغلب آن را آبگوشت وار میپزند . استخوانها وروده شکمبه گوسفند را چال میکنند و پدر و مادر هم حق خوردن از گوشت عقیقه ندارند (۴۷۷) ، ۴۷۸ .

۴۳ - روابط پدر و مادر و بچه‌ها :

۲۳/۱ - اساس تربیت در خانواده بر ترس از پدر و مادر است و تا سن بلوغ تفاوتی بین تربیت پسر و دختر نیست . پدر و مادر بچه‌ها را با اصول اخلاق آشنا میکنند و بچه‌ها باید مطیع پدر و مادر باشند (۴۷۹) چه بچه‌ای که پدر و مادر از او ناراحتی داشته باشند دوزخی میشود (۴۹۹) و وقتی پدر و مادر فرزند را عاق میکنند که مرتکب قتل یا عمل خلاف شرع شود (۴۹۸) . مراقبت عمومی از بچه‌ها به عهده مادر است و فرزندان حتی بدون اجازه در حضور او نمینشینند (۴۸۵ ، ۴۹۰) اما بیشتر تربیت دخترها بمعهدہ مادر است (۴۹۲) و فرزند باید احترام پدر و مادر را نگاه دارد تا دعای آنها در حقش مستجاب شود (۴۷۹) .

۲۳/۲ - بچه مثل آینه صاف است و هرچه پدر و مادر باو یاد بدهند بآسانی میپذیرد و خدا از پدر و مادری که فرزندان بی‌هنر تربیت کنند راضی نمیشود (۴۸۲ ، ۴۸۱) .

۲۳/۳ - و معتقدند که شرم بچه نشانه‌ی عقل اوست (۴۸۳) .

۲۳/۴ - از مهمترین اصولی که از ابتدای کودکی به بچه‌ها میآموزند ، اصول دینی و خواندن نماز و غذا خوردن با دست راست است (۴۸۴) همه از يك طرف غذا میخورند (۴۸۵) و در مهمانی‌ها بزرگترها در صدر مینشینند و کوچکترها حق اظهار عقیده ندارند (۴۸۶) .

۲۳/۵ - پسران تا پایان تحصیلات ازدواج نمیکنند ولسی دختران هر وقت خواستگار خوب بیابند عروسی میکنند (۴۹۱) .
 ۲۳/۶ - اگر بچه از پدر و مادر چیزی بدزد ، خدا میخندد (۴۹۲) .
 ۲۳/۷ - کنجکاوی بچه را خوب نمیدانند (۴۸۷) ، و برای ترساندنشان از «لولوی» خیالی استفاده میکنند (۴۸۹) و بچه‌ها را با افسانه‌هایی از همین موجودات خیالی و یا حیوانات خواب میکنند (۴۸۰) .

۴۴ - فحش و نفرین :

۲۴/۱ - وقتی بچه‌ها موجب ناراحتی پدر و مادر شوند ، نفرینشان میکنند ، اما میگویند محبت مادری به او اجازه نمیدهد ، که از ته دل نفرین کند و شیرش جلوی نفرین او را بگیرد (۱۷۰) ، و در مقابل این است که میگویند عاق پدر زودتر میگیرد (۵۰۰) .
 ۲۴/۲ - فحش و نفرین نسبت‌های بد و آرزوها هستند :
 - نسبت به پدر و مادر (۴۹۴) ، (۴۹۵) ،
 - آرزوی مرگ برای خود بچه (۴۹۵) ، (۴۹۶) ، (۴۹۷) .

۴۵ - ارتباط جانوران و بچه‌ها :

اعتقادات بسیاری بر تأثیر اعضاء و اندام حیوانات و جانوران در مورد کودکان وجود دارد اینک نمونه‌هایی بیان میشود که بعضاً تعلیق به محال است چنانکه در اغلب موارد درمان بیماریها یا چاره‌ی کارهای دشوار بنظر میرسد . و میتوان پنداشت برای دفع‌الوقت و بهبود یافتن طبیعی .
 ۲۵/۱ - آهو : مخلوط شش آهو و روغن زیتون دندان بچه را بی‌درد بیرون می‌آورد (۱۲۰) .
 ۲۵/۲ - اسب : اگر دندان اسب را بگردن بچه ببندند ، دندانش بی‌درد بیرون می‌آید (۱۱۷) .
 ۲۵/۳ - خارپشت : گوشت خارپشت برای درمان شاشیدن بچه خوب است (۱۹۷) .
 ۲۵/۴ - خر : برای دفع ام‌الصبيان بچه را در پالان می‌گذارند (۲۵۵) و همچنین برای اینکه کودک ترسد ، پوست خر را به لباس او می‌آویزند (۲۵۶) و یا دود میکنند تا جنبنده‌ها از بچه دور شوند (۲۵۶) و شیر خر را داروی خروسک (۲۷۴) و گریه‌ی زیاد بچه میدانند (۲۵۷ ، ۲۷۸) ، و بچه‌ای را که دندان در نیارده سوار خر نمیکنند ، مبادا دندانهایش مثل دندان خر شود (۱۸۳) .

- ۲۵/۵ - خرچنگ : آویزان کردن چشم خرچنگ بلباس بچه او را خوش اخلاق میکند .
- (۲۵۳) ، و گوشت خرچنگ را درمان شاش بچه میدانند (۲۵۴) .
- ۲۵/۶ - خرس : نیش خرس را اگر به لثه‌ی بچه بمالند ، دندانش بی‌درد بیرون می‌آید (۱۱۸) .
- ۲۵/۷ - خرگوش : مغز خرگوش دوی شاش بچه است (۲۵۲) .
- ۲۵/۸ - خروس : خون خروس برای درمان خروسک در گلو بچه می‌چکانند (۲۷۳) .
- ۲۵/۹ - روباه : آویختن دندان روباه به لباس بچه موجب بی‌درد بیرون آمدن دندان بچه و معالجه صرع است (۲۶۱) .
- ۲۵/۱۰ - سگ : خوردن سرگین سگ بچه را با هوش و خوش اخلاق میکند (۲۶۲) .
- ۲۵/۱۱ - شپش : شپش را برای باز شدن شاش بچه روی آلت تناسلی او میگذارند .
- ۲۵/۱۲ - شتر : خوردن سرگین شتر بچه را خوش اخلاق میکند (۲۶۰) و خوردن گوشت شتر موجب طولانی شدن مدت حاملگی زن میشود (۱۸) .
- ۲۵/۱۳ - طوطی : بچه را از نظریادگیری مثل طوطی میدانند (۴۸۱) .
- ۲۵/۱۴ - فاخته : خون فاخته درمان شاش زیاد بچه‌هاست (۲۷۷) .
- ۲۵/۱۵ - کبوتر : تخم کبوتر را دوی کودکان کند زبان میدانند (۲۰۸ ، ۲۰۹) و مادران در هنگام خننه پسرانشان کبوتری را به هوا میپرانند تا توجه بچه را از درد خننه منحرف کرده باشند (۳۹۹) .
- ۲۵/۱۶ - گربه : گربه سیاه را از اجنه میدانند و کشتنش را بد (۴۵۹ ، ۲۶۸) .
- ۲۵/۱۷ - گرگ : چنگال گرگ (۲۷۰) و چشم گرگ اگر همراه کودک باشد در شب نمیترسد (۲۷۱) و پوست زبان گرگ را برای درمان صرع به جامه کودک می‌آویزند .
- ۲۵/۱۸ - گوساله : مالیدن مغز گوساله بصورت بچه او را زیرک و باهوش میکند (۲۵۸) .
- ۲۵/۱۹ - گوسفند : بگردن کودکان زنگوله‌هایی از نوع زنگوله بره و بزغاله می‌اندازند و این کار را برای راندن اجنه و ارواح شرور صورت می‌گیرد ، و هم شکستن سکوت که موجب وهم و ترس است (۲۶۶) و با آویختن چشم گوسفند قربانی و خوراندن خون قربانی (۳۷۰) ، دفع چشم زخم میکند

(۳۶۰ ، ۲۶۷) و هم با چسباندن پشم گوسفند روی پستان بچه را از شیرمیگیرند (۱۷۲) گوسفند همیشه بالای انسان را بجان میخورد ، و قربانی گوسفند برای دور کردن بلا از انسان است و مهمترین اسطوره در جایگزینی قربانی حیوان بجای انسان داستان قربانی کردن حضرت اسماعیل است و در آداب و رسوم مربوطه به کودک هم ، خانواده بمحض احساس کمترین ناراحتی در کودک ، گوسفندی قربان مینمایند (۱۹۰ ، ۹۸ ، ۱۳۰) و اسپرز گوسفند را دوی بچه‌های شاشو میدانند (۲۷۶) ، و در دست گرفتن دل گوسفند را موجب جرأت‌دار شدن می‌شمارند (۲۸۱) .

۲۵/۲۰ - مار : مادری که در دوران آبستنی مار ببیند ، بچه‌اش زبانش را زیاد بیرون می‌آورد (۳۵ ، ۲۶۴) و کسی که مهره مار دارد نباید بالای سر بچه برود (۲۶۵) .

۲۵/۲۱ - مادیان : شیر مادیان برای همیشه بچه‌را از سیاه‌سرفه حفظ میکنند (۲۵۹) .

۲۵/۲۲ - ماهی : خوردن گوشت ماهی در دوران حاملگی موجب خوش‌گوشتی بچه میشود (۱۹) و خوردن ماهی ریزرا راه درمان یرقان می‌شمارند (۳۳۵) .

۲۵/۲۳ - مورچه : در شب اول ممکن است مورچه بچه‌را ببرد (۲۵۱) .
۲۵/۲۴ - موش : ناف بچه را در سوراخ موش بگذارند بچه موزی میشود (۲۵۰) و دست کسی را که موش صحرائی را خفه کرده باشد شفا دهنده گلودرد میدانند (۲۷۵) .

۲۵/۲۵ - مرغ : گوشت مرغ را برای کم شدن گریه بچه در دهان او می‌فشارند .

۴۶ - اعداد و اطفال :

در سنن و اعتقادات ، همچنان که بسیاری اشیاء و جاها ، و حیوانات حرمت دارند ، اعداد نیز دارای حرمت هستند . و بسیاری از سنن بر این اعداد تکیه دارد ، که بنمونه‌هایی چند اشاره میکنیم :

۲۶/۱ - عدد سه : این عدد مفهوم انتزاعی تکمیل‌گرانه در ذهن پیدا کرده‌است چنان «تا سه نشه بازی نشه» «یکی کم ، دوتا غم ، سه تا خاطر جمع» «آن چه دویی است که سه نشود» و جزاینها . مثالی چند از اعمال این عدد در آداب و رسوم مربوط بکودک .
سه تا هفت سال موی کودک ماندگار را نمیتراشند (۱۰۳ ، ۱۰۴) و

برای مرگ اطفال کمتر از سه سال اهمیتی قائل نیستند (۴۲۸) — به نوزاد تا سه روز و گاهی تا ۳ اذان شیر نمیدهند (۱۵۸) دوی بی سه را خطرناک میدانند ، گوسفندی را میان دو قلوها نگه میدارند تا سه شوند (۲۴۹) .
 سه بار پشت گردن بچه‌ی اول را می‌فشارند تا پشت قبول کند (۲۴۲) .
 بچه‌ای را که بی‌وقتیش شود ۳ بار از بین پای دوزن می‌گذرانند (۳۷۱)
 و برای زانو و بچه ۳ بار به دیوار خط میکشند (۴۴۹) . برای رفع نظر و چشم زخم سه بار اسفند و گلپر دور سر بچه میگردانند (۳۴۶) تا سه روز در اتاق بچه رو بقبله باروت روشن میکنند (۴۳۰) این عدد که نماینده اکمال زمانی درمدت بیماریها ، کمال جسمانی ، کمال روحانی و . . . چنانکه گذشت مفهوم انتزاعی کاملیت یافته است .

نشانه‌هایی دیگر از این رقم در شماره‌های زیر میتوان دید (۱۰۶ ، ۱۱۷ ، ۱۴۱ ، ۱۴۴ ، ۱۶۰ ، ۱۸۹ ، ۲۰۹ ، ۲۴۲ ، ۲۴۵ ، ۳۶۵ ، ۳۷۷ ، ۳۸۹ ، ۳۹۸ ، ۴۰۲ ، ۴۰۳ ، ۴۰۶ ، ۴۴۹ ، ۳۵۰ ، ۴۶۷) .

۲۶/۲ — پنج : این رقم بیشتر به دلیل اعتقاد مردم شیعه ایران به پنج تن مقدس اهمیت دارد و نشانه‌هایی از آن در شماره زیر یافت میشود (۱۰۳ ، ۱۸۲ ، ۳۸۸ ، ۳۴۴ ، ۳۷۵ ، ۳۷۸ ، ۳۷۹) :

۲۶/۳ — عدد شش : زانو تا شب ششم تنها نمیگذارند (۱۳۸) ، چون تا این شب ممکن است آل بسراغ مادر بچه بیاید (۱۳۹) در شب ششم بچه را نام‌گذاری میکنند (۱۱۷) گوسفند شش ماهه را عقیده میکنند (۴۷۷) و همه بلاهارا تا شب ششم متوجه بچه میدانند (۴۵۱) و از ششم تا چهاردهم دور بستر زانو جمع میشوند (۴۳) .

عدد امشاسپندان هم در آیین مزدیسنا شش است ، که پس از پیوستن اهورمزدا بآن هفت شدند :

نشانه‌هایی دیگر از ارتباط با این رقم را در این شماره‌ها میتوان دید (۱۳۲ ، ۱۷۷ ، ۳۷۲ ، ۳۸۲ ، ۴۵۱ ، ۴۶۱ ، ۴۶۳ ، ۴۶۴ ، ۴۶۶ ، ۴۶۸ ، ۴۶۹) .
 ۲۶/۴ — هفت : مقدس‌ترین عدد در ایران باستان است ، که با نام هفت

امشاسپندان ارتباط مییابد . اگر شب شش یا روز ششم اهمیتی در آداب و رسوم مربوط به کودک دارد ، بدین جهت است از پایان روز ششم ، آغاز روز هفتم است که در حقیقت زندگی نوزاد آغاز میشود . در روز هفتم برایش قربانی میکنند (۱۳۰ ، ۴۷۵) سه تا هفت سال موی سر بچه را نمیشراشند (۱۰۲ ، ۱۰۴) — هفت دختر نابالغ ، عاقل و باطل را میکوبند (۴۳۲) برای دوختن لباس مراد هفت هفته از هفت محمد نام گدایی میکنند (۴۳۳) پیراهن قیامت را تا هفت روز

به تن نوزاد دختر میگذارند (۴۳۴) پوست ختنه را تا هفت روز به شاخ درخت افار میبندند (۴۱۱) هفت بار بچه‌ای را که دیر راه بیفتد از بین پا میگذرانند (۲۱۳) هفت روز بچه را در قن‌داق مینهند و بعد به گهواره منتقل میکنند (۴۲۹) هفت دانه خرما روی زائویی که پسر زائیده میگذارند، برای اینکه تا هفت پشتشان پسر بزاید (۱۰۲) برای جلوگیری از چشم زخم هفت نوع مهره همراه بچه میکنند (۳۵۴) ام‌الصبيان بادی است که بچه‌ها از شیرخوارگی تا هفت‌سالگی بآن مبتلا میشوند (۴۴۲) بچه‌ای که در هفت‌ماهگی بدنیا بیاید عجول و شتابزده است (۶۶) در ماه هفتم طفل دندان بیرون می‌آورد (۱۸۲) نوزادی که تا هفت روز عمر کند و بمیرد مادرش دچار هفت‌گیرک میشود (۴۴۱)، و در هفت‌سالگی عقل بسر بچه می‌آید (۴۱۱ و ۴۸۳) نشان عدد هفت را در شماره‌هایی دیگر نیز میتوان دید (۸۲، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۸۸، ۲۰۹، ۲۱۳، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳، ۴۰۳، ۴۲۳).

۲۶/۵ - نه : این عدد در شماره زیر بچشم میخورد (۶۹، ۲۹۱).

۲۶/۶ - ده : در شب دهم پشت و سینه‌ی نوزاد را خراش میدهند (۴۴۰) و برای معالجه‌ی درد گوش کودک انگشتان را ده بار در گوش او میکنند (۳۰۴) این عدد که صریحاً نماینده‌ی تعداد انگشتان دو دست است، در اینگونه موارد اعمالی را که بایستی انجام شود، تداعی میکند، و همچنین نشانه‌های این عدد را در این شماره‌ها میتوان یافت (۱۰۷، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۸۲، ۳۸۲، ۴۳۴).

۲۶/۷ - چهارده اگر کودکی تا چهارده‌سالگی بمیرد به بهشت میرود (۴۳۶) این عدد نماد چهارده معصوم و ایام کامل شدن قرص ماه و نماینده‌ی سال بلوغ طفل است که در این مورد (۴۳۶) بیانگر معصوم بودن او میباشد مثالهایی دیگر را در این شماره‌ها میتوان یافت.

۲۶/۸ - چهل : چهل نیز از اعداد با اهمیت در سنن و اعتقادات است و اصطلاحاتی مانند «چهل» برای نوزاد مرده - چله افتادن - چله‌بری - چله تکه - چل‌مرد و صدها نمونه‌ی دیگر از این است داریم و اما چله‌های مربوط به نوزادان و کودکان با جام چهل کلید آب بسر نوزاد میریزند (۴۳۷) نوزاد را تا چهل روز از خانه بیرون نمیرند (۴۳۸) و پس از چهل روز ابتدا بمسجد یا امام‌زاده میبرند (۴۳۹) تا چهل روز بچه آماده‌ی پذیرش بسیاری بیماریها و ناراحتیهاست (۴۳۹) و در چهل‌گوسفندی برایش قربانی میکنند (۱۳۰، ۴۷۵) پوست ختنه را تا چهل روز بگردن یا مچ پای کودک میبندند (۴۲۴) قطع نظر

جدول شماره (۱ - ۱) توزیع رسوم و عتاید از نظر موضوع

ردیف	موضوع	فراوانی	درصد
۱	اعصاب و اطفال	۱۰۰	۲۰
۲	دوا و درمان بچه‌ها	۷۹	۱۶
۳	جنته	۵۶	۱۱
۴	ارتباط خائوران و بچه‌ها	۵۱	۱۰
۵	معرفیات	۳۸	۷/۶
۶	تلف جنین - آل انز بچه	۳۶	۷
۷	شکل‌گیری بچه در رحم	۳۵	۷
۸	تولید بچه	۲۷	۵/۴
۹	تولید و تحویل در خانواده	۲۷	۵/۴
۱۰	زایمان	۲۷	۵/۴
۱۱	تشخیص جنس و دختر بودن در رحم	۲۵	۵
۱۲	شش دانه بچه	۱۹	۴
۱۳	دندان درآورتن	۱۷	۳/۳
۱۴	روابط پدر و مادر و کودک	۱۷	۳/۳

جدول شماره (۲-۱) توزیع رسوم و عقاید از نظر موضوع

۲۸	مشترکات	۱۶۳	
۲۷	جمع رسمها	۵۰۰	
۲۶	تأثیر ماه و خورشید در وضع بچه	۲	۴/۰
۲۵	سوراخ کردن گوش	۵	۱
۲۴	زبان باز کردن کودک	۵	۱
۲۳	فحش و نفرین	۶	۱
۲۲	راه افتادن	۷	۱/۴
۲۱	بوسیدن بچه	۹	۱/۸
۲۰	اذان گفتن به گوش بچه	۹	۱/۸
۱۹	نافبری	۱۱	۲
۱۸	شگون تولد نوزاد	۱۲	۲/۴
۱۷	عقیقه	۱۲	۲/۴
۱۶	نام گذاری	۱۴	۳
۱۵	حمام زایمان	۱۷	۳/۴
ردیف		فراوانی	درصد

از ایام چهل روزه‌ی زانوئی زنان ، عدد چهل بخصوص در قرآن و روایات اسلامی با احترام یاد شده و حدیث مشهور یادگیرید چهل حدیث از چهل پیر در چهل شهر « شهرت داشته و باعث پیدایی «اربعینیات» گردیده است . هم اینکه چهل شب موسای پیامبر در طور سینا با خدا خلوت کرده ، و نیز خلوت صوفیان چهل شبانه روز (چله نشینی) است و جزاینها اعتقاداتی پیچیده و درعین حال بهم مربوطند حال از ریشه و پا بر سرشاخ ، محل تحقیق است .

و مثالهای دیگر از عدد چهل در این شماره‌ها میتوان یافت :

، ۴۰۶ ، ۴۰۵ ، ۴۰۴ ، ۳۶۵ ، ۱۴۲ ، ۱۳۸ ، ۱۳۳ ، ۷۵ ، ۳۸ ، ۴ ، ۱)

، ۴۵۱ ، ۴۶۰) .

۲۶/۹ - پنجاه و هفت : گوشت گوسفند قربانی را به ۵۷ قطعه تقسیم

میکند (۴۳۵) .

«تحلیل مفاهیم»

در بررسی محتوای این مجموعه سنتی به روشهای مختلف و متفاوت و متباینی از تفکر و اندیشه برخورد میکنیم . بعضی از آنها یادگار و یادآور نحوه تفکر ابتدائی بشر هستند و خصوصیت آنیمیس و اشتراك ابتدائی را بخوبی نشان میدهند . در برابر این شیوه تفکر ساده ابتدائی بنحوه تفکر دیگر که جنبه علمی دارد و مبنی بر علت جوئی در امور است و کوشش میکند علل و قایع طبیعی را در خود طبیعت جستجو کند برخورد میکنیم .

در محتوای این مجموعه رسوم و عقاید سنتی علاوه بر شیوه‌های اساسی تفکر به ارزشهای اجتماعی ادراکی و عاطفی برخورد میکنیم که توجه بآنها از نظر اینکه مربوط به ابعاد مختلف شخصیت کودک میشوند - اهمیت خاصی پیدا میکند .

«تفکر طبیعی»

در غالب رسوم و اعتقادات سنتی مربوط بکودک شیوه تفکر طبیعی یعنی جستجوی علل امور در طبیعت و استفاده از مواد طبیعی جهت رفع نیازهای کودک و نیز درمان دردها و امراض بچشم میخورد .

در بررسی حاضر در ۲۲۹ مورد (۴۵٪) از کل رسوم و اعتقادات نشان این نحوه تفکر را که در حقیقت تفکر علمی عامیانه است ملاحظه میکنیم که به ترتیب فراوانیها و موضوعات زیر تقسیم میشوند :

درمان :
 ۱۰۳ مورد (۲۰٪) از رسوم و عقاید سنتی در تفکر طبیعی مربوط است بمسائل درمانی با استفاده از مواد طبیعی در این قسمت به دو نوع درمان برخورد میکنیم :

نخست درمان از راه داروهای طبیعی ۷۱ مورد^۱ (۳۱٪) از درمانها جنبه داروئی دارد که بصورت خوراکی (۲۹۶ - ۳۲۴ . . .) بصورت مالیدنی (۳۱۹ - ۳۸۴) گذاشتن روی موضع زخم یا درد (۱۹۶) چکاندن در گوش و بینی (۳۰۲) شستشوی تن (۳۱۴) ملاحظه میشود .

دوم درمان از راههای غیر داروئی. این زمینه درمانی ۳۲ مورد^۲ (۱۴٪) از درمانها را تشکیل میدهد . که بصورت حرکت دادن کودک (۲۱۲) سقوط یاسرازیر نگهداشتن (۱۸۸) دود کردن و آتش زدن (۲۱۳) داغ کردن (۳۲۶) ایجاد شوك (۲۱۵) رگ زدن (۳۳۲) تراشیدن (۳۰۹) مالیدن (۳۰۴) آویختن چیزی بکودك (۱۸۷) و بالاخره ریختن آب روی کودک (۴۰۶) ملاحظه میشود .

تدابیر و پیش گیریهای بهداشتی :

۵۸ مورد^۳ (۲۵٪) از رسوم و اعتقادات راجع به تفکر طبیعی مربوط

-
- (۱) ۳۱۷ - ۲۹۲ - ۴۱۶ - ۳۲۴ - ۲۵۴ - ۳۲۵ - ۱۹۶ - ۲۷۷ - ۲۹۲ - ۳۰۲ - ۲۸۹ -
 ۲۸۵ - ۱۵۵ - ۳۲۵ - ۷۹ - ۳۱۶ - ۳۱۱ - ۳۸۴ - ۲۰۹ - ۲۹۴ - ۳۱۴ - ۳۳۰ - ۱۸۴ -
 ۲۸۰ - ۲۹۳ - ۲۹۵ - ۲۷۶ - ۷۰ - ۱۹۸ - ۱۵۴ - ۱۵۶ - ۹۱ - ۳۲۳ - ۴۲۶ - ۳۰۶ -
 ۳۴۰ - ۹۰ - ۳۲۲ - ۳۲۱ - ۲۹۸ - ۱۱۵ - ۲۸۸ - ۹۴ - ۳۱۹ - ۲۰۸ - ۲۷۸ - ۲۹۷ -
 ۲۸۴ - ۲۸۵ - ۱۵۸ - ۲۵۷ - ۳۲۷ - ۱۵۷ - ۷۴ - ۸۳ - ۸۴ - ۳۴۱ - ۳۲۹ - ۲۹۶ -
 ۳۳۱ - ۲۷۴ - ۲۹۹ - ۲۰۰ - ۲۸۰ - ۲۵ - ۲۶ - ۲۷ - ۹۳ - ۱۶۲ - ۷۱ - ۷۲ .
 (۲) ۲۱۲ - ۲۱۳ - ۱۸۸ - ۲۸۲ - ۱۸۹ - ۱۸۹ - ۳۰۹ - ۳۳۲ - ۳۲۶ - ۲۱۵ - ۳۱۳ -
 ۳۴۶ - ۴۵۶ - ۳۰۴ - ۳۹۷ - ۴۰۶ - ۲۷۹ - ۲۷۱ - ۲۶۹ - ۲۶۷ - ۲۵۳ - ۲۶۱ - ۱۸۷ -
 ۴۴۰ - ۱۸۵ - ۳۰۵ - ۲۱۷ - ۳۳۹ - ۹۵ - ۴۲۵ - ۳۲۰ - ۳۰۷ - ۳۰۲ .
 (۳) ۳۹۲ - ۱۸۱ - ۱۵۰ - ۳۴۴ - ۲۶۰ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰ - ۱۹۳ - ۳۴۷ -
 ۲۷۰ - ۲۷۰ - ۱۸۶ - ۱۱۰ - ۱۴۰ - ۴۰۷ - ۱۴۹ - ۱۶۳ - ۴۳۰ - ۳۷۵ - ۱۶۹ - ۱۶۴ -
 ۱۴۲ - ۱۵۹ - ۱۴۱ - ۳۹۹ - ۳۸۱ - ۸۵ - ۳۹۲ - ۳۹۱ - ۹۶ - ۱۴۷ - ۳۸۸ - ۴۰۳ -
 ۱۴۲ - ۴۳۷ - ۱۴۲ - ۱۷۵ - ۱۷۴ - ۱۷۲ - ۲۹۸ - ۲۹ - ۳۳۸ - ۱۶۰ - ۲۳ -
 ۸۱ - ۱۴۴ - ۸۲ - ۳۶ - ۳۷ - ۲۲۷ - ۳۱۵ - ۳۳۶ - ۳۳۷ - ۱۵۲ .

است به تدابیر پیش گیری و رعایت اصول بهداشتی . این تدابیر عبارتند از شستشوی کودک (۴۳۷) مالیدن انواع روغن ها ببدن کودک (۸۵) ختنه (۳۹۹) تدابیر مربوط به شیر دادن بکودک (۱۵۹) تغذیه کودک (۳۹۱) پرهیز از خاراندن و مالش تن (۶) تغذیه مادر بهنگام بارداری (۱۰) نگهداری بعضی از اندامهای حیوانات بر بالین کودک (۲۷۰) برداشتن کام کودک (۳۴۴) .

علت شناسی:

۴۴ مورد^۴ (۱۹٪) از رسوم و اعتقادات مورد بررسی مربوط است به شناسائی علت و سبب بیماریها و عوارض بدنی . قسمتی از این علت شناسیها مربوط است به مسائل و عوارض بدنی و جسمانی مانند علل عقب ماندگی در راه افتادن کودک (۲۱۱) یا کوتاه ماندن قد (۲۳۰) و کجلی (۲۳۳) قسمت دیگر از علت شناسی مربوط است بمسائل و خصوصیات روانی مانند تشخیص علت باهوشی (۲۶۲) ، علت شتابزدگی (۶۴) ناسازگاری های کودک (۲۲ - ۲۲۰) قسمت دیگر از علت شناسیها مربوط است به تشخیص جنس (۶۳ و ۵۲) .

علامت شناسی :

۲۴ مورد^۵ (۱۱٪) از رسوم و اعتقادات سنتی راجع به تفکر طبیعی مربوط است به علامت شناسی خصوصیات کودک در رحم مثل تشخیص جنس کودک (۵۴ ، ۵۵) یا زشتی و زیبایی کودک در رحم (۲۰) و نیز تشخیص بیماری (۳۳۴) .

تفکر ماوراء طبیعی (متافیزیک)

در رسوم و عقاید سنتی مورد بررسی نشانه های از طرز تفکر ماوراء طبیعی یعنی تفکری که علل امور را در ماوراء طبیعت جستجو میکند یافت میشود . در مجموع رسوم و عقاید مورد بررسی ۱۲۹ مورد (۲۵٪) مربوط باین شیوه تفکر میشود که بر حسب فراوانی های آنها در موضوعات زیر طبقه بندی شده اند .

(۴) ۶۳ - ۱۰۲ - ۵۶ - ۵۲ - ۱۰۴ - ۶ - ۲۱۱ - ۲۵۶ - ۲۳۳ - ۲۳۷ - ۲۳۲ -
 ۲۴۰ - ۲۵۹ - ۲۹ - ۴۷۰ - ۱۶۱ - ۴۳۹ - ۲۳۴ - ۲۳۶ - ۲۳۱ - ۴۶۹ - ۶۴ - ۱۶۸ -
 ۳۴۲ - ۵ - ۲۶۳ - ۲۱۸ - ۲۲۳ - ۲۳۰ - ۲۶۲ - ۲۲۹ - ۱۷۶ - ۲۳۵ - ۲۲۵ - ۲۲۸ -
 ۴۳۳ - ۲۲۰ - ۲۲۲ - ۳۰ - ۲۲ - ۲۲۱ - ۲۴ - ۲۸ - ۲۱۶ .
 (۵) ۶۰ - ۴۹ - ۵۸ - ۵۹ - ۵۴ - ۲۰ - ۴۸ - ۵۵ - ۳۳۴ - ۳۰۳ - ۲۱۰ - ۳۹ -
 ۳ - ۳۸ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ - ۱۷ - ۴ - ۱۹ .

اعتقادات مربوط به جن و آل :

۳۵ مورد^۶ (۲۷٪) از رسوم و اعتقادات مربوط به موجودات خیالی جن و آل و غیره میشود قسمتی از آنها مربوط به حوادث بعد از زایمان تا روز ششم که مادر و کودک در معرض خطر جن‌زدگی و آل‌زدگی هستند و میباشند و بسیاری از این رسوم و سنتها در جهت رفع این خطر پدید آمده‌اند مانند احتراز از تنهایی (۴۶۵ - ۴۵۰) و دود کردن مواد دودزا مثل عود و باروت و ترقه (۴۸۶ - ۴۶۲) و نیز گذاشتن غذا در کنار زائو (۴۶۲) .

قسمتی از این اعتقادات مربوط به دوران بعد از ختنه کودک است که تا چهل روز کودک را تنها نمیگذارند (۴۰۴) قسمتی دیگر مربوط است به وجود همزاد انسانی در دنیای جن‌ها و کوششی که جنیان برای بردن کودک انسان بکار میبندند (۴۵۳) .

اعتقادات مربوط به چشم‌زخم :

۳۴ مورد^۷ (۲۶٪) از موارد تفکر غیر طبیعی ابتدائی در رسوم و عقاید مورد بررسی مربوط به چشم‌زخم بکودک و تدابیری که برای رفع آن باید بکار بست میباشند . اصولاً اعتقاد کلی بر این است که بعضی افراد دارای چشمی شور یا شوم هستند و کودکانی را که مخصوصاً زیبایی و رشد کافی داشته باشند چشم میزنند (۳۶۷) تدابیری که برای رفع نظر خوردگی بکار میبندند متفاوت هستند مانند همراه کردن اشیائی مثل نعل ، لنگه کفش و نمک مهره‌های مختلف و غیره (۳۵۳ - ۳۶۰ - ۳۵۴) دود کردن اسپند یا مواد دودزای دیگر و پاره کردن لباس نظر زننده ، سیاه کردن صورت و پیشانی کودک با خاکستر اسپند و غیره کلاً تدابیری هستند که برای رفع چشم زخم بکار میروند .

۶) ۳۷۱ - ۴۶۳ - ۴۰۴ - ۲۵۵ - ۴۵۳ - ۴۶۲ - ۴۵۹ - ۴۶۶ - ۴۶۸ - ۴۶۵ - ۱۴۶ - ۴۶۴ - ۱۳۸ - ۱۲۷ - ۴۳۱ - ۴۳۱ - ۴۴۲ - ۴۴۵ - ۴۰۵ - ۴۴۵ - ۴۵۴ - ۴۴۳ - ۴۵۸ - ۲۶۸ - ۴۵۶ - ۴۴۹ - ۴۵۷ - ۴۵۳ - ۴۵۰ - ۴۶۱ - ۴۵۵ - ۴۶۰ - ۱۳۹ - ۱۴۲ - ۴۵۲ - ۴۵۸ .

۷) ۳۱ - ۳۶۹ - ۳۵۴ - ۳۴۶ - ۳۶۱ - ۳۶۶ - ۳۶۵ - ۳۶۲ - ۳۵۵ - ۳۶۱ - ۳۶۲ - ۳۵۲ - ۳۶۳ - ۳۵۸ - ۳۴۶ - ۳۵۱ - ۳۵۴ - ۳۴۳ - ۳۵۰ - ۳۶۰ - ۳۴۶ - ۳۶۷ - ۳۵۳ - ۳۵۹ - ۳۵۳ - ۲۶۵ - ۳۶۸ - ۳۴۶ - ۳۴۷ - ۲۶۷ - ۳۶۷ - ۳۴۹ - ۳۵۰ .

اعتقادات عامیانه مربوط به مذهب :

۳۴ مورد^۸ (۲۶٪) از رسوم و اعتقادات مورد بررسی اعتقاداتی هستند عامیانه مربوط به خدا و ملائکه (۱) قرآن (۵۳) مراسم مذهبی همچون اذان (۱۳۶) و روز قیامت (۲۳۰) جهنم و بهشت (۴۹۰ - ۴۳۶) دعاها (۱۱۱) مسجد و امامزاده (۴۳۹) و روزهای مقدس (۱۱۷) بیشتر این اعتقادات در جهت نگهداری و حمایت از کودک است و با خود تدابیری برای ایجاد اعتماد و اطمینان خاطر در کودک و مادر دارند .

اعتقادات مربوط به خوشقدمی و بدقدمی کودک :

۱۳ مورد^۹ (۱۰٪) از اعتقادات مربوط به خوشقدمی و بدقدمی کودک در خانواده است خوشقدمی کودکان یا مربوط است به تولد آنان در روز معین (۱۹۹) یا همزمان بودن با حادثه‌ای در خانواده (۲۰۲) بدقدمی غالباً بعثت وجود نقص یا بدشکلی یا نشانه‌ای جسمانی در کودک است (۱۸۸) یا تولد در روز معینی مانند دوشنبه (۱۹۹) قسمتی از اعتقادات مربوط است به تدابیری که جهت بخت‌گشائی بکار می‌بینند (۴۳۲) .

اعتقادات مربوط به صدقه و نذر و قربانی :

۱۳ مورد^{۱۰} ۱۰٪ از رسم و اعتقادات مورد بررسی به صدقه و نذر و قربانی ارتباط دارد علل و محرکهای صدقه و نذر و قربانی عبارتند از بچه‌دار شدن (۱۰۳ - ۱۰۴) رفع بلا (۱۸۹) سپاس تولد کودک در روزهای مبارک (۲۰۱) زنده ماندن کودک ۴۰۵ صدقه‌ها و نذرها به امامزادگان (۱۰۳ - ۱۰۴) یا فقرا (۱۲۰) داده میشود .

۸) ۴۹۰ - ۱۱۹ - ۳۵۶ - ۳۲۸ - ۱۳۳ - ۴۴۴ - ۲۴۲ - ۱۳۱ - ۴۳۶ - ۴۳۹ -
۱۲۲ - ۲۰۷ - ۱۳۶ - ۱۳۲ - ۱۱۷ - ۱۲۹ - ۱ - ۶ - ۵۳ - ۱۲۶ - ۱۵ - ۱۳۵ - ۴۴۸ -
۱۱۱ - ۴۳۴ - ۴۱۶ - ۱۷۱ - ۱۷۵ - ۱۶۰ - ۱۲۷ - ۷۳ - ۳۹۸ - ۱۰۳ - ۴ .
۹) ۲۰۲ - ۱۹۱ - ۱۹۹ - ۱۹۲ - ۱۹۰ - ۲۰۲ - ۱۹۱ - ۲۰۳ - ۲۰۰ - ۱۸۸ -
۴۳۲ - ۹۷ - ۲۰۵ .
۱۰) ۱۰ - ۱۸۹ - ۴۲۹ - ۱۰۳ - ۱۰۴ - ۱۰۱ - ۲۰۱ - ۱۲۰ - ۴۳۵ - ۴۷۴ - ۴۷۸ -
۴۷۱ - ۱۳۷ - ۴۲۷ .

تفکر سمبلیک

۴۹ مورد (۹٪) از رسوم و عقاید مورد بررسی جنبه سمبلیک دارند که برحسب فراوانیها موضوعات زیر تقسیم میشوند :

اشیاء بی جان :

۱۸ مورد^{۱۱} (۳۶٪) از رسوم و عقاید سمبلیک مواردی هستند که یک شیئی بی جان مظهر قرار میگیرد. گاه شیئی مظهر جنسیت میشود مثلاً چاقو ، کارد ، شمشیر و آهن سمبل پسر و سوزن ، مهره ، قیچی و دستمال سمبل دختر (۴۲ - ۴۳ - ۴۵ - ۴۶) گاه اشیاء مظهر یکی از اندامهای انسانی است مثلاً قفل سمبل دهان (۲۰۷) و مهره های مخصوص سمبل چشم (۳۵۳) میگردد و گاه اشیاء سمبل قدرت یا صفتی نظیر آن میشوند مثلاً شمشیر و خنجر مظهر قدرت (۴۵۰) و چله کمان مظهر تحرك (۲۱۴) میباشد .

حیوان و اندامهای حیوانی :

۱۲ مورد^{۱۲} (۲۴٪) از رسوم و عقاید سمبلیک مربوط به حیوان هستند یعنی بوجهی از وجوه حیوان یا اندام حیوانی سمبل قرار گرفته اند . این نمادسازی درمفاهیم مختلف صورت پذیرفته اند گاهی حیوان سمبل جنسیت میشود مثلاً خروس و اسب سمبل پسر (۳۸۷ - ۳) و کبوتر سمبل دختر (۶۲) میباشد . و گاه سمبل و مظهر صفات انسانی میگردد مثلاً موش مظهر مودنی گری (۲۵۰) و خروس مظهر جنگجوئی و ستیزه جوئی (۴۲۳) و شتر مظهر دیرزائی (۱۸) .
اندام حیوانات گاه مظهر چگونگی آن اندام در انسان میشود مثلاً دندان روباه و خرس و اسب مظهر استحکام و استواری دندان آدمی است (۱۹۴ - ۱۹۵ - ۱۱۷) .

حیوانات گاه مظهر موجودات نامرئی و موهوم میشوند مثلاً گربه سیاه مظهر جن (۲۶۸) میباشد .

(۱۱) ۲۰۷ - ۴۳۲ - ۳۶۳ - ۴۲ - ۴۵ - ۴۳ - ۴۶ - ۳۵۳ - ۴۵۰ - ۲۱۴ - ۸۷ - ۴۳۳ - ۳۶۹ - ۴۳۴ - ۴۳۳ - ۲۱ - ۳۶۲ - ۴۱ .
(۱۲) ۱۸ - ۶۲ - ۴۲۳ - ۳۵۹ - ۳۸۹ - ۱۹۴ - ۴۵۲ - ۱۱۷ - ۳۸۷ - ۴۴ - ۲۶۸ - ۱۹۵ .

خوراك :

در ۶ مورد^{۱۳} (۱۲٪) از رسوم و عقاید سنتی خوراك و مواد خوراکی سمبل قرار میگیرند مثلاً خرما و خاکینه و گردو مظهر جنس پسر (۱۰۲ - ۱۱۰ - ۴۷) و ماش پلو سمبل دختر (۱۱۰) و نان و پنیر سمبل سفیدبختی (۲۰۴) و نمک مظهر شورچشمی (۳۶۱) .

اندام انسان :

اندامهای مختلف انسانی سمبل موجودات و پدیده‌های مختلف میشوند ، ۸ مورد^{۱۴} (۱۶٪) از رسوم و عقاید سمبلیک مربوط به اندامهای انسانی هستند. گاهی اندام انسانی مظهر حیوانی مشخص میگردد . مثلاً زبان سمبل مار (۳۵) است و گاهی اندام انسانی مظهر پدیده‌ای معنادار میشود مثلاً دوپای آدمی مظهر دروازه قرار میگیرد (۳۷۱ - ۲۱۳) و گاه اندام انسانی نشان دهنده جنسیت انسان است مانند چانه که نشانه پسر و سر نشانه دختر قرار می‌گیرد (۶۴ - ۶۵) و حالات پا و شکم که نشانه دوقلو حامله بودن است (۷) .

مکان

در ۳ مورد^{۱۵} (۱۶٪) مکانهای مشخص و معینی سمبل مفاهیم خاصی قرار میگیرند . مثلاً کاروانسرا سمبل تجارت (۴۲۰) و نقاره‌خانه مظهر تولد مجدد (۳۳۳) و دکان یهودی سبل طرد (۴۲۱) میشود .

عمل و رفتار

در ۲ مورد^{۱۶} (۴٪) عمل و رفتار سمبل مفهومی خاص میشود بدین معنا که سقوط کودک از ارتفاع کم سمبل طرد و دورانداختن کودک میشود (۱۹۱) یا سوره یس نشان پسر (۵۳) .

«روحیه اشتراك»

روحیه اشتراك اولیه که بموجب آن فرد ابتدائی وجود خود را با اشیاء

۱۳) ۳۶۱ - ۲۰۴ - ۴۷ - ۱۱۰ - ۱۰۲ - ۴۱ .

۱۴) ۲۱۳ - ۳۷۱ - ۳۵ - ۲۶۴ - ۶۴ - ۶۵ - ۷ - ۸ .

۱۵) ۴۲۰ - ۴۲۱ - ۳۳۳ .

۱۶) ۱۹۱ - ۵۳ .

واطرافیان مشترك میدانند در طرز تفکر عامیانه هنوز باقی است و نشانه‌های آن را در آداب و رسوم مربوط به کودک نیز میتوان یافت. از مجموع سنتها و عقاید مورد بررسی ۴۸ مورد (۹٪) بنحوی از انحاء با روحیه اشتراك ارتباط پیدا میکند که بترتیب فراوانی در موضوعات زیر تقسیم میشوند :

اشترك كودك و حيوان :

۱۵ مورد ۱۷ (۳۱٪) نشان‌دهنده تصور اشتراك كودك و حيوانات مختلف مثل خروس، موش، خرچنگ، الاغ، گوسفند و غیره است. این اشتراك گاهی بصورت انتقال صفات از يك حيوان بكودك یا بالعكس (۲۵۰ و ۲۲۳) یا بصورت جانشین شدن حيوان (۲۴۹) و گاه بصورت قربانی (۱۱۵ و ۲۸۸ و ۳۸۹) جلوه میکند.

گاهی نیز مشابهت رفتاری که با کودکان و حیوانات میشود نشان‌دهنده این روحیه اشتراك اولیه است مثلاً نظیر زنگوله‌ای که بگردن بزغاله میاندازند بگردن كودك میندند (۲۶۶).

اشترك كودك با كودك

۱۵ مورد ۱۸ (۳۱٪) نشان‌دهنده تصور اشتراك كودك با برادران و خواهران یا کودکان دیگر است. تصور این اشتراك گاهی بصورت انتقال يك صفت از كودکی بكودك دیگر جلوه میکند (۶۱) و گاه نیز رفتاری که نسبت بكودکی بكار میندند در کودکان بعدی مؤثر میافتند (۲۴۶ و ۲۴۳) تأثرات و هیجانات از كودکی بكودك دیگر منتقل میشود (۱۱۳) و نیز رفتار و حرکات و حالات يك كودك نشان‌دهنده خصوصیات كودك بعدازاوست (۵۰ و ۵۱). گاهی نیز ملاحظه میشود که کودکان زنده بجای مرده مورد رفتاری قرار میگیرند مثلاً هرگاه دختر خانواده مرده باشد بجای او گوش پسر بعدازاو را سوراخ میکنند (۱۸۰).

نام و كودك :

نامها که حاوی صفات و خصوصیات معینی هستند غالباً با شخصیت كودك

(۱۷) ۱۸ - ۹۸ - ۱۳۰ - ۲۴۹ - ۲۵۵ - ۲۶۶ - ۴۳۵ - ۲۷۸ - ۳۲۵ - ۲۷۹ -
 ۲۵۰ - ۴۳۵ - ۳۸۹ - ۴۲۳ - ۱۸۳ .
 (۱۸) ۱۰۴ - ۵۰ - ۶۱ - ۲۴۲ - ۱۸۰ - ۵۱ - ۵۷ - ۲۴۶ - ۱۱۳ - ۲۴۳ -
 ۲۴۴ - ۲۴۷ - ۲۴۸ - ۳۹۰ .

درمیا میزد و صفات و خصوصیات خود را بکودک سرایت میدهد ۵ مورد^{۱۹} (۱۰٪) از رسوم و عقاید بررسی شده حاکی از این اشتراك هستند. غالباً نامهای ائمه اطهار حامل صفات پسندیده برای کودکان است (۴۲۳ و ۱۱۸ و ۱۱۹) دیگر آنکه معنای اسم به شخصیت کودک سرایت داده میشود مثلاً نام «بمان علی» یا «بمانی خانم» موجب زنده نگهداشتن کودک میشوند (۱۲۶ - ۱۲۵).

مادر و کودک :

۴ مورد^{۲۰} (۸٪) نشان دهنده حالت اشتراك بین مادر و کودک است این روحیه اشتراك بصورت انتقال از طفل ب مادر جلوه میکند. مثلاً مادر بهنگام ختنه کردن طفل پای خود را در آب سرد میگذارد تا جگر بچه خنک شود (۴۰۰) و نیز بصورت انتقال حالات روانی از کودک ب مادر یا بالعکس جلوه گر میشود (۴۴۱ - ۴۲۷) گاهی این اشتراك حتی جنبه مادی و جسمانی پیدا میکند مثلاً زنی که آرزوی دنیا آوردن پسر را دارد پوست ختنه پسری را گرم گرم میخورد تا فرزندش پسر شود (۴۱۸).

کودک و اشیاء

۵ مورد^{۲۱} (۱۰٪) ناظر بر روحیه اشتراك بین کودک و اشیاء بیجان طبیعت همچون وسایل زندگی مثل گهواره و لباس و عوامل طبیعت مثل ماه و خورشید و غذاها مانند شیر میباشد. این حالت اشتراك بصورت انتقال و سرایت صفتی از اشیاء بکودک و (۱۶۸) یا قرار گرفتن اشیاء بجای کودک (۳۰۱) جلوه گر میشود.

کودک و بیگانه

۴ مورد^{۲۲} (۸٪) نشان دهنده تصور اشتراك بین کودک و افراد بیگانه است. این حالت اشتراك بصورت سرایت شکل و قیافه از دیگران بکودک (۳۴) یا سرایت رفتار دیگران بکودک (۸۰) و یا انتقال زندگی و حیات از دیگران بکودک (۲۴۵) و نیز انتقال خوشبختی و خوشقدمی از کودک به دیگران (۲۰۴) ملاحظه میشود.

۱۹ (۴۳۳ - ۱۲۶ - ۱۱۸ - ۱۲۵ - ۱۱۹).

۲۰ (۴۳۷ - ۴۴۱ - ۴۰۰ - ۴۱۸).

۲۱ (۲۷ - ۳۰۱ - ۲۰۶ - ۲۸۳ - ۱۶۸ - ۴۲۷).

۲۲ (۲۴ - ۲۰۴ - ۸۰ - ۲۴۵).

«آنیمیسیم»

نشانه‌های جان‌بخشی که از خصوصیات روحیه ساده ابتدائی بشر است در رسوم و عقاید مورد بررسی ملاحظه میشود. از مجموع رسوم و عقاید مورد بررسی ۳۹ مورد (۷٪) شاهد وجود چنین روحیه‌ای است این خصوصیت بر حسب فراوانی در موضوعات زیر دیده میشود.

جان‌بخشی به اشیاء بی‌جان طبیعت :

۱۲ مورد^{۴۳} (۳۰٪) حاکی از خصوصیت آنیمیسیم نسبت به اشیاء بی‌جان طبیعت مانند مهره‌های مختلف کهربا، خرمهره و زمین و سنگ و آهن‌ربا و نعل و طلسم و غیره میباشد.

این جان‌بخشی گاهی صورت همدم‌خواهی و فرار از تنهایی (۳۵۴-۳۶۳) و گاهی بصورت نسبت دادن قدرت به اشیاء و رفع چشم زخم و بلاهای دیگر (۳۴۳) و گاهی بصورت پذیرش و تحمل بلایای وارد بر کودک (۳۶۲) جلوه‌گر میشود.

جان‌بخشی به اشیائی که منشاء حیوانی یا گیاهی دارند .

۱۱ مورد^{۴۴} (۲۸٪) حاکی از جان‌بخشی به اشیائی است که منشاء حیوانی دارند مانند چشم گوسفند و خرچنگ و دهان گرگ و غیره یا منشاء نباتی دارند مانند اسفند، کاسنی، مرجان این جان‌بخشی بصورت نیرو و توانائی برای رفع چشم زخم و قدرت دفاع (۲۷۲) و درمان (۲۷۹) جلوه‌گر میشود.

جان‌بخشی به پوشاک :

۴ مورد^{۴۵} (۱۰٪) حاکی از تصور آنیمیسیم نسبت به لباس میباشد. این تصور بصورت انتساب قدرت زنده نگهداشتن کودک (۴۳۲) یا قدرت دفاع در برابر چشم زخم (۳۶۹) جلوه‌گر میشود.

-
- (۲۳) ۳۶۵ - ۳۶۳ - ۳۴۳ - ۲۸۷ - ۲۵۹ - ۳۵۸ - ۳۵۹ - ۳۵۴ - ۳۵۱ - ۳۶۲ - ۳۵۵ - ۳۴۸ .
- (۲۴) ۳۵۶ - ۲۷۲ - ۲۷۹ - ۳۶۰ - ۳۵۲ - ۳۴۶ - ۳۵۷ - ۱۷۲ - ۳۷۰ - ۳۴۹ .
- ۳۵۰ .
- (۲۵) ۴۳۳ - ۳۶۶ - ۳۶۹ - ۴۳۲ .

جان بخشی بخوراك

۵ مورد^{۳۶} (۱۲٪) حاکی از تصور آنیمیسیم نسبت بخوراك مانند نان ، نمك وغيره میباشد این جان بخشی بصورت قدرت تغییر شکل كودك در رحم (۳۳) و قدرت زنده نگهداشتن كودك (۲۳۹) و قدرت دفاع از چشم زخم (۳۶۱) جلوه گر میشود.

جان بخشی به مردگان و اندام انسانی :

۴ مورد^{۳۷} (۱۰٪) حاکی از جان بخشی نسبت بمردگان و اندام انسانی است . این روحیه بصورت نسبت دادن اعمال انسانی به اندام بی جان مانند لالی به پستان (۱۶۵) با قدرت جلوگیری از آبستنی و سایر اعمال حیاتی (۳۱-۳۲) جلوه گر میشود .

جان بخشی به نام :

۳ مورد^{۳۸} (۷٪) حاکی از این است که نامهای كودكان حامل صفات معین و مشخصی هستند مثلاً ائمه اطهار واسطه شفاعت میباشند (۱۱۷) و نیز نامهای حامل صفات خوب یا بد برای كودك میباشند بهمین جهت از نامگذاری كودك بنامهای زشت بطور کلی پرهیز میشود .

ارزشهای اجتماعی

در ۹۲ مورد (۱۸٪) از رسوم و عقاید سنتی مورد بررسی ارزشهای اجتماعی نهفته است این ارزشها گاهی جنبه مثبت دارند یعنی فکر اجتماع گرائی در آنها وجود دارد و گاهی میل به تنهایی و گریز از اجتماع را بنحوی از انحاء بوجود میآورند .

۲۶ (۳۶۱ - ۳۳ - ۲۳۸ - ۲۳۹ - ۱۷۰)

۲۷ (۳۱ - ۳۲ - ۱۶۵ - ۹۲)

۲۸ (۱۱۹ - ۱۱۷ - ۱۲۴)

ارزشهای اجتماعی مثبت :

۵۲ مورد (۱۰٪) از رسوم و عقاید اجتماعی دارای ارزشهای اجتماعی مثبت هستند . یعنی کودک یا مادر را به اجتماعی شدن سوق میدهند . این ارزشهای اجتماعی مثبت برحسب فراوانی در موارد موضوعات زیر ملاحظه میشود :

۱۷ مورد^{۲۹} (۳۲٪) از رسوم که دارای جنبه اجتماعی مثبت هستند به امر ختنه کودک مربوط میباشند . این واقعه در زندگی کودک همراه با مهمانی و جشن و سرور است (۳۷۴ - ۳۹۵) پس از عمل ختنه تا چند روز که بر حسب مناطق مختلف از ۳ تا ۴۰ روز متغیر است نباید کودک را تنها گذاشت (۴۰۶ - ۴۰۷) ختنه کودک بعنوان يك امر پسندیده سنتی موجب هدیه بخشیدن و دادن جائزه به کودک میشود (۴۰۱) .

۱۰ مورد^{۳۰} (۱۹٪) از رسوم که دارای ارزش اجتماعی مثبت میباشند به زائو و کودک نوزاد ارتباط مییابند . اصولاً سنتها در این زمینه متوجه نجات مادر و کودک از تنهائی هستند (۱۳۸) و این عمل بوسایل مختلف از جمله کوبیدن دهل و برگزاری مراسم شادی اجتماعی و دینی تحقق میپذیرد .

۹ مورد^{۳۱} (۱۷٪) از رسمها و عقایدی که دارای ارزش اجتماعی مثبت هستند مربوطند به نام گذاری کودک . برای نام گذاری پسران و دختران مجالس سور همراه با مراسم مذهبی تشکیل میشود (۱۲۰ - ۱۳۶) .

۸ مورد^{۳۲} (۱۵٪) از رسوم و عقاید اجتماعی مثبت مربوط به تشکیل مجالس میهمانی و سور و سرور است که غالباً بمناسبت تولد نوزاد برگزار میشود (۳۹۴ - ۱۰۷) نوزاد اگر پسر باشد معمولاً تشریفات اجتماعی بیشتری درباره او اعمال میکنند (۹۹ - ۱۱۰) .

۴ مورد^{۳۳} (۷٪) از رسوم و عقاید اجتماعی مثبت مربوط است به امتیاز پسر . مثلاً اگر نوزاد پسر بشود زائورا به همراه عدهای زن رقصان و پای کوبان به حمام میبرند ولی برای دختر چنین مراسمی برگزار نمیشود (۱۴۸) مراسم جشن و سرور مخصوصاً برای پسر اول بحد کمال میرسد و در آن هدیه و انعام میبخشند (۹۸) .

(۲۹) ۴۰۶ - ۴۰۸ - ۴۰۵ - ۳۸۵ - ۳۹۹ - ۴۰۱ - ۳۷۷ - ۳۹۵ - ۴۰۴ - ۳۷۶ - ۳۷۳ - ۳۹۶ - ۳۸۸ - ۳۷۲ - ۳۷۸ - ۳۹۸ - ۳۸۶ .

(۳۰) ۱۳۸ - ۱۰۱ - ۳۶۶ - ۴۵۱ - ۴۴۳ - ۴۳۱ - ۴۶۶ - ۱۵۱ - ۴۵۰ - ۱۵۱ .

(۳۱) ۱۱۷ - ۱۲۸ - ۱۱۹ - ۱۲۰ - ۱۱۷ - ۱۳۶ - ۱۳۰ - ۱۱۶ - ۱۲۲ .

(۳۲) ۳۹۴ - ۱۳۴ - ۱۱۰ - ۴۲۹ - ۱۱۸ - ۱۰۷ - ۹۹ - ۱۳۵ .

(۳۳) ۹۸ - ۱۰۶ - ۱۰۸ - ۱۴۸ .

۴ مورد^{۴۴} (۷٪) از رسم اجتماعی مثبت مربوط به آداب و احترامات مختلف است. مثلاً فرزندان در حضور مادر بدون اجازه نمیشینند (۴۷۹) یا نامزد کردن پسر و دختر خردسال (۸۹).

ارزشهای اجتماعی منفی:

۴۰ مورد (۲۵٪) از رسوم و عقاید اجتماعی دارای ارزش اجتماعی منفی میباشد یعنی موجب تضعیف روحیه اجتماعی و غیرخواهی کودک میشوند. این ارزشهای اجتماعی منفی بر حسب فراوانیها در موضوعات و موارد زیر ملاحظه میشوند:

۱۵ مورد^{۴۵} (۲۷٪) از ارزشهای اجتماعی منفی ناظر بر دور کردن کودک است از اشخاص بیگانه (۳۶۳ - ۴۴۳) یا از اشخاصی معین و مشخص مثل آدم خسته (۳۶۵) یا شخص جنب و تازه عروسان و فرزند مردگان و کسانی که دعا به همراه دارند (۱۱۳ - ۱۱۱ - ۱۱۲).

۱۳ مورد^{۴۶} (۳۲٪) از ارزشهای اجتماعی منفی در حقیقت تنهائی کودک را به وجهی توجیه میکنند بطوریکه کودک به تنهائی و اتزوا (۴۴۵) و گاهی دوری جستن از افراد مشخص و معینی مثل شورچشمان تشویق میکنند (۱۴۶).

۸ مورد^{۴۷} (۲۰٪) از ارزشهای اجتماعی منفی مربوط است به تشکیل عادات و آداب اجتماعی منفی مثل گدائی، دزدی، دعوا و پرخاش (۴۳۳ - ۲۳۵) و یا ایجاد حالت ایذاء و بدنامی (۱۹۲ - ۲۵۰).

۴ مورد^{۴۸} (۱۰٪) از ارزشهای اجتماعی منفی مربوط است به اهمیت کمتر مقام دختر نسبت به پسر و زن نسبت به مرد، معمولاً تشریفات اجتماعی درباره دختران کمتر (۱۴۸ - ۱۰۸).

درنام گذاری نوزادان مادران حق اظهار نظر ندارند بلکه پدران هستند که معمولاً نام را تعیین میکنند (۱۲۱).

۳۴ (۸۹ - ۴۹۹ - ۴۷۹ - ۴۸۲).

۳۵ (۴۴۳ - ۱۱۲ - ۳۳ - ۴۳۹ - ۱۱۱ - ۱۱۳ - ۴۳۸ - ۴۱۰ - ۳۶۵ - ۲۶۵).

۳۶ (۳۶۲ - ۳۶۱ - ۳۵۲ - ۲۶۷ - ۳۵۴ - ۳۶۰ - ۳۵۳ - ۳۴۶ - ۱۴۶ - ۳۶۹).

۳۴۸ - ۴۴۵ - ۳۵۴.

۳۷ (۴۳۳ - ۲۹ - ۴۳۳ - ۱۹۲ - ۲۵۰ - ۴۹۰ - ۴۷۳).

۳۸ (۱۲۱ - ۱۰۸ - ۱۴۸ - ۱۰۰).

ارزشهای عاطفی

۸۵ - مورد از رسوم و عقاید مورد بررسی دارای ارزشهای عاطفی و هیجانی هستند که ۴۶ مورد از آنها جنبه مثبت دارند یعنی در جهت ایجاد عواطف مثبت و طرد عواطف منفی هستند و ۲۹ مورد از آنها در جهت منفی عمل میکنند یعنی در کودک عواطف منفی پدید میآورند .

ارزشهای عاطفی مثبت :

۴۶ مورد (۵۴٪) از ارزشهای عاطفی در جهت مثبت هستند و برحسب فراوانیها در موضوعات زیر قرار میگیرند :

- نخست سنتهایی هستند که جنبه‌های عاطفی مثبت در کودک پدید میآورند یا آنها را تقویت میکنند . فراوانی این سنتها در مجموعه رسوم و عقاید عاطفی مثبت ۲۵ مورد^{۴۴} میباشد . این سنتها به ترتیب به ایجاد شادی (۳۸۸) خوشخوئی (۶۰) خوبی (۴۸۱) محبت (۲۲۴) صبر و بردباری (۱۵۹) شهامت و جرأت (۱۴۷) احترام به والدین (۴۸۲) حس زیبایی (۶۱) .

- دوم سنتهای بازدارنده که بنحوی عواطف منفی را در کودک یا مادر تضعیف میکند شماره این سنتها در مجموعه آداب و رسوم عاطفی مثبت ۲۱ مورد^{۴۵} است که به ترتیب در موارد زیر دیده میشود : دور کردن کودک از ترس مثلاً چنگال و چشم گرگ را به همراه کودک میکنند تا ترس از او رخت بر بندد (۲۷۰ - ۲۷۱) ، مصون داشتن کودک از اضطراب مثلاً گرفتن و خوردن دل گوسفند بمنظور درمان هولزدگی (۲۸۱) و نذر آش برای جلوگیری از ایذاء کودک (۱۸۹) . قسمت مهمی از سنتهای بازدارنده عواطف تدابیری هستند که برای جلوگیری از گریه کودک به کار بسته میشوند . مثلاً چشم خرچنگ را همراه کودک میکنند (۲۷۹) یا گوشت مرغ و شیر خر به خورد کودک میدهند تا از ترسش جلوگیری شود (۲۵۷) .

ارزشهای عاطفی منفی :

۳۹ مورد (۴۶٪) از ارزشهای عاطفی جنبه منفی دارند و برحسب فراوانیها در موضوعات زیر قرار میگیرند :

۴۴ (۲۶۸ - ۴۲۱ - ۴۵۹) .
۴۵ (۴۵۴ - ۳۳۳ - ۶۴ - ۴۳۳ - ۴۸۶ - ۴۹۱ - ۳۶۷ - ۴۸۵ - ۴۹۲ - ۴۶۸ - ۴۸۴ - ۴۸۹ - ۴۸۷ - ۴۸۸ - ۴۸۰) .

۳۴	۱۷۱	۱۲	مشترکات
۱۷	۸۵	۱۱	جمع
۷	۳۹	۱۰	ارزشهای عاطفی منفی
۹	۴۶	۹	ارزشهای عاطفی مثبت
۱۸	۹۲	۸	جمع
۸	۴۰	۷	ارزشهای اجتماعی منفی
۱۰	۵۲	۶	ارزشهای اجتماعی مثبت
۹	۴۹	۵	تفکر سمبلیک
۷	۳۹	۴	آنیسم
۹	۴۸	۳	روحیه اشتراك
۲۵	۱۲۹	۲	تفکر ماوراء طبیعی (متافیزیک)
۴۵	۲۲۹	۱	تفکر طبیعی
درصد	تعداد	رتبه	

۱۱ مورد^{۴۹} (۲۸٪) از ارزشهای عاطفی منفی مربوط به مسئله بدقدم بودن کودک است که ممکن است در کودک احساس عدم کفایت کند مثلاً اعتقاد به بدقدم بودن کودکانی که در ظهر متولد میشوند (۲۰۰) .

۶ مورد^{۴۰} (۱۵٪) بنحوی از انحاء اطرافیان را از بوسیدن کودک منع میکند مثلاً اعتقاد به اینکه اگر پشت گردن کودک را ببوسند کودک کم عقل میشود (۲۲۳) .

جدول شماره ۲ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به تفکر طبیعی

جمع	علامت شناسی	علت شناسی	تدابیر و پیشگیرانه‌های بهداشتی	درمان		تعداد
				غیر دارویی	داروهای طبیعی	
۲۲۹	۲۴	۴۴	۵۸	۳۲	۷۱	
۱۰۰	۱۲	۲۰	۲۵	۱۴	۳۱	درصد

۳۹ (۶۱ - ۲۰ - ۱۴۷ - ۲۲۶ - ۲۲۴ - ۱۵۹ - ۲۳۸ - ۴۸ - ۴۸۶ - ۴۸۲ - ۲۹۴ - ۳۸۸ - ۲۹۲ - ۳۵۳ - ۳۷۳ - ۶۰ - ۴۸۱ - ۲۶۲ - ۱۶۸ - ۳۸۶ - ۱۴۸ - ۲۶۰ - ۱۳۶ - ۳۷۴ - ۹۹ .

۴۰ (۲۷۰ - ۳۷۵ - ۲۷۱ - ۲۵۶ - ۲۸۱ - ۱۸۸ - ۳۶۶ - ۲۴۰ - ۱۷۶ - ۳۳۴ - ۲۷۸ - ۲۷۹ - ۳۲۹ - ۳۳۰ - ۳۰۳ - ۲۸۰ - ۳۳۲ - ۸۰ - ۲۵۷ - ۳۲۷ - ۳۳۱ .

جدول شماره ۳ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به تفکر ماوراء طبیعی (متافیزیک)

	اعتقادات مربوط به صدقه و نذر قربانی	اعتقادات مربوط به خوشقدمی و بدقدمی	اعتقادات مربوط به مذهب	اعتقادات مربوط به چشم زخم	اعتقادات مربوط به جن آل	
جمع						
	۱۲۹	۱۳	۳۴	۳۴	۳۵	تعداد
	۱۰۰	۱۰	۲۶	۲۶	۲۷	درصد

۴ مورد^{۴۱} از ارزشهای عاطفی منفی و (۱۱٪) در دختران در برابر پسران احساس حقارت و عواطف منفی میکند مثلاً نام گذاری دختران به نامهایی مانند قزبس یا دختر بس (۱۲۶) .

۳ مورد^{۴۲} از ارزشهای عاطفی (۸٪) موجب نا آرامی و بی ثباتی کودک میشود مثلاً اگر کسی گربه سیاهی را بکشد اجنه کودک آن شخص را آرام نمیکذارند (۴۵۹) .

۱۵ مورد^{۴۳} (۳۸٪) از ارزشهای عاطفی کودک را به شتابزدگی، عصبانیت، گریستن و خلافتکاریها و حسادت و صفات ناگوار دیگر تشویق میکنند .

- ۴۱) ۲۰۲ - ۲۰۰ - ۱۹۹ - ۳۰۳ - ۱۸۱ - ۱۹۸ - ۱۹۱ - ۲۰۴ - ۱۰۹ - ۲۰۲ (۴۱)
 . ۱۱۴ - ۳۶۳ - ۳۶۴ - ۷۰ - ۴۳۹
 ۴۲) ۲۱۹ - ۲۲۰ - ۲۲۴ - ۲۲۳ - ۲۲۲ - ۲۱۸ (۴۲)
 . ۱۴۸ - ۱۴۷ - ۱۲۶ - ۱۰۰ (۴۳)

جدول شماره ۴ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به روحیه اشتراك

اشترك كودك و حيوان	اشترك كودك با كودك	اشترك نام و كودك	اشترك مادر و كودك	اشترك كودك و اشياء	اشترك كودك و بيگانه	جمع	
۱۵	۱۵	۵	۴	۵	۴	۸	تعداد
۳۱	۳۱	۱۰	۸	۱۰	۸	۱۰۰	درصد

جدول شماره ۵ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به آنیميسم

جان بخشى به اشياء بی جان	جان بخشى به اشيائى كه منشاء حيوانى يا گياهى دارند	جان بخشى به پوشاك	جان بخشى به خوراك	جان بخشى به مردگان و اندام انسانى	جان بخشى به نام	جمع	
۱۲	۱۱	۴	۵	۴	۳	۳۹	تعداد
۳۱	۲۸	۱۰	۱۲	۱۰	۹	۱۰۰	رصد

جدول شماره ۶ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به تفکر سمبلیک

جمع	عمل و رفتار	مکان	اندام انسان	خوراك	حيوان و اندامهای حیوانی	اشياء بی جان	
۴۹	۲	۴	۸	۶	۱۲	۱۸	تعداد
۱	۴	۶	۱۶	۱۲	۲۴	۳۶	درصد

جدول شماره ۷ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به ارزشهای اجتماعی مثبت

جمع	آداب و احترامات مختلف	امتیاز پسر	تشکیل مجالس مهمانی وسور وسرور	نام گذاری كودك	زائو و كودك	ختنه كودك	
۵۲	۴	۴	۸	۹	۱۰	۱۷	تعداد
۱۰۰	۷	۷	۱۵	۱۷	۱۹	۳۲	درصد

جدول شماره ۸ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به ارزشهای اجتماعی منفی

جمع	اهمیت کمتر مقام دختر نسبت به پسر و زن نسبت به مرد	تشکیل عادات و آداب اجتماعی منفی	تنهایی کودک	دور کردن کودک از اشخاص بیگانه	
۴۰	۴	۸	۱۳	۱۵	تعداد
۱۰۰	۱۰	۲۰	۳۲	۳۷	درصد

جدول شماره ۹ - ۲ توزیع آداب و رسوم مربوط به ارزشهای عاطفی

جمع		ارزشهای عاطفی منفی		ارزشهای عاطفی مثبت		
۳۹	۱۵	موارد دیگر از قبیل شتابزدگی و عصبانیت خلافکاری و	۷۸	۴	ناآرامی ر بی ثباتی کودک	۷۸
	۳	احساس حقارت در دختران در برابر پسران	۱۱	۶	منع از بوسیدن کودک	۱۵
	۱۱	بدقم بودن کودک	۷۸	۱	جمع	۲۸
	۴۶	سنت‌های بازدارنده که بنحوی عواطف منفی را در کودک تضعیف میکند	۴۶	۲۱	سنت‌هایی که جنبه عاطفی مثبت در کودک بوجود می‌آورند	۲۵
۱۰۰	۷۸		۷۸	۵۴		۱۰۰
	۷۸		۷۸	۵۴		درصد
	۷۸		۷۸	۵۴		فراوانی

خلاصه و نتیجه

دربرسی سنتها و عقاید سنتی مربوط بخانواده که از شهر تهران گردیده ۵۰۰ رسم و عقیده به وضع کودک در خانواده ارتباط پیدا کرده است . محتوای این رسوم و عقاید از دونظر مورد بررسی قرار گرفته است ؛ نخست از نظر موضوع سنتها و عقاید و دوم از نظر مفاهیم نهفته در آنها . از نظر نخست موضوعات رسوم و عقاید به ۲۶ طبقه تقسیم شده‌اند که بالاترین فراوانیها (۲۰٪) را سنن و آداب مربوط به ارتباط عدد و کودک تشکیل میدهد . شاید این فراوانی بیان‌کننده اهمیت سمبلیک و رمزآسا در کودکان بین ۲ تا ۷ سال (دوران کودکی دوم) باشد ، و دومین مرتبه را دوا و درمان بچه‌ها حائز است که ۲۶٪ از رسم‌ها را بخود اختصاص داده است و نمایشگر اهمیت سلامت و تدابیری است که خانواده‌ها برای پیشگیری از بیماری بچه‌ها و درمان آنها می‌اندیشند .

تنوع موضوعات حاکی از ارتباط همه‌جانبه کودک است به مسائل مختلف زندگی خانوادگی از نظر دوم یعنی تحلیل مفاهیم نهفته در سنتها و عقاید سنتی به پنج شیوه اساسی تفکر برمیخوریم که به ترتیب فراوانیها عبارتند از : تفکر طبیعی (۴۵٪) تفکر متافیزیک (۲۵٪) تفکر سمبلیک (۹٪) روحیه اشتراک بدوی (۹٪) و آنیمیسیم (۷٪) بطوریکه ملاحظه میشود تفکر طبیعی یعنی کوشش درکشف علل امور در طبیعت نسبت بانواع دیگر تفکر فراوانی بیشتری دارد و روحیه جان‌بینی (Animisme) که یادگار روحیه ابتدائی بشر است موارد کمتری را نشان میدهد .

علاوه بر پنج نحوه تفکر مزبور - در تحلیل مفاهیم ، ارزش سنتها و عقاید از نظر جنبه‌های عاطفی و اجتماعی شخصیت کودک نیز بررسی شده است . از این نظر ارزشهای اجتماعی (۱۸٪) در مرحله اول و ارزشهای عاطفی (۱۷٪) در مرحله بعدی قرار دارند ، که در هردو مورد ارزشهای مثبت فراوانی بیشتری دارند .

توضیحات بالا این حقیقت را روشن می‌سازد که رسوم و عقاید سنتی چه از نظر جنبه‌های شخصیتی کودک (ارزشهای عاطفی و اجتماعی) و چه از نظر تفکر (جنبه‌های ادراکی) اهمیت مخصوصی دارند و بطور کلی در هر دو مورد اثر آنها در جهت مثبت سازندگی شخصیت کودک است .

- فهرست رسوم و عقاید مربوط به کودک که مورد بررسی قرار گرفته است .

۱ - بچه تا چهل روز نطفه است ، بعد مدت چهل روز خون است ، و پس از چهل روز بصورت گوشت جویده درمی‌آید پس از این چهارماه ، ملك بدستور خداوند اندام بچه را می‌سازد . بعد خدا خودش ابتدا بینی و بعد نری یا مادگی برای بچه می‌گذارد ، و سپس اسرافیل به بچه روح می‌دهد و بچه در رحم تکان می‌خورد ، در این حالت درست چهارماه و ده روز دارد .

۲ - بعضی از خانم‌ها که بلندقد هستند ، باور دارند بچه در شکمشان درپهلوی جای می‌گیرد .

۳ - بعضی از خانم‌ها شکمشان بهنگام حاملگی پهن و دراز است ، اینگونه زنان باور دارند که سخت‌زا هستند .

۴ - اگر بمدت چهل روز هر روز سوره حضرت یوسف را بخوانند و به سیب فوت کنند و سیب را بخورد زن آبستن دهند باور دارند بچه بعد از تولد زیبا خواهد شد .

۵ - وقتی که ماه نو میشود زن حامله دستش را روی هر قسمت از بدنش که بگذارد همان قسمت از بدن کودک بنفش میشود .

۶ - زن آبستن درموقع خسوف نباید هیچیک از اعضای بدنش را لمس کند ، زیرا پوست فرزند او در همان نقطه کبود خواهد شد و روی این لکه کبود نیز موهای بلند و فراوان خواهد روئید و بچه را زشت خواهد کرد . اگر در هنگام کسوف بنقطه‌ای از بدن خود دست بزند روی پوست طفل او در همان‌جا لکه سرخی ایجاد خواهد شد ، بهمین جهت وقتی خورشید یا ماه می‌گیرد ، زن آبستن نباید از خانه خارج شود و هنگام ماه گرفتن زن باید دستهای خود را روی سرش بگذارد و مرتباً بسم‌الله بگوید زیرا معتقدند که اگر دستهایش آزاد باشد

- و بیکی از قسمتهای بدنشان بخورد - مخصوصاً شکم - بدن طفل ماه گرفته میشود.
- ۷ - اگر زن حامله پایش باد کند ، میگویند دوقلو میزاید .
- ۸ - میگویند اگر وسط شکم زن حامله گود باشد دوقلو حامله است .
- ۹ - اگر زن آبستن بهنگام خواب زیاد غلت بزند ، باور دارند بند جفت ، بگردن کودک میپیچد و بآن آسیب میرساند .
- ۱۰ - اگر زن حامله سیب و گلابی زیاد بخورد ، بجهاش سرخ و سفید و خوشگل میشود .
- ۱۱ - اگر زن حامله انار زیاد بخورد بجهاش سبز میشود .
- ۱۲ - اگر زن حامله برنج خام بخورد ، باور دارند بدن بجهاش پیه می بندد .
- ۱۳ - اگر زن حامله بهنگام و یار سرکه بخورد ، بجهاش ضعیف و ناتوان بدنیا میآید .
- ۱۴ - اگر زن دخترزا ، خرما زیاد بخورد ، پسر میزاید .
- ۱۵ - اگر زن حامله کندر بخورد بجهاش درشت و قوی هیکل میشود.
- ۱۶ - اگر زن حامله شاهتوت بخورد ، بجهاش رشکا میگیرد .
- ۱۷ - اگر زن آبستن «به» بخورد رنگ بجهاش زرد میشود .
- ۱۸ - اگر زن آبستن گوشت شتر بخورد ، بجای اینکه ۹ ماهه بزاید ، پس از یکسال میزاید . برای رفع این اثر زن حامله را از زیر افسار شتر رد می کنند (دوران حاملگی شتر در حدود ۱۲ تا ۱۴ ماه است) .
- ۱۹ - اگر زن آبستن گوشت ماهی زیاد بخورد ، بدن بجهاش «خوش گوشت» میشود ، و زخم و بریدگی بچه زود خوب میشود .
- ۲۰ - زن آبستن اگر پایش پر باشد بجهاش خوشگل ، اگر لاغر باشد بجهاش زشت خواهد بود .
- ۲۱ - زن حامله يك نخود مروارید میخورد که بجهاش سفید شود .
- ۲۲ - اگر زن حامله شیر زیاد بخورد ، بجهاش سرخ و سفید میشود . و اگر چهل روز صبح ناشتا ، سیب و شیر بخورد ، شیر و خون مخلوط میشود و بچه خوشگل خواهد شد .
- ۲۳ - زنی که میخواهد سقط جنین کند ، آب زرشک و آب پیاز را ناشتا بخوردش میدهند و باور دارند که اینها زورمنداست و بچه را خواهد انداخت.
- ۲۴ - اگر زن آبستن بترسد ، ترس زن شدید باشد و تکان بخورد بچه را سقط میکند .
- ۲۵ - معمولاً زن ها به هنگام و یار بیشتر ، و یار آش رشته میکنند .

- ۲۶ - زن حامله ممکن است به برنج خام یا زغال سوخته و گل مهری، وترشی‌ها و یار داشته باشند و اگر از آن نخورد پایش سست میشود .
- ۲۷ - بعضی از زن‌ها به کاهگل ، یا فزله مرغ و یار میکنند .
- ۲۸ - اگر زنی تازه بچه در شکمش شکل گرفته باشد از غذایی خوش بیاید و در دسترس نباشد ممکن است بچه سقط شود و یا حداقل زن دچار درد دل شود .
- ۲۹ - اگر خوراک خوشبو بپزند باید به زن آبستن کمی بدهند و گرنه چشم بچه‌اش شور میشود . یا دیگر بچه‌دار نمیشود (چله رویش میافتد) .
- ۳۰ - اگر زن آبستن بچیزی میل کند و در دسترس نباشد چشم بچه زاغ میشود .
- ۳۱ - اگر زن آبستن مرده‌ای را ببیند چشم بچه‌اش شور میشود . میبایست در دست مرده نمک بگذارند و بعداً با همان نمک چشم بچه را بشویند . یا با مقداری نمک روی مرده بچه را بشویند .
- ۳۲ - زن حامله نباید بمرده نگاه کند یا از روی مرده رد شود ، و گرنه چشم بچه‌اش شور میشود . یا دیگر بچه‌دار نمیشود (چله رویش میافتد) .
- ۳۳ - معتقدند که هرگاه زن آبستن خوراکی از کسی بگیرد بچه‌اش بشکل آن کس خواهد شد به این جهت باید از گرفتن خوراکی از اشخاص ناشناس پرهیز بکنند .
- ۳۴ - هرگاه زن آبستن بکسی نگاه بکند و در همان لحظه بچه در زهدانش تکان بخورد (رو بآن کس بجنبند) بچه بشکل آن شخص خواهد شد .
- ۳۵ - بچه‌ای که زبان خود را زیاد بیرون بیاورد دلیل آنست که مادرش وقتی او را آبستن بوده مار دیده است .
- ۳۶ - اگر زن حامله در حال خوابیدن بخواد از یک پهلو به پهلوئی دیگر بغلند ، باید بنشیند و بعد به پهلوئی دیگر بخوابد ، و گرنه بچه چلاق میشود، و یا پس از دنیا آمدن زود میمیرد .
- ۳۷ - زن حامله نباید دمر بخوابد ، چون بچه‌اش خفه میشود .
- ۳۸ - بچه در رحم اگر پسر باشد در چله اول (چهل روز اول) تکان میخورد ولی دختر تا چهارماه تکان نمیخورد ، و اگر بچه در رحم زیاد تکان بخورد میگویند ، پسر است .
- ۳۹ - میگویند اگر زن حامله‌ای به مهمانی برود ، و بر خوردش بامیزبان با متانت و سنگینی باشد پسر میزاید ، و اگر جلف باشد دختر .
- ۴۰ - اگر شب عروسی کلاه بر سر عروس بگذارند ، بچه‌ی اولش پسر

خواهد بود .

۴۱ - مغز خیار پوست‌کنده را بیرون می‌آورند ، وانت‌های مغز را در دست میگیرند و فشار میدهند اگر با فشار از دست بیرون پرید ، نوزادشان پسر است و اگر له شد ، دختر .

۴۲ - اگر بخواهند ببینند بچه‌ی زن حامله پسر است یا دختر ، يك قیچی و يك چاقو جلو او میگذارند و یا در حوله‌ای میپیچند و باو میگویند چشمهایش را ببندد و یکی از آنها را بردارد ، و اگر قیچی را برداشت بچه‌ای دختر است ، اگر چاقو را برداشت بچه‌اش پسر .

۴۳ - اگر مردی که زنش حامله است در خواب ببیند کسی کارد به او تعارف میکند زنش پسر میزاید .

۴۴ - زن باردار اگر اسب در خواب ببیند بچه‌اش پسر میشود و اگر سوزن یا دستمال خواب ببیند دختر میزاید .

۴۵ - زن باردار اگر آهن و کارد پیدا کند بچه‌اش پسر است و اگر سوزن و مهره بیابد بچه‌اش دختر میشود .

۴۶ - اگر زن حامله در خواب شمشیر ببیند تعبیرش اینست که پسر میزاید و اگر در خواب ببیند که دستمال پیدا کرده یا به پیشانی‌ش دستمال بسته و یا مهره پیدا کرده دختر میزاید .

۴۷ وجود گردو در سفره عقد برای اینست که فرزند اول عروس پسر است .

۴۸ - اگر صورت زن حامله با طراوت و زیبا باشد بچه پسر و اگر سیاه باشد بچه دختر است . زیرا میگویند دختر زیبایی مادر را میگیرد .

۴۹ - اگر در ضمن اصلاح صورت زن حامله موی صورتش سست باشد میگویند بچه‌اش دختر والا پسر است .

۵۰ - بچه که در شروع راه رفتن دمر راه برود و سینه‌خیز برود پشت او پسر است .

۵۱ - بچه که در ابتدای راه رفتن کونخیزه بکند پشتش دختر است .

۵۲ - آخر غذا و ته سفره بهر زنی برسد پسر خواهد زائید .

۵۳ - اگر زن نهم‌ماه‌ای را نشانده وضو گرفته و سوره یس را بخوانیم در صورتیکه زن اظهار داشت که بچه در شکمش لوئیده است نوزاد پسر و گرنه دختر است .

۵۴ - اگر شکم زن حامله بعد از سه ماه و ده روز از طرف راست بیشتر

جلو بیاید و مثل بال مگس تکان بخورد بچه پسر است و از دست‌چپ دختر .

۵۵ - شیر زن آبستن را در آب میدوشند هر گاه ته‌نشین کرد بچه‌اش

- پسر خواهد بود و اگر روی آب بماند دختر است .
- ۵۶ - زن آستن که زیاد سیب بخورد بچه اش پسر میشود و اگر ویاړ او ترشی باشد بچه اش دختر است و اگر به شیرینی بیشتر مایل باشد بچه پسر خواهد بود .
- ۵۷ - پسر بچه ای را پشت ترك عروس سوار میکنند تا اولین فرزند عروس پسر باشد .
- ۵۸ - برای آنکه بدانند زن حامله پسر دارد یا دختر ، او را نزد خود میخوانند ، اگر ابتدا پای راستش را پیش بگذارد فرزندش پسر است و اگر پای چپ را پیش گذارد دختر .
- ۵۹ - اگر اول سینه راست زن حامله بزرگ شود بچه اش پسر است و اگر سینه چپ بزرگ شود دختر . و اگر سر پستان زن سرخ باشد فرزندش پسر خواهد بود و اگر سیاه باشد دختر و بعضی ها معتقدند اگر نوک پستان زن طوق بیندازد پسر میزاید و اگر طوق نداشته باشد دختر .
- ۶۰ - اگر زن حامله زرنک و خوش رو و خوشخو باشد فرزندش پسر است . و اگر ترش روی و بدخو باشد دختر .
- ۶۱ - پسر بچه کوچک و ملوس و زیبایی می آورند و بغل عروس میدهند تا اولاد اول او مثل همان بچه ، پسری زیبا و ملوس بشود .
- ۶۲ - اگر زن آستن خواب کبوتر ببیند نوزاد پسر به دنیا خواهد آورد و اگر گل سرخ یا انار در خواب ببیند دختر بدنی خواهد آورد .
- ۶۳ - زن آستنی که صورتش لك و پیس بشود بچه اش دختر خواهد بود ، و اگر برویش تغییر نکند پسر .
- ۶۴ - در مجلسی که زن حامله نشسته باشد ، دیگر زنی در دل نیت میکند که خدایا زن حامله پسر میزاید یا دختر ، اگر زن حامله دست به چانه اش بزند پسر و چنانکه دست بر سرش کشد دختر میزاید .
- ۶۵ - هنگامیکه زن حامله ای در میهمانی یا منزلی نشسته و مشغول گفتگوست . بدون اینکه زن حامله توجهی داشته باشد مقداری بر سرش نمک میریزند . باور دارند زن حامله چنانکه دست به چانه اش کشد پسر و اگر دست بر سرش کشد دختر میزاید .
- ۶۶ - باور دارند بچه ۷ ماهه زنده میماند ، منتهی در کارهای روزمره عجول میشود ، ولی اگر زودتر از هفت ماهگی بدنی بیاید میمیرد .
- ۶۷ - باور دارند اگر بچه در ۸ ماهگی متولد شود هرگز زنده نمیماند .
- ۶۸ - رسم است که زن پس از ۹ ماه و ۹ روز و ۹ ساعت میزاید .

- اگر نوزاد در ۹ ماه و سه روز به دنیا بیاید حتماً زنده میماند .
- ۶۹ - بهنگام زایمان ، زن حامله را میان دوخشت در گوشه‌ای از اطاق رو بقبله می‌نشانند و میان خشت‌ها سینی را پراز خاکستر کرده و دستمالی رویش پهن میکنند تا نوزاد روی سینی متولد شود .
- ۷۰ - هنگامیکه زن حامله زایمانش مشکل باشد ، «پنجه مریم» که مانند شاخه درخت خشک شده است ، آنرا میان آب میگذارند تا نرم و باز شود و آبش را به زائو میخورانند و باور دارند با اینکار زن حامله بزودی میزاید .
- ۷۱ - اگر زن آبستن به سختی بزاید بطری شیشه‌ای یا کوزه قلیان را بدستش میدهند تا فوت کند ودر اثر فوت یا زور زیاد بچه متولد میشود .
- ۷۲ - هرگاه جفت نیاید به زن زائو شیشه بطری میدهند تا فوت کند ، و باور دارند در اثر فشار کم جفت نوزاد بیرون آید .
- ۷۳ - هنگامیکه زن حامله بسختی بزاید ، یکنفر را به بالای پشت‌بام روانه میکنند تا اذان بگوید و باور دارند که با خواندن اذان زن براحتی میزاید .
- ۷۴ - اگر زن آبستن بهنگام زادن ، سخت بزاید زعفران بخوردش میدهند و باور دارند که زن زودتر میزاید .
- ۷۵ - هنگامیکه زن زائو خونریزی داشته باشد ، آب چهل کلید روی سرش میریزند .
- ۷۶ - معمولاً بعد از زائیدن زن - جفت او را چال میکنند باور دارند که با اینکار ، فرزند او زنده خواهد ماند .
- ۷۷ - هنگامیکه نوزاد متولد میشود «غسل مولود» برایش میدهند در این مراسم سه بار آب روی سرش وشانه راست و چپ نوزاد میریزند تا کودک پاک و مؤمن شود .
- ۷۸ - کام (سق) بچه را معمولاً زنی مؤمن تربت میمالد .
- ۷۹ - هنگامیکه زن حامله میزاید ، بعد از تولد نوزاد ، در حدود نیم‌من روغن حیوانی بصورت کاچی بخورد زن میدهند که جبران خونریزی باشد و برای تجدید نیروی او .
- ۸۰ - بعد از تولد ، مادرش به چشم بچه سرمه میکشد و حاضرین نیز میکشند تا ابروها و مژه‌هایش پرپشت شود . باور دارند کسانیکه سرمه میکشند بایستی خوابشان را بکودک بدهند تا مزاحم خواب مادر نشود .
- ۸۱ - به زائوسیب نمیدهند ، چه باور دارند که «سبک» زائو بیرون می‌آید .
- ۸۲ - به زائو تا شب هفتم آب نمیدهند ، فقط چای میدهند ، باور دارند که زیر دل زائو «آب میکشد» .

- ۸۳ - هنگامیکه زن آبستن میزاید ، برایش «روغن نبات» میزنند ، بدینگونه که نبات و زیره را میکوبند و باروغن حیوانی مخلوط کرده و پس از پختن ، زن زائو سر میکشد .
- ۸۴ - رسم براین است کودک را پس از بستن قنناق ، از زمین بلند کرده دست راست را بر زمین زده و به پشت کودک میزنند ، باور دارند کودک زود رشد میکند .
- ۸۵ - وقتی نوزاد بدنیا میآید ، روغن زیتون و نمک به پوست او میمالند ، تا پوستش با طراوت بشود .
- ۸۶ - برای بریدن ناف یک نخ آبی و یک نخ سفید را (برای سفیدبختی) بهم تاب داده ، چهارانگشت بالای ناف گره میزنند ، و چهارانگشت بالاترش را میبرند .
- ۸۷ - در بعضی از خانوادهها اگر نوزاد پسر باشد یک نخ سیاه دور بند ناف می‌بندند و بند ناف را با کارد یا چاقوی میبرند و اگر نوزاد دختر باشد نخ گلی یا سفید بکار میبرند . و بند ناف را با قیچی قطع میکنند .
- ۸۸ - قیچی را که «ماما» ناف کودک میبرد ، نشسته زیر سر زائو میگذارند ، باور دارند «آل» به زائو آسیبی نمیرساند .
- ۸۹ - برخی از خانوادههای خوشاوند ناف پسر یا دختر خود را بنام پسر یا دختر آندیگر می‌بریدند و آندو هنگام نوجوانی ممکن بود که با هم زن و شوهر شوند .
- ۹۰ - برای بهبودی زخم ناف ، رسم براین است که روغن کرچک را با خاکستر خمیر کرده و روی ناف میگذارند تا زخمش بهبود یابد .
- ۹۱ - برای افتادن ناف کودک خاک زیر ناودان را با روغن چراغ مخلوط کرده و ازتزیف گذرانده و روی زخم ناف میگذارند تا ناف بیفتد .
- ۹۲ - هنگامیکه ناف پسر میافتد ، آنرا خشک میکنند و پس از کوبیدن به «زن نازا» میخورانند تا بزاید ، یا به زن دخترزا میدهند تا پسر بزاید .
- ۹۳ - پوست ناف کودک را نکهمیدارند وقتی چشم بچه درد کند ، پوست را در ظرفی با آب میسایند و به چشم کودک میریزند تا بهبود یابد .
- ۹۴ - سر ناف نوزاد را که می‌افتد ، اغلب خشک میکنند و میسایند و برای درمان «باد» و «رطوبت» به بیمار میخورانند .
- ۹۵ - بچه‌ای که زیاد گریه کند معمولاً نافش بیرون میزند ، برای اینکه ناف کودک به جای اولش برگردد سکه‌ای را روی ناف میگذارند و با تکه پارچه‌ای بدور شکم محکم میپیچند .

۹۶ - پس از ختم عمل ناف‌بری ماما مقداری نمک ساییده در قدحی آب نیم‌گرم میریزند و بچه‌را با آب نمک و لیف می‌شوید . استعمال نمک برای آن است که گوشت بدن طفل سفت و پیچیده شود و به اندک چیزی فساد نپذیرد و ضمناً خود بچه هم «با نمک» و خوش‌سیما و جمیل گردد . اگر نوزاد دختر باشد قدری نبات و هل هم میکوبند و هنگام قن‌داق کردن او میان دوپایش میریزند که شیرین و خوشبو بشود .

۹۷ - رسم است ، زائویی که بچه‌اش نمی‌ماند ، و در همانجا که بچه بدنیا می‌آید ، سه‌پایه‌ای را گذاشته و قابلمه‌ای روی آن مینهند و با آرد و شیر «حلوی زندگانی» می‌زنند و جفتش را نیز در همانجا چال میکنند .

۹۸ - اگر زنی برای اولین بار صاحب پسر شود برای نوزاد جشن می‌گیرند . در این روز گوسفند میکشند و برای ناهار یا شام عده‌ای را دعوت میکنند و شیرینی بین کودکان پخش میکنند و افراد فامیل که باین میهمانی دعوت شده‌اند هر يك بفرخور حال خویش گوسفند یا قند و پارچه بعنوان هدیه می‌آورند .

۹۹ - برای نوزاد اول روز زایمان شیرینی می‌خرند و خوشحالی میکنند و پدرترزدیکان را بشام دعوت میکند و البته اگر نوزاد پسر باشد این تشریفات بیشتر است .

۱۰۰ - از دیرباز مردم از داشتن پسر بیشتر از دختر شادمان میشدند . و میخواندند :

پسر پسر قند عسل دختر دختر کپه خاکستر

۱۰۱ - هنگام تولد طفل باید شکر خدای را با انجام مراسم دینی خاص و دادن صدقات بجای آورد صدقه پسر بیش از دختر است .

۱۰۲ - اگر زائو پسر زائیده باشد باید دراز خوابیده و یک نفر دیگر هفت دانه خرما روی تنش از فرق سر تا ناخن پا بچیند بعد آنها را برداشته دانه دانه توی مقداری خاکشیر بریزد و بزائو بدهد تا بخورد و معتقدند با خوردن این معجون مقدس تا هفت پشتش پسر خواهد زائید .

۱۰۳ - مادر برای اینکه پسرش زنده بماند ، نذر میکند که بچه‌اش را «حیدری» کند ، بدینگونه که گوش نوزاد را پس از چند روز سوراخ میکند و يك گوشواره نقره‌ای بگوشش می‌آویزد و تا ۵ یا ۷ سال موهای فرزندش را نمی‌تراشد و بچه را غلام حلقه بگوش امام میکند ، وقتی پسر ۷ ساله شد او را به زیارت امام رضا میبرد و سرش را می‌تراشد و «حیدری» و موی سر فرزند را در میان کیسه ریخته به سنگینی کیسه پول نقره داخل کیسه میکند و به ضریح

امام رضا تقدیم میکند .

۱۰۴ - بعضی مادرها نذر میکنند که ، اگر بچه شان پسر بود ، تا هفت سال مویش را نزنند و بعد مویش را میتراشند، وهم وزن موهایش طلا یا نقره خیر میکنند .
۱۰۵ - اگر زن پسر بزاید بکنفر دویده و سعی میکند که زودتر به پدر بچه خبر تولد را بدهد و مژدگانی بگیرد و مژدگانی که از بابت خبر تولد پسر گرفته میشود بیشتر از دختر است .

۱۰۶ - اگر نوزاد پسر باشد پدر ده تومان روی شکم بچه میگذارد و ماما آن را برمیدارد (ماما = ماماچه = قابله) روز سوم مادر با ماما به حمام میرود و روز هفتم بچه و مادر و عده ای بحمام میروند که این روز را بچه شوران گویند و چون از حمام بیرون آمدند همراهان را به ناهار دعوت میکنند . همه این مراسم را وقتی انجام میدهند که نوزاد پسر باشد .

۱۰۷ - روز دهم تولد فرزند اگر پسر باشد جشن مفصلی میگیرند و عده زیادی را به ناهار دعوت میکنند زیرا میگویند پسر «پشت پدر» است و در خانه پدر را باز نگه میدارد و اگر دختر باشد فقط زنان در این جشن شرکت میکنند، چون معتقدند دختر «زن مردم» است .

۱۰۸ - اگر نوزاد دختر باشد مراسمی برپا نمیشود ، اگر پسر باشد جوانهای فامیل که هنوز داماد نشده اند در منزل پدر نوزاد جمع میشوند و تا صبح رقص و پایکوبی میکنند و با شیرینی و چای و شام از طرف صاحبخانه پذیرائی میشوند .

۱۰۹ - کسی که هفت دختر داشته باشد اگر پسر پیدا کند بدشگون است .

۱۱۰ - برای ولیمه اگر پسر باشد خاکینه و اگر دختر باشد ماش پلو می دهند .

۱۱۱ - کسیکه دعا بهمراه دارد نباید وارد اطاق نوزاد بشود مگر آنکه دعا را قبل از ورود از خود دور کند .

۱۱۲ - تازه عروسان و دختران حق ندارند به اتاق زائو و نوزاد قدم گذارند .

۱۱۳ - زنیکه بچه اش مرده باشد نباید بدیدن زنیکه تازه وضع حمل کرده باشد برود و گرنه نوزاد چله گیرک یا هفته گیرک میشود .

۱۱۴ - اگر زنی ناپاک به سر زائو برود میگویند که زائو دچار سردرد میشود .

۱۱۵ - برای اینکه نوزاد دچار امراض پوستی نشود مقداری مورد نرم

شده و مرکور کرم به زیر گوش گردن ، زیر بغل و کشاله ران بچه میزنند و مورد را که برگ گیاهی است کوبیده و از پارچه نازکی نرم رد میکنند و به بدن بچه میمالند .
۱۱۶ - در شب نامگذاری افراد فامیل وریش سفیدان در منزل زائو جمع میشوند . اگر نوزاد پسر باشد یکی از نزدیکترین و پیرترین افراد فامیل به گوشش اذان میگوید و نامش را به زبان میآورد ، اگر دختر باشد فقط نامش را بیان میکند .

۱۱۷ - معمولاً شب سوم یا ششم تولد برای کودک نام گذاری میکنند اگر پسر روز عید قربان دنیا آمده باشد باو لقب «حاجی» میدهند و اگر دختر باشد نامش را «حاجیه» میگذارند . کودکانیکه مادرشان سید باشد جلوی اسمشان «میر» میگذارند ، انتخاب اسم برای کودک باین ترتیب است که کلیه اسامی مورد نظر را روی کاغذهای کوچکی نوشته و تا میزنند بعد اسمها را داخل يك كاسه میریزند و یکی را برمیدارند هرچه آمد همان اسم را برای کودک میگذارند .
۱۱۸ - در گذشته ملا که از اطاق زنانه بیرون و بمجلس مردانه میآمد ، يك قرآن یا يك كتاب دعا پیش او میآوردند تا پشت آن تاریخ ولادت نوزاد را که تا آن شب اسم نداشته با اسم و رسم تمام و ساعت و دقیقه تولد با دقت بنویسد .
۱۱۹ - پس از تولد نوزاد در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه میخوانند و در روز سوم او را نام گذاری میکنند . اسمها بعضی از اسامی ائمه و فرزندان خاندان نبوت است بخصوص اگر روز تولد نوزاد ، با روز ولادت یکی از ائمه مصادف باشد نام همان امام را بروی نوزاد میگذارند باور دارند آن امام روز قیامت از او شفاعت خواهد کرد ، مثلاً بچه ای که در تولد حضرت رضا ، دنیا بیاید ، نامش را رضا میگذارند و بچه ای که در تولد حضرت حجت ، متولد شود نامش را مهدی میگذارند .

۱۲۰ - بعضی از مردم ۷ روز پس از تولد نوزاد درصدد برمیآیند که نامی براو نهند آنوقت اگر نوزاد دختر باشد سه نام دختر روی کاغذ مینویسند و بدست دختر خردسالی میدهند تا یکی را انتخاب کند و اگر پسر باشد بهمین نحو عمل میکنند و بجای دختر نامها را بدست پسر کی میدهند تا یکی از نامها را انتخاب بکند و اگر پدر نوزاد استطاعت مالی داشته باشد در این روز گوسفندی را سرمیبرند و گوشت آن را به فقرا میدهد .

۱۲۱ - در مورد نامگذاری کودک نظر پدر بزرگ و اگر نباشد نظر پدر قاطع است و مادر حق اظهار نظر ندارد .

۱۲۲ - برای نامگذاری نوزاد را به بغل پدر بزرگ (پدر پدر و یا پدر مادر) میگذارند البته پدر پدر مقدم است اما محض احترام ، پدر پدر نوزاد

را به بغل پدر مادر میگذارد آنگاه پس از مشورت ، چند نام برمیگزینند و روی تکه کاغذی مینویسند و لای قرآن میگذارند و پدر پدر یا پدر مادر پس از اذان واقامه گفتن به گوش بچه قرآن را باز میکند ، هراسمی که آمد برکودک نهاده میشود .

۱۲۳ - اگر بهنگام نام نهادن ، نوزاد در بغل پدر یا مادر بماند پس از پایان کار ، باید به نوزاد رونما بدهند .

۱۲۴ - اگر نام دختر یا پسر ، اسم‌های غیرمذهبی هم باشد ، بهنگامیکه میخواهند به گوشش اذان واقامه بگویند ، دخترها را «فاطمه» و پسرهارا «علی» نام مینهند .

۱۲۵ - پدر و مادری که هرچه بچه پیدا کنند زود بمیرد و بچه‌هایشان پا نگیرند اسم بچه آخری را اگر دختر باشد بمانی‌خانم میگذارند و اگر پسر باشد او را آقاماندی و یا خدا بگذار و یا مانده‌علی مینامند .

۱۲۶ - در آذربایجان وقتی در خانواده‌ای اولاد دختر زیاد است اسم هفتمی آنها را «قیزبس» یعنی دختر بس است میگذارند تا پشت او اولاد پسر پیدا نکنند .

۱۲۷ - علت اصلی عوض کردن نام بچه این است که میپندارند نام بچه را که عوض کنند از ما بهتران او را نخواهند شناخت و بچه از آسیب آنان در امان خواهد بود .

۱۲۸ - اسم بچه‌را که بخواهند عوض کنند آتش میپزند و دسته‌ای را دعوت میکنند و بعد اسم او را عوض میکنند .

۱۲۹ - زمان زایش نوزاد نیز دربرگزیدن نام برای او تأثیر دارد . بچه‌ای که روز نوروز بدنیا بیاید نامش را نوروزعلی مینهند ، اگر در شب عید قربان و یا در فاصله اول ذی‌الحجه تا دهم آن ماه به دنیا بیاید ، نامش را حاجی قربان میگذارند و اگر از «قربان» خوششان نیاید ممکن است نام دیگری بگذارند ولی در هر حال يك حاجی برسر نامش میافزایند .

۱۳۰ - پس از ۷ یا ۴۰ روز که از تولد نوزاد گذشت گوسفندی را سر میبرند و گوشت آن را بین فقرا قسمت میکنند و دعائی که از کتاب مفاتیح‌الجنان میخوانند و نامی برای کودک انتخاب میکنند .

۱۳۱ - پس از بدنیا آمدن نوزاد درگوش او اذان میگویند .

۱۳۲ - بعضی در شب ششم یکنفر از فامیلهای نوزاد یا روحانی بگوش راست بچه اذان و به گوش چپ او واقامه میگوید .

۱۳۳ - بعد از ۴۰ روز پدر بچه یا قرآن خوان بگوش بچه اذان میگوید .

۱۳۴ - روز دهم تولد نوزاد را جشن میگیرند و اقوام را به شیرینی و ناهار دعوت میکنند .

۱۳۵ - از روز اول تا دهم باید بچه را مسلمان کرد باین ترتیب که توسط مسلمانی (اگر شیخ و عالم باشد بهتر است) درگوش راست نوزاد اذان و درگوش چپ او اقامه میگویند .

۱۳۶ - آخوند محله یا یکی از مردان مسن و مؤمن خانواده بچه را در بغل میگیرد و در گوش راست او اذان و درگوش چپش اقامه میگوید و به میل و انتخاب خود نام یکی از ائمه اطهار را روی بچه میگذارد پس از پایان یافتن مراسم اذان گوئی و تعیین نام نوزاد تمام افراد خانواده و خویشاوندان و دوستانی که گرداگرد اطاق نشسته اند صلوات میفرستند و هلله و شادی میکنند.

۱۳۷ - رسم است برای کودک شبشش میگیرند و در آنشب آتش رشته پخته و عده ای را دعوت میکنند و در این شب به گوش راست بچه اذان میگویند و آتش رشته را برای این میزنند که (بچه دنباله عمرش دراز باشد .)

۱۳۸ - زائو را تا شب ششم تنها نمیگذارند . زیرا باور دارند زائو سنگین میشود و شیش گیر میگردد ، آنشب عده ای گرد زائو هم میآیند و چهل قل هوالله به شش سمت فوت میکنند .

۱۳۹ - شب ششم خطرناکترین شب است چون آل به سراغ زائو و بچه میآید . زیرا معمولاً بیشتر نوزادان در شب ششم حالشان بهم میخورد ، رسم است که بچه را در روز ششم از میان قالب خشت و قنداق تفنگ رد میکنند .

۱۴۰ - در اطاق فرش یا حصیر میگسترند و در آن حوضی برای شستشوی بچه تعبیه میکنند و در کنار آن آفتابه ای قرار میدهند تا کودک را بر حسب فصل با آب گرم یا سرد شستشو دهند .

۱۴۱ - تا مدت سه روز بایستی توی در اطاق زائو رو بقبله باروت را آتش بکنند و در هر غروب آفتاب در این سه روز مچ دست و مچ پای او را نیل بمالند و بندی برنگ آبی و سفید ماما موظف است در روز سوم به مچ دست و پا کردن زائو بوبچه ببندد و این بند بهمان ترتیب باشد تا روزی که زائو به حمام میرود .

۱۴۲ - معمولاً نوزاد پسر را روز دهم و دختر را روز هفتم زایمان بحمام میبرند ماما اول نوزاد را با سدر نرم والک کرده میشود و بعد او را بالای سر مادرش میگیرد و با جام کلید مقداری آب تمیز روی بدنش میریزد بطوریکه آب از روی بچه رد بشود و روی سر مادرش بریزد . از این لحظه بیعد از برکت جام چهل کلید زائو و فرزند وی از حمله آل در امان خواهند بود .

- ۱۴۳ - اگر زائو دختر بزاید و قاعدگی زن زائو ۷ باشد باید دختر را روز هفتم بحمام ببرد و اگر ۱۰ باشد روز دهم و آب ۷ و ۱۰ به سر بچه بریزند .
- ۱۴۴ - نزد گروهی رسم بر این است که زن زائو را روز سوم بحمام میبرند و آب سوم بر سرش میریزند و لنگ زن را نیز روی سر بچه میچلانند .
- ۱۴۵ - زنانی که دختر زائیده‌اند روز هفتم وزنانی که پسر زائیده‌اند روز دهم به حمام میروند .
- ۱۴۶ - اگر نوزاد بی‌حال باشد و هوا هم سرد در روز هفت یا ده او را بحمام نمیبرند در این صورت روز دهم زادروزش به سر نوزاد «آب ده» میریزند تا اگر تنها بماند بیوقتی نشود .
- ۱۴۷ - اگر نوزاد پسر باشد دوسه‌روز پس از چهارمین روز زاده‌شدنش و اگر دختر باشد چند روز پیش از این که چله‌اش برسد ، بحمامش میبرند نوزاد پسر را دیرتر بحمام میبرند برای اینکه پرجرات شود و نوزاد دختر را زودتر تا کم جرات شود .
- ۱۴۸ - اگر نوزاد پسر باشد زائو را در حالیکه عده‌ای زن همراهی میکنند و رقص میکنند و دایره میزنند و شادی میکنند بحمام میبرند ولی اگر دختر باشد خیلی بی سروصدا و زائو را با یکنفر بحمام میفرستند .
- ۱۴۹ - ماما پس از حمام زائو و نوزاد زیر بغل نوزاد قدری سرنج میپاشند .
- ۱۵۰ - پس از حمام زائو ، ماما بچشم زائو و نوزاد سرمه میکشد .
- ۱۵۱ - روز دهم تولد نوزاد (چه دختر و چه پسر) را جشن میگیرند و در این روز زائو با نوزادش بحمام میرود و بعد میهمانی ناهار میدهد .
- ۱۵۲ - برای پیشگیری از خونریزی زائو را در شب هفتم برای دختر و در شب دهم برای پسر به حمام میبرند و زائو را میان سینی گذاشته و یکعدد تخم‌مرغ خام را به دستمال آب ندیده میزنند و روی رحم زن میگذارند و باور دارند که با اینکار میتوان جلوی خونریزی را گرفت .
- ۱۵۳ - اگر در حمام زایمان ، دیگر زائوئی بیاید رسم بر این است که زائو دومی در پشت زائوی اولی نشسته و شیر خود را بدوشد تا چله به شیرش نیفتد و خشک نشود .
- ۱۵۴ - در شب دهم - قبل از رفتن به حمام «مورد» را که برگ سبزیست با نخود میکوبند و با تخم‌مرغ مخلوط کرده به سر زائو میبندند .
- ۱۵۵ - زائو شب دهم قبل از رفتن به حمام تخم‌مرغ ، مومیائی و روغن حیوانی را خمیر کرده روی پارچه آب ندیده پهن میکنند و آنرا روی رحم خود

میگذارد و باور دارد که با این عمل رحمش قوت میگیرد .

۱۵۶ - وقتی زائو در روز دهم بحمام میرود ، قبل از شستن تن او بدنش را با روغن مومیائی مشتمال میدهند ، تا استخوانهای زائو با اینکار نرم شود .
۱۵۷ - گروهی روز هفتم هنگامیکه زن در حمام زایمان استحمامش پایان میرسد نوزاد دختر را بلافاصله به حمام میبرند و پس از شستشو با سدر و لیف و صابون آب پاك به سر و شانه‌هایش میریزند و باور دارند اگر دختر قاعده شود و قاعدگی آن به هفت روز برسد ، روز هفتم پاك خواهد شد .

۱۵۸ - تا شب سوم شیر زائو را برای خوردن بچه سنگین میدانند ، تا سه روز شیر زائو را میدوشند و در کاسه‌ای جمع میکنند ، باور دارند که اگر شیر را در آفتاب بریزند شیر زائو خشك خواهد شد و شیر دوشیده را بچاه میریزند تا پستان زن پرشیر شود .

در مدت دو روزی که بچه شیر نمیخورد ، «خاکشیر» و «بارهنک» را مخلوط کرده و بصورت قندآب به بچه میخورانند .

۱۵۹ - اما این شیر دادن در نوبت اول موقع و رسم خاصی دارد باین طریق که مادر باید اولین پستان را نیمه‌شب هنگامیکه سیر و پر خورده و بآرامی خفته‌اند بدهان طفل بگذارد تا بچه او صبور بار بیاید و همیشه سیر و آرام باشد . ضمناً برای آنکه چشمه‌های پستانش باز و شیرش سبك بشود قبل از شیر دادن به نوزاد مدت چند دقیقه پستانش را شیردوش میکند و همینکه از این کار فراغت یافت آهسته و بی‌صدا بطرف بچه میرود و پستان خود را به دهان او میگذارد .
۱۶۰ - روز سوم تولد نوزاد ، صلوة ظهر که شکم‌ها سیر شده است زن زائو رو بقبله مینشیند و پستانش را با آب گرم و نعنا میشوید و برای اولین بار پستانش را به دهان کودک میگذارد باور دارند که با اینعمل شیر مادر خوشبو و گوارا میشود .

۱۶۱ - برای شیر دادن مادر بچه را زوی پای خود میخواباند ، و پستان به دهانش میگذارد و دستش را زیر بچه میگذارد ، و بعد بچه را چند لحظه‌ای راست نگه میدارند تا آروغ بزند و دل درد نگیرد ، مادر هرگز پستانش را یکدفعه از دهان کودک نمیکشد ، زیرا سق بچه‌اش میافتد ، و نباید یکدفعه شیر زیاد به بچه بدهد چون بچه دل درد میگیرد .

۱۶۲ - اگر مادر يك پهلوی به کودکش شیر دهد ، پستان گلوله میشود ، باور دارند که باید شیر پستان کودک را بدوشند و یا با کف دست محل گلوله را مالش دهند .

۱۶۳ - از چهار ماهگی از غذائی که خود میخورند ، کمی بدهان بچه

میگذارند تا به طعم غذا عادت کند .

۱۶۴ - مدت شیرخوارگی بچه‌ها تفاوت میکند : بعضی شانزده ماه به بچه شیر میدهند و گروهی دوسال ، و بعضی‌ها چهارسال . معمولاً پسران را کمتر از دختران شیر میدهند . زیرا میگویند ، پسر چون بیشتر ارث میبرد ، باید کمتر شیر بخورد .

۱۶۵ - هنگامیکه بچه زیر پستان غرغر میکند و شیر میخورد میگویند «ممه لال» است زیرا اگر نگویند بچه ناخوش میشود .

۱۶۶ - شیر پستان خود بچه را بخوردش بدهند خوش‌آواز میشود .

۱۶۷ - اگر زن حامله «جوش کند» شیرش خشک میشود .

۱۶۸ - شیر آدم خوب و بد تأثیر خودش را در اخلاق و صفات و عادات بچه انتقال میدهد چنانکه بطور نفرین گفته میشود : تف بشیرت بیاید ، پستانش بسوزد که شیر دهنش گذاشت و یادر موقع آفرین میگویند : آفرین بشیر پاکی که خورده .

۱۶۹ - بهترین شیرها برای بچه شیرمادر است و اگر مادر شیر نداشت او را به دایه‌ای خوش‌اخلاق میدهند ، و باید هنگامی به بچه شیر بدهند که غذا خورده باشند و مدتی از آن گذشته باشد .

۱۷۰ - هنگامیکه مادر فرزندش را نفرین میکند ، پس از چند دقیقه دلش بحال فرزندش میسوزد از اینرو طلب بخشش از خدا میکند و باور میدارند که چون ، مادر به فرزند شیر میدهد ، شیر جلوی نفرین مادر را میگیرد .

۱۷۱ - سوره هفت «مبین» یاسین را روی انار شیرین میخوانند و فوت میکنند و بکودک میدهند و باور دارند که میتوانند کودک را براحتی از شیر بگیرند .

۱۷۲ - برای گرفتن کودک از شیر مادر ، پشم گوسفند را روی پستان مادر میگذارند و بچه را باین طریق از شیر خوردن منع میکنند در واقع کودک را میترسانند .

۱۷۳ - کودک را بهنگام گرفتن از شیر ، برایش شیربرنج میپزند و همسالان کودک را دعوت میکنند و شیربرنج را با همدیگر میخورند و باور دارند با اینکار میتوان بچه را از خوردن شیر منصرف کرد .

۱۷۴ - هنگامیکه کودک را از شیر میگیرند «صبرزد» بر روی پستان میمالند تا تلخی آن در دهان کودک اثر کرده و شیر نخورد .

۱۷۵ - هنگامیکه میخواهند کودک را از شیر مادر بگیرند ، مادر صلوة ظهر زیر ناودان رو به قبله می‌نشیند و کودک هر دو سینه مادر را میمکد و یک نفر از پشت ، کودک را از دست مادر میگیرد و از خوردن شیر منع مینماید .

۱۷۶ - اگر مادری هنگام شیردادن به بچه‌ی خود «جوش بکند» صورت بچه‌اش اگزما میشود .

۱۷۷ - اگر نوزاد دختر باشد پس از زاده شدن و گاه در شب شش قابله با یکی از گیس سفیدان خانواده گوش او را سوراخ میکند .

۱۷۸ - گوش سوراخ کردن مخصوص دختران و هنگامی که کودک نواز است انجام میپذیرد . و آنرا بدین علت انجام میدهند که دختر هنگام بزرگ شدن بتواند گوشواره در گوش کند .

۱۷۹ - در بعضی مناطق ساحل خلیج فارس و دریای عمان سوراخ کردن گوش و یکطرف بینی معمول است گوش دختر را با سوزن سوراخ میکنند و نخ از آن عبور میدهند تا بعداً بر آن گوشواره بیاویزند یکطرف بینی دختر را سوراخ میکنند و روی آن یک گل کوچک طلائی یا نقره‌ای میچسبانند .

۱۸۰ - در بعضی روستاها رسم است که گوش دختران را سوراخ میکنند و همچنین در صورتیکه قبلاً بچه‌ها مرده باشند پدر و مادر نذر میکنند و گوش پسر خود را نیز سوراخ میکنند .

۱۸۱ - گوش دختر بچه‌ها را بعد از دوسالگی سوراخ میکنند برای اینکار ماما نرمه گوش کودک را با کره چرب کرده و سوزن فرو میکنند و نخ را از آن عبور میدهد ، روی زخم را زردچوبه و کره میزنند و معمولاً ۱۰ تا ۱۵ روز طول میکشد که زخم خوب شود آنگاه نخ را آورده و گوشواره را میگذارند .

۱۸۲ - بچه از پنج ماهگی تا یکسالگی دندان درمیآورد و بعضی میگویند در شش یا هفت ماهگی .

۱۸۳ - پیش از آن که بچه دندان درآورد ، او را سوار خر نمیکنند زیرا معتقدند دندانهایش شبیه دندانهای خر میشود .

۱۸۴ - برای آنکه بچه زودتر دندان دریاورد آشی بنام دندونی میزنند مواد آن عبارت از گندم ، لوییا ، نخود ، عدس ، ماش ، باقلا ، روغن و آب است . بعد از پختن آن آنرا بین مردم تقسیم میکنند و مقداری پشت بام میریزند و میگویند : « این هم مال چرنده‌ها و پرنده‌ها » و برای آنکه تاولهای دندان زودتر پاره شود پیاز پوست کنده را بدست کودک میدهند تا گاز بزند .

۱۸۵ - گوشت نیم‌پز و نان خشک را به بچه میدهند تا با هردو لته بالا و پائین بجود و زودتر دندان دریاورد ، و همچنین پنبه آغشته به عسل به لته‌هایش میمالند ، یا جوش شیرین را حل میکنند و با پنبه به لته‌های بچه میمالند .

۱۸۶ - برای بهبود تاول دندان بچه ، تکه گوشتی کباب میکنند و به

بچه میدهند که نیش بکشد میگویند که اگر مادر شدت ناراحتی بچه را وقت دندان درآوردن بداند ، پستانش را کباب میکند و بخورد بچه میدهد .

۱۸۷ - هنگامیکه کودک میخواهد دندان دریاورد يك ديگ گندم میزنند و اهل خانه و بستگان میخورند و یا برای آنها میفرستند يك مقدار هم به نخ میکشند و به کلاه بچه میآویزند و نام آنرا «دندان کشه» میگویند بواسطه این عمل کودک سهولت دندان درخواهد آورد .

۱۸۸ - اگر بیرون آمدن دندان طفل به تعویق بیفتد هفت پیمانه گندم یا عدس را در چاله میزنند هیچوقت دندان بالا نباید زودتر ظاهر شود چنین کودکی بنظر مردم شوم و نحس است و برای اینکه نحوست این کودک را از بین ببرند او را مدتی سرازیر نگه میدارند .

۱۸۹ - برای اینکه بچه براحتی دندان درآورد و خودش و مادرش را اذیت نکنند مادر سه من گندم را با يك کله حیوان میزند و برای بچه اش خیرات میکند . میگویند اگر دندان بالا زودتر درآید خوب نیست و این بچه فلکی است یعنی یا بچه میمیرد یا مادرش ، برای اینکه نکبت بچه یا مادر را نگیرد او را به بام خانه برده در حیاط هم چند نفر با يك پتو که اطرافش را گرفته اند ایستاده اند بچه را از بالای بام توی پتو میاندازند و پشت سرش هم يك کله قند میاندازند بعد این کله قند را تکه تکه کرده به پیرزنها و بیوه زنها میدهند .

۱۹۰ - چنانچه بچه از فك بالا دندان درآورد باور دارند که بچه بعد از بزرگ شدن سر پدرش را خواهد خورد ، برای پیشگیری ، گوسفندی را سر میبرند و گوشت آنرا میان همسایه ها پخش میکنند ، و همچنین دست راست بچه را روی سرش میگذارند و میگویند «سر خودت را بخور» .

۱۹۱ - اگر اولین دندان بچه از فك بالا درآید او را بدقدم میدانند . و میگویند «خاك روزی» است یعنی باید برای درآوردن روزی زحمت زیاد بکشد.

۱۹۲ - کودک هنگام درآوردن دندان باید اول دندانهای پائین و بعداً بالاییهاش درآید اگر خلاف این باشد زن زائو را بنام بد یاد میکنند .

۱۹۳ - وقتی بچه میخواهد دندان دریاورد مقداری خرماخرك (خارك) به بچه میدهند که به دندان بکشد تا تاول دندانش بترکد و زودتر دندانش نیش بزند .

۱۹۴ - هرکس نیش خرس برجای دندان کودک بمالد دندان او بی درد بیرون میآید .

۱۹۵ - دندان روباه را که به کودک بیاویزند ، دندانش بدون درد بیرون میآید .

- ۱۹۶ - شش آهو را با روغن زیتون مخلوط میکنند و روی لثه‌ی کودک میگذارند . دندان‌ش بی‌درد بیرون می‌آید .
- ۱۹۷ - دندان اسب در گردن کودک بیندند دندان‌ش بی‌درد بیرون می‌آید .
- ۱۹۸ - هنگامیکه بچه می‌خواهد دندان درآورد گندم و باقلا را میکوبند و به او میدهند تا دندان او زودتر دربیاید .
- ۱۹۹ - کودکی که روز پنجشنبه یا جمعه بدنیا بیاید خوشقدم است . اگر روز دوشنبه متولد شود بدقدم .
- ۲۰۰ - اگر کودک صبح زود قبل یا بعد از غروب متولد شود خوش قدم است و اگر نزدیک ظهر متولد شود بدقدم است .
- ۲۰۱ - هرگاه کودکی روز جمعه بدنیا بیاید او را در یک ترازو میگذارند و هم‌وزن او خرما یا شیرینی خیرات میکنند .
- ۲۰۲ - اگر هم‌زمان با بدنیا آمدن بچه ، خوشی و ثروت به پدر و مادر روی آورد آن فرزند خوش قدم است ، و اگر بدوبلایی به خانواده رو کند یا کسی از دنیا برود بچه را بدقدم میدانند .
- ۲۰۳ - بچه‌ای را که خوش قدم باشد پیش از تحویل سال از خانه بیرون میفرستند ، و او پس از تحویل سال بخانه می‌آید و معتقدند که با اینکار بچه خیر و شادی و برکت را بخانه می‌آورد .
- ۲۰۴ - هنگامیکه عروس را بخانه داماد میبرند پسرکی خوش قدم به کمرش نان و پنیر میندند و برای سفیدبختی یک لنگه کفش کهنه عروس را همراهش میکنند .
- ۲۰۵ - هرگاه مادر بخواهد کاری مشکل و سنگین آغاز کند ، بچه‌ی نامور به خوش قدمی را به بهانه‌ای بیرون میفرستد و هم‌زمان با بازگشت او بخانه کار را آغاز میکند ، تا کارش نیک به پایان رسد و خوش انجام باشد .
- ۲۰۶ - هنگامی را که بچه از مادر جدا شود تحویل کبری میگویند ، اولین تحویل سالی که بچه بیند تحویل وسطی و آغاز اولین ماه را تحویل صغرا مینامند .
- ۲۰۷ - اگر بچه‌ای حرف نزد و دهانش بسته شود او را باید به‌امزاده برده و قفل ضریح را توی دهانش بکنند و اینقدر فشار بدهند تا بچه حرف زده و زبانش باز شود .
- ۲۰۸ - بچه دوساله‌ای که حرف نزنند یک تخم کبوتر روی زبان او میشکنند بحرف بیفتند .
- ۲۰۹ - بکودک‌انی که دچار لکنت و کندی زبان هستند ، سه روز یا

- هفت روز متوالی صبح ناشتا تخم کبوتر خام میخورانند .
- ۲۱۰ - بچه تا هنگامیکه زبان باز نکند و نگوید «سنگ» باور دارند ملاحظه سفت نخواهد شد .
- ۲۱۱ - اگر از روی بچه شیرخوار رد شوند بچه دیرزبان باز میکند و دیر راه میافتد .
- ۲۱۲ - اگر بچه دیر پا بگیرد . او را سوار سگ میکنند و درحیاط میگرداند و میگویند پاهایش باز میشود .
- ۲۱۳ - اگر بچه‌ای دیر راه بیفتد دو نفر روبروی هم میایستند و پاهایشان را از هم باز میکنند و بچه را ۷ بار از آن رد میکنند و بعد نماز میخوانند .
- ۲۱۴ - هرگاه بچه‌ای دیر راه بیفتد اگر او را از چله کمان پنبه‌زنی بیرون بیاورند راه میافتد .
- ۲۱۵ - اگر بچه‌ای دیر راه بیفتد او را حمام برده و با جاروب حمام به پشت پاهایش بزنند باین ترتیب حتماً راه خواهد رفت .
- ۲۱۶ - چنانکه گوشت بالای سر نوزاد بیاورند ، باور دارند نوزاد دیر راه میافتد .
- ۲۱۷ - اگر بچه پا نگیرد و نتواند بایستد ، او را در میان غربال میگذارند و با تکه نخ دویای کودک را مینندند و قفلی به نخ میزنند و کلیدش را میان غربال میگذارند و بچه را به سر چهارراهی میگذارند تا رهگذری که این حالت را مشاهده میکند ، با کلید قفل را باز کند و چنین میگوید «انشاءالله که پایش باز میشود» .
- ۲۱۸ - اعتقاد براین است که اصولاً بوسیدن بچه خوب نیست ، چه بچه مثل گل است و اگر زیاد بیوسندش پژمرده میشود .
- ۲۱۹ - اگر صورت بچه را بیوسند ، بچه رنجور و زردرنگ میشود .
- ۲۲۰ - اگر پیشانی بچه را بیوسند بچه قهروک میشود .
- ۲۲۱ - پس گردن بچه را بیوسند باور دارند بچه «قهروک» میشود .
- ۲۲۲ - پشت گردن بچه را نباید بوسید چونکه بداخلاق و لجباز میشود .
- ۲۲۳ - اگر پشت گردن بچه را بیوسند بچه کم عقل میشود .
- ۲۲۴ - میگویند اگر پشت گردن بچه را بیوسند ، بچه دزد میشود .
- ۲۲۵ - اگر پشت دست بچه را بیوسند رنگش زرد میشود .
- ۲۲۶ - اگر یکدست بچه را ماچ بکنند دست دیگرش را نیز باید بیوسند و گرنه بچه ناخوش میشود .
- ۲۲۷ - چنانچه کف پای بچه را بخاراند ، باور دارند بچه مرگ خود

- را از خدا میخواهد .
- ۲۲۸ - اگر بیوه‌زنی به خطا حامله شود و بخواهد طفل نامشروع خود را سر به نیست کند در محله یا جائی که سکونت دارد زکام شایع میشود .
- ۲۲۹ - پسر بچه که تریاک بکشد در بزرگی ریش درنمی‌آورد .
- ۲۳۰ - پسر بچه که چیق بکشد قدش کوتاه میماند .
- ۲۳۱ - اگر بچه‌ای در خواب باشد و کسی در بالای سرش فریاد بزند چشم بچه «چپ» میشود .
- ۲۳۲ - اگر بچه‌ای را برای بازی دادن به هوا پرتاب کنند چشم بچه چپ میشود .
- ۲۳۳ - بچه که انگشت دربینی‌اش بکند کچل میشود .
- ۲۳۴ - هرگاه بچه دست چرب بسرش بمالد کچل میشود .
- ۲۳۵ - بچه‌ها که بخواهند میان دو نفر دعوا بشود ناخنهای شست خودشان را بهم میزنند .
- ۲۳۶ - هر بچه‌ای که روز به آتش نزدیک شود یا با آتش بازی کند شب در جایش میشاشد .
- ۲۳۷ - پسر بچه که سقز یا برنج خام بجود کوسه میشود .
- ۲۳۸ - هر کس تکه نانی روی زمین ببیند باید بردارد و ببوسد و در شکاف دیوار بگذارد .
- ۲۳۹ - اگر کسی خرده‌های نان میان کوجه‌ها جمع بکند، بچه‌اش نمیمیرد، و اگر آن را روی بام بیندازد بچه در بزرگی پولدار میشود .
- ۲۴۰ - اگر زن حامله چاقو به آتش بزند ، تن بچه‌اش بعد از تولد «رشکا» میزند .
- ۲۴۱ - بچه‌ها نباید شبها در آینه نگاه کنند .
- ۲۴۲ - اگر نوزادی به هنگام تولد بمیرد و مادرش فرزند دیگری داشته باشد میگویند بچه‌ی اول او پشت قبول نمیکند و برای آنکه پشت قبول کند ، بچه را بالای بام مسجد میبرند و در آنجا پشت گردن او را سه بار میفشارند و میگویند «پشت قبول کن» .
- ۲۴۳ - چنانچه نوزادی متولد شود و بعد از او نیز دیگر بچه‌ای بدنیا بیاید و بمیرد ، نوزاد اولی را بحمام میبرند و میان در حمام میگذارند و آهسته فشار میدهند و برایش چنین میگویند : «پشتت را قبول کن» باور دارند با اینکار دیگر کودکی که بدنیا می‌آید زنده خواهد ماند .
- ۲۴۴ - بچه‌ای که نوزاد پشتش را قبول نکند ، قاشق چوبی را داغ

میکنند و روی دست بچه میگذارند یا به قوزك پایش میزنند و باور دارند که با اینکار بچه نوزاد پشتش را قبول خواهد کرد .

۲۴۵ - اگر نوزادی به هنگام تولد بمیرد و مادرش فرزند دیگری داشته باشد میگویند بچه اول او پشت قبول نمیکند ، و برای آنکه پشت قبول کند بچه را بر بالای بام مسجد میبرند و در آنجا پشت گردن او را سه بار فشار میدهند و میگویند «پشت قبول کن» گذشته از این وقتی مادر حامله شد طفل جدید را در همان ساعت تولد به عقد پیرزن یا پیرمرد بسیار فرتوتی درمیآوردند و عقیده دارند که بمحض آنکه پیرزن یا آن پیرمرد فوت کردند دیگر خطر مرگ نوزاد را تهدید نخواهد کرد و این فرزند جدید سالیان دراز زنده خواهد ماند .

۲۴۶ - در مواقعی که بعد از تولد يك فرزند ، اولادی که بعد از او بیایند زنده نمانند در صورتی که موهای پشت بچه مجعد باشد روی موها را داغ میگذارند و معتقدند که فرزندان بعد از او دیگر نمیبرند ، سن داغ کردن در چنین مواردی از ۲ سال بیالاست بعد از داغ کردن کوبیده جو سرخ کرده را با شیر مادر مخلوط کرده پماد را روی زخم میگذارند .

۲۴۷ - اگر نوزادی بهنگام تولد بمیرد و مادرش فرزند دیگری داشته باشد باور دارند «بچه پشتش پا نمیگیرد» و حسود است .

۲۴۸ - نوزادی که شست پایش را بخورد ، میگویند جفتش را میخواهد .
۲۴۹ - هرگاه زنی دوقلو بزاید میگویند «دوی بی سه خطر دارد» بنابراین فوراً گوسفندی را میآورند و میان دوقلوها نگاه میدارند و میگویند . «حالا دوتا شد سه تا و معتقدند که اگر این کار را نکنند یکی از دوقلوها خواهد مرد .

۲۵۰ - اگر ناف بچه تازه بدنیا آمده را درسوراخ موش بگذارند آن بچه مودی خواهد شد .

۲۵۱ - نوزاد را در شب اول تولد روی غربال میخوابانند چون معتقدند که شب اول مورچه بچه را میبرد ولی غربال مانع از بردن نوزاد میشود . در همین شب مراسم شب نشینی ترتیب میدهند و تمام افراد فامیل به دیدن زائو میروند و دور او می نشینند و نی مینوازند .

۲۵۲ - مغز خرگوش را به بچه میدهند تا در بستر نشاشد .

۲۵۳ - چشم خرچنگ را اگر به لباس کودک آویزان کنند ، گریه ی زیاد نمیکنند و خوش اخلاق میشود .

۲۵۴ - گوشت خارپشت برای درمان شاشیدن بچه خوب است .

۲۵۵ - برای رفع ام الصبیان بچه را در پالان الاغ میگذارند .

- ۲۵۶ - پوست خر را دود میکنند تا جنبنده‌ها فرار کنند ، و اگر به گردن کودک آویزان کنند نمیترسد و اگر به گردن زنی آویزان کنند آبتن نمیشود.
- ۲۵۷ - اگر کودکی گریه زیاد بکند ، شیر خر باو میدهند تا ساکت شود.
- ۲۵۸ - مغز گوساله را اگر روی صورت بچه بمالند ، زیرک و باهوش می‌شود .
- ۲۹۵ - شیرمادیان را که به بچه بدهند ، هیچوقت سیاه سرفه نمیگیرد .
- ۲۶۰ - سرگین بچه‌ی شتر را اگر در غذای بچه بریزند ، خوش اخلاق می‌شود .
- ۲۶۱ - اگر دندان روباه را به لباس بچه آویزان کنند ، دندانش بی‌درد بیرون می‌آید ، و صرع را هم معالجه میکند .
- ۲۶۲ - اگر سرگین سگ را به بچه بدهند باهوش و خوش اخلاق میشود.
- ۲۶۳ - اگر ناف سگ را به بچه آویزان کنند ، هرگز دندان درد نمیشود.
- ۲۶۴ - بچه‌ای که زبان خود را زیاد بیرون بیاورد ، دلیل آن است که مادرش وقتی او را آبتن بوده مار دیده است و نگاه کردن زن آبتن را بیمار بد و خطرناک میدانند و میگویند ممکن است بچه‌اش بیفتد .
- ۲۶۵ - هرکس مهره مار داشته باشد نباید بالای سر نوزاد برود ، زیرا بی‌وقتی میشود .
- ۲۶۶ - بگردن بچه‌ها زنگول میاندازند از همانهاییکه به گردن بزغاله‌هاشان میاندازند برای این که زنگ بزند یا بقول خودشان «رینگه» بزند .
- ۲۶۷ - نظر قربانی (چشم گوسفند است که روز عید گوسفندکشان قربانی میشود و چشم او را خشک میکنند) برای دفع چشم زخم مؤثر است (بخصوص اگر آنرا بدزدند) و با تکه‌ای نمک و خر مهره سبز به نخ میبندند و بکلاه بچه و یا بسر شانه‌اش می‌آویزند .
- ۲۶۸ - اگر کسی گربه سیاه را کشت دیگر بچه او را آرام نمیگذارند چه گربه سیاه از اجنه است .
- ۲۶۹ - پوست زبان گرگ را برای درمان صرع به لباس بچه میبندند .
- ۲۷۰ - چنگال گرگ را بر بالین بچه میگذارند تا در شب نترسد .
- ۲۷۱ - چشم گرگ اگر همراه کودک باشد در شب نمیترسد .
- ۲۷۲ - گاهی اوقات هم پهلوی رختخواب بچه مولود شیشه و قیچی و دهن خشک شده گرگ برای رفع آفات میگذارند .
- ۲۷۳ - برای معالجه‌ی خروسک يك قطره از خون خروس سر بریده‌را در حلق بچه میریزند ، یا بگلویش میمالند .

- ۲۷۴ - برای درمان «خروسك» مهره خر را روی قطعه سنگی میسایند و با شیر الاغ یا «شیر دختر» (شیر مادری که دختر شیرخوار و «قنداقی» داشته باشد) مخلوط میکنند و يك قطره از آن دربینی و قطره دیگری در گوش طفل میریزند .
- ۲۷۵ - اگر کسی با دو انگشت خود موش صحرائی را خفه کرده باشد دستش هر نوع درد گلوئی را معالجه میکند ، و هر کس درد گلو شود او سه بار گلوی بیمار را میفشارد .
- ۲۷۶ - بچه‌هائی که شب میشاشند ، اسپرز گوسفند را کباب کرده به او میخورانند .
- ۲۷۷ - خون فاخته‌ی خشك شده را به بچه میخورانند تا از شاشیدن بچه در بستر جلوگیری کند .
- ۲۷۸ - شیر خر را به بچه میدهند که زیاد گریه نکند .
- ۲۷۹ - چشم خرچنگ را به لباس کودکی که گریه زیاد میکند می‌آویزند ، تا گریه‌اش برطرف شود .
- ۲۸۰ - گوشت پخته مرغ را دردهن بچه میفشانند ، تا گریه‌اش کم شود .
- ۲۸۱ - برای درمان هولزدگی ، گوسفندی را سر میبرند و دل حیوان را گرماگرم در دست میگیرند بعد آن را کباب میکنند و میخورند .
- ۲۸۲ - اگر بچه‌ای که دنیا بیاید بدحال باشد جفت او را روی آتش میاندازند بچه بحال می‌آید .
- ۲۸۳ - کاردیگری که در نخستین بهار بچه میکنند این است که پیراهن تن کودک را لای گل سرخ محمدی میگذارند و آنگاه تنش میکنند .
- ۲۸۴ - برای درمان تب گیاه تلخ مزه‌ای باسم خارمش را جوشانده بعد از اینکه سرد شد صبح يك نصفه استکان به بچه میدهند و يك لیوان هم خود مادر میخورد .
- ۲۸۵ - برای رفع تب گیاهی باسم موش کورک را با آب جوشانده به بچه میدهند .
- ۲۸۶ - برای رفع تب برگ گیاهی باسم دوشک را با آب جوشانده بعد از اینکه خنک شد به بچه میدهند .
- ۲۸۷ - بعد از اینکه مادر نبض بچه‌اش را گرفت دستش را بزمین میزند تا درد و بلای بچه برود بزمین .
- ۲۸۸ - کودکی را که سینه‌درد داشته باشد «چینی داغ» میکنند باین ترتیب که يك تکه چینی را روی آتش خوب سرخ میکنند . مادر مقداری از

شیرش را میدوشد و چینی سرخ کرده را داخل شیر مادر میاندازد و بعد از آن شیر به بچه میدهند .

۲۸۹ - برای رفع سینه‌درد بچه گازرو - گل خندی - گل بنفشه ، گل‌گاوزبان و ریشه مهلك را با هم جوشانده با چهار تخم مخلوط کرده به بچه میدهند .

۲۹۰ - برای درمان سینه‌درد بچه و رفع یبوست گل‌گاوزبان را جوشانده به بچه میدهند .

۲۹۱ - بچه‌هائی را که به سیاه‌سرفه مبتلا شده باشند دوسه مرتبه از این طرف درختی بطرف دیگر آن میبرند و میگویند رفع میشود .

۲۹۲ - برای درمان اسهال ریحان با کشک میسایند و به بچه میدهند و یا کشک را زیر آتش برشته میکنند ، و به دست بچه میدهند .

۲۹۳ - برای درمان اسهال بچه شیرهی هستهی انار را در آتش میریزند و مغز بادام کوبیده نیز میافزایند، و آتش را به بچه میخورانند.

۲۹۴ - برای مداوای اسهال بچه تخم گیاه «کنوچه» را بو میدهند ، و میکوبند و با نبات سائیده به بچه میدهند .

۲۹۵ - به بچه‌ای که بهنگام دندان درآوردن اسهال بگیرد ، شراب میدهند .

۲۹۶ - برای جلوگیری از استفراغ بارهنگ (دانه‌های ریز سیاه‌رنگی است) با آبجوش مخلوط کرده به بچه میدهند .

۲۹۷ - کودک مبتلا به اسهال را چای بو داده دم کرده میخورانند .

۲۹۸ - برای پیشگیری از اسهال «آش ناردون» (آش انار) بخورد کودک میدادند .

۲۹۹ - اگر مزاج بچه شیرخوار سفت کند میگویند بچه دچار رودل شده و برای رفع این بیماری يك قاشق چایخوری روغن بادام به او میخورانند.

۳۰۰ - برای درمان یبوست کودک ، صابونی را بگونه‌ای میتراشند که لوله مانند شود ، آنگاه صابون لوله‌ای را به مقعد بچه فرو میکنند ، و پس از مدتی شکم بچه کار میکند .

۳۰۱ - اگر ننوی کودک را وقتیکه خالی است تکان دهند گوش یا سر بچه درد میگیرد .

۳۰۲ - برای درمان گوش‌درد بچه ، شیرزنی که برای اولین بار دختر زائیده در گوشه بچه میچکانند یا آن را به پنبه آغشته کرده به سوراخ گوش میگذارند تا دردش ساکت شود .

۳۰۳ - اگر بچه زیاد گریه کند میگویند گوش درد کرده ، كودك را بحمام برده در حمام پشت گوش بچه را تیغ میزنند ، کمی خون که از گوشش رفت معتقدند دیگر خوب میشود .

۳۰۴ - اگر كودكى گوش درد كند زنى انگشت خود را بجاك مالیده بگوش طفل فرو برده میگوید «درد گوش» «بگوش انگشت» این عمل را ده بار با ده انگشتان دست خود انجام داده تا تمام پنجهها خاکی شده و شعر هم ده بار خوانده شود آنگاه معتقدند که درد گوش تسکین مییابد .

۳۰۵ - برای درمان گوش درد كودك «صبرزد» را به پشت گوش بچه میمالیدند ، تا دردش آرام گردد .

۳۰۶ - برای درمان گوش درد بچه ، روغن بادام را میان پوست پیاز گرم کرده و بگوش بچه میچکانند باور دارند با اینعمل گوش درد كودك آرام خواهد شد .

۳۰۷ - بهنگام گوش درد كودك ، دود سیگار یا چپق وقلیان را بگوشش فوت میکنند تا درد گوش ساکت شود .

۳۰۸ - بهنگام گوش درد كودك ، تریاك را با زهره‌ی گاو در پشت نعلبکی میسایند و پس از مخلوط کردن هردو ، زیر نرمی گوش كودك میمالند تا درد آن آرام شود .

۳۰۹ - اگر مخاط پلك بچه جوش بزند او را میان دوپای خود میخوابانند و پلك چشمش را برمیگردانند و با يك حبه قند جوشهای پشت پلك او را میتراشند .

۳۱۰ - اگر آب زیاد از چشم بیاید ، بول كودك بآن میمالند .

۳۱۱ - برای درمان چشم درد كودك ، «مامران» Mamran را که گیاهی است ، پس از حل کردن در آب ، با قاشق چایخوری بچشم كودك میریزند.

۳۱۲ - میگویند بچه مبتلا به سرخك را باید از چشم آدم جنب دور نگاه داشت والا دانه‌های سرخك (تومیزند) و سبب هلاك بچه میشود . علاوه بر آن باید لباسهای سرخ به تن بچه کرد تا دانه‌های سرخك را بطرف خود جلب کند و زودتر (بیرون بریزد) چنانچه لباس سرخ به او نپوشانند به احتمال قوی دانه‌های سرخك (تومیزند) و به جگر بچه صدمه میرساند او را میکشد .

۳۱۳ - برای معالجه سرخك زیر كودك بیمار شاخه گر دود میکنند .

۳۱۴ - برای معالجه سرخك گیاه سبزی باسم گل ماش دار را میجوشانند و با آن تن بچه را میشویند .

۳۱۵ - برای بیرون آمدن سرخك كودك ، خاك شیر دود میکنند ،

- باور دارند با این عمل دانه‌های سرخک بیرون می‌آید .
- ۳۱۶ - بچه‌ی سرخکی را برایش چهارگل میجوشانند و با «ترنجبین» مخلوط کرده و با تنظیف صاف میکنند و بخورد کودک میدهند .
- ۳۱۷ - گل و حنا و سفیداب مرهم زخم بچه‌هاست .
- ۳۱۸ - اگر عضوی بریده شود روی جای زخم ادرار میکنند و روی آن تار عنکبوت می‌گسترند .
- ۳۱۹ - اگر پای کودکی بسوزد ، بیل زنگ‌زده‌ای را پیدا کرده روی زنگ آنرا شسته ، پوست انار را با شیر دختر (شیر زنی که دختر زائیده) روی زنگ بیل سائیده به محل سوختگی پای طفل یا محلی که شاش‌سوز شده باشد میمالند .
- ۳۲۰ - برای درمان بند آمدن خون بدن کودک ، تار عنکبوت روی زخم میگذارند و باور دارند اینکار از آمدن خون زیاد جلوگیری میکند .
- ۳۲۱ - بچه‌ای که زیاد شاش میکند - برای بند آمدنش کاسه‌ایکه در ته آن خاک جمع شده لای پای کودک و لاله گوشش میمالند و باور دارند با اینعمل شاش کودک بند می‌آید .
- ۳۲۲ - اگر بچه شاشو باشد روغن چراغ و کف گوشت را به قلم پای کودک میمالند تا نشاشد .
- ۳۲۳ - اگر کودکی شاش‌بند شود ، ماست ورننگ را بهم مخلوط کرده به سنت بچه میمالند ، چنانکه باز نشود ، یکدانه شپش به روی دل یا سنت بچه میگذارند تا باز شود .
- ۳۲۴ - برای باز شدن ادرار بچه کاکل ذرت باو میخورانند .
- ۳۲۵ - هرگاه پدر نوزاد مبتلا به سیفلیس باشد برای رفع مرض از وجود طفل « که احیاناً به ارث به وی منتقل شود» در همان لحظه تولد قدری برنج در دیگی میریزند و دوبرابر حجم برنج آب و یک پنجم وزن برنج هم روناس بآن میافزایند . بزغاله‌ای را میکشند و پوستش را غلفتی درمی‌آورند و بچه را در پوست قرار میدهند و بعد بچه را در برنج نیم‌گرم میگذارند و بدنش را میشویند و در قنناق میپیچند .
- ۳۲۶ - برای معالجه کمر بچه‌ای که روی دست گردانده‌اند و کمرش عیب کرده کمر و شکمش را داغ میکنند ، چوبهای داخل تنه درخت را که زود آتش میگیرد روشن میکنند و به چندجای پشت و شکم میگذارند . جای آن بصورت نقطه‌های گرد کوچک برای همیشه میماند و روی کمر و شکم خیلی دیده میشود .

۳۲۷ - برای جلوگیری از گریه بچه گل‌گیاه برنجاس را میکوبند و توی يك کهنه میپیچند. شیر مادرش را روی آن میدوشند و آب آنرا میچلانند و توی قاشق بخورد کودک میدهد. یا اینکه همان کهنه محتوی گل برنجاس را توی آب میگذارند و آن آب را بخورد بچه میدهد.

۳۲۸ - گریه کودک را با گرفتن دعا از کولی و آویختن آن بگردن طفل درمان میکنند.

۳۲۹ - گریه کودک را با خوراندن آب داغ - شیر - چای کمرنگ درمان میکنند.

۳۳۰ - گریه کودک را با خوراندن سوخته تریاک یا ذره‌ای تریاک باو درمان میکنند.

۳۳۱ - گریه کودک را با خوراندن جوشانده‌ای که از کوبیدن دانه‌های کوکنار (خشخاش) به دست می‌آید درمان میکنند.

۳۳۲ - اگر بچه‌ای زیاد گریه کند، یکی از رگهای دستش را که می‌شناسد میبرند تا کمی خون بیرون آید.

۳۳۳ - بچه‌ای که نحس باشد و زیاد گریه بکند باید شب چهارشنبه سوری سه‌مرتبہ او را زیر نقاره‌خانه رد بکنند و در نعلبکی گندم ریخته بزمین بزنند تا دانه‌های گندم را کبوتران برچینند.

۳۳۴ - اگر نوزادی زیاده از حد گریه کند و در اثناء گریه سرش را مرتباً به عقب و جلو ببرد میگویند بچه «چهار فرق» است، به عقیده عوام اطفال چهار فرق در زیر پوست جمجمه‌شان چهار خط یا چهارشیار خفیف و کم‌عمق وجود دارد که از ملاج آنها شروع و به چهارطرف سر یعنی پیشانی و قفا و گوش راست و گوش چپ ختم شده است. در خانواده‌ها زنان پیر و متخصصی هستند که با کشیدن دست روی پوست سر نوزادان بلافاصله میتوانند شیارهای مزبور را تشخیص بدهند و بگویند که بچه چهار فرق است یا خیر و با عقیق یا فتیله کرباس چهار گوشه سر او را داغ میکنند.

۳۳۵ - برای رفع «یرقان» آب هندوانه یا «ماهی ریز» بخورد کودک میدهد.

۳۳۶ - گاهی کودک که بیماری زردی میگیرد، مادر به گردنش «کهربا» می‌آویزد و باور دارد که با آویزان بودن کهربا مرض زردی کودک از بین خواهد رفت.

۳۳۷ - کودکی که به «اریون» مبتلا میشود او را تحت نظر میگیرند و اگر علائم باد، در گلو یا بغل گوش کودک ظاهر شد، سعی میکنند گوش ه

گلوئی کودک را گرم نگهدارند . وبگوش و گلوئی آن روغن چراغ میمالند .

۳۳۸ - پشت کودک را در ۵ سالگی با تیغ چندین بار خراش میدهند (حجامت میکنند) و باور دارند با اینکار خون بچه صاف و پاک میشود و معمولاً اینکار را یک زن در منزل و یادر حمام با شاخی میان خالی که یکطرف آن باز و طرف دیگر سوراخ کوچک و چرمی رویش گذاشته‌اند انجام میدهند .

۳۳۹ - اگر نوزادی که «رشکا» بگیرد بغل گوشش را تیغ میزنند و باور دارند که با اینکار رشکای کودک از میان خواهد رفت .

۳۴۰ - کودکی که میترسد ، مادر انگشش را بنمک زده بزبان کودک میمالد و باور دارد با اینکار ترس کودک خواهد ریخت .

۳۴۱ - داروهای خانگی برای درمان امراض کودک عبارتند از : گل بنفشه ، عناب ، سه‌پستان ، تخم خیار ، چهارگل ، خاکشیر ، ترنجبین ، بارهنگ .

۳۴۲ - اگر زن حامله‌ای در موقع حاملگی یخ و برف زیاد بخورد بچه‌اش غشی میشود و بهنگام زایمان تنش پیه می‌آورد .

۳۴۳ - مهره فهمه مهمترین مهره‌هاست و اهمیتش بیش از مهره‌های دیگر است و آنرا برای این همراه بچه میکند که طفل حمله‌ای نشود و حالش بهم نخورد ، اهمیت این مهره بقدری است که هنگام ولادت طفل قسمتی از مهره فهمه را سائیده به بچه میمالند .

۳۴۴ - کام نوزاد را ماما یا زنی که مؤمن و جسور است برمیدارد ، او انگشت نشانه خودرا برترتت یا برانگشتی پنجم‌تن میزند و کام نوزاد را با آن به سوی بالا فشار میدهد ، سق نوزاد را از آن روی برمیدارند چون میگویند بچه‌ای که زائیده میشود سقش پائین افتاده و راه دهانش بسته است و نمیتواند پستان مادر را به آسانی بگیرد و بمکد .

۳۴۵ - خرمهره ، مهره‌های آبی‌رنگ سفالین که بگردن خر میبندند . برای رفع چشم‌زخم به گردن کودکان آویزان میکنند .

۳۴۶ - برای جلوگیری از چشم‌زخم گلپر اسفند را سه‌بار دور سر بچه میچرخانند ، اسم پدر و مادر و همسایه‌ها را میخوانند و چنین میگویند : «اسفند دونه دونه ، اسفند خودش میدونه ، اسفند سی‌وسه دونه ، به ترک چشم حسود و حسد» واسفند را میریزند میان آتش و یکی دوتا گلپر سوخته را از آتش درمی‌آورند و سیاهی آن را روی پیشانی و بینی کودک میمالند .

۳۴۷ - بچه را تا یکسالگی قن‌داق میکنند ولی از ۶ ماهگی به بعد دست بچه را در قن‌داق نمی‌بندند و بکلاه بچه نظر قربانی آویزان میکنند .

۳۴۸ - برای جلوگیری از چشم‌زخم ، «کجی آبی» به پشت کردن کودک

میآویزند و باور دارند هرگاه «کجی آبی» بترکد به کودک چشم زده‌اند، و با ترکیدن آن، از چشم‌زخم جلوگیری شده است.

۳۴۹ - هنگامی که کودکی چشم میخورد، برایش تخم‌مرغ میشکنند در این مراسم: زنی، ذغال، اسفند، تخم‌مرغ و یکفران سکه را میان پیراهن کودک میگذارد و نام چهل نفر را برایش میخواند و آن زن اگر سواد داشته باشد روی تخم‌مرغ را مینویسد و اگر نه خطی به تخم‌مرغ می‌کشد، سپس نامها را يك يك میخواند اگر بنام کسی بشکند میگویند او چشم زده است. در این هنگام لباس بچه را بکنار جوی روان میبرند و با آب جوی میشویند و زرده تخم‌مرغ را به پیشانی کودک میمالند.

۳۵۰ - چنانچه به نوزادی چشم بزنند، برایش تخم‌مرغ میشکنند (تخم میشکنند) در این مراسم پیرزنی تخم‌مرغی بدست میگیرد و يك يك نام هر شخصی را برایش میگویند، پیرزن برای هر اسم، خطی روی تخم‌مرغ میکشد و پس از اینکار تخم‌مرغ را میان لباس بچه گذارده، اسفند و نمک روی آنها می‌پاشند و سه‌بار دور سر کودک میچرخاند، آنگاه تخم‌مرغ را با لباس برداشته سکه‌ای رویش میگذارد و دوباره خودش نامها را تکرار میکند و انگشتش را روی سکه فشار میدهد، هرگاه بنام کسی که میخواند، تخم‌مرغ بشکند، میگوید آن شخص بچه را چشم زده‌است، آنگاه لباس کودک را برداشته در آب روان می‌شوید و اسفند دود کرده خاکستر آنرا سر چهارراه میریزد.

۳۵۱ - مهره کهربا را در زیر سر زائو و نوزاد میگذارند تا چشم‌زخمی بآنها نرسد.

۳۵۲ - برای جلوگیری از نظر زدن، زاغ (زاج) اسپند و کاسنی بکلاه و لباس بچه میآویزند.

۳۵۳ - قطعه سنگ مدور و سیاه و سفیدی معروف به مهره باباغوری را به نقره میگیرند و با يك قطعه دل و نمک و کس گربه و چشم نظر قربانی و دندان فیل و استخوان پلنگ و شاخ گربه و مهره سبز به نخ کشیده و از گردن بچه میآویزند و میگویند (الهی هر کس بچه ما را چشم بزنه چشمش مثل همین سنگ باباغوری بشود).

۳۵۴ - علاوه بر هفت نوع مهره آهن‌ربا نیز همراه بچه میکنند و معتقدند که برای تنهائی بچه خوب است. معتقدند که هفت مهره و آهن‌ربا همراه باشد طفل را هر کجا که ببرند مانعی ندارد و نظر نمیخورد.

۳۵۵ - در دهات برای رفع نظر و چشم زخم بعضی‌ها خر مهره و مهره ابلق دیگر را بگردن کودکان میآویزند.

۳۵۶ - دعا و صدف دریائی را برای جلوگیری از نظر زدن به لباس بچه نصب میکنند .

۳۵۷ - مرجان را بر لباس کودکان مینندند تا نظر نخورند .

۳۵۸ - درآشپانه‌ی پرستو سنگی است که آنرا برای دفع چشم‌زخم به لباس بچه می‌آویزند .

۳۵۹ - دربالای سر بچه طلسمی قرار میدهند تا دریناه آن کودکان از خطر چشم‌زخم که عامل اصلی مرض و بیماری تلقی میشد درامان باشند .

۳۶۰ - روزعید قربان، چشم‌گوسفند قربانی‌را برمیداشتنند و یا میدزدیدند که دراین صورت خاصیتش بیشتر بود و آن را خشک میکردند و در موم یا قشری از طلا یا نقره می‌گرفتند تا گرد و گلوله بشود . هنگام زایش نوزاد ، آنرا به لچک سرش یا جای دیگر میدوختند .

۳۶۱ - مادر بزرگ هنگام تولد نوزاد با مستی پر از نمک دراطاق گردش میکند تا با این تدبیر نوزاد از هر چشم‌زخمی درامان باشد .

۳۶۲ - به‌بین و بترک مهره‌ای بود رنگارنگ و همانند چشم باباغوری، آن را توی طلا یا نقره کار می‌گذاشتند وزیر لچک بچه میدوختند . باورشان بود که اگر چشم‌زخمی به بچه برسد ، این مهره درهم میشکند و خرد و خاکشیر میشود .

۳۶۳ - معمولاً از همان روزهای اولی که طفل دنیا می‌آید به قنطاق بچه مهره‌های رنگارنگ چندی بنام نظر قربانی آویزان میکنند تا طفل از چشم‌زخم افراد و نظر خوردن مصون باشد . علت رنگارنگ بودن مهره‌های نظر قربانی را دراین میدانند که افراد بهر رنگ و دارای هر لباسی که باشند نظرشان در کودک مؤثر واقع نگردد .

۳۶۴ - بچه را باید از کسانیکه چشمشان شور است و نظر میزنند پنهان کرد .

۳۶۵ - تا چهل روز نعلی را بدیوار اطاق زاو آویزان میکنند تا چشم‌زخمی از طرف زن یا مرد غریبه و یا آدم خسته به کودک نرسد چون معتقدند با شنیدن صدای این افراد نوزاد بیمار میشود .

۳۶۶ - درانثناء تولد مولود جدیدی بالای درب اطاق مسکونی یک لنگه ارسی کهنه و فرسوده و یا پاره پاره یا یک قطعه نمک آویزان کرده و معتقدند زنان تازه وارد که بدین مولود می‌آیند خستگی آنها وارد ارسی کهنه و پاره پاره شده و باین طریق لطمه بمولود جدید وارد نمی‌آید .

۳۶۷ - هنگامیکه پدران و مادران و بطور کلی افراد بالغ و عقل‌رس کوچکترین ناراحتی روحی یا اندک کسالتی در افراد خانواده بخصوص کودکان

خود حس کنند معتقدند که آن فرد چشم‌زخم برداشته و نظر خورده است . عقیده‌ای وجود دارد که میگویند بچه‌ها و جوانان و زیباییها ممکن است مورد حسادت حسودان واقع شوند و صدمه ببینند و زیبایی خود را از دست بدهند معتقدند بسیاری از حسودان چشمشان شور (شوم) است و قادرند صدمه بزنند برای دفع نظر زدن باید گه مرغ یا اسپند یا زاغ روی آتش دود کرد .

۳۶۸ - برای رفع نظر اسفند یا زاج سفید در منقل دود کرده در چهارراهی میریزند و همراه با این کار اسم چند نفری را که مورد سوء ظن هستند میبرند تا با اسفند بسوزد .

۳۶۹ - برای معالجه نظر خورگی باید هرطور هست يك تکه از لباس نظرزننده را بدست آورند و آنرا با تخم ترتیزك در منقل آتش دود کنند و در حین دود کردن طفل را برداشته بدور منقل بگردانند .

۳۷۰ - هنگامی که به کودک چشم میزنند خون قربانی بخوردش میدهند، بدینگونه که روز عید قربان خون گوسفند را خشك میکنند و میسایند و بخورد کودک میدهند تا چشم‌زخم برطرف گردد ..

۳۷۱ - اگر بچه بی‌وقتیش کرد مادرش با یکدختر پشتشان را بهم داده و سه بار او را از لای پای خود میگذرانند .

۳۷۲ - ختنه‌سوران جشنی است که برای شادمانی و تندرستی بچه برپا میکنند ، معمولاً اگر بچه را پیش از شب شش ختنه‌کنند جشنش را با شب شش يك جا برپا میکنند و اگر پس از شب شش ختنه‌کنند ختنه‌سوران جداگانه میگیرند . این جشن بیشتر در بعدازظهر همان روزی که کودک را ختنه میکنند برپا میشود . در این روز مهمانهائی که از چند روز پیش برای ناهار یا پس از آن درختنه‌سوران دعوت شده‌اند می‌آیند و گاه باخود چشم‌روشنی برای کودک می‌آورند .

۳۷۳ - ختنه‌سوران از جشنهائی است که باید حتماً گرفته شود و میگویند اگر پدری برای بچه‌اش ختنه‌سوران نگیرد و در آن روز ناهار نهد ، پیش از عروسی پسرش خواهد مرد بسیاری از پدر و مادرها جشن ختنه‌سوران پسرانشان را بسیار مفصل میگیرند ، برای اینکه اگر موقع دامادی پسرشان زنده نباشند حسرت بگور نبرند ، بخصوص اگر فرزند ارشد باشد . در اینروز آش حتماً می‌پزند و پلو و شیرینی میدهند و بساط ساز و نقاره و رقص دستمال برپاست .

۳۷۴ - ختنه کردن پسران جوان همیشه همراه با مجالس جشن و شادی بوده است معروف به ختنه‌سوری شده . در روستاها کلمه ختنه به تنهائی ذکر نمیشود و عموماً میگویند ختنه‌سوری . برای ختنه کردن پسران مجالس جشن بزرگ و دامنه‌داری منعقد میشود . برای آنکه هزینه ختنه کردن يك طفل برای

پدری قابل تحمل باشد رسم است همه پسرانی را که سن آنها بین يك تا پنجسال باشد در يك روز ختنه کنند در این صورت هزینه بین پدارن اطفال ختنه شده تقسیم میشود و تحمیل بر یکنفر نیست . در روستاها نیز رسم ختنه کردن دسته جمعی معمول میباشد .

۳۷۵ - معمولاً نوزاد پسر را در روز سوم یا پنجم یا هفتم و یا نهم ختنه میکنند . روزهای اول و دوم تولد ختنه اش نمیکنند زیرا میترسند بچه از دست برود گاه نیز بچه را در پنج سالگی و خیلی به ندرت در سالهای بالاتر ختنه میکنند .

۳۷۶ - روز دهم نوزاد پسر را ختنه میکنند و نزدیکان در جشنی که باین مناسبت گرفته میشود شرکت میکنند .

۳۷۷ - بعضی ها بچه را سه یا هفت روز پس از تولد ختنه میکنند در این صورت مجلس ختنه سوران طفل ساده برگزار میشود . ولی اگر ختنه از روز هفتم بگذرد بچه را در پنجسالگی یا هفتسالگی ختنه میکنند و در این صورت مجلس ختنه سوران مفصل و باشکوه تمام برگزار میشود .

۳۷۸ - رسم بر این است که بچه را بیشتر در سن ۵ و ۷ سالگی ختنه میکنند ، آنهم در روزهای «عید» مانند نوروز یا عیدهای مذهبی ، در این مراسم جشن مفصلی میگیرند و مطرب و ساز و ضربی میآورند معمولاً رختخواب کودک را رنگین درست میکنند و میهمانانی که برای این مراسم دعوت شده اند ، پس از ختنه شدن کودک مقداری پول به کودک میدهند و بعضی ها با خود قند و شیرینی میآورند .

۳۷۹ - پسر بچه را در ۵ یا ۷ سالگی ختنه میکنند و باور دارند که اگر ختنه در سالهای زوج انجام شود پدر بچه میمیرد . اینکار را سلمانی یا اوستای حمام انجام میدهد و به بچه برنج میدهند چون آب میکشد .

۳۸۰ - بعضی بچه های خود را تا هفتسالگی ختنه نمیکنند .

۳۸۱ - در بعضی از روستاها سن ختنه کردن از ۴ تا ۱۰ سالگی است بزرگتر از این سن را جایز نمیدانند .

۳۸۲ - سن مناسب برای ختنه بین ۶ تا ده سالگی است پس از ختنه در هفته اول ، به کودک آب نمیدهند چون معتقدند نوشیدن آب زیاد زخم را چرکین میکند .

۳۸۳ - کودک را در سن ۷ سالگی ختنه میکنند و معمولاً دلاکهای دوره گرد اینکار را انجام میدهند ، برای ختنه جشن میگیرند و در این جشن ساز و نقاره میزنند ، زنها دستمال بازی و مردان چوب بازی میکنند و مهمانی به شام یا

نهار میدهند ، كودك تا مدتی كه مریض است از خوردن ادویه و مواد محرک محروم است و مابعات هم نباید زیاد بنوشد .

۳۸۴ - در بعضی از روستاها در ۲۰ روزگی - ۶ ماهگی و یکسالگی پسر را ختنه میکنند و میگویند اگر پسر در ۷ سالگی ختنه شود گناه دارد . ختنه بوسیله دلاک انجام میشود وسائل دلاک يك نبي هست كه نوك آنرا از طول شكافته اند و بآن لله گویند و يك تیغ دسته دار و لنگك . برای جلوگیری از خون ریزی پنبه را میسوزانند و روی زخم میگذارند . این وسائل را پدر طفل تهیه میکند برای مراسم ختنه سوران به نسبت توانائی گوسفند یا مرغ و خروس میکنند و خویشان و نزدیکان را دعوت میکنند . دلاک بچه را كه ختنه كرد جای زخم را از چربی شیر خام یاروغن چرب میکنند ، پوست ختنه را به سقف یا چوب میآویزند و بعد از ۴۰ روز دركنار دیوار اطاق چال میکنند . بعد از مراسم ، یکی از اقوام پسر يك سینی پر از شیرینی را به اطاق میآورد ، هر كس شیرینی برداشت مقداری پول در سینی میاندازد .

۳۸۵ - در روز مقرر به بچه لباس زیبا میپوشانند و در حالیکه كودك در بین بستگان و دوستان احاطه شده است عمل ختنه صورت میگیرد .

۳۸۶ - وقتی میخواهند پسری را ختنه کنند او را با سازودهل به حمام میبرند و در حمام میزنند و میرقصند و جامه های نو میپوشانند و با هلله و شادی بخانه میبرند .

۳۸۷ - گاهی چند بچه را كه برادر یا خویشاوندند باهم ختنه میکنند ، كه تعدادشان باید سه یا پنج یا هفت نفر باشد و اگر زوج باشد باید تاج خروسی ببرند و گرنه يك نفر از آنها خواهد مرد .

۳۸۸ - مراسم ختنه به این طریق انجام میشود كه روزی كه معین کرده اند عده ای از دوستان و خویشان و پیوندان را دعوت میکنند . صبح همان روز بچه را با چند نفر از اقوام نزدیک و يك دسته مطرب به حمام میفرستند . در سر بینه حمام اسپند دود میکنند و كندر و بخور میسوزانند . وقتی بچه از حمام بیرون آمد جامه نو به او میپوشانند درحینی كه لباس به تن بچه میکنند حمامی اسپند در آتش میریزد و سینی را دور سر بچه میگرداند خویشان طفل مبلغی بنام سینجی در سینی حمام میریزند و بچه را از حمام بیرون میآورند و با هلله و شادی به خانه میبرند .

۳۸۹ - اگر کسی به حكم ضرورت دو فرزند از فرزندان خود را با هم و دريك روز ختنه كند باید بلافاصله پس از عمل ختنه خروسی دركنار باغچه حیاط خود سر ببرد تا در آن روز (سه خون ریخته شود) والا یکی از فرزندان او به اجل

معلق خواهد مرد .

۳۹۰ - بچه‌ایکه ختنه نشده : چنانکه بمیرد ، باور دارند مسلمان نیست و باید محل ختنه او را با نخ بسته و بخاك بسیارند .

۳۹۱ - در زمستان مقداری ماسه در دیگ بزرگی میجوشانند بعد درحالیکه ماسه‌ها هنوز گرم هستند روی پا و دست پسر میریزند تا ختنه راحت‌تر و بی دردتر انجام شود .

۳۹۲ - درتابستان چند روزی پسر را در کنار رودخانه که ماسه زیادی دارد برده و داخل آن‌ها مینشانند .

۳۹۳ - رسم براین است که دلاکی که بچه را در حمام میشوید در سر سفره ناهار هم خود او باید خدمت کند و خصوصاً پس از صرف طعام برای مهمانها آفتابه لگن بیاورد . طرز خدمت او دراین موقع بسیار جالب و دیدنی است به این معنی که وی پس از ختم ناهار يك لنگ حمام به کمر خود میندود و يك جارو شبیه دم از پشت سر بکمر خود میآویزد و دور تا دور اطاق میچرخد و برای مهمانها آفتابه لگن میبرد ، مهمانها يك يك دست و دهان خود را میشویند و با لنگی که بکمر دلاک است دستهای خود را خشك میکنند ، آنوقت دلاک چرخ میزند و مهمانها از جاروی پشت او سیخی‌کنده با آن دندانهای خود را خلال میکنند .

۳۹۴ - درخانه برای پسری که میخواهند ختنه کنند رختخواب سرخ رنگ میگسترند .

۳۹۵ - دلاک محل بچه‌ها را ختنه میکند و در لفظ محلی باو «استاد بچه سنت‌کن» گویند وسیله کار استاد يك تیغ است و معمولاً بچه را در دوسالگی سنت میکنند و بچه کوچکتر را ختنه نمیکند چون میترسد وزهره ترك میشود لباسی که بتن او میپوشانند سبز و سرخ رنگ است . غذائی که بچه میخورد نان شکری - تخم مرغ و شربت به لیمو نارنج است و بچه نباید برنج و مایعات زیاد بخورد .

۳۹۶ - در طول مدت ختنه چند نوازنده و خواننده میزنند و اشعار طرب‌انگیز میخوانند .

۳۹۷ - پس از ختنه در موقعیکه بچه فریادش بلند میشود مقداری شیرینی توی دهش گذارده و پسر را روی زمین خوابانده و با پارچه زخم او را بسته و خاکستری که از نانوآخانه آورده‌اند روی آن زخم میریزند .

۳۹۸ - زمانیکه پسر را ختنه میکنند ، استاد ، سه‌بار تیغ خود را بوسیده و به پیشانی برده و پس از گفتن بسم‌الله ، با يك حرکت سریع تیغ را بگوشه اشاره کرده و پوست را جدا میکند .

- ۳۹۹ - در هنگام ختنه مادر کبوتری را که قبلاً تهیه نموده و به هوا پرواز داده میگوید کبوتری کبوتری موقعیکه پسر سرش را متوجه دیدن کبوتر که در هواست میکند سلمانی میلی داخل آلت او کرده و با دوشاخه‌ای که شبیه بانبر است گوشت اضافی را گرفته و با تیغ آنرا میبرد .
- ۴۰۰ - به هنگام ختنه مادر بچه پاهای خود را در آب سرد میگذارد تا هم جگر بچه خنک شود و هم خودش از حال نرود .
- ۴۰۱ - بعد از خاتمه ختنه ، پدر و مادر و تردیکان به بچه «سرسنتی» یا عیدی میدهند .
- ۴۰۲ - به بچه‌ای که ختنه شده تا سه روز آب نمیدهند ، و میگویند که اگر «کاجی چرب» بخورد زود زخمش خوب میشود .
- ۴۰۳ - طفل ختنه شده ، سه تا هفت روز در رختخواب میخوابد ، و روز پانزدهم هم بحمام میرود .
- ۴۰۴ - بچه‌ی ختنه شده را نباید تا چهل روز تنها گذاشت چه مثل زائو ممکن است آل به سراغش برود .
- ۴۰۵ - عقیده دارند بچه‌ای که ختنه شده‌است تا چهل روز نباید تنها گذاشت زیرا بچه ختنه شده حالت زائو را دارد و ممکن است آل بسراغش بیاید و جگر او را بدزدد و بعد از چهل روز آب جام چهل کلید به سرش میریزند .
- ۴۰۶ - بچه‌ای را که ختنه کرده‌اند تا سه روز تنها نمیگذارند بعد از سه روز به سر بچه آب میزنند یکی او را نگه میدارد و دومی پارچه‌ای کلفت روی سر بچه میگیرد و سومی با طاس چهل کلید روی پارچه آب میریزد و دومی بی‌درنگ پارچه را جمع میکند و آبش را توی لگنی که پیشاپیش حاضر کرده بودند میریزد . این را «آب سه» میگویند یعنی آبی که روز سوم ختنه به بچه میزنند .
- ۴۰۷ - به پسر بچه اگر کودکی است که راه رفتن آموخته است تا زمانیکه زخمش بهبودی نیابد شلوار نمیپوشانند و بجای آن پیرهنی سفید و بلند و گشاد که پاهایش را نیز میپوشاند و به زخم آسیبی نمیرساند میپوشانند . گاه نیز پیراهنی معمولی و بجای شلوار ، لنگی بکمرش میبندند .
- ۴۰۸ - برای ختنه کردن اصطلاح «دست حلال کردن» را نیز بکار میبرند چه میگویند تا پسری را ختنه نکنند مسلمان نیست در نتیجه دستش حلال نیست چیزی گرفتن را .
- ۴۰۹ - میگویند بچه تا ختنه نشده است نجس است و باید در ظرف جداگانه غذا بخورد .

۴۱۰ - بعضی پوست ختنه را بچوب کبریت میزنند و به دیوار میآویزند تا خشک شود و آن را میکوبند و میسایند و گرد آن را بعنوان دوا نگهمیدارند که داروی هر درد است .

۴۱۱ - معمول است که پوست ختنه را به شاخ درخت انار سیخ میکنند و تا هفت روز بالای سر بچه‌ای که ختنه شده میگذارند .

۴۱۲ - پوست ختنه را به نخ کشیده به پای بچه میبندند تا زمانیکه خوب بشود و لنگ را بازکنند و حمام برود ، بعد پوست را توخاک چال میکنند .

۴۱۳ - پوست بریده ختنه را با قدری سیر و پیاز برسمانی بسته و بگردن پسر میآویزند .

۴۱۴ - مادر کودک ، برای این که زخم فرزندش خوب شود تکه پوست بریده شده را با پیاز و سیر به سیخ میکشد و از بام درون آشپزخانه میآویزد .

۴۱۵ - پوستی که درموقع ختنه میبرند ، باید جداگانه کیاب کرده باغذا به بچه بخورانند تا ازبندش چیزی کاسته نشود . برای اینکه روزپنجاه هزارسال وقتی باد ذرات بدن را جمع میکند و آدم‌ها دوباره درست میشوند چیزی از بدن او کم نیاید .

۴۱۶ - پس از ۴ روز پوست ختنه را پس از خشک کردن با نبات میکوبند بصورت گرد درمی‌آورند و بتدریج درغذای طفل میریزند تا بخورد و در روزقیامت هنگام حشر اجساد از بدن او کم نباشد .

۴۱۷ - پوست ختنه نوزاد را میسایند و بخورد زن نازا میدهند و باور دارند با اینکار زن نازا صاحب اولاد خواهد شد .

۴۱۸ - گاهی پوست ختنه را با دادن پولی به دلاک میگیرند . زنی که میخواهد پسرزا شود آن پوست را گرم گرم بیخ گلو میاندازد و قورت میدهد یا مادر بچه خود میخورد تا بازهم پسر بزاید .

۴۱۹ - دلاک پوست زائد ختنه را درسوراخ موش میگذارد تا زخم زودتر التیام یابد .

۴۲۰ - بچه را که ختنه کردند آن قطعه بریده شده را میبرند توی کاروانسرای تجارتی میاندازند باین عقیده که بچه شان تاجر خواهد شد .

۴۲۱ - بعضی برای این که بچه زیاد بی‌آرامی نکند ، پوست ختنه را بخانه یا دکان یهودی میاندازند .

۴۲۲ - برخی پوست ختنه را چال میکنند تا بچه‌شان در بزرگی «عاقل» شود .

۴۲۳ - بعضی نیز پوست ختنه را به نخ میکشند و هفت روز از گردن ختنه شده می‌آویزند و روز هفتم میاندازند پهلوی خروس تا بچه مثل خروس جنگی شود .

- ۴۲۴ - پوست ختنه را تا چهل روز به میج پای طفل یا گردن او می‌بندند.
- ۴۲۵ - برای خون‌ریزی ختنه‌ی کودک ، کارتونك (تار عنكبوت) را روی زخم بچه میگذارند تا خودش بند آید .
- ۴۲۶ - اگر بهنگام ختنه کردن ، خون‌ریزی فراوان باشد پشم را میسوزانند و خاکستر آن را روی زخم میگذارند تا بند آید .
- ۴۲۷ - برای زودتر بهبود یافتن محل ختنه ، پوست ختنه را به چوب کبریت میزنند و آنرا رو به آفتاب بدیوار می‌آویزند تا پوست خشک شده و محل زخم نیز بهبود یابد .
- ۴۲۸ - مرگ اطفال کمتر از یکسال و حتی اطفال دوساله تشریفات و نظاهراتی ندارد . در عوض موقع درگذشت بزرگسالان مجلس ختم و عزاداری دایر است .
- ۴۲۹ - بچه پس از متولد شدن ۷ روز می‌بایست در قنداق بماند در این هفت روز نیم من گندم زیر سر طفل میگذارند و پس از ۷ روز که بچه را بگهواره منتقل میکنند نیم من گندم را میان فقرا قسمت میکنند .
- ۴۳۰ - تا سه روز باید در اتاق بچه رو بقبله باروت روشن کنند .
- ۴۳۱ - پس از تولد بچه ، از ۶ تا ۱۴ شب زنها کنار بستر زائو جمع میشوند و دعا میخوانند ، تا جن و بلا از او دور شود .
- ۴۳۲ - برای بخت‌گشائی عاطل و باطل خریداری شده را هفت دختر نابالغ میکوبند و بعد آن را بالای بام بین دوپله با قیچی میگذارند و مقداری توی سر که ریخته بصورت خود میمالند و میگویند :
- هر که کرده کار را عاطل من میکنم جادوی او را باطل .
- ۴۳۳ - کسانی که بچه‌شان میمیرد ، اگر فرزند جدیدی پیدا کنند هفت هفته از هفت نفر که نامشان محمد باشد پول‌گدائی میکنند و با آن برای فرزند خود لباس میدوزند ، گاهی نیز رخت‌کهنه کودک دیگری را که زنده مانده است به تن فرزند خود می‌کنند و در عوض لباسهای نو فرزند خود را بآن کودک میبخشند ، و بعضی این کار را برای پا گرفتن کودک پنج تا هفت سال ادامه میدهند .
- ۴۳۴ - پس از ششسوی نوزاد يك تکه چلوار بر میدارند و وسط آن را چاك میدهند و به گردن نوزاد می‌آویزند که بآن «پیراهن قیامت» میگویند اگر نوزاد دختر باشد هفت روز و اگر پسر باشد ده روز باید تن بچه بماند ، این پیراهن برای آنست که در روز قیامت تن او زیر آفتاب پنجاه هزار سال نسوزد .
- ۴۳۵ - اگر زنی دوقلو بزاید ، یکی از نوزادها مرده باشد ، گوسفندی را میکشند و گوشش را به پنجاه و هفت قطعه تقسیم میکنند و به فقرا میدهند .
- ۴۳۶ - اگر بچه‌ای تا چهارده سالگی بمیرد به بهشت میرود .

۴۳۷ - نوزاد را با سدر نرم و الك کرده می‌شویند و بعد او را بالای سر مادرش می‌گیرند و با جام چهل کلید آب بسرش میریزند تا از بچه رد شود و روی سر مادر بریزد .

۴۳۸ - نوزاد را تا چهل روز نباید از خانه بیرون برد زیرا «چشم پاك و ناپاك براو می‌افتد» و ممکن است دراو تأثیر بد داشته باشد .

۴۳۹ - تا چهل روز كودك را از خانه بیرون نمی‌برند و بعد به اولین جائیکه می‌برند مسجد یا امامزاده است زیرا اگر تا چهل روز صدای غریبه یا آدم خسته به بچه برسد بیمار میشود .

۴۴۰ - در شب دهم تولد پشت و سینه نوزاد را خراش میدهند ، تا خون کثیفی که در بدن او مانده خارج شود .

۴۴۱ - اگر كودك قبل از آن که هفته‌اش تمام شود بمیرد مادر هفته گیرك میشود و اگر بیشتر از يك هفته عمر کند و بمیرد مادرش چله گیرك میشود .

۴۴۲ - ام‌الصبيان ، باد مخصوصی است که بچه‌ها از شیر خوارگی تا هفت سالگی بآن مبتلا میشوند .

۴۴۳ - درشش روز اول تولد کسی نباید به اطاق زائو وارد شود و با وی ملاقات کند زیرا ممکن است آل یا جن باشد که بخواهد از موقعیت استفاده کرده و در لباس و هیئت آدمیان به اطاق زائو وارد شود و به او یا فرزندش آسیب برساند. در این مدت فقط کسانی میتوانند به اطاق زائو وارد شوند که در موقع زایمان نیز حضور داشته یا فرزندی از آنها درده روز اول تولد فوت شده باشد بعلاوه هر يك از این اشخاص که بخواهند از زائو دیدن کنند باید قبل از ورود به اطاق هر نوع دعائی از قبیل حرز و جادو و بند و طلسم و چشم‌آویز و تعویذ که به بازو یا در بغل داشته باشند از خود دور سازند .

۴۴۴ - تا هنگامیکه چله بچه تمام نشده قرآن زیر سرش می‌گذارند که بیوقتی نشود .

۴۴۵ - برای اینکه زائو و نوزاد از هر خطری در امان باشد . «قاب قرآن پولاد» همراه آنان میکنند تا اگر دست بر قضا تنها ماند دچار بیوقتی نشود .

۴۴۶ - دور بستری که زائو و نوزاد در آن استراحت کرده‌اند ماما با ذغال خط سیاهی میکشد و با این کار به اجنه می‌فهماند که حق ندارند از این خط عبور کنند.

۴۴۷ - وقتی نوزاد را لباس پوشانند در «ننو» (گهواره) می‌خوابانند. ماما (قابله) دور گهواره او را خط میکشد . یک نفر می‌پرسد :

- چه میکنی ؟

ماما : حصار میکشم .

— برای کی ؟

ماما : برای مریم و بچه اش .

— بکش مبارك باشد .

۴۴۸ — برای اینکه نوزاد از هر خطری در امان باشد از ملا دعا گرفته و يك لنگه كفش و كارد دم در اطاق زائو آویزان میکنند .

۴۴۹ — برای زن زائو سه خط بدیوار و در اطراف بستر مادر و بچه میکشند و کسی که با آهن این خط را میکشد در ترسیم این سؤال و جواب را باید بخواند :
کیش میکشم ، کیش میکشم — برای کی — برای مادر و بچه — چی چی زایده — دوغول اوزا .

۴۵۰ — برای اینکه زائو و نوزاد از آسیب آل در امان بمانند ، از دم زایمان تا روز حمام زایمان هیچگاه آنان را تنها نمیگذارند ، سه تا پنج پیاز و يك سیخ آهنی بالای سر زائو و یا گوشه اطاق میگذارند و گاهی هم کنار سیخ پیاز ، شمشیر یا خنجر یا قداره قرار میدهند . هر بار که زائو میخواهد بکنار آب رود سیخ آهنی را هم همراه خود برمیدارد تا آل ترندش و روزی که زائو به حمام میرود آن را روی پله های حمام میاندازد .

۴۵۱ — قابله در هنگام رفتن بخانه به اطرافیان زائو سفارش میکند که نخوابند و زائو را هم نخوابانند تا شب بشکند . یعنی شب از نیمه بگذرد . همه اهل خانه در این شب دست کم تا شش ساعت از شب رفته بیدار میمانند تا زائو شیشه گیر نشود و در تمام این مدت دعا و قرآن و چهل قل هو الله و آیه الکرسی میخوانند و به زائو و نوزاد و شش جهت فوت میکنند .

۴۵۲ — میگویند همزمان با زادن هر مولود انسانی ، طفل دیگری در میان اجنه متولد میشود که او را «همزاد» میگویند و جن سعی میکند بچهی آدم را با همزادش عوض کند ، تا شب ششم .

۴۵۳ — میگویند قاب گرگ بچه را از شر همزاد حفظ میکند . معمولاً چوپانان که گرگ ها را میکشند قاب گرگ را در میآورند و به قیمت خوبی به زنها میفروشند . آنها هم قاب گرگ را سوراخ کرده و با ریسمان سفید و آبی بگردن نوزاد میاندازند .

۴۵۴ — اگر کودک نوزاد تنها بماند چله باو میافتد یعنی همزادش او را عوض کرده و بچه دیگری را جای او میگذارد چنین کودکی همیشه گریه میکند و ضعیف و لاغراست و بعد از مدتی میمیرد .

۴۵۵ — اگر بچه ناخوش بشود و بهیچ دارویی معالجه نشود آنوقت تشخیص میدهند که بچه جن زده یا داعایی است و باید او را پیش دعانویس ببرند تا

برایش دعا بنویسد .

۴۵۶ - اگر بچه‌ای در چند هفته‌ی اول تولد نحیف و لاغر و رنگ پریده باشد ، میگویند بچه‌ی عوضی است ، یعنی جنیان او را با همزادش عوض کرده‌اند ، برای معالجه‌ی بچه‌ی عوضی خاك از سر سه راهی بر میدارند و مشتی آسفند روی آن میسوزانند و خاکسترش را به پیشانی و رگهای گردن و شانه‌ی کودک میمالند .

۴۵۷ - بچه غشی یا سایه زاده را معتقدند که با بچه ازما بهترون عوض شده او را بزرگ میکنند و کنج ویرانه میگذارند تا ازما بهترون بچه خودشان را برده و بچه عوض کرده را بیاورند .

۴۵۸ - چله بچه‌ها باینگونه بریده میشود که مستراح را آب و جارو میکنند و بچه را آرایش کرده سرخاب و سفیداب میمالند و در آنجا میخوابانند و بعد از فاصله کمی بر میدارند چه ممکن است ازما بهترون در خلال همین مدت بچه عوضی را ببرند و بچه اصلی را بیاورند .

۴۵۹ - اگر کسی گربه زشتی را بکشد ، بچه‌اش دچار بی‌وقتی میشود .

۴۶۰ - دیگر از عقاید عامه مردم این است که اگر پدر و مادر نوزاد به جنیان صدمه زده باشند ، طفل در چهل روزه اول مبتلا به درد خواهد شد در حقیقت این مرض را جنیان به جان او میریزند و علایم آن این است که ابتدا پوست بدن نوزاد کبود میشود و پس از آن طفل دچار انقباض عضلات و تشنج شدید میگردد و طولی نمیکشد که میمیرد . (علامت بیماری کراز در نوزاد است) .

۴۶۱ - مهره آل را به قنناق بچه می‌بندند که مادرش آلودگی پیدا نکند و شب ششم ولادت حالش بهم نخورد .

۴۶۲ - با دود کردن عود در اطراف کودک اجنه و ارواح خبیثه را طرد می‌کنند .

۴۶۳ - نوزاد را بعد از شش روز در گهواره میگذارند و برای احتراز از جن‌زدگی در اطاق نوزاد و زائو ، غذاهائی شامل پرنده کباب شده ، نان و پنیر ، مربا و شربت میگذارند تا اگر جن وارد اطاق شد از غذاها بخورد و به طفل زبانی نرساند .

۴۶۴ - در شب ششم زایمان ، غربالی را دمر کرده و نوزاد را روی آن میخوابانند تا آل نتواند به کودک صدمه‌ای برساند ، یا اینکه بجای خواباندن روی غربال او را در آغوش نگه میدارند تا شش از شب بگذرد .

۴۶۵ - همینکه سپیده صبح دمید بچه را از غربال در میآوردند و روی زمین میگذارند زیرا عقیده دارند که بمحض سر زدن صبح صادق فعالیت جنیان و آل پایان می‌پذیرد و آنها دیگر قادر نخواهند بود که به زائو آسیب برسانند .

۴۶۶ - زائو را تا ۶ روز بعد از ایمان تنها نمیگذارند . بعد از ۶ روز اگر در حمام زایمان لنگ خیس زائو را روی سرنوزاد بشارند تا آب آن روی سرش بریزد کودک از آلودگی در امان خواهد بود .

۴۶۷ - در روز سوم نوزاد ، با «جام دعا» که ظرف برنجی است روی سر زائو و نوزاد آب میریزند . بدین گونه که از چهار گوشه حوض «جام دعا» را پراز آب کرده به سر زائو و نوزاد میریزند و ته ظرف را به آنها میخورانند و باور دارند که اگر آنها دچار بی وقتی شوند آب «جام دعا» آنرا بر طرف میکند .

۴۶۸ - شب شش ، شب بسیار پر خطری است . در این شب اجنه به هر حیلله ای که ممکن است به اطاق زائو داخل میشوند و نوزاد را با همزادش عوض میکنند . برای دفع این خطر و دور کردن جنیان از اطاق زائو ، به حیلله ها و وسیله های متعدد دیگر متوسل میشوند باین معنی که اول بدن و صورت نوزاد را بوسیله باروت سیاه میکنند و طفل را به هیئتی مکروه و زشت در می آورند تا اجنه از بدنش بترسند و رم کنند یا لاقل از او بیزارشوند و بعوض کردن او رغبت نمایند . پس از آن مقداری باروت و ترقه در آتش میریزند و همه جا را از دود آکنده و سیاه میکنند تا اجنه از صدای انفجار ترقه و دود و غبار باروت وحشت کنند و از آن حدود بگریزند . علاوه بر آن مقداری آهن پاره و سیخ و پولاد نیز در آستانه درها میریزند .

۴۶۹ - گاه در یکی از این سه روز اول تولد برای نوزاد حلوای زندگانی میبزند تا عمرش دراز شود .

۴۷۰ - یکی از نذر ها پختن سمنو است ، سمنو برای نذر های مختلفی پخته میشود مثلاً هنگام پختن آن عید نوروز است .

۴۷۱ - شله زرد نیز یکی دیگر از نذر ها است و بیشتر آنرا نذر کودکان میکنند تا سلامتی آنها درقبال پیش آمدها حفظ گردد .

۴۷۲ - مادرانی که بهنگام زائیدن ، بچه شان میمیرد ، در آخرین چهارشنبه ماه صفر ، مراسمی برپا میدارند تا کودکانشان زنده بماند . باین ترتیب زن زائو همسایه ها را دعوت میکند و در یک اطاق بسته و تاریک آتش رفته میپزد و همگی در تاریکی آتش را میخورند و ظرفها را میشویند و آب را در همانجا خالی میکنند .

۴۷۳ - هنگامیکه مادری فرزندش نمیماند ، و بعد از چند سال که خداوند بچه اش را زنده نگه میدارد زن زائو از هفت خانه گدایی میکند و با آن پول برای نوزاد پارچه ی پیراهنی میخرد و در روز ۲۷ ماه رمضان که قتل ابن الملقم است در میان دو نماز ، پارچه را میبرد و به تن کودک میکند که سالها زنده بماند و این پیراهن به پیراهن مراد معروف است .

۴۷۴ - عقیقه صدقه ایست که پدر و مادر کودک برای رفع بلا از او میدهند ،

واعتقاد بر این است که اگر با وجود توانایی عقیقه نکنند، بچه در معرض بلاهای ناگهانی خواهد بود.

۴۷۵ - هفت روز، یا چهل روز پس از تولد طفل، سر بچه را می تراشند و هم وزن موی او نقره یا طلا صدقه میدهند. بعد گوسفند را میکشند کله پاچه را به آخوند محله و رانهای گوسفند را به مامای طفل میدهند باقی گوشت را بین فقرا و لااقل ده فقیر مسلمان تقسیم میکنند. چون باید کارد با استخوان گوسفند نخورد غالباً درسته میزنند و گوشت و آبگوشت آنرا تقسیم میکنند و استخوانها را زیر خاک می کنند.

۴۷۶ - اگر طفل پسر باشد گوسفند عقیقه را از نوع نر و اگر دختر باشد از نوع ماده انتخاب میکنند.

۴۷۷ - رسم است هر پدر و مادری برای بچه اش عقیقه کند، برای اینکار گوسفند ششماهه ای که گوشتش را نبریده اند و جایی از بدنش زخم نیست سر میزنند. در موقع ذبح، بایستی دست بسر گوسفند بکشند و سرش را ببرند البته بعد از خواندن دعا، حتماً باید ران راست آنرا به قابله کودک بدهند و استخوانهای او را نشکنند و در جایی چال کنند و گوشت آنرا آبگوشت کرده میان همسایگان پخش کنند، تا زمانیکه عقیقه انجام نگرفته بچه در گرو می باشد. اما پدر و مادر حق ندارند به آبگوشت و گوشت عقیقه لب بزنند.

۴۷۸ - گوشت عقیقه را اشخاص پاك باید بخورند و استخوانهایش را نباید دور بریزند، بلکه آنها را جمع میکنند و در زمین چال میکنند.

۴۷۹ - طفل باید مطیع ابویین خود بوده و در هر سن که باشد باید با آنها احترام کند و اگر فرزند بخواهد که دعای پدر و مادر در حق آنها مستجاب شود باید احترام آنها را نگاه دارد.

۴۸۰ - مادران کودکانشان را با لالائی و قصه ی دیو، سگ، گر به، شیر و گرگ خواب می کنند.

۴۸۱ - میگویند بچه حکم «طوطی» را دارد، هر چه بگوید بگویند میآموزد و باور دارند که خداوند از پدر و مادری که فرزندشان بی هنر تربیت شود راضی نخواهد شد.

۴۸۲ - معتقدند که کودک مثل آینه صاف است و خوبی و بدی را میبپذیرد و هر چه بکنند او هم یاد میگیرد.

۴۸۳ - معتقدند از هنگامیکه بچه خجالت میکشد، نشان این است که عقل بسر آمده و این خجالت به او راه خوبی را نشان میدهد و بچه بی خجالت بی تربیت و خطرناک است. و معمولاً اعتقاد دارند که کودک در ۷ سالگی عقل

- به سرش می‌آید .
- ۴۸۴ - پدر و مادر به بچه می‌آموزند که بهنگام شروع به غذا خوردن ، بسم‌الله بگوید و با دست راست غذا بخورد و اگر نتواند دست چپش را با دستمال به بدنش می‌بندند تا عادت کند دست راستش را بکار برد و هرکاری را با دست راست انجام دهد .
- ۴۸۵ - در خانواده‌ها ، برای غذا خوردن تمام خوراکیها هرچه باشد در سفره چیده میشود و معمولاً همگی از یک ظرف غذا می‌خورند مگر در مواردی که خوراک کودکان را از ظرف اصلی جدا نمایند .
- ۴۸۶ - در میهمانی‌ها بزرگان در صدر اطاق می‌نشینند و در حضور بزرگان کوچکترها نباید بی‌اجازه بنشینند و حرف بزنند و اظهار عقیده بکنند . آغاز سخن همواره با بزرگترهاست .
- ۴۸۷ - چنانچه کودک کنجکاو باشد می‌گویند فضول است و بد میدانند .
- ۴۸۸ - وقتی کودک از مادرش سؤال میکند : « ماما » من چگونه زاده شده‌ام ؟ مادر می‌گوید : « ماما » با کلید ناف را باز میکند تا تو دنیا بیایی و سپس آنرا قفل می‌کند .
- ۴۸۹ - مادر معمولاً برای ترسانیدن بچه ، از « لولو » که موجود خیالی است استفاده میکند .
- ۴۹۰ - مراقبت عمومی از اطفال تا پنج سالگی بعهده مادران است ، ولی پسر بچه‌ها را تا دوسالگی مادر بحمام میبرد و بعد پدر .
- ۴۹۱ - یک پسر موقعی که تحصیلاتش تمام نشود ، اجازه‌ی زن گرفتن ندارد ولی دختر را هر وقت که خواستگار باب طبع پیدا شد عروسی میکنند .
- ۴۹۲ - اگر بچه از پدر و مادرش چیزی بدزدد خدا خنده‌اش میگیرد .
- ۴۹۳ - زن بیشتر می‌تواند قدرتش را به دخترها اعمال کند ، در حالیکه پسرها از پدر بیشتر حساب می‌برند .
- ۴۹۴ - پدر و مادر وقتی عصبانی شوند و به فرزندشان دشنام بدهند می‌گویند : گور پدر و مادرت .
- ۴۹۵ - مادر که عصبانی بشود بفرزندش می‌گوید : زمین سیاه ترا به خود بکشد ، بمیری ، پدر که عصبانی بشود به فرزند می‌گوید : آی حرامزاده .
- ۴۹۶ - نفرین کردن به بچه‌های شیطان و اذیت کن و سر کوفت زدن و بد گفتن بدانان در پارهای از خانواده‌ها رواج دارد . مثل : الهی تنت روی تخته مرده شورخانه پیفتد ، الهی به شب نکشی ، الهی به باد سام گرفتار شوی ، الهی جلوی خودم پرپر بزنی ، الهی به تیر غیب گرفتار شوی ، الهی هر چه درد و بلا ی (فلان بچه) است

بخورد توی مغز سرت .

۴۹۷ - نفرین دیگران به بچه‌ها بیشتر اینهاست :

انشاءالله جز جگر بزنی ، انشاءالله پروبال بزنی ، الهی داغت بدل ننه و بابات بمونه ، الهی جوانمرگ بشی ، انشاءالله حجله دامادی برایت بیاورند ، انشاءالله روی تخته مرده شورخانه روی تنت آب بریزم ، انشاءالله این لباس کفنت بشه ، الهی باد سام ببردت .

۴۹۸ - بندرت اتفاق می‌افتد که مادری فرزندش را عاق کند ، عاق کردن هنگامی صورت می‌گیرد که فرزند مرتکب قتل یا عمل خلاف شرع شود ، در این صورت از چشم پدر و مادر می‌افتد .

۴۹۹ - پدر و مادر اگر در حق بچه شان نفرین بکنند ، بعد از آنکه فرزند بمیرد از گورش آتش می‌بارد ، و گناهِش پوزش ناپذیر است و همیشه به آتش دوزخ می‌سوزد .

۵۰۰ - باور دارند که عاق پدر زودتر فرزند را می‌گیرد .

کودک در برابر پیامها

مقدمه

شناخت خانواده و فرهنگ موضوع خاص جلسات بحث و گفتگویی بود که در آبانماه سال قبل با همکاری دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ و هنر تشکیل گردید. این جلسات به بحث درباره مباحث کلی اختصاص یافت و بنابراین راه را جهت ورود به مباحثی دقیقتر هموار ساخت .

آنچه در مجمع دوم (آبانماه سال جاری) مطرح میگردد ، هم صورتی خاص در محدوده‌ای معین می‌یابد و هم آنکه از ماهها قبل بدان توجه گردیده تحقیقاتی بسیار دقیق در جهت وصول به آن فراهم آمده است .

این تحقیق یکی از بررسیهاییست که در این زمینه خاص صورت میگیرد . اما باید در باب رابطه آن با دیگر بررسیها ، چند نکته را نیز تذکر دهیم :

اول آنکه در سال جاری موضوع خاص مجمع ، شناخت پیامهایی است که بر خانواده از منابع گوناگون ارائه میشود. در این زمینه کلی، آنچه میتواند به‌خانه و خانواده پیام آورد و بطور مستقیم یا غیرمستقیم کودک و نوجوان را تحت تأثیر قرار دهد، مطمح نظر قرار گرفت ، از آن جمله تلویزیون ، رادیو ، مدرسه ، مطبوعات و سینما مورد بحث و تدقیق قرار گرفتند . به بیان دیگر، سؤال اصلی چنین بود : کودک در خانواده امروز ایرانی و در شهری بزرگ چون تهران چگونه در میان انبوهی از پیام و خبر غوطه میخورد؟ این پیامها چیست و محتوی آن کدامست؟ سؤالات دیگری نیز بدون آنکه به صدور حکمی قطعی بیانجامد ، از این دیدگاه طرح میگردد ؛ از آنجمله اینکه محتوی پیام فرهنگی که از جانب منبعی خاص نظیر

تلویزیون و رادیو برای خانواده ارسال میشود، چه مفاهیمی را به کودک منتقل میسازد؟ این تصویر که با الگوهای چند ساخته و پرداخته شده است، تا چه حد با نیاز زمان تطبیق می‌نماید و آیا تعداد این پیامها کودک را به تحیر نمی‌کشد؟ آیا این پیامها همگنی لازم را جهت ساختمان شخصیتی متعادل در خود دارند، یا آنکه در نهایت تنوع با تعارض و تضاد در هم می‌آمیزد و از این طریق در تکوین شخصیت تأخیر می‌افکند و هر آن کودک را در برابر واقعیت عاجز از عمل و اقدام میسازد؟

بنابراین، آنچه در نهایت بدست می‌آید چگونگی سازشی است که باید در ارزشهای قابل انتقال به کودک مطمح نظر قرار گیرد و این خود مستلزم همکاری سازمانهایست که پیام فرهنگی خاصی برای خانواده و از این طریق کودک ارسال میدارند. کیفیت این هدف چندان وسیع می‌نماید که تحقق آن در این مجمع نمی‌گنجد و از لزوم تداوم چنین مجامعی در این زمینه اجتماعی پرده برمیگیرد.

از اینرو، در این قسمت، صرفاً هدف شناخت جزئی از محتوی ویژه بعضی از منابع انتقال پیام بود. لیکن، شناخت محتوی پیامها که هر روز از طریق وسایل ارتباط جمعی یا مدرسه بسوی خانواده جریان می‌یابد، سؤال دیگری را عنوان می‌نمود و آن چنین است: خانواده و مخصوصاً کودک در برابر انبوه پیامها چه واکنشی از خود نشان میدهد و این واکنشها در مناطق خاص جغرافیائی و یا طبقات مختلف جامعه چگونه است؟ همین سؤال موجبات تحقق این تحقیق را فراهم آورد.

شناخت عکس العمل خانواده و کودک در برابر پیامهای گوناگون فرهنگی ابعادی چند می‌پذیرفت؛ در مرحله اول سؤال این بود که آیا کودک با این منابع ارسال کننده پیام در ارتباط هست یا خیر و به چه میزان و در نهایت، چه نوع کودکی و متعلق به کدام خانواده و یا منطقه جغرافیائی به این منبع بیشتر دست می‌یازد و از پیام آن متأثر میگردد؟ این سؤال در حقیقت در جهت شناخت مشتریان منبع انتقال دهنده پیام طرح میشده پس، هم از دیدگاه آن منبع مفید می‌نمود و هم از نظر ما؛ زیرا از این طریق مسؤلان منبع پیام، شنوندگان و بینندگان پراکنده خود را بچشم می‌بینند و ما قشرهای خاص از جامعه را که در معرض این پیامها قرار دارند، بر این سؤال بخشی خاص مترتب گردید که صفت ویژه آن در مقایسه با بخش دیگر جهات عینی آن بود؛ زیرا، تماس زمانی کودک با وسائل ارتباط جمعی صورتی بسیار عینی می‌یافت که از طریق اظهارات مادر و خود طفل بدست می‌آمد. لیک، شبکه عینی واقعیت که با این سؤال فراهم می‌آمد خود مقدمه‌ای بود در جهت شناخت علل و عوامل.

در حقیقت، بعد از این سؤال پرسشهای تازه به ذهن می‌آمد که بازجویی از همین بخش میگردید؛ از آنجمله اینکه چرا کودک چنین زمانی را در شبانه روز

گذشته صرف تماشای تلویزیون و یا تماس با رادیو کرده است؟ تلفیق خواست و امکان در این زمینه چگونه است؟ آیا کودک خانواده تهرانی تحت تأثیر چه عواملی بسوی وسائل ارتباط جمعی کشیده میشود و یا از آن فاصله میگیرد؟ این پرسشها نیز که به ایجاد مباحثی خاص تحت عنوان علل و عوامل می انجامید، خود زائیده پرسشهایی دیگر بود: از آنجمله خواست کودک و مخصوصاً ادراکی که از این وسائل و پیامهای آن در خود دارد. از این نظر، بخشی جدید پدید می آمد که بیش از آنکه با ارقام سروکار یابد مباحثی کیفی را طرح می نمود. بدین ترتیب، بعد از شناخت میزان تماس کودک با وسائل ارتباط جمعی به شناسائی بخشی از دنیای خارج آزدیدگان او پرداخته می شود که این عناصر تشکیل دهنده آنند.

روش:

تحقق این هدفها در این زمینه خاص جز از طریق کسب اطلاعاتی عینی از خانواده و کودک امکان پذیر نبود. از اینرو، مصاحبه مستقیم با گروههایی چند همراه با تکمیل پرسشنامه (با سوالات بسته و باز) مطرح نظر قرار گرفت، و این خود مسائلی خاص مطرح ساخت که باید تشریح کردند و موضع خاصی که در برابر هر یک اتخاذ گردید، عنوان شود. مسأله اول، شناخت جامعه آماری و تعیین جمعیت نمونه ای بود که بتواند گویای مسائل ویژه کودکان بطور کلی در مقاطع سنی خاص آنان گردد. در این زمینه، کوششهایی بعمل آمد، از این قرار:

روش آماری

آنطور که از هدف طرح، برداشت می شود، جامعه آماری از کلیه کودکان (سن ۷ تا ۱۲ سال) که در زمان انجام بررسی در تهران بوده و در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ در تهران تحصیل کرده اند و در خانه تلویزیون داشته اند، تشکیل میگردید، اما به علت اینکه مشخص کردن اجزاء جامعه ای که به این ترتیب تعریف میشود، در زمان انجام بررسی (تابستان ۱۳۵۳) امکان پذیر نبود و برای نمونه گیری باید تك تك اجزاء جامعه، مشخص و قابل انتخاب شدن باشند، تصمیم گرفتیم که جامعه آماری را بصورت تمام خانواده هایی که در سال تحصیلی قبل (۵۳-۵۲) در تهران ساکن بوده و حداقل يك کودک ۷ تا ۱۲ ساله داشته و تلویزیون هم داشته باشند، در نظر بگیریم. به این ترتیب، امکان نمونه گیری دقیق از این جامعه وجود داشت.

جزء (واحد) آماری

جزء آماری در مرحله اول عبارت بود از يك خانواده تهرانی بطوریکه

در چهارچوب زیر قرار گیرد :

- دارای حداقل يك كودك ۷ تا ۱۲ ساله بوده و این كودك در سال تحصیلی ۵۳ - ۵۲ به مدرسه رفته باشد (در صورتیکه بیش از يك فرزند واجد شرایط وجود داشته باشد ، بزرگترین آنها انتخاب میشود) .
- پدر و مادر هر دو در قید حیات باشند .
- خانواده حداقل از ۹ ماه قبل تلویزیون داشته باشد .
- در زمانی نزدیک به روزی که پرسشگر به خانواده مراجعه میکند ، واقعه مهمی برای خانواده رخ نداده باشد . بطوریکه برنامه‌های زندگی روزانه آنها نسبتاً «مثل همیشه» باشد .
- دین خانواده ، اسلام باشد .
- كودك انتخاب شده كودکی نر مال بوده ، نقص عضو نداشته ، عقب - مانده نباشد .

روش نمونه‌گیری

از آنجاکه جامعه مورد نظر جامعه‌ای همگن نبود و خانواده‌هایی کاملاً متفاوت و از طبقات گوناگون در آن وجود داشتند ، از روش نمونه‌گیری با طبقه‌بندی برای بدست آوردن نمونه استفاده شده است .

اندازه نمونه با توجه به امکانات ودقت مورد نیاز برای برآورد ۸۰۰ خانوار در نظر گرفته شد ، بدین ترتیب ، اگر انحراف معیار توزیع صفات کمی جامعه برابر ۱۰۰ باشد ، خواهیم توانست میانگین آن صفات را با اشتباه معیاری کوچکتر از ۳۵٪ برآورد کنیم .

نمونه‌گیری با طبقه‌بندی بدین طریق انجام گرفت که ابتدا تهران بزرگ را به ۱۰ ناحیه (نقشه ضمیمه) تقسیم کرده و سپس از هر ناحیه متناسب با تعداد خانوار آن نمونه انتخاب کرده‌ایم . مثلاً اگر تعداد خانوار ناحیه‌ای $\frac{1}{8}$ تعداد کل خانوار موجود در جامعه بوده از آن ناحیه $100 = 800 \times \frac{1}{8}$ خانوار از قسمت‌های مختلف انتخاب و مورد پرسش قرار داده‌ایم . انتخاب خانوارها در نواحی مختلف ، بطور تصادفی صورت گرفته است .

بدین ترتیب ، با استفاده از این روش ، جمعیت نمونه پوششی بر نواحی ده‌گانه می‌یافت و در داخل هر ناحیه ، پرسشگر با در دست داشتن شرایط معلوم جمعیت نمونه ، بطور تصادفی آنرا برمیگزید .

۱ - برای تعیین تعداد خانوار در نواحی مختلف شهر تهران آمار موجود در مرکز آمار ایران استفاده شده است .

مسأله دوم را تعیین پاسخگو برای هر جزء پرسشنامه تشکیل میداد؛ و این مسأله از آنرو پدید می‌آمد که کودکان ۷ تا ۱۲ ساله جامعه آماری ما را تشکیل میدادند. در این سنین، واکنشهای کلامی بسختی میتواند گویای ماهیت اندیشه باشند، لذا باید سلسله اقداماتی بکار آیند که از ضرایب انحراف بکاهند. در این قسمت پرسشنامه به سه جزء تقسیم گردید:

قسمت اول که مشخصات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده را تشکیل میداد، خاص مادر بود. قسمت دوم که زمان اختصاص یافته بوسیله کودک در ۲۴ ساعت قبل و یا بطور کلی در جریان سال گذشته به منظور استفاده از وسائل ارتباط جمعی را می‌سنجید، توسط کودک و با کمک احتمالی مادر و با اتکاء به سلسله آموزشهای قبلی پرسشگران مطرح میگردد. قسمت سوم که با زبانی ساده طرح میشود، در حقیقت دنیای خاص کودک را آنچنان که خود او ادراک مینمود، به محک سنجش میگذاشت و این جزء خاص کودک بود. دستورالعمل پرسشگران در این زمینه عبارت بود از اینکه:

۱- کودک را در تنهایی مورد پرسش قرار دهند.
۲- از پیش آمدن هر گونه بحثی در طول مصاحبه حذر کنند و به حداقل توضیحات درباره بعضی سوآلهای پیچیده اکتفا نمایند.

۳- در صورت عدم آمادگی طفل برای پاسخگویی از مصاحبه صرف نظر نمایند. تقسیم پرسشنامه به سه قسمت و تمهید مقدماتی چند جهت تقلیل هر نوع امکان انحراف، نمی‌توانست با زهم و علی‌رغم همه کوششهای فوق بدون چند اقدام مکمل صورت گیرد که اهم آن چنین است:

تحقیقی که در آن چند عنصر باهم به دنیای ذهنی کودک ارائه میشود و مخصوصاً با در نظر گرفتن ظرایف روانی خاص وی، ضریب انحراف ویژه‌ای به هنگام تداخل و یا فراموشی بعضی از عناصر می‌یابد. از اینرو، کوشش کردیم رده‌هایی طولانی در معرض قضاوت وی قرار نگیرد؛ یعنی چندین عنصر از بی هم بر او خوانده نشود و یا در معرض دیدش قرار نگیرد. زیرا، بسیار زود یکی را بر دیگری مرجح میدارد و حال آنکه بعضی را که در میانه جا دارند نمی‌بیند و نمی‌شنود.

مسأله‌ای دیگر که با زهم در تحقیقاتی که اولویت‌ها و ترجیحات را می‌سنجد، مطرح می‌شود، تمایل به پاسخهای منفی در برابر سوآلهای منفی و گرایش به واکنشهای مثبت در برابر پرسشهایی است که بصورتی دیگر یعنی در قالب‌های اثباتی عنوان میشود، در سراسر پرسشنامه کوشش گردید که طرح پرسش‌ها از این دیدگاه نیز کاملاً صورتی یکسان داشته باشند، تا از این طریق سوآلی بر سوآل دیگر به نادرست مرجح نگردد، بدین ترتیب، کودک همواره در برابر انگیزه‌هایی

قرار می‌گرفت که از هر نظریکسان گردیده بود.

در همین جهت، یعنی بمنظور جریان طبیعی اندیشه و بدست آوردن تصویر واقعی آن به یادداشت حالت خاصی که بر چهره کودک به محض طرح سؤال به‌عنوان انگیزه مصور می‌گردید، پرداخته شد. در واقع با در نظر گرفتن ناآشنائی کودک با مفاهیم، باید ادعان داشت که واکنش‌های کلامی او ترجمان دقیقی از اندیشه‌اش نیست. لذا آنچه بعنوان واکنش از دنیای روانی او بر چهره‌اش می‌تابد، می‌تواند بر بسیاری از گوشه‌های تاریکی که تاکنون در شناسائی واقعیت روانی وی وجود دارد، روشنی افکند. از اینرو، پرسشگر با آموزش‌های قبلی و آزمون‌های مقدماتی، مأموریت می‌یافت این حالات روانی را نیز یادداشت کند. کوششی مشکل بود، لیک سعی شد همواره یادداشت پاسخ کلامی و واکنش ظاهری همراه یکدیگر گردد و در چند پرسش متوالی، موجبات کنترل یکدیگر را فراهم آورد. بنابراین، زمانی که در چند مورد آنچه از جانب پرسشگر بعنوان واکنش کلامی کودک یادداشت شده بود با حالت روانی یادداشت تطابق نداشت، این پرسشنامه غیر معتبر شمرده میشد و از تحلیل آن صرف نظر می‌گردید.

علی‌رغم تمامی این کوششها، در این تحقیق مسائلی چند بر جای میماند که تذکر آن هم در جهت شناسائی میزان اعتماد به نتایج حاصل شده مفید می‌نماید و هم رهگشای تحقیقاتی دیگر میشود که می‌توانند مکمل نتایج آن گردند و خود در طریق شناخت بهتر فرهنگ، چشم‌اندازهای تازه‌ای بگشایند.

گذشته از مسائل کلاسیک تحقیق که به ارائه پاسخهای جبهه‌ای می‌انجامد و ذکر آن در این مجمل ضروری نیست (زیرا در تمامی تحقیقات علمی در زمینه اجتماعی و روانی موجود ایران بچشم می‌خورد) باید از مسأله دیگری یاد کرد که در جامعه آماری خاص ما پدید آمده است.

زمانی که شرط تکمیل پرسشنامه، داشتن تلویزیون از جانب خانوار است، رابطه جامعه آماری و جامعه نمونه در مناطق مختلف پایتخت صورتهائی خاص و چندگانه می‌پذیرد. از جمله آنکه در نواحی فقیرتر جمعیت نمونه پراکندگی بیشتری می‌پذیرد، زیرا، تراکم خانواده‌های دارای تلویزیون کمتر است، از اینرو، جمعیت نمونه از نظر جغرافیائی پوشش بیشتری در چهره جامعه آماری خواهد داشت، لیک از جانب دیگر و علی‌رغم این پوشش جغرافیائی وسیع، کمتر می‌تواند گویای مشخصات کل جمعیت باشد. در نواحی شمالی پایتخت اکثر خانواده‌ها دارای تلویزیون هستند. پس نمونه‌ای که از این جامعه آماری تشکیل می‌شود به همان نسبت که وسعت جغرافیائی کمتری خواهد یافت، دارای اعتبار بیشتری هست. لیک با توجه به تعداد نسبتاً قابل توجه خانواده‌های بدون تلویزیون در جنوب شهر باید ادعان کرد که

شرط ویژه جمعیت نمونه، که تلویزیون داشتن خانواده‌هاست، بمعنای قلم‌زدن بر تعدادی از خانواده‌ها در این زمینه است که فاقد این وسیله‌اند و این خود بمعنای فاصله بیشتر جمعیت نمونه از جامعه آماریست.

مسأله دیگر این بود که کوشیدیم این تحقیق در اسرع وقت صورت گیرد. آغاز کار تا پایان آن را زمانی نزدیک به سه ماه از هم جدا میکرد. هر چند وسائل جدید استخراج (کارت‌های I.B.M) مخصوصاً در مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S) موجبات سرعت در اخذ نتایج را فراهم میکرد، لیکن همه نارسائی‌هایی که تحلیل نتایج در زمانی کوتاه بدان دچار میشود، باید در آن یافت شود (هر چند که با توجه به کمبود وقت، تحلیل بسیاری از داده‌ها را رها کردیم) امیدواریم بتوانیم در فرصت‌های دیگر گزارش‌هایی دیگر بر مبنای این داده‌ها منتشر سازیم. در عین حال، وبمنظور استفاده علاقمندان مجموعه‌ای از جداول مهم گرد آمد که به ضمیمه این گزارش منتشر می‌شود. این است هدفها، زمینه اصلی و روش‌هایی که در جهت تحقیق آنان بکار آمد، با توجه به آنچه در زمینه جهات ضعف و قوت این روشها بیان داشتیم، میزان اعتماد به نتایجی که در فصول آینده طرح میشوند، مشخص میگردد. باید اذعان داشت دنیای ظریف، پیچیده و حساس کودک هر چند می‌تواند در قلمرو عینیت جاگیرد و با ابزاری دقیق سنجیده شود، لیکن بنظر ما در جهت سنجش مسائل و نیازها در این دنیای خاص باید نتایج تمامی بررسی‌های پنهانگر تا زمانی که با تحقیقی ژرفانگر نیامیخته‌اند، با قید احتیاط سنجیده شوند؛ زیرا مسائل چنان ابعاد کیفی می‌پذیرند که سنجش کمی و آنهم در سطحی وسیع، گویای معنای پدیده‌ها نیست. توزیع سؤالات بر حسب نوع آن و انتخاب مادر یا کودک برای پاسخ بدان، یادداشت دقیق حالات خاص چهره کودک بعنوان شاخصی گویا از دنیاهای اندیشه وی، در حقیقت چند کوششی است که ما را بسوی تحقیقی وسیع و تا حد امکان عمقی هدایت کرده‌اند. لیک باید این داده‌ها با جمعیت نمونه‌ای کوچکتر و با استفاده از روشهای تحقیقات عمقی که از آن جمله مصاحبه‌های طولانی است، تکمیل گردد. نتایج این بررسی در محدوده جغرافیائی خاصی حاصل آمد و جامعه آماری محدودی را می‌بوشانید. لذا، شناخت دیگر شهرهای ایران از این دیدگاه و مخصوصاً توجه به کودکان روستا هم تکمیل‌کننده و هم تصحیح‌کننده این داده‌هاست. از این طریق، هم، آورده‌ها با دقتی بیشتر و تجربه‌ای غنی‌تر تحلیل می‌شوند، هم ابزارها ظرافت تازه‌ای می‌پذیرند و هم آنکه مسائل در سطوحی وسیعتر سنجیده و مقایسه خواهند شد؛ ضمن تشکر از توجهات خاص وزارت فرهنگ و هنر که امکانات مالی انجام این تحقیق را از هر نظر فراهم ساختند، امید است تداوم چنین بررسی‌هایی بتواند بر شناخت هر چه بیشتر کودک و بالتبجه قوام خانواده در جامعه ایرانی مدد رساند.

بخش اول

ویژگیهای جمعیت نمونه و تماس کودکان با وسایل ارتباط جمعی

فصل اول

مشخصات جمعیت نمونه :

سراسر این گزارش به انعکاس عقاید، نظرات و گاه خواسته‌ها و در بسیاری از موارد، حدود تماس کودک با وسایل ارتباط جمعی اختصاص می‌یابد، از اینرو، بررسی مشخصات یا شناسنامه این گروه سخن‌گو ضروری می‌نماید. به بیان دیگر، زمانی که به کاهش فاحش ارقام در مقطعی خاص برسیم، باید انتظار تعمیم هر چه کم‌تر داده‌هایی را داشته باشیم که از طریق این جمعیت حاصل می‌شود، از این دیدگاه، زمانی که سخن از ویژگیهای جمعیت نمونه می‌رود، اعتبار تحقیق و به سخنی دیگر میزان توفیق آن نیز مطمئن نظر قرار می‌گیرد.

با بررسی ویژگیهای جمعیت نمونه از دیدگاه سن آغاز می‌نمائیم. همانطوریکه در مقدمه یادآور شدیم، کودکان پاسخگو در سراسر این تحقیق بین ۷ تا ۱۲ سال دارند، لیک با توزیع این گروه سنی در خلال ۶ سال چند داده دیگر بدست می‌آید. آنچه در این ارقام بیش از همه جلب نظر می‌نماید و نیازمند توضیح است، افزایش منظم تعداد کودکان با ارتقاء گروه سنی آنان است. همانطور که در مقدمه آمد، پرسشگران وظیفه داشتند خانواده‌ای را جزء جمعیت نمونه به حساب

آورده و با مادر و کودک آن مصاحبه نمایند که کودکی بین ۷ تا ۱۲ سال داشته باشد. چنانچه خانواده‌ای بیش از یک کودک در این گروه سنی داشت، پرسشگر موظف بود بین آنان قرعه‌کشی نماید تا یکی بطور تصادفی برگزیده شود. لیک همواره بسوی گروه‌های بالاتر سنی گرایش حاصل شده است. زیرا، با ارتقاء سن، مسائل صورتی پیچیده‌تر می‌یافت و بعد اجتماعی و فرهنگی آن صورتی وسیع‌تر می‌پذیرفت و به هنگام پاسخ، کودک سریع‌تر، بهتر و با وضوحی بیشتر رفتار می‌نمود. بدین جهت، و باتوجه به این علل، پرسشگران گاه آگاهانه و گاه بصورتی ناآگاه دستور اولیه را بطور دقیق رعایت نمی‌نمودند. عدم توزیع تصادفی افراد نمونه در بین شش سال، نشان‌دهنده تأکید بیشتر بر گروه‌های سنی بالاتر و در نتیجه اعتبار بیشتر تحقیق برای چنین گروه‌هایی است؟

جدول شماره ۱

توزیع رابطه بین سن و تعداد پاسخگو

سن کودک	ساله ۷	ساله ۸	ساله ۹	ساله ۱۰	ساله ۱۱	ساله ۱۲	جمع
فراوانی پاسخگو	۶۶	۱۱۵	۱۱۴	۱۵۰	۱۷۴	۱۸۱	۸۰۰
نسبت پاسخگو	۸/۲	۱۴/۴	۱۴/۲	۱۸/۸	۲۱/۷	۲۲/۶	۱۰۰٪

توزیع پدران و مادران بر اساس همین متغیر یعنی سن آنان، نشان‌دهنده چند ویژگی است که بعضی از آنان بسیار معمول و قابل پیش‌بینی است. از آنجمله است تفاوت سن بنفع مرد با فاصله‌ای حدود ۱۰ سال (با ۹٪ تفاوت کمی و یکسال کاستی) ۸۷/۶ زنان بین ۲۶ تا ۴۰ سال دارند و ۸۸/۵ مردان بین ۳۵ تا ۵۵ سالگی قرار می‌گیرند. این داده‌ها مشخص‌کننده میزان شکاف سنی بطور دقیق نیست، زیرا هر یک از زوجین را در مقایسه با دیگری از دیدگاه سن مورد بررسی قرار

۲ - چنین گرایشی در گرایش جمعیت نمونه باتوجه به متغیر جنسی بچشم نمی‌خورد. زیرا، از ۸۰۰ کودک، ۴۵٪ را دختران و ۵۵٪ را پسران تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۲

توزیع والدین بر حسب سن

سن والدین	۲۱-۲۵	۲۶-۳۰	۳۱-۳۵	۳۶-۴۰	۴۱-۴۵	۴۶-۵۰	۵۱-۵۵	۵۶-۶۰	۶۱ و بیشتر	جمع
مادر	۴۳	۱۵۳	۲۱۹	۲۱۱	۱۱۸	۵۰	۰	-	۱	۸۰۰
نسبت	۵/۴	۱۹/۱	۲۷/۴	۲۶/۴	۱۴/۷	۶/۳	۰/۶	-	۰/۱	۱۰۰٪
پدر	-	۲۱	۸۳	۱۷۲	۲۵۰/۱	۲۰/۴	۱۱/۱	۴/۷	۴۳	۸۰۰
نسبت	-	۲/۶	۱۰/۴	۲۱/۵	۲۵/۱	۲۰/۴	۱۱/۱	۴/۷	۴/۱	۱۰۰٪
تعداد	-	۲۱	۸۳	۱۷۲	۲۰۱	۱۶۳	۸۹	۲۸	۴۳	۸۰۰
تعداد	-	۲۱	۸۳	۱۷۲	۲۰۱	۱۶۳	۸۹	۲۸	۴۳	۸۰۰

توزیع خانوار بر حسب تعداد افراد

جدول شماره ۳

جمع	دوازده و بیشتر	یازده	ده	نه	هشت	هفت	شش	پنج	چهار	سه	تعداد افراد خانوار
۸۰۰	۱۳	۱۵	۳۰	۶۸	۸۸	۱۴۸	۱۷۳	۱۵۴	۹۶	۱۵	توزیع نسبی
۹۹/۹	۱/۶	۱/۹	۳/۷	۸/۵	۱۱/۰	۱۸/۵	۲۱/۶	۱۹/۲	۱۲/-	۱/۹	

توزیع خانوارها بر حسب تعداد فرزندان

جدول شماره ۴

ده و بیشتر	نه	هشت	هفت	شش	پنج	چهار	سه	دو	یک	تعداد
۱۰	۱۲	۳۷	۶۹	۷۷	۱۲۹	۱۶۶	۱۷۱	۱۰۹	۲۰	توزیع نسبی فرزندان
۱/۲	۱/۵	۴/۶	۸/۶	۹/۶	۱۶/۱	۲۰/۷	۲۱/۴	۱۳/۶	۲/۵	

نمیدهد. (چیزی که در محدوده هدفهای این تحقیق نیز نمی‌گنجد). لیک پدیده‌ای بسیار معمول و قابل پیش‌بینی را نشان می‌دهد که کاهش ابعاد آن نیز به همان نسبت بطور معمول رخ می‌نماید.

گذشته از این، از خلال توزیع والدین با توجه به متغیر سن، چنین برمی‌آید که این تحقیق از عقاید مادران سالمند (بالتر از ۴۵ سال) اطلاعی بسیار ناچیز می‌گیرد (فقط ۶/۹٪ کل جمعیت نمونه مقاطع سنی بالاتر از ۴۵ سال را در بر می‌گیرد) و این نیز چندان غیر قابل پیش‌بینی نیست. زمانیکه تحقیق را به شناخت واکنش‌های کودکان ۷ تا ۱۲ ساله اختصاص دادیم، منتظر مادرانی نیز بودیم که سن آنان اقتضای داشتن فرزندان در این مقطع سنی را نماید. بنابراین و با توجه به این داده‌های عینی، می‌بینیم که ساخت درونی سن کودکان، گرایش بسوی بالا دارد، در حالیکه همین گرایش در بین مادران بسوی جوانی است.

همین داده‌ها می‌تواند تعیین‌کننده حجم خانوار نیز باشد که از دو دیدگاه به بررسی آن پرداخته می‌شود؛ دیدگاه اول شناخت آماری تعداد کل افراد خانوار است. مفهوم خانوار در این تحقیق با تصحیح جزئی بکار گرفته شد. بدین معنی، که خانوار یک نفره و حتی متشکل از زن و شوهر در این تحقیق مطمح نظر قرار نمی‌گرفت. بلکه خانوار دارای فرزند یا فرزندان ۷ تا ۱۲ ساله بحساب آمد. جدول شماره ۳ تعداد خانوارهایی را که بدین ترتیب برگزیده شده‌اند، نشان می‌دهد: الگوی معمول، تجمع چهار تا ۸ نفر در یک خانوار است (بیش از چهار خانوار نمونه در این الگوی کمی جای می‌گیرد) لیک توزیع درونی این گروه وسیع تمایل به تجمع بر اطراف میانگین ۵ تا ۶ فرزند نشان می‌دهند. حجم خانوار را بدون توجه به سمت اعضاء مورد پرسش قرار دادیم. از اینرو، توزیع کمی هر یک از اعضاء خانواده با توجه به نوع رابطه او با رئیس خانوار ممکن نیست، لیکن با پرسشی دیگر تعداد فرزندان خانوار بدست می‌آید. از اینرو به توزیع خانوارهای نمونه بر حسب تعداد فرزندان آن نیز پرداخته شد.

شرایط خاصی که در این تحقیق به هنگام گزینش جمعیت نمونه در نظر گرفته شده بود، موجبات کاهش جمعیت خانوارهای یک و حتی ۲ فرزندی را در جمعیت فراهم می‌آورد. داشتن کودکی بین سنین ۷ تا ۱۲ سال، مستلزم حداقل ۸ سال سابقه ازدواج است که خود امکان باروری بیش از دو فرزند را فراهم می‌آورد. از این‌روست که صرفاً ۲/۵ درصد کل جمعیت نمونه از خانواده‌های یک فرزندی تشکیل می‌شوند. همین واقعیت یعنی کم شماری خانواده‌های یک یا دو فرزندی در کل جمعیت نمونه علی‌رغم دیگر مشخصات این جمعیت که شهری بودن، تلویزیون‌دار بودن از جمله آنان است، موجبات افزایش میانگین باروری را فراهم

جدول شماره ۰

توزیع والدین بر حسب محل تولد

محل تولد والدین	پدر روستا مادر روستا	پدر شهر دیگر مادر روستا	پدر تهران مادر روستا	پدر روستا مادر شهر دیگر	پدر شهر دیگر مادر شهر دیگر	پدر تهران مادر شهر دیگر	پدر روستا مادر تهران	پدر شهر دیگر مادر تهران	پدر تهران مادر تهران	جمع	توزیع نسبی والدین	
											نسبی	توزیع
	۹۱	۲۱	۱۲	۱۶	۳۶۱	۴۵	۱۳	۱۰۰	۱۴۱	۸۰۰	۱۱/۴	۲/۶
	۱۱/۴	۲/۶	۱/۵	۲/۰	۴۵/۲	۵/۶	۱/۶	۱۲/۵	۱۷/۶	۱۰۰		

می‌آورد (این میانگین به حدود ۴/۳ میرسد). با اینهمه، جامعه آماری این تحقیق با توجه به همه شرایطی که بر آن تعیین شده است از دیدگاه‌های چند پیشرو دیگر قشرهای ایران است و مسائل و نیازهای آن باید در بسیاری از موارد با فاصله‌های زمانی کوتاه یا دراز در دیگر قشرهای اجتماعی ایران نیز بنحوی خاص تجلی کند.

تحرك جغرافیائی جمعیت نمونه از دیدگاهی خاص سنجیده شد: شناخت محل تولد والدین در مرحله اول و بررسی مدت اقامت در تهران در مرحله دوم، شاخصهای شناخت حرکات جمعیت تعیین گردید. باید متذکر شد که از خلال این شاخصها از طرفی حرکات احتمالی جمعیت متولد در تهران بکلی ناشناخته باقی ماند و از طرف دیگر، در مورد آنان که در روستا و یا شهر دیگر متولد شده‌اند، حرکات جمعیت بدون احتساب مسیرهای حرکت بسوی تهران و احتمالاً مناطقی که بصورت ایستگاه جهت تمهید مقدمات مهاجرت بسوی پایتخت بکار آمده‌اند، شناخته نشد. لیکن، با توجه به اهمیتی که در این تحقیق متغیر میزان اقامت در پایتخت جهت سنجش اثرات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران بخود می‌گرفت، مدت اقامت هم بطور متوالی و هم متواتر احتساب گردید. جدول شماره ۵ توزیع جمعیت را بر اساس محل تولد آنان بطور ترکیبی (با پیوند محل تولد پدر و مادر با یکدیگر) مشخص میدارد. از خلال این توزیع نه تنها تصویری روشن از منشاء جغرافیائی جمعیت با توجه به متغیر روستا، شهر و پایتخت و آنهم در نسل کنونی بدست می‌آید، بلکه تأثیر ترکیب عامل جغرافیا در مورد پدر و مادر بر کودکان نیز قابل احتساب است. هدفهای فرعی دیگری نیز میتواند با این توزیع تحقق یابد که دیگر تحقیقات را مفید افتد، از آنجمله بعد جغرافیائی همسرگزینی است که نشان‌دهنده بقاء خاص اهمیت جغرافیا در گزینش همسر در جامعه امروز پایتخت علی‌رغم تحرك وسیع جمعیت در سطح جغرافیا است. با توجه به داده‌های عینی چنین بنظر می‌آید که جمعیت نمونه منشاء شهرستانی دارد. (از ده نفر کل افراد نمونه زن و مرد بیش از هفت نفر آن خارج از تهران متولد شده است) در بین متولدین خارج از تهران ضریبی که بطور تقریب حاصل میشود، نسبت است (بنفع متولدین شهر در برابر روستا). اما از دیدگاه پدر و مادر نسبت روستائیان درست مشابه با یکدیگر است (۱۵/۵ درصد مادران روستائی هستند در برابر ۱۵ درصد مردان) و تنها تفاوت در مورد میزان متولدین تهران و شهر دیگر ظاهر می‌شود. در این مورد، با ۷٪ اختلاف در جایجایی اعداد بنفع مادران متولد در تهران می‌رسیم. به بیان دیگر، تهرانی‌الاصل بودن زنان در حدود ۷٪ بر مردان رجحان کمی می‌یابد که همین ۷٪ را مردان در مورد تولد در شهرستان در مقابل زنان باز می‌یابند.

شاخص دیگری که جهت سنجش تحرك جغرافیائی جمعیت بکار آمد،

بیش از همه ناظر برسالهای اقامت در تهران بود که بصورت پیوسته و متواتر محاسبه میگردد (جدول شماره ۶) .

اقامت در تهران بصورت گسسته و غیرمتوالی در این جمعیت تقریباً بی معنی است . زیرا ، در کل جمعیت نسبت اقامت پیوسته به اقامت غیر پیوسته در حدود است ، و آنچه بصورتی کاملاً طبیعی و قابل پیش بینی ملاحظه میشود ، حرکات بیشتر مردان در برابر زنان است . به بیانی دیگر ، نسبت اقامت متوالی به گسسته با توجه به متغیر جنس چنین است :

نوع اقامت	مرد	زن
اقامت پیوسته	۱۵	۲۳
اقامت گسسته	۱	۱

این واقعیت که مهاجرت جمعیت ، بعد از آغاز اقامت در تهران به حداقل کاهش می پذیرد ، از دیدگاه باین تحقیق از آنرو حائز اهمیت است که نشان میدهد اولین اثرات فرهنگی و اجتماعی تهران بر خانواده بدون انقطاع بعدی استمرار می پذیرد . بنابراین فرزند شهرستانی و روستائی به محض آغاز اقامت در تهران دچار تنوع فرهنگی و محیط اجتماعی نیست .

ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی

دامنه چنین متغیراتی چنان وسیع بود که ناچار انتخاب بعضی از آنان با در نظر گرفتن هدفهای تحقیق ضروری مینمود . از اینرو ، موقعیت اجتماعی والدین با شاخص شغل و درآمد مورد سنجش قرار میگیرد و خصوصیات فرهنگی خانوار از طریق میزان تحصیل پدر ، مادر و فرزندان . از دیدگاه شغلی باید متذکر شویم قالبهای معمول شغلی نظر به شرایطی که از قبل برای جمعیت نمونه تعیین شده بود ، قابل اعمال بر آن نیست . بعنوان مثال ، بازنشسته ، از کار افتاده ، بیکار فصلی در این جمعیت بچشم نمیخورد . بنابراین در مورد بیکاری فقط بیکاران در انتظار کار تعداد قلبی را در بر میگرفت (۳ نفر) و آنهم در مورد مردان . برعکس ، معیارهای گزینش جمعیت نمونه موجبات تجمع هر چه بیشتر کارمندان را فراهم آورده بود . از اینرو و در جهت ظریف تر کردن قالبها که در نهایت به سنجش بهتر داده ها منتهی خواهد شد ، سه نوع کارمند در جمعیت نمونه شناخته شد : کارمند جزء ، کارمند متوسط (که خود به متوسط متمایل به پائین و متوسط متمایل به بالا تقسیم میشد) و گروههای عالی . کارمند جزء افرادی از قبیل : درجه دار ارتش ، پاسبان و . . . را در بر

جدول شماره ۶

توزیع والدین غیر تهرانی بر حسب مدت اقامت در تهران

	به دفعات				پیوسته				مدت اقامت در تهران به سال والدین
	۱۱-۱۰	۰-۱۰	۲-۴	۰-۱	۱۱-۱۰	۰-۱۰	۲-۴	۰-۱	
۱۶ و بالاتر					۱۶ و بالاتر				
۲۰	۳	۵	۱	۱	۴۰۷	۶۳	۱۵	۴	فراوانی پدر
۳/۲۲	۰/۴۸	۰/۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۶۵/۶۴	۱۰/۱۶	۲/۴۱	۰/۶۴	نسبت
۶	۱۲	۳	۱	۱	۳۲۳	۸۳	۱۱	۴	فراوانی مادر
۰/۹۶	۱/۹۳	۰/۴۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۵۰/۲	۱۰/۳۳	۱/۷۷	۰/۶۴	نسبت

جدول شماره ۷
توزیع والدین بر حسب نوع شغل

جمع	گروههای عالی	کارشناس		تاجر و سرمایه دار	کاسب و پیشه ور	کارگر		بیکار و خانه دار	شغل والدین	
		۳	۲			۱	فنی			ساده
۸۰۰	۴۳	۵۵	۲۲۰	۶۰	۴۷	۲۱۶	۱۱۹	۲۷	۳	پسدر
۱۰۰/۶	۵/۳	۶/۹	۲۷/۵	۷/۵	۵/۹	۲۷/۰	۱۴/۹	۱/۳	۳/۴	
۸۰۰	۳	۱۳	۶۰	۱	-	-	۹	۸	۷۰/۶	مادر
۱۰۰/۶	۰/۳	۱/۶	۷/۵	۰/۱	-	-	۱/۱	۱/۰	۸۸/۴	

میگرفت. کارمند متوسط متمایل به پائین دربرگیرنده این افراد بود: افسران تا درجه سروانی، آموزگاران و کارمند متوسط متمایل به بالا افرادی نظیر: دبیر، رؤسای ادارات، افسران تا درجه سرتیپی و شامل میشد.

گروههای عالی عبارت بودند از: قضات، مهندسين، وكلا، دكترها، مدیران كل، امراء ارتش، استادان دانشگاه، مشاورین اقتصادی، تجار، وزراء و . . . علاوه بر این، ساخت شغلی جمعیت نمونه ازجهاتی دیگر نیز بدیع مینمود.

از جمله آنکه نظربه شهری بودن این جمعیت گروههای دهقان و خوش نشین در آن بچشم نمیخورد. ولی ازجانبی نیز به مالکین زراعی برنمیخوریم. درمورد مادران ترکیب درونی مشاغل صورتی نسبتاً معمولی داشت. بدین معنی که مانند همیشه خانهداری نزدیک به ۹۰٪ جمعیت را دربرمیگرفت وهنجار معمول شغل کارمندی دولت بود که تقریباً تمامی شاغلین را بخود اختصاص میداد. مانند همیشه مفهوم خانهدار کلیه زنانی را که درخانه بکاری میپردازند ویا آنکه بدون وظیفه خاص ویا لزومی اجتنابناپذیر زمان فعالیت را درخانه میگذرانند دربر میگرفت. این صفت ویژه اشتغال زنان درایران است و با قالبهای معمول تحقیق نیز قابل تشخیص نیست؛ زیرا، همواره درپاسخ پرسشگران که به چه شغلی مشغول هستید کلیه زنانیکه درخارج ازخانه فعالیت اقتصادی ندارند خودرا خانهدار میخوانند.

این ویژگیهای جمعیت نمونه درسطح درآمد نیز ادامه مییافت واین هر دو شاخص را که به تکمیل یکدیگرمیپردازند، در ویژگیهای اجتماعی باهم آوردیم. گرایش جمعیت نمونه به مشاغل بالا تعیین کننده سطح درآمد نسبتاً بالای این جمعیت نیز هست. ازاینرو ملاحظه میشود که درآمد کمتر از ۵۰۰ تومان نسبت بسیار ناچیزی از جمعیت نمونه را شامل میشود (۱/۷ درصد) درحالیکه دربین این جمعیت از هر ۷ نفر یک نفر درآمدی بالاتر از پنج هزار تومان دارد و دونفر از پنج نفر درکل جمعیت نمونه بین هزار تا پنجهزار تومان درآمد ماهانه دارند. بالای بودن سطح درآمد مخصوصاً از اینجهت روشن میشود که صرفاً هنگام پرسش، میزان دریافتی یادداشت میگردد (جدول شماره ۸).

بدین ترتیب، با احتساب شاخصهای نوع شغل و میزان درآمد، تصویری از موقعیت اجتماعی بدست آمد، لیک این موقعیت باید تأثیری مستقیم بر شرایط فرهنگی خانوارهای نمونه برجای گذارد.

درجهت سنجش ویژگیهای فرهنگی، ابتدا شاخص میزان تحصیل والدین مورد توجه قرار گرفت: با توجه به این شاخص هم به برجستگی دارندگان مدرک ششم ابتدائی تا دیپلم (که بیش از نصف جمعیت را دربرمیگیرند) برمیخوریم وهم

جدول شماره ۸ توزیع درآمد ماهانه خانوار

میزان درآمد به ریال	۵۰۰۰ تا		۱۰۰۰۰ تا		۱۵۰۰۰ تا		۲۰۰۰۰ تا		۳۰۰۰۰ تا		۴۰۰۰۰ تا		۵۰۰۰۰ تا		۷۵۰۰۰ تا		۱۰۰۰۰۰ تا		توزیع نسبی خانوار									
	۵۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	۵۰۰۰۰	۷۵۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۲۷	۱۴	۱۳۱	۱۶/۴	۱۳۱	۱۶/۴	۱۲۵	۱۵/۶	۱۰۶		۱۳/۲	۱۳۹	۱۷/۴	۵۷	۷/۱	۲۶	۷/۲	۳/۴	۱/۷
۱۰۰۰۰۱ و بیشتر																												

جدول شماره ۹ توزیع رابطه بین کلاس و تعداد پاسخگو

کلاس کودک	کلاس اول	کلاس دوم	کلاس سوم	کلاس چهارم	کلاس پنجم	اول راهنمایی	دوم راهنمایی	کلاس جمع	نسبت فراوانی پاسخگو
۸۷	۱۳۱	۱۵۸	۱۶۴	۱۵۳	۹۱	۱۶	۲	۸۰۰	۱۰/۹
۱۶/۴	۱۹/۷	۲۰/۵	۱۹/۱	۱۱/۴	۲	۱۰۰٪			

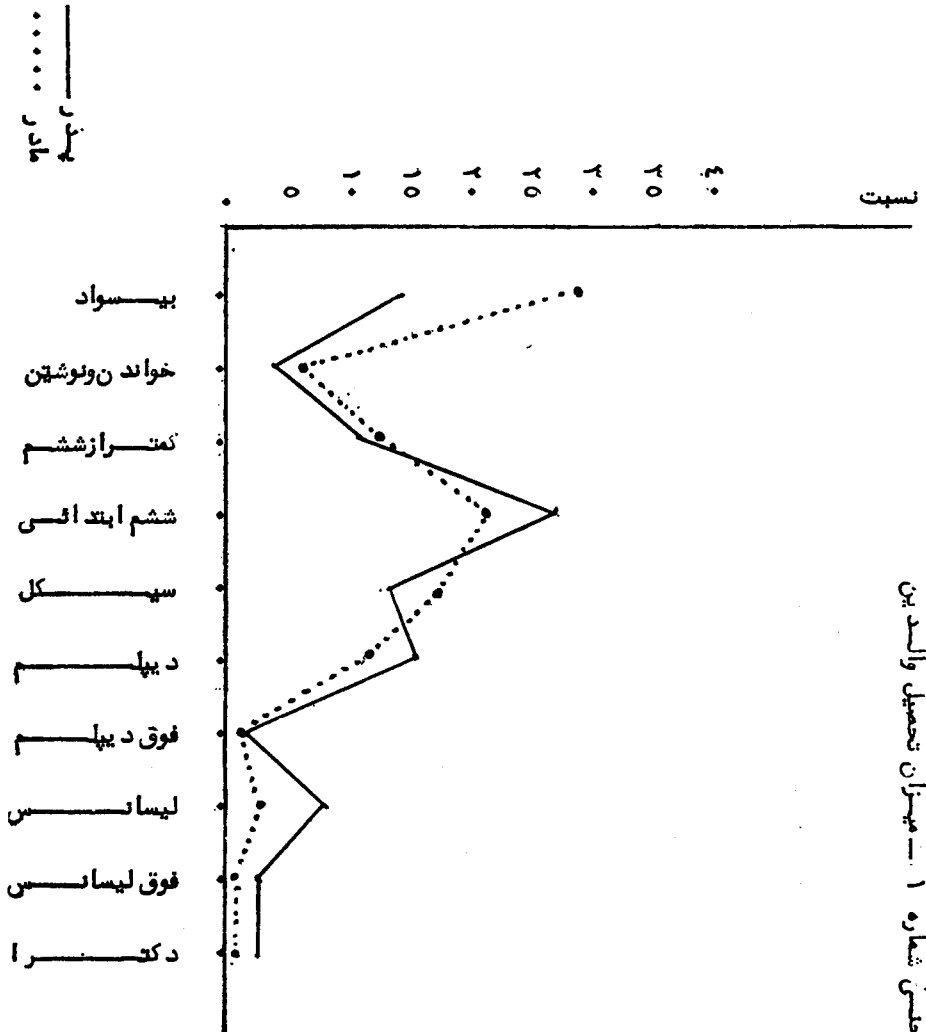
به قلت دارندگان تحصیلات عالی . لیک ، آنچه باید بیش از همه دسراسر این تحقیق مورد توجه قرار گیرد ، حجم بیسوادی است و یا آنچه را که بدستی میتوان هم‌مرز بیسوادی دانست . (از هر چهار نفر يك نفر یا بکلی بیسواد است و یا آنکه سواد قدیمی ، قرآنی و در هر حال ، دور از سازمان آموزشی دارد) . منحنی شماره ۱ در عین حال توزیع هر يك از مقاطع تحصیلی را با توجه به زن و مرد مشخص میدارد . این توزیع مخصوصاً از آن رو جالب است که نه تنها ویژگیهای فرهنگی مادر بر کودک اثراتی وسیع برجای میگذارد ، بلکه دسراسر این تحقیق سئوالاتی (همانطور که در مقدمه به تفصیل متذکر شدیم) یا به کمک مادر و یا صرفاً توسط مادر پاسخ یافتند . با این توزیع آنچه را که همواره در ایران بعنوان اولویت و یا رجحان فرهنگی مرد از دیدگاه میزان تحصیلات دیده‌ایم بطرزی فاحش جلب نظر میکند . بدین معنی که در بین بیسوادان نسبت بیسوادی زنان دو برابر مردان است ، در حالیکه نسبت آنانیکه به تحصیلات عالی دست یافته‌اند ، در بین مردان چهار برابر زنان است . بطور کلی ، در مورد زن و مرد از دیدگاه تحصیل دوجهت مخالف بچشم می‌خورد : جهتی که ارقام در آن گرایشی بتمامی مقاطع پائین دارند و جهتی دیگر که در آن ارقام با تأکید بر مدرک ششم ابتدائی گرایشی چشم‌گیر به تحصیلات حدود دیپلم و عالی نشان میدهند .

شرایط فرهنگی پاسخگویان را از دیدگاه میزان تحصیل کودکان نمونه نیز که قسمت اعظم سئوالات را پاسخ گفته‌اند ، سنجیده‌ایم . لیکن ، متذکر می‌شویم که با توجه به سنین خاصی جمعیت نمونه ، پراکندگی چشم‌گیری نخواهیم داشت . (جدول شماره ۹) .

همچنانکه در صفحات پیشین ملاحظه گردید ، پرسشگران آگاهانه و یا ناآگاه ، گرایشی به انتخاب کودکانی درسین بالا نشان میدادند . این گرایش بطور طبیعی با فراوانی بیشتر کودکان در کلاسهای بالاتر تجلی مینماید ؛ آنچنان که بطور منظم با بالاتر رفتن کلاس میزان جمعیت نمونه نیز در آن افزایش می‌یابد (به استثنای کلاسهای راهنمایی که با توجه به حد نهائی سن در این تحقیق ، یعنی ۱۲ سال ، می‌توانست صرفاً آنانی را دربرگیرد که زودتر از دیگران به تحصیل پرداخته‌اند) . این بود ویژگیهای جمعیتی که دسراسر این تحقیق به تشریح نظرات ، ادراکات و در هر حال سنجش جزئی از جهان بینی آنان تا آنجا که به خانه و مدرسه و وسائل ارتباط جمعی مربوط میشود ، می‌پردازیم .

این اطلاعات مجمل جزئی از شناسنامه این جمعیت است و شناخت این ویژگیها مارا در تعیین واکنش‌های آنان یاری خواهد داد .

بندگی شماره ۱ - میزان تحمیل والدین



فصل دوم

كودك در برابر راديو ، تلويزيون ، سينما و تئاتر ، مطبوعات و كتب غير درسي

بعد از شناخت موجز جمعيت نمونه ، در اين بخش داده‌هائي عيني از ميزان تماس كودك با وسائل ارتباط جمعي ارائه ميشود ، سؤال خاصي كه تمامي اين بخش بر آن مبتني است ، بدین ترتيب بيان می‌شود : حال كه پيامهاي فرهنگي از منابع گوناگون براي كودك ارسال می‌شود ، تا چه حد كودك كه هدف و موضوع پيام است ، بدان ميگرايد ؟ بدون آنكه ميزان تماس ، حاكي از ميزان دقيق تأثر باشد ، بايد اذعان داشت منبئي كه بيش از همه در تماس با كودك و يا والدين اوست ، بايد در اكثر موارد آثار بيشترى بر تشكّل شخصيت وي برجاي نهد. از آن روست كه با شاخصهائي خاص از جمله ميزان زمان صرف شده به سنجش ابعاد تماس پرداخته ميشود . تكنيكي كه بمنظور پاسخ به اين سؤال در تمامي اين فصول بكار آمد ، در مرحله اول اندازه‌گيري دقيق زماني بود كه در ۲۴ ساعت گذشته به تلويزيون اختصاص يافته است . بمنظور محاسبه هرچه دقيقتر اين زمان ، پرسشگر وظيفه داشت ابتدا سؤال كند : «روز گذشته از هنگام بيداري تا هنگام خواب آيا به تلويزيون تماشا کرده‌اي يا خير ؟» در صورت مثبت بودن پاسخ فضاي زماني را به سه قسمت بمنظور اندازه‌گيري هرچه بيشتر زمان اختصاص يافته تقسيم ميكرد ، ابتدا می‌پرسيد : «از صبح تا ظهر چقدر از وقت خود را به اين وسيله اختصاص داده‌اي ؟» و سپس از ظهر تا هنگام غروب آفتاب و بعد از غروب آفتاب تا هنگام خواب ؟ پرسشگر بدان منظور كه تصوير زماني روز گذشته صورتی خاص و استثنائي نداشته باشد ، وظيفه

داشت قبل از انجام هر پررسی در این زمینه با روشهای متعدد مطمئن شود که روز قبل در این خانواده حادثه‌ای خاص بر چهره زندگی آنان اثر نداشته است ، یعنی روز گذشته روز معمول زندگی آنان بوده است ، هنجارهای خاصی که از آن بدست می‌آید با توجه به قانون اعداد بزرگ ، می‌تواند تصویری نسبتاً دقیق از نوع رفتار کودکان در برابر تلویزیون یا هر نوع وسیله ارتباطی بدست دهد. در مرحله بعد ، تصویری هر چند مبهم از میانگین زمانی صرف شده توسط کودک برای تلویزیون در طول سال تحصیلی در یک شبانه روز عادی بدست آوردیم .

با هر دو تکنیک ، به سنجش زمان صرف شده توسط کودک در مطالعه کتب درسی نیز پرداخته میشد. لیک ، پاسخها در حدود ۷۸٪ موارد از سوخ بسیار ناچیز این وسیله با توجه به زمان خاص غیر تحصیلی (تابستان) در بین کودکان حکایت داشت . ارتباط با مدرسه نیز در این فصل ناچیز بود . از اینرو ، باید گفت این بررسی را نیاز به تحقیقی دیگر است که در فصل تحصیل بعمل آید. چه ، هم داده‌هایش را مکمل خواهد بود و هم در بسیاری از موارد موجبات تصحیح ابزار سنجش و تکمیل آنان را فراهم خواهد آورد . این وسایل با توجه به نوع امکان آنان در انتقال پیامهای فرهنگی در دو فصل مورد بررسی قرار میگیرند : فصلی که به پیامهای مکتوب اختصاص می‌یابد و در آن مطبوعات و کتب جای میگیرند و فصل دیگر پیامهای غیر مکتوب را از طریق سنجش رادیو ، تلویزیون ، سینما و تئاتر به سنجش می‌گذارد .

پیامهای غیر مکتوب

الف : تلویزیون

- چند داده عینی : تصویر واقعیت

در این فصل ، با توجه به هدف آن که اندازه‌گیری تماس عینی کودک با تلویزیون بعنوان وسیله انتقال‌دهنده پیام است ، در ابتدا ابعاد تماس سنجیده میشود و سپس تنوع آن در قشرهای مختلف اجتماعی مشخص میگردد . به بیان دیگر ، سؤال مهم در این فصل چنین است : بزرگترین مشتریان تلویزیون در این سنین کدامند ؟ آنانیکه کمتر از همه به محتوی پیام این منبع دست می‌یازند ، به کدام گروه اجتماعی تعلق دارند ؟

توزیع کودکان بر حسب زمان تماشای تلویزیون در روز قبل

جدول شماره ۱۰

توزیع نسبی کودکان	کودکان	توزیع نسبی	۱۵۳	۲۱۰	۱۹۷	۱۱۰	۶۳	۴۰	۲۷	۸۰۰	۱۰۰٪
زمان تماشای تلویزیون	کمتر از یکساعت	۱-۱/۵۹	۲۲/۲	۲۴/۶	۱۳/۷	۳-۳/۵۹	۵-۵/۵۹	۶ به بالا	جمع		

توزیع کودکان بر حسب زمان تماشای تلویزیون در طول سال تحصیلی

جدول شماره ۱۱

توزیع نسبی کودکان	کودکان	توزیع نسبی	۲۱	۵۷	۲۱۳	۷۲	۲۳۳	۳۵	۱۰۹	۴۴	۱۱	پنج و بیشتر
زمان تماشا در هر روز	کمتر از ۳۰ دقیقه	۱-۱/۲۹	۲۶/۶	۹/-	۱/۳۰-۱/۵۹	۲-۲/۲۹	۲/۳۰-۲/۵۹	۳-۳/۵۹	۴-۴/۵۹	ساعت	ساعت	پنج و بیشتر

با تکنیک اول ، یعنی سنجش و اندازه گیری زمان صرف شده توسط کودک در تماشای تلویزیون ، داده‌هایی بدست می‌آید که در جدول شماره ۱۰ منعکس است . از این داده‌ها چنین برمی‌آید که تماس کودک و تلویزیون در روز قبل همواره صورت گرفته است . میزان تماس بطور معمول از یک تا سه ساعت بطول می‌انجامد (بیش از نصف جمعیت ، چنین میزان تماسی با تلویزیون داشته‌اند) .

با تکنیک دوم ، یعنی احتساب زمان متوسطی که در طول سال صرف تماشای تلویزیون شده است ، ارقامی بدست می‌آید که بهیچوجه اعتبار آمار قبلی را ندارد . لیک ، می‌تواند آغاز بررسی‌های دیگری باشد که به اندازه گیری تماس کودک با تلویزیون در فصولی غیر از فصل تابستان می‌پردازند .

تصویری که از این ارقام بدست می‌آید ، در جدول شماره ۱۱ منعکس گردیده است .

تماشای تلویزیون در خلال سال تحصیلی ، با توجه به پاسخ کودکان نمونه ، تصویری متمایز از رفتارشان در ۲۴ ساعت گذشته در برابر چنین وسیله‌ای به خود می‌یابد ، ویژگی‌های خاص این تصویر چنین‌اند : در مرحله اول ، می‌بینیم تماس کودک با تلویزیون در خلال سال تحصیلی در مقطع زمانی کمتر از یک ساعت بسیار متفاوت است . با میزان تماس کودکان با تلویزیون در جریان ۲۴ ساعت گذشته (۱۰/۷٪) کودکان در جریان سال تحصیلی کمتر از یک ساعت به تماشای تلویزیون نشسته‌اند ، در حالیکه ۱۹/۱٪ همین کودکان در ۲۴ ساعت قبل کمتر از یک ساعت در تماس با تلویزیون بوده‌اند) . با این داده‌های عینی چیزی خلاف فرضیه‌های قبلی بدست آمد . به بیان روشن ، ابتدا چنین تصور می‌شد که در زمان غیر تحصیل (با توجه به فراغت بیشتر) کودک تماس زمانی بیشتری با تلویزیون می‌یابد ، در حالیکه در عمل چنین بنظر می‌آید که جمعیت کمتری به صرف این زمان پرداخته‌اند و باید اکثر آنان را در مقاطع زمانی بالاتر جست .

با اینهمه ، در قسمت نهائی جدول فرضیه گذشته تأیید می‌شود یعنی آنانی که بیشتر از چهار ساعت صرف تماشای تلویزیون کرده‌اند ، در جریان ۲۴ ساعت قبل بیش از دو برابر آنانی هستند که در جریان سال تحصیلی همین میزان تماس را با تلویزیون داشته‌اند ، بدین ترتیب ، در جهت تأیید و یا رد این فرضیه داده‌هایی بچشم می‌خورند که بنظر ما علیرغم دید اول متناقض نیز نیستند . زیرا ، بزعم ما ، آنگاه که تکنیک بررسی دقت لازم را ندارد ، یعنی به احتساب میزان تماس در فضائی بسیار وسیع می‌پردازد ، به طور طبیعی تمایل پاسخگویان به میانگین شمارست . از همین روست که از خلال بیان پاسخگویان کودک چنین برمی‌آید که در جریان سال تحصیلی ۷۲/۷٪ آنان بین ۱ تا ۴ ساعت در شبانه روز معمولی صرف تلویزیون کرده‌اند ،

جدول شماره ۲۰. توزیع نسبی اظهار نظر کودکان بر حسب سن آنان در مورد مدت زمان شناسایی تلویزیون در سن کودک

سن کودک	اظهار نظر	کمتر از یک ساعت	یک ساعت تا کمتر از دو ساعت	دو ساعت تا کمتر از سه ساعت	از چهار ساعت تا کمتر از پنج ساعت	سه ساعت تا کمتر از چهار ساعت	چهار ساعت تا کمتر از پنج ساعت	پنج ساعت تا کمتر از شش ساعت	بیشتر از شش ساعت و بیشتر	مجموع	تعداد پاسخگو
هفت ساله	هفت ساله	۱۸/۲	۵/۵	۸/۸	۱۰/۱	۱/۱	۱/۱	۵/۵	—	۴۰/۰	۶۱
هفت ساله	هفت ساله	۷/۸	۳/۱۸	۵/۱۶	۱۲/۲	۱۲/۷	۱/۲	۱/۸	۱/۳	۴۰/۰	۵۱
نه ساله	نه ساله	۳/۵	۲۰/۲	۳/۱۶	۸/۱۴	۳/۱۶	۱/۱	۱/۱	۲/۱	۴۰/۰	۳۱
ده ساله	ده ساله	۱۴/۰	۲۶/۷	۸/۷	۱۷/۳	۱/۳	۱/۳	۸/۷	۱/۸	۴۰/۰	۵۰
یازده ساله	یازده ساله	۸/۲	۲۳/۲	۲/۸	۵/۱۱	۵/۱۱	۵/۱۱	۰/۳	۰/۳	۴۰/۰	۳۸
دوازده ساله	دوازده ساله	۲/۵	۷/۲۳	۳/۳	۱۳/۳	۶/۶	۶/۶	۸/۲	۵/۵	۴۰/۰	۱۸
چهار ساله	چهار ساله	۱/۱	۲/۱۶	۲/۳	۷/۸	۲/۳	۶/۸	۵/۵	۳/۳	۴۰/۰	۸۰
تعداد پاسخگو	تعداد پاسخگو	۱۸۳	۲۱۰	۱۹۷	۲۱۰	۱۱۰	۸۳	۵۳	۲۷	۸۰۰	۸۰۰

جدول شماره ۱۳ توزیع نسبی اظهار نظر کودکان بر حسب سن درباره آزادی آنان در تعدادی تلویزیون

تعداد پاسنگو	جمع	کاملاً آزادم	آزادی متوسطی دارم	آزادی کمی دارم	اظهار نظر سن کودک
۶۶	۱۰۰۰/۰	۲۴/۲	۴۲/۵	۳۳/۳	هفتساله
۱۱۵	۱۰۰۰/۰	۱۴/۸	۳۵/۶	۴۹/۶	هشت ساله
۱۱۴	۱۰۰۰/۰	۲۶/۳	۴۴/۸	۲۸/۹	نهمساله
۱۵۰	۱۰۰۰/۰	۲۳/۳	۳۹/۴	۳۷/۳	دهساله
۱۷۴	۱۰۰۰/۰	۲۰/۷	۳۹/۱	۴۰/۲	یازدهساله
۱۸۱	۱۰۰۰/۰	۱۸/۲	۳۸/۲	۴۳/۶	دوازدهساله
۸۰۰	۱۰۰۰/۰	۲۰/۹	۳۹/۵	۴۰/۵	جمع
	۸۰۰	۱۶۷	۳۱۶	۳۱۷	تعداد پاسنگو

و حال آنکه در شبانه‌روز گذشته فقط ۶۴/۵٪ همین زمانرا صرف این وسیله کرده‌اند. بدین ترتیب و از خلال ارقام حاصل شده، می‌توان گفت تماشای تلویزیون در جریان سال تحصیلی و یا ۲۴ ساعت قبل همواره حتماً زمانی از کودک را بخود اختصاص داده است، این میزان زمان، هنگامیکه در فضاهای وسیع گذشته غوطه می‌خورد به مرکز یعنی متوسط می‌گراید. لیکن، در احتساب آن با شاخصی که عموماً بودجه زمانی محدود خوانده میشود، زمان صرف شده، روشنی بیشتر و از آنرو پراکندگی بیشتر می‌پذیرد، زیرا با واقعیت نزدیکتر می‌شود.

آنچه بیش از همه در این مبحث جالب مینماید، شناسائی عوامل و متغیراتی است که بر زمان تماشا اثر می‌گذارند. از اینرو به سنجش اثرات چهار عامل از بین تمامی عوامل مؤثر پرداخته‌ایم. این متغیرات عبارتند از: سن کودک، تحصیل پدر و همچنین شغل و درآمد پدر.

از روزنه متغیر اول به پدیده تماس کودک و تلویزیون مینگریم. (جدول شماره ۱۳) از هفت ساله‌ها بیش از نصف جمعیت تا دو ساعت به تلویزیون تماشا کرده‌اند. لیکن تماشای تلویزیون بیش از ۴ ساعت در خلال تمامی ساعات روز گذشته قاعده معمول زندگی آنان نیست. (فقط ۷/۶ درصد بین ۴ تا ۶ ساعت صرف تماشای تلویزیون کرده‌اند). هیچگاه تماشای تلویزیون بیش از ۶ ساعت برای آنان مطرح نیست. بطور کلی، کودکان ۷ ساله این تحقیق، در ارتباط با تلویزیون با توجه به شاخصی که برگزیده‌ایم به دو گروه کاملاً متمایز قابل تقسیم‌اند: گروهی که کمتر از دو ساعت صرف تماشای تلویزیون میکنند (و ۵۹/۱٪ جمعیت را در بر میگیرند) و گروهی که بیشتر از دو ساعت از وقتشان به تلویزیون اختصاص می‌یابد (و ۴۰/۹ درصد جمعیت ۷ ساله را شامل می‌شوند).

این تفکیک در مورد کودکان ۸ ساله نیز عیناً مصداق می‌یابد. یعنی علی‌رغم ارتقاء سنی یکسال درست ۵۹/۱ درصد، کمتر از دو ساعت صرف تلویزیون می‌نمایند و ۴۰/۹ درصد بیش از دو ساعت. بدین ترتیب، زمانی که این دو گروه سنی را در دو قالب زمانی کلی جای میدهیم، متغیر سن در تماس زمانی کودک با تلویزیون بی‌اثر می‌نماید. لیکن، همواره چنین نیست. زیرا در ترکیب درونی آنانیکه بیش از دو ساعت به تلویزیون اختصاص داده‌اند، در بین ۸ ساله‌ها گرایش خاص بسوی ساعات بیشتر ملاحظه می‌شود، آنچنان‌که ۵٪ کودکان ۸ ساله حدود ۶ ساعت و حتی بیشتر در خلال ۲۴ ساعت گذشته صرف تلویزیون کرده‌اند و حال آنکه در مورد هفت ساله‌ها تماس کودک و تلویزیون هیچگاه به ۶ ساعت و یا بیشتر نرسیده بود.

با افزایش سن در گروه تماشاچیان کمتر از دو ساعت و بالاتر از دو ساعت، تفاوتی محسوس بنفع افزایش میزان تماشا بطور منظم با افزایش سن بچشم می‌خورد.

آنچنان که در بین ۱۰ ساله‌ها تصویر کمی واقعیت بکلی صورتی عکس می‌یابد. بدین معنی که اگر در بین ۷ ساله‌ها و ۸ ساله‌ها $\frac{۵۹}{۱}$ جمعیت کمتر از دو ساعت صرف تلویزیون میکردند در این مقطع سنی (ده سالگی) $\frac{۵۹}{۳}$ جمعیت بیش از دو ساعت و گاه بیشتر از ۶ ساعت بتماشای تلویزیون نشسته‌اند.

جدول شماره ۱۲ مشحون از داده‌هایی از این قبیل است که روشنگر ارتقاء میزان تماس همراه با افزایش سن است و این پدیده بسیار طبیعی است که باید در سطوری دیگر به بحث از انگیزه‌های آن پردازیم. زیرا تاکنون نمی‌دانیم آیا کودکان خردسال بدین جهت به تلویزیون کمتر مینگرند که امکان آنرا نمی‌یابند و یا آنکه انگیزه اصلی عدم علاقه آنهاست. ابتدا به سنجش خواست و واقعیت و انطباق یا عدم تطابق آنان می‌پردازیم: توزیع کودکان نمونه بر حسب متغیر ترکیبی سن با آزادی کودک در تماشای تلویزیون، علاقه او به تماس با این وسیله ارتباطی، و رفتار منع‌کننده والدین، گویای چند واقعیت در این زمینه خواهند بود.

کودک با افزایش سن فشار درونی بیشتری نسبت به تماشای تلویزیون و تماس هرچه بیشتر با آن در خود می‌بیند، ارقامیکه از جدول شماره ۱۳ برمی‌آید، گواه چنین مدعائیسست، علی‌رغم پراکندگی اعداد (که با توجه به کمی جمعیت نمونه طبیعی می‌نماید) با گذشتن از مرز دهسالگی فشار درونی افزایش می‌پذیرد و خواست و واقعیت رودرروی یکدیگر می‌ایستند. واقعیت صورتی بسیار قانونی و گاه تحمیلی می‌پذیرد و پدران و مادران را بعنوان نمایندگان جامعه و تمامی قوانین و انضباط‌های آن در برابر کودک می‌نهد.

شاید توزیع کودکان نمونه بر حسب نتایج حاصل از این پرسش که آیا برای تماشا امکانات موجود از نظر شما کم، متوسط و یا زیاد است، بازهم بطور کلی، برای تماس آنان گواهی بر این واقعیت باشد.

تعارض تقاضا و پاسخ در این ارقام با ملاحظه بیش از دو پنجم پاسخگویان که هیچگاه تماس مجاز برای تلویزیون را با تماس خواسته مشابه نمی‌بینند، بهتر آشکار می‌شود.

این ارقام حکایت از ورود همه جانبه تلویزیون به حریم زندگی این انسانها دارد. تقاضای هرچه بیشتر کودک موجبات ادراک همواره کمتر زمانی میگردد که صرف تلویزیون میشود و این ادراک بازهم از خلال شاخصی تازه برمی‌آید که با این پرسش بدست می‌آید: «آیا میخواهید زمان بیشتری صرف تماشای تلویزیون نمائید؟» طبق (جدول شماره ۱۵) درست مانند گذشته $\frac{۴}{۵}$ کودکان تقاضای افزایش تماس باین وسیله جادویی را دارند.

جدول شماره ۱۴

امکان تماشای تلویزیون بطور دلخواه برای کودکان

امکان تماشا	کم	متوسط	زیاد	جمع
توزیع نسبی	۳۱۷	۳۱۶	۱۶۷	۸۰۰
کودکان	۳۹/۶	۳۹/۵	۲۰/۹	۱۰۰٪

جدول شماره ۱۵

نظر کودکان	همین مقدار خوب است	خیر	آری	جمع
توزیع نسبی	۲۸۲	۲۰۰	۳۱۸	۸۰۰
کودکان	۳۵/۲	۲۵	۳۹/۷	۱۰۰٪

آیا می‌خواهید وقت بیشتری برای تماشای تلویزیون داشته باشید؟

بدین ترتیب ، ورود تلویزیون به خانه همراه با ارمغانهای بسیار، به تعارض عقل و خواست از این دیدگاه خاص دامن میزند که در تعارض نسلیها تجلی می‌نماید. لیکن باید دید پدر یا مادر، کدامیک عامل اصلی استقرار نظم از این نظر در خانه‌اند. کوششی که در این زمینه معمول گردید ، در جدول شماره ۱۶ منعکس گردیده است .

جدول شماره ۱۶

رفتار والدین در برابر تماشای تلویزیون از جانب کودکان

رفتار والدین	ممانعت پدر و مادر	پدر مانع میشود مادر خیر	مادر مانع میشود پدر خیر	عدم ممانعت پدر و مادر	جمع
توزیع نسبی والدین	۳۴۵	۸۵	۱۲۳	۲۴۷	۱۰۰٪
	۴۳/۱	۱۰/۶	۱۵/۴	۳۰/۹	۸۰۰

داده‌های حاصل شده نه تنها حکایت از بحران روابط والدین و فرزندان بهنگام تماشای تلویزیون توسط آنان دارد بلکه نشان‌دهنده نسبتی از خانواده‌هاست که در آن استقرار نظم یعنی جلوگیری از خواسته‌های کودک توسط پدر و مادر هر دو صورت می‌گیرد (۴۳٪ موارد) و آنجا که پدر یا مادر تنها و یا با تأکید بیشتری بر رفتار کودک در برابر تلویزیون حدودی خاص تعیین می‌کند (۲۶٪). در این سن خاص، با توجه به تماس بیشتر کودک با مادر، طبیعی مینماید اگر نسبت منع از جانب مادران یک برابر و نیم همین نسبت از طرف پدران باشد. آیا در سنین بالاتر جابجائی قدرت و یا به بیان دیگر، مسئولیت در بین والدین صورت می‌گیرد؟ آیا با ارتقاء سن، ظرافت و عاطفه مادرانه می‌تواند باز هم تنظیم‌کننده رفتار کودک در برابر تلویزیون باشد یا آنکه قدرت پدرانه بمعنای اخص خود را ملزم به دخالت می‌بیند؟

تحقیقاتی در زمینه نوجوانان مشخص‌کننده واقعیتهائی از این نوع خواهد بود. لیک سؤال بعدی چنین است: چه نوع کودکی به تماشای تلویزیون بیشتر می‌نشیند و کجاست که تعارض خواست کودک و واقعیت بیشتر تجلی می‌پذیرد و به بیان بهتر، پدر و مادر کودک بیشتر در برابرش قرار می‌گیرند؟

با توجه به جداول بدست‌آمده چنین استنباط می‌شود که مشتریان خاص پیامهای تلویزیون با در نظر گرفتن آورده‌های این تحقیق در تمامی گروه‌های اجتماعی پراکنده‌اند، چنین بنظر میرسد که جاذبه تلویزیون فراتر از شرایط اجتماعی و فرهنگی است و کودکان بین سالهای ۷ تا ۱۲ سال را در تمامی مقتضیات مطلوب مینماید.

داده‌های موجود از جانبی نیز حکایت از نزدیکی بینش فرهنگی گروه‌های اجتماعی از این دیدگاه با توجه به رفتار نسبتاً مشابه کودکان می‌نماید. زیرا، تفاوتها همواره جزئی است و از خلال آنان فقط چیزی بدست می‌آید که تماس مؤکد می‌خوانیم. زیرا، نوسان ارقام هیچگاه به تباین آنان آنچنان که موجبات تیپولوژی واضح گروه‌های شغلی گردد، نمی‌انجامد.

بعنوان مثال، می‌بینیم اولین نوع کلی رفتار (تماشای تلویزیون تا سه ساعت) نسبتی بسیار مشابه در کلیه گروه‌ها می‌یابد. (۷۰/۷٪ کارگران، ۷۱/۲٪ کاسبها، ۶۷/۱٪ کارمندان، ۷۴/۶٪ مشاغل عالی) با این همه، تماس بیشتر را از خلال ارقام و علیرغم پراکندگی آنان چنین می‌توان دید:

کودکان آنائیکه در گروه کسبه جای گرفته‌اند، نسبت تماس کمتری با تلویزیون می‌یابند. در مقابل، بالاترین مشتریان تلویزیون از دیدگاه قشرهای شغلی فرزندان کارمندان جزء و یا متوسط‌اند (نصف کودکان متعلق به کسبه کمتر از دو ساعت در ۲۴ ساعت گذشته به تلویزیون تماشا کرده‌اند، در صورتی که این نسبت در بین فرزندان کارمندان به ۲/۵ میرسد). به بیان دیگر، در مورد فرزندان گروه‌های کارمند، ارقام تمایلی به مقاطع زمانی بالاتر نشان می‌دهند در صورتیکه کودکان گروه‌های کاسب‌گرایشی عکس این دارند؛ آنچنان که در مقاطع نهائی (بالاتر از ۴ ساعت) می‌بینیم فقط ۱۳/۲٪ از فرزندان کسبه جای می‌گیرند. در مقابل ۲۰/۴٪ از فرزندان کارمندان. کارگران و گروه‌های عالی در برابر تلویزیون رفتاری از دیدگاه مشابه نشان می‌دهند (زیرا در مقطع کمتر از دو ساعت ۴۴٪ فرزندان کارگران جای می‌گیرند، در مقابل ۴۵/۹٪ فرزندان متعلق به گروه‌های عالی و بهمان ترتیب، در مقطع بالاتر از ۴ ساعت ۱۴/۸٪ از فرزندان کارگران و ۱۶/۴٪ از فرزندان متعلق به گروه‌های عالی را باز می‌یابیم).

چند استنباط:

با توجه به داده‌های عینی در زمینه تماس کودکان و تلویزیون، چه استنباط بذهن خطور می‌نماید:

- تسخیر فضای فراغت:

۱ - آنچه با توجه به داده‌های این تحقیق و از دیدگاه میزان زمان تماس کودک با تلویزیون برمی‌آید، حکایت از آن دارد که ورود تلویزیون به خانه در ترکیب درونی فضای زمانی فراغت برای کودکان دگرگونی چشم‌گیری به بار می‌آورد، تمامی شاخصهائی که در این تحقیق بکار آمده‌اند، حکایت از چنین واقعیتی دارند: زمانی که شاخص، چگونگی رفتار کودک در برابر تلویزیون در ۲۴ ساعت

گذشته بود، ملاحظه می‌کردیم ازجانبی هیچ‌کودکی نیست که در این فضای زمانی به تلویزیون تماشا نکرده باشد درحالی‌که ازهر ۸ نفر آنان یکنفر بیشتر از ۴ ساعت به تماشای تلویزیون نشسته است، (زمانی که گاه به بالاتر از ۷ ساعت نیز رسیده است). شاخص دیگر که درجهت شناسائی میانگین زمانی اختصاص یافته به تلویزیون درخلال سال تحصیلی بکارآمد، نتیجه‌ای نسبتاً مشابه به بار می‌آورد (با تمایل طبیعی پاسخگویان به بیان میزانی همواره نزدیک به مرکز). گذشته ازاین، هنگامیکه به توزیع کودکان برحسب زمان صرف شده در ۲۴ ساعت قبل و نوع وسیله می‌پردازیم، اولویت تلویزیون دربرابر دیگر وسایل روشنی مشخص می‌گردد و داده‌هائی بسیار ازاین رجحان حکایت دارد، ازجمله آنکه نسبت آنانیکه بین صفر تا یکساعت صرف خواندن کتب درسی کرده‌اند. نزدیک به چهار برابر آنانیست که به تلویزیون روی آورده‌اند و این نسبت درمورد مطبوعات نزدیک به ۴ به نفع استفاده ازتلویزیون میرسد. درمقابل، تمامی وسایل دیگر (رادیو، مطبوعات، کتب غیردرسی) درمقطع زمانی بیشتر ازسه ساعت متوقف می‌گردند و تنها تلویزیون باقی می‌ماند وحتی به بالاتر ازشش ساعت نیز میرسد. بدین ترتیب، تماس کودک با وسایل ارتباط جمعی ازاین دیدگاه یعنی ازروزنه زمان صرف شده همواره ودر تمامی موارد بنفع تلویزیون تحقق می‌پذیرد. نه تنها این وسیله درصدر دیگر وسایل جای می‌گیرد، بلکه فاصله‌ای آنچنان با تمامی آنان می‌یابد که به حق و باتوجه به همه داده‌های این تحقیق باید وسیله بی‌رقبش خواند، لیک آنچه باید بالاتر ازهمه مورد توجه قرارگیرد، چگونگی ادراك این حجم گسترده زمان توسط کودک وخواسته‌های اوست، یعنی واقعیت درمقایسه با خواسته‌ها ودراکات کودک.

- خواست و واقعیت :

آورده‌های عینی این تحقیق در تمامی موارد، حتی آنجا که به ترجمه حالات کیفی بصورتی بسیار ظریف به داده‌های کمی و قابل سنجش می‌پردازد، نشان‌دهنده عدم تطابق واقعیت و ایده‌آل در این زمینه است. شاخصهائی بسیار از آن حکایت دارند، و بعضی از آنان چنین‌اند: ازهر ۵ کودک، دوفرمعتقدند که امکان لازم جهت تماشای تلویزیون را ندارند. برعکس، درمقابل سؤال دیگر که جهت کنترل بهتر سؤال قبل بکار می‌آمد همین میزان یعنی ۴۰٪ آنان اظهار میدارند، میزان زمانی که فعلاً صرف تلویزیون می‌نمایند ناچیز است. چنانچه تحقیقی قبل از ورود تلویزیون به خانه و بعد از آن صورت گیرد، بهتر میتواند تسخیر فضای زمانی فراغت را توسط این وسیله مشخص سازد، درعین حال، نیازمند تحقیقات درفصول دیگر هستیم که بتوانند شعاع زمانی تلویزیون را در زمانهای

گوناگون مشخص دارند، هم‌چنانکه باید درانتظار بررسیهای نیز بود که از رفتار کودکان در برابر این تازه‌وارد روستا یعنی تلویزیون حکایت نماید. بهر حال و در فقدان چنین بررسیهایی، از خلال ارقام حاصل از این تحقیق، نفوذ خاص پیامهای فرهنگی که از طریق تلویزیون به خانه می‌روند، شناخته می‌شود، تنها قدرت تلویزیون در تسخیر پهنه هر چه وسیعتری از زمان فراغت نیست، عواملی دیگر بهم می‌آمیزند و آزمایش آنان، شکوه جادویی تلویزیون در دنیای کودکان روزافزون می‌شود؛ تا آنجا که همواره خواست بر واقعیت چیرگی می‌پذیرد و انتظار و تحقق آن هیچگاه بهم نمی‌پیوندند. زمانیکه در جهت جستجوی عامل یا عوامل فقدان تطابق بین خواست و امکان موضوع والدین مطرح می‌شود، ۷۰٪ کودکان یکی از آنان و با هردو را مجرم می‌شمارند. (که بنام عقل به تنظیم زمان آنان با الگوهای خاص خود می‌پردازند).

چنین است از جانی زمان تماس کودک با تلویزیون (آنچنانکه خود آنرا ادراک مینماید)، در عین حال چنین است گرایشها و خواستهای از همین دیدگاه و آثانی را که در راه خود مانع و رادع می‌بیند، آیا بدین ترتیب با توجه به فشار فراوان خواست، ادراک زمان همواره محدود نمی‌شود؟ و آیا باز هم تحت تأثیر این فشار درونی تعارض نسلها دامن نمی‌گیرد؟ و رود این جادوگر به‌خانه‌ها به‌اوج تعارضها و شاید تجلی بی‌پرده و آشکار آنان کمک نمی‌نماید؟

جواب بر همه این سئوالها و بسیاری دیگر که در سراسر این سطور منعکس گردید، مثبت می‌نماید.

- بسوی دگرگونی جهان‌بینی :

تمامی این شاخصهای نشان‌دهنده، تحولی بزرگ نه تنها در گذران فراغت کودکان است، بلکه باید با این وسیله چگونگی ادراک جهان از جانب کودک تحولی بنیادی پذیرد. عواملی بسیار که از محدوده این تحقیق خارجند، چنین دگرگونی‌ای را تحقق می‌بخشند، تلویزیون نه تنها حضور جسمانی کودک را برمی‌انگیزد، بلکه با برانگیختن خواست درونی، حضور ذهنی ویرا نیز موجب می‌شود. از تجرید واقعیت بدور است، زیرا می‌تواند کودک را در برابر واقعیتها قرار دهد و آنانرا در حرکت و آنچنانکه هستند، زنده بشناسد. تلویزیون صورتی پذیرا ندارد، بنابراین خود به‌خانه‌ها می‌آید، در اعماق زندگی نفوذ می‌نماید و استفاده از آن برخلاف مدرسه، سینما، تئاتر مستلزم اراده قبلی و جابجائی نیست که گاه به اصراف می‌انجامد.

تلویزیون با آمیزش صوت و تصویر برخلاف رادیو با کار دیگر آمیختگی

نیست. ازینرو، زمانیکه صرف آن می شود از چند جهت خالص است: هم در تمامی زمان دیدن و شنیدن (با در نظر گرفتن فزونی همیشه تقاضا آنچنان که دیدیم) جذب پیامها صورت میگیرد، هم در این زمان انجام کاری دیگر همراه با تماشای تلویزیون، امکان پذیر نیست.

آیا بدین ترتیب، با توجه به زمان صرف شده و با در نظر گرفتن سرعت افزایش تماس کودک و تلویزیون (که شاخصهای سنی حکایت از ابعاد آن داشت) نباید سخن از تفاوت فاحش و خاص جهان بینی در بین کودکان دارای تلویزیون و آنانیکه فاقد آنند، راند؟ از همین روست که ادگار فور و یارانش سخن از آن میرانند که دیگر مدرسه انحصار آموزش را ندارد و آموختن از فضای کوچک مدارس به اعماق خانه ها کشیده شده است. هم زمان آموختن چنان گسترش یافته است که دل شبها را نیز بخود گرفته و هم تمامی عمر آموزش و بازآموزی بصورتی پی گیر و بی سابقه سرنوشت انسان زمان ما را تشکیل داده است. در این شرایط، بحق باید سخن از شهر آموزش رانده شود و در این شهر، تلویزیون را معنائی بس بزرگ است، زیرا به بیان ژان کازنو، بیشتر از همه ساحت فضاها، ما را دگرگون ساخته و زمان را کوتاه تر نموده است.

ب - رادیو:

- چند داده عینی: تصویر واقعیت

همچون قسمت پیشین، باید در این سطور نه تنها حجم کلی زمان صرف شده توسط کودک در برابر رادیو شناخته شود، بلکه تنوع آن در گروههای مختلف سنی و اجتماعی نیز بررسی گردد. هدف اول از دیدگاه هر دو تکنیک در جدا اولی بدست میدهد که با شماره های ۱۸ و ۱۹ مشخص می شوند:

پاسخها روشنی چندانی نداشت، علی الخصوص که شنیدن رادیو با گوش دادن بدان از جانب کودکان مخلوط میشد و توضیح پرسشگران نیز نتیجه قابل اعتمادی بدست نمی داد؛ آنچنان که نادر بودند آنانیکه حتی با تردید سخن از شنیدن مطلق و محض صدای رادیو میکردند. از اینرو، در نهایت، تصمیم گرفته شد در تکنیک اول (سنجش میزان زمان صرف شده در ۲۴ ساعت گذشته) تا یک ساعت با هم آیند و در تکنیک دوم (سنجش میانگین زمان صرف شده در برابر رادیو در فصل تحصیل) با توجه به پراکندگی بیشتر و گرایش ارقام به دقایق کمتر از یک ربع تا یک ساعت و کمتر در هم ادغام کردند.

گوش کردن به رادیو زمانیکه با اراده قبلی صورت میگیرد و شنیدن محض آن، برخلاف آنچه در مورد تلویزیون رخ می دهد، دو معنای جدا می پذیرند:

جدول شماره ۱۸ توزیع کودکان بر حسب زمان شده در برابر رادیو در ۴۴ ساعت قبل

جمع	بیشتر از سه ساعت	دو ساعت و نیم تا دو ساعت	دو ساعت تا ۲/۲۹	دو ساعت و نیم تا ۱/۵۹	یک ساعت و نیم تا ۱/۲۹	یک ساعت تا ۱/۲۹	یک ساعت تا ۱/۲۹	۳-۳/۵۹	۲-۲/۵۹	۱-۱/۵۹	کمتر از یک ساعت	زمان
۸۰۰	۲۷	۱۶	۴۰	۳۰	۳۹	۱۰۲	۳۸۴	۱۶۲	۲۰/۲	۷۱/۹	توزیع نسبی کودکان	
۱۰۰٪	۳/۴	۲/۰	۵/-	۳/۷	۴/۹	۱۲/۷	۴۸/۱	۲۰/۲	۷۱/۹	۱۹/۶		

جدول شماره ۱۹ توزیع کودکان بر حسب زمان شده در برابر رادیو در یکشنبه امروز (سال تحصیلی)

جمع	بیشتر از سه ساعت	دو ساعت و نیم تا دو ساعت	دو ساعت تا ۲/۲۹	دو ساعت و نیم تا ۱/۵۹	یک ساعت و نیم تا ۱/۲۹	یک ساعت تا ۱/۲۹	نیم ساعت تا ۵۹ دقیقه	یک ربع تا ۲۹ دقیقه	کمتر از یک ربع	زمان
۸۰۰	۲۷	۱۶	۴۰	۳۰	۳۹	۱۰۲	۳۸۴	۱۶۲	۲۰/۲	توزیع نسبی کودکان
۱۰۰٪	۳/۴	۲/۰	۵/-	۳/۷	۴/۹	۱۲/۷	۴۸/۱	۲۰/۲	۷۱/۹	

هرچند آنانی که نه شنیده و نه گوش کرده‌اند، بسیار نادردند (زیر ۱۰٪) لیک، شنیدن و یا گوش کردن به رادیو کمتر از یکساعت رقم سرسام‌آوری را بخود اختصاص می‌دهد. (بیش از ۸۰٪ جمعیت نمونه در روزی ارسال تحصیلی و بیش از ۷۰٪ در مورد روز قبل) آنچنان که در مورد تلویزیون هیچگاه رخ نداده است که شنندگان کودک در سال تحصیلی میانگینی حدود یکریع را در برابر رادیو صرف کرده باشند و همین رقم با جابجائی مختصر در ۲۴ ساعت قبل نیز صدق مینماید. زمان شنیدن از این دیدگاه، نهایت خاصی می‌پذیرد و دو ساعت مرز نهائی شنیدن رادیو است. بررسی اثرات متغیراتی نظیر شغل پدر و سن کودک (جداول شماره ۲۰ و ۲۱)، درین تصویر بیرنگ، افزایش تماس با ارتقاء سن از دیدگاهی و کاهش محسوس تماس با ارتقاء در سطوح شغلی از دیدگاه دیگر را نشان می‌دهد. نوسان روشن ارقام و جابجائی آنان با گرایش بسوی زمان بیشتر، تماس از یازده سالگی رخ می‌دهد (که بطور دقیق فصلی تازه در رابطه کمی کودک با رادیو از روزنه زمان شنیدن می‌گشاید). آنچه از منظر موقعیت شغلی و تماس زمانی کودک با رادیو قابل توجه می‌نماید، سقوط یکباره داده‌ها با ورود به گروه‌های عالی است. زیرا، تماس زمانی آنان در مقایسه با کودکان متعلق به کارگران در مرز دو ساعت و بیشتر رقمی کمتر از نصف پدید می‌آورد. همین روند در مورد مقطع بین یکساعت تا دو ساعت نیز تداوم می‌پذیرد.

چند استنباط :

باتوجه به این داده‌ها و توزیعی که می‌یابند چند استنباط موقت در تماس کودک با رادیو خواهیم داشت .

گرایش ضعیف :

از خلال داده‌ها چنین برمی‌آید که کودکان نمونه در شهر تهران در مقایسه با تلویزیون، چندان گرایشی بسوی رادیو نشان نمیدهند، همچنان که دیدیم، شنیدن و گوش کردن گاه چنان ترادف می‌پذیرد که امکان تمایز آن بسختی حاصل می‌شود. با وجود این واقعیت که به ناخالصی زمان صرف شده در برابر رادیو می‌انجامد، همواره رقمها بسوی مقاطع زمانی کوتاه است. آنچنان که کمتر از یکساعت، اکثریتی معتنا به را بخود می‌گیرد که تقریباً در هر دو تکنیک بدست آمده مشابه است (بیش از ۷۰٪). ترکیب درونی آنانی که در مقاطع طولانی‌تر تماس جای می‌گیرند، نیز هیچگاه قابل مقایسه با تلویزیون نیست و در جریان سال این گرایش بسوی رادیو با زهم روبه‌کاستی می‌گذارد.

جدول شماره ۲۰- توزیع نسبی اظهارکارکرد کان برحسب شغل بدردر مورد زمان استفاده ازاد بود ۲۴ ساعت گذشته

کلاس	شغل	تعداد	درصد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
کلاس	شغل	تعداد	درصد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
کارگر	کارگر	۱۵۹	۱۰۰٪	۱۰/۷	۱۸/۹	۷۰/۴			
کاسب	کاسب	۲۶۳	۱۰۰٪	۹/۱	۲۰/۲	۷۰/۷			
کارمند	کارمند	۲۸۰	۱۰۰٪	۸/۲	۲۲/۵	۶۹/۳			
گروههای عالی	گروههای عالی	۹۸	۱۰۰٪	۵/۱	۱۱/۲	۸۳/۷			
جمع	جمع	۸۰۰	۱۰۰٪	۸/۶	۱۹/۶	۷۱/۸			
تعداد پاسخگو	تعداد پاسخگو		۸۰۰	۶۹	۱۵۷	۵۷۴			

جدول شماره ۲۱-توزیع نسبی اظهار نظرگردگان برحسب سن آنان و زمان استفاده از ارباب
در ۲۴ ساعت گذشته

تعداد پاسخگو	جمع	دو ساعت و بیشتر	یک ساعت تا کمتر از دو ساعت	صفر تا یک ساعت	اظهار نظر سین کورک
۶۶	۱۰۰٪	۱/۵	۲۱/۲	۷۷/۳	هفت ساله
۱۱۵	۱۰۰٪	۵/۲	۲۰/۹	۷۳/۹	هشت ساله
۱۱۴	۱۰۰٪	۳/۵	۱۵/۸	۸۰/۷	نه ساله
۱۵۰	۱۰۰٪	۴/۷	۱۵/۳	۸۰/۰	ده ساله
۳۸۱	۱۰۰٪	۱۲/۱	۲۳/۰	۶۴/۹	یازده ساله
۱۸۱	۱۰۰٪	۱۶/۶	۲۸/۰	۶۴/۹	دوازده ساله
۸۰۰	۱۰۰٪	۸/۶	۱۹/۶	۷۱/۸	جمع
	۸۰۰	۶۹	۱۵۷	۵۷۴	تعداد ارباب پاسخگو

علاوه بر داده‌های عینی، کوشیدیم تا حدود این گرایش را با پرسشهای دیگر بدست آوریم:

از جمله آنکه از کودکان نمونه پرسیدیم: چنانچه زمان بیشتری با کاهش تکالیف داشته باشی با آن چه میکنی؟ در پاسخ این پرسش هیچگاه سخن از رادیو بمیان نمی‌آید، حتی بازی و کارهای هنری نیز بدان رجحان می‌یابد و حال آنکه تلویزیون چندبار تکرار میشود (گاه به تنهایی و گاه همراه با بازی).

بدین ترتیب و با توجه به بسیاری از داده‌ها که شرح آن در این مجمل نمی‌گنجد؛ در این فصل نه تنها شاهد گرایشی تا چیز بسوی رادیو هستیم، بلکه گاه گرایش وجود خارجی ندارد و کودک شنیدن را با گوش دادن مترادف ساخته است. چنین بنظر میرسد که پیدایش ترانزیستور، کوچک شدن، ارزان و جیبی شدن رادیو نتوانسته است موجبات رسوخ آنرا درین خانوارها فراهم نماید و همه چیز حکایت از ضعف توجه بسوی آن دارد.

علاوه برین، باید اضافه کنیم که کودک، حتی آنگاه که از زمان خاص رادیو سخن میراند؛ چون شنیدن و گوش کردن و گاه کار دیگر کردن را بهم می‌آمیزد، پس زمانی ناخالص بدست داده است.

بدین ترتیب، همه شاخصها از ضعف و یا فقدان گرایش بدین وسیله حکایت دارند، آیا ورود تلویزیون موجبات چنین گرایشی را فراهم آورده است؟ و آیا آنچه را که جانشین تلویزیون بر رادیو می‌خوانند، درست است؟ و آیا نمی‌توان بر این هر دو وسیله چنان صورتی مکمل داد که بجای تعارض و تباين نیاز به یکدیگر را افزایش دهند؟ این تصویر بی‌رنگ در دیگر نقاط کشور چگونه تجلی میکند و آیا رفتار کودک تهرانی، رفتار فردای کودک روستائی است؟ اینها سئوالاتی است که با دیدن این داده‌های عینی بنظر میرسد و همراه خود چند فرضیه باز می‌آورد که باید بررسیهای دیگر بمحک آزمایش نهند: جدائی صوت و تصویر از یکدیگر در مورد رادیو، باید بیش از همه گرایش کودک را به تلویزیون دامن زند، چه حرکات تصاویر بیش از همه جلب نظرش را می‌نمایند و آنچه را که رادیو می‌طلبد، یعنی شنیدن وزنده کردن واقیعت با عناصر حاصل از تجربه، هنوز نباید در این گروهها تحقیقی ایده‌آل یافته باشد.

ج - سینما و تئاتر:

شاخصهائی که جهت سنجش تماس کودک با تلویزیون و رادیو بکار آمدند، در این زمینه نیز معمول گشتند و آنچه بدست آمد از تماسی بسیار ناچیز بین کودک و سینما و تئاتر حکایت دارد. تمامی شاخصها همین نکته را تأکید میکنند: از جمله،

آنگاه که دفعات تماس ماهانه در خلال ۹ ماه تحصیلی مطرح میشود، میانگینی در کل جمعیت کمتر از یکبار بدست می‌آید.

مرز نهائی دفعات به ۴ میرسد و در بیش از نصف موارد کودکان نمونه در خلال تمامی ماههای تحصیلی در سال قبل هیچگاه سینما نرفته‌اند. فاصله چشمگیر کودک از سینما و تئاتر با شاخص دیگر نیز بخوبی پیدا میشود؛ آنچنان که در ۲۴ ساعت قبل، فقط کمتر از ۷٪ کودکان نمونه به سینما رفته‌اند.

با توجه به تجمع این چنین ارقام که نوعی خلاء را در رابطه کودک با سینما و تئاتر مشخص می‌سازد، بررسی اثرات متغیرات خاص بی‌معناست؛ چه، توزیع آنان ستونهای خالی بدست میدهد. فاصله کودک و پیامهاییکه از طریق این وسیله انتقال می‌یابند باردیگر رجحان تلویزیون را مشخص میدارد. آنجاکه صوت، و تصویر بصورتی گیرا بخانه‌ها می‌آیند و استفاده از آن مستلزم اراده قلبی و حرکت نیست، رفتار کودکان جلوه‌ای بکلی دیگر می‌پذیرد. شاید از آنرو که خود نمی‌توانند مستقلاً نه اراده‌ای بر این سو نمایند، نه آنکه حرکتی متعاقب آن داشته باشند و بدین ترتیب تماسی آنچنان وسیع با تلویزیون می‌یابند که همواره بر چهره زمان فراغت و کار آنان اثر می‌نهد. از همین‌جا، تعارض آنان با بزرگترها آغاز میشود، یا اشکال گوناگون صورت می‌پذیرد و مسئولان نظم خانه‌را آنطور که در سطور بالا به تفصیل دیدیم به جوش و خروش وامیدارد.

در این فصل، گروهی دیگر از وسایل انتقال پیام از دیدگاه تماسشان با کودک سنجیده می‌شوند. پرسش همانست: کودک تهرانی تا چه حد با این وسایل پیام‌آور در تماس است و میزان تماس با چه عواملی دگرگونی می‌پذیرد؟ راههای وصول به هدف مخصوصاً در این فصل بسیارند و ما از بین تمامی آنان و بمنظور عدم تغییر معیار، زمانی صرف شده را برگزیدیم. هردو تکنیک گذشته بکار آمد، یعنی آنچه را که سنجش «بودجه زمانی محدود» میخوانیم و به اندازه گیری هرچه دقیقتر زمانی که در ۲۴ ساعت قبل از هنگام بیداری تا وقت خواب صرف هر یک از این وسایل گردیده است، می‌انجامد و تعیین تقریبی زمانی که در جریان سال تحصیلی گذشته باین وسایل اختصاص یافته است.

شرایط و هدفها نیز همان بود؛ می‌بایست اتفاقی خاص، چهره‌ای دیگر و استثنائی بر ساخت زمانی این انسانها نبخشیده باشد و تکنیک دوم که زمان صرف شده را در توده وسیعی از زمان می‌سنجید، فقط بعنوان پیش‌درآمدی جهت تحقیقی دیگر بکار آمد. علاوه بر آن، کوشیدیم تا از راهی دیگر نیز این هدف تحقق پذیرد و آن تعداد کتابهایی بود که کودک در این سال تحصیلی خوانده است.

تماس کودک تهرانی با وسایل مکتوب انتقال پیام از جانبی می‌تواند با

جدول شماره ۲۲

توزیع نسبی کودکان بر حسب تعداد دفعاتی که در هر ماه در سال تحصیلی قبل به سینما رفته‌اند

دفعات	هیچ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
کودکان	۴۲۷	۱۸۲	۱۰۶	۴۵	۳۱	۴	۲	-	۲	۸۰۰
توزیع نسبی	۵۳/۴	۲۲/۷	۱۳/۲	۵/۶	۳/۹	۰/۵	۰/۲	-	۰/۲	۱۰۰٪

جدول شماره ۲۳

توزیع نسبی کودکان بر حسب میزان صرف شده در سینما و تئاتر در روز قبل

زمان	هیچ	۱-۱/۵۹	۲-۲/۵۹	۳-۳/۵۹	۴-۴/۵۹	۵-۵/۵۹	۶ به بالا	جمع
توزیع نسبی	۷۴۹	۳	۴۱	۵	۲	-	-	۸۰۰
کودکان	۹۳/۶	۰/۴	۵/۱	۰/۶	۰/۲	-	-	۱۰۰٪

میزان زمانی که در مطالعه روزنامه‌ها و یا مطبوعات صرف کرده است، سنجیده شود. لیک با این معیار، چنان حدود تماس ضعیف می‌نماید که هیچ نوع بهره‌برداری آماری از آن میسر نیست. به بیان دیگر، نزدیک به ۴ نفر از ۵ نفریکه از بین کودکان تهران جزء نمونه قرار گرفتند در ۲۴ ساعت قبل روزنامه و مجله نخوانده‌اند و یا آنکه زمانی بسیار محدود صرف آن کرده‌اند. حتی آنگاه که توزیع درونی ارقام در کمتر از یکساعت تماس بررسی میشود، همواره گرایشها به سوی مقاطع کوچکتر است. زمانیکه این چنین به تجمع اعداد می‌رسیم، اثرات متغیرها نیز خواننده نخواهد شد، زیرا از ابتدا پراکندگی نیست تا با برخورد با متغیر صورتی تازه بخود پذیرد. تنها باید از ضعف مطلق گرایشها بدین سو یاد کنیم و بررسی دیگر نتایجی در همین جهت بدست میدهد که به ذکر یکی از آنها اکتفا مینمائیم: از کودک خواسته بودیم مقدار زمانی آزاد شده از تکالیف را در نظر گیرد که همچون اعتباری در اختیارش باشد. سپس افزودیم با این زمان چه خواهی کرد، بسیاری از فعالیتها در اذهان کودکان ظهور می‌یافت، لیک هیچگاه خواندن روزنامه و یا مجله عنوان نمیشد، گوئی نه عادت‌ی در این جهت تکوین یافته و نه انگیزه‌ای کودک را بسوی این وسایل پیام‌آور میکشاند.

با اینهمه، در بین وسایل انتقال پیامها بصورت مکتوب، نام کتاب بیشتر تکرار میشود و همه چیز حکایت از آن دارد که این رسم بیشتر در سنت‌ها نوشته شده و با مدرسه خواه ناخواه به کودک منتقل میشود. شاخصهائی چند از وجود چنین رسمی حکایت دارد که از آنجمله است بررسی که در سطور بالا از آن یاد کردیم. ۱/۶۶٪ کودکان در پاسخ بدین سؤال در بین فعالیتهائی چند که بذکر آن می‌پردازند، از کتاب نام می‌برند. گاه خواندن کتاب را در این زمان به تنهائی ذکر میکنند و گاه کتاب خواندن و بازی را بهم می‌آمیزند (به ترتیب ۶/۵۷٪ و ۵/۸٪) در این میان، کتب درسی مجال چندانی نمی‌یابند. چه، فصل تابستان است و پایان دروس. لیک، کتابهای غیردرسی را چنان نفوذی بر کودکان است که از هر فرضیه و انتظار قبلی فراتر میرود. در مرحله اول، تماس کودک در نه ماه تحصیلی گذشته با کتب غیردرسی مطرح است. هر چند همچنانکه قبلاً گفته‌ایم این تکنیک جز حدود واقعیت چیزی بدست نمیدهد. لیک، در همین حد، آنچه بدست می‌آید جالب مینماید.

زیرا، نشان میدهد که چنین عادت‌ی در اکثر کودکان وجود دارد و دلیل آن بیش از ۸/۶۳٪ کسانیست که بهرحال سروکاری با آن داشته‌اند، میانگین کتابهای خوانده شده در سطح کل جمعیت نمونه، ۳ کتاب است. لیک، همین عدد در سطح کودکان کتابخوان به ۵/۴ میرسد و چنانچه بررسیهای از طریق پانل بر روی این جمعیت صورت پذیرد، می‌تواند حرکات این عادت را در خلال زمان و باهمین

جدول شماره ۲۴

توزیع کودکان بر حسب مطالعه کتاب غیر درسی در سال تحصیلی

تعداد کتاب غیر درسی	هیچ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	بیشتر از ۹ کتاب	جمع
توزیع	۲۹۰	۶۲	۹۴	۷۱	۵۱	۶۳	۲۲	۱۷	۱۵	۱۱۵	۸۰۰	۸۰۰
کودکان	۳۶/۳	۷/۷	۱۱/۷	۸/۹	۶/۴	۷/۹	۲/۷	۲/۱	۱/۹	۱۴/۴	۱۰۰٪	

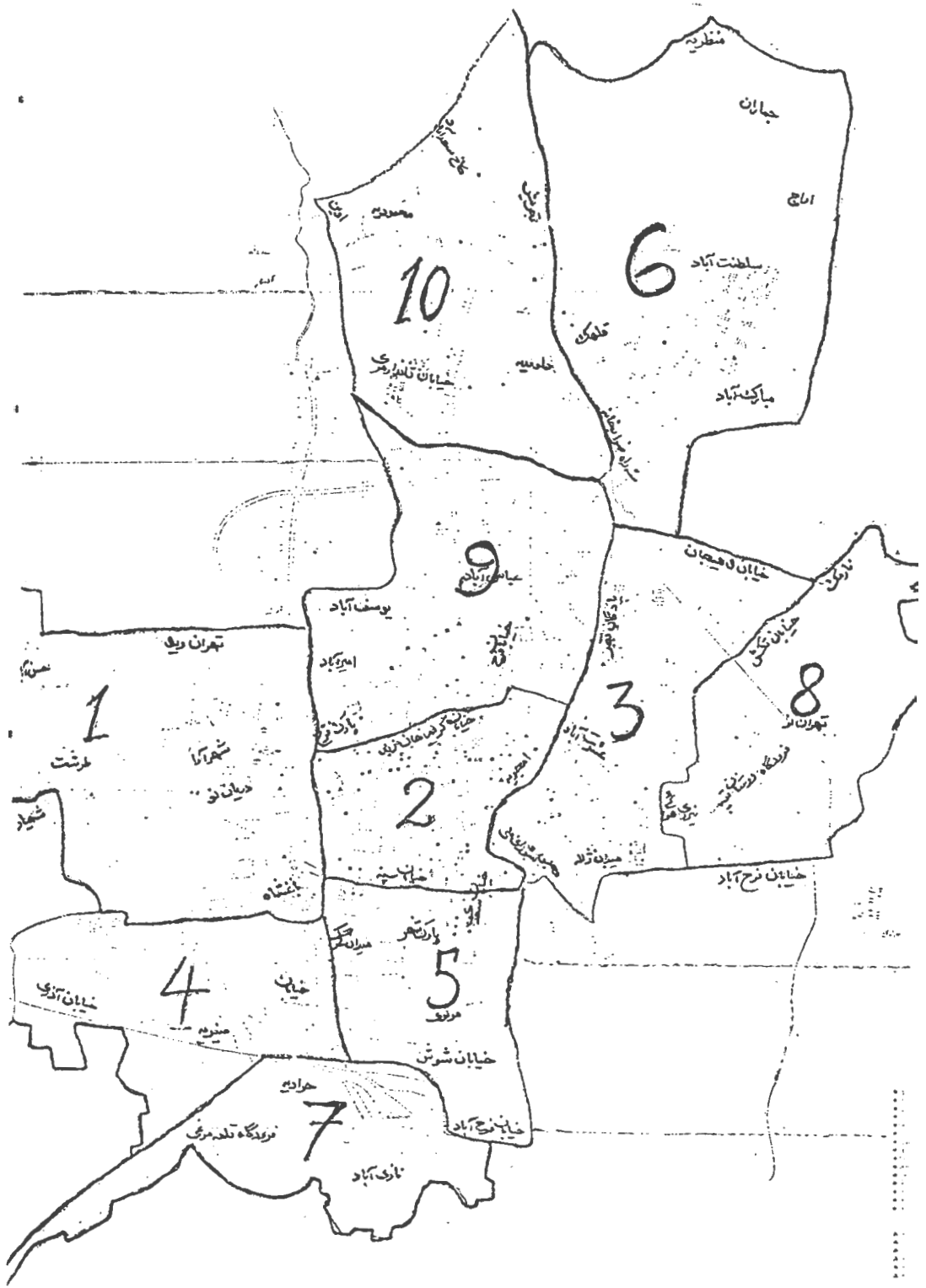
جدول شماره ۲۵ توزیع نسبی اظهار نظر کردن کان بر حسب میزان تحصیلات پدر در باره تعداد کتب غیر درسی که در هر ماه تحصیلی مطالعه کرده اند

تعداد پاسنگو	تعداد جمع	دو کتاب و - بیشتر خوانده است	يك كتاب خوانده است	كتابي نخوانده است	اطهار نظر وضع تحصیلات پدر
۱۱۹	۱۰۰	۸/۳	۴۲/۹	۴۸/۷	بیسوران
۲۳۷	۱۰۰	۱۲/۱	۴۶/۰	۴۰/۹	ششم ابتدائی و کمتر
۱۱۳	۱۰۰	۱۲/۴	۵۵/۷	۳۱/۹	سیکل
۱۲۳	۱۰۰	۱۶/۳	۵۶/۹	۲۶/۸	دبلیسم
۱۰۸	۱۰۰	۲۵/۰	۵۱/۹	۲۳/۱	فوق دبلیسم و بالاتر
۸۰۰	۱۰۰	۳/۴	۴۹/۳	۳۶/۳	جمع
	۸۰۰	۵/۱۵	۳۹۵	۲۹۰	تعداد پاسنگو

کودکان مشخص سازد .

از آن طریق و با کنترل دقیقتر شرایط ، علتها بهتر مشخص خواهد شد و بزعم ما بموازات افزایش این میانگین ، باید پوسته‌های کهنه کم رشدی شکافته شوند ، آنچه در این مقطع محدود زمان و با برش واقعیت بدست می‌آید ، تأثیر شگرف عامل تحصیلی است و آنرا با میزان تحصیل پدر سنجیده‌ایم .

جدول شماره ۲۵ منعکس‌کننده این داده‌هاست و از خلال آن بنحوی چشمگیر اثرات ارتقاء تحصیل پدر بر تکون و ارتقاء تدریجی ، لیک منظم عادت کتابخوانی از جانب کودک قابل ملاحظه است . ستون راست جدول مزبور که از فقدان چنین عادتی حکایت دارد ، بطور منظم با آغاز سواد از جانب پدر و افزایش مدارک تحصیلی او رو به کاستی میگذارد . برعکس ، ستون چپ جدول که از بالاترین رقم کتابخوانی یاد میکند (باز هم بصورتی بسیار منظم) با ارتقاء سطح فرهنگی پدر افزایش می‌یابد . با احتساب شاخصی دیگر یعنی زمان صرف شده در ۲۴ ساعت قبل در مطالعه کتب غیر درسی نتایجی دیگر بدست می‌آید که مؤید و مکمل داده‌های قبلی است . زمان مطالعه ناچیز است و در اکثریت قریب به اتفاق موارد یا هیچ و یا کمتر از دو ساعت است (۸/۹۴٪) . تقریباً بالاتر از سه ساعت مطالعه کتب غیر درسی در این جمعیت کودک بی‌معناست و همچنانکه از خلال شاخص قبلی دیدیم فقدان این عادت بیش از نصف جمعیت نمونه را شامل میشود . در برابر چنین تصویری از واقعیت پرسشهایی از این قبیل طرح است : چنانچه ارتقاء فرهنگ را از جهتی نتیجه ارتقاء کمی و کیفی کتاب تلقی نماییم آیا فقر فرهنگی از خلال این تصویر مشخص نمیگردد ؟ و آیا نمی‌توان گفت که ایجاد عادت به کتاب و کتابخوانی باید در این سنین پدید آید ؟ رسوخ خاص کودکان به آنسوی مرزهای امکان آنجا که سخن از تلویزیون می‌رود در مورد کتاب غیر درسی چگونه می‌تواند تجلی کند ؟ فصول بعدی این گزارش باید راهنمایی بسوی چگونگی ادراک ارتباطات جمعی و وسایلیش بر ما بگشاید و پاسخی نیز بر این پرسشها با شناخت این ادراک بطور موقت فراهم آورد .



بخش دوم

بازتاب خانواده، مدرسه و تلویزیون در نزد کودکان

مقدمه

آنچه که این کار تحقیقی را از سایر کارهای تحقیقاتی متمایز میکند سرعتی است که در انجام آن بکاررفته است، عجله ما در این کار موجب گردید که:

اولاً با همه احتیاطی که در کار نمونه‌گیری و تکمیل و استخراج پرسشنامه‌ها و کدبندی و کدگذاری پاسخها بکار برده‌ایم نتوانیم امروز تمامیت فنی و علمی آنرا بطور صددرصد تضمین نماییم.

ثانیاً کلیه اطلاعاتی را که جمع‌آوری کرده‌ایم تجزیه و تحلیل کنیم و مورد استفاده قرار دهیم. با این وجود میتوانیم ادعا کنیم آنچه را که بیرون کشیده و تفسیر کرده‌ایم با وسواس علمی توأم بوده است. این تحقیق شامل دو بخش میباشد:

۱ - جمع‌آوری اطلاعات عینی درباره مشخصات خانواده‌های مورد نظر و اوقات فراغت کودکان از نظر کمی و کیفی.

۲ - مطالعه احساس کودکان نسبت به روابطشان با مراکز پیامهای فرهنگی از طرفی و ادراک آنها از ارتباط این مراکز با یکدیگر از طرف دیگر. در قرائت این گزارش خواننده میباید دائماً در ذهن خود باین نکته توجه داشته باشد که هر بار صحبت از کودکان می‌رود، منظور کودکان متعلق

به خانواده‌هایی هستند که تهرانی و دارای تلویزیون میباشند و نه کودکان بطور اعم . بسیار جالب‌تر میبود اگر ما امکان می‌یافتیم اعم کودکان را در شهر تهران مورد مطالعه قرار دهیم تا بتوانیم تفاوت‌هایی را که مسلماً بین دودسته کودکان تلویزیوندار و بی تلویزیون وجود دارد بشناسیم . علاوه بر این کمبود ، نقایص دیگری برای تحقیق میتوان شمرد که ما خود تا حدود زیادی به آنها واقفیم و امیدواریم بتوانیم این کار پراهمیت را دنبال کنیم .

شرایط تحقیق

هدف از این کار تحقیق مطالعه گرایشهای کودکان نسبت به فرهنگ محیط میباشد . در جامعه متحول ما کودک در معرض پیامهای سه منبع اصلی خبر قرار دارد که عبارتند از : خانواده و مدرسه و وسایل ارتباط جمعی . برای شناخت تأثیر پیامهای سه گانه بر کودک و مطالعه بازتاب آنها نزد وی باید به‌بنیم :

- ۱ - آیا سهمی که هر يك از این سه منبع در حیات کودک دارد چیست ؟
- ۲ - آیا محتوای پیامهای سه گانه باهم اختلاف سطح دارند و در صورت این اختلاف ادراك کودکان از این عدم هماهنگی چگونه است ؟

برای اینکه به این دو سؤال پاسخی داده باشیم مادر و کودک را مورد پرسش قرار داده‌ایم . مشخصات خانوار و صرف اوقات فرزند را از مادر پرسیده‌ایم و احساس کودک را نسبت به خانواده و مدرسه و تلویزیون نزد خود او مطالعه و مشاهده نموده‌ایم و سپس برای آنکه مفهوم اختلاف سطح فرهنگی را روشن‌تر سازیم سعی کرده‌ایم ادراك طفل را نسبت به رابطه بین بزرگترها و جنبه‌های مختلف عالم آنها مورد بررسی قرار دهیم . ارتباط بین عقاید خانوادگی و پیامهای تلویزیونی و آموزش دبستانی و نیز مقایسه جای طفل در خانواده و روابطش با معلم و مدرسه فصول این بررسی را تشکیل میدهد .

این تحقیق در مردادماه ۱۳۵۳ در شهر تهران انجام گرفت . ۸۰۰ خانوار از ۶۵۰,۰۰۰ خانوار تهرانی بطریق نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد و تعداد نمونه‌ها مناسب با تعداد خانوارهای نواحی ۱۰ گانه تهران محاسبه گردید . با اینکه پرسشگران خانوارها و نواحی را تا آنجا که ممکن بوده است در همه نقاط انتخاب کرده‌اند ولی شك نیست که به خانوارهایی راه یافته‌اند که علاوه برداشتن شرایط لازم با میل آنها را داخل منزل پذیرفته‌اند .

- شرایط چهارگانه لازم برای انتخاب خانوارها بشرح زیر بوده است :
- ۱ - حداقل يك دستگاه تلویزیون در منزل باشد .

۲ - حداقل يك فرزند ۷ تا ۱۲ ساله محصل در خانواده زندگي كند (در صورتيكه بيش از يك فرزند واجد شرايط وجود داشته بزرگترين آنها انتخاب ميشود).

۳ - پدر و مادر كودك پاسخگو در قيد حيات باشند .

۴ - دين خانوار اسلام باشد .

بايد تذكر داد كه توزيع بر حسب ناحيه ، تعداد خانوارها را در طبقات مختلف اجتماعي بدست داده است . تكنيك نمونه گيري ، بدون توجه به ميزان درآمد خانوارها انجام گرفته است ، باین دلیل كه ناچار بوده ایم فقط خانوارهای تلویزیوندار را انتخاب کنیم .

اگر قبول کنیم كه خانواده های مرفه تلویزیون دارند انتخاب خانواده های تلویزیوندار مستلزم این بوده است كه در بین مردم ناحیه های جنوبی شهر مرفه ترین آنها برگزیده شده باشند . بنابراین نمونه های این نواحی بیشتر نماینده مردم مرفه تر این مناطق هستند تا مردم فقیرتر .

ولی تقاطع اطلاعات با متغیرهایی از قبیل شغل پدر و میزان درآمد خانوار تا حد زیادی این نقیصه را جبران مینماید .

روش تحقیق

برای این تحقیق ، تكنيك پرسشنامه با سؤالات بسته و باز و بصورت مصاحبه هدایت شده انتخاب و انجام گردیده كه قسمتی از آن با مادر و قسمت دیگرش با فرزند پرمیشده است . دستورالعمل پرسشگران عبارت بوده است از اینکه :

۱ - كودك را در تنهایی مورد پرسش قرار دهند .

۲ - از پیش آمدن هر گونه بحثی در طول مصاحبه حذر کنند و به حداقل توضیحات درباره بعضی سؤالات پیچیده اكتفا نمایند .

۳ - در صورت عدم آمادگی طفل برای پاسخگویی از مصاحبه صرف نظر کنند.

استخراج اطلاعات

اطلاعات ۸۰۰ پرسشنامه بروی کارتهای I.B.M. برده شد و سپس بدلیل تعطیلات تابستانی و سرعت عمل لازم در مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه C.N.R.S. برنامهریزی و استخراج گردید .

کارتنظیم گزارشها درمهرماه سال جاری در تهران انجام یافت .

فصل اول

احساس کودکان نسبت به کانون خانواده

برای توجیه احساسات کودکان نسبت به خانواده يك عامل را در این تحقیق می‌توان اساسی دانست، زیرا بما امکان میدهد تفاوت احساسات را تشخیص بدهیم: $9/45\%$ کودکان اظهار داشته‌اند نسبت به پدر خویش از معلم خود بیشتر حرف‌شنوی دارند، درحالیکه $1/54\%$ آنها در این زمینه پدر را بر معلم مقدم شمرده‌اند. بنابراین ما با دودسته کودک سروکار داریم:

۱ - آنهاییکه به خانواده بستگی زیاد دارند و نگاهشان به درون خانه دوخته شده و تا حدود زیادی تحت تأثیر فرهنگ خانواده‌گی هستند.

۲ - آنهاییکه از قالب خانه و خانواده پارا فراتر گذاشته و از فرهنگ مدرسه و تجدد اجتماعی متأثرند.

آنچه که مطالعه آن در این جا برای ما جالب است وضع کودکان دسته دوم می‌باشد.

در این مورد باید دید تحت چه شرایطی حرف‌شنوی و متابعت از يك مرجع به مرجع دیگر تغییر می‌یابد. بنظر میرسد که سن در این تغییر مؤثر است. از آنجا که در سنین پائین جنبه‌های عاطفی زندگی خانوادگی در ایران بر مشکل‌پسندیهای تربیتی که در سنین بالاتر در مورد فرزند پیدا می‌شود غلبه دارد لذا مدرسه و معلم از ابتدا در ذهن کودک بعنوان مظهر انضباط و قدرت جلوه میکند.

مفهوم حرف‌شنوی در مورد عالم مدرسه بیشتر مصداق پیدا میکند تا دنیای خانه. هرچه که طفل پا بسن میگذارد به مدرسه که تقریباً در طول همه تحصیلات

از نظر قدرت بلا تغییر میماند عادت میکند و برعکس در خانواده که درسین بالا نسبت به فرزندان خود سختگیر است احساس قدرت بیشتر مینماید و در نتیجه حرف شنوی از پدر شدت می یابد .
جدول زیر تغییرات سنی کودک را در رابطه با پدر و معلم نشان میدهد .

جدول ۱ - توزیع نسبی بر حسب سن :
حرف شنوی کودکان از پدر یا معلم

سن	معلم	پدر	جمع	تعداد پاسخگو
۷ ساله	۵۹/۱	۴۰/۹	۱۰۰	۶۶
۸ ساله	۵۱/۳	۴۸/۷	۱۰۰	۱۱۵
۹ ساله	۵۰/۹	۴۹/۱	۱۰۰	۱۱۴
۱۰ ساله	۴۲/۷	۵۷/۳	۱۰۰	۱۵۰
۱۱ ساله	۴۶/۶	۵۳/۴	۱۰۰	۱۷۴
۱۲ ساله	۳۶/۵	۶۳/۵	۱۰۰	۱۸۱
جمع	۴۵/۹	۵۴/۱	۱۰۰	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۳۶۷	۴۳۳	۸۰۰	

جنس کودک در این تغییر بی تأثیر است . تحول دختران و پسران از جهت روابط با خانواده و مدرسه بعنوان مراکز محبت و انضباط در یک جهت است و تفاوت آشکاری از این نظر در بین آیندو جنس وجود ندارد . (برای پسران معلم ۴۴/۵ و پدر ۵۵/۵ و برای دختران معلم ۴۷/۵ و پدر ۵۲/۵ است) .
اکنون باید دید آیا وضع حرفه ای و موقعیت تحصیلی پدر در اعماق قدرت بر فرزندان تأثیر دارد یا نه ؟ در مورد شغل پدر این وضع کاملاً مشخص است . هر چه شغل پدر از نظر موقعیت اجتماعی بالاتر و ارزنده تر باشد کودکان بسوی پدران خود و بالنتیجه خانواده خویش بیشتر جلب میشوند و از مدرسه دور میگردند . توازن بین خانه و مدرسه فقط در نزد فرزندان کسبه برقرار است . (معلم ۵۰/۲ و پدر ۴۹/۸) در مورد فرزندان کارگران نقش قدرت بدست آموزگار و در مورد کارمندان و مشاغل عالیرتبه این نقش بدست پدر می افتد .
جدول زیر این وضع را بخوبی می نمایاند :

جدول ۲ - توزیع نسبی بر حسب شغل پدر :
حرف شنوی کودکان از پدر یا معلم

تعداد پاسخگو	جمع	پدر	معلم	شغل پدر
۱۵۹	۱۰۰	۴۷/۲	۵۲/۸	کارگر
۲۶۳	۱۰۰	۴۹/۸	۵۰/۲	کسبه
۲۸۰	۱۰۰	۵۳/۶	۴۶/۴	کارمند
۹۸	۱۰۰	۷۸/۶	۲۱/۴	مشاغل عالیرتبه
۸۰۰	۱۰۰	۵۴/۱	۴۵/۹	جمع
	۸۰۰	۴۳۳	۳۶۷	تعداد پاسخگو

میتوان حدس زد که در مورد میزان تحصیلات پدر نیز وضع چنین است . هرچه پدر باسوادتر باشد بیشتر فرزندان بسوی او جلب میشوند . توازن بین خانه و مدرسه فقط در مورد پدرانی که دارای تحصیلات ابتدائی میباشند برقرار میگردد . (معلم ۴۹/۶ و پدر ۵۰/۴) .

جدول ۳ - توزیع نسبی بر حسب میزان تحصیلات پدر :
حرف شنوی کودکان از پدر یا معلم

تعداد پاسخگو	جمع	پدر	معلم	میزان تحصیلات پدر
۱۱۹	۱۰۰	۴۳/۷	۵۶/۳	بیسواد
۳۳۷	۱۰۰	۵۰/۴	۴۹/۶	تا پایان ابتدائی
۱۱۳	۱۰۰	۵۵/۸	۴۴/۲	سیکل اول
۱۲۳	۱۰۰	۵۴/۵	۴۵/۵	دیپلم
۱۰۸	۱۰۰	۷۵/۰	۲۵/۰	بالا تر از دیپلم
۸۰۰	۱۰۰	۵۴/۱	۴۵/۹	جمع
	۸۰۰	۴۳۳	۳۶۷	تعداد پاسخگو

نتیجه‌ایکه میتوان از این بحث گرفت اینست که در ذهن کودکان تفاوت بین معلمان و پدرانشان موقعی بحداقل تنزل می‌یابد که باتوجه به اینکه در ترد فرزندان پدرانیکه فقط بکار کسب اشتغال دارند و یا آنهاییکه فقط دارای تحصیلات ابتدائی می‌باشند، توازن بین پدر و معلم از نظر اعمال قدرت برقرار میشود، لذا میتوان تصویر تازه‌ای از آموزگار عرضه نمود. پایگاه اجتماعی آموزگار در ذهن کودکان چیزی معادل یک کاسب کار و یا یک «آدم ۶ کلاسه» جلوه می‌کند.

احساس کودک در خانه

از کودکان سؤال شده است «آیا منزل شما منزل خوبیست؟ از آن راضی هستی؟» در این سؤال کوشش بعمل آمده تا علاوه بر پاسخ مستقیم حالت کودک نیز بهنگام جوابگوئی مورد مطالعه قرار گیرد و از صحت پاسخ کودک اطمینان حاصل شود. در نزد ۸۱٪ از کودکان بین گفتار و رفتار مطابقت و صراحت وجود داشته است که از این عده ۶/۷۷٪ اظهار رضایت و ۴/۳٪ اظهار ناراحتی و ناراضی می‌کنند. ۱۹٪ بقیه در رضایت از منزل تردید نشان میدهند و ناراحتی خود را از وضع موجود در منزل ابراز میدارند.

شناختن این کودکان و شرایط زندگی آنان برای شناختن محیط فعلی خانواده در تهران و بستگی این محیط به محیط اجتماعی کمال اهمیت را دارد. مطالعه میزان درآمد خانوار که تا حدودی معرف شغل و میزان تحصیلات والدین و نوع محل اقامت می‌باشد، می‌تواند ما را در این امر روشن نماید. قبل از هر نتیجه‌گیری بهتر است به مطالعه جدول زیر بپردازیم:

جدول ۴ - توزیع نسبت بر حسب درآمد :
میزان رضایت کودکان از منزل

تعداد پاسخگو	جمع	عدم رضایت از منزل	تردید	رضایت از منزل	میزان درآمد خانوار
۱۴	۱۰۰	۰/۰	۴۲/۹	۵۷/۱	کمتر از ۵۰۰۰ ریال
۱۳۱	۱۰۰	۲/۳	۳۲/۸	۶۴/۹	۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال
۵۴۵	۱۰۰	۴/۱	۱۷/۵	۷۸/۴	۱۰۰۰۰ تا

					ریال ۵۰۰۰۰
۱۱۰	۱۰۰	۱/۸	۸/۲	۹۰/۰	ریال ۵۰۰۰۰
۸۰۰	۱۰۰	۳/۴	۱۹/۰	۷۷/۶	جمع
	۸۰۰	۲۷	۱۵۲	۶۲۱	تعداد پاسخگو

به سادگی می‌توان مشاهده کرد که :

اولاً عدم رضایت از منزل در کودکان متعلق به خانواده‌هایی است که درآمد متوسط دارند . کودکان بسیار فقیر (درآمد کمتر از ۵۰۰۰ ریال) و فرزندان اغنیاء (درآمد بیشتر از ۵۰۰۰۰ ریال) کمتر اظهار عدم رضایت از منزل خود میکنند. ثانیاً در خانواده‌های بسیار فقیر در عین حالیکه عدم رضایت وجود ندارد رضایت خاطر از منزل نیز با تردید و دودلی آمیخته است .

ثالثاً رضایت از منزل با ازدیاد سطح درآمد خانواده در تردید و دودلی آمیخته است . اگر ما با توجه به میزان درآمد خانواده‌ها و نسبت به موقعیت آنان در جامعه مصرفی تهران آنهارا به سه دسته تقسیم کنیم :

۱ - خانواده‌های کم‌درآمد که در برابر جامعه متحول و مصرفی ، تقریباً بی تفاوت میمانند و با اصطلاح به وضع خود قانع میباشند .

۲ - خانواده‌های با درآمد متوسط که شدیداً تحت تأثیر تحولات جامعه و زندگی مصرفی قرار گرفته و برای بهتر کردن وضع مادی خویش ضمن تلاشی که بخرج میدهند بوضع دیگران غبطه میخورند .

۳ - خانواده‌های پر درآمد که از نظر مصرف بسرحد اشباع و ارضاء تردید شده‌اند .

خواهیم دید که هرچه کودکان از طریق خانواده خود بیشتر در معرض زندگی مصرفی قرار بگیرند و بیشتر بتوانند حوائج خود را ارضاء نمایند ، راضی‌تر بنظر میرسند . عدم رضایت از منزل در تردید و دودلی آمیخته وجود ناراحتی افراد منزل در تلاش بخاطر زندگی بهتر است و به منزله انگیزه‌ایست در راه کسب امتیازات مادی بیشتر و رفع نیازهای روزافزون .

نگاهی به جدول مشاغل چهارگانه پدران در ارتباط با میزان رضایت کودکان این واقعیت را نشان می‌دهد .

فرزندان کارگران با درآمد کم با جامعه مصرفی کمتر تماس دارند و بالتیجه احساس نیازهای زیادی در آنان بوجود نمیآید ، بنابراین از وضع خویش راضی هستند ولی در برابر رضایت تردید بسیار نشان میدهند . عدم رضایت در تردید این کودکان عملاً وجود ندارد .

فرزندان کارمند و کسبه با درآمد متوسط با جامعه مصرفی تماس دارند و بالنتیجه احساس نیاز در آنها بوجود میآید ولی کاملاً ارضاء نمیشود. بنابراین ایندسته ازوضع منزل رضایت بیشتری دارند و کمتر تردید نشان میدهند.

فرزندان کارمندان عالیرتبه وقضات وپزشکان وسایر مشاغل با درآمد بالا، وارد درجامعه مصرفی دارای نیاز فراوان میباشند، نیازهایی که ارضاء میشوند. بنابراین این عده ازوضع منزل کمال رضایت را دارند وبسیار کمتر تردید نشان میدهند. عدم رضایت در ترد این کودکان بسیار ضعیف است.

نتیجه کلی که میتوان ازتحلیل بالاگرفت اینست که درتهران نیز مانند سایر جامعههای سلسله مراتبی، طبقات متوسط برانگیختهترین وناراحتترین وضع را دارا میباشند. این اختلال وبی نظمی درموقعیت اجتماعی وخانوادگی بر کودکان این طبقه تأثیر گذاشته وآنها را نیز دچار ترلز خاطر وناراحتی وتردید مینماید. علاوه برتأثیر وضع طبقاتی بر احساس کودک از محیط زندگی، جنس کودک نیز درجامعه مردانه کشور ما درموقعیت عاطفی وروانی او بی تأثیر نیست. ارقام زیر شاهد این واقعیت است.

رضایت خاطر	نارضایتی	
۵۵/۸٪	۴۰/۷٪	پسر
۴۴/۲	۵۹/۳	دختر
۱۰۰	۱۰۰	جمع
۸۰۰	۸۰۰	تعداد پاسخگو

بطور کلی دخترها غصه خورتر ونسبت به وضع خانواده حساس ترند. پسرها کمبودها وناراحتیها را با رفت وآمد درکوچه ورفیق بازی تاحدی جبران میکنند ولی دخترها بیشتر درخانه وتردیکتر به مادر، خودرا پایبند وناچار حس مینمایند.

يك تغییر درمنزل

از کودکان سؤال شده است که اگر قرار باشد درمنزل آنها يك تغییر داده شود به نظر آنها (سپس بنظر پدرشان) بهتر است این تغییر چه باشد. پاسخها را می توان به ترتیب زیر عرضه نمود:

از نظر پدران	از نظر کودکان	
۳۲/۶٪	۶/۴٪	نمیدانند
۸/۰	۱۳/۵	تغییری نکند
		تغییر در مورد ساختمان باشد (تعمیر ، دکوراسیون ، گلخانه ، استخر ، وسایل بازی و غیره)
۳۴/۸	۴۸/۸	تغییر در جهت وسعت منزل باشد (حیاط ، تعداد اطاق و غیره . . .)
۱۷/۹	۲۶/۹	تغییر در جهت بهبود محله باشد
۶/۷	۴/۴	
۱۰۰	۱۰۰	جمع
۸۰۰	۸۰۰	تعداد پاسخگو

باین ترتیب ۱/۸۰٪ کودکان فکر حداقل یک تغییر را در سر می‌پروانند. در این تغییرات آنچه که جالب توجه است آنهایی است که در مورد نوسازی منزل و دکوراسیون و استخر و ایجاد دیگر مظاهر تازه زندگی بچشم می‌خورند. (کودک ۴۸/۸ و پدر ۳۴/۷) از طرف دیگر باید دانست ۳/۵۹٪ کسانی که اظهار عدم رضایت از منزل خود کرده بودند از اینگونه تغییرات پیشنهاد کرده‌اند. اگر ما بمطالعه کسانی بپردازیم که از هیچگونه تغییری نام نبرده‌اند، خواهیم دید که بیشتر آنها کسانی هستند که از منزل خود اظهار رضایت نموده‌اند. ۲/۲۳٪ آنها از منزل خود رضایت داشته‌اند. ۲/۹٪ آنها تردید نشان داده‌اند. و فقط ۷/۳٪ آنان اظهار عدم رضایت از منزل خود کرده‌اند. حالا به بینیم رابطه این تغییرات پیشنهاد شده بامیزان درآمد خانوار چیست؟

جدول ۵ - توزیع نسبی بر حسب میزان درآمد
تغییرات پیشنهادی کودک برای منزل

میزان درآمد	نمیداند	تغییری نکند	تغییر در مورد ساختمان	تغییر در جهت وسعت منزل	تغییر در جهت بهبود محله	جمع
کمتر از ۵۰۰۰ ریال	۷/۱	۱۴/۳	۴۲/۹	۱۴/۳	۲۱/۴	۱۰۰
از ۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ ریال	۷/۶	۸/۴	۴۹/۶	۳۲/۱	۲/۳	۱۰۰
از ۱۰۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰ ریال	۳/۸	۹/۲	۵۴/۹	۲۹/۰	۳/۱	۱۰۰
از ۱۵۰۰۱ تا ۲۰۰۰۰ ریال	۴/۰	۱۶/۸	۴۸/۸	۲۴/۰	۶/۴	۱۰۰
از ۲۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال	۲/۶	۱۰/۷	۶۰/۰	۲۲/۰	۴/۷	۱۰۰
از ۳۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰ ریال	۶/۵	۲۰/۱	۳۸/۹	۳۰/۲	۴/۳	۱۰۰
بیش از ۵۰۰۰۰ ریال	۱۵/۵	۱۶/۴	۳۹/۰	۲۵/۵	۳/۶	۱۰۰
جمع	۶/۴	۱۳/۵	۴۸/۸	۴۶/۹	۴/۴	۱۰۰
تعداد پاسخگو	۵۱	۱۰۸	۳۹۱	۲۱۵	۳۵	۸۰۰

۱ - تغییر در جهت بهبود محله بیشتر در محلات کارگری احساس میشود (۲۱/۴٪) و یکنوع تمایل به ارتقاء اجتماعی از طریق مسکن در تزد این طبقه مشهود است.

۲ - میل به تغییر در مورد ساختمان، در خانواده‌هایی که درآمد متوسط دارند بیشتر وجود دارد. (۶۰٪) در اینجا می‌توان گفت که بهبود وضع خانه از نظر وسایل جدید زندگی نسبت به سایر تغییرات بیشتر توجه مردمانی را که در راه تحصیل ثروت افتاده‌اند و با اصطلاح قشرهای متوسط طبقاتی ما را تشکیل میدهند بخود جلب میکند. یکی از راههای کسب حیثیت نوسازی منزل و وارد کردن مظاهر زندگی شهری و غربی در خانه می‌شود.

۳ - کسانی که از تنگی جا شکایت داشته‌اند متعلق به خانواده‌هایی هستند که درآمد کم دارند. در جدول بالا این موضوع برای خانواده‌های بسیار کم درآمد صادق نیست چه اولاً ممکنست این خانواده‌ها آمیدی به تغییر در جهت وسعت منزل خود نداشته باشند و اصلاً آنرا عنوان نکنند و ثانیاً تصور میکنند با تغییر محله در وضع مسکن آنها نیز بهبود حاصل خواهد شد. در برابر این سؤال که «آیا افراد خانواده شما با هم موافقت یا اختلاف دارند»، کودکان چنین پاسخ داده‌اند:

افراد خانواده با هم موافقت کامل دارند	۶۸/۳٪
افراد خانواده با هم اختلاف دارند	۱۰/۲
افراد خانواده کم و بیش اختلاف دارند	۲۱/۵
جمع	۱۰۰
تعداد پاسخگو	۸۰۰

۳۱/۷٪ کودکان که نزدیک به ۱/۳ آنها میشود نه تنها از اختلاف بین افراد خانواده خود باخبرند بلکه آنرا بنحوی نشان میدهند. در پاسخ به سؤال دیگری ۱۳/۴٪ کودکان آرزو کرده‌اند که تفاهم و سازش بین افراد خانواده آنها برقرار شود. اگر تعداد کسانی را که میل دارند عضوی از خانواده آنها کم شود (۴/۵٪) به این عده بیفرائیم جمعاً ۱۷/۹٪ کودکان آشکارا در فضای خانوادگی رنج میبرند. در پاسخ باین سؤال که «بچه‌هایی هستند که از پدر و مادرشان جدا زندگی میکنند به نظر تو این کار چگونه؟» ۱۱/۵٪ آنها اینکار را بد ندانسته‌اند. این وضع نمودار يك حالت نفاقی و غیرسازشی است که در برخی از خانواده‌ها در شرایط حاضر در شهر تهران وجود دارد.

اگر ماهیت این اظهار نظرها را جستجو کنیم در مجموع متوجه میگردیم که بدی محله، کمبود اطاق، کمی سواد پدر و مادر، زیادی تعداد اطفال و افراد در خانواده موجب چنین وضعی است. در پاسخ به این سؤال که «يك پدر به چه درد میخورد؟» کودکان به ارزشهای پدرانه زیر چنین اشاره کرده‌اند:

درآمد	: پول درآوردن، وسایل زندگی فراهم کردن	۵۶/۰٪
فرزند	: وسایل تربیت و تحصیل و تفریح فرزندان را فراهم آوردن	۱۹/۸
خانواده	: حمایت و مواظبت از خانواده و هم‌آهنگ کردن اعضا.	۱۲/۹

۷/۹	کلی	: بدرد زندگی وهمه چیز خوردن
۳/۴	بدون پاسخ	: نمیداند ویا بهیچ درد نمیخورد
۱۰۰	جمع	
۸۰۰	تعداد پاسخگو	

مطالعه اعداد بالا بما نشان میدهدکه در نظر کودکان تهرانی نقش اصلی پدر «پول درآوردن» است. گوا اینکه این نقش را چه بسا فرزندان به تقلید از مادر به پدر خود نسبت میدهند، لکن بدیهی است که فقر اقتصادی به «پول درآوردن» نقش درجه اول میدهد. این مدعا را می توان در جدول رابطه میزان درآمد خانوار با اظهار نظر کودک در زمینه بدرد خوردن پدر باثبات رسانید.

تعداد پاسخگو	انتظاریکه از پدر می رود:	درآمد خانواده
	پول درآوردن، وسایل زندگی فراهم کردن	
۱۱	۷۸/۶	کمتر از ۵۰۰۰ ریال
۸۱	۶۱/۸	از ۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ ریال
۳۰۰	۵۵/۱	از ۱۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰ ریال
۵۶	۵۰/۹	بیش از ۵۰۰۰۰ ریال
۴۴۸	۵۶/۰	جمع

حالا باید دید آیا این طرز فکر تردکودکان، درچه نوع خانوادههایی بیشتر رواج دارد. بنظر میرسد از آنجا که تحرك طبقاتی در نزد کسبه و کارمندان بیش از کارگران و صاحبان مشاغل عالیرتبه وجود دارد، مسئله پول رایج تر و حادث تر باشد.

اگر ما به توزیع پاسخها بر حسب مشاغل توجه نمائیم این موضوع روشن می شود.

تعداد پاسخگو	انتظاریکه از پدر میرود : پول در آوردن ، وسایل زندگی فراهم آوردن	مشاغل
۹۶	۶۰/۴	کارگر
۳۰۰	۵۷/۱	کسبه و کارمند
۴۲	۴۲/۹	مشاغل عالیرتبه
۴۴۸	۵۶/۰	جمع

واما آنچه که بسیار جالب میباشد اینست که اگر ما به انتظار کودکان نسبت به نقش خانواده دوستی پدر توجه نمائیم خواهیم دید که این انتظار نسبت مستقیم با سن کودک دارد . هرچه طفل مسن تر باشد آگاهی به نیاز خانه و خانواده در وی قوی تر و بالنتیجه انتظار بیشتری از پدر خود بعنوان حمایت کننده خانواده دارد . جدول زیر رابطه بین انتظار کودکان را با سن آنها نشان میدهد :

تعداد پاسخگو	حمایت و مواظبت از خانواده	سن
۳	۴/۵	۷ ساله
۷	۶/۱	۸ ساله
۱۱	۹/۶	۹ ساله
۱۸	۱۲/۰	۱۰ ساله
۲۳	۱۳/۲	۱۱ ساله
۴۱	۲۲/۷	۱۲ ساله
۱۰۳	۱۲/۹	جمع

نتیجه ای که می توانیم از مجموع جداول مربوط به انتظار کودکان از پدر خود بگیریم اینست که روابط فرزند با پدر در شرایط امروز زندگی بر اساس الگوهای شکل میگیرد که با الگوهای سنتی ، مختصر تفاوتی دارد . این تفاوتها بما نشان میدهد که باید ما مطالعه را بیش از این به پیش ببریم تا قالبهای فکری جدید را در مورد ارزشهای فرهنگی قدیم بشناسیم و مکانیسم تغییر ارزشها را دریابیم :
در مورد مادر وضع متفاوت است به این ترتیب :

۵۸/۰	فرزند	: حفظ و تربیت کودکان
۳۶/۹	خانه داری	: غذا پختن ، نظافت کردن خانه
/۵	متفرقه	: سایر پاسخها کار کردن ، مدیریت و غیره

بدون پاسخ : نمیداند و یا بهیچ درد نمیخورد $1/6$

جمع
تعداد پاسخگو
۱۰۰
۸۰۰

تصویر مادر در ذهن کودکان روشن تر و مشخص تر است . باروری و تربیت کودک تا سنین بلوغ در جامعه ما ارزشهای مادرانه هستند و لفظ کودک یا کلمه مادر در فرهنگ ما متداعی است . در بالا دیدیم که نقش فرزندداری را فقط در $19/8\%$ موارد از پدر انتظار دارند ، در حالیکه این رقم برای مادر به 58% میرسد . اگر ما نظرات کودکان را در مورد پدر و مادر توأمأ مطالعه نماییم بهتر می توانیم به ادراک کودکان نسبت به والدین خود پی ببریم .

جدول ۶ - رابطه نفع پدر با نفع مادر از نظر کودکان :

نفع پدر	فرزند داری	خانه داری	متفرقه	بدون پاسخ	جمع	تعداد پاسخگو
درآمد	$28/8$	$25/1$	$1/1$	$1/0$	56%	۴۴۸
فرزند	$15/2$	$4/1$	$0/0$	$0/5$	$19/8\%$	۱۵۹
خانواده	$8/0$	$4/5$	$0/1$	$0/3$	$12/9\%$	۱۰۳
کلی	$4/8$	$1/9$	$0/2$	$1/0$	$7/9\%$	۶۳
بدون پاسخ	$1/2$	$1/3$	$0/2$	$0/7$	$3/4\%$	۲۷
جمع	$58/0\%$	$36/9\%$	$1/6\%$	$3/5\%$	100%	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۴۶۴	۲۹۵	۱۰	۳۱	۸۰۰	

اگر ما توجه خود را فقط به سه نقش اصلی پدر یعنی کسب درآمد و تربیت فرزند و حمایت از خانواده و دو نقش اصلی مادر یعنی فرزندداری و خانه داری معطوف بداریم ، ترکیبات زیر را بدست می آوریم :

درآمد	پدر	فرزندداری	مادر	$28/8\%$ کل کودکان
درآمد	پدر	خانه داری	مادر	$25/1\%$ کل کودکان
حمایت خانواده و تربیت فرزند از طرف پدر	پدر	فرزندداری	مادر	$23/2\%$ کل کودکان
حمایت خانواده و تربیت فرزند از طرف پدر	پدر	خانه داری	مادر	$8/6\%$ کل کودکان

از مطالعه این مقایسه‌ها بطور کلی به ۲ نوع طرز تفکر در تردکودکان

پی می‌بریم :

۱ - پدرمخارج خانواده را تأمین میکند و بقیه امور

۵۳/۹٪

خانواده را به مادر میسپارد

۱۵/۲٪

۲ - تربیت فرزند توأماً بعهده پدر و مادر است

اگر می‌توانستیم این دو دسته کودک را از نظر طبقاتی از هم تشخیص بدهیم بسیار جالب می‌بود ولی فعلاً به این فرضیه اکتفا می‌کنیم که دسته اول متعلق به طبقات متوسط و پائین و دسته دوم به قشرهای مرفه جامعه ما تعلق دارند .
 بهر حال می‌توانیم از تجزیه و تحلیل بالا نتیجه بگیریم که نظرات کودکان درک آنها را از پایگاه زن که متناسب با مقام اجتماعی اوست منعکس مینماید و بطور وضوح فایده پدر را از فایده مادر متمایز مینماید .
 درک کودکان از پایگاه زن در طبقات مختلف متفاوت است و نسبت به شغل پدر آنها فرق می‌کند .

جدول ۷ - توزیع نسبی بر حسب شغل پدر
 فایده مادر

مشاغل پدر	فرزند داری	خانه داری	متفرقه	بدون پاسخ	جمع	تعداد پاسخگو
کارگر	۵۰/۲	۴۴/۰	۲/۶	۳/۲	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۵۵/۹	۳۹/۵	۰/۸	۳/۸	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۵۸/۲	۳۶/۸	۱/۱	۳/۹	۱۰۰	۲۸۰
صاحبان مشاغل عالی	۷۵/۵	۱۸/۴	۱/۰	۵/۱	۱۰۰	۹۸
جمع	۵۸/۰٪	۳۶/۹٪	۱/۶٪	۳/۵٪	۱۰۰	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۴۶۴	۲۹۵	۱۰	۳۱	۸۰۰	

تربیت فرزند بخلاف کارخانگی و آشپزی نقشی است که کودکان قشرهای مرفه بیشتر به مادر خود اطلاق میکنند . در ترد اینگونه کودکان مادر غیر از ارزش مادی یک حالت معنوی نیز پیدا مینماید و به پدر نزدیک میشود .

فصل دوم

احساس کودکان نسبت به مدرسه

در مطالعه احساس کودکان نسبت به مدرسه پدیده زیرچشمگیر است :
۷۸/۳٪ کودکان اظهار داشته‌اند که علاوه بر درس «آداب معاشرت»
می‌آموزند .

این رقم قابل توجه بما نشان می‌دهد که برای اغلب کودکان مدرسه محیط
دیگریست غیر از خانواده . طفلی که بمدرسه میرود احساس میکند به يك فضای
اجتماعی پا گذاشته است ، يك فضای اجتماعی تازه و نو که در آن به او می‌آموزند
چگونه پشت میز بنشیند ، چطور در يك لیوان آب بنوشد و به چه نحو با کارد و چنگال
غذا بخورد . کتابهای ابتدائی سراسر حاوی تصاویر و مطالبی در زمینه این زندگی
نو است . از آنجا که این کارها برای او ناشناخته و ناآمنوس است انجام آنها این
تفکر را در ذهن او ایجاد میکند که مشغول یادگیری رفتار مؤدبانه و روشهای نیکو
است . به این ترتیب مدرسه صورت تازه‌ای از زندگی را به طفل مینمایاند و این
صورت اساساً غربی و بیگانه است .

اطفال متعلق به طبقات مرفه و باسواد این شیوه‌ها را زودتر فرا گرفته
و جزء آداب و رسوم خود می‌نمایند. بدیهی است که آن دسته کودکان نیستند که احساس
میکند در مدرسه آئین زندگی می‌آموزند .

سایر عادات و فعالیتهائی که کودکان در مدرسه یاد می‌گیرند عبارتند از :

بازی	٪۲۳
ورزش	٪۲۱/۶
حرف زدن	٪۱۶
عادت به کار	٪۱۴/۱
دوست‌یابی	٪ ۵/۹
	و غیره

عدم تکیه کودکان بر روی این جنبه‌ها مارا به اهمیت اظهارات تقریباً همگانی آنها مبنی بر «آداب معاشرت» واقف میسازد.

در مجموع کودکان نسبت به رفتن ب مدرسه نیاز فراوانی احساس میکنند بطوریکه ۸/۶۹٪ آنان اظهار میدارند که وقتی راکه در مدرسه میگذرانند کافی نیست. البته با توجه به نیمروز بودن تعداد زیادی از دبستانها تمایل کودکان به صرف وقت بیشتر در مدرسه تا حدی توجیه میگردد.

در این مورد باید دانست که :

۷/۳۹٪ دانش آموزان فقط بین ۲۱ تا ۲۵ ساعت در هفته ب مدرسه میروند.

۴/۱۵٪ آنها بین ۲۶ تا ۳۰ ساعت در هفته ب مدرسه میروند.

۹/۴۳٪ آنها بیش از ۳۰ ساعت در هفته ب مدرسه میروند.

این تفاوت وقتی راکه دانش آموزان در مدرسه میگذرانند به سن و کلاس دانش آموزان بستگی پیدا میکند باین معنی که هر چه دانش آموزان ابتدائی ترند بعلت تراکم حجم آنها و کمبود مدارس کمتر ب مدرسه میروند. بعبارت دیگر از يك مدرسه در دو یا سه نوبت استفاده بعمل میآید. اینوضع بمراتب در نقاط کثیرالجمعیت شهر بیشتر بچشم میخورد تا در محلات اعیان نشین.

جدول زیر این تفاوت آشکارا بخوبی نشان میدهد :

جدول ۸ - توزیع نسبی بر حسب نواحی

زمان صرف شده در مدرسه در هفته

نواحی ده گانه تهران	نامعین	۲۱ تا ۲۵ ساعت	۲۶ تا ۳۰ ساعت	بیش از ۳۰ ساعت	جمع	تعداد پاسخگو
ناحیه ۱	۳/۴	۲۷/۳	۲۲/۷	۴۶/۶	۱۰۰	۸۸
ناحیه ۲	۰/۰	۵/۶	۳۳/۳	۶۱/۱	۱۰۰	۵۴
ناحیه ۳	۱/۰	۲۸/۱	۱۳/۵	۵۷/۴	۱۰۰	۹۶

۱۲۴	۱۰۰	۲۱/۸	۴/۰	۷۴/۲	۰/۰	ناحیه ۴
۱۰۷	۱۰۰	۳۸/۳	۳/۷	۵۸/۰	۰/۰	ناحیه ۵
۱۵	۱۰۰	۱۳/۳	۳۳/۳	۵۳/۴	۰/۰	ناحیه ۶
۱۰۹	۱۰۰	۲۱/۱	۶/۴	۷۲/۵	۰/۰	ناحیه ۷
۷۴	۱۰۰	۵۸/۱	۱۸/۹	۲۱/۶	۱/۴	ناحیه ۸
۷۰	۱۰۰	۷۰/۰	۲۲/۹	۴/۲	۲/۹	ناحیه ۹
۶۳	۱۰۰	۵۸/۸	۳۳/۳	۶/۳	۱/۶	ناحیه ۱۰
۸۰۰	۱۰۰	۴۳/۹	۱۵/۴	۳۹/۷	۱/۰	جمع
	۸۰۰	۳۵۱	۱۲۳	۳۱۸	۸	تعداد پاسخگو

تنها ۲۴/۴٪ اطفال وقت مدرسه را کافی میدانند. این دسته کودکانی هستند که بیشتر به خانواده‌های تحصیل کرده و روشنفکر که خود بخود در تأمین نیازمندیهای آموزشی و فراغتی فرزندان‌شان میکوشند متعلقند. جدول زیر این واقعیت را بخوبی نشان میدهد:

جدول ۹ - توزیع نسبی بر حسب شغل پدر
تمایل رفتن ب مدرسه

تعداد پاسخگو	جمع	بیشتر	کمتر	همانقدر	مشاغل
۱۵۹	۱۰۰	۷۸/۶	۴/۴	۱۷/۰	کارگر
۲۶۳	۱۰۰	۷۲/۷	۶/۸	۲۰/۵	کسبه
۲۸۰	۱۰۰	۶۵/۴	۶/۴	۲۸/۲	کارمند
۹۸	۱۰۰	۶۱/۲	۳/۱	۳۵/۷	مشاغل عالی‌رتبه
۸۰۰	۱۰۰	۶۹/۸	۵/۸	۲۴/۴	جمع
	۸۰۰	۵۵۹	۴۶	۱۹۵	تعداد پاسخگو

باتوجه به اهمیت طبقاتی کودکانی که مایلند وقت بیشتری در مدرسه صرف نمایند، بر ما روشن میگردد که اصلاً مدرسه تا حدودی به ناچار محل سرگرمیهای میشود که کودک کمبود آنها را در منزل و در خارج از مدرسه احساس میکند مانند بازیهای گروهی و میدانی و از این قبیل . . . ۵/۷٪ کودکان نیز که بقیه آنها را

تشکیل میدهند از رفتن به مدرسه ابرازخستگی مینمایند و به کمتر رفتن به مدرسه میل نشان میدهند. بدون تردید می‌توان در بین این‌عده کودکانی را که بنحوی ازانحاء از میزان طبیعی رشد بی‌بهره هستند مشاهده کرد.

اگر ما کودکانی را مورد توجه قرار دهیم که نیاز فراوانی به بیشتر رفتن به مدرسه را دارند و از آنها پرسیم در صورتیکه منزل آنها تغییر کند آیا حاضرند مدرسه خود را عوض کنند یا نه. این کودکان به‌دو دسته تقریباً مساوی بخش می‌گردند: ۴۷/۱٪ آنها هیچگونه میلی نسبت به تغییر مدرسه ابراز نمی‌کنند و به مدرسه خود دلبسته باقی می‌مانند.

۴۷/۲٪ آنها برعکس با وجود علاقه به مدرسه خود حاضرند تجربه مدرسه دیگری را هم بنست آورند.

بنابراین اگر اکثر دانش‌آموزان به رفتن بیشتر به مدرسه علاقه نشان میدهند، این نه بخاطر مدرسه‌ایست که در آن تحصیل میکنند، بلکه بخاطر تازگی محیط مدرسه است.

بعلاوه در اینجا این سؤال طرح می‌شود که آیا میل به تغییر مدرسه با محل و نوع مدرسه بستگی ندارد؟ برقراری ارتباط بین این دو پدیده بنا نشان میدهد که کودکان مقیم در محلات مرفه‌تر کمتر حاضرند مدرسه خود را که در آن تعداد ساعات بیشتری را می‌گذرانند عوض کنند. من باب مثال میتوان ناحیه ۲ و ۶ تهران را گرفت.

ناحیه ۲	ناحیه ۳	
۶۶/۷	۶۸/۵	میل به تغییر در کودکان وجود ندارد
۳۳/۳	۲۹/۶	میل به تغییر در کودکان وجود دارد

بنابراین این کودکان به امتیاز طبقاتی خویش آگاه و در حفاظت آن نیز مصرند. برعکس دانش‌آموزانی که در محلات پائین‌تر اقامت دارند و به مدرسه‌هایی می‌روند که اکثراً نیمه وقتند، رغبت بیشتری به تغییر مدرسه نشان میدهند. در این جا میتوان مثال ناحیه‌های ۱ و ۴ و ۷ تهران را گرفت.

ناحیه ۷	ناحیه ۴	ناحیه ۱	
۴۵/۹٪	۴۴/۴٪	۴۲/۰٪	میل به تغییر در کودکان وجود ندارد
۵۱/۴	۵۰/۸	۵۵/۷	میل به تغییر در کودکان وجود دارد

اینک بپردازیم به مسئله تکالیف مدرسه و کار شخصی و گرایش دانش‌آموزان

نسبت به آن . در برابر این سؤال که « آیا مدرسه زیاد تکلیف میدهد یا کم ؟ » پاسخگویان خردسال چنین اظهار داشته اند :

خیلی	۲۶/۲٪
کم	۲۶/۹
نه خیلی ، نه کم	۴۶/۹
جمع	۱۰۰
تعداد پاسخگو	۸۰۰

مهمترین رفتاری که آنان از خود نشان داده اند يك رفتار بی چون و چرا وقضا و قدریست . « کاریست که باید بهر صورت انجام داد » . بدیهی است که ایندسته از دانش آموزان ترجمان نظر و عقیده والدین خود نسبت به امر تکلیف در خانه می باشند ، چه نیک میدانیم که اگر خانه و مدرسه در نظام آموزشی کشور ما برسریک امر توافق داشته باشند ، آن امر تکالیفی است که معلم به شاگرد میدهد . هر چه شاگرد بیشتر در منزل کار کند در نظر پدر و مادر و در نظر معلم ساعی تر و جدی تر تلقی میشود . تا جائیکه بیش از $\frac{1}{3}$ دانش آموزان (۲۶/۹٪) اظهار میدارند که تکلیف مدرسه کم است . از اینرو هم مدرسه وهم خانه عقاید سنتی خود را هنوز حفظ کرده اند . انجام تکالیف مدرسه بعنوان يك اصل جا افتاده و پذیرفته شده ارتباط چندانی با سایر عوامل تحصیلی پیدا نمی کند و مستقل از آنها عمل میکند . من باب مثال میتوان گفت که هیچگونه رابطه ای یا تناسبی مابین زمانی که طفل در مدرسه میگذراند و زمانی که باید در منزل تکالیف مدرسه را انجام بدهد وجود ندارد . در هر صورت دانش آموز باید مقدار معینی زمان صرف تکالیف مدرسه بکند تا به نظر معلم و پدر و مادر خود دانش آموز واقعی بحساب آید .

جدول ۱۰ - توزیع نسبی بر حسب زمان مصرف شده در مدرسه
زمان انجام تکالیف روزانه

در مدرسه زمان مصرف شده	تا کمتر از ۲ ساعت	۳ تا کمتر از ۳ ساعت	بیش از ۳ ساعت	جمع	پاسخگو تعداد
۲۰ تا ۲۵ ساعت در هفته	۲۵/۸	۳۹/۳	۳۴/۹	۱۰۰	۳۱۸
۲۶ تا ۳۰ ساعت در هفته	۲۲/۷	۳۵/۸	۴۱/۵	۱۰۰	۱۲۳

۳۵۱	۱۰۰	۴۱/۹	۳۸/۴	۱۹/۶	بیش از ۳۰ ساعت در هفته
۸	۱۰۰	۳۷/۵	۳۷/۵	۲۵/۰	بدون پاسخ
۸۰۰	۱۰۰	۳۹/۱	۳۸/۴	۲۲/۵	جمع
	۸۰۰	۳۱۲	۳۰۷	۱۸۱	تعداد پاسخگو

و اما آنچه که در جدول بالا جالب توجه است اینست که مقدار تکالیف بر حسب مدرسه‌های شهر و خانواده‌های تهرانی تفاوت میکند. در عین حال که لزوم انجام تکالیف در سراسر شهر و در کلیه خانواده‌ها به دانش‌آموزان توصیه و تأکید میشود در مقدار آن سلیقه‌ها تفاوت میکند.

اگر ما تکالیف «تاکمتر از ۲ ۱/۲ ساعت» را با «۲ ۱/۲ ساعت و بیشتر» در نواحی مختلف تهران مطالعه کنیم خواهیم دانست:

جدول ۱۱ - توزیع نسبی بر حسب نواحی میزان تکالیف مدرسه

تعداد پاسخگو	جمع	۲ ۱/۲ ساعت و بیشتر	کمتر از ۲ ۱/۲ ساعت	نواحی دهگانه تهران
۸۸	۱۰۰	۴۸/۹	۵۱/۷	ناحیه ۱
۵۴	۱۰۰	۵۰/۰	۵۰/۰	ناحیه ۲
۹۶	۱۰۰	۵۸/۳	۴۱/۷	ناحیه ۳
۱۲۴	۱۰۰	۳۵/۶	۶۴/۴	ناحیه ۴
۱۰۷	۱۰۰	۳۵/۵	۶۴/۵	ناحیه ۵
۱۵	۱۰۰	۴۰/۰	۶۰/۰	ناحیه ۶
۱۰۹	۱۰۰	۴۵/۹	۵۴/۱	ناحیه ۷
۷۴	۱۰۰	۶۸/۹	۳۱/۱	ناحیه ۸
۷۰	۱۰۰	۴۵/۶	۵۴/۴	ناحیه ۹
۶۳	۱۰۰	۴۶/۱	۵۳/۹	ناحیه ۱۰
۸۰۰	۱۰۰	۴۵/۴	۵۴/۶	جمع
	۸۰۰	۳۶۴	۴۳۶	تعداد پاسخگو

همچنین اگر این دومیزان تکالیف را با وضع طبقاتی خانواده‌ها مثلاً میزان درآمد خانوار یا شغل پدر و یا میزان تحصیلات پدر و مادر مقایسه کنیم متوجه تفاوت‌هایی خواهیم شد. بدیهی است در محلات و خانواده‌هایی که به دانش‌آموزان کمتر تکلیف داده میشود وسایل دیگر آموزش و نیز وسایل تفریحی نسبت به خانواده‌هایی که آینده طفل را در «مشق‌نویسی» میدانند، فراوانتر است. پس از این بحث حالا به بینیم کودکانیکه از زیادی تکالیف مدرسه شکوه میکنند (۲/۲۶٪) چه کسانی هستند؟

قبل از هر چیز باید بگوئیم که بیشتر این کودکان متعلق به طبقات پائین‌تر اجتماعند.

۳۴/۰٪

فرزندان کارگران

۲۸/۴٪

فرزندان پدران با مشاغل عالی‌رتبه

و این وضع دو علت میتواند داشته باشد اول اینکه در خانواده‌های مثلاً کارگری فرزندان علاوه بر کار تحصیل و وظایف دیگری از قبیل خرید و کمک به مادر و پدر و غیره بهره دارند لذا فرصت آنها برای انجام تکالیف کم‌تر است. اغلب اسباب و لوازم مدرسه بطور دائم گسترده است و طفل فقط در فواصل رفت و آمد و فعالیتهای مربوط بخانه بدرس و مشق خود میرسد. گاهی نیز اتفاق می‌افتد که از موقعیکه طفل بخانه میرسد تا هنگام خواب کتابها و دفترچه‌های خود را با اصطلاح «ولو» میکند تا در فرصتهای مناسب به آنها پردازد و ضمناً خود را همیشه مشغول نشان بدهد. باین ترتیب کار مدرسه کار تمام نشدنی و دشواری میشود بخصوص که سایر اعضاء خانواده نیز بعلمت کم سواد و سایر فقدانها نمیتوانند باو کمک کنند. درثانی بدلیل همین کم سواد اعضاء خانواده طفل در برابر کار مدرسه تنها میمانند و گاهی مجبور میشود از شرکت در فعالیتهای خانه و خانواده خود صرف نظر نماید و بدلیل اینکه مشق دارد تلویزیون تماشا نکند، در کوجه نرود، با مهمانها صحبت نکند، در گفتگوهای خانوادگی شرکت ننماید و از این قبیل ممنوعیتهای آنها. اگر در تعدادی از خانواده‌های مرفه‌تر پدر و مادر نیز دوش بدوش کودک بخواندن کتاب و روزنامه می‌پردازند در این قبیل خانواده‌ها فعالیت تحصیلی طفل جنبه استثنائی پیدا میکند. این وضع نیز رفته رفته برای طفل غیر قابل تحمل میگردد و زیادی و یکنواختی تکالیف مدرسه برای او مسبب محرومیت وی از شرکت کامل در زندگی تفریحی خانواده تلقی میشود. اما در مجموع خواهیم دید که شرایط خانوادگی و اجتماعی کنونی کودکان طور است که اینان در یک فضای آموزشی زندگی میکنند و دائماً و خود بخود در معرض تشویق و ترغیب محیط برای مطالعه تحصیل میباشند.

در پاسخ به این سؤال که «اگر از مقدار تکلیف کم کنند با وقت اضافی که برایت کافی میماند چکار خواهی کرد؟» کودکان چنین پاسخ داده‌اند:

۶۶/۱٪ آنها ادعا کرده‌اند که وقت اضافی را صرف مطالعه کتاب و یادگیری میکنند و فقط ۲۸/۴٪ آنها بازی و ۱۰/۹٪ تلویزیون را عنوان کرده‌اند.

ولواً آنکه این ادعا در عمل هرگز به تحقق نه پیوندد اما انگیزه مطالعه و تحصیل در کودکان تقریباً وجود دارد. چه در خانه، چه در مدرسه و چه در جامعه از طریق وسایل ارتباط جمعی این موضوع را به کودک تلقین نموده‌اند که تعلیم و تربیت در به سازی زندگی آینده او امری ضروری است.

ظاهراً القاء این فکر به کودکان بزرگتر آسان‌تر انجام می‌گیرد زیرا کودکانی که در پاسخ به سؤال بالا «بازی» را عنوان کرده‌اند (۲۸/۴٪) بیشتر خردسالان هستند تا بزرگسالان.

۴۹/۹٪ آنها ۷ ساله هستند

۳۸/۲٪ آنها ۸ ساله هستند

۳۲/۴٪ آنها ۹ ساله هستند

۲۴/۷٪ آنها ۱۰ ساله هستند

۲۳/۵٪ آنها ۱۱ ساله هستند

۱۹/۳٪ آنها ۱۲ ساله هستند

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با ازدیاد سن، کودکان بیش از پیش بسوی مطالعه و تحصیل کشیده میشوند و این امر ارتباط تامی با محیط اولیه کودک و وضع طبقاتی او ندارد.

فصل سوم

احساس کودکان نسبت به تلویزیون

از آنجا که ما این تحقیق را منحصر آ در بین خانواده‌های تلویزیون‌دار انجام دادیم تعجب نیست که مهمترین فعالیت فراغتی کودکان ما تماشای تلویزیون باشد. ما بخوبی از مطالعه فعالیتهای مختلف فراغتی بهنگام تعطیلات تابستان استنباط می‌کنیم که فعالیتهای فرهنگی از قبیل قرائت کتاب تا حدود زیادی جنبه مصنوعی دارند و تعطیلات تابستانی کودکان را بسوی ذوق و سلیقه‌های شخصی آنها مانند بازی در کوزه‌ها میکشاند.

در بین فعالیتهای فرهنگی جدید تلویزیون لااقل در خانواده‌های تلویزیون‌دار جای منحصر به فرد و پراهمیتی را اشغال می‌کند. بنابراین ما در این جا تماشای تلویزیون را بعنوان سبب فعالیتهای فراغتی مورد مطالعه قرار می‌دهیم و از سایر فراغتها موقتاً چشم می‌پوشیم.

در طول سال تحصیلی کودکان تا این اندازه به تلویزیون تماشا می‌کنند:

تا $\frac{1}{2}$	ساعت در روز	$\frac{3}{2}$
تا ۱	ساعت در روز	$\frac{7}{1}$
تا $1\frac{1}{2}$	ساعت در روز	$\frac{26}{6}$
تا ۲	ساعت در روز	$\frac{9}{0}$
تا $2\frac{1}{2}$	ساعت در روز	$\frac{29}{2}$
تا ۳	ساعت در روز	$\frac{4}{4}$

جدول ۱۳
توزیع نسی بر حسب مشاغل پدر

وقت روزانه‌ای که صرف تماشای تلویزیون میشود

مشاغل	کمتر از ۱ ساعت	۱ تا ۱ ساعت	۱ ساعت بیشتر تا ۱ ساعت	۱ ساعت بیشتر تا ۲ ساعت	۲ ساعت بیشتر تا ۳ ساعت	۳ ساعت بیشتر تا ۴ ساعت	۴ ساعت بیشتر	جمع	تعداد پاسخگو
کارگر	۸/۸	۲۳/۹	۷/۶	۳۳/۶	۲/۵	۱۴/۵	۵/۶	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۶/۸	۲۴/۷	۹/۵	۳۰/۸	۵/۳	۱۴/۱	۶/۱	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۶/۴	۲۸/۲	۷/۹	۲۶/۴	۵/۰	۱۶/۱	۷/۵	۱۰۰	۲۸۰
مشاغل عالی	۷/۱	۳۱/۶	۱۳/۳	۲۵/۵	۳/۱	۴/۱	۹/۲	۱۰۰	۹۸
جمعیت تعداد پاسخگو	۷/۱	۲۶/۶	۹/۰	۲۹/۲	۴/۴	۱۳/۶	۶/۹	۱۰۰	۸۰۰
	۵۷	۲۱۳	۷۲	۲۳۳	۳۵	۱۰۹	۵۵	۸۰۰	

تا ۴ ساعت درروز ۱۳/۶
 تا ۵ ساعت درروز ۵/۵
 بیشتر از ۵ ساعت درروز ۱/۴

جمع ۱۰۰
 تعداد پاسخگو ۸۰۰

بنابراین اکثر کودکان از یک تا ۲ ساعت درروز به تلویزیون تماشا می‌کنند. اگر ما زمان متعارف برای تماشای تلویزیون را ۲ ساعت برای کودکان فرض کنیم می‌بینیم که ۵۴٪ بچه‌ها وقت زیادی را صرف اینکار میکنند زیرا بطور یقین کاملترین برنامه هم که یک فیلم باشد از ۲ ساعت کمتر طول میکشد. این زمان حتی از زمانی که برای تماشای برنامه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان هم لازم است بیشتر می‌باشد.

حالا اگر ما بیابیم زمان تماشای تلویزیون را در رابطه با شغل پدران کودکان مطالعه نمائیم چنین خواهیم داشت.

این جدول عدم تساوی میزان استفاده از تلویزیون را توسط طبقات مختلف اجتماعی بما نشان میدهد. هرچه وضع طبقاتی در سلسله مراتب اجتماعی بهتر باشد افراد متعلق به این طبقات چه بنفع خود و چه بنفع فرزندان خود بیشتر ساعات و نوع برنامه‌های تلویزیونی را کنترل مینمایند و کمتر به تلویزیون تماشا می‌کنند. اگر ما فقط به ستونهای مهمتر «ساعت بیشتر تا ۱ ساعت» (۲۱۳ نفر) و «۲ ساعت بیشتر تا ۲ ساعت» (۲۳۳ نفر) و «۳ ساعت بیشتر تا ۴ ساعت» (۱۰۹ نفر) توجه نمائیم وضع روشن‌تر جلوه خواهد کرد و تأثیر طبقاتی بر زمان تماشای تلویزیون مسلم‌تر خواهد گردید.

برنامه‌های تلویزیون

در مورد برنامه‌ها ۷/۲۶٪ کودکان از برنامه‌های تلویزیونی ناراضی هستند. در حالیکه فقط ۳/۲۳٪ آنها احساس رضایت خاطر می‌نمایند. بنابراین می‌توان گفت که برای بسیاری از کودکان برنامه‌های تلویزیون تحمیلی جلوه مینماید و دلیل آن دوگانه است:

۱ - بزرگترها به تلویزیون تماشا می‌کنند و در اینحال برای کودکان نیز کاری جز این نمی‌ماند.

۲ - توانائی و نفوذ تلویزیون بر روی کودکان بقدری زیاد است که آنها را مسحور مینماید. آنان گاهی بدون توجه و علاقه و حتی بدون درک موضوع به برنامه

نگاه می‌کنند .

با وجود این کودکان برنامه‌های مناسب حال خویش را از برنامه‌های کسل‌کننده بخوبی تشخیص می‌دهند و با آگاهی نسبت به آنها سخن می‌گویند .

در بین برنامه‌ها آثاری را که کودکان دوست دارند و اول بار بزبان می‌آورند برنامه‌هایی هستند که مخصوص آنها تهیه شده است .

۵۱/۵٪ آنها برنامه‌های کارتین .

۱۱/۴٪ آنها فیلمهای پلیسی و وسترن .

۹/۷٪ آنها فیلمهای تارزان و غیره . . .

در بین برنامه‌های دومی که عنوان میکنند باز :

۳۱/۷٪ آنها برنامه‌های کارتین .

۳/۶٪ آنها فیلمهای تارزان و غیره . . .

۱۲/۶٪ آنها فیلمهای پلیسی و وسترن هستند .

هیچ متغیر دیگری جز جنس کودکان در توجیه انتخاب آنها دخالت ندارد بعبارت دیگر وضع طبقاتی ، میزان سواد و شغل پدر و مادر و غیره بر نظارت کودکان تأثیر نمی‌گذارد .

در حالیکه ۱۶/۶٪ پسرها به فیلمهای پلیسی و وسترن رأی می‌دهند فقط ۵٪ دخترها به این قبیل برنامه‌ها کشیده میشوند . برعکس درعلاقه به برنامه‌های احساسی و عاطفی دختران (۱۲/۸٪) از پسران (۸٪) پیشی می‌گیرند .

در این جا تقابل فرهنگی دو جنس که بطور سنتی در نزد ما وجود دارد عیان میگردد . با اینهمه ممکنست در سالهای آتی این دوگانگی با رشد فرهنگ یک جنسی امروز روبه ضعف رود . تشابه در لباس پوشیدن ، به گردش و سینما رفتن در سایر فعالیتهای زندگی احساس تفاوت بین دو جنس را تخفیف میدهد .

حالا اگر به برنامه‌هایی توجه کنیم که کودکان نسبت به آنها بی‌علاقه و گاهی متنفرند خواهیم دید که عصیان شدیدی در نزد آنها نسبت به « برنامه بزرگترها » وجود دارد . این همان برنامه‌هایی است که برای آنها جنبه تحمیلی دارد و از آنجا که برنامه‌های مخصوص کودکان و برنامه‌هایی که تماشای آنها برای کودکان خسرانی بیار نمی‌آورد ، در یک مدت زمان یعنی (که کاملاً با زندگی اطفال آنچنانکه باید متناسب باشد نیست) عرضه نمیشوند و برعکس در میان سایر برنامه‌ها پراکنده‌اند لذا این جنبه تحمیلی بیشتر از طرف کودکان احساس میشود . چون آنها ناچارند در انتظار برنامه خود برنامه‌های دیگری را نیز تماشا کنند . برنامه‌هایی که بهنگام صرف غذا بخش میشوند معمولاً از این قبیل‌اند :

۴۴/۳٪ کودکان از برنامه‌های خبری و مباحثه‌های اجتماعی متنفرند .

۱۸/۴٪ آنها از برنامه‌های سریال ، مثل روزهای زندگی و غیره گریزان هستند .

در مجموع کودکان نسبت به برنامه‌های تلویزیونی زیاد خوشبین نیستند. شاید یکی از علل این امر آن باشد که کودکان برنامه‌های غیر کودکانه را نیز تماشا می‌کنند .

۲۵٪ کودکان ما اعلام داشته‌اند که بیش از حد لازم به تلویزیون تماشا می‌کنند . با وجود این دید منفی که کودکان بر روی برنامه‌های تلویزیونی می‌افکنند نسبت به تلویزیون علاقه مفرط می‌ورزند .

۳۹/۷٪ آنان به تماشای بیشتر تلویزیون ولع نشان میدهند و ۳۵/۲٪ آنها زمان تماشا را کافی میدانند .

کودکان عموماً تصور مینمایند که تلویزیون برای آنها درست شده .
۳۳/۲٪ بچه‌ها در برابر این سؤال که «تلویزیون رو بهمرفته بیشتر برای بچه‌ها خوبه یا برای پدر و مادرها؟» صریحاً اظهار داشته‌اند برای بچه‌ها . ۴۴/۹٪ دیگر از هر دو طرف نام برده‌اند . ۲۰/۵٪ فقط به والدین اشاره کرده‌اند . در مورد اول کودکان تا حدود زیادی نظر والدین را مبنی بر اینکه تلویزیون بچه‌ها را آرام میکند و به والدین امکان میدهد تا بکارهایشان برسند منعکس مینمایند . در مورد دوم خستگی ارتباط واقعی خود را با تلویزیون به ثبوت میرسانند .

فصل چهارم

ادراك كودكان نسبت به روابط بين بزرگترها

اکنون بعنوان نتیجه گیری به موضوع اصلی تحقیق یعنی ادراك كودكان نسبت به روابطی که باهم دارند می پردازیم ، آیا كودكان به تفاوت های فرهنگی و اختلاف سطح بین مجاری اطلاعات و پیام هایی که به آنها میرسد آگاهی دارند؟ برای مطالعه این قسمت ناچار به مجاری سه گانه اطلاعات خانه و مدرسه و تلویزیون اکتفا می کنیم و روابط آنها را دوبدو مورد توجه قرار میدهیم :

الف) روابط بین تلویزیون و خانواده

آزادی كودكان در تماشای تلویزیون

خانواده ها در مورد سپارش كودكان خود به تلویزیون كم و بیش اعمال قدرت و مقاومت می نمایند. اگر قول اطفال را صادق بدانیم :

۲۰/۹٪ خانواده ها فرزندان خود را عملاً در برابر تلویزیون رها کرده اند و هیچگونه کوشش و کنترلی در تنظیم رابطه آنها با تلویزیون نمی نمایند . در واقع رفتار آنان در این باره رفتاری پذیرا و منفعل است و تلویزیون را بعنوان يك « واقعہ آسمانی » و جبر اجتماعی می پذیرند .

۳۹/۵٪ خانواده ها در تماشای کردن به تلویزیون برای فرزندان خود يك آزادی نسبی قائل میشوند و احتمالاً برای دادن این امتیاز به فرزندان با آنها به چانه زدن می پردازند . در این احوال كودكان نیز همه نیروی خود را بکار

میاندازند تا والدین خود را برقت آورده و اجازه تماشای تلویزیون و یا دیدن برنامه خاصی را از آنها نگیرند. البته موفقیت آنها درغلبه به والدین تضمین شده و حتمی نیست.

۳۹/۶٪ دیگر خانواده‌ها آزادی کودکان را در برابر تلویزیون محدود نموده و آنرا مشروط ساخته‌اند. بنابراین در روابط بین فرزندان خود با تلویزیون اعمال نفوذ می‌نمایند.

از این سه دسته خانواده بیشتر خانواده‌های کارگری هستند که بعلت فقدان سایر وسایل تفریحی و بهره برداری بیشتر از سرمایه گذاری سنگین خود و نیز بدلیل کنجکاوی افراد آن فرزندان را یکجا و بدون قید و شرط تسلیم تلویزیون کرده‌اند. ارقام زیر این واقعیت را نشان میدهد:

در ۲۷٪ موارد فرزندان کارگران می‌توانند هر وقت بخواهند زیاد به تلویزیون تماشا کنند.

در ۲۱/۸٪ موارد فرزندان کارمندان می‌توانند هر وقت بخواهند زیاد به تلویزیون تماشا کنند.

در ۱۸/۶٪ موارد فرزندان کسبه می‌توانند هر وقت بخواهند زیاد به تلویزیون تماشا کنند.

و فقط در ۱۴/۳٪ موارد فرزندان پدران غالب‌تر می‌توانند هر وقت بخواهند زیاد به تلویزیون تماشا کنند.

با اینکه ممکنست تفاوت رفتار در خانواده‌ها خیلی معنادار نباشد ولی جهت این ارقام واقعیت را تا حدی بما عرضه میکند.

انتخاب برنامه‌ها

در مورد انتخاب برنامه‌های تلویزیون به ۴ دسته خانواده برمیخوریم:
- آنهائیکه هیچگونه کننتالی بر روی انتخاب برنامه‌ها ندارند و تعداد این خانواده‌ها نزدیک به $\frac{1}{4}$ کل آنها میرسد (۳۰/۹٪).
خانواده‌هایی که در آنها فقط پدرها بر روی انتخاب برنامه‌ها نظارت دارند (۱۵/۴٪).

خانواده‌هایی که در آنها فقط مادرها بر روی انتخاب برنامه‌ها نظارت دارند (۱۰/۶٪) و بالاخره آنهائیکه در آنها پدر و مادر توأمأ برنامه‌ها را تحت نظر می‌گیرند (۴۳/۱٪).

در مجموع بنظر میرسد که کنترل از طرف پدر جدی‌تر و محسوس‌تر باشد تا مادر و این امر ممکنست باین دلیل باشد که از طرفی حضور پدر در منزل غالباً

همزمان با پخش برنامه‌هایی است که برای کودکان تهیه نشده‌اند. از طرف دیگر حضور دائمی مادر در منزل موجب می‌گردد که قدرت کنترل وی روی انتخاب برنامه‌ها تضعیف گردیده و عملاً در اعمال قدرت از پدر در اینگونه موارد کمک می‌گیرد.

ب) روابط بین تلویزیون و مدرسه

۸۴٪ کودکان اظهار میدارند که از مدرسه بیشتر از تلویزیون چیز یاد می‌گیرند. فقط ۲/۴٪ آنها در نقش آموزش تلویزیون نسبت به مدرسه اصرار می‌ورزند. این ارقام نشان می‌دهد که جنبه تربیتی و آموزشی تلویزیون بنفع جنبه تفریحی و فراغت آن در ذهن کودک تضعیف شده و قبل از هر چیز تلویزیون برای سرگرمی درست شده است. در اینجا نیز کودکان عقیده والدین خود را که در اکثر موارد تلویزیون را «وسیله سرگرمی» میدانند منعکس مینمایند.

اگر چنانچه تلویزیون (غیر از تلویزیون آموزشی) برنامه‌های خاص آموزشی برای کودکان اجرا مینمود، این تصویر در ذهن آنها پیدا نمیشد؛ بخصوص که بتصور کودکان موافقت کامل بین مدرسه و تلویزیون برقرار نیست. در ۹/۵۷٪ موارد معلم با تلویزیون موافق است ولی موافقت او بطور مشروط می‌باشد. موافقت بدون قید و شرط در ۵٪ موارد وجود دارد.

رابطه مدرسه با تلویزیون هر چه می‌خواهد باشد ولی یک چیز مسلم است و آن مخالفتی است که بچه‌ها با برنامه‌های تلویزیونی از زبان معلم خود میکنند. بعنوان نتیجه میشود گفت که مدرسه عموماً حس انتقاد را در ترد کودکان بسط میدهد. در حالیکه خانواده ظاهراً بیشتر از ایدئولوژی و سایل ارتباط جمعی متابعت میکند. اگر مدرسه از نظر آموزشی خود را با تلویزیون مقایسه مینماید خانه برعکس در برنامه‌های تفریحی خود از تلویزیون کمک می‌گیرد. باین ترتیب روابط بین مدرسه و تلویزیون با روابط بین خانه و تلویزیون تفاوت میکند. کودکان از این تفاوت درک دیگری مبنی بر اختلاف سلیقه بین مدرسه و تلویزیون دارند که لزوماً علت آن عدم هماهنگی پیام‌هایی است که این دوسوی کودک می‌فرستند.

پ) روابط بین خانه و مدرسه

روابط بین خانه و مدرسه با ملاقات حداقل یکی از والدین با یکی از معلمان برقرار می‌شود.

در ۴/۳۹٪ موارد پدر و مادر هر دو با معلم فرزندشان ملاقات نموده‌اند.
در ۵/۳۹٪ موارد فقط مادر این وظیفه را به عهده گرفته است.
در ۶/۱۰٪ موارد پدر.

در ۱۰/۵٪ موارد هیچکدام این کار را نکرده‌اند .
 اگر میزان توجه پدر و مادر را نسبت به وضع تحصیلی فرزند خود در ارتباط با شغل والدین مورد مطالعه قرار دهیم خواهیم دید موقعی پدر و مادر توأمآ دخالت میکنند که متعلق به خانواده‌های مرفه‌الحال باشد دخالت مادر به تنهایی در مواردی صورت می‌گیرد که پدر گرفتاریهای اقتصادی داشته باشد . در اینگونه موارد چه بسا که مادر نیز مانند پدر کمتر به سراغ معلم و مدرسه میرود .

جدول ۱۳ - توزیع نسبی بر حسب شغل پدر
 ملاقات با معلم در مدرسه

شغل پدر	هیچیک	فقط مادر	فقط پدر	پدر و مادر باهم	جمع	تعداد پاسخگو
کارگر	۱۳/۲	۴۶/۵	۱۰/۷	۲۹/۶	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۹/۵	۴۰/۷	۱۱/۸	۳۸/۰	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۱۰/۴	۳۸/۹	۱۰/۰	۴۰/۷	۱۰۰	۲۸۰
صاحبان مشاغل						
عالیرتبه	۹/۲	۲۶/۵	۹/۲	۵۵/۱	۱۰۰	۹۸
جمع	۱۰/۵	۳۹/۵	۱۰/۶	۳۹/۴	۱۰۰	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۸۴	۳۱۶	۸۵	۳۱۵	۸۰۰	

از کودک سؤال شده است «فکر میکنی اگر پدرت و معلمت در مورد تو باهم صحبت کنند توافق بینشان هست یا نه ؟»

- بعقیده کودکان در ۵/۵۶٪ موارد این توافق وجود دارد .
- بعقیده کودکان در ۷/۱۷٪ موارد این توافق وجود ندارد .
- بعقیده کودکان در ۷/۲۵٪ موارد این توافق وجود دارد .

جمع ۱۰۰
 تعداد پاسخگو ۸۰۰

این مهمترین تضاد است که ما در ذهن کودک در مورد خانه و مدرسه به آن بر میخوریم . این تضاد باین معنی است که بر سر ارزشهای مثبت و منفی طفل موافقت

کامل بین معلم و پدر وجود ندارد. ممکنست کارهای قابل ستایش کودک را یکی تقدیر و دیگری نفی و سرزنش بکند و برعکس. در عمل نیز گاهی همینطور است. این وضع موجب عدم ثبات تزلزل در وضع روحی کودک میگردد. حالا به بینیم این تفاوت دید و نظر بین معلم و پدر نرذهن چه کودکانی وجود دارد. به جدول زیر توجه نمائیم:

جدول ۱۴ - توزیع نسبی بر حسب شغل پدر

توافق بین معلم و پدر کودک در مورد او

شغل پدر	عدم توافق	توافق	تردید	جمع	تعداد پاسخگو
کارگر	۲۱/۴	۵۶/۶	۲۲/۰	۱۰۰	۱۵۹
کسبه	۱۷/۱	۵۵/۵	۲۷/۴	۱۰۰	۲۶۳
کارمند	۱۷/۵	۵۶/۱	۲۶/۴	۱۰۰	۲۸۰
صاحبان مشاغل عالی	۱۴/۳	۶۰/۲	۲۵/۵	۱۰۰	۹۸
جمع	۱۱۷/۸	۵۶/۵	۲۵/۸	۱۰۰	۸۰۰
تعداد پاسخگو	۱۴۲	۴۵۲	۲۰۶	۸۰۰	

با وجود اینکه تفاوتها معنی دار نیستند ولی عدم توافق پدر با معلم در خانواده‌های کارگری بیشتر است تا در خانواده‌های مرفه. یکی از دلایل این وضع آنست که اگر فرضاً تفاوت نظر در مورد جزئیات کار تحصیلی کودک بین معلم و پدر تحصیلکرده او پدید آید این تفاوت نظر یا حل میشود و یا در سطح خود آنان باقی میماند و معمولاً کودک از آن اطلاع نمی‌یابد. در حالیکه در خانواده‌های کارگری توافق کلی وجود دارد و در مورد جزئیات ناسازگاری زود آشکار میشود. اگر برای خانواده‌های مرفه برنامه‌های تحصیلی و شرایط داخلی مدرسه اهمیت دارد، برعکس در ترد خانواده‌های معمولی اغلب فقط عمل رفتن ب مدرسه کافیهست.

نتیجه :

اگر در فرهنگ سنتی، کودک منحصراً تحت فرمان و تأثیر شدید خانواده بود و در صورتیکه ب مدرسه میرفت، به تناقضی بین نظم فکری خانواده و مدرسه برخورد نمیکرد، امروز دیگر نه تنها زیر نفوذ تربیتی خانواده و مدرسه باقی مانده بلکه یادگیریهای اجتماعی از طریق وسایل ارتباط جمعی نیز به حوزه تأثیرات خارجی بر کودک افزوده گشته است.

علاوه بر تعدد منابع پیام تفاوت آنها و در برخی موارد اختلاف آنها توازن فکری و روحی کودکان ما را برهم میزند و آنان را دچار تزلزل و بی‌سازمانی مینماید. از یکطرف هجوم جوانان به سوی ارزشهای مثبت اجتماعی مانند: تحصیلات و از طرف دیگر استقبال آنان از پدیده‌های منفی جامعه متحول ما مانند بزهکاری و استعمال مواد مخدر نشانه عدم تعادل اجتماعی است که خود مرهون تغییر و تحول وضع جامعه ما می‌باشد.

دلیل این مدعا اینست که این عدم تعادل بیشتر در نزد افراد و گروه‌هایی دیده میشود که بیشتر بدنبال تغییرات اجتماعی کشیده شده‌اند. نه فقرا و نه اغنیاء بلکه قشرهای متوسط اجتماعی که مرتباً در حال تطوّرند، دچار این عدم تعادل میباشند. آمارهای در زمینه جنبه‌های رفتار جوانان نشان خواهد داد که اینان بیشتر بطبقات متوسط تعلق دارند.

احساس کودکان امروز و جوانان فردا نسبت به کانون خانواده دیگر احساس مطمئن و سخت پایهای نیست که بتوان بر اساس آن دنیای آینده آنها را بنا نمود. اختلال و بی‌نظمی در نزد کودکان ما هویدا است. تفاوت دید و نظریین آنها و والدینشان بوجود آمده است، آگاهی به اختلافات خانوادگی آنانرا از جاده راحت بیرون برده و نقشهایی که به پدر و مادر خود اطلاق میکنند حاکی از دوباره به راه آوردن آنان و یکنوع دعوت ایشان به آرامش میباشد.

در تمام نظراتی که کودکان در مورد خانواده خود ابراز کرده‌اند آثار نگرانی و ترس وجود دارد.

در مدرسه کودکان از یکنوع تزلزل اجتماعی رنج می‌برند. در قسمتهای مختلف شهر تهران تعداد ساعاتی که دانش‌آموزان در مدرسه میگذرانند، مقدار تکالیفی که می‌نویسند و چیزهایی که یاد می‌گیرند یکسان نیستند.

انگیزه رفتن به مدرسه در بالا و پائین شهر متفاوت است. شرایط تحصیل نه تنها از داخل (خانواده) برای همه یکسان نیست بلکه از خارج (مدرسه) نیز بر حسب موقعیتهای اجتماعی متفاوت است.

در برابر تلویزیون بعنوان مؤثرترین وسیله ارتباط جمعی وضع کودکان روشن نیست با اینکه تلویزیون تنها موردیست که امکان استفاده یکسان به همگان میدهد، نحوه استفاده از تلویزیون از یک طفل به طفل دیگر، از یک خانواده به خانواده دیگر و از یک محله به محله دیگر تفاوت میکند.

کنترل خانوادها بر اطفال خود باشکال مختلف صورت می گیرد.

شرایط اجتماعی خانواده کونک در وضع زندگی وی تأثیر کلی و عمیق دارد. کودکان امروز به عدم تساوی شرایط خود واقفند و به عدم هماهنگی بین نیروهائی که در مورد آنان تصمیم می گیرند نیز آگاهند.

تناقضات و تضادها در روشها و پیامهای آموزشی و پرورشی و تفریحی فقط مربوط به تحول فرهنگی نیست بلکه در داخل فرهنگ جدید نیز وجود دارند.

از طرفی افکار جامعه مصرفی که تلویزیون نقش اشاعه آنرا بازی میکند طفل را زیر کنترل میگیرد از طرف دیگر افکار جامعه دانشها که اساساً غربی هستند و مدرسه آنها را توزیع مینماید کونک را تحت تأثیر قرار میدهد. از یکطرف خانواده فرزندان را بعقب میکشد و آنها را از زندگی خیابانی منع میکند، از طرف دیگر مجلات و روزنامهها و دوستان و تلویزیون آنها را به آزادی فکر و عمل دعوت می نمایند.

در چنین محیط ناهماهنگ و ناموزونی است که کودکان تهرانی رشد میکنند. بیادگیریهای اجتماعی می پردازند و در همین شرایط است که هم آهنگی بین پیامها چه غربی و چه شرقی، چه صنعتی و چه سنتی برای حفظ بهداشت روانی و سلامت فکری کودکان ضروری میگردد.

